ترجمه کتاب مستطاب

تاریخ ایران

تألیف

جناب . . . مستر شوستر امریکائی

در دوره ریاست خزانه داری

دولت علیه ایران

تمهید

اشتیاق عامه باطلاع وقایع جدیدهٔ ایران و درخواستشان از من نگارش وقایع غریبهٔ عجیبهٔ را که منتج انفصال من ازخدمت خزانه‌داری ایران درماه ژانویه ۱۹۱۲ شده تا جائیکه در خاطر دارم · سبب اصلی و علت غائی تصنیف این کتاب گردید *

وقایع و مندرجات ذیل از مآخذ و مجاری بسیار مستند موثق تحصیل شده · و یادداشتهای روزنامهٔ (دفتر بغلی) خود که در مدت اقامت در ایران نوشته ام آن را تکمیل می نماید * و نیز بعضی توضیحات و اشارات تاریخی که برای تکمیل تفهیم وقایع مزبوره لازم بود بانضمام تشریحاتیکه اظهار آن را مناسب دانسته ام » بر آن افزوده شده است *

بسیار متأسفم که از انجام دادن آن کار عام المنفعهٔ پسندیده در آن مملکت قدیم محروم شدم · لیکن تأسف و تلخکامیکه در وقت حرکت از آنجا در دل داشتم · اکنون بکلی رفع شده است · آن پذیرائی صمیمی شایانیکه درفوریهٔ گذشته هنگام ورود به لندن از من بعمل آمد و نیز احتراماتیکه از طرف جرائد امریکا و هموطنان عزیزم بظهور پیوسته زحمات و مشقتهائیرا که در دو ماههٔ آخر اقامتم در طهران متحمل شده بود بقسمی جبران و از خاطرم محو نمود که اکنون از آن افسردگی اثری باقی نیست *

قلم دبیر و مضمون نگاری مثل مکالی (Macaulay) یا قلم موئی مصوری مانند فرسچاگن (Ferestchagin) لازمست که شرح و نقشهٔ این پردهای سریع الحرکتی را که مسبب و باعث انحطاط وانقراض آن ملت قدیم شده است ، نگارش و تزئین نماید · یعنی پرده و نیرنگهائیکه آن دو دولت مقتدر مسیحی » علی الظاهر بصورت تمدن و صداقت و شرافت و در حقیقت بمکاری و قانون بازی نمایش دادند · بلکه یکی از آن دو دولت برای حصول مقاصد پولتیکی خویش و مأیوس نمودن ایرانیان از تجدید حیات خود از ارتکاب مظالم بس وحشیانه هم خود داری نکرد *

نتایج اصلی و فوائد حقیقی انسانیت و بهتر بن روابط بین المللی مقتضی و مستلزم آنست که در چنین موارد حقیقت واقع را بیان کنم ، لیکن وقایعیکه عنقریب ذکر خواهد شد بدین ملاحظه که مبادا در مواقع دیگر مورد اعتراض و تنقید واقع شود ، بدان صراحت که شایسته بود ، نه نگاشته ام *

این خرابیها و تباهی سلطنت شاهنشاهی ایران ، اگر توجه احساسات عالم تمدن را نسبت باین خصایل غارت گری بین المللی که نشانه و نمونهٔ پولتیک ۱۹۱۱ عالم است فی الجمله منعطف و تند نسازد ، زندگانی و کشمکش با جد و جهد و به بعضی تعبیرات ، خونبهای مشروطه خواهان ایران حالیه ، شاید بکلی بهدر رفته باشد *

بعضی شئوق متعدّده مخصوصه در نوشتن حالات جدیدهٔ پولتیکی ایران می باشد که فی الجمله توضیحش لازمست *

امر اوّل اینست که معاملات پولتیکی ایران که مملوّ از پریشانی و بد بختی ملیونها مردم بیگناه است ، مثل یك تیاتر بسیار منظم خوبی صورت پذیر میشود * بلکه شنیده ام که بعضی آن معاملات پولتیکی را به (اپرابوفه) (Operabouffe) یعنی تیاتر مسخره آمیز ، تشبیه نموده اند * قارئین این کتاب خواهند دید که همان اشخاص قدیمی کهنه پرست بلباسهای مختلف پی در پی در نمایشگاه آن تیاتر آمده و پس از نشان دادن پردهٔ مختصری مراجعت می نمایند ، مثلاً یکدفعه ملبس بلباس وزیر شاه پرست شده و مرتبهٔ دیگر به کسوت وطن رستان معروف جلوه ، وکابینه های موهومیست که پی در پی تشکیل و بسرعت تمام منحل میشود * و مردمانیکه در مجامع ملی و مجالس قومی دارای مقامات عالیه میباشند در ظرف یکروز بلکه یك ساعت بحضیض گمنامی ومحویت تنزّل نموده ، همینکه گردش بی پایان اکثر یکها آنها را محبوب القلوب عامه می سازد ، باندك فرصتی دو مرتبه باوج ترقی صعود میکنند * تمام اشخاصیکه از طبقهٔ صاحب منصبان ومأمورین دولتی میباشند از همین طراز بهمین نمونه اند که پیشه وشغلشان منحصر بهمین روّیه میباشد ، وقطعاً در ایران این صنف از مردم بالنسبه به سایرین امتیازی دارند * حقیقةً در همین چند سالهٔ اخیره ، این امر ، که کسانیکه از طبقهٔ متوسط و بی لقبند ، می توانند بهر شغل رسمی مأمور شوند ، جایز و ممکن الوقوع شده است * نصیب و امید و ارزوهای ملیونها رعایای آرام بی صدا در غالب امور موقوف است بمسلك و میل همان صاحب منصبان کابینه ، یا مأمورین و حکام و یا جنرالهای از پیش خود (خیالی) که درهر آن هر طریقه و مسلکی که میخواستند اختیار مینمودند * این امر را هم باید ملتفت بود که باستثنای قلیلی از مأمورین دولتی سایر

صاحب‌منصبان و نمایندگان ، همشان منحصر به متموّل گردانیدن خود و دوستان خود بوده است * از این بیان ، افعال و اعمال عجیبهٔ این طبقهٔ محترمین ایران قدری واضح‌تر میگردد *
بجهة صحت تاریخ معرفت کامل ، در بارهٔ شخصانیت واغراض اینگونه از مردم که اقدامات و اغراض شخصیشان در وقایع جدیدهٔ پولتیکی ایران تا درجهٔ دخالت کرده و راه یافته ، لازمست * یك امر دیگر که برای بی اطلاعان ، خصوصاً اجانب بسیار اشکال و پیچیدگی دارد ، اسماء و القابست ، عموم ایرانیان فقط دارای اسمی میباشند ، لکن از مأمورین بسیار کم کسی را سراغ دارم که لقب نداشته باشد * ندانستن و نشناختن لقب شخصی امر آسانی نیست که بسهولت اغماض از آن نمایند ، چرا که باعث رنجششان خواهد شد ، مثلاً شخص محترمی در خدمت پولتیکی امریکا باشد و از پیش خود خودرا «سپهسالار سپهسالاران» یا «ممتازالدّوله» یا «اقبال الدّوله» بخواند * و بعد از اختیار هیچه لقبی و تحصیل فرمانیکه تصدیق آن لقب را بکنند ، اسم اصلی خودرا ترك کرده و بعد از آن با آن القاب شناخته‌شوند برای اجانب وخارجیها بسیار مشکلست که آن القاب را یاد گرفته و بیاموزند ، خصوصاً که اکثر آنها بیکی از چهار کلمه ، ملك ، دولت ، سلطنت ، سلطان ، ختم میشود *
نایب السلطنه حالیه اوّل بلقب ناصر الملکی مشهور بود ، لکن بعد از آنکه بمقام نیابت سلطنت رسید ملقب بلقب نائب السلطنه ، یعنی نائب پادشاه شد *
یك اشکال دیگر برای ما دانستن حروف تهجی آن اسماء و القاب و تبدیل آن بحروف اروپائیست که مردم غالباً آنهارا مختلف نوشته و از اینجهة مختلف تلفظ میشوند ، ، ، ، *
(مصنّف بعضی شواهد و نظائر برای اثبات مسئله فوق نوشته است که دانستن آن برای ایرانیان لوضیح واضح خواهد بود باینجهة صرف نظر از ترجمه آن شد — مترجم *)
اکثر قارئین محترم از تاریخ قدیم ایران بیشتر واقف ومطلع میباشند ، تاوقایعیکه جدیداً در آن مملکت عجیبه بظهور پیوسته * مقصودم بیان حالات تاریخی ایران نیست ، مگر وجیزهٔ مختصری که ذیلاً نگاشته می شود ، متعلق بواقعات انقلابیهٔ ایران که منتهی شد به تشکیل سلطنت مشروطه در عهد سلطنت مظفرالدین شاه ، پنجم اوت ١٩٠٦ (سیزدهم جمادی‌الثانیه ١٣٢٤) * واقعات پولتیکیکه در این کتاب درج شده تازه ترین وقایعی است که خود من شخصاً در تحصیل آنها سعی و کوشش بسیار نموده ام تا مفید تر واقع شود *
شهادت بسیارقویّ که از قرن گذشته راجع بقدرت وخواهش اطلاع ملت ایران از امور عمومی خود بدست داریم ، منع وقدغن مشهوریست که علماء اسلام در خصوص استعمال

دخانیات اعلان کرده و متعهد فوراً آنحکم را امتثال و مجری داشتند * در صورتیکه از سنه ۱۸۹۱ م (۱۳۰۸ ه) آن امتیاز حقیقةً و رسماً جاری و معمول شده بود * سال قبل از آن ناصرالدین شاه قاجار امتیاز انحصار خرید و فروش تمام تمباکو و توتونهای ایران را بکمپانی انگلیسی در لندن داد ، سرمایهٔ این کمپانی با هیئت شرکاء ششصد و پنجاه هزار لیرهٔ انگلیسی بود ، امید و احتمال قوی میرفت که منفعت و عایدات سالانه آن انحصار بالغ بر پانصد هزار لیره بشود ، بموجب آن قرار داد ربع آن منافع سهم دولت ایران بود ، جزء خود شاه وجه وزراء و اهل دربار *

تا آنکه ایرانیانیکه مدتها ستم کشیده و دوچار شکنجهٔ استبداد بودند ، از این فروختن کلیهٔ حقوق و منافع و صنایعشان عاجز و بتنگ آمده ، در دسمبر ۱۸۹۱ (جمادی الاولی ۱۳۰۹) بجهة امتثال و اجراء احکام شرعیه ، جمیع دکانهای تمباکو و توتون فروشی خود را بسته و باب معاملات را مسدود و قلیانهای خود را شکسته و یا کنار گذارده و جداً ترك استعمال نمودند ، در مدت قلیل حیرت انگیزی استعمال تمباکو و دخانیات واقعاً و حقیقةً بکلی موقوف و متروك گردید ، این شورش باینـدرجه ختم و موقوف نشد ، تا آنکه شاه مجبوراً امتیاز معهوده را بعد از قبول کردن و دادن منسوخ نمود * دولت ایران معادل پانصدهزارلیره بعنوان تاوان و خسارت بسود صدی شش قرض نموده بکمپانی انگلیسی مزبور رد نمود * فائده و سودیکه از آن امتیاز جابرانهٔ غاصبانه عاید ملت گردید ، معادل سی هزار لیره خسارت سالانهٔ سود آن قرضه بود ، که بذمهٔ ایسملت بد بخت قرار گرفت *

ناصرالدین شاه بیستم سپتمبر ۱۸۴۸ (بیست و یکم شوال ۱۲۶٤) بتخت سلطنت جلوس و در اول مه ۱۸۹٦ (هفدهم شوال ۱۳۱۳) بعد از تقریباً سلطنت پنجاه سال ، بگلولهٔ شخص مذهبی متعصبی ، میرزا محمد رضا نام کرمانی کشته شد ، اگرچه مقصود حقیقی او معلوم نشد که چه بوده است ، ولی غرض ش ، تعلق و ارتباط تامی به این عقیده عمومی داشت ، که حقوق ایرانیان را بسرعت تمام بخارجیها و اجانب میفروختند *

مظفر الدین شاه قاجار که در آنزمان ولیعهد بود ، هشتم ژون ۱۸۹٦ (بیست و پنجم ذیحجه ۱۳۱۳) بتخت سلطنت جلوس وتا چهارم ژانویهٔ ۱۹۰۷ (هیجدهم ذیقعده ۱۳۲٤) ، سلطنت و در همان سال فوت نمود ، تقریباً شش ماه قبل از فوتش که عدم رضایت ایرانیان بواسطهٔ مظالم سلاطینشان پی در پی تزاید یافته ، بنای شورش و بلوی و تحریکات علنی را برای تحصیل مشروطیت گذارند در ژوئیهٔ ۱۹۰٦ (جمادی الاولی ۱۳۲٤) بهتدابیریکه

هم عجیب و هم بموصل بمقصود بود ، کامیاب و نائل گردیدند *

بعد از آنکه پیشوایان مذهبی آنها را بمطالبهٔ حقوق و مخالفت با مظالم درباریان ترغیب و تحریص نمودند ، تقریباً شانزده هزار نفر از هر طبقه و هر صنف از اهل طهران در محوّطهٔ سفارت انگلیس و مساجد و امکنهٔ دیگر متحصن شدند ، و با کمال نظم و متانت سیورسات و ملزومات معاشیه و لوازم حفظ الصحه در آن امکنه برای خود آماده کردند ، باین تدابیر ساکتانه ، به عزل کردن شاه عین الدوله را که از او شاکی بودند کامران و به آنها سلطنت دستوری قانونی یا مشروطه عطا شد ، بعد از کوششهای مختلفه که شاه و وزراء برای درهم شکستن صولت آن طرز اقدامات ملیین بکار برده مجبور بقبول شدند ، بملاحظه توهین و رنجشیکه برای درباریان از آن طرز رفتار و حرکات ملیین حاصل شد و از ترس آنکه مبادا تدابیر عملی آنها در مدافعه سخت تر از این گردد ، پنجم اوت ۱۹۰۶ (سیزدهم جمادی الثانیه ۱۳۲٤) دستخط مشروطه بایشان اعطاء و مردم بر سر خانه و مشاغل معمولی خود مراجعت نمودند *

سلطنت استبدادی قرنها پادشاهان ایران باین طرز باوی و شورش بدون خونریزی مبدّل بسلطنت مشروطه گشت * اگرچه آن مشروطه بملاحظات عدیده ناقص بود ، ولی امریکه خیلی منظم بود ، بیداری و اطلاع مردم از حقوق حقهٔ خود وعزم بسیار راسخشان ، برای اینکه هموطنان خودرا از آن راهی که از قرون عدیده سلاطینشان بزرگی و جالاکی آنهارا بجانب پراکندگی و متلاشی شدن و تخریب سلطنت میکشانیدند ، منصرف نموده و نجات دهند *

از آن حقوق ملی که مجلس باهیئت منتخبه ملت بدست آورده بود که در تعیین وزراء ووضع یا تدوین قوانین ، موقع گفتگو داشته باشند ، بزرگترین تغییری درقدرت مستبدانه شاه را یافت * پس از مراسلات و تبادل افکار و تحصن (بست) اجتماع دوبی که در محوّطهٔ سفارت انگلیس در اوایل سپتمبر ۱۹۰٦ (اواسط رجب ۱۳۲٤) واقع شد . در اوایل اکتوبر ۱۹۰٦ (اواسط شعبان ۱۳۲٤) بدون انتظار ورود وکلاء ولایات اوّلین مجلس در طهران افتتاح و نطق شاه خوانده شد *

چهارم ژانویه ۱۹۰۷ (هیجدهم ذیقعده ۱۳۲٤) مظفرالدین شاه فوت نمود و محمد علی میرزای ولیعهد که در تبریز اقامت و حکومت ایالت زرخیز معظم آذربایجان را داشت و شاه شد * این شخص بی شرف هفدهم دسمبر ۱۹۰٦ (سلخ شوال ۱۳۲٤) وارد

طهران گردید * آنوقت شاه بسیار سخت مریض بود * نوزدهم ژانویه ۱۹۰۸ (چهارم ذیحجه ۱۳۲٤) بتخت نشست * قبل از آن تعهد کرده بود که اساس مشروطه و حقوقی را که پدرش بملت عطا نموده باقی و برقرار بدارد *

محمد علی شاه قاجار شاید شخص جبان و گمراه و بی آبرو وموذی ترین جانور قرنهای عدید بود که تخت سلطنت ایران را ملوث ساخت. از ابتدای اقتدارش رعایای خودرا به بی عزتی وحقارت نظر می نمود و بسبب داشتن معلم روسی بد ذاتی برای پایمال و لگد کوب کردن حقوق ملت بسهولت تمام نائب الحکومه و آلة اجرای مقاصد دولت روس و سفیرش در ایران شده بود *

دورهٔ سلطنت محمد علی شاه بطریقه بسیار مکروهی آغاز و باکمال نخوت و بی اعتنائی بمجلس می نمود ، آن بدگمانی و مخالفتهای علنی طرفین عمومیت پیدا کرده و مجلس مصمم شد که بعضی از آن اقتداراتیکه بزحمت زیاد تحصیل نموده بکار برد شاه با همراهان محبوبش که وزراء ودرباریان ارتجاعی بودند ، عزم جزم نمود که تمام قوای جابرانه ومستبدانه سابق خودرا که خاندان قاجاریه بآن متصف ومشهور بودند ، بکار برده و بر خلاف رعایا و اهل مملکت خود با مأمورین دولت روس سازش و آنتریك نماید ، حقیقةً با روس وانگلیس برای استقراض چهار صد هزار لیره که موافق میل ورضای خود صرف و تلف نماید ، محرمانه قرار داد نموده بود ولی آن قرار داد مستور باندك زمانی مکشوف و بواسطهٔ ممانعت و اقدامات ملاّها ومجلس از تکمیل وانجام آن محروم شد *

وکلاء مجلس بیشتر از پیشتر یقین حاصل نمودند که شاه و پارتیهایش ، ایشان را مخالف اراده و پیشرفت مقاصد خود میدانند ، باین جهة وکلاء عازم شدند که اقتدارات خودرا در اصلاحات لازمهٔ امور بکار برده وخصوصاً سعی وکوشش بسیار نمودند که استقراض جدید از روس وانگلیس را مانع شوند زیرا که آنها آن قروض روز افزون ملت ایران را ، باعث خطر آزادی و استقلال سلطنت میدانستند ، باین ملاحظه کوشش نمودند که مخارج شاه واهل دربار و اطرافیانش را محدود سازند ، آن تصرفات ناجایز غاصبانهٔ را که با کمال بی دیانتی مثل دزدها در مالیات و عایدات دولتی می نموده ومثل املاك شخصی اجارة میدادند ، تخفیف واثرات مضرّت بخش مسیو نوز (M. Naus) که شخص بلجیکی : واز چند سال قبل با عدهٔ از همو طنانش برای نظم گمرکات ایران جلب شده بودند خاتمه دهند ،

زیرا سرمایهٔ بزرگی برای خود تحصیل و اقتدار و مداخلات بسیار مضرّی در دو قوّه باقیکی و مالیاتی فراهم کرده بود . مجلس در این صدد هم بود که یك بانك ملی که سرمایه اش از سهام شرکاء داخلی باشد تشکیل دهد تا بواسطه اتکال و اتکاء به آن از استقراضات اجانب رهائی یابند *

دهم فوریه ۱۹۰۷ (۲۶ ذی حجه ۱۳۲٤) شاه مجبور شد که مسیو نوز را معزول نماید . این اوّلین کامرانی بود که وقع و اهمیت مجلس را در انظار مردم ایران بسیار ترقی داد *

در این موقع شاه مصمم شد که از امین السلطان معروف به اتابك اعظم ، برای انجام دادن مشاغل ریاست الوزرائی ، خواهش مراجعت بایران نماید . تاریخ جدید ایران شاید اتابك را معتدل ترین شخصی بداند که با تمایلات بسیار و سعه اروپائی بعد از سیاحت کامل مراجعت نموده ولی بکلی مستبد و مرتشی بود ملاّها او را بواسطه شرکت و مداخلت بی تدبیرانه که در دو فقره استقراض از روس بابت سنه ۱۸۹۹ تا سنه ۱۹۰۰ و سنه ۱۹۰۲ نموده بود مجرم و مقصر میدانستند و در سنه ۱۹۰۳ مجبور شد که جلاء وطن نماید . وقتی که اتابك اظهار رضایت بمراجعت نمود دولت روس در تجدید روابط دوستی و خصوصیت و گرم گرفتن با او فرصت را از دست نداده و مشار الیه را با کشتی جنگی خود شایان ترین اعزازات رسمی از بحر خزر به بندر انزلی ایران عبور داد . همینکه از کشتی پیاده شد اهالی رشت که مقر حکومت گیلانست . قبل از اینکه اجازه حرکت بسمت طهران باو بدهند او را مجبور کردند که بوفاداری و صداقت باساس مشروطه ایران قسم یاد نماید *

بیست و ششم اپریل ۱۹۰۷ (سیزدهم ربیع اول ۱۳۲۵) که اتابك مراجعت بایران نموده و وارد طهران شد . تمام شعب و دوائر دولتی را پریشان و غیر منظم یافت . خزانه بر حسب معمول خالی و در تمام مملکت شورش و هرج و مرج جاری بود . اگرچه مجلس کما بیش میدانست که چه باید بکند . ولی شاه مصمم بود که مجلسیان غیر از فقط تصویب و اجراء خیالات او اقدام بهیچ کار دیگر نکنند اهالی اصفهان هم بر خلاف حکومت ظل السلطان [illegible] شورش [illegible] در ماه [illegible] هم آن [illegible] سالار الدوله برادر شاه [illegible] و [illegible] را [illegible] طهران [illegible] با افواج شاه . در همان ماه در نزدیکی نهاوند شکست خورده [illegible]

امور و اوضاع مملکتی [illegible] دولت روس [illegible] که [illegible] استقرار

اصول مشروطیت در ایران نبود · از ماه اوت بمداخلات خود شروع به تهدید مجلس نموده · با عثمانی هم مخالفت آغاز و یکدسته ششهزار نفری از افواج عثمانی از سرحد شمال غربی ایران عبور و تجاوز و بعد از تصرف و قبضه نمودن چندین قصبات شهر ارومیه را آشکار تهدید نمودند *

در تمامی آن مدت اتابك مشغول به نقشه کشی و بدست آوردن قرضه دیگری از دولت روس بود · چون خائف بود که مبادا مجلس تصویب نکنند و بدون تصویب مجلس هم تکمیل آن قرض مشکل بود · تا اوآخر اوت تقریباً در جلب موافقت اکثر وکلا · با خیال خود کامران و کامیاب گردید · تا گاه درسی و یکم اوت (بیست و یکم رجب ۱۳۲۵) وقتیکه از پارلمنت بیرون می آمد · بگلوله جوانی معروف به عباس آقای تبریزی کشته و بلا فاصله عباس آقا هم خود کشی نمود · آن جوان یکی از اعضاء انجمن های بسیار یعنی مجامع و سوسیاتیهای پلتیکی سری بود که اعضاء آنها به تعداد کثیری معروف شده بودند · ولی بی شبهه قصد و خیال وطن پرستانه وی حفظ دولت مشروطه بوده و از خرابی و حیله هائیکه بتوسط این رئیس الوزراء درشرف ظهور آمدن بود · اورا وطن فروش میدانست *

قتل اتابك شاهد صریحی بود بر تحقق و وجود عده کثیری که قسم خورده بودند که اساس مشروطیت را حمایت نموده و کسانیکه مخالف با نمایندکان باشند از میان بردارند · اگرچه به تحمل زجر و مشقتهای سیاسی · یا بکشته شدن مجرمانه منجر شود *

بعد از آن تا زمانه درازی پریشانی بی اندازه در امور و تا مدتی شاه و مجلس نتوانستند در قبول کابینه اتفاق نمایند · تا اواخر اکتوبر ۱۹۰۷ (اوآخر رمضان ۱۳۲۵) که ناصر الملك (که اکنون نائب السلطنه ایرانست) به تشکیل کابینه متفق علیهی موفق شده احتمال قوی دربارهٔ بسیاری از اعضاء آن کابینه میرفت که حامی اساس مشروطیت باشند · تا ماه دسمبر که آن کابینه مستعفی شد · به مشاغل راجعه بخود مشغول بودند *

سی و یکم اوت ۱۹۰۷ (بیست و یکم رجب ۱۳۲۵) معاهده بین انگلیس و روس در پطرسبرگ بامضا رسید و چهارم سپتامبر (بیست و پنجم رجب ۱۳۲۵) در طهران شهرت یافت و با کمال احتیاطیکه در مواد و عبارات اطمینان بخش آن عهد نامه رعایت شده و با ضمانت احترام و بقاء استقلال ایران که در آن تصریح شده بود · اثر بسیار دردناك حسرت انگیزی در ایرانیان نمود *

وقع واهمیت معاهده مذکوره برای وقایع تاریخی که بعد ذکر خواهد شد · بدرجه می

باشد که مناسبت دارد قسمتی از موادش که راجع بایراست درانجا ذکر شود *

(معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس) .

(اعلی حضرت پادشاه ممالك متحده بریتانیه اعظم و آیرلند ومستملکات ماوراء بحار بریتانیه و امپراطور هندوستان و اعلی حضرت امپراطور تمام روسیه ، بواسطه تحریك خواهشهای سابقه ، راجع به تصفیه مسائل مختلف فیه ، متعلق بفوائد و منافع دولتین در قارهٔ آسیا ، متفقاً مصمم شده اند که عهد نامه را تکمیل کنند که غرض اصلی ازآن منع و رفع موجبات کدورت و اختلاف بین دولتین بریتانیه اعظم و روسیه میباشد ، متعلق بمسائل مذکوره ذیل :-

باین ملاحظه سفراء خودرا یعنی اعلی حضرت پادشاه ممالك بریطانیه اعظم وغیره وغیره سرآرتهر نیکلسن (Sir Arthur Nicolson.) سفیر فوق العاده و وزیر مختار دولت خود را که مقیم دربار اعلی حضرت امپراطور روسیه است و اعلی حضرت امپراطور تمام روسیه رئیس دربار خود الکساندر ایسولسکی (Alexander Iswolsky) را که وزیر امور خارجه دولت روسیه است ، برای انجام این معاهده مأمور نموده ، وایشان کلیه اقتدارات واختیارات خودرا که صحیح و مطابق قاعده بود بیکدیگر ارائه و تسلیم ودر امور ذیل اتفاق نمودند :-

اصلاحات متعلقه بایران

(دولتین بریتانیه و روسیه باهم متعهد اند که احترام استقلال و آزادی ایران را کاملاً رعایت نمایند و چون صادقانه خواستار و طالب حفظ و بقاء امنیت و نظم در تمام آن ملك و ترقی صحیح صلح آمیز آن میباشند) ، ونیز برای برقرار داشتن فوائد متساویه تجارت وصناعت جمیع ملل دیگر ، وبملاحظه اینکه هر یکی از این دو دولت بملل و موجبات جغرافیائی و اقتصادی غرض و فائده خاصی در برقرار داشتن صلح وامنیت در بعضی ولایات ایران در نظر دارند ، که از یك طرف متصل یا مجاور سرحد روسیه و از طرف دیگر بسر حدات افغانستان و بلوچستان میباشد ، وچون خواهشمند برهیز و اجتناب از موجبات مناقشات بین (منافع و فوائد متعلقه بخود شان) ، درولایات مذکوره ایران میباشند ، در شرائط و مواد ذیل باهم اتفاق نموده اند :-

(اولاً) دولت انگلیس یا بریتانیه اعظم تعهد میکنند که هیچ گونه امتیازی برای خود ، یا بحمایت رعایای انگلیس یا رعایای دولت ثالثی جلب و تحصیل نکنند ، چه پلتیکی باشد

وجه تجارتي ، مانند امتياز راه آهن و بانك و تلگراف و شوارع حمل ونقل و بيمه وغيره، خارج از خطيكه از قصر شيرين شروع شده و از اصفهان و يزد و خاخ گذشته به نقطه سرحدى ايران ، جائيكه سرحد روس و افغانستان باهم تقاطع ميكنند منتهى شود و نيز در خواهش اينگونه امتيازات صراحةً يا كنايةً ، در آن خطه كه تحت حمايت روس است ، با دولت مشار اليها مخالفت نه نمايد ، اين نكته مسلم است كه نقاط مذكوره فوق جزو آن خطه ميباشد كه دولت انگليس تعهد ميكنند كه امتيازات مذكوره را در آن خواهش نكنند *

(ثانيًا) دولت روس از جانب خود تعهد ميكنند كه هيچگونه امتيازى براى خود ، يا بحمايت رعاياى دولت روس ، يا در باره رعاياى دولت ثالثى جلب و تحصيل نكنند ، چه پلتيكى باشد وچه تجارتى ، مانند امتياز راه آهن و بانك و تلگراف و شوارع حمل و نقل و بيمه وغيره ، خارج از آنخطيكه از سرحد افغانستان شروع واز راه فازيك و كرمان و بيرجند گذشته و به بندر عباس منتهى شود ، و نيز صراحةً يا كنايةً در خواهش امتيازات مذكوره در آن خطه كه تحت حمايت دولت انگليس است ، با دولت مشار اليها مخالفت نمايد ، و اين مطلب نيز مسلم است ، كه امكنه مذكوره فوق ، جزو آن خط است ، كه دولت روس تعهد ميكنند كه امتيازات مذكوره فوق را خواهش نكنند *

(ثالثًا) دولت روس از طرف خود تعهد ميكنند كه مخالفت نكند و تصويب نمايد ، تحصيل هر قسم امتيازى كه رعاياى دولت انگليس تحصيل نمايد در آن امكنه ايران كه واقعست بين دو خط مذكور در آرتيكل اول و دوم ، در صورتيكه قبلا باهم تبانى وقرارداد كرده باشند ، و دولت انگليس نيز قبول ميكنند مثل اين تعهد را ، متعلق بتحصيل رعاياى دولت روس امتيازات مذكوره را ، در همان امكنه سابقة الذكر ايران و جميع امتيازات موجوده حاليه كه در خطه هاى مذكوره در فصل اول و دوم اين معاهده ميباشند ، بحالي خود باقي خواهند بود *

(رابعًا) اين نكته مسلم است كه عايدات جميع كمركات ايران باستثناى عايدات گمركى فارس وخليج فارس ، يعنى عايداتى كه ضمانت ميكند تأديه سود واستهلاك قرضهاى را كه دولت ايران از بانك استقراضى تا تاريخ امضاء اين عهد نامه گرفته است بمصرف همان محل خواهد رسيد كه سابقا بان مصروف ميرسيد ، و اين نيز مسلم است كه عايدات گمركى فارس و خليج فارس و نيز عايدات ماهى گيرى در ياى خزر كه در كنار ايران واقعست و هم عايدات پست و تلگراف ، كما فى السابق بمصروف تأديهٔ قروضى خواهد رسيد كه بين دولت ايران

و بانك شاهنشاهی تا تاریخ امضاء این عهد نامه قرارداد شده است *

(خامساً) در صورت وقوع بی نظمی در اقساط استهلاك ، یا تأدیه سود قروض دولت ایران ، که با بانك استقراضی و بانك شاهنشاهی ایران تا تاریخ امضاء این عهد نامه قرارداد شده و در صورت وقوع ضرورتی که برای دولت روس پیش آید ، برای برقرار نمودن نظارت خود بر مأخذ های عایداتی که ضامن تأدیه قرضهای بانك مذکور اول ، و در خطه مذکوره در فصل دوم این عهد نامه واقعست ، یا برقرار نمودن دولت انگلیس نظارت خود را بر مأخذ های عایداتیکه ضمانت تأدیهٔ قرضهای بانك مذکوره ثانی را نموده و در خطهٔ مذکوره در فصل اول این عهد نامه واقعست ، دولتین انگلیس و روس تعهد میکنند که خیالات خود را دوستانه با رعایت تدابیر وشروط نظارت در مسئله معهوده مبادله نموده واز هر گونه مداخله و تصرفی که مخالف با اصول این عهدنامه باشد اجتناب و پرهیز کنند ، نیکلس ـ ایسولسکی)

فقرات دیگر این عهد نامه متعلق بافغانستان و تبت است *

این عهد نامه فقط بین انگلیس و روس انعقاد و تکمیل یافت ، علی الظاهر برای نظم و تصفیه مسائلی بود ، که تعلق به فوائد و اغراض متناسبه آنها داشت ، جمیع آن فوائد و اغراض چه در مملکت ایران و چه در سایر ممالك ، جعلی و از خود درآورده و بین خود شان معهد و مقرر بود ، دولت ایران در انعقاد این عهد نامه بهیچ قسم نه سرًا و نه علنًا طرف ، واقع نبوده و دخالتی نداشت ، و مجلس نیز حقیقة از تکمیل آن عهد نامه تا چهارم دسمبر که در طهران انتشار یافت بی اطلاع بود *

ایرانیان بی شبه از این تقسیم مملکتشان در شب (در غیاب و خفا) اظهار تنفر بسیار نمودند ، حتی از آن خطوط موهومی جغرافیائی که آن دو دولتی که خود شان را با دولت ایران متحابتین میخواندند معین نموده و در صورتیکه صراحتًا « معاهد و اتفاق خود شان را برای استقلال وآزادی ایران و خواهشهای دادفانه آنها در برقرارداشتن نظم در تمامی آن مملکت ، و ترقی صلح آمیز آن ، اعلان کرده بودند *

اهالی طهران خیلی بهیجان آمده ، جوش و خروش و پروتستهای متعارفی در بازارها واقعشد ، روز دیگر سر سیسیل اسپرنك رایس (Sir cecil Spring rice) وزیر مختار انگلیس در طهران مراسله رسمی بدولت ایران نوشت که در آن توضیح حقیقت و معنی آن عهد نامه نا پسندیده را بعبارت ذیل درج کرده بود :—

ترجمهٔ مراسلهٔ رسمی وزیر مختار انگلیس راجع بماهیت و اغراض حقیقی معاهدهٔ انگلیس و روس که در چهارم سپتامبر ۱۹۰۷ (بیست و ششم رجب ۱۳۲۵) بفارسی بوزارت امور خارجه ایران اظهار داشته بود *

بدوستدار اطلاع رسیده که در ایران شهرت دارد که قرار دادی فیمابین انگلیس و روس منعقد شده که نتیجهٔ آن مداخله دولتین در ایران و تقسیم این مملکت بین آنها خواهد بود، جنابعالی مطلعید که حقیقت و ماهیت عهد و پیمان انگلیس و روس بکلی بر خلاف عقاید مردم میباشد، چنانچه بهمین تازگی جناب مشیر الملك به پطرسبرگ و لندن رفته و با وزیر امور خارجه هر دو دولت در این باب مذاکره و بحث نموده و آنها صریحاً اغراض مطلوبه خود شان را در بارهٔ ایران بایشان اظهار داشته بدون شبهه مشیر الملك آن اطمینانات را بدولت متبوعه خود اطلاع داده است *

سر ادوارد گری (Sir Edward Grey) وزیر امور خارجهٔ انگلیس مضمون مذاکرات با مشیر الملك واظهارات مسیو ایسولسکی (Iswolsky) را که رسماً بدولت انگلیس تقدیم وبمشیر الملك توضیح و بمن هم اطلاع داده است، (که سر ادوارد گری و مسیو ایسولسکی در دو نکته اساسی بکلی باهم متفق اند) ، اولاً هیچیك از این دو دولت در امور ایران مداخله نخواهند کرد، مگر در صورتیکه خسارت و نقصانی بجان یا مال رعایای آنها وارد آید، ثانیاً مفاد و مفهومی که از معاهده دولتین انگلیس و روس استنباط می شود، هرگز شکستی باستقلال و آزادی ایران وارد نخواهد آورد *

سر ادوارد گری این نکته را هم اظهار داشته که بواسطه رقابت و مخالفتیکه بین دولتین انگلیس و روس تا بحال بوده و هر یکی از آن دو سعی و کوشش در منع دوام نفوذ دیگری در ایران می نمودند و اگر این رقابت غیر مطمئنه تا چندی در ایران امتداد می یافت، شاید بلك یا هر دوی آن دو دولت را بمداخله در امور داخلی ایران ترغیب می نمود، تا از استفاده و انتفاع دیگری یا ضرر خود از حالات موجوده ممانعت نماید، غرض از این معاهده بین انگلیس و روس جلوگیری چنین اشکالات بین خود شان بوده و این معامله بوجه من الوجوه بر خلاف صرفه و صلاح ایران نیست، چنانچه مسیو ایسوالسکی این نکته را بجناب مشیر الملك توضیح کرده است، (هیچیك از این دو دولت هیچگونه چشمداشت و توقعی از ایران نداشته و هیچ چیز نمی خواهند، تا اینکه ایران بتواند تمام قوای خود را برای نظم و تصفیهٔ امور داخلی خود جمع نموده و مصروف دارد)، و آن دو وزیر بکلی در عدم

مداخله در ایران متفق (و جای هیچ گونه احتمال شکی هم در اینباب باقی نگذارده اند) ·
کلمات و عبارات مسیو ایسوالسکی که بیان اراده انگلیس ها را میکند بر حسب ذیل است :
« مسلك عمومی دولت روس اجتناب از هر قسم مداخله در امور ممالك دیگر میباشد ،
تا وقتیکه امر مضری برای فوائد او واقع نشود » و بکلی ممتنع است در اینمعامله موجوده از
مسلك خود انحراف ورزد . »

در باب شهرت افواهی تقسیم ایران بین انگلیس و روس اظهار کرده میشود که دولتین
مذکورتین میخواهند در ایران نفوذ خود را محدود و معین نمایند . (سر ادورد گری و مسیو
ایسوالسکی) هر دو صریحاً اظهار داشته اند که این راپورتهای افواهی بکلی بی اصل میباشد »
چیزیکه این دو دولت در نظر دارند اینست که می خواهند قرار دادی برای منع اشکالات
و اختلافات آتیه بسته شود با ضمانت و تعهد این نکته که باید هیچیك از آن دو دولت
اراده جلب نفوذ در آن حصص ایران که متصل بحدود دولت دیگری است نکنند » این
معاهده نه مضر بفوائد ایران و نه مانع از منافع دولت دیگریست ، زیرا که این معاهده انگلیس
و روس را فقط پای بند و مقید میکند) که در ایران هیچ طریقه اقدام به امری نکنند
که منجر و منتهی به نقصان فوائد و منافع دیگری بشود » و به این وسیله ایران را در آینده از
(آن مطالبیکه در ازمنهٔ سابقه مانع از ترقی آرزو های پولتیکیشان شده بود نجات دهند *
آنچه مسیو ایسوالسکی اظهار نموده بر حسب شرح ذیل است — :

« این معاهده بین دو دولت اروپائی که بزرگترین اغراض و فوائد شان در ایران مبنی
بر ضمانت استقلال و آزادی آن مملکت میباشد . فقط برای ترقی و پیشرفت فوائد آن دولت
عمل خواهد شد تا از این (بعد ایران بتواند به کمك و امداد این دو دولت قوی همسایه تمام
قوای خود را بمصرف اصلاحات داخله خود برساند) * »

از بیانات مذکوره فوق ملاحظه خواهید فرمود که افواهاتیکه در این روز ها راجع
بخیالات سیاسی انگلیس و روس در ایران شایع میشود چقدر بی بنیاد و بی اصل است »
غرض این دو دولت از انعقاد این عهد نامه هیچگونه حملهٔ نیست » (بلکه برای مطمئن ساختن
آزادی ابدی ایرانست) » نه فقط نمی خواهند عذری بجهة مداخله کردن در دست داشته
باشند . بلکه غرض آنها از این عهد و پیمانهای دوستانه این است که یکدیگر را (از مداخله
در ایران به بهانهٔ حفظ اغراض و فوائد) ممانعت نمایند » این دو دولت امید وارند که دولت
ایران همیشه از خوف مداخلهٔ اجانب نجات یافته » (به نحوی آزاد شود که امور خود را

بطور دلخواه نظم دهد) و باین قسم هم بخود ایرانیان و هم به تمام اهل عالم فایده خواهد رسید *)

تا دسمبر ۱۹۱۱ (اوایل محرّم ۱۳۳۰) این نوشته معتبر رسمی در «بلو بوک» انگلیس ثبت نشده بود (۱) * لکن در همان اوقات بواسطه سئوالیکه بعد از تاریخ مزبور در آن باب از وزیر امور خارجه در مجلس وکلاء عمومی شده بود ، مشخص گردید که مراسله مذکوره پنجم سپتامبر ۱۹۰۷ (بیست و ششم رجب ۱۳۲۵) از طرف وزیر مختار انگلیس مقیم طهران بدولت اخطار گردیده است *

حالت پریشانی و بی نظمی ایران بهمان قسم جاری بود ، در ماه نوامبر مطابع و جرائد طهران در آرتیکل های سخت حقارت آمیز بی مهابانه و تقریباً بی حجابانه ما فوق التصور بشاه حمله نمودند ، چهارم نوامبر (بیست و هفتم رمضان ۱۳۲۵) شاه با شکوه تمام بمجلس رفته و مرتبه چهارم بقرآن قسم مغلظ یاد نمود ، که مخالفت با اساس مشروطه نکرده و وفاداری نماید *

اوایل دسمبر هیچه معلوم شد که محمد علی شاه عزم خود را جزم نموده که مجلس را خراب کند ، برای انجام این مقصد دو دسته قشون داشت بریکاد معروف قزّاق ایرانی که جمعیتشان از هزار و دویست تا هزار و هشتصد نفر ، و در تحت فرماندهی و حکم صاحب منصبان نظامی روس واز طرف دولت مشار الیها برای انجام این خدمت مأمور و لکن مواجب بگیر از خزانهٔ دولت ایران بودند ، و جماعت غیر منظمی هم از طبقه نوکر و مهتر و قاطرچی های خود شاه ، به انضمام رجاله و آراذل سر بص پای تخت ، افواج ایران بواسطه بی پروائی مصادر امور جنگ چنان بحضیض گمنامی تنزل کرده بودند که هیچکس آنهارا قابل اعتنا تصور نمیکرد *

پانزدهم دسمبر (نهم ذیقعده ۱۳۲۵) شاه اعضاء کابینه ناصر الملك را که تازه همان اوقات مستعفی شده بودند طلبیده و آنها را جبراً توقیف و رئیس الوزراء هم جزو آنها بوده (۲) *

در این اثنا الواط و اراذلیکه احضر شده و از شاه پول گرفته بودند در میدان توپخانه که

(۱) بلو بوك یا کتاب آبی : دفتر بست که سواد نوشتجات پلتیکی دران ثبت می شود *

(۲) ناصر الملك بواسطه سفارش و تاکید سفارت انگلیس خلاص شد مشار الیه یکی از همدرسهای سر ادوارد گری بوده و دوستان بسیار از سیاسین انگلیس داشت *

واقع در نقطه مرکزی طهرانست ، بلوائی آغاز نموده و بر خلاف مجلس هیاهو کردند ، لکن اقدام کافی برای تصرف وقبضه نمودن بهارستان ، یعنی عمارتیکه وکلاء در آن اجلاس و مذاکره میکردند ، فراهم نشده بود ، روز بعد در موقعیکه مجلس بر حسب معمول منعقد بود ، داوطلبان مسلح از تمام اصناف ملت ، برای دفاع از تهدیدیکه بنمایندگان مشروطه آنها شده بود ، فوراً بطیب خاطر حاضر شده و مدخلهای مجلس را محافظت نمودند . باین جهة بلوائیان شاه و قزاقهای ایرانی جرأت حمله بمجلس نکرده نتیجه این شد که صلح موقتی بروی کار آمد . باین معنی که شاه راضی شد بر حسب تقاضای ملت بعضی از ندماء و وزراء خودرا معزول و تبعید کرده و اوباط را که باعث سلب امنیت شده وسکنه طهران راغارت کرده بودند تنبیه و بریکاد قزاق و افواج دیگر دولتی را در تحت اختیار و اقتدار وزارت جنگ قرار داده و مجدداً قسمنامهٔ مهر کرده و بمجلس بفرستد که مخالفت با مشروطه ننماید ، در این موقع مردم بواسطه شنیدن تهدید تخریب مجلس فوراً از جمیع ولایات . تلگرافاً اظهار حمایتهای خود را بوکلاء خویش تقدیم نمود ، وچند دسته فدائی مسلح هم بطرف پای تخت گسیل داشتند *

بیستم دسمبر ۱۹۰۷ (چهاردهم ذیقعده ۱۳۲۵) بعد از عود امنیت از طرف شاه کابینه جدیدی بریاست نظام السلطنه معین ومجلس هم طریقه صلح آمیزانه خود را نسبت بشاه جاری ولکن پی در پی همان قسم وقایع تازه برانگیخته شده و پیش می آمد *

اواخر فوریه ۱۹۰۸ (اواخر محرّم ۱۳۲۶) اراده قتل شاه شده بوده وقتیکه در کالسکه که عقب اتوموبیل سلطنتی میرفت نشسته و از خیابانهای طهران عبور مینمود ، باین گمان که شاه دراتوموبیل است « بمب » بالای اتوموبیل انداخته و محترق شد ، زخم کمی به « شفر » یعنی اتوموبیلچی شاه که مرد فرانسوی موسوم به وارنه (**M. varnet**) بود رسید ومحمد علیشاه جانی بسلامت بدر برده وبجز وحشت و دهشت سخت صدمه باو نرسید . البته از آن سوء قصدیکه مشروطه طلبان نسبت بجان شاه کرده بودند شاه بدگمان شده ، روابط وتعلقاتش نسبت بمجلس و مجلسیان نازك و دقیق تر گردید *

اواخر مه ۱۹۰۸ (اواخر ربیع الثانی ۱۳۲۶) هریکی از آن دو فریق مطالب ومقاصدی اظهار نموده بودند که بنا بود طرفداران شاه ومشروطه طلبان آنها را تصفیه واصلاح نمایند . لذا اوّل ژون ۱۹۰۸ (غرّه جمادی الاولی ۱۳۲۶) شاه خواه نخواه مجبور شد . که عدّه از درباریان ارتجاعی خود را که یکی از آنها امیر بهادر جنك معروف که ملتیان از او بسیار

متنفر بودند. معزول کنند ولی مشار الیه بسفارت روس پناهنده شد *

روز بعد مداخله های علنی سفارتخانهای انگلیس و روس شروع و بطوری صریحاً تقویت و امداد از مغلوب شدن مجلس نمودند که نتیجه آن سه هفته بعد بمباردمان بهارستان بتوسط بریگاد قزّاق شد *

وزیر مختار روس مسیو دهارتویك (M. Dehartwig) و شارژدافر انگلیس مستر مارلینك (Mr. Marling) • وزیر امور خارجه ایران را ملاقات نموده و دولت ایران را حقیقةً تهدید کردند که درصورتیکه مخالفت و ضدّیت با خیالات و نقشه های شاه ترك نشود. روس مداخله خواهد نمود. وزیر مختار روس سبقت گرفته. تهدیدات خود و خواهشهای شاه را اظهار نمود. ولی نمایندهٔ انگلیس همراهی دولت متبوعه خود را فقط موکول بقبول مقاصد وزیر مختار روس گردانید *

چگونه ممکن است که این تخویف و تهدید دولتین روس و انگلیس را بمداخله جابرانه در اساس امور داخلی ایران. با آن معاهده دولتین و مراسله که «سرسیسیل اسپرنك رایس» بدولت ایران نوشته بود توافق داده و جمع نمود. بی شبه این تهدیدات علناً مناقض با وعد هائیست که در آن عهد نامه درج شده بود *

آن پیغام منحوس سفارتین فوراً بمجلس اخطار کرده شد و در آنجا هم همان اثر را بخشید. که علی الظاهر نمایندگان دپلوماتی در نظر داشتند. مجلس همیشه از مداخله اجانب خوفناك بود *

بعد از آنیکه مجلسیان. شاه ممتن حیله جوی قسم دروغ خور خودرا عملاً مجبور کردند که مطابق قانون زندگی کند بملاحظه اظهارات آن دو سفارت که غرض اصلیشان برگردانیدن معاملات ایران بحالت اوّلیه بود که از آبهای کدر گل آلوده ماهی بگیرند. مجبور شدند که جدّ و جهد خود را بی نتیجه بگذارند *

روز دیگر که سوّم ژون ۱۹۰۸ (سوم جمادی الاولی ۱۳۲۶) بود خوف شاه اورا مجبور کرد. که بجهة محافظت خود از هر قسم مخاطرات متصوره از شهر خارج شده و در باغ شاه که خارج از شهر است اقامت نماید. وقتیکه در این مسافرت کوچك از خیابانهای شهر عبور میکرد بواسطه رها نمودن دو هزار نفر سرباز گارد «سیلاخوری» که مستحفظش بودند. وحرکت دادن سیصد نفر قزّاق با توپخانه ولوله و هیاهوی غریبی در شهر برپا نمود شاه باین تدبیر و در پناه این پرده غوغا و آشوب. باتفاق کرنل لیاخف (Colonel

(Liakhoff) کماندان بریکاد قزاق. بباغشاه رفت *

روز بعد جماعت کثیری از مردم. به تصور اینکه شاه خیال حمله دیگری بمجلس دارد. خواستار اعلان خاعش شدند *

پنجم ژون ۱۹۰۸ «پنجم جمادی الاولی ۱۳۲۶» شاه بگرفتار کردن عدهٔ از مشروطه طلبان مصمم شد و به بهانه اینکه میخواهد با ایشان مشورت نماید. آنها را بباغشاه دعوت نمود. ولی یکی از آنها قرار کرده و واقعه را فوراً بمجلس اطلاع داده. این اقدام باعث هیجان شدیدی در پایتخت شد *

بین ششم و بیست و سوم ژون ۱۹۰۸ «۶ و ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶» شاه تهدیدات علنی نموده و تدارکات خود را برخلاف مشروطه طلبان دیده و افواج و اسلحه و قورخانه بسیاری در باغشاه جمع ومهیا و تلگرافخانه ها را ضبط و ازاین راه مخابرات بین مجلس و ولایات را قطع و بجای مشروطه طلبانیکه مستخدم دولت بودند ارتجاعیون مشهور را بخدمات دولتی مأمور و بسیاری از مردم را حبس و قانون نظامی را در شهر جاری و ریاست حکومت نظامی را به «کرنل لیاخف» روسی سپرد . بعد از آن قزاقها را با یك اولتیماتوم تهدید آمیزی بمجلس فرستاد که اگر مردم منتشر نشوند مسجد را بمباردمان خواهد نمود و علاوه تبعید عدّه از مدیران جرائد و نطاقان مشروطه خواه را خواستار و در آخر بیست و دوم ژون مجلس و مردم را فریب داد که کمسیونی مرکب از ملیها و دولتیها . برای تصفیه مسائل مبحوث عنه مختلف فیه تشکیل شود

قبل از طلوع آفتاب روز بیست و سوم ژون ۱۹۰۸ (۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶) بیشتر از هزار نفر قزاق با افواج دیگر عمارت مجلس را محاصره کرده و خیابانهای متصله با آن را نیز تصرف ومسدود نمودند . وکلاء و سایرین بعجله تمام خود را بدان محل رسانیده . آنها را مانع از دخول بمجلس نشده . ولی از خارج شدن ممانعت مینمودند . یکساعت بعد «کرنل لیاخف» با شش نفر صاحب منصب روسی دیگر وارد شد افواج و شش توپ موجوده را بنوعی تقسیم کرد که سرکوب به آن محل باشد . بعد از آن کرنل مزبور سوار بر اسب شده و از آنجا رفت . افواج و توپخانه که تحت فرماندهی باقی افسران روسی بود فورا بعمارت مجلس شلیك نموده و در شلیك اول عدّه از داو طلبان ملی که در اینجا حاضر بودند کشته شدند *

صد نفر یا بیشتر از ملیان مسلح که در آنجا حاضر بودند جواب شلیکشان را داده

و ۳ توپ قزاقها را بکلی بیکار ساختند ، مجدداً کمک بقزاقها رسیده داو طلبان مجلس با اینکه عدهٔ بسیاری مخالف ایشان بودند ، مدافعه شدیدی نموده و تا هفت یا هشت ساعت جنگ را امتداد دادند ، تا اینکه آن عمارات از اثر نارنجك و شرپنل خیلی خراب شده و آنهائیکه در آن بودند یا مقتول و یا گرفتار و یا فرار نمودند ٭

بسیاری از ملتیهای معروف گرفتار وایشان را یا حبس و یا خفه نموده و بعضی دیگر که دولتیان در صدد دستگیر نمودن آنها بودند ، فرار کردند ، « کرنل لیاخف » و تابین هایش تا چند روز خانه های اشخاصی را که منفور شاه بودند ، بمبارد و غارت میکردند ، دفاتر مجلس را هم ضایع کردند ، « کرنل لیاخف » با اینکه مأمور نظامی روس و ملبس به لباس روسی و مواجب بگیر از دولت ایران بود ، حاکم حقیقی با اقتدار طهران گردید . کابینه روس با انتقاد بهائیکه انگلیسها و سایر اروپائیها از اقدامات ومداخلات وی و افعال « لیاخف » کرده بودند ، بکلی انکار وتحاشی نمود ومتعذر شد که اقدامات کرنل مزبور بکلی در تحت احکام شاه ومجری امر او بوده است ، دلائل و شهادتهای بسیار موجود است که ثابت میکنند که لیاخف در واقع ، نقشهٔ تخریب مجلس و اساس مشروطه را ، بر حسب اراده و میل جماعتی از ارتجاعیون که دورا دور امپراطور روس در پطرسبرك بودند و مسیو « دهارتویك » وزیر مختار روس در طهران نمونهٔ نمایانی از آنها بود ، بموقع اجرا گذاشت ٭

در خلال این حال شورش در ولایات ، خصوصاً در رشت و کرمان و اصفهان و تبریز شروع و اهالی تبریز خلع شاه را اعلان داده و از آنجا یك دسته سیصد نفری سوار بطهران فرستاده شد که از مشروطه حمایت نمایند ٭

در این زمان امید واری استرداد وعود حکومت مشروطه در طهران خیلی ضعیف شده بود ، جای تعجب نیست از اینکه مردم طهران قطع امید واری ای خود را احساس نمودند ٭

همان روز که « کرنل لیاخف » در طهران مشغول گلوله ریزی بمجلس بود ، در تبریز که دوم شهر ایران بشمار است بین ملتیان و دولتیان در بازارها جنگ شروع شده ، سکنهٔ تبریز از آن زمان که محمد علی شاه ، ولیعهد وحاکم ایالت آذربایجان بود ، او را بخوبی شناخته و از وی متنفر بودند ٭

تا ده ماه بعد از تخریب مجلس ، مشروطه طلبان تبریز دوچار فشار عسرت و کشمکش بی تناسبی بودند . اوآیل ، گرفتار کشمکش و مقاومت با دولتیان بوده ، تا اینکه تقریباً آنها

از شهر خارج کردند ، او آخر ، بسبب مسدود شدن راه ها و محاصرهٔ کامل شهر دو چار قحط و غلا شدند . در اکتوبر ۱۹۰۸ (رمضان ۱۳۲۶) شهرت نمود که روسها به بهانهٔ اینکه قونسل تبریز احتمال وقوع خطر سختی برای اروپائیهای آن شهر میدهد، اراده فرستادن قشون برای مداخله در تبریز دارند . ولی حقیقت امر مکشوف شد که «مسیو پوخیتا نوف (M. pokhitonoff) با دولتیها آنتریك كرده كه اسلحه و قورخانه بقشون دولتی برسانند ، افواج ملی برای احترام و محافظت جان و مال اتباع خارجه خیلی سعی و احتیاط میکردند و شهادت کافی از اروپائیها راجع به اثبات این امر در دست است که در زمان تسلط حکومت مشروطه در آن محل، نظم کاملی فرمان روا بوده *

یازدهم اکتوبر (چهاردهم رمضان ۱۳۲۶) چهار صد نفر قزاق ایرانی با چهار توپ ، در تحت فرماندهی افسران روسی بریگاد قزاق ، برای مدافعه ملتیان از طهران به تبریز روانه شدند ، ولی تا دوازدهم اکتوبر ملتیان بکلی تمام شهر تبریز را تسخیر و قبضه نموده بودند *

او آخر نوامبر (اوآیل ذیقعده ۱۳۲۶) با وجود ورود قزاقها با توپ ، برای امداد محاصرین شهر ، ملتیان تبریز متواتراً فتوحات میکردند ، ملیین سایر ایالات فرصتی برای تکمیل نقشه های جنگی خود بدست آورده و درظرف چهار ماه بعد از آن بمقصود خود نائل شدند رشت و اصفهان ولار و سس شیراز و همدان و مشهد و استراباد و بندرعباس و بوشهر را ملتیان در قبضهٔ تصرف خود در آوردند *

بختیاریها بحمایت ملیین مصمم شده و بهمین جهت پنجم ژانویه ۱۹۰۹ (دوازدهم ذیحجه ۱۳۲۶) دو نفر از خوانین آنها صمصام السلطنه و ضرغام السلطنه با هزار نفر از متعلقین و منتسبین خود ، شهر اصفهانرا متصرف شده و افواج دولتی را متفرق نمودند *

در رشت که واقع در شمال ایران است ، آن شخص معروف یعنی سپهدار اعظم که چند ماه قبل از آن در تبریز سردار و کماندان افواج دولتی بوده و شهر تبریز را محاصره کرده بود ، جنبش ملتیان را معاونت و امداد نمود *

در خلال ماه ژانویه (ماه ذیحجه ۱۳۲۶) سکنه تبریز در عسرت بسیار واقع شده و بسیاری از آنها از گرسنگی در شرف مردن بود ، و بزجر و مشقت با علف (ینجه) گذران میکردند . تابعین وحشی رحیم خان و افواج دولتی شهر را محاصره کرده بودند ، استقامت ایشان دراین محاصره فقط بواسطهٔ امیدواریها و وعده های یغما و غارت نا محدودی بود که به آنها داده بودند که پس از تصرف و تسخیر شهر به آن نائل خواهند شد *

در موقعیکه ملتیان عازم بودند که بجهة تحصیل آذوقه برای اهل شهر یکی از راهها را باز کنند. دو نفر از اتباع خارجه با عزم ایشان شرکت نمودند، یکی از آنها مستر مور (M. moore) انگلیسی بود که بعنوان وقایع نگاری از طرف چند روزنامهٔ انگلیسی به ایران آمده و دیگری مستر باسکرویل (M. baskerville) امریکائی که در مدرسه پسران در تبریز معلم بوده و از حزب دعاة طریقه «پریس بتریَن» (pres byterian) امریکائی بود (۱) *

مستر باسکرویل در حمله بیست و یکم آپریل کشته شد *

وقتیکه کار تحصیل آذوقه بعسرت و یأس رسید. رأی داده شد که اتباع خارجه از شهر خارج شوند و بفرمانفرمای قشون دولتی اطلاع دادند که آنهارا بسلامت عبور دهد، ولی تقریباً تمام خارجیها راضی بودند که از منافع خود صرف نظر نمایند، بیستم آپریل (بیست و هشتم ربیع الاوّل ۱۳۲۷) روسها مصمم شدند که به بهانه تسهیل رسانیدن آذوقه و محافظت قونسلخانه‌ها و رعایای خارجه و کمك نمودن بکسانیکه میخواهند از شهر خارج شوند، قشون خود را داخل شهر نمایند *

بیست و نهم آپریل (هشتم ربیع الثانی ۱۳۲۷) عدهٔ از قشون روس که مشتمل بر چهار دستهٔ قزّاق و سه باطالیون پیاده و دو باطری توپخانه و یکدسته عمله‌جات بود، باطراف تبریز رسیده و روز بعد وارد شهر شدند، دولت روس ضمانتهای موثق و معتبر داد که اقامت و ساخلو بودن آن افواج در تبریز، تا وقتیست که امنیت شهر و محافظت جان و مال قونسلها و رعایای خارجه لازم باشد و نیز تعهد کرد که از مداخلهٔ در امور پلتیکی بکلی اجتناب خواهد نمود *

چنانچه همیشه در مثل این گونه موارد معمول است، تصادف و مشکلات سختی، بین اهالی بومی تبریز و این چهار هزار نفر قشون روس که در داخل و خارج شهر بودند واقع شد، با اینکه امنیت و نظم کامل در شهر عود کرد، وعدهٔ خارج شدن روسها ابداً وفا نشد، در امتداد ماه مارس اعراب ملی رشت، قسمتی از آن راه که بحر خزر را بقزوین و طهران اتصال میداد، متصرف شدند *

پیشرفتن اینشان خیلی به کندی بود، زیرا که منتظر ورود و توأم شدن افواج بختیاری اصفهان از سمت جنوب بودند *

---

(۱) پریس بتریَن شعبهٔ از فرقهٔ پرتستیان مسیحی می‌باشند، مترجم

نتیجهٔ مراسله رسمی بسیار سخت سفارتین روس و انگلیس که در بیست و دوم آپریل بشاه نوشته بودند این شد که شاه مجدداً در دهم مه (نوزدهم ربیع الثانی ۱۳۲۷) وعدهٔ صریح موثقی نمود که مشروطه را معاودت داده و برقرار نماید ، لیدران و نمایندههای ملی و مردم ابداً بوعدهای او اطمینان نداشته و اعتنا نکردند *

هر دو دسته افواج ملی توأماً بجانب پای تخت حرکت نمودند ، فوج اصفهان در تحت فرمان صمصام السلطنه بزرگ بختیاریها بود ، قریب بهفتم می برادر چالاك و زیرکش سردار اسعد که از راه خلیج فارس از اروپا مراجعت نموده بود ، با او شریك شد ، شاه عدهٔ قشونی برای جلوگیری افواج مزبوره فرستاد *

در این اثنا حزب ملی رشت ، شهر قزوین را که تقریباً نود میل طرف شمال (غربی) طهران واقعست تصرف نمودند ، اگرچه ایشان در تحت حکم سپهدار اعظم بودند ، ولی روح محرك آن افواج متهاجمهٔ یورش آور را یفرم خان ارمنی میدانستند ، قزوین بتاریخ پنجم مه (چهاردهم ربیع الثانی ۱۳۲۷) تسخیر و در ششم مه عدهٔ از قزاقان ایرانی با توپ ماکزیم در تحت کماندانی «کاپتان زاپولسکی» (.Captain Zapolski) روسی برای محافظت تنگه و پل کرج که تقریباً سی میل طرف شمال غربی طهران واقع است از طهران حرکت نمودند ، عساکر ملی عدد شان از ششصد نفر هم کمتر بود *

در این موقع سفارت روس دو باره شروع بمداخله در این کار نمود و مراسلهٔ تهدید آمیزی بسپهدار نوشته صراحةً خواهش کرد که پیشقدمی خود را بطرف طهران ترك و موقوف گرداند *

شانزدهم ژون (بیست و هفتم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) سوارهای بختیاری که مشتمل بر هشتصد نفر بودند بطرف طهران روانه و چندی بعد بین ایشان و ملیین رشت و قزوین ، ابواب مکاتبه و مراسله و استحکام روابط مفتوح گردید ، سفارتین روس و انگلیس در کار باز داشتن و منصرف نمودن خوانین بختیاری از خیالات و مقاصد شان بودند ، ولی بی نتیجه شد ، بیست و سوم ژون پیش قراول این حزب بقم که هشتاد میل سمت جنوب طهران است رسید *

با وجود تهدیدات مکرره سفارتین ، سردار اسعد اظهار داشت که بعضی خواهشها از شاه دارد و باین بهانه پیشقدمیش همانطور جاری بود ، دولت روس در ترسانیدن افواج ملی کوشش بسیار نموده و بگرد آوردن افواج متهاجمهٔ حمله آوری در بادکوبه شروع کرد که بشمال

ایران بفرستند *

در این موقع شهرت نمود که پنجهزار نفر افواج شاه در سلطان آباد متوقف و هزار و سیصد و پنجاه نفر هم قزاق در طهران بودند که هشتصد نفر آنها در شهر در تحت فرمان «کرنل لیاخف» و سیصد و پنجاه نفر در شمال پای تخت (در سلطنت آباد ییلاق سلطنتی) و دویست نفر هم سمت جنوب پای تخت، منتظر ورود بختیاریها بودند، سوم ژوبه (چهاردهم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) فوجی که در کرج بود بطرف شاه آباد که شانزده میل با طهران فاصله دارد عقب نشست و روز دیگرش هم یك مقابلهٔ و جنك مختصری بین آن افواج و ملتیان که پیش می آمدند واقع و از طرف ملیین دوازده نفر مقتول و از قزاقهای ایرانی که با سه عرّاده توپ در تحت حکم کاپتان «زاپلسکی» و دو نفر افسر نظامی «نان کمیشن» روس بودند (۱) و یك صاحب منصب ایرانی و سه نفر تابین مقتول و دو نفر مجروح گردیدند *

در خلال این منازعات، دولت روس موقع را مغتنم شمرده و متوالیاً دسته جات افواج خود را از باد کوبه بسمت ایران حرکت میداد، تا هشتم ژوبه (نوزدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) تقریباً دو هزار نفر از آنها وارد ایران گردیده و یازدهم ژوبه (بیست و دوم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) بقزوین رسیدند، سفارت روس بملتیان اعلان نمود که اگر یکقدم بطرف دارالتخت بیشتر بگذارند، باعث مداخلهٔ خارجه خواهد شد *

کوشش و تدابیر دیگر برای ترسانیدن و منحرف ساختن سرداران ملی بکار برده ولی بی نتیجه ماند *

دهم ژوبه (بیست و یکم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) تصادمی بین بریگاد قزاق و بختیاریها در بادامك که پانزده میل طرف غربی طهران است واقع شد، ولی نتیجهٔ صحیحی نه بخشید و این جنگها تا دو روز متوالی جاری بود، سیزدهم ژوبه (بیست و چهارم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) هر دو دستهٔ افواج ملی، از بین اردوگاه بریگاد قزاق و سایر افواج دولتی بچالاکی باریك شده و گذشتند و خصم را بواسطه این حرکت مات نموده و ساعت شش و نیم صبح بی خبر وارد طهران شدند، چابکی این حرکت بدون شك، نتیجه خیالات و اقدامات یفرم خان سابق الذکر بود *

---

(۱) نان کمیشن صاحبمنصبان نظامی را گویند که از درجه ست سر بازی یا تابیبی شروع بخدمت نمود، و ترقیات آنها هم محدود است * (مترجم)

تمام آن روز در بازارها و معابر طهران ، نائرهٔ جنك مشتعل و مردم شهر با جوش و خروش بسیار ، جنود و احزاب ملی را استقبال و معاونت نموده و سیزدهم ژویه (بیست و چهارم جمادی الثانیه) را روز نجات و خلاصی خود از استبداد میدانستند » روز دیگر بریگاد قزاق در تحت فرماندهی کرنل « لیاخف » ، در قزاقخانه خود و میدان مشق که وسط شهر است محصور شد » کرنل روسی مراسله بسپهدار که سردار افواج ملی بود نوشته وشرایطی برای تسلیم بریگاد قزاق پیش نهاد نمود ، با اینکه تا آنوقت بریگاد قزاق هنوز میدان مشق را از دست نداده بود » افواج ملی در تمام مدت آن انقلابات به نهایت جوانمردی و حزم ومآل اندیشی رفتار کردند » پانزدهم ژویه (بیست و ششم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) پای تخت را کاملاً بقبضهٔ تصرّف خود در آوردند ☆

ساعت هشت و نیم صبح شانزدهم ژویه شاه با دستهٔ بزرگی از افواج و همراهیان خود درسفارت روس در زرگنده که چند میل خارج از شهر است متحصن و بدین طریق گویا از سلطنت مأیوس گشته و کناره گیری اختیار نمود » ولی قبل از اقدام به آن حرکت » رضایت و تصویب سفارت روس را راجع به آن امر تحصیل کرده بود » از وقت ورود شاه تا انقضاء مدت اقامتش در سفارت ، بیرقهای روس و انگلیس بر عمارت وزیر مختار روس نصب کرده بودند ، در این موقع کرنل لیاخف خود را بافسران ملی تسلیم ورسما ملازمت و خدمت دولت جدید ایران را قبول و تعهد نمود که در تحت احکام وزیر جنك دولت مشروطه صریحًا بشغل و خدمت خود مشغول باشد ☆

دیری از شب گذشته بود که مجلس فوق العادهٔ در محوّطهٔ بهارستان منعقد شده وشاه را رسماً خلع نموده وجانشینی پسرش سلطان احمد میرزا را که دوازده ساله بود » بجای وی اعلان وعضد الملك را که رئیس محترم ایل قاجاریه بود ، به نیابت سلطنت انتخاب نمودند ☆

شانزدهم ژویه ۱۹۰۹ (بیست و هفتم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) ادّعای مشروطیت ایران که علی الظاهر از دست رفته بود ، دوباره دفعةً معاودت نمود » بواسطهٔ اظهار جرأت و وطن پرستی و هنرمندی سربازان ملی » امید واریهای آنها نسبت بدولت جدید انتخابی » یکشنبه حاصل شده وعود کرد » بین کمیتهٔ فوری (هیئت مدیریه) که از طرف دولت مشروطه تشکیل شده بود وسفارتین روس وانگلیس » مبادلات کتبی وپیغام بسیاری راجع بشرایط ذیل واقع شد —:

اوّلا : محمد علی شاه مخلوع از ایران خارج شده وآن مملکت را ترك گوید ☆

ثانیاً : جواهرات سلطنتی را که با خود برده رد نماید *

ثالثاً : قرضهائیکه نموده ادا کند و املاك شخصی خود را که رهن گذارده ، باین احتیاط که مبادا مرهونه های مذکوره بدست روسها بیفتد ، تفکیك رهن به نماید *

آخر همه وظیفهٔ سالانه او بود ، هفتم سپتامبر (بیست و یکم شعبان ۱۳۲۷) قرارداد های مزبوره ، تصفیه و تسویه شده «پروتوکالی» (صورت مجلسی) که حاوی شرایط مذکوره بود ، بین نمایندگان دولتین روس و انگلیس و فریق دیگر با مضا رسید ، وظیفهٔ شاه مخلوع سالی تقریباً هشتاد هزار « دالر » (معادل صد هزار تومان) معین شد ، نهم سپتامبر شاه با نواده و متعلقینش (بهمراهی قزاقهای روسی و سوارهای هندی سفارت انگلیس) از سفارت خانه روس بیرون آمده و بعزم ادسا بطرف بحر خزر رهسپار گردید ، اوّل اکتوبر (پانزدهم رمضان ۱۳۲۷) از ساحل ایران سوار کشتی شده و بطرف بادکوبه روانه شد ، از بادکوبه تا ادسا با قطار راه آهن مخصوص که از جانب دولت روس معین شده بود رفت *

هیجدهم ژویه (بیست و نهم جمادی‌الثانیه ۱۳۲۷) نائب السلطنه در سلطنت آباد ، بشاه جدید تبریك گفته و در بیستم ژویه (دوم رجب ۱۳۲۷) شاه وارد پای تخت شد و برای پذیرائی و احترام او چراغانی شایانی بعمل آمد ، چندی بعد از آن دولتین روس و انگلیس قانون مشروطه جدید را رسماً قبول کردند *

هیئت مدیریه ملی شروع بانتخاب اعضاء کابینه نموده و نظم پولیس شهر را یفرم خان سپرد *

مطابع و جرائد آزادیکه در دورهٔ اولیهٔ مجلس بوده و بعد از انفصال مجلس توقیف شده بودند آشکارا شدند ، در اکتوبر بعد (بین رمضان و شوّال ۱۳۲۷) انتخابات وکلاء مجلس کاملاً بعمل آمد ، بیست و هشتم همان ماه (سیزدهم شوال ۱۳۲۷) شصت و چهار نفر از وکلاء ، در طهران جمع و حاضر شدند ، گویا عدد وکلاء سه نفر بیشتر از حدّ نصاب مقرّره بود *

پانزدهم نوامبر ۱۹۰۹ (غرّه ذیقعده ۱۳۲۷) مجلس جدید رسماً افتتاح و تشکیل یافت ، نمایندگان تمام اصناف در آنجا حاضر بودند ، سپهدار بریاست الوزرائی و وزارت جنك معین شد و او بود که نطق شاه را قرائت نمود *

در امتداد آن اوقات عدّهٔ کثیری عساکر روس در تبریز و قزوین و رشت و نقاط

مختلفهٔ دیگر شمالی ایران قیام داشتند ، ملتیان وجود آن جنود را منشاء سلب امنیت و اطمینان زیاد دانسته و نسبت بمقاصد و اغراض حقیقی دولت روس سوء ظنی کامل داشتند *

مجلس و کابینه جدید با کثرت حوادث و موانعیکه دو چار شده بودند با جرأت تمام مشغول به اعاده موجبات نظم و انتظام پولیس و وصول مالیات شده و سعی در امنیت و محافظت جان و مال رعایا نمودند ، بی شبهه در آن زمان مملکت در حالت پریشانی خطرناك و اغتشاش فوق العاده و بدتر از همه پریشانی و بی نظمی امور مالیه و قروض سنگین دولت ایران با جانب بوده که اورا احاطه کرده بود *

یك «جنتلمن» (مرد محترم شریف) فرانسوی « مسیو بیزو (M. Bizot.) » آنوقت مستخدم دولت ایران بوده که در امور راجعهٔ بمالیه ، دولت جدید ایران را معاونت نماید ، ولی در مدّت دو سال که در طهران اقامت داشت هیچ امری را تصفیه و اصلاح نکرده و حالات از بد بدتر شد یکی از بدبختیهای ایرانیان این بود که وطن پرستی واحساساتی که بسیاری از ملتیان با جرأت ایران را محرّك شده بود که برای خلع شاه بجنگند و آن متانت و وقار پسندیدهٔ که در زمان فتح خود بکار بردند نمیتوانست کفایت از پریشانیهای خزانهٔ دولتی و منع از تقلب و رشوه و بی دیانتی نماید جای هیچگونه شك نیست که مشروطه طلبان و اعضاء مجلس با خزانه خالی و قروض بسیار سنگین با جانب و کسر مأخذیکه درمخارج دولتی بسرعت تمام ترقی مینمود و ویرانیهای استبداد که تعمیر آن لازم بود عازم و مصمم شده بودند که طریقه و مسلك جدیدی اتخاذ کنند که ملت و حکومت جدید خود را از پراگندگی و پریشانی صریح که باعث وهن آنها میشد محفوظ بدارند *

با وجودیکه ملیین شاه ماضی را پس از نقض عهود مکرّره وتخلف از قسمهائیکه برای حفظ اساس مشروطهٔ وحقوق صادقانهٔ ملت خورده بوُد خلع و از مملکتش تبعید کرده و بمقصود خود مشعشعانه نائل شدند امیدوار یهای آینده شان برای تشکیل دولت مستقل منظم چندان محل اطمینان و قابل اعتماد نبود بواسطهٔ پیچیدگی خیالات همچو مملکتی از حیث ملیت رعایت احترام و حمایت اکثر ایرانیان و مسدود کردن بهانه مداخله دول اجنبیه متجاوز در امور داخلی که ادعای داشتن اغراض مخصوصه در آن مملکت مینمودند لازم بود از زمان سلاطین سلف کارهای حکومتی دولت ایران عموماً وامور اداره مالیه خصوصاً بحدی پریشان و از هم گسیخته بود که نه درخارج اعتبار استقراض داشت و نه در داخل پی

ترتیبی و پریشانی که آنوقت در امور ایران راه یافته بود وطن پرست باجرائی از طبقات زیرك مردم لازم بود که دولت را از مغاك پریشانی فقر و ویرانی خلاص نماید نه فقط مشکلات و موانع داخلی امیدواری ایرانیان را قرین یاس ساخته بود بلکه مخالفت علنی روس و بیمنا کی مضرت بخش انگلستان از رد کردن و برهم زدن نقشه و تدابیر ظاهره روس بخلاف کامیابی دولت مشروطه مزید بر آن گردیده بود باینجهة دولت مشروطه جدید از اوّل دوچار روابط فوق العاده غریبی با بعضی از دول اجنبیه شده بود که آن تعلقات و روابط را بدون رعایت حقوق ملی و سلطنتشان بجبر با آنها قبولانیده بودند *

رعایای فقیر ولایات در تحت حکمرانی هر حکومتی مجبور به تأدیهٔ مالیات خود بودند درصورتیکه یك دینار از آن مالیات هیچگاه بمصرف فوائد شان مصروف نمی شد و همیشه شکار قطاع الطریق بیگانه وخودی یعنی صاحب منصبان و مأمورین دولتی که تقدیر آنهارا مسلط کرده بود می بودند خود مردم نمیتوانستند تا درجهٔ وسیعی حقوق خودرا که از حیث رعیت بودن سلطنت مشروطه ایران باید به آنها عاید شد ادراك کرده واحساس میزان مسئولیت کسانیرا که میخواهند طریقه حکومت دیموکراتی آزادی را تأسیس کرده بنمایند لکن شدید ترین خطر آنها این بود که قبل از آنکه آنها بتوانند تربیت و تمدن کافیء که قابل فهمیدن این مسائل گردند تحصیل نمایند مملکت آنها شاید از نقشه ملل سلطنت مستقله محو میشد پس مسئولیت بسیار بزرگ سنگینی بایرانیهای زیرك وعالم تعلق گرفته بود که در ظرف این هیجده ماهه بعد از خلع شاه مخلوع در آن دورهٔ مسلك جدید دارای اقتدار و مناصب با اثر شده بودند بهمان اندازه که ملت ایران چشم داشت و توقع محافظت حقوق خود در دوره استقرار سلطنت مشروطه داشت بهمان درجه مامورین و صاحبمنصبان هم مناصب تازه تحصیل نموده وسیله ترقی خود قرار میدادند واین امر هم چندان غرابتی نداشت زیرا که مطابق رسوم معموله قدیمهٔ مملکتشان بود *

چنانکه سابقاً ذکر شد عدهٔ کثیری از افواج روس و انگلیس بنقاط مختلفه شمالی ایران فرستاده شده بود اگرچه دولتین روس و انگلیس هردو اظهار کرده بودند که بمجرّدیکه خطرات محتمله نسبت بمال وحقوق اتباع خارجه مرتفع شود و احتیاج بمحافظت آنان نباشد فوراً آنهارا معاودت دهند *

از یکطرف ورود آن افواج و از طرف دیگر اغتشاشات محلی که همیشه اضطرابات پلتیکی را در دنبال داشت چنانچه در ظرف چهار سال گذشته در ایران مشهود گشت

اشکالات متزائده تازه بسلطنت مشروطه تحمیل و دوچار گردید در سپتامبر ۱۹۰۹ آن دزد معروف یعنی رحیم خان به اردبیل که در شمال ایران واقعست حمله برده و دولت روس حرکت اورا فوراً اسباب بهانهٔ خود برای آنکه افواج زیادی به آن حدود بفرستد قرارداد و برگردانیدن افواج ساخلوی قزوین را که وعده کرده بود بکلی بعهده تاخیر انداخت دولت ایران مجبور شد مبالغ کلی برای مصارف قشونیکه بجهت مقابله رحیم خان فرستاده بود متضرر شود لکن بیست و چهارم ژانویه ۱۹۱۰ (یازدهم محرّم ۱۳۲۸) بواسطه اقدامات قشونیکه در تحت فرمان یفرم خان بودند رحیم خان بطوری محصور شد که راه فرارش منحصر بعبور از سرحدّ روسیه بود دولت روس بمخالفت واستنکاف صریح با مادّهٔ چهاردهم عهد نامه ترکمان چای راه داد که داخل روسیه شده و از تعاقب قشون ملی محفوظ بماند و تا ژانویه ۱۹۱۱ (محرّم ۱۳۲۹) همانجا بوده و پس از آن دوباره به تبریز مراجعت نمود که باعث خرج واشکال تراشی برای دولت مشروطه بشود *

در دو ماه (بین ربیع الثانی و جمادی الاوّل ۱۳۲۸) یکی از شهزادگان ایران داراب میرزا نام که بعنوان تبعیت روس در مملکت روسیه متوطن شده و در رژیمان قزّاق روسی ساخلوی قزوین صاحبمنصب بود سعی کرد که شاید بتواند دولت مشروطه را مغلوب نماید با وجود پروتست و تعرّضات ایرانیان که خواستند خودشان آن انقلاب را تسکین دهند افواج روسی مداخله کرده و در صورت ظاهر هنچو وا نمود کردند که داراب میرزا را خود شان گرفتار ومحبوس خواهند نمود در موقعیکه مشارالیه بهمراهی روسها مراجعت بقزوین مینمود سربازان روسی در بین راه با قشون ایران که برای گرفتاری او فرستاده شده بودند ملاقی شده وروسها به آنها شلیك کرده ویك صاحبمنصب ایرانی را که سرکرده آندسته بود کشتند اگرچه روسها از شرکت در برانگیختن آن خانه جنگی انکار وتحاشی نمودند ولی ثابت شد که یك کرنل روسی در قزوین به شرکاء ومعاونین داراب میرزا تامین نامه که امضا و مهر کرنل داشت داده و در نوشته مزبوره اظهار داشته بود که حاملین این ورقهٔ در تحت حمایت امپراطور روس میباشند و تهدید کرده بود که اگر اتباع ایران به آنها یا بهمراها نشان حمله نموده و یا متعرض شوند مورد تنبیه وسیاست سخت خواهند شد *

در فوریه ۱۹۱۱ (صفر ۱۳۲۹) عساکر روسی اهالی قریه وارمونی (Warmuni.) را که در حدود آستارای ایران واقع است قتل عام و شصت نفر را که زنان واطفال هم جزؤ آنها بوده مقتول نمودند *

در خلال این حال دولت ایران مصمم شد که خیال استقراضی را که در دسمبر ۱۹۰۹ (بین ذیقعده و ذیحجه ۱۳۲۷) آغاز کرده بود بفعلیت و انجام رساند یعنی موازی دو ملیون و نیم «دالر» (تقریبا پنج کرور و نیم تومان) از دولتین روس و انگلیس قرض نماید لکن شرایطیکه آن دو دولت میخواستند به بهانهٔ استقراض بدولت ایران تحمیل نمایند بحدّی خطرناك و مخرّب اساس آزادی بود که مجلس مجبور شد صرف نظر نماید چندی پس از آن دولت ایران برای انجام قرضهٔ با یك بانك «پریوت» (مخصوص) لندن شروع بمذاکره و مراسله نموده و نزدیك بود که بشرایط سهل و سادهٔ که مفید بحال طرفین بود انجام بگیرد غفلهً دولت انگلیس در اکتوبر ۱۹۱۰ (مطابق شوّال ۱۳۲۸) بهمراهی روسها آن معامله را خاتمه داده و بکلی اقدام دولت ایران را در این استقراض و رهن دادن جواهرات سلطنتی بی نتیجه وخنثی نمود آن اوقات دولت روس علناً کوشش میکرد که چند فقره امتیاز قیمتی از پارلمان ایران به نرخ خارج کردن قشون خود از حدود شمالی ایران تحصیل نماید روی هم رفته سلوك و رفتار آن دو دولت با دولت ایران بوضع نا مهربانی بلکه خصومت بسیار سختی بود در سمت پطرسبرك جماعت متهوری از مأمورین دولت روس نفوذ و اقتدار بسیاری پیدا کرده بودند مثلاً شخص (پوختیانوف) قونسل تبریز نمونه خوبی از آن مامورین بود و بواسطه آنتریك و سازشهای خونین و مخالفت و مخاصمت شدید با دولت مشروطه ایران مقرّب و ممتاز گردیده و بمنصب جنرال قونسلی طهران منصوب و مفتخر شد بواسطه مسلکی که دولت روس نسبت به اهالی ایران اختیار و اتخاذ کرده بود دولت انگلیس شانزدهم اکتوبر ۱۹۱۰ (دوازدهم شوال ۱۳۲۸) آن اولیماتوم مشهور خود را راجع بشکایت از عدم امنیت و اغتشاش شوارع و معابر جنوبی و طرق تجارتی آن حدود بدولت ایران اظهار و درخواست نمود که عدهٔ از صاحبمنصبان نظامی فوج انگلیسی هند را در تحت نظارت خود برای نظم و ترتیب مستحفظین آن خطوط گماشته و مصارف را از عایدات گمرگی ایران وصول نماید این اقدام مورث اضطراب و باعث تعرّض شدیدی در مملکت ایران و عثمانی گردید و از طرف بعضی عناصر مسلمانان اظهار نامهٔ بوسیله تلگراف به امپراطور آلمان اظهار و از او خواهش کردند که دوستی خود را نسبت بمسلمانان ظاهر دارد نتیجه مخصوصی که علی الظاهر از شرکت و دخالت دولت آلمان در امور سیاسی ایران حاصل شد این بود که معاهده پوتسدام بسرعت جاری گشته و پنجم نوامبر ۱۹۱۰ (دوّم ذیقعده ۱۳۲۸) تکمیل و باعث حیرت و تعجب دولتین فرانسه و انگلیس گردید

(۱) * نتیجهٔ که از اتفاق دولتین روس و آلمان بملت ایران عاید گشت آنچه از مواد عهد نامه ظاهر شد و نیز آنچه عموماً پس از آن شهرت یافت موافقت سرّی عجیبی بود که دولت روس را در اتخاذ آن سلوك سخت بدون خوف و احتیاطی از مداخله یا تعرّض معتنابهی از جانب شریك خود در معاهدهٔ ۱۹۰۷ که مبنی بر وضع سلوك انگلیس و روس نسبت بملت ایران بود قادر نمود *

بیست و نهم اکتوبر ۱۹۱۰ (بیست و پنجم شوّال ۱۳۲۸) حسینقلیخان وزیر امور خارجه آنوقت ایران بسفارتین روس و انگلیس اطلاع داد که چون دولت ایران از بعضی مراسلات غدر آمیزانه و عهد شکنانه شاه مخلوع با رؤسای طوایف ترکمانیه (در حدود شمال شرقی ایران) مطلع شده است موافق موادّ و شرایط «پروتکال» (صورت مجلس) بیست و پنجم اوت ۱۹۰۹ (هشتم شعبان ۱۳۲۷) مصمم شده است که قسط آینده وظیفه شاه را مسدود و مقطوع نموده تا تحقیقات لازمه بعمل آید آن دو سفارت نه فقط انکار از توجه و اعتناء بآن خواهش منصفانه نمودند بلکه وزیر خارجه ایران را بواسطه مامور کردن نوکر های سفارت یا لباس رسمی که بر درب خانه او ایستاده و در هر جا همراهش باشند تا وقتیکه پول از او وصول شود در معرض توهین ذلت امیزی در آوردند این اقدام مطابق قوانین دپلوماسی اجحاف و توهین بی نظیر و دور از انصافی بود یك ماه بعد از آن وزیر مختار روس از همان وزیر امور خارجه درخواست و مطالبه نمود که برای توهینی که بگماشته قونسل روس درشهر کاشان شده باید عذر خواهی رسمی نموده و ترضیه سفارت بعمل آید آن گماشته روس ایراني و مرد بسیار بد نامی بود که دولت ایران در استخدامش اعتراض سخت کرده بود حسینقلیخان بعد از تحمل خفت و توهین معذرت ملتفت شد که غرض اصلی آن دو دولت خلع او از وزارت خارجه بوده است پس مجبور باستعفاء شده و یکماه بعد از آن مستعفي گشت در این اثناء شاه مخلوع علی الظاهر بعنوان مسافرت باروپا برای حفظ الصحه خود و در حقیقت برای نقشه کشي ومغلوب نمودن دولت مشروطه از ادسا خارج گشت و عاقبة الامر بورود او با فوج مسلحی بخاك ایران درماه ژویه سنه بعد (رجب ۱۳۲۹) منجر گردید اوّل فوریه (اوّل صفر ۱۳۲۹) در شهر اصفهان یك صاحب منصب معزول شده پولیس حاکم مشروطه آنجا را مجروح و پسر عمومی او را مقتول نموده و درقزّاق خانه روس متحصن گردید پنج روز بعد (پنجم

(۱) شرح این معاهده در باب دهم ذکر خواهد شد * مترجم

صفر ۱۳۲۹) صنیع الدّوله وزیر مالیه ایران در خیابان عمومی طهران بگلوله دو نفر گرجی مقتول و گرجیهای مزبور چهار نفر پولیس ایرانی را نیز قبل از آنکه دستگیر شوند مجروح نمودند مأمورین قونسل خانه روس فوراً از استنطاق و تحقیق دولت ایران در آن قضیه امتناع نموده و قاتلین را تحت الحفظ خود از ایران خارج نموده ووعده و تعهد نمودند که مشار الیهما را لزوماً کیفر خواهند داد بعد از آنکه عضد الملك نائب السلطنه اوّل در بیست و دوّم سپتمبر (هفدهم رمضان ۱۳۲۸) فوت نمود هشتم فوریه (هشتم صفر ۱۳۲۹) ناصر الملك نائب السلطنه جدید وارد طهران گردید یکماه پس از ورود ایشان افواج ساخلوی قزوین روس باستثنای هشتاد نفر قزّاق که در همانجا ماندند از قزوین خارج وشهرت نمود که خارج شدن افواج مزبوره برای رعایت احترام ایشان بوده است *

آکنون وقایع مزبوره منتهی بورود مستشاران مالیهٔ امریکائی میشود *

امضا — دبلیو . ام . اس (W. M. S.)

باب اول

در تصویب دولت ایران انتخاب و جلب مستشاران مالیه از امریکا و آمد نشان بطهران در دو ماه نوامبر و دسمبر ۱۹۱۰ (دو ماه ذیقعده و ذیحجه ۱۳۲۸) وکلاء مجلس شورای ملی ایران در باب انتخاب و جلب مستشاران مالیه از امریکا بحث و مذاکره بسیار نمودند بدین ملاحظه و امید که عمال و کارکنان آن دولت از آلایش اثرات اروپائیها پاك و مبرا بوده و بخوبی میتوانند از تجدید تشکیل خزانه ایران که بی صاحب و بی نظم و در حالت نکبت قدیمه بود نتایج عملی تحصیل کنند *

وقتیکه غلبه و اکثریت آراء باین انتخاب قرار گرفت کابینه دولت ایران بتوسط حسینقلیخان وزیر امور خارجه بیست و پنجم دسمبر ۱۹۱۰ (بیست ودوم ذیحجه ۱۳۲۸) تلگراف ذیل را بسفیر ایران مقیم واشنگتون مخابره نمود :—

واشنگتون : سفارتخانه ایران فوراً به (پیشکار رسمی (۱)) و زیر خارجه دولت امریکا اظهار نمائید که شمارا با کسانیکه در امور مالیه امریکا مهارت تامی دارند معرفی نموده و مذاکرات ابتدائیه را برای استخدام یکنفر خزانه دار کل که از مردمان کافی و کار دان بی آلایش امریکا وامین وموثق باشد بجهة تجدید تشکیل و پیشرفت و نظم جمع وخرج مالیه ایران بمدت سه سال بعمل بیاورید و نیز یکنفر مستوفی و محاسب ماهر و یك ممیز برای نظارت و تعیین میزان لازمه مالیات ایالات و یکنفر رئیس برای اداره کردن و تنفیذ مالیاتهای مستقیمه بمعاونت یکنفر مفتش کاردان که دارای صفات ممیز سابق الذکر باشد لازم ولی قبول مشار الیهم منوط به تصویب مجلس خواهد بود و زیر مختار امریکا نیز اطلاع

---

(۱) مراد از پیشکار رسمی صاحب منصبی از وزارت خارجه است که مراسلات و اظهارات دولت مخصوصی را بدولت متبوعهٔ خود رسانیده و بتوسط مشار الیه در آن باب مذاکره می شود چنین ماموری را در ایران مدیر تحریرات می نامند * مترجم

داده که وزیر خارجه برای مذاکرات مزبوره حاضر و راضیست پس در این کار به آرای و نصایح دیگران اعتنا نکرده و از دخالت اشخاص غیر مسئول پرهیز و اجتناب نمائید *

سواد صحیح (مطابق با اصل)

این تلگراف را بوزیر مزبور آرائه نموده و دستور العملهای مشار الیه را عمل نموده و نتیجهٔ اقدامات خود تان را مختصراً (رمزاً) اطلاع دهید *

نمره ۹۸۷٦ « حسینقلی »

نتیجهٔ مذاکرات دوستانهٔ نماینده دپلوماسی ایران مقیم واشنگتون با وزارت خارجه (اداره رسمی) امریکا این شد که مصنف این کتاب بموجب قرار داد دولت ایران در مدت سه سال بسمت خزانه داری کل معین گردید که تشکیل و تنقید جمع و خرج مالیه ایران را اداره نماید و نیز چهار نفر امریکائی دیگر مقرّر شد که خزانه دار کل را در این امر سترك معاونت نمایند *

قبل از انعقاد این قرار داد هیچگاه خیال مسافرت بایران را هم نکرده بودم ولی نطق موثّر فصیح وجان گداز میرزا علیقلیخان شارژدافر ایران مقیم واشنگتون همه توهمات سابقه مرا رفع و بالاخره عازم شدم ماتیرا که اظهار اطمینان قلبی و حسن عقیدهٔ ثابت بقوانین و مسلك ما کرده اند معاونت نموده و بکنم آنچه را که بتوانم *

اوّل کاری که برای پیشرفت و تسهیل این مقصد کردم مطالعه کتاب پروفیسر برون که در شرح انقلابات ایران نوشته است بود بلندی رأی وانصاف طلبی پروفیسر مزبور برای آن اقدام و جنبش جدید مشروطه طلبان ایران عزمم را برفتن به آن مملکت جزم نمود *

قبل از آنیکه حرکت نمایم از وزارت خارجه امریکا استیضاح و استفسار کردم که دولت امریکا با دولت ایران در این معامله چه نسبتی دارد و در این باب اطلاع واضح تحصیل نمودم جواب صریح داده شد که این حرکت شما بطرف ایران بهیچ قسم سمت و عنوان رسمیت نداشته و بعنوان نمایندگی از طرف دولت امریکا به این خدمت مأمور و معین نشده اید سپس از ادارهٔ مزبوره خواهش نمودم که مفاد مذاکرهٔ فوق را کتباً بمن بدهد جواب رسمیکه از طرف دولت بمن داده شد در این جا نقل میکنم *

بیست و چهارم فوریه ۱۹۱۱ (بیست و چهارم صفر ۱۳۲۹)

(M. W. Morgan Shuster. Union Trust Building Washington D. C.)

واشنگتون : D. C. (یونیون ترست بیلدنك) مستر دبلیو مورگان شوستر

مکتوب چهاردهم ماه جاری شما که در باب تعیین و اعزام پنجنفر مستشار امریکائی برای ترتیب و تنقیح امور مالیه ایران و استفسار از سمت و عنوان انتخاب خود بشغل خزانه داری کل سؤال نموده بودید باداره رسید در جواب شما اطلاع داده میشود که در دسمبر گذشته شارژدافر ایران مقیم این شهر بر حسب اظهار و امر دولت متبوعهٔ خود از این اداره در خصوص معرفی اشخاص ماهر و زیرك امریکائی که در امور مالیه اطلاع تام داشته باشند معاونت خواست و اظهار نمود که دولت ایران تصویب نموده که پنجنفر مستشار امریکائی را در امور مالیه دخالت داده و شریك گرداند برحسب اظهار فوق این اداره صورت اسامی اشخاصی را که حاوی اسم شما نیز بود نزد مشار الیه فرستاده و ایما هم نمود که شارژدافر ایران حقدارد در این امر مستقیماً با ایشان به بهترین وجهی گفتگو نماید و اداره را از اطلاع از مکتوب شما و از مراسلهٔ سفارت خانهٔ ایران مورخه هفدهم شهر حال کمال خوشوقتی و مسرت حاصل گردید که شمارا بشغل خزانه داری کل در تحت وزارت مالیه انتخاب نموده اند *

از طرف مستر ناکس (M. Knox.) رئیس اداره خادم مطیع شما هانتینن‌تم‌ویلسن (Huntin tom Wilson.) معاون وزارت خارجه *

از محل موثق معتنابهی اطلاع حاصل کردم وقتیکه دولت روس ملتفت شد که ما بین وکلاء مجلس شوارى ملی ایران مسئلهٔ انتخاب وجلب مستشاران مالیه از امریکا مطرح مذاکره شده و روز افزون میشود اولاً یك نظر و توجه رسمی عمیقی در این معامله بطهران کرد اولین اقدامیکه از طرف مأمورین دولت روس بظهور پیوست این بود که چند نفر از وکلای متعلق بد نام بی شرف پارلمان را اغوا وتحریك نمودند که شاید بتوانند تصویب قرار داد و انتخاب امریکائیها را نسخ نمایند وقتیکه دولت روس نتوانست باین سعی خود کامیاب و بدین آرزوی خود نائل و اکثریت آراء وکلا را از مسالك اولیه انحراف دهد معروف است که بوزارت خارجه امریکا اظهار و با نزاکت تمام اشاره کرد که اعزام مستشاران مالیه از دولت امریکا بایران بکلی بر خلاف عقل و مراسم مودت است در صورتیکه دولت امریکا تا آن زمان از آن اراده ایرانیان بی اطلاع صرف بود اداره دولتی مزبور با کمال صداقت جوابداد که « از این معامله اطلاعی ندارد و هنوز در این باب اظهاری ننموده اند هر وقت پیش نهاد نمودند تأمل خواهد شد »

چندی بعد وقتی که دولت ایران باداره رسمی امریکا اظهار نموده و خواهش کرد که در

تعیین و اعزام پنجنفر مستشار «الیه بایشان معاونت نماید دولت امریکا از دولت انگلیس توضیح خواست که آیا دولت انگلیسهم در اعتراضاتیکه سابقاً دولت روس در خصوص رفتن امریکائیها بایران نموده بود شرکت دارد ؟ انگلیسها جواب دادند که « سابقاً این مسئله محل توجه و ملاحظهٔ دولت انگلیس بود ولی اکنون نیست» در این صورت دولت روس مجبور شد که جنانچه در ماموریت امریکائیها اعتراضی دارد یا فاش و علناً اظهار نماید و یا زبان نرم و مؤدبانه در مذاکرات دیپلوماسی استعمال کرده و مانع از پیشرفت آن معامله نشود *

دوّم فوریه ۱۹۱۱ (دوّم صفر ۱۳۲۹) وکلاء مجلس با کثریت تامه و طیب خواطر شروط « کنترات » (قرار داد) ما را تصویب نمودند با کمال و ثوق و اطمینانیکه باظهارات دولتین داشتیم که بقبول خود شان « اغراض و منافع مخصوصه » در ایران داشتند بتصوّر اینکه بهیچوجه مانعی در پیش نخواهد بود بسمت ایران حرکت نمودیم *

هشتم اپریل ۱۹۱۱ (هشتم ربیع الثانی ۱۳۲۹) بهمراهی مستر شارل مکاسکی (M. Charles Mc Caskey.) که از اهل نیویورك بود و مستر رالف هیلز (M. Ralph Hills.) که از اهل واشنگتون و مستر بروس دیکی (M. Bruce Dickey.) که اهل جزیرهٔ بائین بود از نیویورك سوار کشتی شده که زمام تشکیل وتجدید امور مالیهٔ ایران و نظم آن را بدست بگیریم ما ها « مستر مکاسکی و مستر هیلز و من با خانواده و اطفال و متعلقین » جمعاً شانزده نفر بودیم (در اینجا مصنف شرحی از خدمات سابقه هر یك از معاونینش را ذکر نموده ولی چون بی اهمیت بود از ترجمهٔ آن صرف نظر شد * مترجم)

من تعهد و قرار داد کرده بودم که تا مدت سه سال با اقتدار کلی و اختیارات تامهٔ که از طرف دولت ایران در امور مالیه بمن داده شده خدمت آن دولت را بسمت خزانه‌داری کل بنمایم ودوستان من مستر مکاسکی به شغل ممیزی مالیات ایالات و مستر هیلز بعنوان محاسبی کل و مستر دیکی بخدمت مفتشی عایدات مقرّر و تا انقضاء مدت سه سال در تحت نگرانی من بودند و مستر کرنز (M. Cairns.) که رئیس گمرك ایلویلو (Iloilo.) در جزایر فیلیپاین بود بریاست عوارض معین و حکم فرستاده شد که با سرع وسائل در طهران بما ملحق شود مشار الیه معاون بزرك خزانه دار کل هم بود اشخاصیکه بمشاغل مذکوره مأمور و معین شده بودند هر یك در اینگونه امور ذخیرهای کامل کافی از تجربیات و

عملیات دارا و مخصوصاً در تشکیل و ترتیب امور مالیهٔ ممالکیکه هنوز بزیور (دیسیپلین) (نظم جدید) مزین نشده مهارت تامی داشتند *

ما از راه پاریس و وینه عبور نموده و بیست و پنجم اپریل «بیست و پنجم ربیع الثانی ۱۳۲۹» بقسطنطنیه وارد و سپس سوار کشتی شده و سوم مه به باتوم روسیه رسیده روز دیگرش که چهارم مه بود از خط راه آهن «تفلیس» بطرف باد کوبه حرکت و ششم مه ساعت چهار عصر سوار کشتی «باریاتنسکی» (Bariatinski.) شده و حصهٔ از بحر خزر را طی کرده روز بعد «هفتم جمادی الاولی ۱۳۲۹» ساعت نه صبح در انزلی که بندر «اول خاك» ایرانست پیاده شدیم همینکه پا بساحل گذارده و رسوم گمرکی بعمل آمد فوراً در کشتی «لانچ» وقایقهای بادی نشسته و بعد با کالسکه بشهر رشت که حاکم نشین گیلان است رسیدیم (۱) * تا دو روز در رشت مهمان نائب الحکومه بودیم در این مدت توقف وسایل حمل و نقل اسبابهای خود و متعلقینمان بطهران که بفاصله دویست و بیست میلی طرف جنوب رشت واقعست آماده شد این قسمت از مسافرتمان در کالسکهای چهار اسبهٔ و زین که بطرز قدیم و کریه المنظر بود خاتمه یافت در هر «استاسیون» (مهمانخانه) که تقریباً ده دوازده میل با دیگری فاصله دارد اسبهارا تبدیل میکردند نهم مه ساعت هشت و نیم صبح با همراهان در چهار کالسکه نشسته و از رشت حرکت نموده و اسبابهای و زین خود مان را هم در دو گاری بزرگ بی فنر پیش فرستادیم بما سفارش کردند که چون (فامیل) زن و بچه همراه دارید بهتر است که قدری آهسته تر قطع مسافت بنمائید روز دوازدهم ماه (دوازدهم جمادی الاولی ۱۳۲۹) ساعت دو بعد از ظهر بعد از تحمل مشقتهائیکه تقریباً و روی هم رفته دلچسب بودند به «استاسیون» آخری که نرسیده بطهرانست رسیدیم در آنجا احمال و اثقال و صندوقها را دیدیم که منتظر ما بوده و بواسطهٔ باد و باران گرد و غبار و حرکت عنیف سه شبانه روزهٔ گاریهای بی فنر اسبابها در حالت بدی بودند اگر بدستور العملی که آخر وقت قبل از فرستادن اسبابها بما رسید که همهٔ اسبابها را باید در نمد های ایرانی بپیچیده و بدوزیم عمل نکرده بودیم یقیناً قبل از آنکه آنها را ثانیاً به بینیم همه بی مصرف شده بودند تقریباً چهار میل بدروازهٔ قزوین طهران باقی مانده بود که مستر شارل دبلیو رسل

(۱) لانچ کشتیهای کوچك آتشی میباشد که در انزلی معروف ببار کاس و مأخوذ از کلمه بار کش فارسی است *

(M. Charles W. Russel.) وزیر مختار امریکا را با فامیلش وجمعی از کشیشان امریکائی وجماعتی از ایرانیان که منتظر ما بودند ملاقات ودر کالسکههای شهری سوار شده فوراً بطرف پارک اتابك حرکت نمودیم پارک مزبور که برای اقامت ما ها معین شده بود جای بسیار با روح وخوش منظر وشبیه به ابنیه سلطنتی بود این باغ وعمارت سابقاً منزل ییلاقی «محل تفریح» رئیس الوزراء و بزرگترین وزیر ارتجاعی بوده که باسم او موسوم گردیده و مشار الیه بامین السلطان ملقب بود که درسی ویکم اوت ۱۹۰۷ «بیست ویکم رجب ۱۳۲۵» اورا کشتند آن باغ وعمارت واراضی که درجوار ومتعلق به پارک میباشد تقریباً هشت «ایکر» (۱) ودرقسمتی از طهران واقع شده که سفراء واروپائیها درآن سکونت دارند واکنون ملك یك نفر تاجر زردشتی که بسیار متمول ووطن پرست واسمش ارباب جمشید است می باشد مشار الیه بطیب خواطر عمارت وباغ مزبور را بتصرف دولت داده بود که تا وقتیکه ما درطهران باشیم محلّ اقامت وتوقفمان باشد خود عمارت ازسنك سفید (گچ) ودوطبقه ومشتمل است برسی اطاق که اکثر آنها وسیع ومرتفع میباشد در پارک مزبور اشیاء عجیبه ومبلهای نفیسه کیابی که ازتمام اقطار عالم گرد آورده اندوخته شده است مخصوصاً چندین تخته قالیهای گرانبهای کیاب درآن عمارت میباشد اطراف عمارترا یك باغ بزرگ با شکوه وخوش منظری احاطه نموده واز هر طرف چشمه های مصنوعی ودریاچه ها نمایان ونهر ها جاری میباشد باغ مزبور محدود ومحصور است بدیوار بلند ضخیمی که ازگل پخته (آجر) ساخته شده ودرطهران منازل محکم شخصی را بهین قسم میسازند هیچوقت نمیتوانم فراموش بکنم آن حالت وکیفیتی را که دروقت ورود به پارک هنگام شام داشتیم بعد ازسه شبانه روز متوالی که در گرد وخاك وباران سفر کرده وگاهی از شدّت سردی هوای کوه البرز متألم وبعضی اوقات از حرارت صحرا های خشك درتعب وزحمت وخوابگاه ما درمهمانخانهای بین راه نا راحت وخوردنیهای ماهم منحصر بود بچیز هائیکه حمل ونقلش ممکن وبسهولت فراهم می آمد (حاضری) بدنهای ماهمه کثیف وگرد آلود وبشرهامان از تابش آفتاب تغییر کرده واز صعوبت راه بکلی عاجز ودرمانده شده وبدین حالت بشارع عام طهران رسیدیم درحالیکه ازدوطرف درختها منظم وچراغها ازهرسمت درزیر درختان روشن بود هنوز مغرب نشده وآهسته آهسته هوای مفرح ازهت انگیز خنکی میوزید ودرپارک

(۱) هر ایکر معادل باچهار هزار وهشتصد وچهل ودو ذرع مربع است *

هم جمعی از پیشخدمتان همه بالباسهای یك طرز و یکرنك هر یك بر سر شغل خود منظم ایستاده و منتظر ورود ما بودند از آن تغیر اوضاعیکه در آن شب ما مشاهده نمودیم طهران به نظر ما مسکن پریان و نمونهٔ بهشت جلوه نمود بعد از فراغت از شام چند ساعت بالای پشت بام سرسرا (مهتابی) نشسته و از استماع نغمات خوش آهنك بلبلهای ایرانی محظوظ شدیم *

قبل از آنکه بارهای سفر مانرا بگشائیم هر روز دسته دسته مردم از هر طبقه و هر صنف برای (وزیت) ملاقات ما می آمدند و تا دوماه همه روزه از صبح تا قسمت دیری از شب آن سلسلهٔ ملاقات جاری و هیچ تخفیفی در آن ملاقاتها مشاهده نشده و بیشتر اوقات ما در گفت و شنود با عشر ملاقات کنندگان مصروف بود ولی بواسطهٔ آن ملاقاتها ذخیرهٔ قیمتی از حالات و کیفیات مملکتی برای ما حاصل گشت بما گفتند که ایشان مردمان معزز محترمی میباشند و اگر موقع و وقت بانها داده نشود که راه های کار و خیالاتشان را اظهار بکنند که « حوائج دولت چیست و بچه طریق و نهج باید اقدام کرد که تجدید تشکیل واستحکام امور دولت حاصل شود » ایشان به نهایت درجه رنجیده و پیشرفت کار شاق خواهد شد *

در انزلی با شخص ایرانی مکرّم محترمی هرمز خان ملاقات کردیم مشار الیه را دولت ایران برای استقبال و راه نمائی و خبر دادن از ورود ما معین کرده بود هرمز خان کارت و یزیت خود را که در آن تربیت و تعلیم یافته امریکا نوشته بود بما داد انگلیسی هم حرف میزد و بسیار ساعی بود که وطنش ایران در دل ما اثر مقبولی نموده و در نظر ما پسندیده آید صحبت و آوازه خوانیهای هرمز خان مارا از خستگی و کسالتی که از آن راه عارض میشد خلاص و اگر بواسطهٔ مسافرت ساعات پی در پی در صحرا های گرد خیز بی گیاه آثار خستگی از چهرهٔ ما احساس مینمود کوه بعیدیرا نشان داده و توجهٔ ما را به قدرت و محسنات طبیعی و صنایع ایزدی منعطف میگردانید که چگونه آن کوه خود را برای افادهٔ بیننده آفرین جلوه داده است اگر چه مشار الیه مسلمان کامل العقیدهٔ بود ولی اعتقاد راسخی نیز در مواقع احتیاج و لزوم بخواص نوشیدنیها داشت و فراموش نمی نمود یاد آوری بهمراهان در موقعیکه بخواطر می آورد که از جام سابق مدتی گذشته و همواره وقت را غنیمت میدانست قسمت عمدهٔ از راه باشتغال بنوشیدنیها گذشت وقتی که بطهران رسیدیم هرمز خان خیال میکرد که نتیجهٔ خدمات شخصی که بما نموده این خواهد

شد که فوراً او را معاون خزانه دار کل یا رئیس عایدات مالیه خواهند کرد چندی پس از ورود که ملتفت شد اشتباه کرده و ما قادر بمراعات خیالات و آرزوهای او نیستیم مأیوس گردیده و ما بین ما متارکه واقع و هر یك بخیال خود متوجه شدیم *

روز دوّم ورود با مستر رسل وزیر مختار امریکا و جمع دیگر که از آنجمله ممتاز الدوله که در آن زمان وزیر مالیهٔ ایران بود ملاقات نمودیم مشارالیه مردی عاقل و زیرك و سابقاً رئیس مجلس بوده و مثل سایر ایرانیان تربیت یافته و تحصیل نموده بود زبان فرانسه را بسیار سلیس حرف میزد و با صداقت تمام اظهار مساعدت و تأیید در پیشرفت کارهای ما کرده و اطمینان کلی میداد که همیشه اوقات برای شرکت و معاونت بامساعی ما در نظم و ترتیب امور مالیهٔ ایران حاضر و آماده است در این موقع ملتفت شدیم که جمع کثیری از ایرانیان با هوش بمشاغل مختلفه در امور شخصی ما ظاهراً بر سبیل استقلال و استمرار حاضر و همه آنها به انگلیشی یا بفرانسه حرف میزدند بعضی از آنها تا چند هفته بر سر کار خود بودند و همواره در وقت ضرورت و لزوم برای تشریح مطالب و معاونت بطریق دیگر نیز حاضر بودند باینخیال که خود شان را در انظار کسانیکه امید وانتظار اصلاح امور مملکت از ایشان داشته کار آمد و کار دان جلوه دهند *

بر حسب تبانی که سابقاً بین وزیر مالیه و محتشم السلطنه وزیر خارجه شده بود شانزدهم مه (شانزدهم جمادی الاولی ۱۳۲۹) بهمراهی مستر رسل وزیر مختار برای ملاقات وزیر خارجه بوزارتخارجه رفته این اوّلین موقع رسمی بود که رسماً (بر حسب معمول) چای صرف شد وقتیکه در خیابانهای شهر سواره و در ابنیه و عمارات سلطنتی پیاده عبور مینمودیم ملتفت شدیم که مردم از دیدن ما که برای اصلاح چه امر بزرگی آمده بودیم متحیر می شدند تا حال هم معلوم نشد که کلمه امریکائی چه اثری داشت و امریکائیها چه کرده بودند که باین درجه جوشش و هیجان از ملت ایران دیده می شد! عصر همان روز در ادارهٔ تشریفات خدمت والا حضرت ناصر الملك نائب السلطنه رسیده و بایشان رسماً معرّفی شدیم من والا حضرت را شخص بسیار حلیق مهربان با هوش و ذکاوتی یافته و اقتدار کلی در زبان انگلیسی داشتند ناصر الملك یکی از تربیت یافتگان وتحصیل کردهای «آکسفرد» وهم کلاس با سر ادوارد گری وزیر امور خارجهٔ حالیه انگلستان بوده است تا ده پانزده دقیقه با ایشان صحبت و گفتگو کرده و در ضمن مرا باین امر متوجه گردانیدند (چنین گفتند) که «هر وقت فراغتی داشته باشید میتوانید بدون مراعات وتشریفات

هیچگونه تکلفی پیش من آمده و در پیشرفت کارهای خودتان با من مذاکره و مشورت بنمائید » *

همان روز با شخصی معرّفی شدم که از عزیزترین و بهترین دوستان صمیمانه صادقانه بود که امریکائیها در مدت توقفشان در ایران پیدا کرده بودند شخص مزبور ارباب کیخسرو تاجر محترم زردشتی بود که در خارجه تحصیل کرده و بایران مراجعت نموده بود ارباب کیخسرو با ملتیان همدست شده و از زردشتیان ایران در دوره دوّم مجلس بسمت وکالت منتخب شده بود ارباب مزبور نمایندهٔ زردشتیان طهران و تاجری ملاّك و جذّاب القلوب و محبوب عامه بوده و مهارت تامی در زبان انگلیسی داشت از آن تاریخ به بعد در مواقع امتحان و معارك خطرناك هیچ تزلزلی در رأی راسخ و جرأت ثابتش راه نیافت از اوّل وهله که باو ملاقات کردم وعده کرد که هر قدر بتواند مرا معاونت نماید از آن روز تا وقتیکه از ایران خارج شدیم هیچ وقت از اوقات شبانه روزی از پیشرفت مقاصد و اصلاحات امور ما کوتاهی نه نموده و همیشه برای حمایت مأمورین مالیه امریکائی مستعد و در مساعدت با ما از هرگونه حملات دفاع می نمود *

روز دیگر بهمراهی وزیر مختار امریکا برای ملاقات شخص محترمی یعنی حضرت سپهدار اعظم که آنزمان بر مسند جلیل ریاست الوزرائی متمکن و زمام حلّ وعقد امور وزارت جنك را نیز در دست داشت رفتیم ممتاز الدوله وزیر مالیه و امیر اعظم معاون وزارت جنك نیز هر دو در آنجا حاضر بودند کسانیکه قسمت مقدّمه این کتابرا خوانده باشند در خواطر خواهند داشت که سپهدار اعظم که معنیش بزرگترین سردار لشکر است اقدام بزرگ نمایانی در حرکت وجنبش ثانوی ملی (رولسیون) ایرانیان نموده و در تسخیر طهران وخلع شاه درماه ژوئیه ۱۹۰۹ (بیست و چهارم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) با جنود متحدّه ملی شریك و تا مدّت قلیلی قبل از آن سپهدار حامی شاه و یکی از اعاظم رؤسای مستبدّین مقتدر بشمار و در دو سه ایالت ایران املاك معتبر و دارای صدها دهات بود سپهدار مردی بلند بالا و قدری لاغر و نازك اندام با چشمان سیاه (یعنی غیر کبود) و کوچك و عمرش بشصت رسیده وعلامت پیری از موهای سر و سبیلش نمودار و حرکاتش شبیه بمرضای عصبانی و بواسطه کبرسن در افعال و اطوارش ضعف و نکس راه یافته بود از قیافهٔ او جنبهٔ بزرگترین و زیرکترین سازشیها تا آثار فاتحیت و سرداری بیشتر ظاهر میگشت آن شخص یکی از سرداران معروف ایران بود که نه بانگلیسی میتوانست

تکلم نماید نه بفرانسه ولی معاونش که مرد بسیار شحیم و لحیم عفریت هیکلی بود فرانسه را خوب میدانست و مترجم ما گشت علت اینکه من از این شخص محترم یعنی معاون سپهدار اعظم باین احتیاط معرفی مینمایم برای این است که چندی بعد در زمان اقامت ما در ایران خیلی کارها از او صادر گشت چهار روز دیگر هم بملاقات و دید و باز دید اعضاء ایرانی کابینه و وکلاء معروف صرف شد برحسب خواهش مدیران محترم جرائد ایرانی که در طهران بودند با ایشان ملاقات و در بین گفتگو نقشه اصلاحاتی را که در نظر داشته و بانجام و اختتام آن امید وار بودم بایشان ارائه نمودم سپس دو حمایت متفقه سلسلهٔ روز نامجات هم چه روز نامه هائیکه در خود طهران و چه در سایر ولایات طبع و توزیع می شد واقع شدیم یکی از آثار بی تجربگی عموم طبقات ایرانیان در امور سیاسی انفعال و تأثر مضحك آنها از تنقید روز نامها میباشد از نائب السلطنه گرفته تا ادنی مأمور دولتی همواره در این خوف و بیم بودند که مبادا روز نامجات بافعال ایشان نکته چینی نموده و ایشانرا در انظار عوام خفیف و تمسخر نمایند با اینکه بموجب قانون مشروطیت آزادی کلی بجرائد و مطبوعات داده شده بود بسیار اتفاق می افتاد که اکثر اوقات وزیر داخله یك یا چند جریدهٔ طهرانرا بواسطه اینکه از امور و مقاصد دولتی تنقید می نمودند توقیف ولی چیزی نمیگذشت که مدیران دایر و مبرم بانواع مستمسکها اجازه اشاعهٔ روز نامه خود را گرفته و باز جرائد را جاری می نمودند روز نامهائی که در آنزمان در طهران معتبر و محل اعتنا بود یکی روز نامه «استقلال» بود که زبان و حامی پارتی اعتدالی مجلس بود و دیگر روز نامه «ایران نو» که طرفدار حزب دیموکرات بود ولی روزنامهٔ دومی بهتر و بیباکترین روزنامه بود که در ایران انتشار می یافت این جریده خدمات خالص و مفید بمأمورین مالیه از روز ورود شان نمود *

بیست و دوم مه (بیست ودوم جمادي الاولی ۱۳۲۹) رئیس تشریفات وزارت خارجه ما را باداره جات موقتی که در دربار برای ما مرتب نموده بودند راه نمائی کرد در آنجا معاون وزیر مالیه و بعضی اعضاء سایر ادارات با ما معرفی و مقدار زیادی چای و سیکارت صرف شد هر یکی از صاحبمنصبان خواهش داشتند که تا مدت مدیدی با سلسلهٔ ملاقات دوستانه جاری داشته باشند باین غرض که تشکیل و نظم اداره بعقیدهٔ خود با حسن وجود برای ما شرح و هم اظهار اطلاع و معرفت نموده و توضیح دهند که چگونه ضروریات موقع و وقت را فهمیده و ملتفت شده و چگونه دولت در مهیا نمودن

پول که برای گردانیدن ماشین آلات و ادارات مانند روغن است برای خود و سایر مستخدمین ادارات مستاصل شده است ممتاز الدوله وزیر مالیه بعناوین مملکته بما معاونت نموده و تا درجهٔ درشروع بکار مستقل شده بودیم که بیست وسوم مه (بیست وسوم جمادی الاولی ۱۳۲۹) یعنی یازده روز پس از ورود مان بحران کابینه شروع ومشار الیه مستعفی گشت چندی بعد معلوم شد که سپهدار رئیس الوزراء و وزیر جنگ احساس کرده بود که وزیر مالیه در امضاء حك و بروات دولتی به آن اندازه که ایشان متوقع ولایق شان وزیری میدانستند اختیار وبی پروائی نداشت *

اگرچه این تبدیل کابینه که در ابتداء شروع بکار واقع شد قدری خیالات ما را درهم و پریشان کرد ولی بعد ها بالطبع به آن امور عادیه مملکتی معتاد شدیم *

یکی از صاحب منصبان ادارهٔ مالیه که بما معرّفی شد مسیو لکفر (M. Lecoffre.) بود مشارالیه فرانسوی نژاد و تبعهٔ انگلیس ولی عادات وجنبه فرانسویت در او غالب ومدت مدیدی در ایران اقامت داشته و در اداره مالیه بشغل ممیزی مشغول بود وقتیکه همه اعضاء اداره رفتند مسیو لکفر ننشسته و بمن نگاه کرد و گفت « مستر شوستر!! خیلی خوشوقت شدم که شما بایران آمدید زیرا که من و شما میتوانیم با هم مالیه این قوم را که درحالت بدی است تصفیه و اصلاح کنیم » من از خیالات اطمینان بخش مشار الیه اظهار تشکر نمودم *

مستر هیلز بواسطهٔ ناخوشی سخت دختر کوچکش در قسطنطنیه از ما عقب مانده بود بیست و پنجم مه (بیست و پنجم جمادی الاولی ۱۳۲۹) با فامیلش وارد شد ولی بدبختانه بمجرّد ورود طفل دیگرش مریض شده و ناچار از خدمت خود مستعفی گشت دوّم ژون (چهارم جمادی الثانیه ۱۳۲۹) مشار الیه طهران و همراهان را در حالت تاسف گذارده و بجانب امریکا رهسپار گشت هنگام ورود بپارك اتابك پانزده یا بیست نفر نوکران ایرانی زرنك کاردان را دیدیم که شخص ایرانی محترمیکه مهماندار موقتی بود برای خدمات شخصی ما معین کرده تا اینکه خود مان امور شخصی خودرا منظم بکنیم بعد از دو روز که امور خانهٔ را مرتب نمودیم نوکر های مزبور را برای انجام امور معین کردیم زیرا که ایشان با سفارش نامهای معتبر نزد ما آمده بودند بعد از چند هفته کم کم شهرت یافت که ایرانیان امریکائیها را بهائی پنداشته و میگویند که ایشان برای تنظیم امور مالیه بایران نیامده بلکه

برای ترویج و اشاعه مذهب بهائیت آمده اند (۱) * آخر کار وزیر مالیه در انعطاف توجه ما به آن مسئله مبالغه کرده وگفت « بهتر آنست که شما نوکر های موجوده خود تانرا تبدیل نمائید زیرا که همه ایشان متهم به بابیگری (بهائیت) می باشند » من از آن اظهار خیلی تعجب نمودم جرا که آن خبر برای ما بسیار تازگی و غرابت داشت و هیچ وقت باین خیال ملتفت نشده بودم که باید نوکر های شخصی خود را امتحان عقیده و مذهب بکنم خصوصاً که این حرکت بر خلاف اصول و مسلك مستخدمین کشوری (ارباب قلم) امریکا میت بوزیر مالیه گفتم که « امریکائیها با بی نیستند ولی من خوش ندارم که دولت وملت ایران در عقائد مذهبی و نوکران ورنك دستمال گردن ما تصرّف و مداخله بکنند و اگر دولت ایران اقدامات مهمتری برای اصلاحات مملکتی فکر نکرده بهتر است که فکر بکنند » این آخر دفعهٔ بود که رسماً در آن باب مذاکره شد ولی این قضیه بواسطه سعایت اشخاصیکه در صدد اخلال کار های ما بودند روز بروز بعجله شهرت وشیوع می یافت و در جند روز نامه هم تصویر های مضحك « کالیکا توری » ما را کشیده ولی جون اعتنائی به آن عوالم نه نموده وبکار خود مشغول بودیم عوام بزودی آن قصه را فراموش کردند *

در حلال آنحال از منشأ آن (آنتریکها) سازشهائیکه در تخریب امور ما شده بود مطلع شدم تقریباً هر کس که با ما ملاقات می نموده در یك موقع از مذاکره کلمهٔ « آنتریك » را استعمال میکرد مثلاً میگفتند « کابینه بر ضد شما آنتریك میکنند » یا « صاحب منصبان بلجیکی گمرگ بر ضد امریکائیها آنتریك میکنند » یا اینکه میگفتند « مستر شوستر!! این موقع بواسطه آنتریکها خیلی دقیق و خطرناك است » یا « ایران سر زمین آنتریك و دایك (تهمت) است » من برای حفظ شئونات خود مجبور شدم که بهر یك این قسم جواب بکویم که « امریکائیها در آنتریك خیلی خوب نشو ونما کرده و زبردست تر وچالاکتر میباشند هر وقت آنتریکی روی کار بیاید خیلی خوشحال خواهند شد » اولین آنتریك و سازشیکه احساس نمودم ساخته و پرداختهٔ مسیو مرنارد (M. Mornard) بود که اوّل مستخدم بلجیکی گمرگ و بعد رئیس کل گمرگات ایران گردید این شخص در اداره گمرگی وطن خود بخدمت بسیار پستی مامور بوده و سپس

(۱) بهائیها متدین بمذهبی میباشند که مسلمانها از ایشان تنفر نموده و تا جندی قبل مسلمانان متعصب ایشان را زجر وقتل مینمودند و در آنها مردمان قابل و وطن دوست یافت میشود *

معاون هموطن بدنام خود مسیو نوز شده و بایران آمد مظفرالدین شاه مسیو نوز را برای احداث و تشکیل اداره گمرک ایران انتخاب و جلب نموده بود ولی مشار الیه در کار خود بقسمی ترقی حیرت انگیز کرد که بزودی صاحب اقتدار و تمول بسیار و نزد دولت روس محترم گردید اوّل کاری که وکلاء مجلس دوره اوّلیه کردند این بود که مظفرالدین شاه را مجبور نمودند که دهم فوریه ۱۹۰۷ (بیست و ششم ذیحجه ۱۳۲٤) مسیو نوز را با مشاغل بزرگ عدیده که داشت معزول و از خدماتش منفصل کرد درباره مشار الیه میگویند که اکنون در بلجیك از املاك و قصوریکه (از پولهای ایران) برای خود مرتب نموده بهره مند و محفوظ میشود همین جناب محترم بود که در چندین معامله راجعه بخزانه برای دولت ایران مراسله و پیشکاری نمود تعرفه موجوده گمرکات ایرانرا که شرح آن مفصلاً ذکر خواهد شد او ترتیب داده و دو فقره استقراض از دولت روس که اکنون برای دولت ایران مورث اشکال و زحمت فوق العاده گردیده بسعی ایشان انجام گرفت ✲

مسیو مرنارد معاون مخصوص مسیو نوز و در تحت حمایت او بود وقتیکه مجلسیان مسیو نوز را خارج کردند مسیو مرنارد ترقی نموده و بریاست گمرک که یکی از خدمات مسیو نوز بود سر بلند شد ✲

در هنگام ورود ما تقریباً بیست و پنج یا سی نفر بلجیکی بهمراهی مسیو مرنارد در تمام گمرکخانهای ایران مستخدم بودند شنیده شد که مسیو مرنارد بکمك و همراهی سفارتین روس و بلجیك جهد بلیغ و سعی بینهایتی نمود که شغل خزانه داری کل را ضمیمه خدمت خود نماید ولی گویا مجلس درصدد تبدیل کلی بود وقتیکه صاحبمنصبان بلجیکی گمرك به نتیجهٔ کوشش خود نائل نشده و راه وصول بمقصود را بروی خود مسدود یافتند بتدابیر دیگر مستمسك شده ونقشه دیگری پیش کشیدند که حتی الامکان اثرات ماموریت امریکائیها را غیر معتنابه و بی نتیجه کنند ✲

زمانی که از ورود ما بطهران مراسله و معاملهٔ استقراض یك ملیون و دویست و پنجاه هزار لیره انگلیسی از بانك شاهنشاهی ایران که در تحت کمانی انگلیس است انجام یافته و دو هفته قبل از ورود ما شروط منفق علیه قرار داد قرضه مزبوره بکلی انجام یافته بود وکلاء مجلس هم فی الواقع به آن استقراض راضی شده بودند ولی قبل از آنکه اقدام قطعی و تصویب نمایند چند نفر از وکلاء رأی دادند که تا ورود ما تامل نموده و

از ما مشورت نمایند چون کابینه معامله مذکوره را تصویب نموده بود بسیار عجله و اضطراب داشت که زودتر کار بپایان رسیده و معامله بکلی ختم شود *

مسیو مرنارد برحسب اشاره وایمای محرمانه چند نفر از نوّاب و طرفداران معروف روس که در خارج و داخله مجلس و کابینه بودند چندی قبل از ورود ما مسودهٔ موادّ قانونی پیشنهاد کرده بود که از آنجمله اختیار کلیه مصارف وجه آن استقراض موکول برای کمیسونی مرکب از پانزده نفر که درتحت ریاست خود مسیوی مذکور باشد و جناب ایشان سردار و نقطه مرکزی آن کمسیون باشند و بعد از آن تدبیر خزانه دار امریکائی که برای نظم و ترتیب امور مالیه می آید خود را در حالت تحیر و تذبذب کلی به بیند یا که در تحت اقتدار مسیو مرنارد و کمسیونش که برای نظارت قرضهٔ مزبوره تشکیل شده بود خدمت نموده و یا در جای خود نشسته وآخرین نقود کارآمد دولت را که مایه و قابل پیشرفت و اصلاح بسی کارها تواند شد در تصرف و اختیار اجانب دیده و تماشا کند وقتی از این تفصیل مطلع شدم که آن مسوده بمجلس پیشنهاد شده است فوراً یك راپورت مختصری مبنی بر چگونگی حالت حاضره مالیهٔ ایران نوشته و بکابینه پیشنهاد نموده و سوأل کردم که آیا میل دارند حجرهٔ (رخنهٔ) دیگری در این خانه و برانه احداث نموده و بی نظمی و هرج و مرج امور دولت را توسعه دهند ؟ و یك دستور العمل ساده قانونی هم با راپورت مزبور فرستادم که چون اختیار نسخ و ابطال معامله مزبوره ورد مصارفیکه از قرارداد مزبوره پیدا شده از وظایف خزانه دار کل است باید موقوف و موکول بامضاء او باشد *

کابینه مسوده مزبوره را امضاء نموده و بمجلس فرستاد و ۳۰ مه (غره جمادی الثانیه ۱۳۲۹) باکثریت آراء گذشته و قانونی شد پس باینجهة قبل از آنکه شروع بکار کنیم اوّلین کوشش عناصر اجنبیه آن آنتریك که برای اشکال تراشی در پیشرفت امور و بستن دست و پای ما اتفاق نموده بودند درهم شکسته وازهم گسیخته شد وقتیکه مجلسیان نازکی حالت و اهمیت موقع را احساس نموده خیلی اظهار مسرّت و خوشوقتی کردند *

در مدت اقامت در ایران تجربهٔ برای من حاصل شد که مناسب است در این جا ذکر نمایم که چگونه مشرق زمینیان بمعاملات جزئی اهمیت میدهند از بدو ورود ما بدون اغراق صدها از اهالی ایران و اجانب مرا ملاقات نموده و بموجب رسوم معموله مملکتی و مهمان نوازی بدیدن من آمدند ولی بسیار متعجب شدم از ملاقات جوانی که برای ملاقات من آمده و اظهار نمود که منشی (پیشکار) سردار اسعد میباشد قارئین بخاطر خواهند داشت

که سردار اسعد یکی از سرداران و خوانین بزرگ بختیاری است که در خلع شاه در سنه ۱۹۰۹ حصه و سهم کافی برای خود تحصیل نموده بود جوان مزبور گفت که « حضرت سردار اسعد در انتظار ملاقات شما میباشند و خیلی میل دارند که از شما دیدنی بکنند » من گفتم که همه روزه بعد از ساعت پنج عصر در منزل خود که در پارك اتابك واقع است بوده و از ملاقات ایشان خوشوقت و محظوظ خواهم شد روز بعد رقعه بمن رسید که سردار اسعد درخانه خود که واقع در کوچه بختیاریها است ساعت شش عصر همانروز انتظار ملاقات مرا دارد روز بعد باز منشی مزبور آمده و سؤال نمود که چرا من حضرت معزّی الیه را که « بسیار غیور و دارای شوکت و اقتدار است » منتظر گذارده و از نرفتن خود ایشانرا ملول گردانیده ام ؟ من گفتم در مملکت ما این امور جزئیه را اهمیت نداده و جزو رسوم اخلاقی و قوانین مهمان نوازی ندانسته و بر فرائض خود ترجیح و برتری نمیدهند از سبقت و مبادرت آن حضرت اجل در این ملاقات بسیار مسرور و محظوظ خواهم شد عصر همانروز سردار اسعد بدیدن من آمده و مذاکرات دوستانه باهم داشتیم روز دیگر برای بازدید بخانهٔ ایشان رفته بعد معلوم شد که غرض سردار اسعد از دعوت من بخانهٔ خود ، بزعم کسانیکه مشار الیه را تحریك و تحریص نموده بودند یکی حصول عزّت و زیادتی شرافت برای خود و دیگر تهتیك و تنقیص احترام و شئونات رقیب خودش یعنی سپهدار که رئیس الوزرای آنزمان بود میباشد باین حال اگر سبقت بدیدن او کرده بودم بی شبهه سپهدار را دشمن قطعی خود قرار میدادم *

یك هفته پس از ورود ما یکی از ملاقاتیان ایرانی فرصتی یافته و با نهایت ادب پرسید که « شما کی فرصت و عزم رفتن بسفارت روس دارید ؟ » قدری بعد از آن رافعیکه ظاهراً از طرف سفارت انگلیس آمده بود سؤال فوق را نمود من جواب گفتم که از سفر دور و درازی آمده و تا یك ماه دیگر ممکن نخواهد بود که اثاث البیت (مبل) خود را مرتب نمایم از آن روز به بعد هیچ روزی نمیگذشت مگر آنکه مستقیماً یا مع الواسطه خبر میرسید که سفراء در انتظار پذیرائی یعنی برای رفتن من بملاقاتشان میباشند بعد از دو هفته که مسئلهٔ مذکوره متوالیاً مذاکره و تکرار میشد بواسطه تحقیق ذیل امر مضحکی واقع شد من تحقیق نمودم که اگر یکی از صاحب منصبان و مأمورین دولتی وارد پایتخت و مرکز شود تکلیف و وظیفه معمولی او در اینگونه امور چه خواهد بود ؟ گفتند تازه واردی که از اعضاء ادارات دولتی باشد اوّل او در منزل خود از مردم پذیرائی میکند ! پس معلوم شد

که قضیه ملاقات بقسمی که پیش آمده خیلی بموقع و بجا بوده اگرچه مذاکرهٔ این مسئله بسیار لغو و نامربوط بنظر می آید اماً کم کم آن سؤالات که (آیا بملاقات سفرا میروم؟ و کی خواهم رفت؟) در صورتیکه مقصود از سفراء فقط سفارتین روس و انگلیس بود اصلاً و رأساً مضمون و مبحث بزرگی شده که نه تنها دوائر ارتباطی دیپلوماسی اروپائیها را غرق کرده بلکه صاحبمنصبان ایرانی را هم فرا گرفته بود *

من ازسر گذشت اسف انگیز مسیو بیزو که داکتر (عالم متبحر) معروف مالیه فرانسه بود مطلع شدم که دو سال قبل از ما بطهران آمده وچون دیپلوماتهای روس و انگلیس و سایردول اجنبیه را مردمان مهمان نوازجذاب القلوبی که همیشه برای مشورت و راهنمائی حاضر و آماده اند شناخته بود بقسمی در مصاحبت وندیمی ایشان حاضر و فریفته واز ضیافتهائیکه سفراء برای احترام وی مینمودند مفتون و مدهوش گردیده بود که آن کارجزئی راکه برای آن بایران آمده (یعنی نظم و ترتیب امور مالیه ایران) بکلی فراموش وگمان کرد که فقط برای نوشیدن چای و بازی گنجفه و سواري و هواخوري کردن برای حفظ الصحه بایران آمده است وقتی از خواب غفلت بیدار و بخیال اصلاح امورلازمه تکلیفیه خود افتاد که ملتفت شده ودانست که مجلس اورا هم اززمرهٔ بلجیکیهای سابق پنداشته و دید که برای اصلاح اموري که راجع ومتعلق بمعاونت ایرانیان و وظیفهٔ او میباشد مراجعت بوطن عزیز خود یعنی فرانسه انسب واولی است خلاصه مسیو بیزو در هرحالت تسامح و تعلل ماهرانه کاملی در اصلاح امور مالیه نمود پس از اختتام دوسال دوره مأموریتش بدولت ایران که بسیار صبور و نسبت با جانب زود باور و خوش عقیده بود وصیتي نمود وصیت مزبوره عبارت ازیك راپورت سی صفحه بود که بزبان فصیح و سلیس فرانسه با «تیپ» (ماشین خط نویسی) نوشته (طبع کرده) ورأی خود را ظاهر نموده بود که هرکس بجای مشار الیه منصوب شود باید چه قسم قوانین در تجدید و تشکیل امور مالیه اختیار کند مسیوی موصوف در مدّت اقامت در طهران صحت و استقامت جسمانیش بسیار ترقی کرده و پس از مراجعت بپاریس ثانیاً بخدمت دولتی سابق خود برقرار ولی ادارهٔ مالیه ایران بهمان حالت بی نظمی و تزلزل سابقه باقی ماند *

آخر الامر والا حضرت نایب السلطنه درموقعی بین گفتگو پرسیدند که «آیا برای ملاقات سفارتین روس و انگلیس خواهید رفت؟» چون خیال مذاکره وشرح و بسط آن مبحث نازك را نداشتم بطریقه مشرق زمینان جواب دادم که عجالةً مشغول نظم و

ترتیب اثاث البیت و به امور خانهٔ خود بسیار گرفتار و بنوشتن و تدوین قانون اصول مالیات مشغولم که بکابینه و مجلس پیش نهاد نمایم بعد از همهٔ آنها در یکی از جلسات کابینه که اکثر اوقات مدعوّ می شدم وزیر امور خارجهٔ ایران که شخص ثمینی بود و محتشم السلطنه لقب داشت در حضور اعضاء کابینه با کمال متانت و معقولیت این صحبت را بمیان آورد «نمایندگان دول اجنبیهٔ مقیم طهران نمیدانند چرا شما بملاقاتشان نرفته اید؟ و خیلی متحیراند که آیا سبب آن چیست؟ و نیز گفت بلجیکیها و فرانسویها و سایر اجانب که برای ملازمت به ایران آمده‌اند همیشه بملاقات سفرا رفته و اینگونه ملاقاتها را موجب ازدیاد احترام و قدر و منزلت خود می شمارند دیپلوماتها نمیتوانند ملتفت شوند که امریکائیها چرا رعایت این نکته را نمینمایند» من در جواب گفتم «عالی حضرتا! در این سؤال پیچیده دقیق نکته و حکمتهای بسیاری است قبل از اینکه نکات مزبوره را بیان نمایم میخواهم سؤالی بکنم که آیا من صاحب منصب و مأمور دولت ایران نیستم؟ اگر هستم آیا نباید برسوم و قوانین معموله عمل نمایم؟) *

بعد قدری در آن باب بحث و مذاکره شد تا اعضاء کابینه راضی شده تصدیق و اظهار نمودند که بهیچ قسم و عنوان مجبور نمیباشید که سبقت و مبادرت در این ملاقات نمائید زیرا که حقیقةً این سبقت و پیشدستی در ملاقات بر خلاف رسوم معموله مملکتیست اعضاء کابینه از آن خیال و اظهار من مسرور شده و تمجید کردند که چگونه یك نفر اجنبی این طور با خلوص صداقت خود را از اعضاء دولت ما دانسته نه مثل سایرین که فقط بملاحظه منافع شخصی مراعات این نکات را فراموش می نمایند *

اکنون که آن مذاکرات را بخاطر می آورم بیشتر محظوظ و خوشوقت میکردم وقتیکه وزیر مختارهای روس و انگلیس ملتفت شدند که خیال پیشنهاد کردن قانونی برای اجراء بمجلس دارم هوا خواهان و کسانیکه در تحت حمایت و عاطفت دولت روس بودند علانیةً و صراحةً تهدید کردند که قانون مرا کشته (یعنی بواسطه مخالفت و ضدّیت بکلی بی اثر و بی نتیجه کرده) و یا اقلاً ضعیف و خنثی خواهند نمود ولی زود ملتفت شده و دانستند که غالب وکلاء در ظرف سه هفته معاشرت با ما بدرجه مساعدت در پیشنهاد ها و اعتماد باظهارات ما نموده اند که باعث مزید حیرت و تعجب دیپلوماتها گردید مشاهدهٔ آن حالت برای دیپلوماتهای مزبوره منظرهٔ بسیار هولناك وحشت انگیزی بود که یکنفر اجنبی که بالنسبه بایشان اجنبیت تامه دارد بدون اینکه اوّل زمین ادب ایشانرا بوسیده باشد

چگونه با کمال اقتدار راه رفته و کار میکنند اگر اقدام بیك ملاقات چند دقیقه کرده و یا اقلاً «کارت ویزت» گوشه تا کرده خود را فرستاده بودم سازها کوك و رقصها شروع شده و از چهار سمت «دینر» ها (دعوت شام) بود که مثل باران بر سر ما باریده و باز دید ها بود که متوالی بعمل آمده و دیپلمهای حسن اخلاقی بمن داده میشد که برای نزهت هوای دوائر دیپلوماسی مشرقیه قابل و لایق بوده و نتیجهٔ این میشد که قانون من از مجلس نگذشته و باقی مدّت مأموریت ایران خود را صرف بازی تینس و گنجفه می نمودم *

در خلال این حال و بازیچهای فوق ایرانیها بکلی بیکار و معطل نمانده و از خواب بیدار شده و چند مرتبه چشمهای خود را بهم مالیده و حواس خود را تیز (جمع) کرده و میگفتند که «فرنگی با ما هست که انشاء الله احکام سفارتخانهای اجانب را متابعت نکرده و فرامین آنانرا اطاعت نمی کنند بیائید تا معاونتش نمائیم» *

در مشرق زمین افواهات وار آجیف کفشهای هفت فرسخی دارد (یعنی اخبار بی اصل بسیار زود انتشار می یابد) سیزدهم ژون (پانزدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۹) یعنی یکماه تمام پس از ورود ما وکلا متفقاً قانونی را تصویب و تنفیذ نمودند که اقتدار کلی در اصلاح امور مالیه از آن قانون برای ما حاصل گشت و با شوق و امید واری تمام برای شروع بکار خود حاضر شدیم *

چنانچه اکنون معلوم میشود من خیال داشتم که بعد از تصفیه و ترتیب امور لازمه مثل اعلان رسمی دولت در تعیین امور و مراتب خدمات دولتی هر یك از ماها بملاقات دیپلوماتهای اجانب برویم ولی آن دیپلوماتهای محترم از روز اوّل ورود ما بطوری هیاهو و همهمه کرده و تزلزل و تردّد در تمام دوائر افکنده و بدرجهٔ توجه عوام را بطرف این امر جلب نموده و مسئله مزبوره را بطوری بنقطهٔ نازك و دقیق رسانیدند که اگر آنوقت به آن امر راضی شده بودم آنوقع و اهمیت آخر یرا که برای حصول اعتماد و اعتبار ملت ایران که (خیلی گول خورده و شك زده بود) نسبت بخود تحصیل نموده بودم از دست داده و در اقتدارات راجعه بوضع قانون و انتظار و امیدواری که ایرانیان بمساعی من در اصلاحات داشتند نقصان کلی راه میافت قبل از آنیکه یك صندلی را در خانه خویش برای نشستن بجای خود بگذارم طوری آنتریکهای دیپلوماسی سادهٔ خودشان را جلو راه مقصود من افکندند که اگر مغلوب آن آنتریکها شده وتن در داده بودم بواسطه آن عمل جزئی همدردی حقیقی و معاونت ایرانیان را از دست میدادم و چنانچه از رفتن در

اندام که از سابق برای ما ساخته و گسترده شده بود تحاشی و امتناع نموده و زیدیم جرم والزام بزرگی بر ایخود ثابت میتمودیم یعنی بواسطه آن تحاشی نسبت قصوری در ذکاوت و مال اندیشی ما راه مییافت *

اگر مطالعه کنندگان به پیش آمد های مزبوره بخندند اجازه خواهند داشت زیرا که خندهٔ ایشان مربوط بمصنف نبوده و تاثیری در او ننموده بلکه خود مصنفهم خواهد خندید این قضیهٔ کوچک را اهم برای اظهار جوهر اصلی و روح ذاتی که در بعضی نقاط طهران سرایت کرده بود درج میکنم چندی بعد یعنی تا مادامیکه ما در طهران بودیم آن تریکهای پی در پی بود که لا تعد و لا تحصی جلو راه مقصود ما می افکندند که همه برای بد نما کردن صداقت و تکذیب نوشته جات و تذلیل اشخاصی بود که انکار کرده بودند از اینکه آلهٔ اجرای مقاصد پولیتکی دیپلوماسهای اجانب بشوند *

اوّل ژون (سوّم جمادی الثانیه ۱۳۲۹) سپهدار اعظم در پارک خود در طهران که خیلی باروح و خوش منظر بود مجلس دعوت « گاردن پارتی » (عصرانه در باغ) تشکیل داد معلوم ومعین بود که یکی از مقاصد آن مجلس و مهمانی تلاقی و تصادف (یعنی معرّفی) امریکائیها باهیئت دیپلوماسی اجانب مقیم طهران بود خوب در خاطر دارم که وقت عصری که هوا هم قدری گرم بود با زن خود سواره چگونه از خیابانهای گرد آلود بطرف پارک سپهدار حرکت نمودیم در بین راه محاذی در سفارت انکلیس رسیدیم وزیر مختار محترم انکلیس را دیدیم که با خانمش سواره و بهمراهی سوار های نیزه دار هندی از سفارت بیرون آمده و از ما گذشته پیشا پیش ما رفتند این اوّل مرتبهٔ بود که سر جارج بارکلی (Sir George. Barclay.) را دیدم وقتیکه بباغ رسیدیم هوای تازهٔ خنك میوزید و فوّارهای قشنك در هر طرف جستن نموده و رقاصی (یعنی در گردش و چرخ خوردن بودند) می کردند از راه پر پیچ و خمی که از دو طرف آن گلها و درختهای منظم بود بخیمه (چادر) پذیرائی رسیدیم موزیك دولتی هم در عقب آن خیمه در نوازش بود *

وقتیکه مقابل چادر رسیدیم میزبان و جمعی از استقبال کنندگان را ملاقات نمودیم بعد از آن بمحلیکه خیلی تنك و خفه ومخصوص بدائره زنان و مردان اروپائی بود مارا رهبری کردند درحالتیکه همه آنها بحالت و هیئت بی اعتنائی و نشناختگی عمدی سنك صفت نشسته و بما که بعقیده خود شان مهمان نا خوانده بودیم خیره خیره نظر میکردند اگرچه پرده های چادر از سه سمت بسته و هوا جریان نداشت با آن حال احساس برودت هوائی از مهر سردی

آنها میشد ما یعنی من و زنم و مستر مکاسکی و زنش که همراه ما بدان محل آمده بودند در مرکز و وسط آن جمعیت ایستاده بودیم وقتی که آنحالت را مشاهده نمودم آهسته بگوش همراهان گفتم باید چنین تصوّر نمود که ما چهار نفر در صحرائی باهم مشغول صحبت و گفتگوی باشیم خیالات و اقدامات سپهدار و محتشم السلطنه وزیر خارجه که رئیس تشریفات آن مجلس بود برای ایشان اسباب زحمت زیاد شده بود آنها میخواستند اجتماع نقیضین نموده و عناصر مختلفه اجنبیه را یکجا جمع کنند ولی در آغاز فکر نکرده بودند که اول باید کدام کس را بکدام کس معرّفی نمود بعد از تأمل بسیار بهمدیگر میگفتند « خیر انشاء الله » اینگونه امور از قوّهٔ ایشان خارج بود *

ما همانجا ایستاده و با کمال تعجب و حیرت به نمونه و طرز کلاههای دراز مختلف که بسبک (مد) قدیم بود و اعضاء دلیر و شجاع سفارت خانها بسر گذارده بودند نظر نموده و توصیف آنها را میکردیم؛ اکثر آنها غریب و نادر و چند نمره از سر شان بزرگتر بود تا مدّتی در تحیر و تعجب از وضع آن کلاهها بوده و فکر میکردیم که جوانان انگلیسی چرا این قسم کلاههای بلند استوانه را بسر میگذارند و اگر گوشهایشان ممانعت نمی نمود سر و صورتشان در زیر آن کلاهها پوشیده میشد بعد ملتفت شدیم که کلاههای مزبوره اسلحه اخلاقیست که در طهران کمیاب و عزیز الوجود میباشد (۱) حون حمل و نقل آن کلاهها از بالای کوه البرز کار مشکل بنظر شان می آمد دیپلوماتهای پست زیر دست آنها را از متروکات رسمی پنداشته یعنی از مأمورین سلف برسبیل ارث یا یادگار برای اخلافشان باقی مانده بود معلوم میشود که مأمورین سابق بمرض (Megaloc phalia.) استسقای سر یعنی بزرگی کلا که مرض معروفیست مبتلا بودند (۲) تا ده دقیقه بدون اظهار کسالت و عجز بهمان حال ایستاده و وقت خود را صرف نمودیم ولی بزودی آنحالت مانند یخ شروع به تحلیل رفتن گذارده یعنی مهمانها بیشتر شده و بنای آمیزش را با یکدیگر گذارده و چند نفر از دوستان ما هم رسیدند مستر میکاسکی بمن اطلاع داد که سر جارج بارکلی وزیر مختار انگلیس با او معرّفی شده وخیلی میل دارد که با من هم معرّفی بشود من هم در این

(۱) مناسبت توصیف کلاههای مزبوره با سلحهٔ اخلاقی شاید این باشد که چشمهای کشادهٔ خود را در زیر آن کلاهها پنهان نموده و خود را بنظر مردم با حیا و قدمن جلوه میدادند *

(۲) کنایه از اینکه کله شان پر نخوت و پر باد بوده * مترجم

اشتیاق و میل بودم بعد از ملاقات : در اثنای گفتگو وقتیکه رشتهٔ سخن بطرف حالت حاضره مالیه و وضع کار و امید اصلاحات منتهی شده بود شخص محترم خوش سیمائیرا دیدم که از تردّد و اضطرابی که از بشرهٔ اش هویدا بود تاثیری در دل من پیدا گردید که باید آن عالیحضرت محترم شخص دیپلومات جلیل القدر بزرگی باشد تا مدّتی تیز تیز بسر جارج نگاه میکرد وقتی که نظر او با چشمهای سر جارج دو چار و مصادف شد اشاره نمایانی کرده و چشمکی زد بعد از آن سر جارج گفت « عزیزم مسیو « تریزرر جنرال » (خزانه دار کل) آیا با ایم پاکلیوسکی کزیل (M. Poklewski Koziel) وزیر مختار روس که مرد بسیار خوبی است ملاقات کرده آید ؟ » من اظهار تأسف نمودم که تاحال از این عزّت و شرافت محروم میباشم سر جارج گفت « شاید از همین جا بگذرد من شما را با او معرّفی خواهم کرد » بعد معلوم شد همان شخص محترمیکه مضطربانه بفاصله هشت قدم از من دور ایستاده مسیوی معزی الیه بود در آن وقت مسیو پاکلیوسکی مشغول گردش و قدم زدن بود و چوب دستی (تعلیمی) خود را چرخ داده و جمعیت را تماشا میکرد بهمین حال از جلو ما گذشت وقتیکه نزدیك سر جارج رسید سر جارج بازوی خود را ببازوی او زد بواسطه این اتفاق عمدی باهم دو چار شده و بدون وقوع هیچگونه تزلزلی در موازنهٔ امور پلتیکی باهم ملاقی شدیم وزیر مختار فرانسه هم دران محل حاضر بود ولی بواسطه فوت شدن وقت و عدم فرصت یا انصراف رائی که برائی مشار الیه حاصل گشت دیگر در تمام مدّتی که در طهران بودم بشرف و مسرّت ملاقات ایشان نائل نشدم *

سر جارج بارکلی و مسیو پاکلیوسکی را در آن وقت و در هر موقع ملاقات دیگر خیلی خوش طبع و خوش محضر و با تربیت یافتم ولی بواسطهٔ تکالیف رسمی سنگینشان در طهران اثر انقباضی از بشرهٔ ایشان هویدا و فرائض و وظائف آنان بالنسبه بطبعشان اکثر نا ملایم و نا هموار بود *

باید مردم در اکثر اوقات بین حالت شخصی و دیپلوماسی امتیاز داده و فرق بگذارند یعنی مأمورین محترم گاهی خوش صحبت و خوش مذاق و بعضی اوقات در موقعیکه تحت احکام دول خود اقدامات رسمی مینمایند دیپلوماسی و « سور » (سخت گیر) میباشند اگر این قسم نکنند امور درهم و برهم و هرج و مرج شده و بی اعتدالی بزرگی در کارها واقع خواهد شد از برای بعضی دول کم اتفاق میافتد که برای نمایندگان و مأمورین خود

در ممالك اجنبيه خصوصاً در مشرق احکام و دستور العمل جزئیات را بفرستند که چنین و چنان باید کرد یا حتماً فلان امر باید انجام داده شود و صاحب‌منصبان و مأمورینی هم که در مرکز دولت متبوعه خود بوده و زمام حل و عقد روابط اجانب در دستشان میباشد بحالات الم انگیزی که از اثر و نتیجهٔ احکامشان بظهور پیوسته اعتنا و توجهی نمیکنند *

یکی از اوّلین مسائل مالیه که رأی مرا در آن پرسیدند این بود که ادارهٔ نمکرا که یکسال است تشکیل شده باید جاری و برقرار داشت یا اینکه باید نسخ و منقرض شود؟ ملتهم خیلی شاکی و ناراضی بودند بعد از تفتیش و تحقیق معلوم شد که عایدات و قیمت ششصد «پوند» انگلیسی (که معادل یکخروار ایران است) نمکی که از معادن مملکتی استخراج میشد شصت و چهار قران که معادل با پنج دالر و هفت دهم دالر است میباشد در صورتیکه گمرك همان مقدار نمکیکه از خارج بداخله ایران حمل و وارد می شد یك یازدهم دالر (قریب به نهصد دینار ایران) بود و باینجهته کسانیکه قبل از انحصار مزبور استخراج کرده و می فروختند وهم اشخاصیکه در دهات وقراء وسط ایران سکونت داشته طرف ظلم و بی انصافی بسیار واقع می شدند علاوه بر این در مدت یکسال از قانون زر خیز و گنج باد آور مزبور مبلغ جزئی یعنی قریب چهل و دو هزار تومان که تقریباً معادل باسی و هفت هزار دالر میباشد عاید دولت گشته و مبلغیکه از ملت گرفته شده بود دویست و نه هزار تومان و فاضل مبلغ مزبور بی تناسب بمصرف مخارج اجزاء رسیده بود از همه گذشته بر حسب تعرفه گمرك نباید هیچ قسم گمرکی تعلق باجناس و امتعهٔ داخلی بگیرد بملاحظات فوق فوراً رای به نسخ قانون مزبور دادم زیرا که صلاح و بهبودی ملت در آن متصور نبود و مجلس هم رأی مرا تصویب نمود *

از آن تغییر جزئی اثر مشروطیت درقلوب اهالی محکمتر گردید و حال آنکه بواسطه قانون انحصار مزبور درمعرض خطر و ضرر بود و هیچکس از آن انحصار بجز اجزاء و مأمورین آن اداره که از پیشرفت قانون مزبور فربه شده بودند منتفع نمی شد *

(چون این بنده یکی از مامورین اداره مزبوره بوده و از اوّل انحصار تا آخر انقراض در شعبهٔ قصبه گروّس بسمت تفتیش مستخدم بوده لازم دانستم که مجملی از اطلاعات خود را بعرض قارئین محترم برسانم تا از حقیقت امر واقف و مستحضر گردند *

اگرچه ممکن است پس از ملاحظهٔ شرح ذیل بمناسبت استخدام ادارهٔ مزبوره نسبت

طرفداری بمن داده شود ولی چندان فرق و تاثیری در من نخواهد کرد اوّلاً عایدات شعبه گروس را که اطلاع کامل از آن دارم اگر مصدر نسبت قرار دهیم عایدات یکساله تمام شعب با ضعاف مضاعف بیشتر از مبلغ مذکور باید شده باشد زیرا که تقریباً عایدات شش ماههٔ شعبه ادارهٔ نمك گروس یعنی پس از گذشتن چهار ماه از ابتدای انحصار که در گروس شروع بفروش و قانون مزبور مجرا شد و قبل از اینکه راه مکاریان و مشتریان نمك بواسطهٔ سرما و برف تا زمان انقراض اداره مسدود شود عایدات شعبه گروس بتنهائی پس از وضع مواجب اجزاء و مخارج مسافرت و بنای عمارت و خریدن ملزومات اساسی و مخارج فوق العاده عملجات استخراج وغیرهٔ بین پانزده الی بیست هزار تومان شد چون فروش عمده این معدن منحصر با هل جاف و بعضی از عشایر اکراد و مقدار نا قابلی هم به اهالی قراء گروس بوده و علاوه حرکت و ذهاب و ایاب اکرادهم منحصر به چهار پنج ماه موسم گرما بوده این مقدار قلیل شد ولی در سایر معادن که اینگونه موانع را نداشته خصوصاً معادنی که مجاور مرکز یا شهرهای بزرگ معروف بوده و در تمام مدّت انحصار مشغول کار بوده اند بطور حتم عمل کرد شان باید خیلی بیشتر از این شده باشد ثانیا بواسطه ارزان بودن قیمت سابق نمك و امیدوار نبودن رعایا باجرا و نفوذ آن قانون و انتظار انقراض آن یا از سابق نمك ذخیره داشته و با کمال امساك امروز را بفردا رسانیده و با کمال عسرت و مشقت تلف شدن احشا مشانرا از بی نمکی ترجیح بر اطاعت از قوانین دولتی میدادند چنانچه اغلب عشائر مزبوره بهمین ملاحظه در اوّلین طلوع سالار الدوله بدون هیچ خوف و اجبار مشار الیه گرویده و علناً بنای مخالفت و یا غیگری با دولت گذاردند اهالی گروس می گفتند فروش آن سال از حیث وزن یك بیست و پنجم سالهای قبل نبوده ثالثاً مخارج فوق العاده که در آن سال یعنی در ابتدای انحصار به تمام دوائر و شعب ولایات تحمیل شد منحصر بیك مرتبه بود مثل مخارج فوق العاده مسافرت و اعزام مأمورین باطراف و بنای ابنیه و عمارات لازمه در هر معدن و محمل و مخارج اساسیه وغیره که در سنوات بعد نمیبود علاوه بر اینها انقراض و نسخ اداره نمکرا اهالی گروس و اکراد آثار مشروطیت ندانسته بلکه نتیجه متابعت سالار الدوله تصور میکردند که رعایا را از دادن مالیات جدید معادن نمك نقاط متصرفهٔ خود معاف کرده بود و اظهار مسرّت از نفوذ خود پسندانه وی مینمودند ولی دو امر مسلم بود و محل انکار نیست یکی قصور و عدم دقت در انتخاب مأمورین امین و انحصار خدمات بزرگ مرکز و شعب را بسلسلهٔ جلیله

شاهزادگان با حقوق بی تناسب فوق العاده چنانچه شنیده شد که میگفتند « اداره نمك طعام و طعام خوان شاهزادگان شده » و دیگر راپورتهای سرسری بی خبران را که فقط برای اظهار اطلاع کفته محل اعتنا قرار دادن در هر صورت بعقیده شخصی خود من اگر ادارهٔ مزبوره تا کنون جاری و بتدریج رفع موانع واشکالات را نموده واحتیاجات نامهٔ عامه را بطرف خود جاب میکردند بطور حتم عایدات سالانه این اوقات بالغ بر چندین کرور تومان می شد * مترجم)

ــ✻ باب دوم ✻ــ

در شرح حالات سیاسی وچگونگی امور مالیهٔ ایران که ما دیدیم اقتدارات نایب السلطنه و کابینه و مجلس مسالك وطریقهٔ دولت و وسائل وصول مالیات قروض داخلی دولت استقراضات از اجانب *

از روز اوّل که ما وارد طهران شدیم همواره مارا متنبه نمودند که هیچوقت نخواهند گذارد در باره ایران کار صحیحی بکنیم مستشاران و صاحب منصبان اجنبیهٔ دیگر هم که بطهران آمده و ساعی بودند که اصلاحات عملی کنند از همان اوّل مجبور شدند که یا ایران را ترك و بدرود کفته و یا بطرفداری وحمایت « کسان دیگر که برضد اصلاحات بوده روند » و برای ماهم همین را انسب میدانستند که با آن اعیان مقتدر صلح آمیزی اختیار بکنیم مراد از « کسان دیگر » که زود ملتفت شدیم صاحب منصبان و اعضاء دولتی مفتن ومفسد ایرانی بودند یعنی بقية السیف واخلاف دوره استبداد که برضد پیشرفت مشروطه بوده و در زمان حکومت سابقه استبدادیه مصدر خدمات بزرگ و صاحب تمول واقتدار گشته وبه تربیت وتحصیل اروپائی هم آراسته و پیراسته بودند وهمه ایشان این نکته را بخوبی ملتفت شده ومراعات می نمودند که سلامتی وسهولت پیشرفت امور شان در این میباشد که آلة کار وهوا خواه دولت روس شده ودرتحت حمایت دولت مذکوره و آثار

و نفوذ قویه اش اغراض شخصی خود را مجرا نمایند این شق را انسب و اولی میدانستند از حمایت ابناء وطن خود که با کمال نواقص بی تجربه گی و جهالت در اصول و اصطلاحات دولت مشروطه (که بمقاصد شان ضرر بزرگ میرسانید) دلیرانه و متهورانه دست و پازده و کوشش مینمودند *

این مسئله اوّل مطرح مزاح و تمسخر دوائر دیپلوماسی طهران شده بود که امریکائیها بیشتر از سه ماه در ایران نخواهند ماند خانم یکی از وزیر مختارهای محترم گفته بود که « یکماه دیگر امریکائیها را در راه انزلی مراجعت کنان خواهیم دید » هر قسم سعی بلیغی که در تصفیه و اصلاح امور مالیه ایران بعمل می آمد بیشتر اسباب مضحکه میشد *

در هنگام مسافرت بایران پنج روز در قسطنطنیه (اسلامبول) توقف کردیم جمع کثیری از مهاجرین ایرانی در آن شهر سکونت داشتند شهر مزبور پایتخت مملکت عثمانی و با طهران همیشه طرف مکاتبه و معامله می باشد در آنجا ایرانیان بسیاری را ملاقات کردیم که تازه از وطن خود مهاجرت نموده و بعضی از ایشان را بسبب امور پلتیکی نفی بلد کرده و یا خود فرار نموده بودند از آنجمله تقی زاده بود که معروف ترین وکیل مشروطه خواهان تبریز بود مشار الیه بملاقات من آمده و تا مدّتی در باب بی نظمی و مشکلات امور ایران گفتگو نمود جماعت دیگری که خدمات نمایان در حرکت رولسیونی و وطن پرستانهٔ ایران نموده بودند نیز بملاقات من آمده و بیشتر ایشان تجار و علماء و اعضاء ادارت دیپلوماسی اجانب بودند این اوّلین مرتبهٔ بود که از حالات رائجه و معموله ایران اطلاع عمیقی حاصل نموده و اعتراف کردم که حالات و پیش آمدهای آینده ایران اطمینان بخش نبوده و آن منظره ها شخص را مرعوب می نماید *

ایشان از بسیاری از امور ایران از آنتریکهای اجانب گرفته تا ضررهای شخصی و احتمال مخاطرات جانی مرا آگاه نمودند در نصایح مختلفه که بمن نمودند متفق علیه همه صراحةً این بود که مجلس یا پارلمان سبب و علت تحریك و ترقی ایران بوده و بواسطه قانون و شهرت ایشان آثار و علائم ملیت و قومیتشان ثابت می شود دوستان و ملاقات کنندگان بما گفتند « اگر اطمینان و حسن عقیده وکلا را بطرف خود جلب نمائید گویا نصف کار شما انجام گرفته باشد و اگر به تحصیل رضایت و معاونت آنان موفق نیامدید بهتر است که از نتائج مساعی خود تان دست شسته و از اقداماتیکه برای تحصیل و تکمیل نتائج میکنید صرف نظر نمائید » *

بسیاری نگذشت که دیدیم چه قدر بیانات ایشان درست و صحیح بود غفلت عمدی (تجاهل) از اثرات و نتائج آن دستور العملها مانند سنگی جلو راه مستشاران اجنبیه بود که بایشان مصادف شده و همواره کشتی خدمات آنهارا ریز ریز میکرد (یعنی هر یکی از مستخدمین اجنبیه ایران که مراعات نکات و دستور العملهای فوق را نکرده و یا غفلت می نمود اقداماتش بکلی بیحاصل و باعث سلب اعتبار مردم از او می شد) اما در حصول و جلب اعتبار و محرمیت با مخفی ترین دوائر دیپلوماسی اجانب در طهران برای هر یك از مستشاران هیچگونه اشکالی در پیش نه بود و آن محرمیت بسیار واضح و دلفریب و برایگان دعوت و ترغیب می نمود اما اگر با چند تن از نمایندگان بعضی دول اجنبیه دوستی وخلوص ظاهری بدان قسم محکم و استوار میگردید این گونه حالات و سر نوشت مستشاران در آتیه در دفتریکه راجع باعتماد و اطمینان مجلس یا پارتی وطن پرستان بود ثبت می شد یعنی اطمینان مجلس یا احزاب ملی نسبت بایشان خاتمه می یافت *

در آن زمان دوائر دیپلوماتی طهران عبارت بود از وزیر مختارهای روس وانگلیس وسفیر عثمانی که هر سه برنطع پلتیکی مشغول بازی بودند سایر نمایندگان محترم وظیفه شان بیش از این نبود که جماعتی از هموطنان و اتباع خود را که از دولت ورشکسته و بی پول ایران مواجب و وظیفه میگرفتند حمایت و نگهداری کنند اغلب آن موظفین بمناصب و القاب عالیه محترم وسرفراز بودند در ایران کمتر کسي بود که منصبش از «کرنلی» (سرهنگی) کمتر باشد و پستتر از اینمنصب را امر عجیب وغریبی میشمارند مثلاً یکشخص ایتالیائی معروفی که مناسبت مختصر و بستگی موهومی باداره جنگ ایران داشت خیلی خوش وقت می شد که خود را از پیش خود بمنصب «جنرالی» (سرتیپی) ترقی داده وخود را در زمرهٔ سرتیپان بشمار بیاورد *

۱ این تصنیف در صدد بیان جغرافیائی ایران نیست واز وضع زندگانی و طرز عادات و اخلاق ملی مرکز تمدن مشرق نیز سخن نمیراند لکن اگر ذکر این یك فقره را ترك نمایم بسیار ظالم خواهد بود بدون اینکه از مصنفین و موسسین مضمون کو که همیشه اروپائیهای طهران را (خوشامد) گفته و وجود آنان را بواسطه آراء سخیفه و بی حقیقت خود زنده نگاه می داشتند اعتراف وتمجید (خوشامد) بگویم خوبست وجداناً تصور شود دولتیکه به تعجیل تمام رو بزوال میرود در میان این خرابه متزلزل جماعتی رنگا رنك بودند مثل صاحب منصبان بلجیکی کمرك ژاندارمری ایتالیای «سرجمها» (صاحب منصبان

پست) توپخانهٔ آلمانی علما و متبحرین و معلمین و مستشاران فرانسوی مشاقان نظامی اطریشی منشیان انگلیسی بانك مصاحبان و ندیمان عثمانی و ارمنی در باریها آخر همه ولی بزرکتر و با اهمیتتر عدهٔ کثیری از صاحبمنصبان و مشاقان روسی قزاقها که در صورت ظاهر فقط مشاق ولی در هر کوشه و کنار متفرق و پراکنده بودند این اخلاط مختلفه روزانه بشغل شخصی خود مشغول بوده وضمناً دولت شاهنشاهی ایران را بطرف نکبت و افلاس بانضام حرکت یك پهلوی مخفیانه محتالانه بطرف مقاصد و اغراض شخصی و پلتیکی خود شان حرکت و تکان محکمی میدادند ورود این یکمشت امریکائیهای بد بخت بسر زمین ایران نمایشگاه خوش منظر و تماشای خوش مزهٔ بود برای آقایان محترم حتی خواتین معظمه سفارتخانهای اجانب که با کمال امنیت و راحتی مشغول تماشا بودند باین ملاحظه که بسیار غرابت داشت که ایشان یعنی امریکائیان بتوانند در تحت احکام واوامر دولت ایران باداء وظائف و تکالیف خود مشغول باشند آخر کار از ترس اینکه مبادا لذّت ونزاکت آن منظره کم شود ده یازده نفر سویدی را بر فهرست مستخدمین و مشاقان نظامی افزودند که محل حقوق و مواجب آنها از مالیاتی بودکه از رعایای ایالات اخذ وجمع می شد *

چند هفته قبل از آنکه مجلس قانون سیزدهم ژون ما را تصویب نماید درصدد تفحص و تجسس واطلاع کامل از حالت مالیه ایران برآمدیم *

کتابچه و دستور العملی از مسیو مرنارد در کمرك بود ولی دسترسی به آن از قدرت ما خارج و غیر ممکن بود که آن را پورتها را تحصیل نمائیم و هیچ کس هم داو طلب بدست آوردن آنها نشده و خود شان هم بطیب خاطر بطور یقین نمیدادند در شعبهای دیگر وزارت مالیه هم نوشتجات و « استاتستیك » (موازنات) مرتبی که حقیقی داشته و بشود چیزی از آنها فهمید نبود بجز میز و صندلیها که بزبان فصیح مانند آقایان محترم و حلیم ایرانی ساکت وصامت بیان حال خود را می نمودند همان آقایانی که در اداره مالیه فرضی و تقدیری و طنشان مشغول ریاست بودند *

من میتوانم بخوبی بگویم که مالیات ایران درصورتیکه کسی بتواند مفهوم یا وجود خارجی برای پیچیدگی فرض نماید خیلی درهم و پیچیده بود اگر کسی میخواست آنرا به پیچاند غامض و مشکلتر میشد خلاصه و مختصر این است که ایران هیچ مالیاتی معینی متعارفی نداشت در وزارت مالیه مذکوره جمعی از صاحبمنصبان و آقایان ایرانی بودند که هر

یك بر دیگری پیشی و سبقت جسته و بیشتر اوقات پی در پی تغییر و تبدیل می یافتند در بیان و مهارت و توصیف ادّعای اطلاعشان همین بس که تمام ثروت و نقود خود را صرف کرده و محتاج این بودند که چاله و کودال افلاسشان را پر کرده و بتوانند کیسهای خود را از مرض تهی بودن رهائی دهند آنوزارات مالیه حقیقةً هیئت اجتماعی بد شکل بی ترتیبی در تحت ریاست صاحب منصبان طبقه پست شعبهای مختلفه بود که آن شعب و دوائر منوط و مربوط باطلاعات و نگرانی ایشان بوده و برای منفعت رسانیدن و خدمت بدولت از راه عایدات داخلیکه آنرا مالیات نامیده و همچو شهرت داشت حاضر میشدند در دوائر مالیه هیچ تحصیل کرده ودیپلوم کرفته « کلاس سویل سرویس » وجود نداشته و امتحان و محکی نیز برای قابلیت و لیاقت در کار بود (۱) ٭ وزرای ازمنه مختلفهٔ سابقهٔ مالیه خدمات و مشاغل اینوزارت خانه را بکسانی میدادند که نفوذ خاندانی یا کفایت و مهارت شخصی برای انجام آن خدمات داشتند هیچ صاحب منصبی نمیتوانست یقین کرده و مطمئن شود که تا روز دیگر بشغل و خدمت خود باقی و برقرار خواهد بود (حالت حقیقی وتصویر خیالات همه اجزاء را این مصراع تشریح می نماید وقت را غنیمت دان انقدر که بتوانی مترجم) هیچ وقت اتفاق نیفتاد که یکی از اجزاء مالیه مالیات را در تحت نظم و ترتیبی آورده و براساس معینی استوار نموده و یا از برای مالیات « فور مولی » (مفتاحی) قرار داده باشد که بموجب آن دولت بتواند بفهمد که از عایدات مختلفه مملکتی چه مقدار جمع و وصول شده و یا باید جمع شود و چه قدر عاید خزانه شده است اقلاً این سعی را هم نکرده بودند که مخارجیکه محرمانه بصندوقهای خزانهٔ طهران راه یافته و رخنه میکرد مرتب و منظم نمایند اولین تجسس و تفحصی که برای « بودجه » (موازنهٔ جمع و خرج) عایدات مالیه کردم بودجه مخارج دولتی بود مترصد و منتظر بودم که باین وسیله اطلاع کاملی تحصیل کنم که عایدات دولتی از همه جهة چقدر بوده و چه اندازه از آن مبلغ برای پیشرفت و گردانیدن چرخهای وزارتخانهای مختلفهٔ فرضی و ادارات تقدیری وشعب آن بمصرف میرسد ولی زود مطلع شدم که موازنهٔ جمع و خرجی در کار نبوده با اینکه مسیو لکفر که ذکرش سابقاً گذشت درظرف مدّت دو سال با انواع حوادث و اشکالات مانعه چقدر سعی کرد که چیزی تحصیل کند که مصداق بودجهٔ بوده و بتوان اسم موازنهٔ جمع و خرج بر آن گذارد اطلاعات آن

---

(۱) « کلاس سویل سرویس » درجهٔ از تحصیل است که محصل پس از اختتام آن درجهٔ لیاقت خواهد داشت که در خدمات کشوری و ادارهٔ قلمی داخل شود ٭ مترجم

شخص محترم از منابع و سرچشمهای موهوم و فرضی عایدات و مخارج وزارتخانهای مختلفه و ادارات دولتی بیشتر از اطلاعی که از همه دفاتر مشهوره و محاسبات دولتی مستفاد میگشت مفید تر بود از آنروز که مشار الیه اقدام باین امر کرد که اطلاع قطعی از منشاء عایدات دولتی و محل صرف و خرج آن تحصیل کند که از کجا و بچه صیغه جمع و در کدام محل صرف می شود وزراء مالیه و مباشرین عایدات دولتی که مصدر خدمت بودند در بارهٔ او سوء ظنی پیدا کرده و علاوه بر این در انظار صاحب منصبان وزارت جنگ هم خیلی از احترامات و اعتبار مشار الیه کاسته شد زیرا که خود را بملاحظهٔ ادّعای استحقاق و لیاقت معموله مجاز و مختار دانسته که نصف عایدات دولتیرا بمصارف شخصی خود برسانند درعوض اینکه برای پیشرفت مقاصد ادارهٔ جنگ مثل هیئت دائرهٔ سیورسات جبه خانهٔ حقوق ندما و معاونین سردار کل مریضخانه و دواخانه پیاده نظام بریگاد سواره توپخانهٔ لشکر منظم ایران که در حکم ارواح سفلی یا پریهای موهوم که خوابهای ریپ و نوینکل (Rip Van Winkle.) را پریشان میکردند بوده بمصرف برسانند(۱) در ظرف مدت هشت ماه که در طهران بودم چهار ماه آن را دولت مشغول فراهم نمودن اوازم جنگ با شاه مخلوع و برادر دیوانه اش شاهزادهٔ سالارالدوله بود من هیچ قشون منظم معتد به ندیدیم بجز آنکه آخر ماه برای مطالبهٔ مواجب خود آمده و حواله و براتیکه متضمن مبلغ هنگفتی بود و فهرستهائی را که وزارت جنگ برای ملبوس و سایر لوازم قشونی تصویب نموده بسرما می ریختند که باید خزانه دار وجه آن را ادا نماید *

دولت ایران با یالات و ولایات چند منقسم است که هر یك از آنها دار الحکومهٔ دارد که مرکز و حاکم نشین آن ایالت یا ولایت محسوب میشود معمورترین آنها ذیلا درج می شود :—

ایالات شمالی : آذربایجان که دار الحکومهٔ آن تبریز مازندران که حاکم نشینش ساری گیلان که مرکز ان رشت خراسان که حاکم نشین آن مشهد است میباشد ایالات جنوبی : اصفهان که پای تخت آن شهر اصفهان فارس که حاکم نشین آن شیراز است میباشد درهر یك از ایالات و شهرهای بزرگ که مرکز امور دولتی ولایات وقصبات کوچك میباشد پیشکار مالیه از طرف اداره مرکزی طهران معین شده وتکلیفش این بود که در عرض سال انواع عایدات مختلفه دولتیرا از رعایا وصول کرده و بعد از وضع

(۱) سرگذشت ریپ و نوینکل در خاتمه کتاب ذکر خواهد شد * مترجم

مخارج که عبارت از مخارج وصول مالیات و حقوق شخصی خود باشد باقیرا تحویل وزیر مالیه نماید حالت صحیح و تفصیلی طریقه وصول مالیات در باب دیگر ذکر خواهد شد همین قدر از بیان کافی است که وزیر مالیه از این امر سهل و آسان مشعوف و محظوظ می گشت که در عوض پول بروات و احکام (مانند پروانه) به اسم پیشکاران اماکن مختلفه و وصول کنندگان عایدات دولتی صادر نماید و بدین طریق با کمال مسرّت برای انجام خواهشهای اجزا و اعضای وزارتخانهای مختلفه مثل وزارت جنگ وزارت عدلیه وزارت داخله وزارت خارجه وزارت علوم حاضر ومعاملات نقدی در این گونه موارد بکلی منفور و نا پسند بود اگر کسی سؤال میکرد که وجه این بروات که وزیر مالیه باین کثرت صادر و منتشر می نماید آیا ممکن الوصول است؟ مسئله و مبحثی جداگانه و دور از واقع بود هر وزیر مالیه طبعاً مایل و ساعی بود که شهرت کند که در امور مالیه رئیس مقتدر کامیابی بوده و علاوه بر این مطالبات وزراء و همقطارانش را ثابت و محقق نموده و فوراً می پرداخت که در عوض ایشان هم در اوقات معینه از هر گونه مساعدت و ملایمتی در باره مشار الیه مضایقه ننمایند و بدینقسم ذمهٔ دولترا پاك و بری میساخت بطوریکه در ظرف چند سال گلهٔ بزرگی از این پرندگان کوچك کاغذی یعنی بروات صادرهٔ وزارت مالیه و خزانه مرکزی باطراف و اکناف ولایات و ایالات پرواز نموده و در جیب و بغل طلبکارهای خوش عقیده خوش باور دولت مانند تجار و بازرگانان طبقه ادنی و مستخدمین عمومی پست و وظیفه خواران جاهل جای میگرفتند وجه بروات مزبوره معادل با چندین ملیون «دالر» سکهٔ امریکا شده بود هیچ شخص عاقل زیرکی هیچوقت نمی توانست حساب آنهارا مرتب و میزان کلّ را معین و اعتبار سلب شده و از دست رفته دولت را تحصیل کند پس آن بروات نصف اعتباری بسیار در طهران غیر محسوس و در جزو قروض دولتی محسوب نمی گشت وجه آن بروات یك معمای بزرگ پیچیده شده بود که غیر از دست قدرت شافی طبیعت و قادر مطلق نمی توانست آن را حلّ نماید *

بعد از آنکه قانون سیزدهم ژون مالیه بمجلس پیش نهاد و تصویت و مجرا شد از حضرت معاون الدوله که در آن زمان وزیر مالیه بود خواهش کردم که بموجب این قانون جدید التفات فرموده تمام محاسبات نقدی بانکرا که متعلق بخزانه عمومیست بمن تفویض بفرمایند زیرا که من خزانه دار کل میباشم حضرت معزی الیه مثل یك دوست صمیمی خالص تبسمی کرده و گفتند که همین انسب و اولی است و نیز گفتند «که مسیو شوستر !! من

حاضرم که فی الفور این کار مهم یعنی محاسبات جاریه با بانك شاهنشاهی ایران را کلیة و مستقلاً بشما تفویض کنم و یقین دارم که در این زمان فاضل حساب یعنی طلب بانك از ما چهار صد و چهل هزار تومان (تقریباً معادل چهار صد هزار دالر) میباشد این است اخطاریکه ببانك کرده و بانك را مطلع و مستحضر نموده ام که از این تاریخ ببعد محاسباتوا باسم خزانه دار کل نوشته و شما را طرف حساب با خود بداند» من از آن حضرت تشکر نموده و بیمنت و مبارکی در تحت توجه و تربیت ایشان بفرائض و وظائف خزانه داری ایران مشغول گردیدم این مقدار قرض و یك سحاب مطالبات لازمه اعضاء کابینه آنحضرت که همه برای تأکید و مطالبهٔ بروات فوری خود آمده ومیگفتند که تأدیه این وجوه فوراً لازم است که دولت ایران را از انقلاب و بهمخوردگی حفظ نموده و برهاند در صورتی که جمع کلّ وجوه آن بروات معادل هفتصد هزار «دالر» (تقریباً معادل با هفتصد و هشتاد هزار تومان) بود *

یکی از دوائر وزارت مالیه که از همه بیشتر علاقه و ارتباط بپول داشت اداره ضرابخانه دولتی بود که در چند میل خارج از شهر واقع و در آنجا قرانهای ایرانی (که تقریباً معادل با نود (نه؟) سانت سکهٔ ممالك متحدّهٔ امریکا ست) با ما شینهای کهنهٔ فرسوده از شمشهای نقره که بانك شاهنشاهی بموجب قرارداد با دولت ایران وارد میکرد سکه میزدند چون بانك مزبور احتیاج روزانه بسیاری بمسکوکات نقره داشت و در محاسبات عمومیهم قران خیلی محلّ احتیاج بود چند وقت قبل که مسیودکی را که یکی از معاونین امریکائی بود بضرابخانه فرستاده بودم که آن کارخانه (نهال زرخیز) را معاینه و بازدید نموده و برای نظم و ترتیبش مهیا و آماده شود پس بهرحال در اداره و محلی که برای ما معین شده بود نشسته و بطرف معاون دیگر خود مستر میکاسکی که سمت دیگر میز نشسته بود توجه نموده و سعی میکردم که یقین کنم که «تمام عایدات و مخارج دولتی ایران درتحت نظارت ما در آید» *

«سرکولاری» (ورقه متحد المـال) بهریك از پنج بانگیکه در طهران دائر بود فرستادیم که از این تاریخ ببعد تمام اسناد و بروات دولتی فقط در صورتی محل اعتبار و معتنابه خواهد بود که بامضای خزانه دار کل رسیده باشد علاوه بر این به تمام بانکها اطلاع دادیم که هر میزان محاسبه و «کریدیت» (وجوه فاضله) مالیه که باسم هریکی از صاحبمنصبان دولتی دارند باید به «کریدیت» و حساب خزانه دار کل نقل و تبدیل نمایند که حسب

المقرر محاسبات در تحت نظم و ترتیب در آید یك نتیجه این اقدام که تا بحال هم هنوز معمول و ظاهر نشده این بود که فهرست مشروح ومفصلی از محاسبات عمومی نزد ما جمع و مرتب شد که بدون این تدبیر بهیچ قسم اطلاع از آن ممکن نبود فهرست مزبور باندازه مطلوب و پسندیده بود که میل نمیکردیم که از آن عطف نظر نموده و بچیز دیگر متوجه بشویم یکی از آن محاسبات « کریدیت » مسیو مرنارد مدیر بلجیکی کمرگ که باسم اف٠ آر٠سی (F .R. C.) نوشته شده و بسیار غیر منظم و بی ترتیب بود *

مناسب نیست که در اینجا شرح حالت پلتیکی ایران را بتفصیل بیان نمایم ولی همین قدر که دولت ایران مشروطه است شاید کافی و مطابق با واقع باشد آثار و مظاهر سلطنت منحصر و محدود است بوجود سلطانی که دارای تاج و تخت و در زمان صغر سن نایب السلطنه نماینده او خواهد بود و هر وقت که بجائی حرکت می نمود آقایانی با او بودند که مخارج و حقوقشان بسیار گزاف و تأدیه اش تکلیف شاق بود و ایشان خود را درباریان می نامیدند ولی کارهای مهمه اصلی دولتی در قبضه هیئت پارلمان (مجلس شورای ملی) بود که عبارت از هشتاد نفر وکیل بوده باشد که بنسبت به سر شماری ولایات و تعداد نفوس ایالات مختلفه ایران منتخب شده بودند هیئت کابینه که مشتمل بر هفت نفر وزیر و در تحت ریاست و نفوذ نایب السلطنه بودند پی در پی برای قبول و تصویب بمجلس معرفی میشد ولی چون بموجب قانون اساسی ایران مجلس اختیارات تامه واقتدار کلی قانونی داشت وعلاوه بر این میتوانست در هر موقع بحکم اکثریت آراء تبدیل کابینه را الزام نموده و یا بواسطه عدم اطمینان سلب اعتبار از آن هیئت نماید اختیار کلی در دست نمایندگانی بود که کثرت آراء اهالی ایران ایشان را انتخاب نموده بود *

روس و انگلیس دو دولت اجنبی بیگانه بودند که بر حسب گفته خود شان (انترس) رغبت یا اغراض مخصوصه در معاملات ایران داشتند قارئین بخاطر خواهند داشت که در سنه ۱۹۰۷ میلادی مابین دولتین انگلیس و روس عهد نامه صلحی منعقد و ممضی شد که در آن حدود جغرافیائی نفوذ خود شانرا باین قسم که نقاط شمالی منطقه نفوذ روس و جنوب شرقی نفوذ انگلیس باشد معین و مرتسم نموده بودند منتها دولت مشروطهٔ ایران عبارت از ملتی بود که اسماً آزاد و مستقل و صاحب حکومت و نمایندگان دول ا...بیه اروپا و نماینده ممالك متحده امریکا در آنجا رفته و تماماً بطیب خاطر شاهنشاهی و استقلال دولت ایران را اعلان و تسلیم نموده بودند و نیز بموجب عهد نامه ۱۹۰۷ هم این شاهنشاهی و

استقلال بین دولتین روس و انگلیس بطیب خاطر مسلم و ممضی شده بود *

استقراض خارجی ایران هم عبارت از چند فقره بود که دولت روس بسلاطین مختلفه ایران قرض داده و تمام آن قروض را بتوسط بانك استقراضی ایران که شعبهٔ بانك دولتی روس است در طهران یکجا جمع کرده بود علاوه بر این قرض معروف از دولت هند هم جزو آن قروضی میباشد که در زمان سلاطین سابق دولت انگلیس از پول هند به آنها داده بود آخر همه قرضه ۱۹۱۱ بود که از بانك شاهنشاهی گرفته و قدری قبل از ورود ما بطهران قانوناً قرضه مزبوره را ممضی و معتبر نموده بودند شرح حالات مفصل دیون و استقراضات مزبوره در باب دیگر ذکر خواهد شد علاوه بر اینها هم مقدار معتدبه غیر معینی دعاوی اجانب از دولت ایران بود که بیشتر آن ادا نشده و جمع کل آنها معادل چندین ملیون « دالر » امریکا میشد *

باری روی هم رفته این بود حالت دولت ایران در سیزدهم ژون ۱۹۱۱ (پانزدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۹) که مسئولیت نظم امور مالیه بمن تفویض شد *

باب سوم

در بیان مسلك و طریقهٔ عام النفعی که برای نظم و اصلاحات مالیه اتخاذ شده بود قانون سیزدهم ژون ۱۹۱۱ وضع سلوك و روابط دول اجنبیه با دولت ایران قضیه استوکس تشکیل ژاندارمری خزانه غرض اصلی و مقصود حقیقی معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس *

واضح است اشخاصیکه برای اصلاح امور مالیه معین شده بودند مادامیکه از طرف مصادر امور دارای اقتدار و اختیار تامه نمی شدند هیچگونه نظم و ترتیبی در اوضاع مغشوشه متصور نبود و کسانیکه برای تصفیه همچو امر سترگی منتخب شده‌اند از این هم که محل مشورت وزراء یا اعضاء کابینه (که مشغول وصول و خرج مالیه بودند) واقع شوند « دسیپلین » (نظم جدید) امور مالیه حاصل نمیگشت بجهته اینکه تا زمان انتخاب

و تعیین خزانه دار کل صاحبمنصبان و مباشرین مالیه اقتدار و اختیار کلی داشتند که تمام مالیات را جمع و خرج نمایند وزراء و مباشرین مالیه نه بزیور علم و تجربه آراسته و مزین بودند و نه بر حسب عادت و خصائلشان لیاقت و اهلیت همچو کاری را داشتند که انقلاب و اغتشاشاتی که در امور مالیه ایران چه در مرکز و چه در سایر ولایات راه یافته قلع و قمع و اصلاح نمایند *

بدیهی است که احتمال و امید اصلاح از کسانی متصور بود که از خارج جلب شده بودند درصورتیکه آنها هیچ توقع اسادی و یا امیدوار بمشورتی از هیچ یك از صاحب منصبان ایرانی که پی در پی بمناصب و مشاغل مالیه ایران معین و منصوب میشدند نداشته و بغیر از صوابدید و رأی خود بمصلحت بینی کسی محتاج نبودند امید نائل شدن اصلاحات در صورتی متصور بود که رؤسای اجنبیه مالیه خود را از تحت اطاعت و نفوذ اعضاء کابینه ایران خارج و آزاد نمایند *

مقصود من از نوشتن مسودهٔ قانون سیزدهم ژون ۱۹۱۱ (پانزدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۹) این بود که ادارهٔ خزانهٔ مرکزی مملکت ایران را بطوری تشکیل و مرتب نمایم که خزانه دار اختیار جمع و خرج تمام مالیه و عایدات دولتی را بهر اسم و رسم و از هر محل که باشد بعهده خود شناخته و یا ادارهٔ مرتب شود که از جانب دولت بتواند هر مبلغی را که صلاح بداند تأدیه بنماید در آن زمان عایدات دولتی منحصر نبود بوجوهیکه بتوسط مباشرین و مأمورین وزارت مالیه و شعب آن جمع می شد بلکه عایدات ادارات پست و تلگرافات وزارت داخله وزارت خارجه وزارت عدلیه علوم و اوقاف و ادارهٔ تذکره نیز ضمیمه آن میشد ولی اعضاء وزارت خانها و ادارات دولتی بدون هیچ گونه توجه و اعتناء باحدی یا پرسش و استفسار از کسی هر مبلغی که میخواستند و هر مقداری که میتوانستند گرفته و بمصارف شخصی خود رسانیده و ادارهٔ هم نبود که عایدات و مخارج را موازنه نموده و یا اینکه تناسبی در مخارج قرار داده و آن افراطات را محدود نماید باینجهة برای دولت خیلی اشکال داشت که بتواند معلوم و معین نماید که مالیات دولتی چه قدر و یا از کدام محل آمده و بکدام محل صرف میشود و اگر صبر میکردیم تا امور اداره را بسد فرصت کاملاً منظم نموده وسپس مسئولیت آن امر عظیم را بعهده بگیریم ممکن بود تجدید رأی یا تغییری در طبایع مصادر امور احداث شود خصوصاً که ریشهٔ ارتجاعیون و کسانیکه مخالف این اصلاحات بوده هنوز بحدی نازك نشده بود که بشود مطمئن شد

در این صورت احتمال میرفت که تمام کوششهائی که برای تنظیمات جدیده بکار برده شده بکلی عاطل و معوّق بماند باموانع و اشکالاتیکه در تصفیه و اصلاحات امور مالیه بود و اغتشاشات داخلی که تا چند روز قبل از تصویب واجراء قانون مزبور جاری بود در عرض مدت هشتماه که در طهران مشغول کار بودیم قسمت عمدهٔ عایدات دوائر دولتی که در پایتخت و سایر ایالات واجب الوصول بود) وصول نمودهٔ و نیز مخارج ومصارف فوق العادهٔ را که برای دفع محمد علی میرزا (که بجهة استرداد تاج وتخت سلطنت حمله نموده) لازم شده بود بی زحمت و تأخیر پرداختیم و همچنین حقوق و مواجب اجزاء ومامورین پلتیکی که در ممالك خارجه مأمور بودند اداشد درصورتیکه این اوّلین دفعهٔ بود که حقوق چند ساله بایشان عاید گشت و منافع قروض دولتی ووجوهیکه تأدیه‌اش فرض ذمهٔ دولت بود بانضمام مخارج ادارات مختلفه شهر را فوراً کار سازی نمودیم و فهرست صحیح کلیه محاسبات دخل و خرج ادارات دولتی نیز داخل دفاتر ادارهٔ مرکزی خزانه گردید *.

فهمیدن این مسئله خیلی مشکل است که قانون مزبوره و اجرای آن چه اثری داشت که دوائر اجنبیه را بضدیت وعناد وادار نمود بدون تصور اینکه آن قانون چه فوائد و نتائج بی اندازهٔ خواهد بخشید واز اجرائش موجبات حفظ و تأمین حقوق ایشان بیشتر و محکمتر شده وبدون شبهه تضییع یا تنقیضی در صرفه و صلاح طلبکاران چه رسمی و دولتی وچه شخصی حاصل نمیگشت ولی درعوض ایشان بوعید های بی نهایت خود افزودند در این صورت وبا اینکه قانون مزبوره در چند جلسه مجلس مطرح مذاکره و تصویب گشته بود ازهمانروز اوّل شروع باجرائش روس علناً اعلان جنك به آن قانون داده وآغاز بمخالفت و ضدیت را گذارد وزیر مختارروس اظهار نمود که مستخدمین بلجیکی گمرك هیچ گاه نباید درتحت محکومیت یا نظارت خزانه دار امریکائی در آینده باینمدرجه هم اکتفا و قناعت ننموده و دولت ایران را تهدید وتخویف کرد که قشون روس تمام گمرکات شمالی را تصرّف نموده و صاحبمنصبان و مأمورین روسی در آن حدود تعیین خواهد نمود تا دو هفته بعد از این تهدید سفارت خانهای روس فرانسه آلمان ایطالیا اطریش متوالیاً اعتراضات و اولتیما تومهای خود شانرا مثل باران بوزارتخارجهٔ ایران باریدند بیشتر آن تعرّضات وبهانه جوئیها بکلمات وعبارات خشن حقارت آمیز و بر خلاف قوانین دیپلوماسی نوشته شده وسعی وکوشش بسیار می نمودند که دولت

ایرانرا بترسانند که از حقوق آزادی و استقلال خود صرف نظر نماید و وزیر مختاران انگلیس وهلند و امریکا و سفارت کبری عثمانی از آن حملات و مداخلات مبرا بوده بی طرفی وسکوت اختیار نموده بودند *

در بین این حملات کنت کوات (Count Quadt.) که در آن زمان وزیر مختار آلمان مقیم طهران بود موقع را مناسب پنداشته و مراسلهٔ رسمی بکابینهٔ دولت ایران نوشته و باین بهانه ومستمسك اظهار مخالفت نمود که بروات حقوق اتباع آلمان مقیم طهران که مستخدم دولت ایران میباشند اگر برخلاف معمول سابق بجای امضای مسیو مرنارد رئیس کل گمرکات ایران امضای مستر شوستر خزانه دار را داشته باشد بکلی منافی و مخالف با صرفه و منافع دولت آلمان خواهد بود بعد از تحقیق معلوم شد که صرفه و منافع دولت آلمان در ایران منحصر بود بمبلغ ششهزار تومان (معادل پنجهزار و چهار صد دالر) که دولت ایران بدو نفر آلمانی بعنوان اعانه مدرسه و مریضخانهٔ آلمانی در طهران میداد این بود فوائد و منافعی که یکی از بزرگترین ومتمولترین دول اروپا از دولت مفلوك ایران مطالبه مینمود کنت کوات در مراسلهٔ خود ایمای دقیق طنز آمیزی بخزانه دار کرده بود که « یك شخص مستر شوستر نامی » شارژدافر سفارت ایتالیا هم بزرگترین وظیفهٔ سیاسیش منحصر باین بود که اسم شخص مسن معروف ایتالیائی را که مشاق نظامی و دارای منصب جنرالی است درجزو موظفین دولت ایران نگاه بدارد درصورتیکه وجود جنرال محترم موصوف از هرگونه خدمات عاری و بیکار شده وتمام اوقات خود را به آرام گرفتن (دراز کشیدن) بر صندلی راحت صرف میکرد شارژدافر مزبور برای اینکه از رقیب و همکار دیپلوماتی خویش یعنی وزیر مختار آلمان عقب نمانده باشد در مراسله خود که بدولت ایران نوشته بکلمات ذیل اشاره کرده بود « شخص موسوم بخزانه دار »

شهرت یافت مسیو مرنارد که مستخدم ومواجب خور دولت ایران و در تحت حمایت دولت روس بود اطاعت قانون دولت را نکرده وخزانه دار کل را تسلیم نمی نماید پس از چندی محقق و معلوم شد که مسیوی موصوف به بهانه ودسائس چندی خیال سرکشی وسر پیچی از حکم مجلس را در نظر داشت ولی از ترس اینکه مبادا مجلس قرارداد شغل زرخیز آنشخص محترمرا (بموجب تحدید و سفارشیکه نموده بودم) نسخ و ابطال نماید طوعاً وکرهاً محاسبات و بقیه نقود گمرکی را پیش من فرستاد از تعلل و تأخیر مسیو مرنارد در فرستادن محاسبات معلوم شد که چون دفاتر گمرکی درکمال بی نظمی و بی ترتیبی بوده نمیخواسته

است که آن بی ترتیبیها فاش شود و نیز از این تسامح بامور دیگر منتقل شدم که بیان و تشریحش بی فایده میباشد *

این جنك مضطرب و پریشان کن تا اواسط ماه ژوئیه (اواسط رجب ۱۳۲۹) جاری بود ولی بعد از آن تاریخ مسیو مرنارد اطلاع داد که تمام صاحبمنصبان بلجیکی گمرك حاضر و آماده شده که مقابل آن قانون سر تسلیم فرود آورده و اطاعت نمایند علت اصلی آن اظهار انقیاد این بود که مسیوی مشار الیه تا چندی بروات حقوق مستخدمین اجنبیه و گمرکی را صادر نموده و برای وصول ببانك می فرستاد ولی بانك بروات مزبوره را نکول کرده بود پس مجبوراً راضی شد که قانون مرا تسلیم نموده و تن دردهد *

درصورتی که تمام بانکهای مختلفه قول داده بودند که احترام قانون دولتیرا رعایت و منظور نموده و بروائیکه بدون امضاء خزانه دار کل باشد نکول خواهند نمود تکلیف ما بیش از این نبود که با صبر و سکون تمام منتظر وقتی باشیم که مستخدمین اجنبیهٔ ادارات مختلفه بدون امیدواری بمساعدت و استظهار نمایندگان دلیر دیپلوماسی بالطبع خودشان استدعای وصول مواجب خود را بنمایند و برخلاف رضا و چشم داشت دیپلوماتها بروانی را که بامضای خزانه دار است ببانك بفرستند *

درخلال این حال بین خزانه داری جدید و کابینه نیز مشکلات چندی پیش آمد سپهدار رئیس الوزراء بجهة مساعدت و حمایت از سفارشات من راجع باجرای قانون جدید مالیه خیلی بچالاکی کوشش می نمود و مکرّر اطمینان میداد که در محو خیانت و تقلبات مساعدت تام نماید عطوفت ایشان بدرجهٔ رسیده بود که این امر را اعتراف نمودند که اگرچه ایشان در معاملات نظامی مهارت تام طبیعی داشته ولی با این حال برای تشکیل ادارهٔ جنك ترتیباتی لازم بود که ایشان ندانسته و خوشوقت میشدند که من در آن امور معاونت رائی بایشان کرده و ارائه طریق بنمایم این شعبه یعنی ادارهٔ جنك مأمن و پناهگاه خوبی بود برای اشخاص بیکاره و بی اطلاع صرف و پست فطرتان کاهلی که ملبس بلباس جنرالی و کمیسری و آجودانی بودند از همه مفسدتر و جمعاً اترو دشمنان دوست نمائی که اکثر اوقات ملاقات با ایشان سر نوشت من شده بود وقتیکه سپهدار نیت خود را با کمال صدق و خلوص اظهار کرد و حسن عقیدهٔ مرا دربارهٔ خود بلند و عالی تصور نمود پیوسته در انتظار و عجله بود که بداند کدام وقت تنخواه دولتیرا از بانك وصول می نمایم و پی درپی توضیح و تشریح می نمود که بواسطهٔ نفوذ و احترام

شخصی که در انظار ایرانیان دارد می تواند تا چندی شیرازهٔ دولت را از متلاشی شدن باز دارد یعنی تا وقتی که قدری اسباب معاونت پولی برای اعضای متهوّر ادارهٔ نظام فراهم و مهیا شود چهارم ژون (ششم جمادی الثانیه ۱۳۲۹) (قبل از آنیکه مجلس قانون مالیهٔ که من نوشته بودم تصویب نماید) با مستر وود (.Mr. Wood) رئیس کل بانك شاهنشاهی ایران قرار داده بودم که دویست و پنجاه هزار تومان برسم علی العجاله بر سبیل مساعده داده و جزو استقراض آتیهٔ دولتی که مشغول مذاکره بودیم محسوب نماید ساعت هفت عصر همان روز سپهدار کالسکهٔ خود را به پارك اتابك فرستاده و پیغام داده بود که به پارك ایشان که منزل شخصیشان بود بروم زیرا که با وزیر مالیه در انتظار من میباشند قریب بمغرب بود که به آن پارك خوش منظر با صفا رسیده و از ما بین ردیف طولانی سر بازان و صاحب منصبانیکه دارای درجات و مراتب مختلفه بودند گذشتم قدری بالاتر رفته و بعمارت کوچك بیرونی و مهتابی آن که فضای کوچکی داشت رسیدم فضای مزبور مفرّش به آجر و با قالیها و میز و صندلی مزین بود وزیر مالیه را که در آنجا متفکرانه مشغول قدم زدن بود ملاقات نمودم چراغها هم روشن بود چای و سیگارت که اقل ما یقنع و کمتر لازمهٔ پذیرائی آن مملکت است صرف شده و در انتظار ورود حضرت سپهدار بودیم *

مغرب آنجا بسیار با روح و خوش منظر بود و از بالای مهتابی کوههای برف دار که تقریبًا ده دوازده میل از شهر فاصله داشت از پشت خندق بخوبی دیده می شد در دامنه و پائین آن کوهها عمارات ییلاقی سفارتخانها مثل زرگنده و قلهك وتجریش و باغات و قطعات دیگر که عمارات و قصور ییلاقی امراء واعیان طهران در آنها واقع است نیز دیده می شد *

یك مرتبه صدای فرمان صاحب منصبان نظامی با آهنگهای خشن و آواز همهمه و بهم خوردن اسلحه و سلام مستخدمینیکه مقابل عمارت ایستادة بودند بلند و از بین پلها قدم سبك تندی شنیدة شد سپهدار بزرگ (اعظم) وارد و سلام سرسری بطریق نظامی واقع شد سپهدار در حالتی که آثار تفکر و تحیر از بشرهٔ اش هویدا بود در جای خود نشست قبل از آنیکه شروع به گفتگو نمائیم شخص ملاّی محترمی وارد شده و نزدیك سپهدار رفت و معلوم بود که توقع و خواهشی دارد بواسطهٔ توقف زیاد ملاّی مزبور وزیر اعظم یکی از صاحب منصبان را طلبیده و با تغیر تمام حکم سختی باو کرد باین

جهة ملاّی بیچاره پس پس رفته و از آن محل خارج شد *

وزیر مالیه سر و صورتش را بحالت انقباض آهسته حرکت داده و بفرانسه گفت «مسیو شوستر !! این حضرترا می بینید چگونه شخص با اقتدار و نفوذی است ! ملاحظه کردید که تسلطش بچه درجه می باشد ! و چگونه خواهش آن ملاّ را رد نمود ! ومحبوسیکه درباره او سفارش نموده بود فردا صبح بدارش خواهند زد !» وقتی که سپهدار بواسطهٔ چند دقیقه گفتگوی با ما وقت قیمتی خود را صرف نمود یکمرتبه بعجلهٔ تمام روی سخن را بطرف ضروریات مالیهٔ وزارت جنگ برگردانید ایشان بزبان فارسی مکالمه می کردند زیرا که فرانسه بسیار کم میدانستند و وزیر مالیه که برای مترجمی طلبیده شده بود مطالب ایشان را ترجمه و تشریح نمود وحالت خطر «اگر بزودی پول فراهم نشود جان ما هم سلامت نخواهد بود» این اوّل مرتبهٔ بود که کلمهٔ پول را که کراراً در گفتگوی ایرانیان شنیده توانستم بفهمم ولی دفعهٔ آخر نبود *

من به آن حضرت جسارت نموده گفتم اوّلاً حالت وزارت مالیه هم که نظم و تصفیه آن را خزانه دار متقبل شده بهمین درجه خطرناك میباشد ثانیاً اقلاً چه مقدار وجه لازم است که بواسطهٔ فراهم نمودن آن بتوان موقتاً افواجیرا که مستعدّ شورش اند ساکت نمود وزیراعظم پارچهٔ کاغذی از جیب خود بیرون آورده و به وزیر مالیه داد که برای من بخواند وقتی که وزیر مالیه آن صورت را میخواند وزیراعظم غرق فکر شده و چند دقیقه پائین رفت وزیر مالیه بمتانت تمام مضمون نوشته و جمع کلش را خواند معلوم شد مبلغ جزوی بسیار نا قابلی یعنی چهار صد و شش هزار تومان اقلاً لازم و باید بعنوان پیشرفت کار فوراً حاضر و پرداخته شود نصف آن مبلغ هم برای تأدیه پس افت حقوق افواج مواجب نگرفته نبود بلکه بیشترش بجهة فراهم نمودن قورخانه وملبوس نظامی و ملزومات توپ خانه و مخارج متفرّقه و حوادث اتفاقیه بود *

من هیچ جوابی نداده و حاشیهٔ بر آن نیفزودم در این موقع رئیس الوزراء متفکرانه مراجعت نمود بنظرم آمد ما بینشان اشارهٔ مبادله شده و با هم چشمکی زدند شاید هم من اشتباه کرده باشم *

وزیر مالیهٔ گفت «حضرت رئیس الوزراء خواهش میکنند که جواب این امر مبهم را بدهید» *

من دست راست خود را مأیوسانه بلند کرده و گفتم جنابعالی !! این مقدار غیر

ممکن است (C'est impossible.) *

سپهدار از جای خود جسته و تکانِ سختی خورده مثل اینکه گلوله‌ای باو رسیده باشد معلوم بود که کلمات فصیح ترغیب آمیز مثل شلیک نظامی پی در پی از دهانش فرو میریخت وزیر مالیه که شخص خلیق دوست منشی بود رنگش زرد و متغیر گشته بمن گفت شاید اشتباه کرده باشید؟ با سعی و کوشش زیاد بزبان فرانسه از رئیس الوزرا پرسیدم که آیا طریقه و تدبیر مفیدی بنظر شما میرسد که بشود خون از سنگ بیرون آورد (۱)؟ هیچ جوابی بجز اینکه وجه باید فراهم بشود نداد *

عاقبت بعد از مدّت مدیدی مذاکره بصد هزار تومان ختم شد ولی بواسطهٔ تجربیاتی که بعد برای من حاصل شد پیوسته حسّ دیانتم از تأدیهٔ مبلغ مزبور مرا ملامت نموده و خیالم نا راحت بود *

در موقع حرکت و بیرون آمدن نجوی و سر گوشی بین رئیس الوزراء و وزیر مالیه واقع شد شنیدم که رئیس الوزرا میگفت « این فرنگی مقابله و جنگ سختی میکند اما انشاء الله در موقع دیگر گرفتارش خواهیم نمود » *

تا یازده روز بعد از آن همه روزه شرف ملاقات امیر اعظم معاون وزارت جنگ را درك می نمودم در حالتی که پیوسته در بیان و تشریح حالات مهیب شورش انگیز خونریزانه که حتمی الوقوع بود از فرسچاگن نقاش معروف گوی مسابقت می ربود و نیز میگفت اگر خزانه دار کلّ میزان معتدل وجهی را که رئیس الوزراء بزرگ وطن پرستان طلبیده و معین نموده مهیا نماید همهٔ این مخاطرات بوقوع خواهد پیوست این گونه اظهارات دردناك و خواهشهای الم انگیز را هیچ چیز نمی توانست رد نماید مگر خزانهٔ تهی و دل سنگین *

پانزدهم ژون ۱۹۱۱ (هفدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۹) یعنی دو روز بعد از اجراء قانون مالیه که اختیارات تامه در عایدات دولتی بخزانه دار داد حضرت سپهدار در یکی از جلسات مجلس بر خواسته و اظهار عدم رضایت نمود از اعتراضات خود خواهانه که قانون مزبور در اجراء مقاصد سنگین رئیس الوزراء و وزیر جنگ نموده بود وقتیکه در کوششهای متهوّرانهٔ خود برای تحصیل وجه بجههٔ ادارهٔ لشکری اثر نا مهربانی و عدم مساعدت از بشرهٔ وکلا احساس نمود غضب بر او مستولی شده و متغیرانه با شوکت

(۱) این مثل ما بین امریکائیها معروف و کنایه از امر محال است * مترجم

تمام از مجلس خارج و در کالسکه خود نشسته بهمراهی یکدسته سوار گارد که نزدیك در مجلس انتظارش را داشتند حرکت و بکالسکچی خود حکم نمود که « بفرنگستان برود » (مرا به اروپا ببر) کالسکه صدر اعظم بعجله تمام از دروازهٔ شهر خارج شده و ازجاده دویست و بیست میلی انزلی بطرف بحر خزر رهسپار شد در خلال اینحال شهرت نمود که شاهزاده سالار الدوله برادر شاه مخلوع شهر تبریز را (که در شمال غربی ایران واقع است) تصرّف نموده و به اهالی وعده داده است که اگر او را بسلطنت شناخته و شهنشاهیش را تسلیم نمایند کلیهٔ عواید و مالیاتهای دولتی را غیر از وجوهی که برای مصارف شخصیش لازم خواهد شد بالتمام نسخ و رعایا را از تأدیه آن معاف نماید آراء و عقاید مردم در بارهٔ سپهدار مختلف شد بعضی ها میگفتند که صدر اعظم مغلوب الغضب به برادر شاه مخلوع خواهد پیوست برخی را عقیده این بود که از بحر خزر عبور نموده و بروسیه و اروپا خواهد رفت *

یك هفته قبل از حرکت سپهدار ناصر الملك نائب السلطنه هم با جدّیت تمام اطلاع داده بودند که ایرانرا ترك خواهند نمود بدین ملاحظه که مجلس بود جهٔ جمع و خرج در باریان را بدون صلاحدید و استصواب ایشان تصفیه و تصویب و بسیاری از مواجبها را تخفیف داده و کسر نموده بود هشتم ژون ۱۹۱۱ (دهم جمادی الثانیه ۱۳۲۹) والا حضرت مرا طلبیده که بمنزل شخصی ایشان بروم و مدّت مدیدی مساعی و زحمات و افکار خود را که بدون شبهه تماماً صحیح بود بیان می نمودند و نیز از طرز رفتار و سلوك وکلا سخن بمیان آمد من بوالا حضرت عرض نمودم که حرکت یا شهرت حرکت شما نه فقط اصلاحات تازهٔ مالیه را منقلب و دیگر گون مینماید بلکه تمام دوائر و ادارات دولتی را نیز متزلزل و دوچار خرابی و بی نظمی خواهد نمود *

اگر چه بمن وعده فرمودند که از خیال حرکت منصرف شوند ولی تا مدّتی با وکلاء مشغول همین مذاکره بودند خیال نمودم مناسبست که خیال حرکت والا حضرت را بسر جارج بار کلی وزیر مختار انگلیس بانضمام این رأی اظهار نمایم که چون والا حضرت با سر ادوارد گری وزیر خارجهٔ انگلیس روابط دوستانه دارند و مشار الیه هم رعایت احترام ایشان را بسیار منظور مینماید خوبست تلگراف دوستانهٔ بوالاحضرت نموده و به منع حرکتشان از طهران اصرار و تأکید نماید اگرچه بهمین خیال اقدام شد ولی گویا خود والا حضرت در این اثنا از آن خیال منصرف شدند *

همه روزه بدرك خدمت ایشان نائل میشدم در صورتی که از حالت حاضرهٔ ایران خیلی ملول و افسرده و از بی استعدادی مردم عوام و نفاق و کدورت بین تمام اعضاء دوائر دولتی مأیوس گشته بودند از یکطرف مابین کابینه ووکلاء همیشه نقار وکشمکش و از طرف دیگر هم ضدّیت و مخالفت سختی ما بین احزاب مختلفهٔ سیاسی رخ نموده بود *

حرکت ناگهانی سپهدار هم بیشتر باعث اغتشاش مملکت و عدم اطمینان مردم شد سایر وزراء به او تلگرافات دوستانه مخابره می نمودند تا روز هیجدهم ژون ۱۹۱۱ (بیستم جمادی الثانیه ۱۳۲۹) که وارد رشت شد ظاهراً قدری غضبش تسکین یافت اگرچه تا آنوقتهم هنوز ارادهٔ رفتن خود را بفرنگستان بعنوان حفظ الصحه و برای معالجه اظهار می نمود ولی سایر وزراء مصرّ و مجدّ بودند که یا باید سپهدار مراجعت نماید و یا همه مستعفی خواهند شد *

در این اوقات اکثر در جلسات کابینه حاضر می شدم که ایشان را از حالت نازك و خطرناك مملکت بیاگاهانم که از مطالبهٔ وجوه غیر ممکن الوصول پرهیز و اجتناب نمایند حضرت امیر اعظم که در آن زمان بشغل معظم معاونت موقتی وزارت جنك مفتخر و سرافراز بود بیشتر از همه پیشگوئی نموده و سبب خرابیها را تشریح میکرد امیر اعظم بدرجهٔ درکارهای ناشایسته معروف بود که بسزای اعمالش سزاوار ماندن سالها در محبس بود من شخص امینی را معین کرده بودم که امور مالیه وزارت جنك خصوصاً محاسبات راجعهٔ بشخص معاون موقتی را تفتیش نماید نوزدهم ژون (بیست و یکم جمادی الثانیه ۱۳۲۹) در موقعی که من هم در جلسهٔ هیئت وزراء حاضر بودم امیر اعظم اظهار و اعلان نمود در صورتی که مبلغ ناقابل یعنی چهل و دو هزار تومان برای مواجب قشون فراهم نشود فردا شورش و بلوای عمومی افواج ساخلوی طهران شروع خواهد شد من با نهایت ادب از ایشان سؤال نمودم که مثل این مبلغ را که ده روز پیش برای مواجب ماه قبل افواج داده بودم بچه محل صرف شد ؟ آنحضرت جوابداد « رفت همه بافواج مفلس گرسنه تقسیم گردید » من پرسیدم که آیا از آن مبلغ چیزی باقی نیست ؟ جواب داد که « یکقرانهم در خزانهٔ نظام باقی نمانده ! » در این موقع مناسب دانستم که دفتر یادداشت بغلی خود را که آورده بودم بیرون آورده و بایشان نشان دهم که پول مواجب ماه گذشتهٔ افواج را با وجوه مصارف دیگر نظامیکه جمعاً هشتاد و سه هزار تومان می شد بیکی از تجار داخله سپرده و در آنوقت عین آن مبلغ پیش شخص تاجر

موجود و شورش افواج را که آنصاحبمنصب دلیر نظامی پیشگوئی میکرد صرف تدبیر بود *

تاریخ و مقدار وجوه مزبوره را از یاد داشت خود خوانده و از ایشان پرسیدم که آیا اینها صحیحست ؟ حضرت امیر اعظم معاون موقتی قامت شش فوت و پنج اینچی خود را با کلهٔ و زینش راست نموده (۱) و چشمهای شهیم خود را کشوده و مغرورانه دستهای خود را بسینه گذارد و بحضار نگاه کرده و گفت « آیا این امر باعث هتك شرف و خلاف احترام من نیست ؟ » چون دید انکار او بیشتر باعث تولید شك در دل حضار می شود روی سخنرا بطرف دیگر گردانیده و آخر الامر گفت « اگر هم هشتاد و سه هزار تومان باسم من ذخیره شده باشد منکه اطلاع ندارم » این بیان آخری بیشتر دل اعضاء کابینه را مشکوك نمود بالاخره اتفاق آراء بر این شد که امیر اعظم محاسب (مستوفی) کل وزارت جنگرا طلبیده تا از او تحقیق شود بر حسب خواهش من همه حضار اطراف مجلس نشسته تااینکه مستوفی مزبور آمد امیر اعظم برخواسته و از مجلس بیرون رفت و بعد از مختصر صحبتیکه بعجله با مشار الیه داشت مراجعت نمود از تبسم خشمگین مسرّت آمیزی (خندهٔ قبا سوخته) که از بشره اش ظاهر شد صحت و صدق قول من بر همهٔ اهل مجلس و بر خودش واضح و ثابت گردید وقتیکه بعد از حیرت تمام معلوم گشت که مواجب ماه گذشته افواج را نپرداخته و باین وسیلهٔ سهل و آسان که افواج در شرف گرو (شورش) بودند اجماع طبقات نظامی موقوف و ملتوی گردید *

عصر همان روز پارتی ما یعنی معاونین امریکائیم اظهار مسرّت زیادی از ورود مستر کزنر نمودند مستر موصوف قبل از حرکت ما از واشنگتون بسمت مدیری مالیه ایران معین شده و در آن وقت از جزیره فلی پین که در آنجا رئیس گمرگ بندر آلای لوی بوده مستقیماً بطهران آمده و معاون بزرگ من هم بود *

بیست و سوّم ژون (بیست و پنجم جمادی الثانیه ۱۳۲۹) شهرت کرد که سپهدار از رشت تلگرافی بوالاحضرت نایب السلطنه نموده که اگر چند مادّه قانون مالیه سیزدهم ژون اصلاح و مرمت شود (که باعث ازدیاد اختیار و نفوذ او در تعیین خرج و مصارف مالیات ملت گردد) مراجعت نموده و بکار های خود مشغول خواهد گشت وقتی که وکلاء مجلس این خبر را شنیده متمسخرانه قاه قاه خندیدند *

---

(۱) یك فوت دوازده اینچ و سه فوت معادل با یك ذرع میباشد *

این خبر هم شهرت نمود که ما بین مردم خصوصاً بین طبقهٔ مستوفیانی که علاقه و ارتباط بابنه ایالات داشتند برخلاف امریکائیها تشکیل انجمن ومجالس سرّی شده *

مقارن همین اوقات مستخدمین و اعضاء وزارتخانهای مختلفه در صدد بهانه ومستمسکی بودند که عموماً کارها را تعطیل کنند من باشاعهٔ اعلانی بمفاد ذیل مجبور شدم که هر یك از مستخدمینی که از خدمت خود کناره جوئی اختیار کرده و از شغل دولتی دست بکشد اسم او از دفتر مستخدمین تا ابد خارج خواهد شد در این موقع مسئولیت و زحمات تمام دفاتر (شعب) وزارت مالیه را بعهدهٔ خود گرفته و وزیر مالیه و معاون وی و مدیر کل و رئیس کابینه را از خود ممنون نموده و آنها را بحال خود شان وا گذارده و از هر گونه زحمات لازمه واجراء احکام و امضاء بروات دولتی خلاص کردانیدم *

از ابتدای تاریخ سیزدهم ژون مسیو مرنارد و مسیو پاکلیوسکی کزیل وزیر مختار روس در ترغیب و تهدید بانك شاهنشاهی ایران کوشش وسعی وافی نمودند که بروات (حوالجاتی) که فقط امضاء مسیو مرنارد را دارد قبول نموده و وجه آنرا به پردازد بزرکترین بروات مزبوره حواله سیصد وشصت هزار «روبل» (منات) بدهی دولت ایران بود (۱) که از بابت قیمت بار یکجهاز تفنگهای مستعمل «ریفل» که چند ماه قبل در زمان وزارت مالیه وزیر ماهر جری یعنی سپهدار برای دولت ایران خرید و قرار شده بود که این اسلحه در ایران باداره جنك تحویل وسپرده شود(۲) ولی تا آنزمان بانزلی هم نرسیده بود قیمتی که برای اسلحهٔ مزبوره معین شده سه مقابل قیمت معمولی بازار اروپا بود مناسبت که توضیح این اختلاف قیمت از دولت روس و سپهدار سؤال شود *

نایب رئیس بانك شاهنشاهی انکار نموده وجواب داد که مخالفت قانون مجلس بهیچ قسم برای او امکان نخواهد داشت چون به رئیس بانك سپرده بودم که بوزیر مختار روس بگوید که بمجرد ورود و تحویل اسلحهٔ مزبوره تمام پول داده خواهد شد وزیر مختار روس و مسیو مرنارد هر دو مجبور شدند که در مخالفت خود اصرار و مبالغه نمایند *

تا آن وقت مسیو مرنارد را ملاقات نکرده بودم بیست و نهم ژون (دوم رجب ۱۳۲۹)

---

(۱) «روبل» (منات) معادل با پنج قران و نیم تا شش قران ویك روپیه و نه آنه تا دوازده آنه کورنمنت باختلاف اوقات می باشد *

(۲) «ریفل» تفنگهای خان دار است *

کابینه برای ختم و اتمام این مسئله حکمی به مسیو مرنارد نوشت که باید قانون سیزدهم ژون را (که تا آن زمان اطاعت نکرده بود) بعهده شناخته و متابعت نماید من رقعهٔ به محتشم السلطنه وزیر مالیه و معاون رئیس الوزراء نوشتم که دیگر نمی توانم به بینم کار باینحال باقی باشد اگر برای قبول و اطاعت نمودن مسیو مرنارد نفوذ واقتدار مجلس و قانونش را اقدامات فوری نشود مجبور خواهم بود که مستقیماً بمجلس راپورت نمایم *

دوّم ژویه ۱۹۱۰ (پنجم رجب ۱۳۲۹) کابینه « مستعفی شد » ولی زود ملتفت شدم که علت غائی و غرض اصلی اعضاء کابینه از این استعفا تعطیل و التوای جریان امور بود و مایل بودند که امور کابینه موافق دلخواه خود شان باقی بماند « استعفای » کابینه در ایران صرف لفظ است و حقیقت صحیحی ندارد فقط دلالت بر این امر میکنند که چند نفر از اعضاء کابینه از امری رنجیده و مکدّر شده اند *

در این موقع وزیر مختار انگلیس اظهار کرد که من در این مناقشه با مسیو مرنارد شرکتی نداشته و این تشکیل و اختیارات راجعهٔ بامور مالیه که در تنفیذ واجرائش کوشش می نمائید موافق میل و دلخواه منست *

ولی قشون بلجیکی گمرك تهدید میکنند که اگر بنا شود در تحت نفوذ و اقتدار خزانه دار کل در آیند در آن واحد همه مستعفی خواهند شد این تهدید بلجیکیها و رنجش و تهدیدات دولت روس کابینهٔ دولت ایرانرا بسیار متزلزل و پریشان نمود علاوه بر این چند نفر از اعضاء کابینه که بطور یقین محتشم السلطنه وزیر خارجه و معاون رئیس الوزراء هم جزو ایشان بوده بواسطهٔ تهدیدات یا چون از تغییر و تصرّف در طریقه سابقه مالیه چندان خوش نبودند بقسمی پریشان و مشوّش خاطر شده که تغییری در مسلکشان (که در امور مالیه بکار می بردند) راه نمی یافت این صاحبمنصب محترم کابینه چهارده هزار تومان برای حقوق خدمات دورهٔ سابقه اش که مواجب نگرفته مطالبه می نمود که چند سال قبل یکی از اعضاء کمسیون تصفیهٔ سرحد بندی ایران وعثمانی بوده است خلاصه کثری از ایرانیان بودند که چندی بخدمات دولتی مأمور شده و مطالبهٔ حقوق خدمات ماضیهٔ خود را نمایند زیرا که ملت حق نا شناس قدر ندان قدر خدمات و زحمات ایشانرا نشناخته و حقوقشان را نپرداخته بلکه اقلاً تشکری هم از ایشان ننموده است *

آخر الامر هشتم ژویه (یازدهم رجب ۱۳۲۹) از مجلس هیئت وزراء حکمی صادر

شد که مسیو مرنارد باید خودرا حاضر نموده و صراحةً بگوید که آیا برای اطاعت و تمکین از قانون سیزدهم ژون که نفوذ و اقتدار خزانه دار کل را بر تمام شعب مالیه و گمرك اعلان میکند (یعنی قانونیکه مفادش اقتدار خزانه دار است در تمام دوائر مالیه و گمرك) آماده است ؟ مسیو مرنارد ساعت ده صبح حاضر شد بعد از گفتگوی بسیار شرحی از خدمات مأمورین بلجیکی گمرك و مشکلات عارضه بفرانسه بیان نمود و گفت « هرگونه تغییری در طریقه حاضره باعث پیشرفت امور گمرکی او خواهد بود و اظهار کرد که حقیقةً ما خود مان هم هیچ وقت غرضی غیر از متابعت قانون نداشته ایم » معاون رئیس الوزراء بمن گفت « آیا شما هم میل دارید گفتگوئی بکنید ؟ » جواب دادم که بجهة این کار لغو بیجا بهیئت وزراء نیامده که از کسی بپرسم آیا مستخدم دولتی قانون آندولت را اطاعت میکند؟ ولی در صورتیکه چنانچه همه شنیدید خود مسیو مرنارد برای اطاعت و تسلیم قانون حاضر است دیگر احتیاج باین مذاکرات نخواهد بود بجز اینکه مشار الیه قانون را اطاعت نماید مسیوی موصوف فوراً با حسن خلقی تمام بطرف من توجه و شروع به تشریح حالت حاضرهٔ امور گمرکی و طریقهٔ مداخله و تصرّف در وجوه عایدی آن کرد من خیلی میل داشتم با مشار الیه در آن باب گفتگو نمایم وعده نمود که صورت تمام پولهای ذخیره شدهٔ دولتیرا که ببانکهای مختلفه سپرده برای من خواهد فرستاد وتمام وظائف و تکالیفی را که از طرف ادارهٔ خزانه برایش معین و نوشته شده با سر وجان قبول خواهد داشت *

در این موقع با ماژور استوکس (Major Stokes.) « میلتیر آتشه » (مامور نظامی) دولت انگلیس ملاقات کرده و معرّفی شدم دورهٔ خدمت چهار سالهٔ مأموریت نظامیش در ایران قریب الاختتام بود بسیاری از مردم مرا از معاشرت با ماژور موصوف منع نموده و آگاهانیدند که مشار الیه جاسوس دولتین روس و انگلیس و دشمن سختی برای پیشرفت خیالات عالیهٔ ملت ایران میباشد ماژور استوکس صاحب منصب فوج هندی انگلیس بود و زبان فارسی را می توانست بسهولت تمام بخواند و بنویسد و گفتگو نماید وچند مرتبه هم در داخله ایران مسافرت کرده واز عادات و اخلاق مردم ایران و نیز از عناصر پلتیکی مختلفهٔ ولایات بصیرت و اطلاع کاملی داشت چون از مدت مدیدی بود که در صدد تشکیل یکدسته ژاندارمه مخصوصی بودم که مستقیماً در تحت اطاعت او امر من بوده و مأمورین خزانه را در وصول اقسام عایدات مختلفه مالیه ممالك محروسه معاونت نمایند زیرا که ژاندارمهای موجوده دولت ایران همان قسمی که

دولت را در وصول مالیات امداد می نمودند همین قسم هم در خارج از طهران در صدد حیف و میل و تفریط مالیه بودند و علاوه بر این آنها هم مثل سایر طبقات افواج منظم ایران موهومی و فرضی و در تحت نظارت و سر پرستی وزارت داخله ایران منتها در تحت فرمان صاحب منصبان نظامی طهران بوده و با کسانیکه شایق وراغب بودند که بنیاد مالیات مملکت را بر اساس رزین ومحکمی قرار دهند هیچ علاقه و ارتباطی نداشتند پس خیلی لازم بود که دولت برای وصول مالیات در امکنه ونقاط خارج از پایتخت در چهار نقطهٔ مهم بزرگ مثل تبریز و قزوین و اصفهان و شیراز دستهٔ افواج منظمی بطرز جدید تشکیل دهد من مناسب دانستم یك دستهٔ موسوم بژاندارمری خزانه تأسیس نمایم که در تحت فرمان خزانه دار بوده وجزء لا ینفك اداره مرکزی خزانه باشند امید بود که باین رویه در ظرف مدّت یکسال چند هزار قشون منظمی فراهم وبمرور ایام در ظرف چند سال این هیئت نظامی از ده بدوازده هزار و بیشتر رسیده و باین تدبیر وصول وجمع آوری تمام مالیاتهای دولتی سهل و آسان کشته و دولت بداند چه مقدار وجه را باید وصول نماید ورعایا هم تکلیف فرضی مالیاتی خود شان را بدانند که چه مبلغ باید بدهند دهاقین وفلاحین اهالی رنجبر و کسبه و ملاکین جزء هیچگونه تمرّد و سرکشی از تأدیه مالیات متعلقه بخود نداشتند لکن حالات و پیش آمد های عجیب و مخصوصی آن مملکت مقتضی بود که قبل از آنکه دولت بمطالبه ودیانت مأمورین مالیه قانع ومطمئن شود قوای لازمهٔ خود را برای وصول مالیه جلوه دهد بعد از گفتگوی بسیار باماژور استوکس یقین نمودم که مشار الیه برحسب قاعده برای تعلیم وتربیت افسران و تابینهای ژاندار مری خزانه بهتر ومناسبتر از سایرین میباشد و نیز مطلع شدم که مشار الیه مایل برفتن از ایران نیست زیرا که برای مستقبل ایران وزندگی جدیدش ذوق سادهٔ خالصی داشت بدون رسمیت بطور سادهٔ از او خواهش نمودم که ریاست ژاندار مری آینده خزانه را در تحت نگرانی و سرپرستی من قبول نماید بعد از آن مکتوبی بسر جارج بارکلی وزیر مختار انگلیس نوشتم که چنانچه سابقاً اظهار کرده بودم بسیار خوشوقت و مایلم که پس از اختتام مدّت خدمت میلتیر آتشه گی ماژور استوکس را بوسایل (عناوین) ممکنه برای تشکیل فوج ژاندار مری خزانه بکار دارم بعد از قدری مراسله ومکاتبهٔ با سفارت بیست ودوم ژویه ۱۹۱۱ (بیست وپنجم رجب ۱۳۲۹) وزیر مختار انگلیس کتباً اطلاع داد که برحسب امر دولت متبوعه اش « بر ماژور موصوف لازمست قبل از آنکه شغل

ریاست ژاندارمری خزانه را قبول کند از خدمت نظامی دولت هند انگلیس خود مستعفی شود » چون در مذاکرات اوّلیه و قرارداد اصلیه اش هیچ اشارهٔ باین نکته نشده بود که برای خدمت ژاندارمری خزانه باید اوّل از خدمت و منصبی که در فوج هندی انگلیس دارد استعفا نماید وچون ملازمت مشار الیه باین قسم (یعنی با داشتن خدمت نظامی هندش) آنهم سه ساله در انظار ایرانیان غیر مطبوع واقع می شد یقین نمودم که چنانچه بر حسب اظهار دولت متبوعه اش مستعفی شود استعفای او قبول خواهد شد ماژور مشار الیه تلگرافًا مستعفی شد دو هفته بعد که ما گمان میکردیم عملاً و معنًا این معامله تصفیه یافته بسیار متعجب شدم که هشتم اوت (دوازدهم شعبان ۱۳۲۹) سفارت انگلیس صراحةً بدولت ایران اطلاع داد که « اصرار در مستخدمی ماژور استوکس در صورتی قبول خواهد شد که در نقاط شمالی ایران مأمور نشود » و باین اطلاع حیرت انگیز فقرهٔ دیگری هم ضمیمه شده بود که « اگر دولت ایران بر خلاف این صورت اصرار کند دولت انگلیس حقوق و دعاوی دولت روس را در باب اقداماتیکه برای محافظت منافع (موهومه) خود در شمال ایرانمناسب دانسته قبول و تسلیم خواهد نمود *

نوزدهم اوت (بیست و سوّم شعبان ۱۳۲۹) «نوتیس» (اعلان) دیگری فرستاده شد که تهدید و تنبیه هشتم (یعنی روز قبل) را تجدید و تاکید مینمود *

دولت انگلیس در موقعیکه برای مستخدمی سه سالهٔ یك نفر از رعایایش آنهم در یکی از شعب یکی از دوائر دولتی ایران اظهار شده بود با کمال صحت و استقرار مشاعر غیر رسماً رضایت خود را اظهار نمود مشروط و معلق باین شرط که باید مشار الیه از خدمت سابقه فوج هندی انگلیس مستعفی شود ولی پس از وقوع مذاکرات مزبوره با کمال صداقت و بدون اینکه در مواقع قانونی دولتین اختلافی ظاهر شود و یا بمنافعشان نقصانی وارد آید دفعةً از گفتهٔ خود تحاشی و امتناع ورزیده و وعدهٔ خود را بکلی فراموش نمود دولت انگلیس نه فقط از وعده و قرارداد اولیهٔ خود استنکاف نموده بلکه با کمال اطمینان قلب و طیب خاطر با دولت اجنبی دیگری در این امر شرکت نمود که دولت ایران را تهدید و تخویف نمایند که از حفظ حقوق حقه شاهنشاهی و استقلال خود صرف نظر نماید *

غرض من از انتخاب ماژور استوکس نه باین ملاحظه بود که مشار الیه رعیت انگلیس است بلکه بر عکس نکتهٔ را که بکلی در نظر نداشتم همین مسئله بود فقط مقصود اصلی من این بود که در آن امر معظمی که در نظر داشتم مشار الیه لایق و سزاوار تر از سایر

کسانی بود که برای انجام آن خدمت حاضر شده بودند و نیز در تسریع و تکمیل نظم جدید امور مالیهٔ ایران اهمیت تامی داشت این ژاندارمری خزانهٔ که ما در صدد تشکیل آن بودیم نه فقط برای نمایش «فرم» لباس بلکه جزء لازم و مهم نظم امور مالیه بود زیرا که بدون داشتن افواج مشق آموختهٔ ماهر کامل السلاح بجهة معاونت مأمورین مالیه وابقاء نظم و انتظام شایستهٔ سزاواری در ولایات و اقطار بعیده هیچگونه امید وصول مالیاتی نبود برای من بخوبی امکان داشت از آشنایان خود که از صاحب منصبان « پنش » شده و موظف افواج ممالك اتازونی امریکا بودند جلب و مستخدم نمایم و هر کاری که میخواستم می توانستم بایشان رجوع نمایم ولی ماژور استوکس میتوانست بخوبی از عهدهٔ این امر بر آید وتجربیات و لیاقتهائیرا دارا بود که اشخاص دیگر دارا نبوده و از عهده بیرون نمی آمدند اگرچه بهر درجه هم هوشیار و زیرك بوده باشند باین مناسبت خیال استخدام مشار الیه را داشتم تا امروز هم مطلقاً نتوانستم انکشاف نمایم که در شمال ایران چه فوائد غیر معینهٔ بود که دولتین انگلیس و روس بمحافظت آن اصرار داشتند پرواضح وآشکار است که انگلیس و روس تشریح و توضیحی از منافع خود در معاهده ۱۹۰۷ نه نموده و دولت ایران هم از آن اطلاعی نداشت حتی خود دولت انگلیس هم تا بیست و دوم ژوییه ۱۹۱۱ (بیست و پنجم رجب ۱۳۲۹) از آن منافع مطلع نبوده والا چگونه می شد دولت انگلیس استعفای ماژور استوکس را از ملازمت فوج هندیش قبول نماید تا مشار الیه بتواند معاهده و قرار داد خود را امضاء نموده و من هم شغل ریاست ژاندارمری فوج خزانه‌را باو بسپارم *

این مسئله را هم بجهة تکمیل تاریخ باید ذکر نمود نوزدهم اوت ۱۹۱۱ (بیست وسوم شعبان ۱۳۲۹) سفارت روس یادداشتی مطابق شرح ذیل بوزارتخارجهٔ ایران نوشت *

« بواسطهٔ علل و موانعیکه از چندی قبل برای دولت امپراطوری روس واضح و مسلم شده مأموریت ماژور استوکس را بریاست فوج مسلحی که موسوم به ژاندارمری و برای وصول مالیات است با منافع خود مناسب نمی داند من مأمورم که نسبت باین انتخاب « پروتست » نمایم که اگر دولت ایران باین اظهار اعتنا ننماید دولت امپراطوری روس حق خواهد داشت که در شمال ایران مسلك و تدابیری که بنظر خود برای محافظت حقوق خویش لازم بداند اختیار کند *

همین که از اوّلین مراسلهٔ سفارت انگلیس بدولت ایران اطلاع یافتم خیالات خود

را برحسب تفصیل ذیل کتباً بوزیر مختار انگلیس اظهار داشتم *

من اجازه میخواهم که در این امر مهم بدون رسمیت کتباً اطلاع دهم از مضمون انتباه نامهٔ که از طرف دولت متبوعهٔ شما بوزیر خارجه ایران امروز عصر رسیده بسیار متعجب گردیدم که مفاد آن برخلاف انتخاب ماژور استوکس به سمت مستحفظی خزانه بود یقین دارم که تاکنون از حقیقت مجاری این مقدمه کاملاً مستحضر شده اند و لازم باظهار و تکرار نخواهد بود نظر بمفاد مراسلهٔ که حسب الامر دولت متبوعهٔ خود در بیست و دوم ژوپه گذشته بمن نوشته بودند بدین مضمون که ماژور استوکس در صورتی می تواند این خدمت را قبول نماید که از خدمت فوج هندوستانیش استعفا نماید علت اختلاف بین و آشکاری که از این مراسلهٔ امروزه ظاهر می شود تصوّر و تعقل نمی توان نمود *

دولت شما از شرکت آنی و بی مقدمهٔ خود با دولت دیگر برای منع دولت ایران از مراعات حقوق مسلمه خود می تواند موقعیرا که در انظار اهالی ایران برای من حاصل شده بخوبی تصوّر و مقایسه نماید در صورتیکه خود آندو دولت با کمال احترام حفظ آزادی و استقلال دولت ایران را متفقاً و منفرداً اعتراف و تصدیق (ضمانت) نموده اند *

خیالات و احساسات شخصی من چندان اهمیتی ندارد ولی موفق شدن یا نا کامیابی من در این شغل مهم برای خود ایرانیان که امور مالیاتی خود را بدست من سپرده اند و هم در انظار هموطنانم بسیار اهمیت خواهد داشت که طبعاً دلچسپی و میل مفرطی بموفق شدنم اظهار می نمایند *

قبل از آنیکه این شغل را قبول کنم یقین قطعی صریح داشتم که هیچ یك از دولتین معظمتین که در این مملکت منافع و اغراض مخصوصه دارند اعتراضی به قبول من نخواهند داشت و بی شبهه همچو اظهاری (اگر هم میکردند) بکلی بی معنی و بی اصل نبوده *

من مطمئنم که هیچ کس بهتر از خود شما از این امر مطلع نخواهد بود که انتخاب ماژور استوکس ابداً تعلقی بمقاصد پلتیکی نداشته و هیچگونه غرضی در بین نمیباشد و هیچ شخص عاقل مآل اندیشی نسبت بمن گمان نخواهد کرد که بوسیلهٔ خدعه های پلتیکی از آده نفوذ در امور این مملکت داشته باشم زیرا که در انظار مردم همچوار آدهٔ مرا تمسخر نموده و نتیجه اش خلل و فساد کلی در امور من خواهد بود *

در اینصورت این را حمل بچه میتوان کرد وقتی اوّلین قدمیکه که در این امر مهم

برای نظم و اصلاح این پریشانی و بی نظمیها برمیدارم می بینم آندو دولتی که کراراً «برای ترقی و ترفیه حال این مملکت و اهالی ستمدیده‌اش که من میخواهم خدمتی بایشان نمایم اظهار خواهش صادقانه نموده اند همانده دولت ممانعت و مخالفت از وعده‌های خود مینمایند *

آیا وزارت خارجهٔ شما بخوبی میتواند تصور نماید درجه و میزان مخالفتی را که در این معامله اختیار نموده و از این سبک و مسلک بسیار جدید که فقط برای نا کامیابی من اختیار شده دراذهان ایرانیان چه می نشیند علاوه براین مجبور میباشم که در این امر مهم از هرگونه معاونت دوستانه اخلاقی دولت شما مأیوس شده و متوقع هیچ قسم همراهی نباشم *

اگر در این مملکت هم مانند سایر ممالک متمدنه مردمان عالم تربیت شدهٔ تجربه آموختهٔ قابل بسیار می بود نتیجه این اعتراض شما اگرچه اصولش صحیح نیست ولی چندان بد نبود ولکن چنانچه خود شما میدانید در این مملکت که اشخاص کار دان کمیاب و نادر است اختیار این مسلک ماحی مساعی و موانع کامیابی من میباشد *

امیدوار و مطمئن میباشم که دولت متبوعه شما بوضعی در این امر رفتار نموده ومسئله فوق را باین نظر ملاحظه نماید قطع نظر از اینکه صراحة بگویم اینگونه مداخلات در معاملات داخلی ایران و امور معمولهٔ مالیه اش که من برای نظم و اصلاح آن کوشش میکنم بکلی مداخله غیر مطلوبه است *

احساس میکنم مجبوریت این امر را که بواسطه مکاتبات عمومی و توضیحات رسمی راجع باین معاملات از بدو ورودم بطهران هموطنان عزیز خود را کاملاً مطلع گردانم مناسب نیست که اظهار تاسف از اینگونه اقدامات نمایم ولی بین دول وافراد مردم معاملات منصفانه هم وجود خارجی داشته ومعمول به میباشد در این معامله احساس مینمایم که بی شبهه تجربیات خود بدرجهٔ کافی و ظاهر است که بهیچ قسم سزاوار تجربه و آزمایش نیست *

ازمشاهدهٔ این حالات واضح وآشکار میشود که معاهده ۱۹۰۷ از حیث عبارت علاقه و ارتباطی باستخدام ماژور استوکس درمعاونت خزانه دارنداشته مگر اینکه حقیقةً تیاتر مسخره آمیز مردم فریبی باشد *

زیرا که اولاً درتمهید معاهده مزبوره چنانچه روز نامه ورلد (uorld.) منطبعه

لندن نگاشته و تصدیق میکند که دولتین روس و انگلیس متفقاً احترام استقلال و آزادی شهنشاهی ایران را معاهده میکنند و خواهشهای صادقانه امضاء کنندگان را که روس و انگلیس باشند برای حفظ و بقاء نظم در تمام مملکت و تکمیل مراتب دوستی و صلح طلبی اظهار میکنند آیا یکی از اصول استقلال و شهنشاهی این نیست که اگر بخواهد امور داخلی خود را مطابق قانون بین المللی نظم دهد حق داشته باشد که افسران بیگانه و خودی را در مملکت خود مقرر کند؟ آیا این حق را از این حدود خارج میتوان تصور نمود؟ و آیا باعث سلب اقتدار امپراطوریش در آن ملك نخواهد بود؟ ثانیا مفاد ساده آن عهدنامه این است که هیچیك از آندو دولت امضا کننده نباید امتیاز پلتیکی یا تجارتی مثل امتیاز راه آهن و بانك وتلگراف و شوارع و حمل و نقل (شوسه) و بیمه وغیره برای خود یا بحمایت رعایای خود در منطقهٔ نفوذ دولت دیگر بخواهد ولی این معامله معاملهٔ امتیازی نبود و ماژور استوکس هم نه عنوان بانك داشت و نه امتیاز راه آهنهای پلتیکی یا تجارتی وقبول نمودن مشار الیه بخوشی خود وطیب خاطر خدمت دولت ایران را هم تعبیر و تفسیر بخواهش یا حمایت دولت انگلیس نمیتوان نمود *

مغالطهٔ دوم آن دو دولت این بود که خود وزارت خارجهٔ انگلیس هیچگاه تقرّر ماژور استوکس را تا وقتیکه روسها او را باین خیال متوجه ساختند مخالف با اصول عهد نامهٔ خود تصور نکرد شهادت صحت و واقعیت این امر همان است که فوق ذکر شد *

دولت ایران می توانست بخوبی اظهار نماید در صورتی که عبارت آن عهد نامه علاوه بر مفادش صاف و واضح می باشد مفهوم آن محتاج به تفسیر نخواهد بود *

معامله و رفتاریکه دولت انگلیس نسبت بدولت ایران و خزانه دارش نمود اگر بین مردم واقع می شد دور از صداقت و دیانت بشمار میرفت سر ادوارد گری وزیر خارجه انگلیس چند مرتبه کوشش نمود که مسلك خود را توضیح نماید که اجازه دادن بدولت ایران در خصوص استخدام ماژور استوکس مبادا مخالف با مفاد یا مقصد عهدنامه ۱۹۰۷ انگلیس و روس باشد از استعمال کلمهٔ مفاد یا مقصد صراحةً ثابت میشود که در عبارات عهد نامهٔ مزبوره کلمهٔ نبوده که مستلزم این تعبیر بوده باشد علاوه بر این آیا این سوٴال سزاوار نخواهد بود که اگر استخدام ماژور استوکس منافی با آن عهد نامه بود چرا وزارت خارجه انگلیس این تناقض و منافات را در ابتداء این معامله تصور ننمود؟ آیا وزارت خارجه انگلیس چگونه این معامله را مشروط باستعفای ماژور موصوف

از خدمت نظامی فوج هند قبول نمود حقیقت واقع این است که چون روز نامهای نیم رسمی روس خصوصاً نوو بو رمیا در خصوص تقرر ماژور مزبور بنای هیاهو و داد و فریاد را گذارده در صورتی که بدون شبهه آن آوازها باشارهٔ وزارت خارجه سنت بطرسبرگ بلند شده بود خصوصاً که در اروپا در آنوقت کشمکش مسئلهٔ مراکو درمیان بوده وخیلی شدّت داشت سرادوارد گری ظاهراً خود را مجبور یافت که بهانهٔ اتخاذ و اختیار کند که بتواند از وعدهٔ خود دربارهٔ اجازه دادن ملازمت ماژور استوکس طفره بزند باین احتمال که مبادا مرتکب امری شده باشد که باعث رنجش دولت روس شود زیرا که بی شبهه در صورت وقوع پیش آمد هاي نا گوار با آلمان مشار الیه توقع حمایت از دولت روس داشت در این موقع بود که مفاد و مفهوم عجیب و نوظهور ان عهد نامه کشف شد که دولتین متعاهدتین بتوانند بدان وسیله اصلاحاتی را که دولت ایران در نظر دارد تعبیر بسالب منافع از خود در آورده خود بنمایند در صورتیکه قطعاً بیان و تشریح آن منافع در عهد نامه نشده بود *

روز یکشنبه نهم ژویه (دوازدهم رجب ۱۳۲۹) سپهدار بی سر و صدا وارد طهران شده و درخانهٔ خود نشست و در را بروی اغیار بسته و بجز چند نفر از دوستان صمیمی محترم خود از مردم رو پنهان نمود شهرت یافت که مقصود او این بود که اقدام سختی بر خلاف مجلس وخزانه دار نماید سپهدار اظهار کرد تمام حقوق و اقتداراتی را که در سنه ۱۹۰۹ بزور شمشیر سپهسالاری افواج ملی تحصیل نموده خزانه دار کل آنها را سلب کرده است در خلال اینحال شاهزادهٔ سالار الدّوله برادر شاه مخلوع از قسمت آسیای عثمانی از حوالی بغداد داخل ایران گردیده و عشایر اکراد را دور خود جمع می نمود که حمله دیگر برای استقرار خود به سلطنت ایران بنماید افواج دولتی در حدود همدان کلیهً تاب مقاومت نیاورده و در آن موقع کار بقسمی خطر ناك شد که مجبور شدم که بوالا حضرت نایب السلطنه اظهار نمایم که اگر تدارك کافی برای جلوگیری از آن حرکت راه زنانه دیده نشود منتج به نتائج وخیمه خواهد شد *

چون مسیو مرنارد تا اوّل ژویه (چهارم رجب ۱۳۲۹) وعدهٔ خود را وفا ننموده و بقایای وجوه فاضله گمرگیرا که ببانك سپرده بود بمن رد نکرد مراسلهٔ بمحل ییلاقیش که در خارج طهران واقع بود نوشته و تلفونی نیز نمودم که اگر تا ساعت چهار بعد از ظهر همان روز بقایای وجوه نقدی گمرکی را باسم من منتقل ننماید مجبور خواهم شد

که انکار او را مجلس را یورت کرده و سلوك و رفتارش را برخلاف وعده حمل کنم قدری بعد از تلفون و قبل از آنکه مکتوبی که بتوسط یکنفر سواره ژاندارمه فرستاده بودم باو برسد تلفون کرد که وجوه گمرکیکه در بانك است بموجب همین صورت تلفون دریافت نموده و بقبضهٔ تصرف خود بگیرید *

سیزدهم ژوبه (شانزدهم رجب ۱۳۲۹) باحتمال اینکه مبادا بانك استقراضی روس اقدامات خزانه دار را مسلم نداشته و مبلغ معتدبه عایدات گمرکی را که در تصرف خود دارد تحویل ننماید و از این رو تأدیهٔ قسط قرض روس و سود آن بعهدهٔ تأخیر افتد مسیو دایه منتوپولس (M. Deamantopoulos.) رئیس موقتی بانك را ملاقات کردم معلوم شد آن انتقال وجوه در دفاتر بانك هم ثبت شده و از آن مبلغ قسط طلب خود را برداشته و باقیرا بر حسب قرار داد سابق باسم خزانه دار کل بجمع دولت آورده بود *

تا آن زمان مجلس بیشتری از پیشنهاد های مرا تصویب نموده بود خصوصاً استخدام جمع کثیری امریکائی برای معاونت در امور خزانه مطابق معاهدهٔ که بعد از آن تاریخ قرار داد می شد من سعی و کوشش میکردم که اشخاص درستی را برای این کار انتخاب و جلب نمایم چند روز بعد مراسلات متعددهٔ از سفارت انگلیس رسیده و استفسار از رضایت من در خصوص استخدام یکنفر صاحب منصب سویدی برای ریاست ژاندارمری خزانه و باستخدام ماژور استوکس فقط در منطقهٔ جنوبی ایران شده بود قبول هیچیك از آن دو رأی چندان قیمت صحیحی نداشته و بحال خزانه نافع نبود زیرا که اولاً صاحب منصب سویدی نه از زبان مملکت واقف بوده و نه از جغرافیای آن ثانیاً قبول شقّ ثانی بکلی منافی با امتناع دولت ایران از شناختن تقسیم مملکت بمنطقه‌های نفوذ بود بدون شبهه یکی از اشکالات بزرگ که مانع از کوشش و پیشرفتهای من شده بود همان پیروی و اطاعت حکم مجلس بود که بموجب آن این قرار داد ماژور استوکس را مشروط بدین شرط قبول نمایم و اگر بهمان قسمیکه دولت انگلیس خواهش کرده اقدام بدان امر مینمودم یعنی بمأموریت استوکس فقط در منطقه جنوبی راضی می شدم خوف این میرفت که رسماً منطقه های نفوذ مفروضه را که دولتین روس وانگلیس سعی می کردند که دولت ایران را مجبور بقبول آن گردانند اعتراف و قبول کرده باشم *

هفدهم ژوبه (بیستم رجب ۱۳۲۹) مراسلهٔ را دیدم که وزیر مختار انگلیس مقیم

طهران یکی از صاحب منصبان دیگر دپلوماتی ایران نوشته و متضمن مضمون تلگرافی بود که وزارت خارجه انگلیس طهران مخابره نموده بود که در معاملات راجعهٔ بمعاهدات گمرکی با دولت روس موافقت نماید و از مجرای موثقی اطلاع حاصل نمودم که سر ادوارد گری مکتوبی بوزیر مختار انگلیس نوشته که موقع و حالات عمومی اروپا (مسئله مراکش) بنوعی واقعشده که خود را مجبور به آن اقدام دیده بود شنیدم که سفیر انگلیس از مراسلهٔ مزبوره خیلی پریشان شده و خود را مجبور دید که مضمون آن نوشته را بسفرای دیگر (یعنی وزیر مختار روس اطلاع دهد) *

هیجدهم ژویه (بیست و یکم رجب ۱۳۲۹) در موقعیکه بتحصیل اطلاع از منبع و مأخذ های مالیات دولتی شروع نموده بودم دفعةً یك پیچیدگی جدید پریشان کنی نمودار گشت دیری از شب گذشته بود تلگرافی بمن رسید که در همان روز محمد علی با چند تن از متابعینش که در ادسا تحت حمایت ونگرانی روسها بوده از قمش تپه که نزدیك بسر حد روسیه و در ساحل بحر خزر واقع است وارد ایران گردیده (۱) این خبر ناگهانی

(۱) وقایع نگار تمس ورود محمد علی میرزا را بتاریخ هیجدهم ژویه (بیست و یکم رجب ۱۳۲۹) چنین می نگارد: «محمد علیشاه مخلوع با شش نفر از همراهانش به قمش تپه فرود آمده است و منجمله از همراهان او برادرش شعاع السلطنه و آنشخص معروف بامیر بهادر جنك میباشد احتمال میرود که تا روز پنجشنبه بجانب استرآباد که حاکم ندارد رهسپار شود از وقتیکه شاه مخلوع علی الظاهر بعزم ویانه و کارلز باد حرکت نموده در اینجا افواهات پی در پی شیوع یافته که بهمین نزدیکی مراجعت بایران خواهد نمود *

دولت ایران توجه دولت روس را بجانب این امر منعطف نموده وهم ورود ارشدالدوله «آگنت» (وکیل) شاه را که در این اوقات چنانچه شهرت دارد با تذکرهٔ جعلی و مقدار زیادی تفنك و فشنك از بادکوبه عبور کرده بدولت روس اظهار داشته اند دولت روس از دادن هر قسم کمك و معاونت دولت ایران انکار و امتناع نموده ارشدالدوله هم بحدود ترکمانیه رهسپار شده *

متجاوز از یك سال است آنتریك وسازش شاه مخلوع باانرا که جاری میباشد دولت روس بواسطهٔ «پروتکال» (صورت مجلس ۱۹۰۹) با دولت ایران راجع به تأدیهٔ قسط سه ماههٔ محمد علی مجبور و ملزم شده که از آن آنتریکها ممانعت نماید و قرار شد که در صورت وقوع چنین امری (یعنی مداخله شاه مخلوع در امور ایران و ساز شش با ایلات)

مثل شهاب ثاقبی بود که متضمن حیرت و استعجاب فوق العاده گردید زیرا از وقتی که سالار الدوله برادر شاه مخلوع از طرف حدود غربی وارد ایران شده و شهرتهای بی اصل ورود محمد علی از حد تجاوز نمودة بود اهل طهران تصوّر و باور نمی کردند که دولت روس همچو جرأتی بنماید که با معاهدهٔ محکمی که دو سال قبل با دولت انگلیس و ایران نموده علناً نقاضت و مخالفت کند *

وظیفه وی توقیف و بکلی قطع شود با این حال شاه مخلوع با کشتی روسی وارد ایران شده و شیوع کامل دارد که حرکات او در روسیه از مامورین دولتی آنجا مخفی نبوده است *

در دوائر روسی اینجا علناً از مراجعت شاه مخلوع اظهار مسرت نموده و ورود اورا با کمال اطمینان اظهار میدارند *

علی الظاهر همچو پنداشته اند که اهالی ایران از مجلس بکلی متنفر و بیزار شده و گماشتگان و وکلاء شاه حمایت شاه سوندها و ترا که‌را برای خود تحصیل نموده‌اند و برادرش سالار الدوله از کردستان بحمایت او بر خواسته و سپهدار هم در طهران از عود ترتیبات استبداد بی میل نمی باشد و مسافرت جدید برشت نیز شاهد اثبات همین مدعا است از این خیالات معلوم میشود که ایشان از این اتحاد حیرت انگیزی که مجلس ومطابع بواسطه استشمام رایحه این خطر بتازگی اظهار داشته غفلت نموده اند ودر وفا داری و صداقت هزار و دو بست نفر بختیاری که در طهران می باشند نسبت بمجلس نیز شکی نیست اگر این امر دوامی پیدا کرده و کار بهمین پایه بماند احتمال نمبرود که شاه مخلوع بمقصود خود نائل شود علاوه دو چار صعوبت و مشکلات بسیار خواهد شد و تخطی ترا که و شاه سوندها نیز از نقاط مسکونی خود مشکل بنظر می آید: وعلاوه بر این معلوم نیست کمک پولی از کجا بمحمد علی و اتباعش خواهد رسید *

باب چهارم

اقدام و کوشش محمد علی میرزا شاه مخلوع برای استرداد و بدست آوردن سلطنت ایران آنتریك و سازشها و اغماض روس اقدامات نظامی بر خلاف شاه مخلوع و برادرانش فتوحات و کامیابی افواج ملی مغلوب و مقتول شدن ارشد الدوله *

سابقاً راجع بورود محمد علی در قمش تپه ذکر شد که تا شجشنبه (یعنی دو روز بعد) وارد استرآباد خواهد گردید *

نوزدهم ژویه ۱۹۱۱ (بیست و دوم رجب ۱۳۲۹) یعنی روز بعد از وصول آن خبر جمیع پارتیها و احزاب سیاسی مجتمع شده و یك کابینهٔ متفق علیهی مشتمل بر اشخاص ذیل بمجلس معرفی شده و تصویب گردید *

سپهدار: رئیس الوزراء (بدون دفتر و قلمدان وزارت) صمصام السلطنه: (بزرگ بختیاریها) وزیر جنك وثوق الدوله : وزیر داخله قوام السلطنه: (برادر وثوق الدوله وزیر عدلیه مشیر الدوله : وزیر وزیر پست و تلگراف حکیم الملك : وزیر علوم و معارف معاون الدوله : وزیر مالیه محتشم السلطنه : وزیر خارجه *

مجلس از همان شب قانون نظامی سختی تصویب ومجرا داشت که ازحالت محاصره خبر میداد واجراء آن قانون را بعهده و اختیار هئیت وزراء و وزیر جنك موکول نمود *

با وجود آن اظهار جرأت آمیز دلیرانهٔ نمایندگان اضطراب و وحشت فوق العاده در تمام نقاط طهران مشاهده میشد ملتیان خائف بودند که مبادا روسها باز میخواهند شاه مخلوع را معاودت داده ودوباره او را بروی کار آورده وشهر را بدست طوائف ترکمان که همراه او میباشند بباد غارت دهند طرفداران شاه یعنی آن عنصر های ارتجاعی نیز خائف بودند که مبادا ملیین از ایشان انتقام کشیده و هر وقت که موقعی بدست بیا ورند آنها را حبس و زجر نمایند *

در این موقع در ایران هیچ قشون و افواجی موجود نبود مگر در دفتر وزارت جنك ژاندارمه و پولیس پایتخت هم بیشتر از هزار و هشتصد نفر نبوده و آنها هم کامل السلاح

نبودند فی الحقیقه تمام آن پولیس و ژاندارمه برای نگاهداشتن نظم داخلهٔ طهران لازم بود *

اخبار متواتر می رسید که ترکمانها دسته دسته در حدود شمال شرقی ایران در تحت بیرق شاه مخلوع جمع میشوند و عموماً خوف آن میرفت که در ظرف چند هفته بدروازه شهر برسند *

سالار الدوله برادر شاه هم از حدود همدان شروع به پیش آمدن گذارده بود و همچو شهرت داشت که چندین هزار نفر عشایر اکراد را دور خود جمع نموده است کابینه جدید ایران هم در مقابل آن خطر های دو پهلو متزلزل بود *

دولت ایران تا آن وقت با آن فشار های متزائده متوالیه تا یك درجه با استقامت و استقلال کار میکرد ولی ماشین و دستگاه کارخانهای دولتی شروع بکند شدن گذارده و در ظرف چند روز حکومتی باقی نماند بجز عدهٔ قلیلی از مردم که پیش آمده و خود را بجهة محافظت و نگاهداری مشروطه و اقدامات لازمه فوری برای دفع بلوائیانیکه دولت را تهدید کرده ظاهر میداشتند *

رئیس همه آنها یفرم خان رئیس پلیس و ژاندارمهٔ طهران که ذکرش سابقاً گذشت بود یفرم خان ارمنی و از اهل آن قسمت از ارمنستان که در تحت تصرّف عثمانی است بوده و چند سال قبل از آن برشت آمده و در آنجا رشتهٔ تجارت مختصری داشت از سابقهٔ حالات او بسیار کم مطلع می باشم ولی اعتقاد عموم این بود که آن کسیکه باسم یفرم خان موسوم است بمنزله سر و کردن مهم عساکر ملي که از سمت رشت روانه شدند بوده و سپهدار اعظم برای آنها فقط صورت مترسکی بود *

بعد از آنکه در سنه ۱۹۰۹ طهران را بقبضهٔ تصرّف خود درآورده و دولت مشروطه را معاودت دادند یفرم بریاست اداره نظمیه و پلیس پایتخت مأمور شد مسئولیت و عظمت این منصب در ایران خیلی بیشتر از آن اهمیتی است که مابین ملل متمدّنه معمول میباشد *

یفرم خان درخلال مدّت خدمتش یکدسته فوج مسلح منظمی که در هیچ زمان دولت مشروطه مثل آنرا دارا نبود تشکیل داده و نگاه داشت و بمعاونت فوج مزبور توانست که نظم عمومی را در شهر برقرار بدارد و این قابلیت را هم داشت که مردم را بطرف خود جذب و جلب نموده رضایت و وفاداری آنها را باقی و پایدار بدارد با وجود

تعلیم و تحصیل محدودش بسیار صاحب تدبیر و بدون شبهه باعلی درجه داری جربزه و لیاقت نظامی و بی اندازه متهور و بی باك بود *

در این بحرانیکه ایرانیان به آن دوچار شده بودند یفرم خیلی زود ترقی کرده و از طراز اوّل بشمار میرفت *

اگرچه در نظر مسلمانان مسیحی و کافر بود ولی با این نقص بزرگ و حسادتهائیکه اکثر مردم نسبت باو داشتند اقتدار و نفوذ بزرگی برای خود جلب کرده و این هم مسلم بود که علاوه بر محافظت شهر دولت مشروطه را نیز از خطرات قشون شاه مخلوع نجات و خلاصی داد *

اثر و نتیجهٔ آن اعلان قانون نظامی این شد که نوزدهم ژویه (بیست و دوّم رجب ۱۳۲۹) صمصام السلطنه بمناسبت اینکه وزیر جنك بود حاکم نظامی طهران گردیده و باین وسیله حیات و ممات تمام هموطنان را بقبضهٔ اختیار خود درآورد *

اوّلین اقدامیکه اظهار نمود این بود که عدّهٔ کثیری از ارتجاعیون و سازشیان معروف که بعد از شاه مخلوع باقی مانده و بواسطهٔ مخالفت و ضدّیتی که با اساس و پیشرفت دولت مشروطه نموده اند باید دستگیر شوند کابینه فهرستی که مشتمل بر اسامی سی یا چهل نفر از همان طبقه اشخاص بود مرتب نمود و بنایب السلطنه ارائه و به یفرم داده شد که آنها را دستگیر نماید *

بیستم ژویه (بیست و سوّم رجب ۱۳۲۹) نایب السلطنه مرا طلبیده و تا دیر زمانی در آن باب مذاکره و صحبت میکردیم من رأی دادم که باید فوراً قشونی از طهران بمقابله شاه مخلوع فرستاده شود تا اشخاصیکه در طهران و سایر نقاط مایل باین ترتیبات جدیده نبوده و مطمئن میباشند که هیچ دفاعی از طرف دولت نخواهد شد سر جای خود نشسته و در ایشان تاثیر کند نایب السلطنه این رأی مرا پسندیده و امر نمود که بین صمصام السلطنه و یفرم و من در این باب شور شود این نکته را هم بنایب السلطنه خاطر نشان کردم که مجلس را وادار نماید که قانونی در خصوص اعدام یا دستگیر نمودن شاه مطرود و برادرانش که برای مخالفت با دولت مسلح شده اند نافذ و مجرا داشته و برای هر کس که آنهارا معدوم و یا زنده دستگیر کند جایزه و انعام بزرگی معین نماید والا حضرت این خیال را هم خیلی پسندیده و وعده نمود که بکابینه و مجلس سفارش آکیدی نماید که آنرا مجرا و معمول بدارند نایب السلطنة این مطلب را نیز بیان نمود که عدّه از

ارتجاعیون بسیار بد نام را در همین یکی دو روزه یفرم گرفتار خواهد نمود من رأی دادم که این کار باید فوراً صورت بگیرد چرا که هر روز شك و خوف و پریشانی خاطر عموم زیادتر میشود *

آن روز صبح بطریق بسیار محرمانهٔ مطلع شدم که مکتوبی از طرف دولت انگلیس بسفارت دولت مزبوره در طهران باین مضمون رسیده بود که دولت انگلیس دربارهٔ اجازه دادن دولت روس شاه مخلوع را برای تحصیل و استرداد سلطنت بواسطه نقص معاهده و خلف وعدهای شاه و تخلف از شرایط رسالهٔ صورت مجلسی که بین دولت مشروطه و آندو دولت در سپتامبر ۱۹۰۹ امضاء شده بود معارضه و پروتست خواهد کرد لهذا با کمال اطمینان بنایب السلطنه اظهار نمودم که دولت انگلیس نمی تواند از این عهد شکنی علنی محمد علی اغماض کند و گفتم که شما می توانید مطمئن بشوید که دولت انگلیس هم این اقدام ناپسند را بطریقی اطلاع خواهد داد حضرت ایشان از تقریر من خیلی مطمئن شدند *

همان شب تلگرافی از محمد علی برای سپهدار رسید و باو حکم نموده بود که حکومت طهران را بقبضهٔ تصرّف گرفته و تنظیم امور آنجا را تا ورود وی برقرار دارد سپهدار ما بین مردم انتشار داد که بشاه مخلوع تلگراف ذیل را جواباً مخابره نموده است :—

« ملت هیچگاه زیر بار حکمرانی شما نخواهد رفت » ولی این مسئله بسیار محل تردید بود که آیا سپهدار همچو تلگرافی کرده است یا نه ؟ *

در آنموقع آشکار شد که بعضی از اعضاء کابینه با شمولیت سپهدار و محتشم السلطنه و معاون الدّوله هم خود را برای مدافعه شاه مصروف ننموده بودند سپهدار ساکنانه در عمارت ییلاقی خود در شمیران که خارج از شهر بود مقیم شده و روز بروز اجراء احکام یفرم را راجع بدستگیری مستبدّین بتأخیر می انداخت اهل طهران فوراً از مخالفت سپهدار ظنین شده و کابینهٔ هم حقیقةً باقی نمانده بود *

بیست و یکم ژویه (بیست و چهارم رجب ۱۳۲۹) با صمصام السلطنه در آن باب صحبت داشتم ایشان اظهار نمودند که دو هزار نفر از ایل بختیاری مأمور شده که فوراً در اصفهان جمع و حاضر حرکت بسمت طهران شوند برای حرکت همچو فوجی و رسیدن شان بطهران تقریباً ده روز وقت لازم بود من برای خان بختیاری که حاکم اصفهان بود بجهة مصارف ابتدائی حرکت بختیاریها تلگرافاً پولی برات نمودم صمصام السلطنه

نیز وعده کرد که بکابینه و مجلس اصرار نماید که مبلغ صد هزار تومان برای قیمت جان محمد علی و بیست و پنجهزار تومان برای هر یکی از برادرانش شاهزاده سالار الدوله و شاهزادهٔ شعاع السلطنه معین نمایند وزیر جنگ باندازهٔ مایل و شایق باجراء این امر بود که اظهار داشت در صورتیکه مجلس تردید یا تأملی در تصویب و تأدیه این میزان داشته باشد از املاك شخصی خود فراهم خواهد نمود *

صمصام السلطنه سنًّا بین شصت و هفتاد و شخص بلند و مستقیم القامه و مختصر تحصیلی هم نموده بود لکن نخوت و رعونت شخصی زیادی داشت در صورتیکه قلب او بسیار ساده و بچگانه بود ولی نیت خوبی داشت و با این حال بسیار زود از آنتریکهای برادران و خویشان خود فریب خورده و در تحت اثر سازشهای ایشان میرفت در آن موقع احساس سختی از مسئولیتهای فوق العاده که بذمهٔ او تعلق گرفته بود نموده و بسیار مایل بود که فرائض خود را بطریقهٔ پسندیدهٔ انجام دهد برادر او سردار اسعد چند وقت قبل از آن باروپا رفته و بدین جهة صمصام السلطنه در ایران رئیس ایل بختیاری بشمار میرفت *

در بین صحبت بمن گفت که بدرجهٔ دلبستگی و میل بمشروطیت دارم که امروز صبح بنایب السلطنه گفتم که خوبست مرا علی الظاهر بسمت سفارت نزد محمد علی روانه بکنید که بعد از ملاقات طپانچه بسینهٔ او گذارده و اورا بکشم و نیز اظهار نمود که «من مرد پیری هستم و بسیار مایلم که جان خودرا برای پیشرفت اساس مشروطیت تقدیم نمایم در صورتیکه بتوانم وطن خود را از وجود آن ظالم بیباك نا پاك پاك کنم بفدا نمودن جان خود حاضرم» ولی نایب السلطنه این نقشه را رد نموده و نه پسندیدند*

بعد از آن صمصام السلطنه از من سوءال نمود که آیا بمناسبت حکومت نظامیش حق و اقتدار دارد که وجهی برای مصارف دفاع و جلوگیری از مفاسد عمومی بمصرف برساند ؟ وقتیکه باو گفتم قانون اینگونه اقتدار را بشما داده خواهش نمود که صد هزار تومان بین اشخاصیکه برای اعدام محمد علي و برادرانش فرستاده می شوند تقسیم نماید جواب دادم که بعقیدهٔ من اینگونه اقدامات وظیفهٔ ادارهٔ نظام و پلیس میباشد مشار الیه نسبت بسپهدار و محتشم السلطنه و معاون الدوله عدم اطمینان خود را اظهار داشت و متقبل شد که از آن ببعد مواجب افواج مرکزی را در طهران از خودش شخصاً ادا نماید یعنی بعد از دیدن سان حقیقی نه فقط بصرف صورت حساب و فرد هائی که

مستوفیان نظام و وزارت جنك می نوشتند بعبارة اخری این چهل ودو هزار تومان مواجب افواج موجوده تنزل نموده و بدوازده هزار تومان تبدیل میشد *

تا آن زمان هنوز عدهٔ از ارتجاعیون در قریهٔ زرگنده که محل ییلاقی سفارت روس است متحصن بودند آنحصهٔ از مملکت بکلی در قبضهٔ وتصرف روسها و از مداخلهٔ دولت ایران مستثنی میباشد ارتجاعیون از آنمحل امن نسبت بدولت مشروطه شروع به تفتین و افساد (موشك دوانی) را گذارده و در تمام طول مدت آن مناظر جنگی مستعد بلوی بودند *

در آنوقت در طهران یکدستهٔ بختیاری موجود بود که عدد شان تقریباً بشش صد نفر بالغ میشد و خوانین بختیاری آنها را بطور گارد اعزازی برای خود نگاهداشته ولی حقیقةً از دولت مواجب میگرفتند ایشان برای مهات محتملهٔ آینده بطور نقطهٔ مرکزی واقع شده بودند *

یفرم نقشه و تدبیر خود را برای حملهٔ بشاه مخلوع بجهة من شرح و توضیح داد ولی گفت نمیتوانم هیچ یك از وزراء را در این کار مداخله داده و محرم بدانم زیرا که بایشان اطمینانی ندارم اجزاء و تابعین خود را وا داشته بود که فشنك و گلوله های توپ شنیدری که از طرف بریگاد قزاق به آنها داده شده دو مرتبه پر کنند زیرا که جرئت نمی کرد آنها را بهمان حال بکار برد و گفت که سپهدار سزاوار دار زدن یا گلوله ریز نمودن است یفرم از مجلسیان بسیار غضب ناك بود بواسطهٔ اینکه مجلس مختصر وظیفهٔ ماژور هاز آلمانی را که صاحب منصب ماهر توپ « مگزیم » بود قبول و منظور نه نموده و مشار الیه در سال قبل در موقعیکه تحت فرمان یفرم در جنك بوده زخم برداشته بود وجود و خدمات مسیو هاز در آن مهمیکه بطرف استرآباد در پیش بود بسیار لازم ولی از آن سلوکی که دربارهٔ مشار الیه شده خوشدل نبود مشار الیه چون فقط مستخدمی دولت ایرانرا بسمت معلمی توپخانه دشت شرکتش در جنك حقیقةً موکول بقبول و رأی خودش بود پس از چندی که توانستم وظیفه او را بر قرار نمایم متقبل شد که همراه یفرم برود *

شاید در انموقع حسینقلیخان نوّاب از هر کس محبوب تر و پیشوای حقیقی مابین ایران بود مشار الیه شخصی بود که بواسطهٔ لیاقت ذاتی و خصائص شخصی در هر مملکت ودر هر حال می توانست برایخود مقام منیع و مرتبهٔ بلندی تحصیل کند نوّاب از چندی

قبل وزیر خارجه و مشغول کار بوده تا وقتیکه در دسمبر ۱۹۱۰ (ذی حجه ۱۳۲۸) بواسطهٔ سلوك توهین آمیز سفارتین روس و انگلیس مجبور باستعفاء و ترك خدمت پلتیکی خود گردیده و از آن روز به بعد آن راد مرد در صورتیکه صراحةً از قبول مشاغل رسمی انکار داشت همواره بدون موقع رسمیت برای سعادت و بهبودی حالات ایران مشغول باقدامات بود *

سن معزّی الیه پنجاه و پنج ولی با بشره و ظاهر بسیار ممتازی بود تحصیل و تربیت کامل اروپائیرا نیز دارا و زبان انگلیسی و فرانسه و فارسیرا در نهایت خوبی و سهولت علی السواء مکالمه می نمود چیزیکه از همه بیشتر باعث خصوصیت ولیاقت و تمجید معزی الیه گردیده این بود که به تدین کامل در امور دولتی و شخصی معروف و شخصاً از حزب سیاسی دموکرات بوده و حقیقةً رئیس معنوی حزب مزبور شناخته میشد اگرچه بسیاری از مردمان دیگر چه در مجلس وچه خارج از مجلس خود را بیشتر از مشار الیه جلوه و نمایش میدادند در تمام مدّت آشنائی من با مشار الیه تا روزی که از طهران خارج شده او را شخص محترم بلند همت با حوصلهٔ وطن دوستی دیدم که برای خدمت کردن و فایده رسانیدن بوطن خویش همواره خود را وقف نموده بود *

در بین مذاکراتیکه در منزل نواب واقع شد یفرم اظهار نمود که همان روز صبح حکمی از طرف هیئت وزراء باو رسیده که باید تقریباً بیست نفر از ارتجاعیون معروف که صورت اسامی ایشان را معین نموده اند دستگیر نماید ولی یك ساعت قبل از آنکه حکم مزبور بموقع اجرا گذارده شود سپهدار (که تا آنوقت برای صرف نام رئیس الوزراء بود) یفرم را پای تلفون طلبیده و امر کرد که حکم مزبور موقوف و ملتوی بماند در آن اثناء یکی از صاحب منصبان یفرم آمده و راپورت داد که پلیس شخصی را موسوم بنظام السلطنه بانضمام عدّهٔ دیگری از ارتجاعیون دستگیری نموده ولی خود شان اظهار نمودند که حسب الامر سپهدار مشغول مرتب نمودن قشون داوطلبی بوده اند یفرم گفت سپهدار بی شبهه حکم باستخلاص اشخاص مزبوره خواهد نمود ودر صورتیکه امر او را مخالفت نموده و حکمش را امتثال نکنم چون سپهدار با بعضی از ملاها روابط دوستانه دارد شاید مرا باین عنوان که کافر میباشم بد نام ولکه دار نموده و باین وسیله خود را در نظر صنفی از مسلمانان قهرمان و شخص اوّل قلم دهد عقیدهٔ یفرم این بود که باید خود سپهدار را دستگیر نمود ولی بملاحظه اتهام در آن امر

تردید داشت *

درخصوص طرح و نقشهٔ تشکیل ژاندارمری خزانه با یفرم گفتگو نمودم مشار الیه بواسطهٔ صداقت و ساده دلی که داشت از آن مذاکره بد گمان شده که شاید در ضمن این تشکیل خیال تقسیم ایران مرکوز خاطر روس و انگلیس باشد خصوصاً باین مناسبت که بنا بود ماژور استوکس بصاحب منصبی فوج مزبور معین و مأمور شود در آن ملاقات مذاکره و قرارداد فراهم نمودن و مرتب کردن فوج سوارهٔ مخصوص از داوطلبان که در تحت حکم و فرمان یفرم باشد بعمل آمد *

صبح روز بعد که بیست و سوّم ژولیه (بیست و ششم رجب ۱۳۲۹) بود صمصام السلطنه و ارباب کیخسرو برای مشورت و اظهار نقشهٔ خیالات خود بپارك اتابك آمدند شخص اوّل شکایت مفصلی از سپهدار کرد که شخص غدّار مکاری است و نایب السلطنه هم که ضعیف و متلون المزاج میباشند و گفت که نقشهٔ برای اعلان اعدام یا دستگیری شاه مخلوع و برادرانش بکابینه اظهار کرده ولی وزراء متعذر شده که می ترسند رأی اورا به مجلس پیشنهاد کنند زیرا که آنگونه امور امور خلاف عادی بود و نیز کابینه به پیشنهاد کردن مسودّهٔ اظهاریه مز مجلس راجع به برقرار داشتن وظیفهٔ ماژور استوکس که مجبور شده بود پس از اختتام دورهٔ خدمت در ایرانش از خدمت فوج انگلیس هند مستعفی شده و از آن شغل دست بردار شود راضی گردید صمصام السلطنه اظهار نمود که باصفهان تلگراف نموده سه هزار نفر بختیاری دیگر بسمت طهران حرکت نمایند *

در این موقع اوضاع و حالات طهران آهسته آهسته رو به بدی گذارده و خیال حمایت شاه مخلوع رو به ازدیاد بود و کابینه جدید متفق علیهی هم که اعضاء آن نیز باهم متفق بوده و خیلی توقعات و امید وار یها به آن میرفت شکسته و درز دار شد یعنی آن سه نفر اعتدالی که سپهدار و محتشم السلطنه و معاون الدّوله باشند با چهار نفر همکار دیگر خود که دیموکرات بودند علناً بنای مخالفترا گذاردند از طرف آن سه نفر در خصوص دستگیری و مجازات مفسدین معروفیکه آشکار و علی رؤس الاشهاد برخلاف پیشرفت دولت مشروطه اقدامات میکردند قصور کلی واقع شد چیزیکه کارها را از همه بدتر و خراب تر نمود این بود که سپهدار عدّهٔ معتد بهی از وکلاء مجلس را با خود هم رأی و هم عقیده گردانیده بود که از اقداماتیکه برخلاف میل و رأی او کرده میشد

منع و جلوگیری نمایند *

چون امر کرده بودم که پانصد نفر ژاندارم خزانه فوراً گرفته شود تا دو روز بعد بفراهم نمودن ملبوس و تهیهٔ اسلحه آنها صرف شد در این اثنا با رؤسای هر دو حزب مجلس مشورتهای متعدّده نمودم معلوم شد آنها هم کم کم ملتفت شده اند که باید اقدام قطعی برای حفظ موقع بعمل بیاید *

بیست و پنجم ژولیه (بیست و هشتم رجب ۱۳۲۹) وکلاء مجلس با اکثریت تامه رأی باخراج و تبعید سپهدار و محتشم السلطنه داده و فوراً هیئتی را نزد نایب السلطنه فرستادند که از او استعفای آن دو وزیر را خواهش کند و قبول شد آن اقدام قدری هوای کدر اغتشاشات را صاف نمود از جمله اقداماتیکه کرده شد این بود که کابینهٔ جدیدی تشکیل بدهند که حقیقةً برای استقلال دولت مشروطه کار بکنند *

مجد الدّوله که دو روز قبل بتوسّط مأمورین یفرم گرفتار شده بود بواسطهٔ اینکه بر خلاف نظم و امنیت عمومی نفتین و افساد نموده بموجب حکم نظامی محکوم بدار زدن و روز بیست و پنجم حکم قتلش صادر شد قدری بوقت معین اجراء حکم مجبور باقی بود که مراسلهٔ از سر جارج بارکلی وزیر مختار انگلیس بدولت ایران رسید که باید شخص توقیف شده را قبل از مجازات استنطاق رسانه بنمایند و صراحةً اظهار داشته که سفارت انگلیس قتل مشار الیه را نمی پسندد علت آن اقدام این بود که مجدالدّوله از طرف دولت انگلیس نشان (K. S. M. J.) را دارا و آن نشان متعلق بطبقه مخصوصی بود و خود وزیر مختار هم آن نشان را دارا بود *

این مداخله اگر چه بی شبهه برخلاف مقصود اصلی سر جارج بارکلی بود لکن خیلی بد بود زیرا که معدودی از مردمان جبونرا ایقان میداد که دولت انگلیس و روس در باطن از اجراء نقشه های شاه مخلوع حمایت میکنند حتی اینکه یفرم هم همین عقیده را داشت وقتیکه مجدالدّوله را دستگیر می کردند یك نفر ژاندارم و دو نفر نوکر مجدالدوله کشته شد و یکی از آن دو نفر خدمتگار مشار الیه بود *

بیست و ششم ژولیه (بیست و نهم رجب ۱۳۲۹) کابینهٔ جدیدی بر حسب ذیل تشکیل یافت :—

صمصام السلطنه رئیس الوزرا و وزیر جنگ وثوق الدّوله : وزیر خارجه حکیم الملك : وزیر مالیه مشیر الدوله : (برادر موءتمن الملك رئیس مجلس) وزیر عدلیه علاء

السلطنه : وزیر علوم و معارف قوام السلطنه : وزیر داخله دبیر الملك : وزیر پست و تلگراف *

روز بعد خبر رسید که پیش قراول افواج و اتباع محمد علی به چند میلی شهر شاهرود که واقع در شمال شرقی پایتخت است رسیده اند پیشکار معالیه آنجا تلگراف کرد که از طرف شاهزادهٔ شعاع السلطنه حکمی باو رسیده که بدون تأمل و تأخیر تمام مالیاتی را که وصول و جمع نموده است بجاکیکه از طرف شاه مخلوع معین شده تسلیم نماید و تهدید نموده که چنانچه تمرّد از آن حکم نماید کشته خواهد شد آن مشروطه خواه وفادار خودش تلگراف مزبور را نموده وخواهش کرده بود که جوابش را مخابره نکنم زیرا که وصول مجواب آن تلگراف سبب قتلش میباشد روز بعد تلگراف نمود که چهار صد نفر ترکمان بغتةً وارد شهر شده وتمام دفاتر دولتی و خانهای مردم را غارت نمودند خود او با خانواده و متعلقینش فرار کرده و در خانهٔ دوست ارمنیش پناه گزین شده است *

بیست و هشتم ژولیه (غره شعبان ۱۳۲۹) تمام وزراء نوشته قرار داد مستخدمی ماژور استوکس را امضاء کردند و باین ملاحظه توانستم مقدار کافی از سند های استقراضی (۱۹۱۱) بانك شاهنشاهی را برای پرداختن وظیفه ماژور مذکور بخرم در صورتیکه استعفای مشار الیه قبول شود *

در همان روز یکی از وکلاء مجلس یکنفر فدائی ایرانی را (که به بعضی ملاحظات از ذکر اسمش صرف نظر نموده ام) بمن معرّفی نموده و اطلاع داد که مشار الیه بر حسب گفتهٔ خودش از ملاقات « ویس قونسل » روس مقیم طهران مراجعت نموده و میگوید که « ویس قونسل » باو اصرار کرده که برای جلب حمایت وخوشنودی دولت روس شما را کشته و یا مسموم نماید زیرا که من « نقشه های روس را در ایران درهم و برهم کرده و خنثی می نمودم » مقصود اصلی از آن ملاقات و مذاکرات این بود که چون « جنرال قونسل » روس میخواست محرمانه پیغامی برای محمد علی بفرستد فدائی مزبور را میخواست پیغام بر خود قرار دهد این تفصیل حقیقت داشت ولی من او را پنهان نمودم زیرا بجز اینکه حالات و مقاصد مرا پریشان و درهم نماید فایدهٔ دیگر نداشت *

چندی بعد از آن در موقع انعقاد یکی از سلامهای دربار شنیده شد که شخص ایرانی فوج الله خان نام یکی از اعضاء هیئتی که برای کشتن من تشکیل شده بود (همان قسمیکه صنیع الدّوله کشته شد) داو طلب و مأمور باجراء این امر گردیده است بعضی

از ایرانیها باتباع پلیس بفرم فوراً اطلاع داده و آن شخص دلاور را پس از زد و کوب بسیار زنجیر و حبس نمودند *

بیست و نهم ژولیه (دوّم شعبان ۱۳۲۹) مجلس قانون ذیل را جاری نموده و اشاعه داد که صد هزار تومان برای اعدام یا دستگیر کردن محمد علی و بیست و پنجهزار تومان برای هر یکی از برادرانش معین شده و قرارداد وظیفهٔ ماژور استوکس را نیز قانوناً تصویب نمود بعد از همان روز وزیر مختار روس بوزارت خارجه آمده و اصرار کرد که معاهدهٔ ماژور استوکس را امضاء نکنند و تهدید کرد که در صورت امضاء معاهده مزبوره دولت روس معارضه سختی خواهد نمود وزیر خارجه ایران بقسمی ترسیده که فوراً رقعه بدین مضمون بمن نوشت که قانون وظیفه ماژور استوکس تا وقتیکه بامضاء نایب السلطنه نرسد بموقع اجراء گذارده نخواهد شد ولی هر دوی ما بخوبی این نکته را میدانستیم که آن عذر حقیقت نداشت بهر حال در ایران این قسم تدابیرا را ظاهر داری رسمانه میگویند *

چندی قبل از آن تفنگهای « ریفل » و فشنگهای روسی که سپهدار با سفارت روس قرارداد کرده بود به انزلی رسیده و از راه رشت بطهران می آوردند ورود آن قورخانه را بنوعی قرارداده بودند که احتمال قوی میرفت که اتباع شاه مخلوع در بین راه آنها را بچاپند ولی از قراریکه معلوم شد عدّهٔ معتد بهی از آن صندوقها که عبارت از هفت هزار قبضهٔ تفنگ و چهار ملیون فشنگ بود بقزوین رسیده و از دستبرد یاغیان محفوظ ماند آن قورخانه برای انبار نظامی طهران بسیار بموقع و لازم بود زیرا که در آن وقت دولت مشروطه تقریباً بی اسلحه مانده بود من هزار و پانصد قبضهٔ « ریفل » و شش صد هزار فشنگ آنها را برداشته و در عمارات تحتانی (زیر زمین) منزل خود در پارك اتابك انبار کردم که محفوظ بماند تا وقتیکه برای ژاندارمری خزانه لازم شود در ایران اسلحه و آتش خانه بشکل عجیب حیرت ناکی بدون ملاحظهٔ اینکه حساب تعداد آنها رسماً ثبت و ضبط شده است غیب و نابود میشود و باید همیشه آنها را مقابل چشم خود گذارد *

تا کنون از وضع سلوك و همراهیهای دولت روس نسبت به پیش رفت مقاصد محمد علی برای استرداد تاج و تخت سلطنت ایران چیزی بیان نشده درهر صورت مأمورین روس نه کاهل بوده و نه ساکت و آرام می نشستند دو سال قبل دولت

روس از جانب خود و از طرف دولت انگلیس مسئولیت ذیل را بعهده گرفت که شاه مخلوع را مجبور و پایبند بایفاء عهد خود کرده یعنی بر خلاف دولت مشروطه ایران اقدام بهیچ قسم شورش پلتیکی نه نماید و این مسئولیت مطابق مادهٔ یازدهم صورت مجلس نهم سپتامبر ۱۹۰۹ (بیست و سوم شعبان ۱۳۲۷) است که هر یک از آن دو دولت آنصورت مجلس را امضاء کرده بودند دولت روس از قرار محمد علی از ادسا و عبورش از روسیه و با کشتی روسی از دریای خزر گذشتنش و وارد بخاك ایران شدنش نه فقط برای جلوگیری از تحریکات پلتیکی بلکه برای منع مخالفت حقیقی با دولت مشروطهٔ ایران بکلی از «اقدامات لازمه» کوتاهی کرده بود حقیقت واقع این است که عبور محمد علی از محلی که مأمورین تذکرهٔ روس دقت و تفتیش کامل می نمودند با جمعی از همراهان خود ملبس بلباس رسمی با ریشهای مصنوعی با مقداری تفنك و توپهای سریع الاطلاق (مسلسل) که بر صندوق آنها آب معدنی نوشته بود بانضمام داشتن تذکرهٔ جعلی دروغی که خود را مطابق گفتهٔ خود روسها «خلیل نام تاجر بغدادی» وا نمود کرده بود برای اشتباه کاری و اغفال صاحب‌منصبان خالی الذهن تذکره از دقت در تفتیش کافی بود دولت روس میخواست علی الظاهر بر تمام اهل عالم آشکار کرده و بفهماند که از حرکات محمد علی بکلی بی خبر و بی اطلاع بوده *

(مصنف ترجمهٔ اعلان قانونی اعدام و دستگیر کردن محمد علی شاه مخلوع را بانگلیسی ترجمه نموده و ترجمهٔ مزبوره عین همان اعلان و توضیح واضح میباشد باین جهة بدرج صورت اصل آن اعلان اکتفا شد)

ترجمهٔ اعلان مزبور از قرار ذیل است :

چهارم شهر شعبان ۱۳۲۹ بر حسب رأی مجلس مقدس اعلان میشود *

کسانیکه محمد علی میرزا را اعدام یا دستگیر نمایند یك صد هزار تومان به آنها داده می شود *

کسانیکه شعاع السلطنه را اعدام یا دستگیر نمایند بیست و پنجهزار تومان بآنها داده می شود *

کسانیکه سالار الدوله را اعدام یا دستگیر نمایند بیست و پنجهزار تومان بآنها داده میشود *

و نیز اخطار میشود که اگر داو طلبان خدمات مزبوره بعد از انجام خدمت کشته

شدند مبلغهای فوق الذکر بهمان نسبت! بورثهٔ آنها داده خواهد شد و این مبلغ در خزانهٔ دولت موجود است و بعد از انجام خدمت نقداً بانها پرداخته میشود *

محل" امضای حضرت رئیس الوزراء

طهران — مطبعهٔ تمدن *

محمد علی تا چندی در وینه توقف نموده و برای حملهٔ بایران اسلحه میخرید بعضی اقدامات دیگر در وینه اش از بیانات آخری ارشد الدوله جنرال بزرگ شاه مخلوع که بهمراهی مشار الیه بایران مراجعت نموده بود یعنی در استنطاق شب قبل از قتلش پس از آنکه بدست افواج ملی در تحت کاندانی (فرماندهی) یفرم گرفتار و دستگیر و عاقبت بتوسط همان افواج کشته گشت معلوم و آشکار شد :—

مسیو مور « کرسپاندان » (وقایع نگار) روز نامهٔ تمس لندن که در مجلس نظامی شب قبل از کشته شدن ارشدالدوله حاضر بود صورت استنطاق و تقریرات مشار الیه را راجع به آن اقدامات مطابق شرح ذیل نوشته است :—

(پس من در وینه با محمد علی ملاقات نموده و سفیر روس هم بملاقات ما آمد (۱)

---

(۱) چون مسیو مور زبان فارسیرا خوب می فهمید؟ بیان مشار الیه راجع بمذاکرات سفیر روس در وینه باشاه مخلوع وجنرالش خلاف واقع نبوده است بعد از آنکه من همان بیانات را در مراسلهٔ سر باز « با امضاء » خود برای درج در روز نامهٔ بیست ویکم تمس لندن فرستادم دولت روس در لائحهٔ رسمی خود از اینکه سفیر مقیم وینه اش چنین اظهارات را نموده باشد انکار ورزید و مدعی شد که این خبر بکلی بی اصل و جعلی است چندی بعد وقتیکه صورت آن لائحهٔ انکاریه در مجلس وکلاء عمومی انگلستان مطرح مذاکره گردید اکثریت آراء لائحه مزبوره را بخنده استقبال نمودند بعد از آن ملتفت شدم که انکار رسانهٔ روس در آنموقع اقلا از حیث عبارات و کلمات صحیح بوده همچو ظاهر میشود شخصی که ملاقات و مذاکرات مزبوره را با شاه مخلوع و جنرالش نموده وزیر مختار دولت روس در وینه نبوده بلکه مسیو دیهارت و یك معروف وزیر مختار سابق روس در طهران بوده است مشار الیه هر قدر قدرت که در قوه داشت به فعلیت رسانید که شاید بتواند دو باره محمد علی را به تخت سلطنت ایران بر قرار نماید وقتی که آن ملاقاتها در وینه واقع شده بود مسیو دیهارت و یك در بلگرید وزیر مختار بوده و چند مرتبه از آنجا به وینه آمده و ملاقاتهای مزبوره را با شاه مخلوع و ارشدالدوله کرده

ما از او خواهش کمك نمودیم مشار الیه گفت « دولت روس در این موقع نمی تواند بشما امدادی نماید زیرا که دولتین روس و انگلیس درخصوص عدم مداخلهٔ در ایران تعهد نموده و با هیچ یك از موّاد آن عهد نامه مخالفت نخواهند ورزید دولتین مصمم شده اند که هیچ قسم مداخلهٔ در امور داخلی ایران ننمایند لکن از طرف خود تان (یعنی سمت ایران) میدان صاف وراه باز است اگر معاونتی در کار شما نتوانیم بکنیم ممانعت و اخلالیهم نخواهیم نمود دیگر موقوف برأی خود شما است اگر امید نیل بمقصود دارید خود تان باید اقدام کرده تا کامیاب شوید در صورتیکه امید وار برسیدن سلطنت میباشید پس باید فوراً شروع باقدام بکنید ولی این مطلب را بخاطر داشته باشید که ما نمی توانیم کمکی بشما بنمائیم و اگر هم کامیاب نشوید ما مسئول نخواهیم بود » ما جواب دادیم « بسیار خوب لکن آیا میتوانید این کار را کرده که مبلغی برای ما قرض کنید ؟ » جوابداد « خیر این هم بکلی غیر ممکن است ! » اگر چه ما خیلی خواهش و التماس کردهٔ و ملاقات ثانویهم با او نمودیم ولی مشار الیه خواهش مارا رد نمود فقط ایما و اشارهٔ نازکی باین امر کرد که اگر اسناد جواهراتی را که محمد علی در بانك استقراضی روس در طهران گرو گذارده همراه داشته باشد می توان باعتبار آن اسناد وجهی فراهم کرد ولی اسناد مزبوره همراه شاه نبود و نتیجهٔ از مذاکرات مزبوره حاصل نشد) *

شاه مخلوع با همراهان و قور خانه و لوازم جنگی بسبار از بندری که در نقطهٔ شمالی باد کوبه واقع است سوار کشتی کرستوفروس (Christoforos.) روسی شده و پس از عبور از دریای خزر در قمش تپه پیاده شد اگر ثابت و محقق شود که در دوائر عالیه دولتی روس از خیالات و حمله های شورش انگیز شاه مخلوع برای تحصیل تاج و تخت

بود من از حقیقت آن وقایع اطلاع نداشتم تا وقتیکه در ژانویه گذشته در مراجعت از ایران بوینه رسیدم چون از محاوره فارسی ترجمهٔ « آمباسادور » (Ambassdor) و مینیستر (Minister) فقط یك کلمه است وقتی که ارشد الدوله در حضور مسیو مور و صاحب منصبان افواج ملی ایران شب قبل از فوتش شرح ملاقاتهای مذکوره را با نمایندهای دیپلوماسی روس در وینه بیان میکرد (همان لفظ مشترك فارسی را استعمال نموده بود) مسیو مور و دیگران بذهنشان همچو متبادر گردیده بود که مقصود ارشد الدوله از نماینده دیپلوماتی همان وزیر مختار روس درآنجا بوده وحال آنکه اشارهٔ جنرال بهمان مسیو دیهارت و یك معروف بوده است *

سلطنت ایران ذکری نبوده مردم نباید اطلاع و مساعدت در اقدامات مزبوره را نسبت بدولت روس داده و باین احتمال که نمایندگان دیپلوماتی بلگرید و وینه روس اقدامات شاه مزبور را بکابینهٔ دولت متبوعهٔ خود اطلاع و راپورت داده اند از آندولت بد گمان شوند و باید قبول و باور نمایند که فرار شاه تا جائیکه روسها دست اندر کار و دخیل بوده اند امر اتفاقی و بدون اطلاع ایشان بوده است لکن وقایع و اقدامات مزبوره در تمام ادارات دولتی آن مملکت بخوبی واضح و معلوم بود ده روز قبل از ورود محمد علی بخاك ایران وزیر مختار روس در طهران در «دنری» (مجلس دعوت شام) که در آن مردمان بسیاری حاضر بودند موقع اظهار یافته و گفت که در ظرف چند هفته دولت مشروطه ایران خاتمه خواهد یافت در آنوقت بیان مزبور تولید حیرت و تعجب زیادی نمود ولی وقتیکه در هجدهم ژولیه (بیست و یکم رجب ۱۳۲۹) خبر ورود محمد علی بطهران رسید کسانیکه وعدهٔ وزیر مختار را شنیده بودند اشاره و مقصود مشار الیه را بخوبی ملتفت شدند این امر بخوبی ظاهر و معین شد که خبر ورود شاه مخلوع بخاك ایران باعث خوشوقتی و خوشحالی عالی نمایندگان قونسلخانهای روس در تمام ایران گردیده و نتوانستند احساسات و همدردیهای خود را با اتباع شاه پنهان نموده و خود داری کنند باینهم قانع نشده بلکه در ده دوازده موقع مختلف متفقاً اقدامات صریح قطعی نمودند که افواج و گماشتگان شاه مخلوع را که برای مغلوب نمودن دولت مشروطه سعی و کوشش می نموده امداد و معاونت نمایند محمد علی بهترین وسیلهٔ برای پیشرفت مسلك ظالمانهٔ صاحبمنصبان روس وجلب نمودن قدرت ومنافع مملکت بطرف ایشان بود مأمورین روس بخوبی ملتفت شده بودند که دولت مشروطه خصوصاً با بودن هیئت هشتاد نفرهٔ اعضاء منتخبه به آن درجه مطیع نخواهد بود که یکنفر سلطان مستبد را بتهدیدات خود رسانیده و اورا راضی و مطیع نمایند که خود را بایشان فروخته واز این راه بمقاصد دولت امپراطوری روس خدمت کرده باشد *

بیست و سوم ژولیه (بیست و ششم رجب ۱۳۲۹) دولت ایران نوتیسی (اطلاع متحد المآل) بتمام سفارتخانهای طهران فرستاده و از امضاء قانون نظامی شدن شهر به آنها اطلاع داد اکثر سفراء بطریق متعارفی جواب داده و توجه دولت را بطرف بعضی از مواد عهد نامهٔ ترکمان چای معطوف داشتند برخلاف سفارت روس که از اوّل با یك لهجه خشن بسیار مخالفانه بنای ضدّیت را گذارد از جمله چیزهائیکه ادّعا نمود این بود که

حق صریح خواهد داشت در هر موقع که بخواهد « رعایای غیر قانونی » خود را که در مراسله سفارت توضیح شده بود دستگیر نموده و ایشان‌را منع « از مداخله در انقلابات مملکت » که درشرف وقوع بود نماید غرض اصلی ادعای بین اظهار مزبور این بود که سفارت و قونسلخانهای روس درتمام ایران بهانهٔ بدست داشته باشند که مردمان جنگجوی معروف ایرانرا باحتمال اینکه مبادا بر خلاف محمد علی با دولت همراهی کنند باین بهانه که مشار الیهم طبقهٔ از رعایای روس میباشند متهم و دستگیر نمایند اگر تهدید مزبور راجع بدستگیر نمودن رعایای روس که « در آن وقایع مداخله و شرکت نموده بودند » طابق النعل در موقع اجراء گذارده میشد لازم بود که اوّل اکثر قونسلها و مستخدمین قونسلخانهای روس را چنانچه بعد ظاهر وآشکار شد دستگیر نمایند *

قونسل روس مقیم رشت ازین درجه هم پیشتر و تند تر رفته و صراحةً ارادهٔ خود را بدولت ایران اطلاع داد که دارد کسانیرا که گمان تبعیت روس در حق آنها میرود توقیف نموده تا بوقت فرصت یعنی تا بعد از اختتام آن شورش و انقلابات تحقیق نماید *

سی و یکم ژولیه (چهارم شعبان ۱۳۲۹) که هنوز محمد علی درست وارد خاك ایران نگردیده و اقداماتش برای مغلوب و مضمحل نمودن مملکت چندان پیشرفت نکرده بود دولتین روس و انگلیس مراسلهٔ ذیل را که راجع باقدامات جنگی شاه مخلوع بود فرداً فرد بدولت ایران ارسال داشتند مراسلهٔ سفارت انگلیس از قرار ذیل است :—

نظر باینکه شاه مخلوع بر خلاف مصلحت و رأیهائیکه مکرّر دولتین انگلیس و روس در اوقات متعدّده باو داده اند که از هرگونه اقداماتی که باعث شورش و انقلاب ایران شود اجتناب نماید اکنون بخاك ایران وارد شده دولت انگلیس (روس) اظهار میدارد که حق وظیفهٔ شاه مخلوع که مقدارش در صورت مجلس سابق معین‌شده بود ساقط شده است وچون مشار الیه وارد ایران گردیده دولت انگلیس (روس) نمی تواند در امور راجعهٔ باو مداخله نماید لهذا اظهار میدارد که دولت انگلیس (روس) در این مناقشه که بدبختانه برای ایران پیش آمده بیطرف بوده و بهیچ قسم مداخله نخواهد کرد عین همین مراسله هم از طرف سفارت روس فرستاده شد بواسطه غفلت مجرمانه یعنی (غفلت عمدی) یا اقلاً اغماض یکی از دولتین مشار الیهما که معاهدهٔ موثقی برای جلوگیری از پیش آمد چنین واقعه نموده بود دولت ایران دوچار جنگ خانگی گردید *

در موقعی که اظهار عدم مداخله مذکوره از طرف آن دو دولت پیش نهاد شد اگر حقیقةً آن بیطرفیرا مراعات مینمودند ایران میتوانست خود را از مشکلاتیکه باو مصادف شده به آسانی نجات دهد ولی صاحب منصبان و مأمورین روس چقدر خوب رعایت اقلاً اسم «بی طرفی» را در ایران نمودند از وضع سلوك و مداخلاتشان در وقایعی که ذیلاً نگاشته میشود میزان بیطرفی آنها بخوبی واضح و ثابت خواهد شد *

بیست و نهم ژولیه (دوم شعبان ۱۳۲۹) قونسل موقتی روس در اصفهان بمضمون بیطرفی کاملاً عمل نموده و مکتوب ذیل را بوزارت خارجهٔ ایران فرستاد :—

بر حسب اطلاعی که بقونسلخانه رسیده حکومت اصفهان میخواهد مجلسی از علماء و اعیان و معتبرین و تجار شهر منعقد نموده و مسودهٔ تلگرافی باسم نمایندگان دول اجنبیه ترتیب دهد که آنها یعنی ملت محمد علی را نخواسته و برخلاف ورود او پروتست نمایند قبلاً خواهشمند است که در مواقع مقتضیه رسماً به آنها اطلاع دهند که چون این معامله تعلق بایران و ایرانیان دارد زحمت دادن بسفارت و قونسلخانهای امپراطوری بی سود خواهد بود *

مجدداً مکتوب ذیل را بجهت خود ایشان فرستاد :—

شما نباید عبث در معاملهٔ محمد علی شاه بسفارت وقونسلخانهای امپراطوری روس زحمت دهید زیرا که مداخلهٔ در اینگونه امور حق نمایندهٔ خارجهٔ دولت ایران است ودولت ایران جلوگیری از پیش آمد اینوقایع نموده و مانع شود و بر اولیاء دولت لازم است که این گونه امور را تصفیه نمایند *

شخص رشیدالملك نامی که رعیت ایران وحاکم سابق ولایت اردبیل بود بسر کردگی افواج دولتی مأمور شده و خائنانه در مقابلهٔ با عدهٔ قلیلی از طایفه شاه سوند که همیشه حامی شاه مخلوع بودند فرار نموده و مقصر پلتیکی گردید دولتیان مشار الیه را دستگیر نموده و در تبریز حبس کردند بیست و هفتم ژولیه (سلخ رجب ۱۳۲۹) جنرال قونسل روس مقیم تبریز خواهش استخلاص او را از نایب الحکومه آنجا نمود (۱) وقتیکه مطلع

(۱) درجواب پروتست رسمی که دولت ایران راجع بمعاملهٔ مذکوره بسفارت روس نموده بود سفارت روس رسماً مسئولیت احکامی راکه بجنرال قونسل تبریز که «اقدامات لازمه را عمل نمائید» داده قبول و اعتراف نمود * احکام مزبوره راجع بمنع مجازاتی بود که نسبت برشید الملك تهدید شده بود *

شد که بموجب حکم دولت مشروطه رشید الملك محبوس شده سیصد نفر سالدات روسی را که تماماً کامل السلاح بودند بعمارت حکومتی فرستاد مستحفظین ایرانی را زده و خارج کرده و بنایب الحکومه توهین نموده و رشید الملك را خلاص کرده و بردند چندی بعد همین رشید الملك باتباع شجاع الدوله یاغی ملحق شده و شهر تبریز را تهدید نمود (۱) اقدامات جنرال قونسل روس دیده شد که چگونه اقداماتی بود که اگر آن اقدامات ما بین دو دولت مساوی واقع شده بود منجر بجنك فوری میشد سفارت روس بعذریکه برای برائت ذمه خود از دادن حکم مزبور توسل نمود این بود که «نمایندگان دولت روس فقط حمایتی از رشید الملك کرده بودند» وحال آنکه حقیقةً هیچ حکم مجازات قطعی درباره رشید الملك صادر نشده بود واگر هم میشد تفاوتی بحال آن ظلم قبیح نه نموده و باعث رفع آن نمیشد *

شواهد متعددهٔ دیگر برای اثبات مداخلات مخالفهٔ مأمورین دولت روس در معاملات ایران که دولت شاهنشاهی دوست آنها بود در دست است که اگر یکی از آنها میان دو دولت مساوی القوّه واقع شده بود باعث جنك میگردید (۲) دولت ایران در موقع وقوع هر اقدام و مداخله پروتست دیپلوماتی خود را مستقیماً بوزیر مختار روس در طهران و بتوسط سفراء خود به پطرسبرگ ولندن اظهار می نمود ولی دولت روس ابداً اعتنائی به پروتستهای مزبوره نکرده سهل است که در دفاتر دولتی هم آنها را ثبت و ضبط ننموده و هیچ یك از صاحب منصبان و مأمورین خود را هم برای ارتکاب قبایح مزبوره تنبیه و مجازات نکرد *

بعد از ظهر سی ام ژولیه (سوّم شعبان ۱۳۲۹) شخص محترم نظامی ایرانی درحالتیکه اندامش از طپانچهای چخماق سر خود وفشنك پوشیده و تقریباً سیصد عدد فشنك یا بیشتر

---

(۱) شجاع الدوله لقبی بود که رحیم خان (صمد خان) راهزن که ذکرش در مقدمه کتاب گذشت برای خود اختیار کرده بود * قشون و افواج روس در حوالی تبریز پیوسته مشار الیه را حمایت و محافظت مینمودند و او نیز با صاحب منصب روسی دوستانه و برادرانه سلوك می کرد دولت روس وجود مشار الیه را برای باقی داشتن سالداتهای خود در آذربایجان بهانه قرار داده بود *

(۲) شواهد دیگر در مراسلهٔ است که مصنف بروز نامه تمس لندن نوشته است رجوع بضمیمهٔ «ج» شود *

به حمایل و سینه و کمر و شانهای خود آویخته بود بکابینه برای ملاقات من آمد خیلی ظاهر رعب ناکی داشت بمن اظهار نمود که از طرف دولت مأمور است که وی اولین حمله را به شاه مخلوع بنماید لقبش سردار محیی وسابق ملقب به معز السلطان بود ودر آن پیش قدمی که در سنه ۱۹۰۹ از جانب افواج ملی بسر کردگی سپهدار بعمل آمد شریك بوده ومشار الیه را محارب و جنگجوی بسیار جری میدانستند شخص مزبور اندامی درشت و چکمهای زرد در پا داشت و متقبل شده بود که چند صد سوار داوطلب تشکیل داده و با خود ببرد که در شاهرود از ترکمانهای یاغی جلوگیری نماید ابتداءً برای خواستن بیست و شش هزار تومان برسم علی الحساب و برای مصارف ابتدائی اظهار نامهٔ که وزیر جنك آنرا امضاء کرده ارائه نموده و مبلغ مزبور از بابت صاحب منصبی نظامی و مواجب حکومت شهر استرآبادش بود (استرآباد محلی بود که هرگز احتمال رسیدن سردار محیی به آنجا نمیرفت) و نیز برای بعضی مخارج متفرقهٔ که خود مشار الیه اختیار و اقتدار در تعیین آن مصارف داشت سابقاً هم مبلغ شش هزار تومان از طرف دولت بهمین شخص از بابت مواجب پیشگی حکومت کرمان رسیده و هیچگاه به آن سمت نرفته بود بعد از مراسلات بسیار تند با کابینه مبلغ مزبور را بمشار الیه پرداختم ولی زود مطلع شدم که مطالبه وجه مزبور اوّلین سلسله از حملاتی بود که از جانب کابینه بخزانه عامه کرده شده وتا پنج ماه بعد که از طهران خارج شدم آن سلسله جاری بود کمتر کسی بود که بهانهٔ برای گرفتن پول داشته و تصویب کابینه یا وزارت جنگرا در دست نداشته وادّعای خود را بخزانه اظهار ننماید آن سلسله ودر حقیقت رودخانهٔ مطالبات متوالیاً جاری بوده و هیچگاه منقطع ومسدود نمیگردید باید گفت که آن سعیهای کابینه في الواقع سخاوت وبخششی بدوستان خود بود منتها ملون بلون شکست دادن شاه مخلوع *

در اینموقع بود که طوائف بختیاری بهمراهی خوانین خود از طرف جنوب بنای ورود بطهران گذارده واکثر آنها قسمی بیجا و بیموقع والحق والانصاف خطر ناك و بیعوض مطالبه می نمودند که چندین مرتبه در ماههای بعد به تهدید مجبور شدم که در صورتیکه کابینه آنگونه خیالات غارتگری خزانه را امضاء نماید استعفاء خواهم نمود حتی حکیم الملك هم که در آنوقت وزیر مالیه بود اظهار شرمندگی ونفرت از افعال سرداران بختیاری نموده و گفت «اگر کابینه حمایت آنها را جاری بدارد من نیز مستعفی خواهم شد» اوّل دستهٔ بختیاری که بطهران رسید در تحت سر کردگی معین همایون یکی از خوانین

جوان بختیاری بود که بعدها وطن پرستی حقیقی اظهار و شجاعت بسیار در جنگها نمود *

قریب سوّم اوت (هفتم شعبان ۱۳۲۹) بود که شاهزاده سالار الدوله بشهر کرمانشاه که واقع در جهة غربی ایران است رسید بعد از آنکه تجار را از دادن مالیات (گمرك) منع نمود فوراً مبلغ پنجاه هزار تومان بعنوان قرض از ایشان خواست ومثل آن خواهش را نیز از شعبه بانك شاهنشاهی آنجا نمود ولی ایشان انکار کردند *

در این موقع کابینه بمسئولیت صمصام السلطنه که رئیس الوزراء بود بواسطهٔ اینکه از غارتگری و چپاول رسانه خزانه که از طرف ایشان جاری بود پروتست نموده بود بنای اظهار مخالفت را با من گذارد رئیس الوزراء از وعدهائیکه دربارهٔ مساعدت در تشکیل ژاندارمری خزانه نموده از قبیل دادن اجازه برای تعیین محل سرباز خانه و لوازم دیگر که در تصرّف وزیر جنك بود تخلف و انکار ورزید *

در آنزمان افواج دولتی مشتمل بود بر عدّهٔ غیر معینی از بختیاری غیر منظم که در اصفهان و راه طهران و در خود پایتخت بودند وهزار و دویست نفر پلیس و پانصد نفر ژاندارام درخود پایتخت و پانصد نفر ژاندارام دیگر هم در قزوین در تحت فرمان یکی از « لفتنت » (وکیل) های یفرم و بقدر دویست نفر هم داوطلب یا برحسب مشهور مجاهد ارمنی بودند *

هشتم اوت (دوازدهم شعبان ۱۳۲۹) خبر رسید که ارشد الدّوله دستهٔ از افواج دولتیرا در دامغان که در شمال شرقی طهران واقع است شکست داده و عدّهٔ از افواج دولتی هم درآنموقع از اردوی خود فرار نموده و باتباع شاه مخلوع ملحق شدند زمانیکه سپهدار وزیر جنك بود آن دستهٔ از افواج را با دو توپ به آن محل مأمور کرده بود توپهای مزبوره هم با قورخانه و لوازم غنیمت قشون شاه مخلوع شده و بدست آنها افتاد عقیدهٔ بسیاری از مردم این بود که این واقعه ناگوار نتیجه پیش بینی و اقدامات سپهدار بوده است و درآن موقع خیانت ومخالفت مشارالیه بادولت مشروطه نزد عموم مسلم گردید

در اثناء ماه اوت عدّهٔ از دستههای افواج ملی برای مقابله و جلوگیری از شاه مخلوع بشمال ایران (طهران) فرستاده شد اوّلین غلبه و فتح نمایانیکه افواج دولتی کردند در فیروز کوه که در بین سلسلهٔ کوههای شمال شرقی طهران واقع است بود در تنگه بسیار تنگی آن سردار جوان بختیاری یعنی معین همایون رشید السلطانرا شکست داده و او را دستگیر نمود شصت نفر از اتباع رشید السلطان در آنجنك مقتول گردید *

در شب پانزدهم اوت (نوزدهم شعبان ۱۳۲۹) هشتصد نفر سوار های اتباع شاهزادهٔ سالار الدوله شهر همدان را تصرف نموده و از طرف افواج دولتی مقیم آنجا هیچ مدافعهٔ بعمل نیامد *

نقل و حرکت و محل توقف شاه مخلوع امر مجهول غیر معین بود افواهاً شهرت داشت بعد از آنیکه شنید قیمت سر او صد هزار تومان معین شده مضطربانه فوراً بهمان کشتی که از زمان ورودش در کناره لنگر انداخته بود پناهنده شد دراین موقع یفرم خان دسته های کوچکی را از ملتیان انتخاب کرده و برای محافظت طرق تنگه هائیکه بطهران منتهی میشد مأمور نمود و خیال داشت که یکعده قشونی هم از طرف پشت سر افواج محمد علی بفرستد که راه اتصال آنها را بدریا قطع نماید و خود یفرم نظر به اهمیت و حالت نازك طهران مصمم شده بود که در همان جا بماند و بمقابلهٔ قسمت عمده افواج شاه مخلوع نرود تا اینکه خود آنها بفاصله نزدیکی بپای تخت برسند *

یازدهم اوت (پانزدهم شعبان ۱۳۲۹) بدعوت « دنر » در قلهك مدعو بودم که کرنل اچ آر بدوز (Colonel H. R. Beddoes.) نمایندهٔ کمپانی سلیمن و برادران لندن آن مهمانی را داده بود دعوت شدگان دیگر سر جارج بارکلی وزیر مختار انگلیس و همقطار روسیش مسیو پاکلیوسکی کزیل و مستر مور وقایع نگار روزنامهٔ تمس لندن بودند در آنمجلس از حالت حاضرهٔ آن وقت ایران گفتگو بمیان آمد وزیر مختار روس نتوانست عقیدهٔ خود را در بارهٔ شاه مخلوع پنهان نموده و از روی بی پروائی گفت شاه عنقریبیست که مظفر و منصور طهران را فتح خواهد نمود مسئله استخدام ماژور استوکس نیز مفصلاً مورد بحث و گفتگو گردید بعد از شام چند دست گنجیفه بازی نمودیم « شانس » (خوش نصیبی) من دران بازی و لیاقت امریکائیها در نظم امور مالیه بوزیر مختار روس اثر آشکار غریبی نمود *

در شب مزبور با وزیر مختار روس از آن محل بیرون آمده و باهم قدری بر پشت بام راه رفتیم مسیو پاکلیوسکی کزیل شخص بسیار خوش معاشرت و خوش صحبتی بود مکرر بطرف بی قابلیتی دولت مشروطه ایران اشاره نمود بغتةً و بیمقدمه سئوال نمود که آیا میل دارید وقتی که محمد علی دارای اقتدار شود در تحت سلطنت او خزانه دار کل چنانچه اکنون هستید یا وزیر مقتدری بشوید ؟ و بمن اطمینان داد که اگر به آن امر راضی شوم حمایت کلی دولت روس را بطرف خود جلب نموده و بمعاوضه و صلهٔ مناسبی

نائل خواهم شد چیزی که برای من در اظهار قبول آن خواهش لازم بود این بود که ساکت نشسته و مداخله در امور ننمایم تا وقتیکه تغییرات مزبوره واقع شود اگرچه اظهار مزبور را بکلمات بسیار با نزاکتی بیان نمود ولی در معنی و مفهومش هیچ جای تردید و شبهه نبود من یقین دارم که وزیر مختار آن رأی را بسیار مناسب و بجا تصور کرده و از آن اظهار هم قصد توهینی نداشت اگر آن بیاناترا از تزیینات عبارت و شاخ و برگ دیپلوماسی عاری کنیم این میشد که معاونت در رأی دادن بدولت موجوده ایران را ترک نموده و بگذارم که مشار الیه در مفلوك و مفلوج کردن دولت ایران مبادرت نماید و من در تحت تسلط جانور ظالم سبعی که عبد و عبید کابینهٔ پطرسبرگ بود مستخدم شوم بوزیر مختار گفتم که من متقبل شده و عهد نموده ام که بمیزان لیاقت و استطاعت خود بدولت ایران به بهترین قسمی خدمت نمایم نتیجه آن هرچه میخواهد بشود ولی میل ماندن در تحت اقتدار و نفوذ محمد علی را ندارم *

این امر بخوبی مرکوز ذهن من شده است که دیپلوماتهای روس در طهران و وینه بملاحظهٔ اینکه نمایندهٔ دولتی بوده اند که وزارت خارجهٔ انگلستان دربارهٔ آن دولت رسماً اظهار داشته بود که ایشان نه اطلاع از نقص « پروتکال » (صورت مجلس) و قرار داد سپتامبر (۱۹۰۹) دارند و نه شرکتی باین جهت اظهار میل و اشتیاق تام فوق العاده در کامیابی شاه مخلوع داشتند *

پانزدهم اوت (نوزدهم شعبان ۱۳۲۹) نایب السلطنه در صحبت طولانی خود تصویر اسفناکی از حالات حاضره ایران کشیده و بهرحال از طریقه نظارت و نگرانی که در امور مالیه دولت ایران بعمل آمده اظهار اطمینان نمود و بیان کرد که هروقت کسی مصمم شد عایدات مالیاتی ایران را در تحت نظارت مؤثری نگاه دارد شکایتها بود که از هر طرف بلند می شد *

سه نفر از صاحب منصبان سویدی که مستخدم دولت شده بودند وارد پایتخت شده که خدمات خودرا راجع بمشاقی ژاندارمری در تحت اوامر وزارت داخله انجام دهند*

بعد از مذاکرات و مباحثات بسیاری که بین من و کابینه واقع شد قرار بر این شد که مواجب افواجی که موسوم بمرکزی بودند مستقیماً از خزانه داده شود نه بتوسط وزارت جنگ نتیجهٔ قرار داد مزبور این شد که با کمال « اکونومی » (صرفه جوئی) مواجب آنها پرداخته شد یعنی بدون اینکه دیناری تفریط شده یا حقوق کسی لا وصول بماند *

بیستم اوت (بیست و چهارم شعبان ۱۳۲۹) شهرت یافت که شاهزادهٔ سالار الدوله با ده هزار قشون در همدان توقف نموده و تهیهٔ حرکت بطهران را می بینند در آن وقت تمام افواج دولتی چه در خود پای تخت و چه در اطراف بیشتر از سه هزار نفر نبودند این شهرت باعث هیجان دیگری علاوه بر سابق شد *

سه شنبهٔ بیست و دوّم اوت (بیست و ششم شعبان ۱۳۲۹) جشن میلاد سال چهاردهم سنّ شاه جوان بود و برعایت احترام آن جشن سلام بزرگی در عمارت ییلاقی خارج طهران منعقد شد من خود نتوانستم در آن سلام حاضر شوم لکن معاون بزرگم مستر کرنز در آنجا رفته بود و یکدانه دندان « نروال » (کرگدن دریائی) که آدمیرال پری (Admiral peary) از سفر سابق خود از قطب آورده و بر آن اسم منکشف معروف نقش شده بود تقدیم نمود آن دندان « نروال » (Narwhal) بتوسط شارژ دافر ایران مقیم واشنگتون به مستر کرنز سپرده شده بود که آن یادگار قیمتی را به شاه تقدیم نماید *

سلطان احمد شاه تا آن زمان هنوز مستر کرنز را ندیده بود بواسطهٔ سهو مترجمین شاه تا مدتی در این اشتباه باقی بود که خود مستر کرنز منکشف معروف می باشد و آمده است که آن دندان را شخصاً تقدیم نماید آخر الامر توضیحات صحیحی داده شد که مستر کرنز را آسوده نمود *

در این موسم زندگانی و تعیش در طهران آرام و راحت نبوده چرا که هوا خشک و بی درجه حرارتش زیاد بود چیزی که بسیار زحمت میداد آن گرد و غبار های غلیظی بود که از صبح زود که عبور و مرور در کوچها و راهها شروع میشد تا دیری از شب فرو نمی نشست از حسن اتفاقات در پارک اتابک مثل سایر عمارات بزرگ ایران اطاقهای زیر زمینی داشت که تالی حجرات فوقانی بود هوای آن منازل حتی در گرمترین اوقات روز خنک بود من دفتر شخصی خود را در آنجا قرار داده بودم در تمام مدت تابستان یعنی از وسط ماه ژون تا آخر سپتامبر جمیع سفارت خانهای خارجه واغلب اروپائیهای سکنهٔ طهران و بسیاری از متمولین ایرانی از شهر خارج شده و به امکنهٔ ییلاقی مختلفه خود که هشت میل یا بیشتر از شهر دور و در دامنهٔ کوه واقع است میروند ولی چون در همان اوقات تازه شروع به نظم و ترتیب امور خزانه نموده بودم لازم دانستم که در شهر که ادارات دولتی نیز در آنجا بود توقف نمایم *

در اوآخر ماه اوت مطالبات پول از طرف سرداران بختیاری در طهران بحدّی سخت شد که مجبور شدم تا وقتیکه خدمت معین نظامی از آنها بوقوع وظهور نرسد از قبول درخواستهائیکه در بارهٔ حقوق آنها داده شده بود انکار و نکول نمایم بختیاری‌ها تصور نموده بودند که بواسطهٔ بیکارگی تمام افراج نظامی دولت در تنگنای مشکلات گیر کرده است و ظاهراً اراده داشتند که از موقع حاضر فائده وانتفاع کلی ببرند وضع پول دوستی آنها بحدی آشکار بود که هیجان و احساسات سختی در طهران بر خلاف ایشان بروز نمود *

در اثناء ملاقاتیکه سفرای روس و انگلیس از من نموده بودند صحبت از استقراض چهار ملیون لیره بمیان آمد که از چندی قبل با نمایندگان کمپانی سلیمن و برادران لندن مشغول مذاکره و ترتیب آن بودم *

بعد از آن سر جارج بارکلی عدم اطمینانی که از اغتشاش راههای تجارتی جنوب بدولت انگلیس عارض شده اظهار نمود و سئوال کرد آیا ممکنست اقدامی برای تأمین طرق مزبوره نمود؟ من برای مشارالیه توضیح کردم که جلب ایل بختیاری از آن صفحات وطلبیدن نشان بطهران برای شرکت در محافظت دولت مشروطه بر خلاف حمله های شاه مخلوع بی شبهه قطعات بسیاری از آن راهها را غیر مأمون گردانیده است و در چنین موقعی دولت ایران حقیقةً هرگز مسئول این اتفاقات نخواهد بود ! بعد از آن سر جارج بارکلی رأی داد که خوبست ترتیب قراسوران و مستحفظین آن راه ها را خود شما بعهده بگیرید یا اقلاً عدّهٔ کافی از ژاندارمری خزانه که تازه تشکیل یافته است برای عود نظم در خطوط مزبوره بگمارید و گفت که اگر بتوانم بدولت متبوعهٔ خود تلگراف بنمایم که شما راضی میباشید که این کار را بعهده خود بگیرید و وزارت خارجه انگلستان هم از این پریشانی آسوده خواهد شد زیرا که متوالیاً در مجلس وکلاء عمومی از عدم مواظبت کافی در فوائد تجارتی انگلیس در آن قسمت از ایران سئوالات و حمله های سخت میشد من جواب دادم که اگر دولت انگلیس کمک کافی در تشکیل فوری ژاندارم خزانه نماید راضی خواهم بود که با تصویب کابینه ایران مسئولیت این امر را بعهده خود بگیرم ولی جزء اعظم تشکیل ژاندارمری خدمات ماژور استوکس میباشد و تا وقتیکه خزانه از خدمات قیمتی ماژور موصوف محروم باشد معلوم نیست که چگونه ممکنست کار دیگر مشکلتر برا بذمه خود بگیرم خصوصاً کاریکه دولت انگلیس خواهش تکمیل آنرا داشته باشد

در بین صحبت باین امر دور از انصاف اشاره نمودم یعنی بوضع سلوك دولت انگلیس در انکار و تخلف از وعدهٔ خود راجع باستخدام ماژور استوکس و اتحاد و شرکت علنی با مقاصد روسها حتی در مداخله در حقوق بسیار جزئی سلطنت شاهنشاهی ایران بطور مزاح با تبسم گفتم نظر باینکه سلوك دولتین تا ایندرجه بر خلاف ترقی ایرانست اگر بعضی امتیازات بدولت آلمان که از چندی قبل ساعی بوده که در قسمت غربی ایران راهی یابد داده شود شاید مناسب باشد وزیر مختار انگلیس بقسمی از این شوخی مرعوب شد که من فوراً حرف خود را تغییر داده و مذاکره مذکوره را مسکوت عنه گذاردم *

در این زمان یکدسته بختیاری در تحت ریاست امیر مفخم در حدود همدان ساخلو بوده که از پیشقدمی اتباع سالار الدوله جلوگیری نمایند (۱) بختیاریهای مزبور مواجب خود را گرفته بودند ولی سرداران آنها خصوصاً سردار جنك که یکی از برادران صمصام السلطنه بود در طهران درخواست و اصرار زیادی نمود که مبلغ دیگری موازی شصت هزار تومان بایشان داده شود قبل از آنیکه امیر مفخم و سوارانش مأمور برفتن بمیدان جنك بشوند خیال این نقب زدن بخزانهٔ دولت و رشکستهٔ ایران چنان بی پرده بود که مجبور شدم خیال مزبور را باداره روزنامهٔ داخلی اطلاع بدهم آن خبر بزودی در طهران شهرت یافته و سرداران بختیاری را مضطرب و پریشان نمود *

بیست و هشتم اوت (سوم رمضان ۱۳۲۹) ترکمانانی که در تحت حکم ارشد الدوله بودند هنگامی که بطرف طهران پیش می آمدند در نزدیکی قصبهٔ ایوان کیف با دستهٔ مختصری از افواج غیر منظم دولتی مصادف شده و آنها را شکست دادند قصبهٔ مزبوره پنجاه و شش میل از پای تخت فاصله دارد فوراً کمك مختصر دیگر در تحت ریاست امیر مجاهد برادر کوچك صمصام السلطنه فرستاده شد *

چهارم سپتامبر (دهم رمضان) خبر رسید که ارشدالدوله نزدیك قریهٔ امامزاده جعفر که بفاصله چهل میل طرف جنوب شرقی طهران واقع است رسیده فوراً بفرم سیصد و

---

(۱) صداقت و درستکاری امیر مفخم امر بسیار مشکوکی بود دو سال قبل در سنه ۱۹۰۹ م بر خلاف میین طرفدار شاه مخلوع بود چندی بعد از حرکات جبونانه اش در جنگی که بین قسمتی از اتباع سالار الدوله و بختیاریهای ابواب جمعی مشار الیه واقع شد بدگمانی مردم نسبت باغراض حقیقی او بیقین پیوست آن دسته سواران دولتی بدون اینکه مدافعه از خصم کنند شکست خورده و فرار نمودند*

بنجاه سوار انتخاب نموده باتفاق ماژور هاز مشاق آلمانی توپخانه با یك عراده توپ ماکزیم و سه عراده توپ شنایدر سریع الاطلاق از طهران حرکت کرد شهرت نمود سواران بختیاری که در تحت فرمان امیر مجاهد بوده شکست خورده اند مستر مور وقایع نگار روزنامهٔ تمس لندن و مستر مولونی (m. moloney) مخبر ادارهٔ رویتر با مستر مریل (m. morrill) معاون امریکائی من که چندی قبل وارد طهران شده و در فوج ژاندارمری خزانه مستخدم بود بمیدان جنك روانه شدند باین خیال که بافواج دولتی ملحق شده و آن جنك را علانیةً مشاهده نمایند *

سه شنبه پنجم سپتامبر (یازدهم رمضان ۱۳۲۹) ساعت یازده صبح (یك ساعت قبل از ظهر) افواج ملی در تحت حکم یفرم به اتباع شاه مخلوع که در تحت فرمان ارشدالدوله بودند حمله کردند اتباع ارشدالدوله مشتمل بر دو هزار نفر ترکمان و عدهٔ از اهالی ایران که هزار و چهار صد نفر آنها سواره و افواج دولتی مشتمل بر پانصد نفر سوار بختیاری و صد و هشتاد نفر از داوطلبان ارمنی و عدهٔ قلیل ژاندارم بانضمام سه عراده توپ شنایدر و یك دستگاه توپ ماکزیم سوارهای بختیاری در تحت حکم صریح سردار بهادر و سردار محتشم بودند و سایر افواج دولتی در تحت فرمان امیر مجاهد و در دو میلی امامزاده جعفر با ارشد الدوله مقابل شدند آنها مرکب از چهار صد نفر بختیاری و عدهٔ قلیلی ژاندارم بودند ساعت یك قبل از ظهر ارشدالدوله از تپهٔ که بقدر نیم میل مربع فضای آن بود بالا رفته و آنجا را سنگر قرار داد و با چهار توپ خود از خصم مدافعه می‌نمود سیصد نفر ترکمانها را به یکی از دهات ورامین فرستاد که اهالی را مضطرب نمایند وقتیکه افواج دولتی در تحت حکم یفرم آن روز صبح بحوالی محل مزبور رسیدند صدای شلیك توپ و تفنك شنیده میشد که بین افواج امیر مجاهد و ترکمانها ردّ بدل میگردید *

یفرم ماژور هاز و سردار بهادر و سوارهای ایواب جمعی مشار الیه را با توپ ماکزیم بمحل مرتفعی سمت یمین افواج ارشدالدوله فرستاد ایشان از راه مخفی و پناهگاهی که بنظر نمی آمدند به آنمحل مرتفع رفته و فوراً با توپ ماکزیم شروع به آتش فشانی به ترکمانان نمودند مطابق تقریر خود ارشدالدوله در موقع استنطاق (بعد از آنیکه دستگیر شد) غرش توپ ماکزیم ترکمانها را مرعوب ساخته و زهرهٔ خود را باختند سرکردگان آنها هرقدر سعی کردند که آنان را منظم نگاهداشته و از فرار شان مانع شوند نتوانستند وقتیکه سوارهٔ بختیاری در تحت سرکردگی سردار بهادر بر ایشان حمله نموده و آنها را درهم

شکستند ترکانان با کمال خوف و دهشت فرار را بر قرار اختیار نموده و پای ارشدالدوله زخم برداشته و نتوانست فرار نماید دسته از بختیاریها مشارالیه را دستگیر نمودند *

از ترکانان بین شصت و هفتاد نفر مقتول و سیصد یا چهار صد نفر مجروح و دستگیر شدند باقی آنها از طرف جنوب بسرعت هرچه تمامتر فراراً داخل جادهٔ مشهد شده که از آن راه بحدود و سامان خود که در سرحد شمال شرقی ایران واقعست مراجعت نمایند جنگ مزبور ساعت یك بعد از ظهر روز سه شنبه ختم شد بختیاریها تعاقبی از خصم ننموده زیرا که اسبهای آنها بواسطهٔ مسافرت طولانی شب گذشته و صبح آن روز خسته بودند *

در نیمهٔ شب بعد ارشدالدوله را بار دوگاه در پرده و چادر خود یفرم بردند سرداران ملی با کمال حسن خلق و خوش سلوکی بالورفتار کرده و زخم مشارالیه را شسته و مرهم نهاده و او را آرام و راحت نموده خوراك و آشامیدنی و سیگارت نیز برای او حاضر کردند ارشدالدوله در وسط دائرهٔ که مرکب بود از یفرم و ماژور هاز و سرداران بختیاری و مستر مور و مستر مولونی و مستر مریل تکیهٔ داده بود *

از حرکات شاه در وینه و اقدامات بعد از بیرون آمدنش سئوال نمودند جواب داد که با محمد علی میرزا دو مرتبه سفیر وینهٔ روس را ملاقات نمودیم سفیر بشاه گفت که « نه دولت روس میتواند در این کشمکش داخلی شرکت و مداخله نموده و شما را امداد دهد و نه دولت انگلیس یعنی در ورود شاه بایران برای استرداد سلطنت لکن اگر شما خود تان بتوانید این کار را انجام دهید راه صاف و بی مانع است » ارشدالدوله گفت که محمد علی قشون و اسلحه و پول از سفیر مزبور خواست ولی سفیر جواب داد ممکن نیست! بهر حال سفیر روس قدری اطمینان بما داد که توانستیم سه عراده توپ اطریشی که در صندوقها بسته بودیم همراه خود از وینه بباد کوبه آورده و از مملکت روسیه بدون هیچ اشکال و ممانعتی عبور دهیم برای تذکره و اسبابهای ما پرسش و دقتی بعمل نیامد وقتی که سئوال نمودند که چگونه آن صندوقهای وزین و قورخانه را از روسیه عبور دادید که حقیقت امر مکشوف نشد ؟ جواب داد که بر آن صندوقها آب معدنی نوشته بود ! محمد علی هم با تذکره جعلی و ساختگی سفر میکرد در آن تذکره اسم او خلیل نام تاجر بغدادی نوشته شده بود *

ارشدالدوله مقداری قورخانه و جبه خانه همراه داشت و نوکر های او همه مسلح

بودند به تفنك های کاربین (.Carbines) (لوله کوتاه) اطریشی برای سوار و یك صندوقی همراه داشت که مبلغ بسیاری مسکوك ایران در آن بود *

در بین گفتگوی با سرداران خواهش و التماس زیادی بر ایجان خود کرد که از کشتنش صرف نظر نمایند لکن با عبارات مختصر و بالحاح تمام خواهش نمود که مجلس را ختم کرده و بگذارند آرام کند سرداران باو اطمینان دادند که امشب را میتوانی به آرامی و راحت تمام خوابیده و برای فردا مهیا باشی *

صبح زود روز بعد بیست نفر ژاندارم مأمور شدند که ارشدالدوله را در حالتیکه دستهایش باز بود نزدیك دیواری برده و بر او شلیك کنند بعد از شلیك برو افتاده و دستهای خود را بلند نموده و حرکتی داد ولی بعد از امتحان معلوم شد که هنوز زنده است و فقط یك گلوله باو خورده چند دقیقه اورا بهمان حال گذارده و ژاندارم ها را امر بباز گشت نموده و بعد از آن دستهٔ از داوطلبان ارمنی را حکم به پیش رفتن دادند زیرا که ژاندارمها تیر اندازی بسیار بد مشکوکی امتحان دادند دراز گوشیرا که اتفاقاً ما بین ارشدالدوله و دیوار آمده بود از آنجا راندند در این حال ارشد الدوله بزانو بلند شده و به فارسی بصدای بلند گفت « زنده باد محمد علی شاه » وقتیکه شلیك دوم را کردند چند گلوله باو خورده و فورا افتاد و مرد *

در هنگام گلوله ریزی بارشدالدوله نه یفرم در آنجا بوده و نه سرداران بختیاری ولی مستر مور و مستر مولونی و مستر مریل حاضر بودند *

ارشدالدوله بدون اظهار خوف و بدون هیچ آثار ندامت و انفعالی از افعال خود که بر خلاف دولت اقدام کرده بود جان داد قبل از کشته شدن خواهش کرد که نعشش را در طهران پیش عیالش فرستاده و « لاکت » (.Locket) (مدال بیضوی شکل کوچکی که از طلا ساخته و تصویر کوچك ویا چیز یادگاری در ان میگذارند) با زنجیر طلا که در گردن داشت با نعشش دفن نمایند ششم سپتامبر (دوازدهم رمضان ۱۳۲۹) اورا بطهران آورده و روز دیگرش در میدان توپخانه برای معاینهٔ عمومی نمایش دادند نعش اورا جلو عرّابهٔ متعارفی وا داشته و جمیعت کثیری از مردم آن منظره را مشاهده نمودند مقصود از آن کار غیر عادی لزوم این مسئله بود که دولت خواست بمردم واضح و ثابت شود که ان جنرال مشهور واقعاً کشته شده و ترکمانها شکست خورده اند روز بعد یفرم گفت سبب قتل فوری ارشدالدوله در میدان جنگ این بود که اگر اورا زنده

بطهران می آورند بی شبهه سفارت روس بهانهٔ برای استخلاصش فراهم می نمود *

روی هم رفته فتح مزبور ملیین آخرین لطمه و ضربتی بود که بامیدواریهای شاه مخلوع در گرفتن طهران وارد آمد ارشدالدوله ازجری و ماهرترین جنرالهای شاه مخلوع بشمار می آمد و به تردستی و چالاکی عجیب مشهورانهٔ خود را بچهل میلی پای تخت رسانید اگر قشون بعزم مانع از پیش آمدن مشارالیه نشده و او را شکست نداده بود بی شبهه بدون هیچ مدافعهٔ موثری طهران بتصرف او در آمده و برای غارت و یغما بترکمانان سپرده می شد تصوّر نتیجهٔ بیجان شدن هزارها مردم وحشی در شهر و چپاول خودسرانه و غارت دل بخواه امر بسیار مشکل و هولناکی بود چهار عراده توپ و عدهٔ بسیاری تفنك و یغل که غنیمت افواج ملی شده بود با عدهٔ کثیری از ترکمانان اسیر شده را که غالب آنها پیر و با ریشهای سفید بودند در چند روز بعد وارد طهران نمودند قسمت عمدهٔ ترکمانها که از جادهٔ خراسان (سر تاخت) مجیلاً فرار نموده همچو گمان میکردند که سوارهای بختیاری ایشان را تعاقب خواهند نمود یا اینکه یك نفر سوار هم عقب آنها نرفت طوری پیشا پیش فرار نمودند که تعداد زیادی اسبهای آنها از خستگی بیکار شده و سقط گردید تلگرافخانهای کوچك بسیاری درارض آن راه متعلق بشعبهٔ مشهد کمپنی هند واروپا واقع است رئیس تلگرافخانه انگلیس طهران که رئیس کل شعبهای مزبوره بود بمجرد اینکه از شکست ترکمانان مطلع شد فوراً بتمام تلگرافچیان بین راه تلگرافاً دستورالعمل داده و سفارش نمود که در هرجا بترکمانها اطلاع دهند که «بختیاریها در پی ایشان میباشند» نتیجه آن تدبیر این شد که یاغیان بسرعت تمام گریختند و نتوانستند اهالی دهات و قراء کوچك بین راه را غارت نمایند چنانکه سابقاً غارت کرده و باور حتم بازهم غارت میکردند *

در آن موقع خبر رسید که شجاع الدوله با استعداد زیادی از شاه سوندها شهر تبریز را تهدید شدیدی می نماید بهرحال بعد از شکست ارشدالدوله بقیة السیف قشونی که شاه مخلوع و همراهانش امیدواریهای پلتیکی به آنها داشتند فقط افواج برادرش شاهزادهٔ سالارالدوله در حدود همدان بودند *

—«باب پنجم»—

اقدامات نظامی و لشکری برای جلوگیری و دفع شاهزاده سالارالدوله شکست خوردن مشارالیه از قشون دولتی نتائجی که از ضبط نمودن دولت املاک شعاع السلطنه را بعمل آمد سواد مراسلهٔ خود که به تمس لندن نوشته بودم *

در اوائل سپتامبر افواج دولتی که در تحت حکم امیر مفخم سردار بختیاری بودند در حدود قصبهٔ ملایر از اتباع شاهزادهٔ سالارالدوله شکست خورده و از بختیاری ها دو بیست نفر اسیر و مقتول بشمار آمد و نیز مقداری تفنگ و فشنگ و توپ بغارت رفت سردار غدار شان اظهار نمود که مبلغ پانزده هزار تومانی که چند روز قبل از شعبهٔ بانك شاهنشاهی همدان گرفته بود نیز بغارت رفته است یك جنرال دیگر دولتی که معروف بامیر نظام بود چند عرادهٔ توپ بزرگی که دولت برای محافظت همدان بمشارالیه سپرده بود بطریق بسیار مشکوکی بسالارالدوله تسلیم نمود *

یازدهم سپتامبر (هفدهم رمضان ۱۳۲۹) نیز جنگ دیگری مابین افواج دولتی در تحت ریاست معین همایون و اتباع و همراهان شاه مخلوع و برادرش شعاع السلطنه در سوادکوه واقع گردید عساکر شاه مخلوع بکلی شکست خورده و آن دو برادر باشکال تمام در تاریکی مه غلیظی فرار نمودند در آن موقع شهرت یافت که شاه با هفت نفر از همراهانش بقمش تپه فرار نموده است *

هجدهم سپتامبر (بیست و چهارم رمضان) سالارالدوله بسمت طهران حرکت نمود در صورتیکه علی الظاهر هیچ گونه ممانعت و جلوگیری از طرف افواج دولتی بعمل نیامد در اعلانیکه بملت نموده بود خودرا شاه خوانده و از محلی هم بهیئت وزراء و مجلس تلگراف نموده و ایشانرا به « مجلس من و وزراء من » خطاب کرده بود بیست و هفتم سپتامبر (سوم شوال ۱۳۲۹) پس از آنکه یفرم و توپخانه اش با سواران داو طلب به بختیاریها ملحق شده و باتمام قوای سالارالدوله مصادف گردید در ده کوچکی معروف به باغ شاه که مابین شهر قم و قصبهٔ نوبران در نود میلی طرف جنوب شرقی طهران واقعست عساکر یاغی را شکست دادند از سرداران بختیاری سردار بهادر و سردار محتشم و سردار جنگ همراه یفرم خان بودند عساکر سالارالدوله کلاً شش هزار نفر بوده پانصد

نفر از ایشان مقتول و مجروح و دویست نفر دستگیر شدند در صورتیکه عدد افواج دولتی در هر صورت کمتر از دو هزار نفر و عدهٔ تلفاتشان حیرت انگیزانه فقط دو نفر مقتول و شش نفر مجروح بشمار آمد شش عرّادهٔ توپ و مقدار زیادی فشنک و جبه خانه بتصرف لشکر ملی آمد و شاهزادهٔ سالار الدوله بسرعت هر چه تمامتر پشت بمیدان جنك نموده و بطرف جنوب غربی فرار کرد و آرزوی طهران و سلطنت از سرش فوراً محو و نابود گردید اگر افواج ملی مشار الیه را فوراً تعاقب نموده بودند بدون شك دستگیر شده بود زیرا که در محلی بیشتر از چند میل با عساکر ملی فاصله داشت *

بهر حال در اوائل اکتوبر ملتیان در دو جنك فاتح و مظفر گردیدند نتیجه این شد که شاه و برادرانش فرار نموده و عساکر و عناصر شان از هم پاشیده و متفرق گردید *

افتخار دو فتح مزبور بواسطهٔ قدرت و جرأت و اقدامات مدبرانهٔ یفرم خان حاصل گشت مشار الیه پس از مراجعت بطهران مورد اعطاء یك شمشیر مرصع و بکماندانی افواج شمالی و ماهی سیصد تومان مواجب از طرف مجلس مفتخر گشت *

چند دستهٔ کوچك از پیروان شاه مخلوع هنوز در حدود استرآباد باقی بودند که قریب هشتم اکتوبر (چهاردهم شوال) معین همایون با پانصد نفر سوار بمقابله و مدافعه ایشان بدان صوب رهسپار گردید *

نائب حسین دزد معروف در حوالی شهر کاشان که در نقطهٔ جنوبی طهران بین قم و اصفهان واقع است دو باره بنای مخالفت و سر کشیرا گذارده و اسباب زحمت دولت گردید دولت بر حسب رأی من دویست و پنجاه نفر از بریگاد قزاق با چند صاحبمنصب روسی برای جلوگیری مشار الیه گسیل داشت که بسیصد نفر سواران بختیاری که از سمت اصفهان می آمدند ملحق شده و متفقاً با او مقابله کنند ولی بدون اینکه قزاقها اقدامی نمایند که از آن نتیجه صحیح عملی حاصل شود بطهران مراجعت نمودند *

چهاردهم اکتوبر (دهم شوال ۱۳۲۹) از هیئت وزراء حکمی صادر شد که از حیث خزانه داری کل باید اموال و املاك شاهزادهٔ شعاع السلطنه و سالار الدوله را توقیف و ضبط نموده و جزء خزانه محسوب دارم *

بدون شبهه صدور حکم مزبور بقاعده و مطابق قانون بود زیرا که آن اشخاص نه فقط نقض عهد و مخالفت با دولت مشروطه نموده بودند بلکه سر کرده و رئیس یاغیان شده و به آنها شرکت علنی در بغی و فساد نمودند *

وقتیکه دولت ایران باقدام در این امر مصمم شد یکی از اجزاء وزارت خارجه را بسفارتخانهای انگلیس و روس فرستاد فقط باین قصد که خیال مزبور را دوستانه بایشان اطلاع داده و این نکته را هم گوشزد شان نماید که چنانچه ایشان نسبت باملاك مشار الیهما ادعائی داشته باشند دولت منافع و حقوق اجانب را بکمال خوبی حفظ خواهد نمود هیچ یك از آن دو سفارت اظهار تعرض و مخالفتی ننمودند *

یکی از مواد فقرات حکم مزبور نیز همین مسئله بود که در فقرهٔ فوق گذشت *

دوشنبه نهم اکتوبر (یازدهم شوال ۱۳۲۹) برای اجراء حکم مزبور دستور العملهای لازمه دادم چون برای ضبط املاك مزبوره هیچگونه اشکالی متصور نبود شش دسته هفت نفری را که هر دستهٔ مرکب بود از یك نفر مستوفی (محاسب) خزانه و یك صاحب منصب ژاندارمری و پنج ژاندارم خزانه برای توقیف و تصرف آن املاك مأمور نموده و بایشان امر کردم که تمام املاك مشار الیهما را چه در خود شهر و چه در خارج شهر از طرف دولت در قبضهٔ تصرف خود درآورند *

بزرگترین آن املاك پارك و عمارت شاهزادهٔ شعاع السلطنه بود که در نزدیکی پارك اتابك (یعنی در آن محله) واقعست عمارت مزبوره بسیار عالی و از مبلهای کمیاب گران بها از قبیل پرده ها و فروش (قالی) و اشیاء متفرقه دیگر پر بود اطراف عمارت مزبوره باغ بزرگی بود که بدیوار های ضخیم محکمی محاط بود در آن عمارت بعضی از زوجات و اطفال و مادر شعاع السلطنه اقامت و سکنی داشتند *

وقایعیکه در موقع ضبط املاك معهوده اتفاق افتاد از راپورت رسمیکه ذیلاً درج شده بخوبی معلوم میشود :- بتاریخ دهم اکتوبر (شانزدهم شوال ۱۳۲۹) سواد این راپورترا در جزء راپورت خود برای هیئت وزراء فرستادم ترجمهٔ راپورت مزبور که اصلاً بزبان فرانسه نوشته شده بود بر حسب ذیل است :-

طهران : دهم اکتوبر ۱۹۱۱ خدمت هیئت وزراء افتخار حاصل میکنم که راپورت ذیل را که باداره خزانه رسیده راجع باجراء حکم توقیفی مورخه چهارم اکتوبر ۱۹۱۱ (شانزدهم شوال ۱۳۲۹) که از طرف آن هیئت محترم در خصوص ضبط تمام املاك شعاع السلطنه و سالار الدوله باغیان بنام دولت شاهنشاهی صادر شده بود بعرض برسانم بموجب حکم مزبور شش دستهٔ که هر دسته مرکب از یك مأمور محاسب و یك نفر صاحب منصب پنج نفر از ژاندارمه بود دستور العملهای لازمه وتوضیحات راجع بچگونگی

ومحل هر یکی از شش ملك مزبور دادم *

چهار پارچهٔ از آن املاك متعلق بشعاع السلطنه است یك باغ در شهر و باغ دیگر در نزدیکی قلهك معروف به چیزر و دو ملك دیگر واقع در خارج طهران معروف به دولت آباد و منصور آباد و دو ملك دیگر که یکی در بلوك شهر یار و دیگری مرداآباد می باشد متعلق بسالار الدوله است *

به مأمورین دستور العمل داده بودم که املاك مزبوره را باسم دولت باصلح ومسالمت قبضه و تصرف نموده وبمباشرین و ضباط مراتب مندرجهٔ حکم هیئت وزراء را اطلاع دهند و چنانچه آن املاك در اجاره اتباع خارجه باشد بمستأجرین اطلاع دهند که از طرف دولت شاهنشاهی بکمال خوبی رعایت احترام قرار داد شان خواهد شد ولی مال الاجاره را تا انقضاء مدت اجاره باید بموجب اقساط مقرره در اجاره نامه بخزانه دار کل دولت به پردازند *

بعبارت صریح و ساده به مأمورین سفارش و تأکید نموده بودم که اگر واقعهٔ غیر منتظرهٔ رخ نماید در نهایت حزم و احتیاط و باکمال تحمل و بردباری سلوك نمایند و در هر صورت باید هیچگونه سختی اگر هم لازم شود بدون اطلاع واجازه من ننمایند *

دیروز که نهم اکتوبر (پانزدهم شوال ۱۳۲۹) بود ساعت ده صبح یکی از آن دسته ها که عبارت بود از یك نفر محاسب و دو نفر مهندس و یك صاحب منصب و چهار تابین ژاندارمری خزانه بطرف پارك شعاع السلطنه (که واقع در شهر است) روانه شدند *

ترجمهٔ راپورت نهم اکتوبر را که بامضاء علی اصغر صاحب منصب ژاندارمری و محمد ناظر افسر اهل قلم خزانه بود ذیلاً مینگارم :—

(خدمت مستر شوستر خزانه دار کل ایران : امروز که پانزدهم شوال است ساعت ده صبح (دو ساعت به ظهر مانده) امضاء کننده ذیل بهمراهی میرزا علی اصغر خان ودو نفر مأمورین مهندس خزانه و چهار ژاندارم بپارك شعاع السلطنه رفتیم وقتیکه بدر پارك رسیدیم چند نفر از قزاقهای ایرانی ما را از دخول منع نمودند پس از آنکه حکم ضبط تمام املاك شعاع السلطنه را ارائه نمودیم داخل باغ شده و یکنفر ژاندارم را نزدیك در باغ گذاردیم سپس بباز نمودن اطاقها و نوشتن صورت اثاث البیت و مبلها شروع نمودیم *

در این اثناء یك نفر قزاق بتوسط تلفون بقزاق خانه اطلاع داد بفاصله کمی دو نفر

صاحب منصب روسی وارد شده و با تشدد تمام گفتند « شما حق داخل شدن بباغ را نداشته و باید فوراً خارج شوید » همینکه میرزا علی اصغر خان بزبان روسی اظهار داشت که بموجب حکم دولتی مأمور بتوقف می باشیم ایشان بنای تهدید را گذارده و گفتند « چنانچه فوراً خارج نشوید بقزاقها فرمان خواهیم داد که شما را گلوله ریز کنند » و واقعاً هم دوازده نفر قزاق روس که منتظر ورود شان بودند طلبیده و ایشان را بحمله و یورش با حکم نمودند میرزا علی اصغر خان هر قدر سعی و کوشش نمود که بتوسط تلفون پیش آمد حال را اطلاع دهد بی سود شد

چون اجازه و حکم سخت گیری بیش از آن نداشتیم مأمورین خود را طلبیده و از باغ خارج شدیم با اینحال افسران و قزاقهای روسی تا منتهی الیه خیابان بتعاقب ما آمده و تخویف می نمودند که تعجیل در رفتن کنیم *

(امضاء : محمد نظر * علی اصغر)

و بموجب راپورت شفاهی که این مامور خزانه داد صاحب منصبان روسی باللباس تمام رسمی نظامی و کامل السلاح بوده و مامورین را تهدید به قتل نموده بودند *

پس از آنکه مامورین از باغ خارج شده و راپورت قضیهٔ را بمن دادند ساعت یازده و نیم صبح (نیم ساعت به ظهر مانده) تلفون ذیل را بجناب مسیو پاکلیوسکی کزیل وزیر مختار روس نمودم :-

(زر گنده : عالیجناب مسیو پاکلیوسکی کزیل وزیر مختار روس !! متأسفم از اینکه بجنابعالی اطلاع دهم که امروز ساعت نه صبح نمایندگان خود را بصحابت حکمی که از طرف دولت شاهنشاهی برای ضبط املاک شعاع السلطنه صادر شده بود فرستادم پس از آنکه نمایندگان مزبور باغ مشار الیه را تصرف نموده و مشغول به ترتیب فهرست رسمی بودند دو نفر صاحبمنصب روسی باده نفر قزاق روس از قونسلخانه شما به باغ مزبور رفته و مستحفظین و نمایندگان را امر بخروج کرده و ایشان را تهدید نموده اند که چنانچه خارج نشده یا مرتبهٔ دیگر در آن حدود و خیابان بروند بر آنها شلیک نمایند نمایندگان بواسطهٔ این تهدید از آن محل خارج شدند یقین دارم که جنابعالی خواهید دانست که این وضع سلوك و رفتار صاحب منصبان قونسلخانه شما بکلی ناجائز و خارج از قاعده بوده است دوستانه ملتمس و خواهشمندم که به قونسلخانه خود تان فوراً حکم به برداشتن سرباز و مستحفظین باغ مزبور داده و خروج ایشان را بمن اطلاع خواهید داد *

(امضا : دبلیو مورکان شوستر خزانه دار کل *)

پس از تلفون مزبور مراسلهٔ نیز برای تاکید و توثیق آن تلفون به مسیو پاکلیوسکی کزیل نوشته و فقرهٔ که ذیلاً نگاشته میشود بر آن افزودم :- (چون حکمی که از طرف هیئت وزراء صادر شده فوری الاجراء است ناگزیرم از اینکه حکم مزبور را بموقع اجراء گذارم باین جهة مناسب دانستم که جنابعالی را مطلع نمایم از اینکه فردا صبح ساعت ده نمایندگان خود را فرستاده که باغ مبحوث عنه را تصرف نمایند صمیمانه متوقع و امیدوارم که اقدامات لازمه بعمل خواهد آمد که هیچ واقعهٔ ناگواری واقع نشود و مجدداً اظهار تأسف میکنم از اینکه تجدید رای حاصل شود (من هستم وزیر عزیزم !!) (۱) *

ساعت یازده شب جواب تلفون از طرف مسیو پاکلیوسکی کزیل بر حسب ذیل رسید :- محرمانه : طهران : مسیو مورکان شوستر !! تلفون و مراسله شما رسید دولت آباد ملکی است که در اجارهٔ دو نفر از رعایای روس می باشد و باید هیچ اقدامی بر خلاف اجارهٔ ایشان کرده نشود مگر در صورتیکه جنرال قونسل مطمئن شود که منافع رعایای روس محفوظ و مداخله و تصرفی در کنترات (قرار داد) مستاجرین نخواهد شد با رعایت صریح شرط مزبور از جانب سفارت روس در اقدامات دولت ایران دربارهٔ ملک شعاع السلطنه ممانعتی نخواهد شد سفارت روس دولت ایران را مسئول هرگونه دعاوی که رعایای روس بر شعاع السلطنه دارند خواهد دانست (امضا : پاکلیوسکی) *

توجه مخصوص هیئت وزراء را معطوف بدینمسئله میگردانم که جناب سفیر روس نه فقط جواب خواهشیکه در تلفون خود راجع به برداشتن سربازان و مستحفظینشان از باغ شعاع السلطنه واقعه در طهران نموده بودم مسکوت عنه گذارده بلکه در جواب تلفون خود اشارهٔ بملک دولت اباد کرده که خارج از شهر و ابداً ذکری در هیچ یک از تلفون و مراسله خود از آن نکرده بودم *

پس از اطلاع ثانوی بجناب وزیر مختار روس که امروز ساعت ده صبح مأمورین و نمایندگان خود را بباغ شعاع السلطنه برای ضبط و تصرف خواهم فرستاد و ابداً جوابی شنیده نشد امری بغیر از اجراء ارادهٔ قانونی خود باقی نماند *

---

(۱) کاه من هستم کنایه از احترامات دوستانه است *

امروز صبح ساعت ده مستر کرنز نماینده خود را با پنجاه نفر ژاندارم خزانه و پنج صاحب منصب ایرانی فرستادم بانضمام پنجاه نفر ژاندارم اداره پولیس شهر در تحت فرمان سه نفر از صاحب منصبان خودشان تمام هیئت نظامی مزبوره در تحت حکم صریح یکی از معاونین امریکائیم مستر موریل بود *

بمستر موریل و سائر صاحب منصبان سفارش و غدغن اکیدی نمودم که بموجب آن باغ شعاع السلطنه را اگر ممکن باشد بصلح و مسالمت تصرف و ضبط نمایند و چنانچه از طرف مستحفظین سابق اظهار مخالفت و ممانعتی شود هیچگاه سبقت در بکار بردن قوه جبریه نکرده و تأمل کنند تا از طرف قراولان به آنها حمله شود ولی در هر صورت باید حکم مزبور را اجراء نموده و باغ را تصرف نمایند *

پس از گرفتن حکم و دستور العمل و رسیدن محاذی باغ مستر کرنز ومستر موریل با یکنفر صاحب منصب ژاندارم خزانه که زبان روسی میدانست بقونسلخانه روس که نزدیك بود رفته و مسیو پاخیتانف جنرال قونسل روس را ملاقات نمودند مستر کرنز بمعاونت صاحب منصب ژاندارمری غرض خود را بجنرال قونسل روس فهمانیده و حکمی که بایشان داده شده بود برای مشار الیه خوانده و اظهار داشت که اداره خزانه رعایت احترام حقوق اتباع خارجه را خواهد نمود سپس مستر کرنز از مشار الیه خواهش نمود که قراولان باغ را از آنجا بر دارد *

پس از مختصر مذاکره جنرال قونسل از برداشتن مستحفظین و مامورین خود صریحاً امتناع نمود این نکته را هم توضیح می نمایم که از تقریرات و بیانات جنرال قونسل برای مستر کرنز و مستر موریل یقین قطعی حاصل شد که خود مشار الیه مستحفظین را در باغ مزبور از طرف خود گذارده است بازهم تکرار میکنم که قونسل مزبور انکار صریح از خارج نمودن قراولان خود نمود باین واسطه مستر کرنز بمشار الیه اطلاع داد که امروز باغ مزبور را بقوه جبریه تصرف خواهد نمود *

بعد از آنکه اقدامات لازمه بعمل آمده و حجة تمام شد ژاندارمهای دولتی بطرف در آهن باغ رفتند در آنجا شش هفت نفر قزاقهای ایرانی را با تفنگهای ربفل دیده و به آنها امر نمودند که در را باز نمایند و چنانچه از دخول ژاندارمهای دولتی بصلح و مسالمت ممانعت نمایند قوه جبریه بکار برده خواهد شد قزاقهای ایرانی جواب دادند که کلید پیش ما نیست چون مامورین دولتی نمیخواستند کار بطول بیانجامد بطرف در دیگر باغ

که فاصله کمی با درآهن داشت رفته و از آن در داخل شدند و بقزاقان ایرانی اطلاع دادند که درصورت عدم مخالفت و ممانعت و تسلیم اسلحه میتوانند به آرامی و خوشی از آن محل خارج شوند قزاقها هم قبول کرده وپس از تسلیم اسلحه خود بصلح ومسالمت خارج شده و باغ را بتصرف ژاندارمهای خزانه دادند *

احکام موکده سخت در برداشتن صورت صحیحی از میل و اثاثیه و سایر اموال موجوده به مامورین داده شده بود وهم به ناظر اطلاع داده شد که زحمتی برای زنهائی که در اندرون می باشند نخواهد بود و کسی متعرض ایشان نمیشود تا بوقت فرصت خود شان خارج شوند علاوه براین بتوسط یکی از منسوبین خانواده که در اندرون سکونت داشتند پیغام داده و اظهار تاسف از لزوم آن اقدام که باعث زحمتشان شده بود نموده و گفتم «حضرات مطمئن باشند که کسی زحمت و تعرضی بایشان نخواهد داشت ومیتوانند تازمانیکه منزل دیگری برای خود ترتیب دهند درهمانجا بمانند»*

امروز ساعت دوو نیم بعد از ظهر راپورت تلفونی از صاحب منصب ایرانیکه در باغ گذارده بودم رسید که چند دقیقه قبل سه نفر صاحب منصب که دونفر شان از قونسلخانه روس و دیگری ایوب خان سرهنگ بریگاد قزاق بود با لباس رسمی و مسلح بدر باغ آمدند قراولان با دست بایشان اشاره کرده که کسی اجازه داخل شدن ندارد صاحب منصب قزاق مزبور از کالسکه پیاده شده و بطرف در باغ آمد افسران روسی فریاد کردند که «اگر پیشتر بروی قراولان ترا باگلوله خواهند زد!!» جواب گفت «نه!» کشیکچیان بایشان گفتند «ما اجازه شلیك نداریم» برحسب اطلاع صحیحی که رسیده روسها بنای توهین و تهدید را بصاحب منصبان و مامورین دولتی گذارده و پس از چند دقیقه بدون وقوع حادثه مراجعت نمودند *

دیروز ساعت شش عصر (قریب بمغرب) راپورت زبانی از مامورینیکه برای ضبط نمودن دولت آباد و منصور آباد فرستاده بودم رسید که پس از آنکه با دسته های خود بدومحل مزبور رسیده وحکم ضبط وتصرف آندو ملکرا برای کسانیکه حاضر بودند خوانده و بسهولت تمام هر دو ملکرا تصرف نمودند سپس مستحفظی برای در معین نموده و وارد عمارت دولت آباد شدند پس از اندك زمانی دو نفر افسر قونسلخانه روس با لباس رسمی بهمراهی چهارده پانزده نفر قزاقان روسی بغتةً وارد شده و داخل عمارت گردیدند یکی از افسران قونسلخانه روس یك دست صاحب منصب ژاندارمری را گرفته

و یك قزاق روس دست دیگرش را وشروع بگردش و تجسس لباس های آن افسر نمودند که مبادا اسلحه با او باشد پس از دستگیر نمودن افسر مزبور ژاندارمها را هم یك یك در امکنه مختلفه که بودند دستگیر نموده و اسلحه آنها را گرفتند وایشان را در اطاقی در تحت مستحفظی سه نفر قزاق حبس نموده و از آنجا به منصور آباد که بفاصله دو کیلومتر است رفته و در آنجا هم همین کار را کردند پس از جمع نمودن محبوسین افسران قونسلخانه روس صاحبمنصبان دولتیرا با خود سوار کالسکه نموده و سایر ژاندارمها را سوار الاغ نمودند وایشان را به آنحالت مانند مقصرین ومجرمین درتحت حراست قزاقها بقونسلخانه روس در طهران بردند *

در قونسلخانه صاحب منصبان روسی بافسران دولتی گفتند که «چون شعاع السلطنه و سالارالدوله رعیت روس میباشند» دو باره نباید مرتکب چنین امری بشوید و پس از تاکید زیاد اسلحه و فشنگهای ژاندارمها را به آنها داده و ایشان را مرخص نمودند *

اما نتیجه اقدامات راجعه بملك چیزر که نزدیك قلهك است بموجب راپورتیکه از دستهٔ مأمورین آنجا رسیده این شد که بدون اشکال چیزر را بصلح ومسالمت تصرف نمودند *

اقدامات راجعه باملاك سالارالدوله چون قدری دوراست هنوز اطلاعی نرسیده است *

این راپورترا بدون اینکه عقیدهٔ صاف و خالص خود را اظهار نه نمایم نمیتوانم ختم کنم که جنرال قونسل روس و صاحب منصبانش کلیةً اقدامات ناجایز بغیر حق و قطعاً بر خلاف قوانین سلطنت و استقلال دولت شاهنشاهی ایران عمل کرده اند اکنون میتوانم بگویم که بعقیده خودم نمایندگان و مأمورینم با اشکالات دقیقیکه در کار بوده در تمام اقداماتشان با کمال صحت و شرافت و با نهایت صداقت رفتار نموده اند *

پس از حدوث واقعه مزبوره در مقالهٔ یکروزنامه بر حسب اشارهٔ روس درج وطبع شده بود که مستر کرنز مذاکره کانفرانس (مشورت) با جنرال قونسل روس را ناقض گذارده و قطع نمود یعنی در صورتیکه هنوز «کانفرانس باقی و نتیجه آن مجهول بود مستر کرنز حکم ضبط و تصرف املاك مزبوره را ثانیاً بموقع اجرا گذارد» *

هیچو «کانفراسی» به آن قسم که نوشته شده بود واقعاً حقیقت نداشته بلکه مستر کرنز بدون رسمیت دوستانه مسیو پاخیتانف را برای جلوگیری از وقوع هر حادثه

افسوسناکی که احتمال میرفت ملاقات نمود وقتی که مستر کرنز ملتفت شد که بهیچ قسم اطمینان و توضیحات لازمه نمیشود که آن صاحب منصب متمرد را از وضع سلوکی که اختیار کرده و سعی در نفوذش دارد منصرف نماید از قونسلخانه خارج شد در حالتیکه اظهار می نمود که در موقع تصرف املاك مزبوره امیدوارم هیچگونه اشکالی پیش نیاید *

دو ساعت بعد از تصرف نمودن مامورین خزانه پارك شعاع السلطنه را دیده شد که مسیو پترف (M. Petroff.) و هلید براند (M. Hildebrand.) یعنی همان دو ویس قونسل که روز قبل باقزاقهای خود شان حمله اول را بدر باغ نموده و به مستحفظین توهین وفحاشی کرده وایشان را تهدید بقتل نموده بودند که شاید قراولان نادانرا مشتعل نموده وصبر وسکونت را از دست داده مرتکب امری شوند که صاحب منصبان روس بعد ها تعبیر بتوهین دولت روس کنند بعبارة اخری چون دیدند که کوشش شان در گرفتن املاك مزبوره با آنکه خلاف قانون بود بی نتیجه و خنثی ماند عمداً خواستند که دولت خود شان را در معرض معارضه و گرفتاری دوچار نمایند *

خوش بختانه بطوری دستور العمل های سخت وسفارشات موکده بژاندارمهای خزانه شده بود که بکلی خود داری نموده واز فحاشی و توهینات آن دو ویس قونسل دلاور که برای به دام انداختن ایشان بکار برده بودند از جا در نرفته و قافیه را نه باختند ناچار مایوسانه مراجعت نموده وراپورت های بی اصل صرف دادند که بایشان توهین شده وحال آنکه خود شان بهمین قصد رفته بودند که مامورین را بر انگیزانیده و مستمسکی بدست بیاورند *

مسیو پاخیتانف ازادانه راپورتهای دروغ به پطرسبرگ داده و از وزیر مختار خود شکایت نمود بدلائل قوی یقین دارم وزیر مختار در تمام این موارد افعال جنرال قونسل را انکار نموده است چندی بعد از آن مسلك وسیاسه که دولت روس اختیار نمود فقدان حقیقی هر قسم نظم و موافقتی در وزارت خارجه روس کشف شد اگرچه تحقیق و تصفیه این گونه امور وظیفه نماینده دیلوماتی طهران بود ولی کابینه پطرسبرگ بواسطه عروج و اکثریت حزب اتحاد و ترقی معروفی که یکی از اعضاء آن مسیو کوکوستاف (M. Kokoutsoff.) بود از عناصر صدق وانصاف صرف نظر نموده و حمایت جنرال قونسل متمرد خود را بر توهین وزیر مختار شان ترجیح داد اهمیت دادن به راپورتهای دروغی پاخیتانف فقط باین ملاحظه است که موافق اغراض سری آن

کابینه می باشد *

بی اعتنائی و بی احترامیهائیکه وزیر مختار خود شان و وزیر مختار انگلیس نسبت به مسیو پاخیتانف مرعی داشتند مشهود هر عارف و عامی گردید سر جارج بارکلی پذیرائی دوستانه هم از او نمی نمود و میگفت که حرکات پاخیتانف درمعامله شعاع السلطنه مانند کارهای مجانین است روابطه ما بین مسیو پاکلیوسکی کزیل و پاخیتانف بحدّی دقیق و نازك شده بود که درمجلس بال (رقص) رسمی سالانه که نوزدهم دسمبر درسفارت روس منعقد شد نه خود جنرال قونسل شرکت درحضور داشت و نه فامیل و اجزاء قونسلخانه اش وحال آنکه تقریباً تمام اروپائی های طهران درآنجا حاضر بودند *

بعد ازظهر همان روزیکه قزاقهای پاخیتانف ژاندارمهای خزانه را از باغ شعاع السلطنه بیرون کرده بودند مسیو پاکلیوسکی کزیل از زرکنده محل ییلاقیش که چند میل خارج ازشهر است جنرال قونسل را پای تلفون طلبیده و مؤاخذه نمود که چرا در آن معامله مداخله کرده و مذاکرات سختی بتوسط تلفون ما بینشان واقع شد آخرکار سفیر روس از پاخیتانف پرسید که آیا عذر موجه معقولی برای آن اقدامات داشته ایدم شخص ثانی جواب داد که دلائلی نزد من موجود است ! بعد ازآن پاکلیوسکی گفت اگر عذر موجهی نداشته بهتر است که فوراً مستمسکی برای خود تحصیل کنید زیرا که خزانه دار با تلفون از این اقدامات شکایت نموده است پاخیتانف جواب داد که عنقریب « بعضی نوشتجات را خواهم فرستاد ! » (۱) پاخیتانف فوراً رافعی به بانك استقراضی روس فرستاد که قرارداد نامه توریه را که شعاع السلطنه درچند سال قبل در موقع ترتیب و تنقیح شروط قرارداد خلع محمد علی ببانك مزبور سپرده بود بگیرد شعاع السلطنه نوشته مزبوره را باین امید به بانك روس سپرده بود بانك بتواند بمعاونت آن سند دویست و بیست و پنج هزار تومان از دولت مشروطه وصول نماید باین بهانه که شعاع السلطنه (برادرشاه مخلوع) آنمبلغ را به بانك مقروض است وحال آنکه مشهور بود مشارالیه عوض قرض مقدار کلی از بانك طلبکار است حقیقت شرح فوق را چندی بعدتوانستم بوسیله سواد وصیت نامه که قبل از رفتنش از ایران نوشته بود ثابت و مدلل نمایم قصد

( ) تمام مکالمهٔ وزیر مختار روس و پاخیتانف درهمان شب بتوسط شخص ایرانی که مستخدم تلفون بوده وزبان روسی را خوب میدانست بمن رسید خود او این مذاکرات را بگوش خود شنیده بود *

بانك روس که میخواست به مکر و تقلب آن مبلغ هنگفت را از دولت بیچاره ایران وصول نماید بقسمی برهنه مکشوف بود که وزیر مختار انگلیس از دولت ایران طرفداری نموده و آن خیال فاسد بی اصل را خنثی گذارد این کاغذ جعلی بود که پاخیتانف توانست اقامه ادعای خودرا بنماید که باغ شعاع السلطنه در بانك روس رهن میباشد مأخذ صحیح محاسبات شعاع السلطنه با بانك از محل محرمانه موثقی فوراً بمن رسید وهمچنین بدست آوردن پاخیتانف نوشته مزبوره را در همان روز از بانك روس دولت روس هرگز برای اثبات ادعای خود هیچ گونه اظهاری هم نه نمودة بود که بانك روس در املاك شعاع السلطنه غرضی یا حقی داشته است (۱) *

هشتم اوت (دوازدهم شعبان) که دولتین روس و انگلیس شروع به تهدید دولت ایران نموده بودند تا از مستخدمی ما ژور استوکس برای تشکیل ژاندارمری خزانه صرف نظر نمایند در این موقع شروع باستحکام روابط دوستانه غیر رسمی با مسیو پاکلیوسکی کزیل و سرجارج بارکلی نموده و سعی میکردم که ایشان دولت متبوعه خود شان را از فوائد ترك مخالفت و سلوك بی انصافانه نسبت بایران بیا گاهانند بعقیده من

---

(۱) ترجمه مادهٔ چهارم و ششم وصیت نامه شعاع السلطنه

ماده چهارم

در این تاریخ مبلغ شانزده هزار تومان بحساب جاری در بانك استقراضی «روس» دارم و قریب بیست هزار تومان هم در بانك شاهنشاهی دارم ولی بواسطه اختلافیکه در بین است وجه مزبور را نداده و بدون عنوان صحیح قانونی آنرا نگاهداشته اند اولیاء من سعی و کوشش در وصول آن کردة و حق ورثه صغار مرا تعقب نموده و نگذارند از بین برود *

ماده ششم

در این تاریخ قروض من فقط منحصر است به یك طغرا سند چهل و شش هزار تومان به مادرم نزهت السلطنه که مبلغ سه هزار تومان از آن پرداخته شده و چهل و سه هزار تومان دیگر بر ذمه من باقی است بموجب سندیکه بانشاء وخط منتخب الدولة می باشد *

علاوه بر مبلغ مزبور که بمادرم مدیون میباشم دیگر بوجه من الوجوه دیناری باحدی مقروض نیستم واگر کسی سندی ابراز نماید بکلی مجعول و از درجه اعتبار ساقط است و هیچ بدهی وقرضی غیر از فقرهٔ فوق الذکر بکسی ندارم *

آن دو شخص محترم هر دو اعتراف داشتند که آن اظهار بسیار مناسب و بجا بوده و معال به هیچ غرضی نمی باشد مگر امید حصول معاونت کافی برای امر بسیار مشکلی ولی خیالات کابینه پطرسبرگ بکلی مخالف با اصلاح سریع امور مالیه ایران بود دولت روس یقین حاصل نموده بود آن توقعی را که از مأمورین بلجیکی گمرك داشته از مامورین امریکائی نمیتواند امید وار باشد اگرچه معلوم نیست ذکر این مطلب هم در اینجا بموقع باشد (یعنی آن مسلکی را که مامورین بلجیکی گمرك در تحصیل رضای دولت روس پیش گرفته بودند احتمال نمیرفت که مامورین امریکائی خزانه آن مسلك را پیروی نمایند * مترجم)

بالاخره پانزدهم اکتوبر (بیست و یکم شوال ۱۳۲۹) مسیو پاکلیوسکی مراسله بمن نوشت که دولت متبوعه اش مکتوب اعتراض خود را در باب استخدام ماژور استوکس پس نخواهد گرفت (یعنی استخدام ماژور مزبور را هیچگاه نخواهد پسندید) از اقداماتیکه دولت روس برای برهم زدن استقراض چهار ملیون لیرهٔ با سود مناسبی که با اعضاء کمپانی سلیمن و برادران لندن مشغول مذاکره و تصفیه شروط آن بودم نمود و از این طرز اظهار مخالفتش در مسئله استخدام ماژور و از مسلك جدیدی که در معامله شعاع السلطنه اختیار نموده بود برای وکلاء مجلس و من یقین حاصل گشت که دولت روس مصمم شده است که از حالات و مواقع بسیار پریشان اروپا و ضعف بسیار آشکار وزارت خارجه انگلیس در روابط با روس راجع بمعاملات ایران مواقع را غنیمت شمرده و فایده بر گیرد *

بواسطه محروم شدن از خدمات ماژور استوکس که منتج ترقی ابدی ایران میشد و از دست رفتن فوائدی که از استقراض چهار ملیون لیره معهوده برای افزونی مالیات و اصلاح امور مالیه متصور بود تمام امید واریهائیکه برای اصلاح و تکمیل امور مالیه دولت ایران داشتم مبدل بیأس گردید در این موقع مناسب ندانستم که وقایع مزبوره پیش از این در پرده استتار بماند هفدهم اکتوبر (بیست و سوم شوال ۱۳۲۹) در اثناء گفتگوی با وقایع نگاران تمس لندن و وکیل روزنامه روتر موقع یافتم که اظهار نمایم که از منصرف نشدن روس از اقدامات جابرانه خود و مجبور نمودن دولت ایران را به ترك استخدام ماژور استوکس و سکوت تام انگلیسها در این اجبار بخوبی ظاهر میشود که دولتین حقیقةً مایل بنظم و اصلاح امور مالیه و ترقی ایران نمیباشند چون وقایع نگاران مزبور خود شان بوقت و موقع حاضر بودند بتوضیحات لطیفه اقداماتی که برای خنثی و

فاسد نمودن کوششهای من شده بود بخوبی برخورده و ملتفت شدند ولی چون روزنامه تمس لندن که آلهٔ نیم رسمی وزارت خارجه انگلیس شناخته میشود در نمره نوزدهم اکتوبر بیانات مرا به بی انصافی و بی حقیقتی حمل نمود مجبور شدم که از آن حمله و اتهام دفاع نموده و عموم ملت انگلیس را از حقیقت امر بیاگاهانم باین امید که شاید دولت انگلیس کوشش کرده و دولت ایران را بگذارد که آزادی و استقلال خودرا محافظت نماید چنانچه آن دو دولت هر دورسماً رعایت احترام آن آزادی را تعهد نموده اند *

توضیح مختصری از حقیقت حال حاضره نوشته و پس از مشورت باعده از ایرانیان محترم و امضاء و تصویب غیر رسمی کابینه بیست و یکم اکتوبر مکتوب سرباز ی (علنی و با امضاء) به اداره تمس لندن فرستاده و خواهش درج آن را نمودم (۱) *

مراسله مزبوره دردو نمره دهم و یازدهم نوامبر تمس اشاعه یافت وقتی که نمره اوّل ان رسید وزیر مختار انگلیس شخصیرا پیش من فرستاده و سواد ان مراسله را از من خواست من هم سواد مزبور را برایش فرستادم روزنامجات انگلیس با توضیحات و تشریحات مختلفه مراسله مرا استقبال نموده و بهمین ملاحظه در مجلس وکلاء عمومی توضیحات و سئوالات متعدده از وزیر خارجه انگلیس شد *

—«※ باب ششم ※»—

اولتیماتوم اوّل دولت روس بدولت ایران رأی دادن و نصیحت کردن دولت انگلیس به قبول آن معذرت خواهی دولت ایران اولتیماتوم دوّم روس *

تا اواخر اکتوبر (اوایل ذیقعده ۱۳۲۹) دولت روس عساکر خود را در انزلی پیاده نموده و در باد کوبه نیز قشون فوق العاده حاضر و آماده کرد در این موقع دولت انگلیسهم بدولت ایران اطلاع داد که « دواسکاترن » (دسته) سواره هندی به بوشهر که واقع در ساحل خلیج فارس است خواهد فرستاد این فوج بسمت شیراز برای محافظت قونسلخانه و انگلیس روانه خواهد شد *

سردار کفش زرد یعنی سردار شجیی اول کسی بود که پیشتر ازهمه برای تهیهٔ قور

(۱) بضمیمه « ج » رجوع شود *

خانه ولوازم جنگی پول از من گرفته بود در بندر جزا ترا که آن حدود شکست خورد قونسلخانه روس و کشتیهای جنگی آن دولت هر دو علناً بعساکر یاغی معاونت وامداد کردند

دوم نوامبر (دهم ذیقعده ۱۳۲۹) مسیو پاکلیوسکی کزیل وزیر مختار روس وزارتخارجهٔ ایران آمده و از طرف دولت متبوعه خود شفاهاً مطالبه و پروتست کرد که ژاندارمری خزانه را فوراً از پارک شعاع السلطنه برداشته و آن محل را تسلیم قزاقان ایرانی نمائید ونیز مطالبه نمود که باید معذرت رسمی از سفارت روس برای هتك شرف واحترام صاحب منصبان قونسلخانه اش بعمل آید ولی بشکایات و پروتستهای دولت ایران راجع بمداخلات روسها در معاملات داخلی وامور مملکتی و شکستن صولت سلطنت ایران ابداً اعتنائی ننموده و مراسله شکوائیه دولت ایران را رد نمود در صورتیکه قبل از آن اتفاقات مراسله مزبوره را گرفته و رسیدش را هم داده بود *

وزیر مختار مزبور اظهار نمود که از طرف دولت متبوعه خود مأمورم که جواب صریح فوری لا ونعم از کابینه دولت ایران بگیرم *

وزیر خارجه دولت ایران جوابداد که در این معامله مهم بدون مشورت باهیئت وزراء هیچ کاری نمیتوان نمود *

بعد از دو روز بحث و مذاکره کابینه ایران از من رأی خواست که اختیار کدام طریقه برای ایشان انسب و اولی است در صورتیکه از طرف من بکلی تحاشی و امتناع از مداخله در این گونه امور شده بود رأی خود را بدین طریق اظهار نمودم که اگرچه مطالبات دولت روس بکلی خارج از قانون و ظالمانه است ولی اگر کابینه دولت ایران در حفظ حقوق واستقلال خود مجد و ثابت قدم باشد انجام این معامله بسیار مشکل و محکم خواهد بود *

همان روز که اولتیماتوم زبانی داده شد واقعه دیگر پیش آمد *

بعد از کوششهای بیفایده بسیاری که ملاکین و متمولین طهران برای عدم تأدیه مالیات املاك خود نمودند عده قلیلی ژاندارمه خزانه را فرستادم که موافق رسوم معموله مملکتی مالیات املاك ایشان را بقوه جبریه وصول نمایند یکی از مشاهیر ایشان پرنس علاءالدوله بود که یکی از ارکان خانواده سلطنتی و حاکم سابق شیراز بوده *

چون آخر کار علاء الدوله رئیس مأمورین خزانه را که بخانه مشار الیه فرستاده بودم از خانه خود بیرون وهتك شرف مأمور دولتی را نموده بود رئیس مزبور را بهمراهی

پنج نفر ژاندارم خزانه فرستادم که بر درب خانه او ایستاده و آنجا را توقیف نموده و به پرنس اطلاع دهند که تا وقتیکه مالیات دولتی خود را نپردازد املاك او ضبط خواهد بود علاءالدوله از در دیگر خانه خود بیرون رفته و خود را بخانه صمصام السلطنه بختیاری رئیس الوزراء که نزدیك بخانه او بود انداخته و با چشم های پر آب از وضع رفتار وحشیانه مأمورین خزانه که نسبت باو سلوك نموده بودند شکایت کرد چنان در دل رئیس الوزرای دوست خود اثر کرده و بطوری دل رئیس بختیاریها را ربوده و فریب داد که امیر مجاهد برادر رئیس مزبور برای راندن افسران ژاندارمهای مأمورین خزانه مأمور شد امیر مجاهد بواسطه اینکه محاسبات و مطالبات کلی که برای مصارف سواران و اتباع خود مطالبه نموده رد و نکول کرده بودم و بااینجهت هتك شرافت و عزت او شده دشمن جانی من بود مشار الیه با پسر علاءالدوله که سرهنك رژیمان جدید بود بادسته از سواران بختیاری بمنزل علاءالدوله رفته و بمأمورین و ژاندارمهای خزانه که هیچ هیچ گمانی نمیکردند حمله آورده و با چوبهای بزرگ و زین آنها را زده و تفنك های آنان را گرفتند این واقعه در عصر تنگی واقع شد *

روز دیگر از طرف صمصام السلطنه رئیس الوزراء رقعه مبنی بر اعتراف باقدام خود در آن واقعه بمن رسید من جواب دادم که باید فوراً عذر خواهی کامل کتبی از واقعه مزبوره نموده و مرتکبین را سزا و مجازات داده و مالیات معهوده را فوراً اداء نماید روز دیگرش رئیس الوزراء در مجلس هیئت وزراء عذر خواهی مردانه نموده و معذرت نامه جداگانه کتبی نیز فرستاد و گفت که من مرد معمر تند مزاجی میباشم چون پرنس علاءالدوله با چشم های پر اشك خود را بخانه من انداخت « از حالت طبیعی خارج شدم » *

صمصام السلطنه تفنك های ژاندارمه خزانه را علناً و علی رؤس الاشهاد بتوسط معاون نظامیش و سواران بختیاری ردنموده و تمام مالیات مزبور را نیز پرداخت اثر و نتیجه این قضیه بسیار مفید و با اهمیت بوده و باین واسطه درجه عزت و مرتبت خزانه بسیار بلند شد بسیاری از امراء و شاهزادگان دیگر که خیال مخالفت و سرپیچی از این قانون داشته فوراً مالیات خود را پرداختند اگر باین هتك شرف ژاندارم خزانه اهمیتی داده نشده و قضیه مسکوت عنه می ماند بهتر از همه این بود که اداره خزانه را ترك و تعطیل نمائیم در ایران این گونه واقعات را بسیار اهمیت داده چه حکام بزرگ و چه

ادنی ماموردولتی مجبور و مقید اند که شئونات خود را حفظ نمایند *

ششم نوامبر (چهاردهم ذیقعده ۱۳۲۹) یعنی بعد از چند روز که کابینه در این باب (راجع بمسئله اولتیماتوم) مذاکره و مشورت نمود یکی از صاحب منصبان وزارت خارجه را بسفارت روس فرستاد که شفاهاً جواب اولتیماتوم روس هارا بگوید جواب دولت ایران حاوی اظهار مسلك جلیل القدر (مشروطه) و وعده تحقیق کامل در حقیقت واقعه شعاع السلطنه بدون طرفداری از کسی *

در این موقع جرائد ایران تهدید و تخویف غریبی بدولت روس برای تصرف کردن ایالت گیلان و بلوك توالش گردند بدون شك دولت روس از ثبات ایرانیان و طرز جواب گفتنشان بسیار متعجب گشت *

هفتم نوامبر (پانزدهم ذیقعده ۱۳۲۹) مراسله از سر جارج بارکلی وزیر مختار انگلیس بمن رسید وی خواهش ملاقات کرده بود برای اینکه تلگرافیرا که دولت متبوعه اش باو مخابره نموده ارائه نماید روز بعد حسب المقرر آمد تلگراف مزبور از طرف سر ادوارد گری بسر جارج بارکلی بود که مرا مطلع نماید از اینکه تعیین مسیو لکفر که از رعایای انگلیس بوده بسمت تفتیش و نظارت مالیه تبریز باعث بهانه و اعتراض دولت روس برای حفظ منافع خود در آن حدود خواهد شد وخوف این می باشد که ایالات شمالی ایران را تصرف نماید از طرز گفتگوی وزیر مختار انگلیس پر واضح بود که آن تهدید باشاره روسها بوده منتهی از پرده وزارت خارجه انگلیس جلوه نمود مأموریت مسیو لکفر به تبریز حقیقةً چند هفته قبل از آن تاریخ معین و تصفیه شده بود که خرج تراشی های دو ساله آنجا را که تقریباً یك ملیون تومان میشد تحقیق و تفتیش نماید مسیو لکفر یکی از معاونین معدود اروپائی من بود که زبان فارسی را میدانسته و از اشکالات و پیچیدگیهائیکه در طریقه وصول مالیات بود اطلاع کامل داشت ودر تبریز هم مدتی اقامت داشته و از معاملات آنجا بخوبی مسبوق بود از اعتراضات دولت روس در باب مأموریت مسیوی مزبور خیلی متحیر شدم و حال آنکه از دو سال قبل در وزارت مالیه در طهران بخدمت بزرگ محترمی مشغول بوده و چنانچه مشهور است طهران هم یکی از بلاد منطقه روس یا شمالی ایران محسوب میشد منتهی فرستادن مسیو لکفر برای انجام ماموریت خاصی از طهران که یکنقطه شمالی است به تبریز، تبدیل از نقطه شمالی به نقطه شمالی دیگر بود *

من بسر جارج بارکلی جواب دادم که همواره مترصد و مائل به این امر بوده و می باشم که حقوق حقه قانونی دولت روس و سائر دول را در ایران حفظ نمایم اما چنانچه شما میدانید در این معامله نمیتوانم بیشتر از مسئله استوکس تسلط دل بخواه دول اجنبیه را در مملکت ایران اعتراف کنم زیرا که دولت ایران رسماً و قانوناً نفوذ اجانب را انکار نموده است و من اجازه ندارم بیشتر از یك مرتبه این گونه معاملات را رعایت نمایم و نیز این مسئله را ضمیمه جواب خود قرار دادم که اگر دولت روس در امور راجعه بمن اظهار دوستی نماید تعهد و ضمانت کمال مراعات را در صرفه و صلاح دولت مزبوره خواهم نمود *

چون سر جارج جوابهای مرا شنید مانند مریضی که دارو خورده باشد متغیر گشته و بدون هیچ حجتی مراجعت نمود *

یازدهم نوامبر (نوزدهم ذیقعده ۱۳۲۹) مجلس باتفاق آراء قانونی وضع نموده و بمن اختیار داده بود که ده نفر امریکائی را بعنوان معاونت مالیه کنترات و جلب نمایم *

همان روز وقت ظهر مسیو ژایرس (M. Giers.) منشی امور شرقیه قونسلخانه روس کتباً مطالبات قدیمی روس را از دولت ایران تجدید نمود مسیوی مزبور اظهار نموده بود که اگر چهل و هشت ساعت این مطالبات قبول نشود روابط پلتیکی دولتین قطع خواهد شد *

روز نامه تمس لندن در « آرتیکلی » بر جواب من تنقید کرده و در آخر مرا متهم کرده بود که طرفداری وطن پرستان ایرانرا نموده ام من نمی توانم تصور بکنم که مقصود تمس طرفداری کدام کس و کدام فرقه بود که نکرده بودم در صورتیکه مشغول بخدمت دولت مشروطه بودم *

همین وقت بود که کاغذ من در ایران بفارسی ترجمه شده و بعنوان رساله طبع و انتشار کامل یافت بواسطه این اتهام روز نامه داخلی « تمدن » فوراً و علناً اقدام بطبع و انتشار مراسله مزبوره نمود اگرچه من بهیچ قسم طرفداری و مداخله ننموده بودم *

تا یازدهم نوامبر (نوزدهم ذیقعده ۱۳۲۹) بواسطه اسبابی که روسها ظاهراً برای تصرف حدود شمالی ایران فراهم نموده بودند کابینه ایران در خوف و هراس افتاده و با دولت انگلیس مشورت نمود که چه مسلکی را اختیار کند سر ادوارد گری فوراً تلگراف نصیحت آمیزی کرده و رأی داد که اولتیماتوم روس را فوراً قبول کرده و معذرتی بمقتضای

میل و رضائیت دولت روس نیز بخواهید *

صمصام السلطنه رئیس الوزراء امر نمود که تمام ژندارمهٔ خزانه را از باغ شعاع السلطنه بر دارم هچو ظاهر میشد که این سردار معمر ساده لوح از چند روز قبل در تحت تسلط و اقتدار دولت روس در آمده بود وکلاء مجلس قدری در صداقت وخلوص مشار الیه سوء ظن پیدا کرده بودند *

بعد از آنکه حکم مزبور بمن رسید در صورتیکه بر خلاف حکم سابق که در خصوص ضبط و توقیف املاک شعاع السلطنه صادر شده بوده تنها امضاء وزیر اعظم را بعوض امضاء هیئت وزراء داشت چارهٔ غیر از جواب ذیل نداشتم که بگویم :— تا مادامیکه این حکم امضاء هیئت وزراء را نداشته باشد حکم اوّلی را نسخ و باطل نخواهد نمود وآنها را مجبور نمودم که یا املاک مزبوره را در تحت محافظت و سر پرستی فرستادگان من باقی گذارده و یا مسئولیت کلیه امور را به دیگری رجوع نمایند *

در این موقع پیچیدگی و انقلابات بحران کابینه شروع شده و بطوری کارها مغشوش شد که وزیر مالیه در معابر بهر کس که میرسید می گفت «مستعفی شده ام» در صورتیکه روز بعد در کابینه مالیه مشغول بکار خود بود *

هجدهم نوامبر (بیست و ششم ذیقعده ۱۳۲۹) سفارت روس بدولت ایران رسماً اطلاع داد که چون مواد اولتیماتوم قبول نشده روابط پلتیکی بین دولتین مقطوع است ولی معاملات تجارتی کما فی السابق بتوسط قونسل خانه روس جاری و باقی خواهد بود شهرت کرد که چهار هزار نفر قشون روس از قفقازیه بطرف ایران حرکت نموده *

اعضاء کابینه ایران پس از دقت و شور بسیار در عمل کردن به نصیحتهای سر ادوارد گری که مشعر بر قبول خواهشهای روسها بود متفق الرأی شده و برای من حکم کتبی فرستادند که املاک شعاع السلطنه را بمأمورین روس تسلیم و رد نموده و ژندارمها را بکلی از آنجا بر دارم پس املاک مزبوره را رد نمودهٔ و رسید کامل میل و سائر اشیاء را گرفتم *

ظاهر است که تا آن وقت وزارت خارجهٔ انگلیس از این مسلک وحرکات وحشت انگیز روسها ترسیده و بهمین جهة دولت ایران را بقبول فوری اولتیماتوم روس نصیحت نمود که شاید قشون روس را از آن پیش قدمی باز دارد و از این رو پارلمان انگلیس به شکستن روسها مواد عهد نامه ۱۹۰۷ را نتواند اعتراض کند *

در این اثناء هیئت کابینه جدیدی تشکیل و معین شده و در معذرت خواستن از روسها متفق الرأی شدند *

باین جهة بیست و چهارم نوامبر (دوم ذیحجه ۱۳۲۹) وثوق الدوله وزیر خارجه ایران با لباس و هیئت تمام رسمی بقونسلخانهٔ روس رفت ودست وزیر مختار روس را گرفته و گفت « جنابعالی !! از طرف دولت خود مأمور میباشم که بواسطه بد سلوکی که نسبت بفرستادگان جنابعالی درخصوص املاك شعاع السلطنه شده از شما معذرت بخواهم » بعد از آن یك مضحکه دپلوماتی واقع شد که فقط کابینه روس که تمدن را پشت سر نهاده و پس پازده مرتکب آن شد *

وزراء ایران ظاهراً یقین کرده بودند که ذلت خود وتحویل املاك مزبوره غضب روس هارا تسکین داده و معامله را بکلی خاتمه خواهد داد ولی آن وزراء جاهل نادان ایران حقیقت اراده پلتیکی روسها را بخاطر نیاورده و ملتفت نشدند راضی گشتن کابینه بمطالبات روسها آخرین آرزوی روس نبود اگر روس ها حقیقة و فی الوقع فقط عزت وشرافت مأمورین متمرد خود را طالب بودند معذرت وثوق الدوله معامله را بکلی ختم مینمود ولی خواهش اصلی روسها این بود که میخواستند بهانهٔ بدست آورده که قشونشان نقاط شمالی ایران را اشغال و تصرف نماید زیرا که حقیقة قبل ازفرستادن اولتیماتوم شروع بکار نموده بودند سر ادوارد گری بتوسط سفارت انگلیس مقیم طهران کابینهٔ ایران را اطمینان داد که اگر معذرتی از روسها خواسته شود ولو قشون روسهم داخل ایران شوند خارج خواهند شد ولی معلوم نیست که سر ادوارد گری بکدام وثیقه و اطمینان و بموجب کدام حکم دولت ایرانرا بقبول خواهشهای روس رأی و اطمینان داد *

وزیر مختار روس درموقع عذر خواهی وثوق الدوله واظهار رضایت ایران بقبول مطالبات اولتیماتوم اوّلی روس ظاهراً راضی گشت ولی به او حکم شده بود که وثوق الدوله را از اولتیماتوم دیگر که در شرف طلوع است اطلاع دهد *

تحیری که بواسطهٔ این تمسخر وحشیانه ازصورت آن نماینده ایران ظاهر گشت تصوّرش بسیار مشکل است وزیرمختار انگلیس آن ملاقات معذرترا معین نموده بود چون اتفاق تازهٔ درآن اوقات واقع نشده بود که از او احتمال این گونه حرکات برود پر واضح بود که ارادهٔ روس وارد کردن قزاق بشمالی ایران بوده ولو دولت انگلیس هرچه

بگوید و یا دولت ایران هرچه بکند انتظار و امیدواری که روسها از دیر زمانی داشتند که از یك طرف بهندوستان و از طرف دیگر بخلیج فارس برسند وقت آن رسید شعلهٔ آتش سیاسی مراکو بدرجه مشتعل بود که روسها یقین نموده بودند که از طرف انگلیسها هیچ گونه اعتراضی در اقداماتشان بعمل نخواهد آمد *

دولت روس بر حسب وعدهٔ خود ظهر بیست و نهم نوامبر (هفتم ذیحجه ۱۳۲۹) اولتیماتوم ثانی خود را اظهار نموده و مطالبه کرد که در ظرف چهل و هشت ساعت باید قبول شود *

مضمون مراسله اولتیماتومی روس بدرجهٔ مهم بود که مناسب است سواد آنرا در اینجا نقل نمایم *

ترجمه سواد اولتیماتوم ثانی روس :—

چنانچه روز جمعه بیست و چهارم نوامبر (هفتم ذیحجه ۱۳۲۹) افتخار اظهار حاصل نموده بودم منتظر حکم دولت متبوعه خود بودم که اسبابی که دولت روسرا مجبور باولتیماتوم دیگر نموده اظهار نمایم احکام مزبوره اکنون بمن رسیده و از اینجهة از جانب دولت روس افتخار اظهار مطالب ذیل را بجنابعالی حاصل میکنم *

انفصال مستر شوستر و مستر لکفر از خدمات مرجوعه شان تکلیف سایر مامورین امریکانی که مستر شوستر ایشان را انتخاب نموده ثانیاً معین میشود *

اطمینان و وعدهٔ صریح دولت ایران که بدون رضایت سفرای انگلیس و روس مأمورین اجنبیه برای خدمات خود انتخاب نکند *

اداء مصارفیکه جبران خسارت دولت روسرا دراین لشکرکشی وسوق عسکر بنماید *

تعیین مقدار و طریقهٔ تأدیهٔ خسارت مزبوره بعد از رسیدن جواب دولت ایران معین خواهد شد *

فقرات ذیل توضیحی است از طرف وزیر مختار روس بر این اولتیماتوم :—

من از فرائض خود می شمارم که اسبابی که باعث این حرکت روس شده بیان نمایم *

اوّلاً دولت روس برای جبران حرکات مستر شوستر که باعث هتك شرف مامورین دولت مشار الیها شده بود مجبور گردید که بایران سوق عسکر نماید *

ثانیاً خواهش اصلی دولت امپراطوری این است که موجبات حقیقی مخالفت بین دولتین رفع شده و در آتیه بناهائی نماید که عمارت دوستی و روابط مودت محکمی بین

دولتین بر قرار بدارد و حل جمیع مشکلات روسرا چنانچه هنوز باقی است باطمینان و زودی بکند *

ثالثاً با وجود اسباب مذکورهٔ فوق لازم است که بگوییم: دولت امپراطوری روس بیشتر از چهل و هشت ساعت انتظار اجراء خواهش های سابق الذکر خود را نخواهد کشید ودر این مدت قشون روس در رشت خواهد ماند واگر جواب اطمینان بخشی نرسد بعد از انقضاء مدت مزبوره قشون روس پیشقدمی خواهد نمود وبدیهی است که در این صورت وجه خساره روس زیادتر خواهد بود *

اثری که این « مطالبات » محقرانه بکابینه ومجلس ورعایای ایران نمود در تصور بهتر می گنجد تا در تحریر *

عبارت آن اولتیماتوم که بفارسی نوشته شده بود بطوری موهم بود که معنی آن واضح نمیشد خصوصاً در مقامیکه مطالبه « جبران وجریه » نموده ودر ذکر « حل مشکلات روس بزودی واطمینان که هنوز باقی است » اشاره شده بود *

همانوقت که آن اولتیماتوم داده شد رقعهٔ از وزیر مختار روس رسید که بدولت ایران اطلاع داده بود « بواسطه تلگرافی که نزهة السلطنه مادر شعاع السلطنه به امپراطور وامپراطریس دولت روس نموده مشار الیها وتمام املاك شعاع السلطنه در تحت حفاظت درات روس در آمده » خانم مشار الیها از رعایای ایران بوده ودولت روس بواسطه تلگرافی که باو نموده اورا از این قید آزاد نمود *

باب هفتم

بلواهای راجع باصرنان رد نمودن مجلس اولتیماتوم روس را حمله نمودن وداخل شدن قشون روس بایران نقشهٔ مستعد شدن ایرانیان برای مقابله ومدافعه اقدامات زنان ایرانیان در آن امر انفصال مجلس بواسطهٔ تردستی وچالاکی بیست وچهارم دسامبر *

در اولتیماتوم بیست ونهم نوامبر (هفتم ذیحجه ۱۳۲۹) روس از دولت انگلیسهم اسمی برده شده بود اگرچه وزیر مختار انگلیس علی الظاهر مداخلتی در آن امر نداشت قبول نمودن ایرانیان فقرات اولتیماتوم روس را مانند تسلیم نمودن سلطنت خودشان بود بروس وانگلیس بعد از اندك مدتی از وصول آن اولتیماتوم در پارلمان انگلیس از سر

ادوارد گری توضیح خواستند که چرا اسم دولت انکلیس نیز در آن اولتیماتوم شریك شده جواب داد که با تمام مطالبات واظهارات روسها همعقیده می باشم مگر فقط شرط اداء خساره روس ها را که ممکن است استثنا نمود زیرا که تأدیه این مبلغ برای افواج ایرانی که مستحفظ راههای تجارتی انکلیس در جنوب میباشند احتمال ضرر داد و ممکن است از این راه نقصان کلی به تجارت انکلیس وارد شود گویا فقط همین یك مسئله بود که وزارت خارجه انگلیس بتواند با اولتیماتوم روس مخالفت نماید سر ادوارد گری در اثناء اظهار خیالات خود مرا بجرمی متهم نموده بود که « ساعت سیاست ایران را بلد کوك کرده و عقربك آن را بر گردانیده » و بهمین جهة نا کامیاب شده و باید از ایران بروم *

نائب السلطنه بعد از ظهر بیست و نهم نوامبر بعد از گذشتن دو ساعت از وصول اولتیماتوم روس مرا نزد خود طلبیدند دوست قدیمی من هم محتشم السلطنه که محرمانه با صمصام السلطنه رئیس الوزراء متحد شده نیز در کابینه والا حضرت بود *

نائب السلطنه گفتند که دولت ایران در «مسئله نان» خیلی مضطرب و پریشان می باشد *

در ایران کمی و زیادی نان سبب آزمایشی است برای بقایای تغییر کابینه وحکومت اهمترین مأکولات وقوت غالب مردم ایران نان گندم است پختن نان خصوصاً در شهر های بزرگ در خانها معمول نیست بلکه در صدها دکانهای بازاری نان بقطع و پارچه های بزرگ پخته میشود که تقریباً قطر وضخامت آن نیم انچ است مردم آن نانها را مثل کاغذ لفافه قرار میدهند در راهها دیده شده که قطعهای پنیر یا بعضی میوهها را در آن می پیچند *

در موسم دِرَویدن گندم در وقت تابستان دولت یك قسم مالیاتی از محصول آن میگیرد در حوالی پای تخت وشهر های بزرگ گندمهای دولتی را در انبار های دولتی جمع میکنند که مردم در موسم زمستان ومسدود شدن راهها دسترسی بگندم خوب ارزان و فراوان داشته باشند از زمانه درازی که ابتداء آن معلوم نیست این تدبیر معمول به دولت ایران است و اگر این مآل اندیشی را نکرده و گندمها را پس از جمع شدن بفروشند اعیان و متموّلین نقاط حاصلخیز متفق شده و مقدار گندمیکه روزانه برای نانوا های بازاری لازم میشود بمیل خود بهر نرخ و قیمتیکه بتوانند گران کرده و میفروشند ازانجهة فوراً نان گران و کمیاب شده و « شلوغی » بلوا های سخت شروع

میشود برای جلوگیری از اینگونه اتفاقات عادت دولت براین میباشد که از ابتداء پائیز مقداری گندم بقیمت عادله بنانواها میفروشد وباین تدبیر توجه و خیال عمومیرا که دولت گندم دارد جلب نموده وقیمت گندمرا معتدل نگاه داشته وخیالات «سوسیاتی» (مجامع) ملاکین را درهم میشکند *

همین فقرهٔ نان و گندم بود که نایب السلطنه و کابینه را بزحمت و تشویش انداخته بود در شمالی ایران خصوصاً حوالی طهران حاصل زراعت گندم بسیار کم عمل آمده بود این کمی گندم بیشتر بواسطه خشك سالی و کم آبی وعلت دیگرش بی نظمی و پایمال شدن وغارت زراعات که از ابتداءٔ ورود محمدعلی به ایران شروع شده و جاری بود سپس جنگهای کوچك تابستان و طول اقامت و توقف عدهٔ بسیاری بختیاری وسایر قشون و افواج غیر منظم در حوالی پایتخت قاطرچیان و شتر داران و سایر مکاریان را ترسانیده و فرارانیده بود در صورتیکه مکاریان مزبور محل اعتماد مردم بوده وملاکین همیشه بتوسط همین مکاریان گندمهای خود شانرا حمل بشهر می نمودند *

وظیفه و تکالیف خزانه دار فقط همین قدر بود که مالیات وحقوق دیوانی گندم را مثل مالیات جو و برنج و کاه وپنبه وصول کرده و گندمهارا حمل بشهر نموده و تقسیم نماید در موقعیکه کابینه امر نمود که گندمهای انبار های دولتی و مقدار و محل حمل آن را که برای عمال ومباشرین آن انبارها بسیار پر فائده و بار آور بود درتحت حفاظت ونظارت خود درآورم به آینده خطرناکی مصادف شدم *

بهمین مناسبت کوششهای بی اندازه وسعیهای فوق العاده نمودم برای جمع آوری گندم از نقاط بعیده و رسانیدن بمرکز قبل ازآنکه راهها (بواسطه سردی و بارندگی) مسدود شود و نیز کوشش کردم که اعضاء بلدیه طهران را از جمع کردن مال و ثروت بواسطه فشار و تنگی دادن بمردم از مجرای نان چنانچه معمولشان بود بازدارم متمولین ارتجاعی متعددی که بر خلاف طرز حکومت حاضرهٔ آن زمان بودند دائره «انحصاری» تشکیل داده که ازآن جلب منافع شخصی و نیز پریشان نمودن حکومت مشروطه حاصل می شد *

به نایب السلطنه وکابینه گفتم اگر بخواهند در این امر مهم اقدام نموده ومرا حاکم با دیانت طهران قرار دهند در قبول و انجام آن حاضر خواهم بود ایشان وعده نمودند که تغییر و تبدیلات لازمه خواهند داد ولی بر حسب معمول باندازه تأخیر افتاد که اوضاع

بدتر شده و پی در پی بلواهای کوچك و مختصر واقع شده و بسهولت رفع میشد *

راجع بهمین امر نان قضیهٔ نا گواری پیش آمد یك نانوای معروف بدنامی بود که از اعضاء عمدهٔ ادارهٔ «انحصار نان بلدیه» و بزرگترین متقلب و مضر بحال خزانه و مشهور بود که چند مرتبه در زمان ریاست خود چند نفر را بواسطه مختصر جرمی در تنور نانوائی خود سوزانیده است در اثناء ذکر آنشخص و آتاریك و خیانتهای او بیکی از مشاورین ملی گفتم این شخص بسیار سبب بی نظمی امر نان طهران شده و نان بسیار پست مغشوشی بمردم میخوراند باید «مردم را از وجودش آسوده نمود» دو روز بعد که قدری دیر تر باداره خود رفته بودم یکي از معاونین ایرانیم اطلاع داد که «آن نانوای معروف برحسب آرزوی شما کشته شد» قیاس میزان تحیر و احساس تالم از این خبر را بقارئین وا میگذارم اصلاً شخص مزبور بتوسط دیگری کشته شده بود اگرچه در علت و سبب کشته شدن آنشخص رای من هیچ مدخلیتی نداشت ولی مصمم شدم که آینده در اظهار خیالات خود با تأمل و احتیاط سخن رانم چون آن مرد بد قسمت شخص سفاکی بود که خون مردم را ریخته و بواسطه دزدیدن و غارت نمودن مال فقرا و غربا متمول شده و اکثر اوقات مردم را بی نان و بیقوت گردانیده بود شاید باینجهة دربارهٔ مشار الیه ظلم و بی انصافی نشده باشد ولی تاثیری که کشته شدن غیر منتظره آن شخص بدوست ایراني من کرده بود تالم و زحمت زیادی بمن میداد از آن وقت به بعد نظم مسئله نان سهل تر گردید *

عصر بیست و نهم نوامبر در مجلس واقعه غریب فوق العاده اتفاق افتاد صمصام السلطنه رئیس الوزراء از منزل نایب السلطنه بمجلس رفت تا کابینهٔ جدیدی را که تشکیل داده معرفی نماید جزء اسامي وزراء اسم محتشم السلطنه هم بودکه نامزد وزارت عدلیه شده بود اعضاء مجلس که از دیر زمانی بانتخاب وزراء غیر معروف از طبقه وسطی عادت کرده بودند برخلاف آن کابینه شدند رئیس الوزراء برخلاف رای دوستانش بشرکت محتشم السلطنه در کابینه باین جهة اصرار داشت که مشار الیه با مشاهیر اعضاء قونسلخانه روس تعلقات عمیقه دارا بود *

آن رئیس الوزراء سالخورده شروع بخواندن فهرست اسامي وزراء نمود چون باسم وزیر عدلیه رسید مابین هیئت مقدسه وکلاء درباره رد و قبول مشار الیه بحث و مذاکره شد *

شاهزاده سلیمان میرزا «لیدر» (نماینده) حزب دیموکرات بمجلس مخصوص انطق رفته واظهار کرد اگرچه رئیس الوزراء طرف اطمینان کامل وکلاء میباشند : ولی حزب دیموکرات نمیتواند یکی از اعضاء کابینه سپهدار را بسمت وزارت بشناسند در حالتیکه صدا های غضبناك وخشم آلوده اعتدالیون بلند بود رئیس الوزراء بمحل مخصوص نطق رفته و تقریر سختی برخلاف حزب دیموکرات نمود موتمن الملك رئیس مجلس رئیس الوزراء را متنبه نمود که بر حسب قوانین داخله مجلس قدری ملایم و نرم باید کفتگو نماید باین جهة رئیس الوزراء تعرض نموده واز مجلس خارج کشت در حالتیکه با خود میگفت بختیاریهای خود را آورده و تمام دیموکراتها را بقتل خواهم رسانید رئیس روحانیین طهران برئیس مجلس و حزب دیموکرات حمله و تعرض نمود رئیس مجلس آنشخص را قسم داده و سه مرتبه امر بسکوت نمود درمرتبه سوم بواسطه مخالفت با قانون داخلی مجلس شخص مزبور مقصر و مستوجب حبس گردید وقتیکه کار باینجا رسید هیئت مجلس با آواز و همهمه متفرق شده و ذلت وحقارت آن جلسه پارلمان ایران ثبت اوراق تاریخ گردید *

آن پیش آمد و منظره هولناك اولتیماتوم روس پای تخت را بهرج و مرج و اهالیش را بجوش و خروش درآورد هیچ چیز جلوگیری از عناصر آن بلوای غیر منظم نمی نمود مگر ریاست نظمیه مسیو یفرم در این زمان عدد ژاندارمری خزانه هشتصد نفر بود که تقریباً همه آنها در طهران حاضر و مشق آموخته و با لوازم جنك و اسلحه کامل در تحت فرماندهی چهار نفر امریکائی بودند که سه نفرشان تازه وارد طهران شده بودند *

از این سعی و کوشش رئیس الوزراء بداخل نمودن محتشم السلطنه در جزء کابینه و تخویف و تهدید بکار بردن بختیاری بر خلاف دیموکراتها برای ایشان یقین حاصل شد که سازش روسها بوزراء نیز تأثیر نموده و دولت مشروطه در معرض خطر است پرنس علاوالدوله که تحاشی و انکار از تأدیه مالیات ملکش نمود تا وقتیکه قوه جبریه ژاندارمه بکار رفت آشکار شد که با چند نفر از مشاهیر ارتجاعیین و مخالفین سلطنت جدید ایران مجرمانه سازش نموده بود که از دولت روس خواهش کنند تا ثانیاً محمد علی را بسلطنت ایران برقرار نمایند پلیس نوشته اظهاریه ایشان را که بدولت روس نوشته بودند گرفت درصورتیکه امضاء «امیر» و چند نفر دیگر را داشت *

روز بعد از اظهار آن دو اولتیماتوم حسین قلی خان نواب و مسیو یفرم بملاقات من آمده و در آن باب مشورت نمودند من گفتم خوبست ایشان بمجلس و کابینه اطلاع

دهند تا بهر تدبیریکه بحال ایران مفید تر بوده وصلاح بدانند بدون ملاحظه حال من ومعاونین امریکائیم عمل کنند از بعد از ظهر تا عصر همانروز وکلاء پیش من آمده و مشورت نمودند بهمه ایشان همین جواب را گفته و توضیح نمودم که هر اقدامی که دولت در تصفیه اصلاح این امر بکنند برای نیکنامی آینده من مفید و منتج اثر مهمی خواهد بود واز اینحیث هیچباك و پروائی ندارم زیرا که بوعدهٔ خود وفا نموده و بهر اقدامیکه مجلس در اینخصوص بکند حاضر و راضی خواهم بود *

صبح روز بعد یعنی اول دسمبر (نهم ذیحجه ۱۳۲۹) وقتیکه باداره خود داخل شدم شنیدم که پرنس علاءالدوله را در موقع بیرون آمدن از خانه خود سه نفر از بالا خانه مجاور با چند گلوله کشته و بعد از اندك زمانی مرد *

سعی دیگر برای کشتن مشیر السلطنه صدر اعظم محمد علی بود درحالتیکه سواره عبور میکرد پایش مجروح شده و برادر زاده اش که با وی بود کشته شد *

این اقدامات بدون شبهه نتیجه خیالات اعضاء انجمنهای سرّی طهران بود برای اینکه تصوّر نموده بودند که مجمع منظمی برای خفه کردن مشروطه ایران و رجوع باستبداد و انتقام بتوسط محمد علی دائر شده باین جهة اقدام بقتل ایشان نمودند فروختن این دسته از مخالفین مشهور دولت و مملکت خود را بروسها خصومت و غضب احزاب ملی را زیاد تر نمود اعضاء انجمنهائی که درسنوات سابقه آنقدر نمایشهای با اهمیت مردانه داده وبرای آزادی ایران اقدامات کافی مینمودند تا هنوزهم بکلی معدوم نشده و باقی بودند اگرچه بنظر ایشان دیگر خطری برای مشروطه نبود ولی بکلی متفرق وپراگنده نشدهٔ بودند ولی وقتیکه مشروطه دوچار خطر شد فوراً از جای خود جسته وبحرکت آمدند بیشتر اعضاء آن مجامع را فدائی مینامیدند و در هر حال و هر موقع برای دفاع و مقابله با خصم خود که مانع از پیشرفت خیالاتشان بود آماده بودند *

نتیجه قتل پرنس علاءالدوله خیلی بزرگ بود قبل از آنکه اثر وحشتناك آن قتل آرام بگیرد وحشت واضطراب تمامی دردلهای اعیان و مأمورین دولتی پیدا شدهٔ که هم بر ایشان وهم بر سایرین بخوبی واضح میشد زیرا که نفس لوّامه شان در اداء وظیفه وحقوق وطن خود پاك نبود *

وقتیکه صمصام السلطنه خبر قتل دوست خود پرنس را شنید بی اختیار اشکش جاری شده و بیخودانه قسم خورد که ریشه اشخاصی که یقین بارتکابشان داشت از بیخ

وپن بر کند و گفت که « بیست نفر دیموکرات را بقتل خواهم رسانید » *

علت و سبب اولتیماتوم دوم روس را بعضی ها مبنی بر دو بهانه تصور نموده بودند اگر فرضاً صحیح هم باشد بچگانه بوده است یکی این بود که مسیو لکفر را که از رعایای دولت انگلیس بود بریاست مالیات نقاطی که منطقه نفوذ روس بود معین ونامزد کرده بودم دیگر آنکه مراسله و آرتیکلی که بروزنامه تمس لندن نوشته ترجمه آن را به فارسی طبع و توزیع نموده بودم اتفاقاً هر دوی آنها برخلاف راستی بود *

اگرچه مطالبات و کوشش های منافقانه روسها که میخواستند حقانیت خود شان را ثابت نمایند ایرانیان را پریشان و بی حس نمود ودولت مشروطه ایران هم در این سنوات اخیره بحرکات فریب دهنده جابرانه بلکه سبعانه کابینه پطرز سبرگ عادی شده ولی چنین لطمه و فشاری را منتظر و امیدوار نبود *

کابینه ایران تصور نموده بود که خصومت علنی انگلس و آلمان سبب ازدیاد مخاطره امنیت اروپا خواهد شد اگرچه رنجش معامله مراکو آرام گرفت ولی اثرات آن هنوز بکلی محو نشده و ظاهر بود و نیز احساس نموده بودند که سرگرم بودن سرادوارد گری بمالات و بحران خطرناك اروپا نقشه و خیالات او را که درآسیا برای توسیع منافع دولت انگلیس کشیده بود از خاطرش محو نموده بنا براین ظاهر میشد که روسها برای اجراء مقاصد دیرینه ورسیدن به آرزو های قدیم خود برای تصرف نمودن ایران وبنا نمودن استحکامات جنگی دریائی درخلیج فارس آزادانه مستعد بودند روسها وقتی میتوانستند مقاصد خود شان را در ایران اجراء نمایند که اقلاً مخالفت و مناقضت ظاهری باموادّ عهد نامه ۱۹۰۷ نکرده باشند بواسطه این تدبیر و اتخاذ این مسلك پلتیکی وزارت خارجه انگلیس را محیلانه از پریشانی هائی جواب توضیحات پارلمان رهائی میدادند که چرا روسها پای بند بمواد عهد نامه نمیباشند *

ایرانیان با این حال چنانچه از واقعات و اقداماتشان ظاهر میشد محسن عقیدهٔ کامل دربارهٔ بزرگترین ملل مسیحیه عالم داشتند که باحترام عهد نامه و ایفاء وعد های مقدس خود پای بند خواهد بود و گمان نکردند که تمام حیات ملی و آزادیشان بواسطهٔ مختصر بهانه موهوم بی اصلی ممکن است در ظرف یکشب بمعرض خطر بیفتد *

دیر ملتفت شدند که فریب خورده اند اگرچه فهمیدن این نکته هم بسیار مشکلست که اگر فرضاً هم از حقیقت امر زود مطلع میشدند چه میتوانستند بکنند واگر

روسها بهانه که جستیه بودند مسدود و رفع میشد حلیه های دیگر تراشیده و برای تعدیات خود مستمسك قرار میدادند دامی که اطراف ایرانرا محاصره کرده و در آن سرزمین کسترده شده بود بتوسط آدستها واز آن قسمت کره بود که حرکت غیر منتظر و غیر متوقعی بصفحه شطرنج اروپا در تابستان ۱۹۱۱ داده بود خرس بقدری ماهر وچالاك بود که قبل از آنکه وقت وموقع بکذرد ریسمان یا فنر دام را حرکت داده و صید خود را کرفتار نمود *

این بحران و بلیاتی که برای دولت ایران پیش آمد سبب این شد که هرکس درباره همسایه خود بد کمان کردید رؤساء ومصادر امور مملکت هم دو فرقه شده بودند کابینه درتحت ریاست صمصام السلطنه یك طریقه ومسلك اختیار کرده وکا پیش نایب السلطنه را هم با خود متفق نموده بودند وکلاء مجلس هم بواسطه اینکه خود را وطن پرست و حافظ حقوق ملت و مسئول استقرار مملکت دانسته ودو مقابل آن مسئولیت بقاء سلطنت را طالب بودند بر خلاف رأی وعقیده کابینه مشی می نمودند —

حکام و رؤسای ایران که ارکان کابینه آنوقت بودند بامسئولیتی که داشتند بواسطه اولتیماتوم و مظالم روسها و سختی هائیکه درضمن آن اولتیماتوم با ایرانیان مصادف میکشت و یا از پس پرده تهدیدات متوالیه روس هموطنان قانونی خود را با شمشیر برهنه روسها مقابل میدیدند و یا بسبب سستی که بعد از باختن نرد پلتیك با چالاکتر از خود بر ایشان حاصل شده بود ناخوش و ناراحت بودند با وجودیکه احتمال خیانت وعهدشکنی در آن امر میرفت اولتیماتوم را قبول کردند *

باین جهة روز اول دسمبر قدری قبل از آنکه موعد چهل و هشت ساعت اولتیماتوم روس که برای قبول اظهارات و مطالبات خود معین کرده بود منقضی شود کابینه رای خود را در مجلس علنی اظهار نمود که رضایت قانونی مجلس را بر طبق مسلکي که قصد و اختیار کرده بود جلب نماید *

یك ساعت قبل از ظهر محوّطه و عمارت پارلمان از انبوه مردم منتظر و مضطرب پر بود و نیز امکنه که برای تماشائیان در مجلس معین شده بود از مشاهیر ایران و وکلاء عدلیه و اعضاء سفارتخانهای اجانب پر شدة بود زیرا که ظهر همان روز سرنوشت ایران از حیث ملیت معلوم میشد *

کابینه بقبول مطالبات روس مصمم شده و رعایت هر نکته را که احتمال رضایت مجلس در آن میرفت ترك نمود صمصام السلطنه رئیس الوزرا در موقعیکه یقین نمود که برای بحث و مذاکره وکلاء در باب اولتیماتوم روس وقت کافی باقی نمانده قریب بظهر هنگامیکه موعد در شرف انقضاء بود اظهار کرد که «وکلاء اختیارات تامه بکابینه بدهند تا اولتیماتوم روس را قبول نماید» *

این رأی و اظهار در حالت سکوت تام خوانده شد بعد از ختم آن بطوری سکوت و بهت بر تمام مردم طاری شد که هفتاد و شش نفر وکلاء موجوده پارلمان از پیر و جوان و علماء و پیشوایان مذهبی و وکلاء عدلیه واطباء وشاهزادگان درجای خود مثل اشخاص سکته کرده بی حس و بی حرکت ماندند *

یك عالم محترم اسلامی ایستاده و در موقعیکه وقت بسرعت و بیخبر میگذشت وظهر آن روز آن امر از اختیار ایشان خارج میگشت و هیچ رائی نمیتوانستند بدهند آن بنده خدا نطق مختصر مناسب حال و بموقعی نموده و گفت «شاید مشیت خداوند بر این امر قرار گرفته باشد که آزادی و استقلال ما بزور از ما سلب شود ولی سزاوار نیست که ماخود مان بامضاء خود از دست داده و ترك کنیم» و دستهای مرتعش خودرا برای داد خواهی و تظلم بسمت مردم حرکتی داده و در جای خود نشست *

الفاظ و عبارات آن شخص بسیار ساده و مختصر بود ولی مثل اینکه پر و بال داشت پر معنی بود اینگونه مکالمه کردن در مباحثه فلسفی آسان ولی در پیش نظر یك شخص ظالم قهار ستم پیشه بسیار مشکل ودشوار است وحال آنکه طرفدارانش از «گاری» (غرفه) ها خیره خیره باو نگریسته و در دلهای خود او را برای حبس و شکنجه ونفی بلد نمودن یا بدتر از آن نشان مینمودند *

وکلاء دیگر نیز بهمان مسلك مشار الیه را متابعت در نطق نموده و بواسطه تنگی وقت نطقهای مختصر داده واز عزت وشرافت موکلین خود حمایت نموده وحقوق زندگی واستقلال آنان را که باشکال زیاد بدست آورده بودند اعلان کرده و داد خواهی شایانی از طرف ملت خود نمودند *

چند دقیقه قبل از ظهر رأی عمومی گرفته شد یکی دو نفر که بسیار جبون و کم جرائت ومثل زاغ و از اشخاص پست فطرت بودند خود را پنهان نموده و کناره گیری اختیار کرده و بی خبر از مجلس خارج شدند چون اسامی وکلاء خوانده شد هر یك در

جابخود ایستاده و رای خود را علناً اظهار نمود *
وقتیکه فهرست اسامی تمام وکلاء خوانده شد تماماً از پیشوایان روحانی وسایر طبقات از جوان تا پیر هشتاد ساله کمیتین تقدیر خود را بر صفحه اظهار انداخته و از طرف ملت از جان گذشته پایمال شده خود که آینده ظلمانی خطرناکی در پیش داشتند بهیئت اجتماع جوابداده و اولتیماتوم روس را رد نمودند بخطر انداختن جان خود و خانواده و کسان خویش و گرفتار شدن بچنگال و دندان خرس بزرگ شما لیرا بر فدا کردن عزت و شرافت و حقوق آزادی و استقلال موکلین خود که تازه تحصیل نموده بودند ترجیح دادند *
در موقعیکه اشکهای تماشائیان جاری و نعره های خوشحالی آنها برای تمجید و تحسین بلند بود اعضاء کابینه شرمنده و بیمناك بیرون رفتند وکلاء هم برای چاره جوئی و تدبیری برای جلوگیری از آن واقعه که برای ملت پیش آمده بود منتشر و متفرق شدند *
بواسطه این اتفاق و اکثریت آراء وکلاء مجلس مطابق قانون اساسی کابینه مضمحل و منحل گردید *
بسیاری از مردم در خیابان لاله زار که خیابان معروف طهرانست جمع شده و نعرها بلند بود که مرده باد خائنین ملت و خدا را گواه طلبیده که برای محافظت وطن خود بجان دادن حاضر خواهند بود *
چند روز بعد مابین وکلاء و کابینه معزول شده دریك جلسه سری در رد وانکار اولتیماتوم روس اتفاق آراء شد درخلال این حال هزارها عساکر و قزاقان روس با توپخانه پی در پی در شمال ایران وارد میشدند از تفلیس و جلفا از راه خشکی واز باد کوبه و بحر خزر گذشته و در بندر انزلی ایران پیاده شده و بطی مسافت جاده دویست و بیست میلی از کوههای البرز بطرف قزوین و طهران شروع نمودند *
در حکومت طهران مشورت بعد از مشورت بود که واقع میشد وسازشها که بر خلاف وکلاء می شد ولی بواسطه ترس ساکت و آرام گردیدند ارکان مجلس با این مخاطرات که یقین بضرر خود داشتند روز بروز در رأی خود مستقل تر و ثابت قدم تر بودند *
ممکن نیست که حالت شبها و روزهای مشوشانه ماه ظلمانی دسمبر را در پایتخت شرح دهم مثل اینکه در هوا هم قسمی خوف و هراس پنهان و پوشیده بود گویا کوههای

بر از برف هم از منظره های المناك مملکت که بر آنها گذشتنی بود متألم ومتاثر بودند *

از طرف علماء و پیشوایان روحانی حکم به تحریم و بایکوت امتعه روس و انگلیس شد ایرانیان سواری ترامویه طهران را که به سبك قدیم بود بگمان اینکه متعلق بروسهاست نیز ترك کردند وزیر مختار بلجیك از این مقدمه بر افروخته شده و اعتراضات بسیار بوزارت خارجه ایران نمود بجهة اینکه اداره ترامویه متعلق به یکی از ابناء وطن مشارالیه بود تمام آن روز تراموهای مزبور خالی و بدون مسافر میگردیدند جوانان وشاگردان مدارس وزنان دسته دسته فضای خیابانهارا پر نموده و مسافرینیکه از روی بی اطلاعی اتفاقاً سوار شده پیاده می نمودند دریچه و شیشهای مغازهائیکه در آن امتعه روسی نمایش داده و فروخته میشد شکستند سعی و مواضبت تامی نمودند که کسی چای نخورد اگرچه چای هندوستان هم باشد زیرا که اغلب چایهای طهران از روسیه می آمد و بهیئت اجتماع بسفارتخانهای دول خارجه میرفتند که از نمایندگان دول عالم برای ملت مأیوس خود داد خواهی کنند *

یکروز شهرت میکرد که مشاهیر ملاهای نجف اعلان جهاد و جنك مذهبی برخلاف روسها نموده اند (۱) روز دیگر خبر میرسید که قشون روس در قزوین شروع بگلوله ریزی و قتل عام نموده است *

بایکوت امتعه انگلیس درجنوب ایران بقدری اهمیت پیدا کرد که فوج هندی انگلیس در شیراز به اشکال تمام برای خود آذوقه تحصیل میکردند ملاهای معروف آنجا اسکناس بانك شاهنشاهی را که انحصار بانگلیسها داشت حکم بنجاست آن نموده و ببانك رد کرده و درعوض مسکوکات دولتی میگرفتند تقریباً هر روز بیست هزار تومان اسکناس مبادلهٔ بپول میشد *

یکروز بتوسط پلیس مخفی دو نفر از اعضاء هیئتی که برای کشتن خزانه دار سازش

(۱) سیزدهم دسمبر (بیست ویکم ذیحجه ۱۳۲۹) ملا محمد کاظم خراسانی مجتهد معروف نجف در موقعیکه در شرف حرکت بطهران بود برای اعلان جهاد مذهبی برخلاف روسها بغتتاً بواسطه علت مخفی فوت نموده در طهران یقین شده بود که بتوسط حامیان و معاونین روسها مسموم گردیده است آن ملای معروف ودو نفر از همکاران و دوستانش حاجی میرزا حسین حاجی میرزا خلیل و ملاعبدالله مازندرانی در امداد و معاونت ملیین و مشروطه طلبان ایران بیشتر و پیشتر از سایر پیشوایان اسلام مجاهدات نمودند *

نموده بودند گرفتار شدند پلیس بمنزل ایشان حمله و یورش برده و در آنجا دستگاه مختصری که برای ساختن « بمب » فراهم شده بود بعلاوه چند « بمب » که از شوره و گلیسیرین ساخته شده بود پیدا کردند در ضمن استنطاقات در اداره پلیس اقرار نمودند که چند نفر از ایرانیان که برخلاف سلطنت جدید بوده بایشان پول داده اند تا در موقعیکه با کالسکه از خیابانها میگذرم با « بمب » مرا تلف کنند *

دیگر در همچو صورتی زندگانی در طهران برای من مناسبت و صلاحیت نداشت در موقعیکه در اداره خود نشسته بودم آوازهای گلوله ها بود که از خیابانهای اطراف باغ می آمد بواسطه جنگهائیکه مجاور پارک واقع میشد اینگونه اتفاقات امر خلاف معمولی نبود و در شبها تقریباً آوازه خوانی طپانچه « موزر » واقع میشد مأمورین روس که پاره از دستجات قشون و قزاقهای ساخلوی روس در قزوین جدا شده و پیش امده بودند هر روز صبح زود با قزاقان برای معاینه نقشه پارک می امده و بمستحفظین پارک صورتهای مهیب و هولناک خود را نشانداده و گردش می نمودند بدون شبهه ان قشون بسیاری که روسها بایران وارد نموده بودند فقط برای اخراج من بود نتیجه حمله های زهر آلود خصومت امیزی که روزنامهای نیم رسمی روس برخلاف من میکردند حقیقةً باعث تشویق و ترغیب بلکه دعوتی بود برای اشرار و بدسگالان و فراریان پلتیکی قفقاز که (صدها در طهران بودند) برای ضرر رسانیدن بمن باین امید که حقیقةً یا بصرف خیال از دولت روس دوباره تأمینی برای خود حاصل کنند چنانچه قاتلین صنیع الدوله (مرحوم) هم همین تأمین و خاطر جمعی را برای خود تحصیل نمودند *

یکروز عصر تنگی در موقعیکه با زن خود مستعد رفتن بمهمانی مختصری بودم خبر رسید که سه نفر قفقازی در خیابان مجاور پارک منتظر من میباشند ان خبر صحیح بوده وصحت ان هم به ثبوت پیوست باین ملاحظه خیال نمودم که ماندن در منزل انسب و اولی است در این موقع چند نفر از احزاب ملی و وطن پرستان از من خواهش نمودند که بایشان اذن بدهم تاهیئتی برایجلوگیری از کوششهائیکه برخلاف جان من شده بود مرا محافظت نمایند من هم راضی گشتم (۱) از ان وقت به بعد مستحفظین داوطلب روز و شب

(۱) بسیار متأسف شده از شنیدن این خبر که یکی از ان « والنتیر » یعنی داوطلبان را چند هفته بعد از حرکت من از طهران بواسطه این که فدائی خطرناکی بود بدارا زدند *

مواظب من بوده و هیچ وقت غفلت نه نموده و از من منفك نمیشدند - مگر وقت خواب *
چهاردهم دسمبر (بیست و دوم ذیحجه ۱۳۲۹) مژور استوکس از طهران حرکت نمود که بدستهٔ خود در هندوستان ملحق شود *

روز دیگر سفارت روس بدولت ایران اطلاع داد که اگر در ظرف شش روز تمام مواد اولتیماتوم قبول نشود چهار هزار نفر قشون ساخلوی قزوین بسمت طهران حرکت خواهد نمود چند روز بعد از ان از اثر پردهای تیاتری و در حمایت اقدامات روس دو هزار نفر ترا که از حدود ما زندران حرکت نموده و حقیقةً تا دامغان هم رسیده و از انجا پایتخت را تهدید می نمودند در انزمان طهران بیشتر از ششصد نفر نمیتوانست قشون برای جلوگیری ایشان بفرستد یك هیچو قشون بزرگی در تحت فرماندهی یکی از (افتنت) های مسیو یفرم فرستاده شد که انها را از پیشقدمی ممانعت نماید *

پیغامات و تلگرافات اطمینان بخش و اظهار همدردی از جانب تمام مسلمانان عالم بطهران هجوم اورد چند فقرهٔ از ان تلگرافات دماغ کابینهٔ ایران را که از چندی قبل به تسلیم کردن خود وملت خویش بروسها راضی کشته بودند مثل توده آتش سوزانید *

انجمن دفاع ایرانیان از کلکته تلگراف ذیل را بکابینه مخابره نمود :— «هرگز بقبول مطالبات جدید راضی نشوید بلکه از اثر یکهائی که در منجستر و مسلمانان عالم ظاهر شده فایده بگیرید حتی زنان هندوستان هم بسیار بر انگخته شده اند فشار شمالی برای تحصیل اجازه و تسهیل کشیدن راه اهنست بنصیحتهای جنوب اعتماد نکنید تعلقات و روابط امریکائیها را زیاد کنید (۱) *

وقتی وزیر خارجه عثمانی در جواب پارلمان اسلامبول توضیحی داده و نقشه حالت حاضره ایرانرا رنك تمسخر امیز نوی داد ان ظریف عثمانی جواب داد که ازادی و استقلال ایران هیچ دو خطر نیست زیرا که معاهده روس و انگلیس ضامن حفظ انست

---

(۱) این تلگراف نیم مخفی حالت اصلی محصور شدن انگلستان وطهران وسایر ممالك دیگر را واضح می نمود *

اطلاع کامل حاصل نمودم که ایرانیان یقین کرده بودند درصورتیکه مجلس سهولت کشیدن راه اهن را بروسها تفویض نماید روسها قشون خود را از ایران معاودت خواهند داد واشکال تراشیهای اولتیماتوم بخوبی رفع خواهد شد جملهٔ اخر تلگراف مزبور اشاره بمضمون می باشد *

میباشد در صورتیکه در انوقت دوازده هزار نفر قشون روس تمام نقاط قلمرو شمالی ایران را تصرف نموده بود *

مجلس برای خلاصی از این مسلکهای مختلفه ورهائی از این مخمصه های تازه بسیار کوشش و سعیهای غریب نمود یکی از الخیالات تازه که بنظر شان جلوه نمود این بود که ممالك متحدهٔ اتازونی امریکا را بهانه دهند که در معاملات ایران مداخله نماید شبی چند نفر از لیدران احزاب و ارکان معروف مجلس بملاقات من امده و خواهش نمودند که مسوده قانونی مختصری ترتیب دهم تا کشیدن راه آهنهای لازمه را که محل بحث است رعایت کنند و جای اسم را خالی گذارده تا ان قانون را فوراً امضاء و اجراء نمایند واسم شخص متمول یا جماعتی از متمولین امریکا را بنویسم و تلگرافاً از نیو یورك اجازه تحصیل کنم تا ان متمولین از دولت متبوعه خود اجازه واطمینان تحصیل نموده و شروع بکار کنند وسعت این خیال عمیق را تحسین نموده واظهار کردم که متأسفانه نمی توانم در این کار مداخله و اقدام نمایم *

مشیر الدوله که فقط اسماً وزیر عدلیه بود اگر چه در موقع وصول و اشاعه اولتیماتوم از اقدامات کابینه بکلی خارج بود کسی را پیش من فرستاد که سؤال کند اگر مجلس اختیارات تامه بمن بدهد ایا میتوانم با روس و انگلیس تصفیه ان شروط را بکنم؟ و نیز گفت برادرش که رئیس مجلس است منتهای میل و ارزو را بانجام کار بدین قسم دارد و گفته است که اغلب وکلاء نیز طرفدار این رأی میباشند من تشکر نموده و گفتم بنظرم میرسد که مداخله در این گونه امور وظیفه و تکلیف کابینه است نه خزانه دار خصوصاً در صورتیکه اشاره یکی از اصول مقاصد ان اولتیماتوم راجع بمن می باشد بعضی از وکلاء هم رای دادند که دولت باید بمطالبهٔ روس در انفصال من از شغل خزانه داری راضی شود ولی بعنوان مستشاری مجلس مرا در ایران نگاه بدارند *

وقتیکه مجلس در کمال یاس هیئت دوازده نفره را نزد نایب السلطنه فرستاد که باو اطلاع دهند که چون مجلس هیچ اعتماد و وثوقی باعضاء کابینه ندارد در شرف اختیار مسلك جدیدی است که به نایب السلطنه اختیارات تامه بدهند تا با روس و انگلیس شروع بمذاکرات نموده واز جانب دولت ایران بشرائط مناسبی با آن دو دولت صلح نماید رنك والا حضرت مثل میت سفید شده و از بسیاری حزن و اندوه پریشان گردیده و وکلاء را تهدید نمود که اگر مرتبه دیگر این خواهش را تکرار نمائید بفاصله نیم ساعت

بسمت انزلی حرکت خواهم نمود و حکم داد که کالسکه اش را حاضر نمایند *

وقتی هر چهار فرقه سیاسی ایران یعنی حزب دیموکرات و اعتدالیون و اتحاد و ترقی و حزب داشناك سیون (Dashnaktiyoon) (جماعت ارامنه) بتوسط وکلاء خود جمع شده و قرار دادند که از اقدامات آینده قشون روس و پیشقدمی بجانب پایتخت جلوگیری نمایند تمام قشون طهران که در آنوقت میتوانست حاضر شود منحصر بود بدو هزار سوار بختیاری و سیصد نفر مجاهد ارمنی با چند توپ مسلسل مکزیم و تقریباً سه هزار نفر فدائی « والانتیر » وطنی که قسم خورده بودند که دولت مشروطه ایران را محافظت و حمایت نمایند تمام این قشون فدائی هیئتی بودند بینظم و بی اسلحه ولی شجاع و متهور بشهادت شجاعت و رشادتهائیکه چند هفته بعد از برادران تبریزیشان از آنان بظهور رسید که تا شش روز با قشون و دو باطری توپخانه روس که عدد شان پنج مقابل مجاهدین بود مقاومت نمودند در صورتیکه هیچ توپ و توپخانه همراه نداشتند اگر راههای کوههای طهرانرا تصرف و قبضه می نمودند بدون شبهه بر پانزده هزار قشون روس غالب می آمدند بجهة اینکه آن فدائیان آرزوی فوق العاده برای مقابله با قشون روس داشتند *

علاوه بر قشون مزبور هزار و یکصد نفر ژاندارم خزانه نیز در آن زمان بود که به تربیت چهار نفر صاحب منصب ماهر و شجاع امریکائی تربیت یافته بودند این فوج ژاندارمری از مردمان وطن پرست ایران که حقیقةً میخواستند خدمت بوطن خود شان نمایند انتخاب شده بود و من تعهد کرده بودم که آنها را با اسلحه و مشق نظامی نگاه دارم و بعد از چندی سی و پنجنفر صاحب منصب ایرانی که فرمانده آنها بودند چون مغلوب شدن مجلس را شنیدند پیش من امده و بعجز تمام خواهش کردند که برای دفاع وطنشان به انها اذن جنك داده شود من قرائن بسیاری داشتم بجهة ثبوت اشتیاق فوق العادهٔ انها برای مقابله با روسها *

در موقعیکه لیدران و پیشوایان فرق سیاسی برای مقابله کردن با روسها مصمم شده بودند وقت تنك شبی اعضاء کمیتی حفاظت (محافظ) مرا ملاقات نموده ورأی و صلاح مرا بطریقی برای اجراء مقاصد خود سئوال و پرسش کردند خوب بخاطر دارم بی اصلی و موهوم بودن ان ملاقات را که دوازده نفر لیدران منتخب شده طبقات مختلفه عجیب و اجنبی با مسلکهای مختلفه در زندگانی مشورت کردن از شخصی که باعتقاد انها کافر و

بی ایمان بود در امریکه ایا ایشان باید اقدام شجاعانه موثری بکنند؟ و ایا این اقدام از هزارها نفوس خوف و مرگرا رفع خواهد نمود؟ و بالاخره ایا ضررهای جسمانی خارج از قیاس را باید از مردم دور بکنند؟ *

سه ساعت در این باب مذاکره نمودیم اخرالامر مجبور شدم که برخلاف مسلك و رضای خود اظهار این رأی را بکنم که اگر قشون ایران مختصر قدمی در شمال طهران برخلاف قشون روس بردارد بعد از آب شدن برفها یعنی بهار آینده پنجاه هزار نفر قزاق روس داخل ایران شده و شراره آخری آزادی و استقلال ایران را پایمال خواهند نمود نه یك بیوه زن و نه یك طفل یتیم را باقی خواهند گذاشت که بر قبرهای سربازان فدائی ایران ماتم سرائی کنند *

اگرچه آن مذاکرات بسیار المناك و عجیب بود وشاید هم حق نداشتند که مسئولیت آن کاررا بعهده شخص اجنبی وا گذارند اما از یاد آوردن آن قضیه خیلی خوشحال میشوم که وقوع و پیش آمد مصیبت خطرناکی را بایشان اطلاع داده که مفرّی از ان نداشته و خواه نخواه ان مصیبت وقوع می پذیرفت *

باری علی الظاهر بمخالفت محرمانه با مطالبات روسها راضی گشته و نوشتجانشان را برچیده و رفتند باب مختصری علاوه بر ابواب مقرره نوشته شد که در نظر بیشتر اهل عالم معنی درست صحیحی ندارد ولی نزد اشخاصی که ان واقعه بر ایشان گذشته مملو از معانی و فوائد است *

در این وقت دراطراف طهران شهرت داشت که بواسطه تهدید و رشوتهائیکه مامورین معروف روس باکثر وکلاء ایران بکار برده مجلس بقبول آن شروط راضی و مطیع خواهد گشت در این هنگام زنان ایران اقدامات معزّزانه وطن پرستانه نمودند که سر آمد همه کارهائی بود که از ابتداء تجدّد حیات ایران نموده بودند *

زنان ایران از سنه ۱۹۰۷ بیك جنبش بسیار ترقی نموده بودند اگرچه از حزب « رادیکل » بشمار نیامده و ترقی آنان ذاتی و اصلی نبود ولی با این حال از ترقی یافتگان عالم محسوب میشدند آن اقدامات زنان خیالات مندرسه قرنهارا خراب و فاسدنمود و هیچ خیالیهم بصحت اینقول وارد نمیشود که آنوقایع طبیعی و حقیقی بود *

اگر بگوییم که این قوّه قوّیه اخلاق که مردان مشرقی انها را سر امد متاع و اثاث مشرق زمینیان نامیده و بواسطه اهالی ایران خوب منظم گردیده و بجهة مخالفت بد قسمت

کم عمری بزودی پژمرده شده بود شاید بیان واقع باشد ان زنان برای زنده نگاهداشتن روح ازادی کوششهای بسیار می نمودند در حالتیکه ایشان در تحت دو قسم فشار و مظالم بودند یکی پلتیکی و دیگری تمدنی و معاشرتی و در اتخاذ طرق حکومت مشروطه و اموختن قوانین پلتیکی و معاشرتی و اخلاقی و تجارتی از اهالی مغرب زمین بیشتر از مردها مایل بحرکات خوشنمائی ملیانه بودند نظیر این امر غریب این است که بسیاری از علماء نیز این ارزوی مردم را امداد و معاونت می نمودند استمداد ملت از فرقهٔ که همیشه در موقع تغیرات و انقلابات فوائد قدیمی خود را طالب بوده بیشتر مورث تعجب میگردد درصورتیکه نقصان کلی از ان تغیرات پلتیکی بمنافع تاریخی ایشان میرسید *

در ظرف مدت پنجسال یعنی پس از ان انقلابی که بدون خون ریزی در سنه ۱۹۰۶ به ارزوهای خود مشعشعانه کامیاب شدند هنوز از اثر مظالم مظفرالدین شاه شراره و شعلهای غضب الودهٔ از چشمهای مستوره زنان ایران اشکار بود و در جد وجهد تحصیل ازادی جدید و علامات ان با کمال سعی بعضی رسوم مخصوصه را که از قرون پیش در ایران معمول بود ترك نمودند *

موقع بسیار یافتیم که ظهور اثرات و اراده های عالیه زنان اسلامی که پی در پی واقع می شد به بینیم *

ماها که اروپائی و امریکائی هستیم از زمانه درازی بشرکت دادن زنان مغرب زمین در معاملات و پیشها و علم و ادب و فزیك و پلتیك عادی شده ایم اما چه میتوان گفت درباره زنان پرده نشین و محجوب مشرق قریب که بفاصله کمی استاد و مدیر جرائد و بانی کلوپ زنانه و نطاق مضامین پلتیکی شده و با کمال قوت مشغول بترویج و ترقی خیالات مهمه مغرب زمین می باشند معلوم نیست مملکتی که از قرون عدیده باین طرف در تاریکی و خاموشی استبداد پیچیده شده خیال اشتراك مملکتشان در تجدید زندگانی پلتیکی و تمدنی از چه وقت طلوع نموده و این اعتقاد راسخ آنها در قوانین پلتیکی و تمدنی از کجا پیدا شده! هیچ محل تردید و شبهه نیست که این گونه خیالات در ایشان حادث شده و حال هم هنوز باقی است وعقل و ادراکی که بواسطه تجربه عملیات سالهای دراز عموماً تحصیل نموده اند بر آن خیالات افزوده شده *

زنان ایران نمونه مشعشعی از لیاقت و دلهای پاکیزه خود در قبول خیالات جدیده اظهار نموده و با تهور و مجاهدت بتکمیل خیالات خویش مشغول گشتند *

پس از چند روز از ورود بایران در تحصیل عقائد ملی یعنی مجلس و جماعتی که وکیل و محل امیدواری و خیالات بیشتر اهالی ایران بودند نائل شدم پس از حصول امر مزبور فوراً بیك اثر بزرگ دیگری اگرچه مخفی بود منتقل گردیدم که آن اثر مرا از چشمان مهربانی که از روی حسد و رشك بحرکات من بود محافظت نمود در طهران شهرت داشت که دوجین ها و دسته ها از اعضاء انجمنهای سرّی زنان هستند که مخفی و کتام و در تحت اوامر مرکز معینی که زمام نظم ایشان را در دست داشت میباشند تا امروز هم نه اسم هیچیك از آنها را دانسته و نه لیدران آن فرقه را می شناسم ولی از طرق عدیده مطلع شدم که هزارها از جنس ان زنان ضعیف در پیشرفت کار های من مساعدت می نمایند *

ذکر نظائر چندی برای اثبات این مطلب کفایت میکند در تابستان گذشته یکروز صبح در موقعیکه در ادارهٔ خود نشسته بودم گفتند یکي از منشیان ایراني دفتر خزانه برای مذاکرهٔ امر لازمی خواهش ملاقات دارد در مشرق زمین اخبار و اتفاقات عجیبه بی مقدمه و بیسابقه بانسان میرسد که ان خواهش را نمی شود بهیچ قسم بسهولت رد نمود انمرد جوان داخل شد تا انزمان او را ندیده بودم بزبان فرانسه با هم گفتگو کردیم بعد از اظهار معذرت و اجازه مکالمه ازادانه گفت مادرش طرفدار ما بوده و بمشار الیه تاکید نموده که بمن بگوید که زن من باید بخانه فلان امیر ایرانیکه خانواده او مهمانش کرده بودند نرود" زیرا که امیر دشمن حکومت مشروطه است ورفتن زن من بخانهٔ مشا الیه باعث بدگمانی ایرانیان از من خواهد شد از او تشکر نموده و تا انوقت خود ملهم از ان مقدمه دعوت اطلاع نداشته و زود ملتفت شدم که همان قسم تدبیر شده و پیروي ننمودن انهم نصیحت کرده شده بود ثانیاً ان جوانرا طلبیده و سئوال نمودم که مادرش از چه راه از اینمعامله مخفی شخصی زن من اطلاع یافته است ؟ جواب داد که مادرش در انجمن سری زنان عضویت دارد ودر انجا این مسئله مطرح مذاکره و بحث گردیده و قرار شده است که این امر را بمن اطلاع دهند *

در یکمعاملهٔ دیگر تازه تری جماعت بسیاری از زنان فقیر و پریشان ایرانی بپارگ اتابك آمده که بمن اظهار نمایند که چون ادارهٔ خزانه نمیتواند وظائف و مستمریهای دولتی مرد مرا برساند و بیش از یکملیون دالر قرض دارد و مثل این وجه برای مصارف قشون داوطلب که با شاه مخلوع جنگ میکنند لازم دارد مخالف و بر ضد من میباشند

یکی از معاونین ایرانی خود را فرستادم که آنها را ملاقات نموده وسئوال نماید که کدام کس آن اعتراضاترا بایشان تعلیم نموده است آن شخص مراجعت نموده واسم یکی از مشاهیر مخالفین را که آنوقت در امداد و طرفداری معامله محمد علی بود ذکر نمودم جواب دادم که اگر به آرامی وسکونت تمام متفرق ومنتشر شوند فردا جواب به آنها داده خواهد شد و انها نیز متفرق شدند *

بعد از آن بیکی از انجمنهای زنان توضیح مشکلات مالیه و ممکن نبودن تأدیهٔ آنوظائف را بسبب حوائج مهمه دولت مشروطه فرستادم بانضام این خواهش که در آینده ازین گونه شورش و هیاهو برخلاف خزانه منع و جلوگیری نمایند اگرچه بعد از آن تاریخ تأدیهٔ وظایف ممکن نشد ولی از جانب زنان هم دیگر اجماع وشورشی درآن باب بعمل نیامد *

در طهران معروف بود که هر وقت زنها برخلاف کابینه یا دولت بلوا و شورش میکنند حالت کابینه و دولت بسیار خطرناك وسخت خواهد شد *

در موقع ضبط و توقیف املاك و اموال شعاع السلطنه چون دولاروس ملتفت شد که قونسل جنرال هیچ بهانهٔ قانونی برای جلوگیری و منع از آن اقدام ندارد متوسل باین تدبیر شده واین حیله را اظهار نمود که پارگ شعاع السلطنه واقعه درطهران در بانك استقراضی روس گرو میباشد ومالکش ببانك مزبور دویست و بیست پنجهزار دالر مقروض است همه میدانستند که ان ادعا لغو وآن مطالبه بیجا است ولکن چون آن طریقه مراهنه طریقه مختار و مرضی عمومی نبوده و شاهزاده یاغی برای حفظ املاك خود از ضبط شدن آن مکر و توریه را نموده بود من نتوانستم بطلان ان ادعا را اثبات و خلاف آن را مدلل نمایم بانك روس هم در عوض ارائه نمودن دفاتر واقامه شهود برای اثبات ان قرض مانند کرها بی اعتنائی می نمود *

دراینموقع دلیل بینی برای شجاعت ووطن پرستی یکزن ایرانی بدست اورده و درجه میزان همراهی اورا با خزانه دولت مشروطه احساس نمودم *

یکی از مشاهیر معاونین ایرانیم که شخص وطن پرست تربیت یافته عالی بود بملاقات من آمده و اظهار داشت که خواهرش که یکی از زوجات شعاع السلطنه است سوادی از وصیت نامه اخری ان شاهزاده که همان سال قدری قبل از حرکتش از ایران مطابق رسوم معمولهٔ مذهبی و اسلام بطوریکه سزاوار یکنفر شخص ابرومند یست بدست اورده*

در آنزمان به برادر خود اطلاعداده که آن سند را که در واقع فهرست و صورت تمام اراضی و املاك آن شاهزاده را چنانچه باید وشاید حاوی بود بمن نشان دهد سواد مزبور متضمن بیان مشروحی بود از تمام محاسباتی که شاهزاده مشار الیه بمردم بده کار و طلبکار بود در حقیقت راپورت کاملی از دارائیش بود با اینکه در ارائه سند احتمال خطر جانخود و فرزندانش بسیار میرفت با انحال چون مشار الیها یقین کرده بود که ارائه آن سند از وظائف بلکه فرائض وطنی او میباشد سواد آنرا پیش من فرستاد به امداد سند مزبور توانستم از کذب اخری دفاع کنم که دولت روس برای دروغ و اقدامات قانون شکنانه و خاصانهٔ مأمورین قونسلخانهٔ خود در ان معامله اعتماد کرده بود *

در ان ایام تار ظلمانی که اوهام مردم در تردید بود که ایا مجلس باقی خواهد ماند یا منفصل میشود؟ زنان ایران با هیجان و حرارت قلبی برای محافظت ازادی و محبت فوق العادهٔ وطن خود اخرین اقدامی که اثان را بر مردان تفوق و برتری داده و دلیل شجاعت وطنیشان بود بعرصهٔ ظهور رسانیدند شهرت داشت که وکلاء و نمایندگان در چند جاسه سرّی مجلس قرار داده بودند که مطالبات روسها را تسلیم نموده و راضی شوند بازاریان واهالی پایتخت فرقه فرقه شده بودند در اینصورت ملیین وکلاء را چگونه به اداء وظایف خود شان مجبور می توانستند بکنند؟

در این موقع زنان ایران جوابی مهیا نموده وسیصد نفر از ان جنس ضعیف از خانه و حرمسرا های محصور با افروختگی بشره که از عزم ثابتشان خبر میداد بیرون امده در حالتیکه در چادرهای سیاه و نقابهای مشبك سفید مستور بوده و حرکت نظامی می نمودند بسیاری از ایشان در زیر لباس یا استینهای خود طپانچها پنهان داشتند یکسره بمجلس رفته و در انجا جمع شده واز رئیس مجلس خواهش نمودند که تمام انها را اجازه دخول دهد رئیس مجلس بملاقات نمایندگان ایشان راضی شده دراطاق ملاقات با رئیس مقابله کرده وطرف مذاکره شدند باین خیال که مبادا خود یا همراهانش مطلب و مقصود شانرا درست ملتفت نشوند آن هیئت مادران و زوجات و دختران محجوب ایرانی طپانچهای خودرا برای تهدید نمایش داده و نقابهارا پاره کرده و دور انداخته و اراده و عزم آخری خود را اظهار و اعتراف کردند که اگر وکلاء مجلس در انجام فرائض خود و محافظت و بر قرار داشتن شرف ملت ایران تردید نمایند مردان و فرزندان و خود مان را کشته و اجساد مان را همین جا می اندازیم *

اگرچه مجلس از یك شرق دست فعله های روسی دریکی دو هفتهٔ بعد از پادرآمد ولی ازآلایش فروختن حقوق وطنی ملت خود مبرّا گشت *

آیا با این حال سزاوار نیست که به آواز بلند فاش و برملا گفته شود که «عزت زنان نقاب پوش ایران پاینده باد» ؟ بواسطه اطمینان و اتکال باوهام مردان که همیشه درمقابل نظر شان مجسم بود فرصت تعلیم خودرا بروفق خیالات جدیده از دست داده ومحروم گردید و نتوانستند از آن اقدامات خود فائده صحیحی ببرند با الحال و با مراغبت و ممانعت مردان از پیمانهٔ آزادی سیراب شدند همه روزه پولهای خود را برای اعانه مملکت خود میدادند وخدام وطن را تشویق نموده وهر لحظه بچشم حسرت مادرانه بر انها می نگریستند دران موقع وان ساعت دهشت ناك حزن افزا که دلهای مردان ضعیف شده و خوف حبس وزجر ودار وگلوله ریزشدن بر شجاع ترین اهل مملکت راه یافته وباعث خفقان قلبشان شده زنها کوتاهی نکرده و از دیگران عقب نماندند*

چون روسها از تهدید و دادن رشوه بر خلاف مجلس فائده نبردند مجبوراً بخراب کردن آن حکم دادند *

بعد از ظهر بیست وچهارم دسمبر (دوم محرم ۱۳۳۰) کابینه که از طرق عدیده معزول شده بود مجبور بکار بردن یك ضرب دست برخلاف مجلس شد بتوسط عدهٔ ژاندارمه و دستهٔ از ایل بختیاری بخارج کردن تمام وکلاء ومستخدمین و اجزاء جزء داخله مجلس کامیاب وکامران شدند وبعد از ان درها را بسته ومقفل نموده وعدهٔ کثیری از گارد همایون که معروف به رژیمان شاهی بود برای محافظت مجلس گذارده و بوکلاء تهدید نمودند که اگر در مراجعت به انجا یا جمع شدن در جای دیگر سعی نمایند کشته خواهند شد شهر طهران فوراً بطرز حکومت اوّلیه یعنی استبدادی و نظامی گردید آن هفت نفر مدیر که از پیش خود بطوردل بخواه تشکیل شده بودند به آن امر مهم خوفناك اقدام نمودند باطمینان آنکه قشون زیاد بختیاری که تقریباً دوهزار نفر و بعد از شکست دادن قشون شاه مخلوع در سبتامبر گذشته درپای تخت جمع شده بودند دو مرتبه بحکم وتصدیق نواب و مأمورین بمحافظت دولت جدید و حمایت ایشان مقرر خواهند شد نواب روس بترغیب و مطمئن کردن اعضاء کابینه معزول شده که مقاصد و اغراضشان طرفداری روسها بود نائل شده و بمقصود خود رسیدند ممکن نیست دانستن این امر که چه مقدار طمع و خوف آن کابینهٔ معزول شده را درظل حمایت

اغیار بمخالفت و خرابی مملکت خود حاضر و راضی گردانید ولی بدون شبهه از هر دو مهلکه حصه و سهم کافی داشتند رئیس الوزراء یکی از مشاهیر سرداران بختیاری و وزیر جنك بود سردار محتشم سردار دیگر بختیاری بود که فقط از پیش خود وزیر جنك شده بود آن سرداران هیئتی بودند مرکب از وطن پرستان کوهی و صحرائی یا یاغیهای شهری که همیشه قشون وفادار و راهزن طماع ایران بودند صفت و خصلت طماعی آنها شاید فطری و جبلی بوده که در مقابل قزاق و توپ خانهٔ روس زندگانی با شرف و موقع عزیز خود را به ثمن بخسی نقد بعلاوهٔ وعدهٔ فریب آمیزی فروخته و خاتمه دادند یعنی امتداد وزارت عظمائی مثل وزارت مالیه که ابدالدهر در خانواده و طایفهٔ ایشان باقی باشد چون بر خلاف رأی مجلس که هیچ اطمینانی بایشان نداشت بحمل اسلحه مصمم شدند آن قشون دیگر با اسلحهٔ دولت مشروطه یعنی ژاندارمه طهران بسرکردگی آن سرد شجاع ارمنی یعنی یفرم خان که ظاهراً از سازش کابینه با روسها دل خود را باخته و بموافقت با ایشان تن در داده بود پرده آخری دولت مشروطه را پیچیده و اخرین اثر او را محو نموده وخاتمه داده و سر انجام حیات مملکت و استقلال خود را برحم و وجدان ان هفت نفر مأمورین یا حکام مشرقی که مملکت خودرا بروسها فروخته تفویض نمودند این اقدام خاتمه افسوسناکی بود برای جد وجهد شجاعانه ازادی و نور علم ☆

عصر همانروز بسیاری از وکلاء منفصل شده به اداره من آمدند من ایشانرا خوب میشناختم که تربیت یافته و تحصیل نموده اروپا و باجرأت و دیانت بوده و بوطن پرستی ایشان اعتماد کلی داشتم تحمل انحرکت خارج از قانون هموطنانشان بنظر انها صعب تر از یك بلای پلتیکی یا توهین مذهبی بوده و حرکت وحشیانه وجرم بزرگی بود با اشکها و آواز مرتعش و دلهای پریشان مردد بودند که ایا وزراء سابقه و کسانیرا که خرابی دولت و مملکت را بنهایت درجه رسانیده بودند بکشند یا بر حسب خیالات مشرقی ها مسلك خودکشی را اختیار کنند؟ از من مشورت نموده و رأی خواستند من در پریشانی و تحیر واقع شدم که ایا درباره محافظت جانهای غداران مشهوری که ملت خود را بی پناه کرده بودند حق خواهم داشت؟ اخرالامر ایشان را مجبور کردم که از آن هر دو خیال منصرف شوند یعنی نه خود را بکشند و نه وزراء را زیرا که از کشتن هموطنان یاغی هیچ نتیجهٔ صحیحی عاید شان نمیشد بجز انیکه حیله و بهانه های روس و انگلیس را رنك امیزی نوی بدهند که بگویند ایرانیان قابل نظم دادن و مرتب نمودن امور مملکت خود

نمی باشند *

چون عنصر آخری و کلای دولت مشروطه که برای تحصیل آن چندین هزار نفر جنگها نموده و خون خود را فدا کرده و دوچار انواع مصیبتها و گرفتار اقسام بلاها شدة بودند در یکساعت بدون ریخته شدن یکقطره خون محو و نابود شد مردم ایران برتمام اهل عالم اعتدال و متانت خودرا نمایشی دادند که شاید سایر ملل متمدنه نظیر آنرا نتوانستند بعرصهٔ ظهور رسانند *

کراراً از من سئوال کرده شد که آیا ایرانیان قابل نظم امور مملکت خود میباشند؟ ایا ایشان بی اطلاع صرف نمی باشند؟ و ایا روح ملیت و قومیت و علم بحقوق خود دارند؟ همه میدانند گفتن عبارات وطن پرستانه و اظهار احساسات ملی نمودن در مواقع صلح آنهم مابین مردمان مطیع فرمان بردار و وقتیکه هیچ احتمال خوف مقابلهٔ سخت باافواج وحشی و تصادف به آفات و بلایا نباشد چقدر سهل و آسانست ولی وقتیکه یك هیئت هفتاد نفرهٔ وکلاء مسلمان در حالت خوف عاجل و حبس یا سرنوشتی بدتر ازان از قشون قوی تر و از حیث عدد نفوس بیشتر ازخود بار شوه و سازشها و تهدیداتی که یوماً فیوم به انها میشد مقاومت نمودن و در قعر گمنامی و خوف اعدام رفتن و با این حال انکار از ترك عزت و شرافت ملت خود نه نمودن کار بسیار مشکلی است تصوّر میکنم ازاین بیانات پایه احساس ودرجه ملیت بخوبی واضح ومسلم شده وهمینقدر کافیست *

هر کس حال آنوکلاء ملت ستمدیده بالا کشیده را در آن روز های سیاه ظلمانی میدید نمیتوانست که ایرانیان را دوست نداشته و بارزوهای عالی و منصفانه ایشان اظهار همدردی نکنند قصور انها معروف است ولی القصور تقصیر اطرافیان یا کسانیکه افعال و اقوال ایشان را اشاعه می دادند بود *

انکار لیاقت ایرانیان در نظم و تمشیت امور خود در امکنه که بر انها حمله کرده شد سبقت بر سئوال گرفته است (یعنی این انکار جواب قبل از سئوال و از درجه اعتبار ساقط است مترجم) این امر را که ایرانیان در پلتیك عملی و در «تیکنیك» اصول تشکیل و نظم دولت مشروطه وکالتی خود اطلاع کامل ندارند شاید کسی نتواند انکار نماید ولی در اینکه ایشان بطریقه مخصوصی استعداد کاملی برای ترقی دادن تربیت و اخلاق و لیاقت خود داشتند هیچ محل تردید نخواهد بود پنجسال زندگانی ملی بسیار کم است و چیزی نیست این مدت برای اصلاح امور شخصی یکنفر کافی نمیباشد با این

حال ایرانیان بواسطهٔ مساعی و کوششهای پنجساله خود و حال انکه در تمام ان مدت گرفتار پریشانیهای امور داخلی خویش و دوچار مشکلات دول دوست نمای اسمی بودند تا درجه معتد بهی بمقاصد خود نائل شدند سعی و کوشش را که ملت ایران برای قلع و قمع یکنفر مستبد خود خواه کرده بواسطه اینکه ازادیکه تازه بزحمت زیاد و جدیت بسیار بدست آورده بودند سلب کرده بود آن دو دولت اروپائی در تمام عالم منتشر نمودند که اهل ایران مردمان ناچیز و بی کفایتی بوده ولایق وشایسته تشکیل دولت مستقل محکمی نیستند ونمیتوانند امور داخلی مملکت خود را منظم نمایند *

کسانیکه از حقیقت امور ایران اطلاع کامل ندارند اگر از موانع واشکالاتی که باعث زوال ان دولت شده مستحضر شوند تصدیق خواهند نمود که اندولت بیچاره و بی پشت و پناه صید چنجفه بازهای منحوس دولی شده که از چند قرن باین طرف مشغول ازمایش وامتحان بودند وجان وعزت واستقلال بلکه هستی رعایای ان دولت بیچاره را تاوان قمار یا شرط وسبق دولتی قرار داده بودند که بر سائرین پیشی بگیرد *

—«※ باب هشتم ※»—

در میزان روابط و تعلقات من با دولت حقیقی ایران قتل عام تبریز و رشت و انزلی بتوسط قشون روس حرکت و خارج شدنم از طهران *

از اول دسمبر (نهم ذیحجه ۱۳۲۹) که کابینه صمصام السلطنه بقبول کردن اولتیماتوم روس بمجلس رأی داد علناً روابط وزراء با من تغییر نموده وظاهراً مصمم شده بودند که بهیچ قسم با مطالبات روسها مخالفت ننمایند ومتوقع بودند که بواسطه مستعفی شدن فوری بدون تحصیل اجازه مجلس راه آنها را سهل و آسان نمایم *

اگر چه بالطبع میل مفرطی باستعفا داشته ولی هیچگاه خیال عدم تصویب مجلس هم در دل من نگذشته بود در صورتیکه مجلس دو مرتبه قانوناً رأی و پیش نهاد کابینه را در قبول آن اولتیماتوم رد نموده بود استعفای من بدینقسم یعنی بدون اطلاع و رضایت وکلاء شاید غصب یا سلب حقوق مجلس میشد با اینحال مکرر با مشاهیر وکلاء و مأمورین معزز دولتی مذاکرات نموده و با کمال صداقت بایشان گفتم که من برای نصرت و معاونت دولت بایران آمده ام اگر پس از مستعفی شدن بتوانم خدمت لا یقدر

و مناسب تری بدولت بکنم با کمال شعف قلب و طیب خاطر حاضر و راضی میباشم جواب متفق علیه آنها این بود که چون تعیین خدمت و مأموریت شما از اول بتصویب مجلس بوده اگر بدون اجازهٔ مجلس مستعفی شوید حقیقةً مخالفت با مجلس نموده و حتماً وکلاء نسبت مخالفت و عهد شکنی بشما خواهند داد بسیاری از ایرانیان چه از طبقه اعیان و مأمورین دولتی یا عموم اهالی مرا ملاقات نموده و تماماً خواهش نمودند که در هیچ حال استعفا ندهم زیرا که آن استعفا خاتمه کاملی بامید واریهای دولت مشروطه و مشروطه طلبان خواهد داد *

از ظهر روز اول دسمبر کابینه صمصام السلطنه هیچ سمت قانونیت نداشت بواسطه عدم اطمینانی که وکلاء از آن کابینه داشتند و هم باین جهة که سرداران بختیاری چون تازه مزهٔ حکومت و ریاست را بواسطه رئیس الوزراء بودن یکی از سردارانشان چشیده و مایل بانزوا و راغب بگوشه نشینی و کناره گیری مثل زمان سابقشان نبودند علاوه بر این مابین سرداران بختیاری و قونسلخانه روس اتحاد جدید محکمی شده بود بکلی واضح بود که دولت روس ایشانرا ترغیب بدانمعامله کرده و برحسب رأی آن دولت اقدام نمودند *

بعد از آنکه مطالبات روسرا مجلس رسماً رد نمود وحال انکه دولت روس هرگز همچو گمانی نمیکرد مأمورین و کماشتگان روس در طهران از راههای دیگر سعی و کوشش نمودند که اولتیماتوم روس اقلاً درظاهر قبول شود یعنی باین امر قناعت نمودند که آن اولتیماتوم را علی الظاهر قبول بکنند دران هنگام که امور مملکتی پریشان و اهالی مضطرب و مشوّش بودند نقود بسیاری به اسم دولت روس ما بین فقراء و مساکین تقسیم کرده شد در مساجد عدیده که عدهٔ کثیری از مردم جمع شده و بر حسب عادتشان برای کمی و تنگی نان دعا مینمودند از طرف دولت روس غذا بهزارها فقراء ایرانی باین عنوان که خصومت و ضدیت مجلس با روسها سبب کمی و تنگی نان شده است تقسیم کردند با اینکه معلوم بود که پول آنها را روسها داده اند شنیدم کمتر از صد هزار روبل در این راه خرج نشد *

عصر اوّل دسمبر بعداز کشته شدن پرنس علاء الدوله ورد شدن کابینه از طرف مجلس خبر رسید که بسیاری از خوانین بختیاری که بیشتر از سایرین بامن عداوت و خصومت داشتند باشاره امیر مفخم غدار برانگیخته شده و اتفاق نموده اند که بمنزل من در پارک اتابک حمله نموده و خزانه دولتی را تصرف کرده و دفاتر را آتش زده و امریکائیها را از

خدمتشان منفصل بنمایند امیر مجاهد و بسیاری از بختیاریها مقدار زیادی پول برای مصارف و مقاصد اتباع خود در تابستان گذشته از من گرفته و من بگرفتن صورت حساب و مخارج آن وجوه مصرّ بودم *

چون این خبر بمن رسید یکی از دوستان ایرانی خود را بمرکز مخصوص بختیاریها فرستادم که بخوانین اطلاع بدهد که اگر خیال چنین اقدام بیهوده دارند لازمست که ثانیاً فکر و تأمل نمایند مقصود من بی شبهه اطلاعدادن به انها بود که از طرز خیالات و رفتار ایشان مطلع میباشم گارد ژاندارمه خزانهٔ پارگ اتابك را از پنجاه نفر سابق بیشتر نمودم که مجموعاً یکصد و پنجاه نفر همیشه انجا بر سر خدمت بودند بختیاریها هیچ نیامدند *

قدری بعد از این واقعه ما بین یفرم خان و سرداران بختیاری نقاضت و عداوت سختی واقع شد و تا مدت مدیدی هر ساعت احتمال مصادمه سخت با اسلحه بین بختیاریها و پلیس و ژاندارمهٔ یفرم خان میرفت یفرم از ریاست نظمیه و پلیس شهر مستعفی شد شهرت نمود که بختیاریها با بریگاد قزاق در تحت حمایت روس و فرمان کرنل زاپاسکی در گرفتن اسلحه از پلیس طهران و متابعین یفرم خان سازش و اتفاق نموده اند این سوءظن منحوس بینظمی و پریشانی شهر را زیادتر نموده و هر ساعت احتمال بغاوت و خونریزی شدید میرفت و فدائیان که عدد شان دو هزار نفر بود اعلان کردند که برای مقابله حاضر و مهیا میباشند *

منازعهٔ بین یفرم و بختیاریها رفته رفته باصلاح انجامیده و خاتمه یافت و شخص مذکور یعنی یفرم مسئولیت نظم ادارهٔ پلیس را بعهده گرفت *

عزت و شئونات ما بواسطه جاسوسان نظامی روس در پارگ اتابك روز بروز زیادتر میگردید مخصوصاً چهارم دسمبر (دوازدهم ذیحجه ١٣٢٩) یکی از انها سعی نمود که نسبت بمستحفظین و قراولان توهین نماید *

از وضع سلوك و رفتار وثوق الدوله وزیر امور خارجه و برادرش قوام السلطنه وزیر داخله احساس مهر سردی اشکاری نمودم اگر چه آندو نفر از سابق با من دوست بوده ولی ان تغییر مسلك و رویهٔ جدید از زمانی شروع شد که ملتفت شدند که مسیو لکفر را برای تفتیش و تحقیق حیله و تقلباتی که از یك سال قبل از امدن من بطهران و بعد از ان در امور مالیه انجا جاری بود میخواهم به تبریز روانه کنم مالیات ایالت اذربایجان

تقریبا یکملیون تومان بشمار می امد اما از چندی قبل ازانکه شغل خزانه را بعهده بگیرم وهمچنین درتمام تابستان که خزانه دار کل بودم برحسب اظهار خود پیشکار ایرانی مالیه انجا یك « سانتیم » (پنج یك یکشاهی پول ایران) برای دولت وصول وجمع نشده بود باین جهة لازم بود که بیشتر از پیشتر تحقیق ورسیدگی نمایم زیرا که فصل تابستان برای پیشکار وقت وموسم خوبی است برای وصول مالیات محرمانه خبر رسید که پیشکار قسمت ونصیب خود را گرفته وبار خودرا بسته وحکومت مرکزی یعنی طهران وخزانه دار را تمسخر میکند آن بی پروائی وبی اعتنائی پیشکار مالیه اذربایجان شاید باین واسطه وباین اطمینان بوده که مشار الیه پدر آن دو وزیر سابق الذکر یعنی وثوق الدوله وقوام السلطنه بوده سبب عداوت ومخالفت بي مقدمه وآني ایشان پس از اطلاع از مأموریت مسیو لکفر به تبریز بظهور پیوسته وازاین تقریب سبب نیز بخوبی واضح واشکار میشود *

سازش وآنتریکهای عمیق وجلب منافع شخصی بقدری در ایران رائج و معمول است که بسهولت تمام میتوان فهمید که ان دو وزیر براچه به ان سرعت بقبول اولتیماتوم روس حاضر وبه ان اسانی راضی شدند درصورتیکه بخاطر بیاوریم یکي از فقرات ان مطالبات را که « عزل فوری مسیو لکفر از خدمت دولت ایران » باشد *

امور مذکورهٔ فوق واقداماتیکه کابینه بتردستي دربیست و چهارم دسمبر (دوم محرم ۱۳۳۰) برخلاف مجلس نمود روابط وتعلقات بین من وکابینه را بخوبی تشریح می نماید *

وقتیکه ملازمت وشغل مرا هیئت وکلاء مجلس تعیین واختیارات تامهٔ مرا درامور راجعه بمالیه تصویب نمودند سیزدهم ژون (یازدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۹) قانونی را جاری ومعمول داشتند که یکی از مواد مهم ان اقتدار کلی خزانه دار در تکالیف و فرائض مالیه بود درزمان حکومت واقتدار هر کابینه که باشد این اقدام همان درجه و مرتبه صاحب منصبان قرضه عثماني را اظهار می نمود *

وقتیکه مجلس با جبار منفصل وتباه شد امریکائیها بدون هیچ عنوان و بی معاونت کساني ماندند که آنها را مأمور کرده بودند تا وقتیکه ان کابینه که آن وزراء حقیقةً بزور پلیس وادعای باطل تشکیل داده ودرقبضه خود درآورده بودند بر سرکار بود امریکائیها بی معاون وبی حامی میماندند نه اختیار واقتدار قبول وتصویب آن هیئت را داشته ونه میل آنرا دارا بودم بواسطه انفصال مجلس ان امیدواری آخری که بتوانم خدمت صحیحی بکنم که بحال ایرانیان نافع ومفید باشد مبدل بیاس گردیده ومجبور

شدم که کار خود مان را خاتمه پذیرفته تصور نمایم *

از قبل از بیست و چهارم دسمبر کابینه بتوسط صاحب‌منصبان و مامورین مکرر رای میداد که مستعفی شوم برای ترغیب و تحریص باین کار و قبول اظهارات خویش وعده نمودند که علاوه بر تمام حقوق و مواجبیکه دولت ایران بموجب قرارداد دادنی بود یك نشان شیر و خورشید درجهٔ اوّل یعنی همان نشانیکه تا آنوقت بامراء و صاحب منصبان طبقهٔ اعلی داده میشد بانضمام یك رضا نامه قانونی در عوض خدماتیکه بملت ایران کرده بودم با حق تعیین هر کسرا که بجایخود بخواهم باضافه اعزازات و احترامات فوق العاده دیگر بمن بدهند من جواب دادم مادامیکه رضا نامه اطمینان بخشی از وکلاء تحصیل نکنم وتا مطمئن‌نشوم که ایشان آن استعفای مرا حمل بر عهدشکنی وعدم مراعات حقوق وغبطهٔ مجلس نخواهندنمود مستعفی نخواهم شد اگرچه آن رضا نامه یا اظهار نامه شخصی وغیر رسمی هم باشد همین اطمینان برای من از نشان مرصع و پارچه کاغذ و انعامات دیگر کافی و اولی تر خواهد بود وقتی باین ترغیب و تحریصها قانع و راضی میشوم که از طرف کسانیکه نمایندگی قانونی و وکالت داشته و خدمت مرا تسلیم و تصویب نموده اند داده شود شنیدم اعضاء کابینه این جواب مرا بچشم نا پسندیدگی نظر نمودند *

چند روز قبل از شروع انقلابات و تردستی بیست و چهارم دسمبر کابینه مسلك مخالفت بلکه خصومت بینی بامن اختیار کرد و خوانین بختیاری نیز تهدیدات خود شان را بحمله کردن بمحل سکنای من و غارت خزانه دولتی تجدید نمودند *

انفصال و معدوم شدن مجلس خاتمه بود برای دولت مشروطه ایران *

بعد از ظهر روز بعد که روز عید « کریسمس » (Christmas.) (مولود مسیح) بود بشرف ملاقات رئیس کابینهٔ وزارت خارجه نائل شدم کاغذی بفارسی بمن داد که ترجمه ان ذیلاً درج می شود (مراسلهٔ مزبوره در نسخهٔ اصل از فارسی با نگلیسی ترجمه شده واکنون در اینجا از انگلیسی بفارسی) :— جناب مستر شوستر معزز محترما! چنانچه جناب عالی مسبوق و مطلع می باشید کمیسیونیکه مغرب بیست و نهم ذیحجه ۱۳۲۹ از جانب مجلس با اختیارات تامه منتخب شد برای اقدام در تصفیه و اصلاح مواد اولتیماتوم دولت روس که روز اوّل همان ماه هیئت وزراء بقبول آن رأی

داده بودند خلاصه و نتیجهٔ آن اقدامات بسفارت روس رسماً اطلاع داده شد (۱) نظر باینکه یکی از فقرات اولتیماتوم مذکور راجع بمعاودت و انفصال وجود محترم جنابعالی از خدمت دولت ایران و قطع تعلقات انجناب از امور مالیه می باشد بوسیلهٔ این مراسله از مجاری حالات جنابعالی را مطلع می نماید امور راجعه بشغل خزانه داری و تکالیف کسیرا که جنابعالی دفاتر و شغل خزانه را باو می سپارید و مرتبه و مشاغل سایر مامورین امریکائی را که برای مستخدمین دولت ایران طلبیده شده اند در قرارداد دولتی که بعد برای جنابعالی فرستاده میشود معین خواهد شد *

نوشته مزبور امضاء هفت نفر وزیر سابق را داشت که صمصام السلطنه و وثوق الدوله هم در امضاء آن شریك بودند *

در موقع وصول آن حکم عزل که بکلی بر خلاف قانون بود قبول نمودن یکی از سه مسلك بنظرم آمد که در اختیار هیچ یك مانعی نداشتم قبول یا رد نمودن الحکم را بقوه جبریه و یا آنکه هیچ جواب نداده و انجام آنرا بعهده کابینهٔ حقیقی که بعد تشکیل میشود موکول نمایم اگر مسلك آخری را اختیار میکردم تا حال به بهانه در ایران مانده بودم لکن رد نمودن الحکم خارج از قانون منجر به بلوی و خونریزی شدیدی در طهران میشد زیرا که مردم هم از بسته شدن مجلس متنفر و منتظر بهانه بودند در صورتیکه مسلك مخاصمانه با کابینه و رئیس ان که بحیله و مکر برای خود اقتدارات دولتی را فراهم نموده بودند اختیار میکردم ممکن نیست بگویم که نتیجه چه میشد *

اغلب وکلاء معزول شده برای اجماع نقشه کشیده و بجهة انفصال مجلس بر خلاف اصول مشروطیت و مخالفت نایب السلطنه با قسم خود و یاغی و غدّار قرار دادن وزراء تدارك بلوی میدیدند چیزی از آن اجماع و بلوی جلوگیری نمی نمود مگر نظم و نسق بسیار سختی که پلیس بفرم داده بود و همچنین حاضر بودن دو هزار بختیاری در طهران که دستجات کوچك انها درمعابر گردیده و مردم را از ارتکاب برخلاف نظم باز میداشتند

---

(۱) آن کمسیون هیچ گاه قانوناً منتخب نشد و نه هیچو اظهار و اقدامی از طرف هیئت مردم که اعضاء کمسیون نامیده شده‌اند اختیار وتصویب کرده شد منافی هستند و دلیل صحیح ان واقعه را دارد دلیلی که ازهمه ادله در دلها بیشتر اثر کرده و نقش می بندد این است که ان قسم اقتدار و اختیار از طرف مجلس داده نشد چیزی که حقیقت دارد و واقع شده این است که وزراء قبل از سعی به برطرف نمودن من اقدام بانفصال مجلس نمودند *

و ترس از بریگارد قزاق و خوف زیاد شدن قشون روس بمستحفظین سفارتخانه روس در طهران در صورتیکه قشون روس بفاصله هشتاد میلی طهران یعنی در قزوین بود که ملترا از جمله بوزراء وکسانیکه احساس خیانت و تقلب از آنها نموده بودند باز میداشت بفرم و وزراء مخصوصاً وثوق الدوله در اطراف خانهای خود گارد و مستحفظ بسیاری ساخلو نموده بودند *

بعد از تفکر بسیار مصمم بخارج شدن از ایران گردیدم زیرا که تکلیف فرضی من همان بود و از ماندن امریکائیها در ایران از آن به بعد فائده مترتب نمیشد باین جهة بیست وششم دسمبر (چهارم محرم ۱۳۳۰) جواب ذیل را بهیئت کابینه نوشتم :—

جواباً افتخار اظهار این مطلبرا حاصل میکنم : که در خصوص اختتام مدت قرار داد اینجانب با دولت ایران و انفصال از شغل خزانه داریم اطلاع داده بودید بعد از تعیین شخصیکه مسئولیت دولتی خود را باو منتقل و تسلیم نمایم و بعد از تعیین مرتبه و مشاغل چهارده نفر امریکائی مددکار و معاونینم که در انخصوص اظهار شده بود که در مراسله دیگر از طرف هیئت محترم معین خواهد گردید به بهترین قسمی قبول داشته و بطرز صحت عمل خواهد شد بالفعل شغل آینده معاونین امریکائیم بزرگترین خیال لازم و مهم من است (۱) *

---

(۱) علاوه بر مستر شارل مکاسکی و مستر بروس دکی که بهمراهی هم بطهران امده بودیم و مستر کرنز که در نوزدهم ژون وارد شد امریکائیهائیکه بر حسب اجازه قانونی و امر مجلس در اوقات مختلفه تعیین ملازمت و قرار داد انها را نموده بودم وارد شده بودند مستر لورین پی جوردان (M. Loring. P. Jordon.) و رابرت آر برات (Brott.
M. Robert. R.) سکرتر (منشی) ومستر فرنك جی ویانی (M. Frank. G. Whilney)
و مستر پی جی فتیس منس (M. P. J. Fitzsimmons.) محاسب خزانه و مستر جی
ان مریل (M. J. N. Merrill.) و مستر اسکار پرینس (M. Oscar. Prenss.)
و مستر جون ایف گرین (M. John. F. Green.) و مستر ای پی لوری (Lowry
M. E. P.) مشاقان وصاحب منصبان خزانه ومستر دبلیو جی اداتون (O'Donovan.
M. w. J.) و مستر تیورن بی بون (M. Turin. B. Boone.) و مستر دی جی واترز
(M. D. J. Waters.) معاونین اداره اغلب این اشخاص تا اواخر ماه نوامبر و اوایل
ماه دسمبر وارد طهران شده بودند *

چند روز قبل از عید « کریسمس » مطلع شدم که مشاقان نظامی امریکائی و صاحب منصبان ایرانی ژاندارمری خواهش ملاقات مرا دارند آن خواهش قبل از زمانی بود که آن اقدامات کابینه که در بیست و چهارم دسمبر بر خلاف مجلس نمود احتمال برود *

بعد از ظهر روز عید صاحبمنصبان مزبوره را حسب المقرر ملاقات نمودم چون میدانستم که اهل طهران چقدر مایل بشنیدن اخبار واهی و بی اصل میباشند شورش روز قبل را که بر خلاف کابینه شده بود بخاطر خود داشته ومواظب بودم نطق مختصری نموده و بمشار الیهم گفتم ! شما فقط صاحب منصبان اداره مالیه میباشید و باید از هرگونه اقدامات و مذاکرات عمومی پلتیکی اجتناب و پرهیز نمائید با انکه آن ملاقات ومذاکرات برملاء و در حضور جمعی از پیشخدمتان و تماشاچیان بوده ونهایت احتیاط و مآل اندیشی را مراعات نموده بودم در شهر منتشر شده و شهرت کرد که ژاندارمه خزانه را طلبیده بودم که ایشانرا مسلح نموده و برای افتتاح مجلس مأمور گردانم بعد از ملاقات مزبوره مراسله راجع بان افواه از جانب وزراء رسید *

بیست و چهارم دسمبر (دوم محرم ۱۳۳۰) از جانب حاکم موقتی (نایب الحکومه) تبریز خبر رسید که افواج روسیکه در انجا ساخلو بودند شروع بقتل عام سکنه نموده اند قدری بعد از آن خط سیم مخابره تلگرافی هند و اروپا قطع گردیده و باب مخابره مسدود گشت بعد از تحقیق معلوم شد که از اثر گلوله قطع شده بود علاوه بر قشون موجوده روس در تبریز افواج دیگر نیز در بین راه جلفا و تبریز بودند علت اصلی قتل عام یا قتال تبریز معلوم نیست مشهور بود وقتی که چند نفر سالدات روسی تقریباً ساعت ده شب بیستم دسمبر (بیست و هشتم ذیحجه ۱۳۲۹) به بهانه کشیدن رشته سیم تلفون ببام عمارت مرکز پلیس (اداره نظمیه) بالا رفته و از طرف مستحفظین ایرانی از آنها پرسش و ممانعت شده بود سالداتها با شلیك تفنك جوابدادند صبح بعد اش در بازارها قتل عام شروع شده و تا چند روز همان قسم جاری بود نایب الحکومه راپورت داد که قشون روس مشغول بقصابی و کشتار شده اند زنان و اطفال و مردم بی طرفرا نیز در معابر میکشتند تقریباً چهار هزار نفر قشون و دو باطری توپخانه روس اطراف شهر تبریز حاضر و موجود اند تقریباً هزار نفر فدائی تبریزی در قلعه قدیم که معروف به ارگ است پناهنده شده ولی با اسلحه و تورخانه کم و توپ هیچ ندارند روسها

انجا را تا چند ساعت گلوله ریز نموده و بسیاری از فدائیان را کشتند چون قشون روس عدداً زیادتر و با توپخانه بودند عاقبت غالب شده و فتح نمودند در آنموقع حالت دهشتناکی با هالی تبریز طاری شده بود که جان و شرف هیچیك از اتباع ایران محفوظ نبوده و امنیت نداشتند در موقعیکه مسیو پا کلیوسکی کزیل وزیر مختار روس مقیم طهران بجنرالی که قشون روس در تبریز تحت فرمان او بود تلگرافی نموده و او را به ترك جنك و اسکات امر کرده بود زیرا که در پایتخت در آن موقع آن امور در تحت مذاکره و تصفیه بود جنرال مزبور بوزیر مختار جواب داد که فرمانفرمای قفقاز از تفلیس بمن چنین امر نموده محکوم و مطیع حکم طهران نیستم *

روز سال نومیلادی که مطابق با دهم محرم و روز ماتم بسیار بزرگیست در تقویم مذهبی ایران روز مقدس و محترمی بشمار میرود حاکم نظامی روس در عمارت دولتی تبریز که بیرقهای روس بر آن افراشته شده بود ثقة الاسلام را که رئیس روحانیین تبریز بود با دو نفر ملای دیگر و پنجنفر از صاحبمنصبان بزرگ ومأمورین ایالت تبریز بدار کشید چنانچه مجله انگلیسی اظهار می نماید (نتیجه این ستم و ظلمیکه بر ایرانیان وارد آمده مثل آنست که کنتر بری (.Canterbury) پادری بزرگ را در روز « گود فرایدی » (.Good Friday) (که یکی از اعیاد مقدس ملی مسیحیانست) بدار بزنند بر قلوب انگلیسها تأثیرش مانند همان تأثیریست که بدلهای ایرانیان راه یافته) از آن زمان ببعد روسها در تبریز هر ایرانی را که میخواستند بدار زده و بجرم « مشروطه طلبی » مجرم نموده و میکشتند و همه روزه قتل و کشتار چه با دار و چه با تفنك جاری و معمول بود در آغاز شروع و شهرت قتالهای مزبوره یکی از اجزاء اداره وزارت خارجه سنت پطرسبرگ در موقع ملاقات با مدیر جریده اظهار نموده بود که روسها انتقام خود را بدست خود خواهند گرفت تا وقتیکه درد و آخرین قطره اثر انقلابی (دیموکرات) از بیخ کنده شده و از بن برآید *

بسیاری از مردم پس از اطلاع از تهدیدات هولناك و بخاطر آوردن انتقامی را که روسها درسال ۱۸۷۱ میلادی (مطابق سنه ۱۲۹۸ هجری) در ترکستان کشیده که اسکوبلف (.Skobeloff) هشتهزار نفر ترکمان بی پناه را در دینگلتپه (.Denghiltepe) بقتل رسانید (فقط باین مناسبت که طول زمان امنیت درآسیا بنسبت عدد مقتولین است) و قسمتی از اهل چین را درآبادی «بلاگواس چنك» (.Blagosout chenk)

که واقع در کنار رود خانه « آمو » می باشد روسها درسنه ۱۹۰۰ میلادی (مطابق سنه ۱۳۱۷ و ۱۸ هجری) باین خیال که رعب خود را در دل اهالی چین جای دهند که در اینده در جلو معاملات و مقاصد شان اشکال ننموده واز مشقت رهائی یابند امر بکوچ کردن از آن محل نمودند اهالی آن قریه اظهار داشتند که کشتی یا سائر و سایل عبور از آب ندارند ان مسخر های روسی با هالی بیچاره حکم بریختن درآب نمودند و باین قسم تمام اهل ان آبادی را در رود خانه مزبوره غرق کردند دراضطراب بودند *

با تصادف و پیش آمد وقایع مزبوره فهمیدن معنی مقاله نیمرسمی «نوبورمیای» روس که می نویسد « در این حال حقیقت انسانیت و مروت مقتضی ظلم است وباید تمام اهل تبریز را مسئول قرار داده و بسز ایشان برسانیم برای اغماض وچشم پوشی روسهم حدی خواهد بود » چندان مشکل نیست *

از تجربه و عادت صریحاً ثابت می شود که دولت روس با داشتن قدرت در اقدامات مزبوره بهیچ قسم از وعده خود کوتاهی و تخلف نخواهد نمود و گفتن اینکه هولناکی و مدهش بودن حالات تبریز هرگز حقیقةً معلوم نخواهد شد شاید از تکذیب و تنقید مصون و محفوظ بماند روسها توجه و اهتمام کاملی در توقیف و ضبط اخبار نموده و بلامانع انواع کشتارها مانند بدار کشیدن یا بتوپ بستن یا با گلولهٔ تفنگ کشتن کرده وبعد بانواع بیرحمیها مثل داغ و شکنجه و مثله با اجساد مقتولین رفتار می نمودند قصابیهای سبعانه و معاملات بدتر از انچه ذکر شد با زنان و اطفال در معابر شهر آن بیچارگان سند خوبی برای اثبات ادعای روس که خود را حامی انسانیت میخواند بوده و دلیل متقنی است برای افسران نظامی ملتی که حاکم مطلق و رئیس کل خودرا حامی ترقی مجالس صلح عمومی وطرفدار اینگونه آدمیت میدانند *

همان اوقات که قتال در بازار های تبریز رواج و شیوع داشت واقعه مهم دیگری نیز پیش آمد در رشت و انزلی که با تبریز صد ها میل فاصله دارد قشون روس بدون مقدمه و بی اطلاع و بی اشتعال یکنفر پلیس ایرانی را با بسیاری از سکنه آن حدود با تفنگ گلوله ریز نموده و کشتند بعد از انکه کابینه ایران اطمینان کامل در قبول تمام فقرات اولتیماتوم بسفارت داد انخونریزی رشت و انزلی واقع شد اطمینانی که دولت انگلیس در رأی خود علنًا داده بود که (پس از قبول مطالب و مواد اولتیماتوم قشون روس که بایران حمله نموده و داخل شده مراجعت خواهند نمود) وشرطیکه دولت روس

رسماً کرده این بود : که تا وقتیکه واقعه تازه واقع نشود که باقی داشتن قشون لازم باشد یعنی در اینصورت قشون از ایران خارج خواهد شد *

در روشنائی و انعکاس واقعات سابقة الذکر بخوبی واضح می شود که ایرانیهای بی پشت و پناه بد بخت که در مقابل قشون روس هیچ بوده و روسها آنها را شکار خود قرار داده بودند آیا ممکنست که در آن واحد در تبریز و رشت و انزلی بافواج روس حمله غایند و حال آنکه روسها هم از حیث اسلحه قوی تر و مستعد تر و هم از حیث عدد بیشتر از آنها بودند *

در فاصله بین بیست و پنجم دسمبر و هفتم ژانویه (بین سوم و شانزدهم محرم ۱۳۳۰) رود خانهای خشم و غضب بوزراء خائن ملت فروش حمله و تهاجم نموده و بتدریج زیاد شد پروتست و اظهار مخالفتهای تلگرافی از ولایات و ایالات بر ایشان هجوم آور شده و نایب السلطنه و کابینه را برای حملهٔ بوکلاء مشروطیت ملامت و توبیخ نمودند مکرر بوزراء گفتم : که منفصل شدن از مشاغلم قبل از انکه نایبی بجای من معین شود امور خزانه را بحالت فلج خواهد انداخت واگر اقدام فوری در این باب نشود بموجب قانون سیزدهم ژون مجبورم که مشاغل خود را بمعاون بزرگ خود مستر کرنز تفویض نموده و برای اصلاحات کلیه امور مالیه مشار الیه را نامزد کرده و طهرانرا وداع نمایم کابینه و نایب السلطنه وعده نمودند که مستر کرنز بعنوان خزانه دار کل جا نشین من خواهد بود اگر چه خود مشار الیه آرزوی ماندن در ایران را نداشت ولی سفارتین انگلیس و روس تهدیدات سخت نموده بودند که در صورتیکه غیر از مسیو مورنارد رئیس بلجیکی گمرک دیگری را برای آن کار انتخاب کنند بعد از کوشش بی فایده دو هفته کابینه که شاید انتخاب متفق علیهی نمایند و بعد از آنیکه از دو روز قبل بکابینه اطلاع داده بودم که اگر تا چهل و هشت ساعت جا نشین مرا معین نکنند خودم معین خواهم نمود هفتم ژانویه امور مالیه را بمستر کرنز سپردم که طریقه قانونی برای استخلاص خود اختیار کرده باشم *

عصر آن روز خدمت خود را رسماً بمستر کرنز تفویض نموده و قبض واقباض هم بعمل امد و بوزراء و بانکها هم تغییر و تبدیل جدید را اطلاع دادم واختیارات تامه خود را راجع به توشیحات رسمی و دفاتر خزانه داری دولتی بمستر مکاسکی سپردم *

چند ساعت بعد نماینده از طرف کابینه تلفون کرد که با مراسله مهمی عزم ملاقات

مرا دارد بعد از آمدن حکم قانونی از طرف نایب السلطنه آورد تاریخش پیش نوشته شده ولی در اصل الحکم تصرّفی نشده بود بانضمام مراسله از جانب وزراء که مسیو مورنارد را بسمت خزانه داری موقتی معین نمایم اگرچه مراسله وحکم مزبور در وقت تنگی بمن رسید ولی بدون شبهه وزراء میدانستند که در هیچ حال خدمت خود را بمسیو مورنارد نخواهم داد زیرا که اخلاق وعاداتش معروف ببدی و بد نام بوده و از رویّهٔ بینظمی کارهای او بخوبی مستحضر بودم این نمونه است از مسلك وطریقه ایرانیها باری حکم و مراسله مزبوره را بمستر کرنز که تازه زمام خزانه داری را بدست گرفته بود دادم *

مستر کرنز فوراً بوزراء اطلاع داد که حاضر است که خدمت خزانه داریش را بجانشین معهود خود انتقال دهد مشار الیه و سیزده نفر دوستان امریکائیش بواسطه اینکه دولت ایران بموجب اعتراف خود از قرار دادش تخلف نموده مصمم شدند که آنمملکت را ترك نمایند *

نهم ژانویه (هیجدهم محرم ۱۳۳۰) نایب السلطنه پیغام فرستاد که روز بعد میل ملاقات و وداع با من دارد وشاه کم سن هم میل دارد که در دربار مرا ملاقات نموده و از زحماتم تشکر نماید *

روز دیگر در کالسکه نشسته و مرتبه آخر بدربار رفتم که اعلیحضرترا ملاقات نمایم چون بعمارات سلطنتی رسیدم از مابین صفوف ممتدهٔ درباریان معمر افسرده دل وصاحب منصبانیکه لباسهایشان میدرخشید و خدام متملق فرمانبردار گذشتم شاه جوان بسیار کم جرأت وجبون بود چنانچه در جلسات خصوصی درباری نیز عادتاً می ترسید بتوسط مترجم مکالمه وگفتگو نموده وخدمانیکه برای اصلاح امور مملکتش کرده بیان نمودم با متانت وسنجیدگی تمام تشکر نمود ادعیهٔ صادقانهٔ خودرا برای شادمانی وکامیابی واستقلال شاه تقدیم نمودم اگرچه زندگانی با استقلال شاه مشکل بنظر می آمد *

اعلیحضرت وعده نمود که یك قطعه عکس خود را در قاب مخصوص گذارده و برسم یادگار برای من بفرستند ولی بسیار کم امیدوار بدیدن عکس مزبور می باشم *

از انجا بمحل مخصوص نایب السلطنه رفته و چند ساعت وقت خودرا در گفتگوی با والا حضرت صرف نمودم ایشان اظهار تأسف بسیار از حرکت من نموده واظهار اندیشه وخوف سختی از آیندهٔ مملکت می کردند *

در این اثنا مستر کرنز با وزیر مختارهای روس و انگلیس شروع بمراسلات نمود

که آنها را بمستخدمی مددگاران امریکائی حاضر و راضی کند که یکمرتبه بواسطه قبول دولت ایران اولتیماتوم روسرا قرار داد های مزبوره شکسته و رشته مراسلات گسیخته شد و آن امریکائیها هم حق مراجعت حاصل نمودند مستر کرنز بخوبی ملتفت شد که وزراء ایران فقط احکام و دستور العملهای سفارت روس را اجراء می نمایند وقت را غنیمت دانسته و حرکتم را بر تصفیه و تسویهٔ سائر امور ترجیح دادم *

چون اسباب مسافرت آماده و تکمیل شد صبح پنجشنبهٔ یازدهم ژانویه (بلسنم محرم ۱۳۳۰) پارگ اتابك را گذارده و بطرف انزلی رهسپار شدیم نایب السلطنه «اتوموبیل» نوی را که تازه برای سواری شاه و خودش وارد کرده بود بجهة سواری من فرستاد جمعیت همراهان عبارت بود از مسیس شوستر و دو دختر کوچکم ومعلمهٔ آنها و مستر فدوارد بل (M. Fdioard Bell.) منشی سفارتخانه امریکا در طهران که تعطیل مختصری گرفته و بپاریس میرفت صندوقهای خود مان را پیش فرستاده بودیم چیزی که باقی مانده این خیال بود که آیا قبل از مسدود شدن راههای کوههای بین طهران و بحر خزر بواسطه برف می توانیم عبور کنیم ؟ *

صبح صاف باشکوهی بود که کوههای شمالی طهران از برف پوشیده وسفید شده بود خورشید درآسمان صاف شفاف و درخشان ونسیم با روح جان بخشی وزیده وهوا موافق ولی دلهای ما غمگین وافسرده بود که کارهائیکه بخوشی وشوکت امیدوار بانجامش بودیم بخاتمهٔ آني غير منتظره تبدیل یافت *

وقتیکه مابین حلقه دوستان امریکائی و ایراني ملول وافسرده خود ایستاده و درشرف داخل شدن به «اوتوموبیل» بودم ناچار از عصر ورود خودمان در همانجا در هشت ماه قبل بخاطر آورده و حقیقت ان خیال از خاطرم عبور نمود که امیدواریهای ملت مسلمان با تحملی که از مدت مدیدی برای تجدید عزت و شرافت از دست رفته خود در عالم تحمل انواع مصیبت نموده بودند چگونه از بیرحمی افواج یکی از ملل مسیحی که متمدن نامیده میشوند از بیخ کنده و از بن قطع گردید *

ساعت نه و نیم صبح از دروازهٔ قزوین طهران خارج شدیم مستر وارنت فرانسوی «شفر» شاه سکان و زمام «اتوموبیل» را در دست داشت *

هرگز فراموش نخواهم نمود ان احساسات و تألمات خود را در موقعیکه از خیابانهای شلوق پر جمعیت طهران که همه مردم بکار خود مشغول بودند گذشته و بجادهٔ شوسهٔ

خاموش بی صدا رسیدیم وقایع هشت ماههٔ گذشته بقلب من هجوم آورد کسی نمیتواند منظره آرزوهای ناقص نا کامیرا بمجرد این خیال که همه آنها گذشت بدون احساس الم ترك و فراموش نماید آرزوی بسیار و میل مفرطی بخدمت باهل ایران داشتم وقتیکه سکنه طهران از حرکت انروز ما مطلع شدند بسیاری از نمایندگان خود را پیش من فرستاده که اطلاع بدهند که جمع کثیر و جم غفیری برای وداع مایل بملاقات من می باشند جواب دادم : میل ندارم همچو مجمعی پیش من جمع شده و شایسته هم نیست چون ان خبر بکابینه رسید پلیس بنمایندگان انجمنهای مختلفه اطلاع داد که هیچ مجمعی ماذون نخواهد بود که بدین قسم اجتماع نماید وقتیکه « اتوموبیل » ما از محازات باغ شاه عبور می نمود دسته های ژاندارمه خزانه را دیدیم که در اردوگاه خود مشغول مشق نظامی بودند اگرچه بعضیها ایشان را بچشم حقارت میدیدند ولی هیئتی بودند که اگر نظم و ترقی بانها داده میشد اکثر مسائل مهم و دشوار ایران بواسطه انها حل و آسان میگردید *

ساعت سه و نیم بعد از ظهر همان روز وارد قزوین شده واز ان شهر که مملو از قشون روس بود گذشتیم وقتیکه از دروازهٔ اخری عبور میکردیم یکدسته سالدات روسی که قریب پنجاه نفر یا زیاد تر بودند دیدیم چند نفر از ایشان با کمال متانت و وقار خم شده همچو می نمود که میخواهند از زمین سنك بردارند ولی اگر میخواستند بطرف ماشین ما بیاندازند سنگشان بما نمی رسید زیرا که بسرعت تمام حرکت می نمودیم غیر از این واقعه هیچ توهینی نسبت بما واقع نشد *

چون بمهمانخانه و « استاسیون » بیوناك (Bulnak.) رسیدیم که محقر و مختصر و دور از کنار جاده شوسه واقع و با قزوین پانزده میل فاصله داشت بوران و برف شروع شد در ظرف ده دقیقه بواسطه برفهای خشکی که باد انها را مانند ابر غلیظی بسرعت از کوهها می اورد جاده بکلی محو شد در ان کهٔ سنگی شب را بسر بردیم صبح بعد شهرت کرد که جاده بکلی مسدود شده است بعضی ها میگفتند ممکن نیست که بتوانید از قله و تنگه های ان کوهها عبور نمائید دو ساعت وقت لازم بود که بتوان برفهای «اتوموبیل» را با حرارت آتش آب و پاك نمود زیرا که نصف « اتوموبیل » مزبور پر از برفهای بوران شده بود ساعت ده و نیم روز بعد سوار شده و حرکت نمودیم چون به بلند ترین قلها نزدیك شدیم دیدیم که راه بواسطه برفهای چهار فوتی بسته شده است (هر سه فوت

یك کز می باشد) بمعاونت عدهٔ کثیری از عملجات راه که اکثر اوقات ما را از میان برفها بیرون کشیده وخلاص می نمودند و بواسطه مهارت و فطانتی که مستر وارنت در راندن آن « اتوموبیل » بکار میبرد توانستیم که از انجا عبور نمائیم « اتوموبیل مزبور بسیار قوی و دارای قوّه پنجاه اسب بود ساعت پنج عصر بمهان خانه منجیل رسیدیم ان راحلهٔ سریع السیر بیك حرکت پنج ساعته ظهر روز بعد ان مسافرت پسندیده ما را بانزلی خاتمه داد در بین راه از مابین چندین دستهٔ افواج روسی که در کنار راه بودند عبور نمودیم و در «اسکله» (انکرگاه) یك کشتی جنگی « کروزور » (Crwiser) (زره پوش) روسی نیز لنگر انداخته وشهر در تحت تصرّف و اختیار قونسل روس انجا بود روز بعد که چهاردهم ژانویه (بیست وسوم محرم ۱۳۳۰) و عید نوروز (سال نو) روسها بود « کروزر » وسائر کشتیهای جنگی روسی بشلیك توپ سلام مشغول بودند همان روز بعد از ظهر سوار کشتی روس موسوم بطهران شده و بجانب باد کوبه رهسپار شدیم ساعت پنج ونیم عصر آن روز سرد و دریای خزر بسیار منقلب و طوفانی شده ساحل ایران و چراغهای انزلی از نظر ماغائب شد باب مختصر اسف انگیزی در پاس امریکائیها از نظم مالیه در ان سرزمین نوشته شد *

—«※ باب نهم ※»—

در خصائص و خصائل نایب السلطنه وسایر صاحب منصبان و مأمورین دولتی مسلك مجلس و اختصاصات آن لیاقت و قابلیت ایرانیان *

نایب السلطنه حالیهٔ ایران ابو القاسم خان و ملقب بناصر الملك میباشد که اصلاً از اهل همدان و تحصیلات عالیهٔ خود را در دار العلم « آکسفرد » تکمیل نموده است مشار الیه یکی از هم « کلاس » های سر ادوارد گری وزیر امور خارجهٔ حالیهٔ انگلستان و از دوستان صمیمی لرد کرزن میباشد در زمان سلطنت مظفرالدین شاه و رئیس الوزرائی امین الدوله ناصر الملك بوزارت مالیه مأمور و تا ششماه دفاتر وزارت خانهٔ مزبوره را در تحت ریاست و نگرانی خود داشت سپس بحکومت ایالت کردستان مأمور شده و تا چهار سال در آن ناحیه حکمران بود یکسال پس از آن یعنی از زمان شروع دورهٔ اوّل مجلس رئیس هیئت وزراء بوده و قلمدان وزارت مالیه را نیز دارا بود هنوز بعضی از

امور وزارت خانه خود را تصفیه و اصلاح نموده بود که محمد علی شاه پادشاه آنوقت مشار الیه را حبس نموده و خوف قتلش میرفت که بتوسط سفارت انگلیس نجات یافت همانروز که از چنگال شاه خلاص گردید روانه اروپا شده و تا زمان خلع محمد علی و عود مشروطیت در ژوئیه ۱۹۰۹ در اروپا توقف داشت چندی پس از آن بطهران مراجعت نموده ولی از قبول خدمات دولتی استنکاف ورزیده و بهمین قانع بود که ملیین را معاونت اخلاقی نموده و وزراء و وکلاء را در مشورت امداد نماید چندی بعد مجدداً علی الظاهر بعنوان معالجهٔ خود و فرزندش باروپا مراجعت نمود اندك زمانی پس از فوت عضد الملك نایب السلطنه اوّل مشار الیه را مجلس بنیابت سلطنت انتخاب نمود هشتم فوریه ۱۹۱۱ (هشتم صفر ۱۳۲۹) وارد طهران گردید که زمام مشاغل خودرا بدست گیرد*

از اوّلین وهله که والاحضرت ناصر الملك را ملاقات نمودم ایشانرا شخصاً باصلاحات مالیه و هم بجانب مستشاران امریکائی مایل و راغب یافتم در مدت هشت ماه که در طهران بودم باستثناء یکماههٔ دسمبر که در آن مدت في الواقع ارتباط صریحی با دولت ایران نداشتم با ایشان ملاقاتهای طولانی میکردم مخصوصاً بر حسب خواهش خود شان در مسائل مختلفهٔ مالیه وغیره که دوچار مملکت شده بود آزادانه مذاکره کرده و صحبت می نمودم نایب السلطنه شخص بسیار خوش محضر با وقاری بود انگلیسی را بخوبی تکلم می نمود فرانسه هم میدانست پایهٔ تحصیل و تجربه وسیع کاملی داشت که بتواند مشکلاتی را که ملت ایران در کوشش تشکیل سلطنت مشروطه مصادف گردیده بخوبی شرح دهد ایشان بسیار وضع دلفریبی داشته و می توانستند در نقایص هموطنان خود و ضروریات موقع و لوازم حالات عالمانه صحبت داشته و بخوبی تشریح نمایند از بیانات ابتدائیهٔ ایشان حالتیکه روی هم رفته احساس کردم این بود که با شخص دانای وسیع النظر کاملی صحبت میدارم بهر حال پس از ملاقاتهای عدیده که میخواستم بعضی نواقص و تدابیر مالیه را خاطر نشان ایشان نموده و معاونت شخصی و عملی و اثر قدرت نفوذ اسم ایشانرا بجهة اجراء تدابیر مزبوره جلب نمایم خیلی متأسفم که واضح شد که والا حضرت بعوض اینکه اقدامات مجدانه در اصلاح موانع مزبوره بکنند رغبتشان در بیان و تشریح آن موانع و اشکالات بیشتر بود بیانات ایشان طوری بخاطر نقش می بست مثل اینکه با طبیب حاذق مریضی که مرض خود را تشخیص داده و در شرف ازهاق روح است گفتگو می نمایند شخص شنونده مجبور بود که لیاقت آن طبیب را در تشخیص مرضش

تحسین نموده از تحلیل قواء تشخیص دهنده قابل که مصروف بیان آن بود اظهار تأسف نماید کراراً پس از ملاقات و مذاکرات دو سه ساعته با ناصر الملک در حالتیکه خاطرم از بی اطمینانی موهومی آکنده بود مراجعت نموده ولی نمی توانستم انگشت خودرا بالای امر مخصوص گذارده یا اشاره کنم بچیزیکه ایشان گفته و بظاهر معقول و صحیح نباشد با اشخاص متعدد اروپائی و ایرانی که در اینباب صحبت داشتم معلوم شد که بیانات ناصر الملک بقلوب ایشان نیز همین نقش را منتقش نموده است *

سوای این جزئی نقص شاید بزرگترین عیب ناصر الملک احاطهٔ خیالی بود که از اول ایشان را محاصره نموده و تا روز آخریکه ایشان را ملاقات نمودم خیال مزبور را ترک ننموده بودند که مردم با نیابت سلطنت ایشان مخالف بوده و از طرف انجمنهای مخفی مرکزی طهران جانشان در معرض خطر میباشد چنانچه خود شان اظهار داشتند که اگر دو باره به « اروپا » بروند دیگر مراجعت نخواهند نمود قبل از آنکه عضد الملک به نیابت سلطنت منتخب بشود باتفاق آراء ایشان را انتخاب کرده بودند ولی بقصد گوشه گیری از قبول خدمات دولتی انکار نمودند بهر حال پس از فوت عضد الملک در سپتامبر ۱۹۱۰ « اواخر شعبان واوایل ۱۳۲۸ » انتخاب ایشان بسمت نیابت سلطنت صریحاً از آن حزب مجلس شد که بعدها باسم اعتدالی موسوم شدند و حزبی که بیشتر مایل باصلاحات بوده و ناصر الملک را نا پسند داشته همان حزبیست که بعد ها موسوم به « دیموکرات » گردیدند ایشان شخص داوطلب بسیار معروف قابلی یعنی مستوفی الممالک را برای اینکار در نظر داشتند بهرحال پس از مذاکرهٔ مختصری ناصر الملک به نیابت سلطنت منتخب شده و هر دو فریق مجلس در انتخاب ایشان متفق علیه گردیدند مسلم بود که ناصر الملک مقبول اروپائیها عموماً و سرادوارد گری خصوصاً بود وکلاء همچو پنداشتند که انتخاب ایشان بنیابت سلطنت در جلب حمایت دوستانه دول اروپ برای دولت ایران بسیار مؤثر و مفید خواهد شد ولی قبل از آنکه بطهران مراجعت نمایند مراسلات عدیدهٔ از طرف اشخاص مجهول غیر مسئول بایشان رسید که در صورت مراجعت ایشانرا بکشتن تهدید نموده بودند این امر علاوه بر اینکه حرکتشان را معوق داشت چنان تاثیری بقلب ایشان نمود که در مراجعت بایران کلیةً مردّد بودند از لندن و پاریس و سایر نقاط عرض راه تلگرافات مفصلی بمجلس نموده و بعضی شروط پیشنهاد کردند که قبل از آنکه بمقام منیع خود نائل شوند باید بموقع اجراء گذارده شود معظمترین شروط

مذکوره این بود که مجلس باید به « پارتی » ها و احزاب مختلفه منقسم وهر پارتی و فریقی که اکثریت داشته باشد کابینه تشکیل نموده و تا زمانیکه حزب غالب بواسطه اکثریت باقی و مسئول باشد کابینه معهود « پروگرام » و دستور العمل ایشان را اجراء نماید بدون شبهه در ایجاد آن بدعت رأی ناصر الملك اصولاً صحیح بوده و مجلس هم لوازم رأی مذکور را قبول نمود در دولت مشروطه (انتخابی) قاعدهٔ اکثریت ومراعات لوازم اتفاق بجهة تناسب حقوق بین اکثریت و اقلیت در شعب قانونی دولتی امر بسیار لازمی است ولی ایرانیان مردمان غریبی میباشند چون از اصول مسلك « دیموکراسی » بی تجربه بودند همینکه یکمرتبه خط انفصال سیاسی میانشان مرتسم گردید فوراً رقابت شدید بلکه عناد شخصی بین فرقه اعتدالی که از حیث عدد دارای اکثریت و حزب « دیموکرات » که معدودی بودند شروع شد اگرچه قبل از این تفریق هم رأی اکثر وکلاء مجلس نسبت باتخاذ « پروگرام » (طریقه تمشیت امور) و نظم دولت مشروطه که حکومت مستقلی در ایران تشکیل نمایند مختار بود ولی همیشه خود را ملی یامشروطه خواه دانسته و تمام اقتدارات و قوای خود را با جد وجهد معنوی وطن پرستانه صریحاً در تصفیه و حل مشکلاتی که بمملکتشان مصادف شده بود مصروف میداشتند ولی مناقشه و بد رفتاری و رقابتهای حزبی در عملیاتشان چندان راه نیافته بود ناصر الملك پدر (موجد ومؤسس » این نفرت حزبی پارلمان گردید این بیان را نه بطور شماتت می نویسم بلکه مقصودم ذکر وقایع تاریخی است بدون شبهه خیالات ایشان بسیار درست و صحیح بود ولی وقتیکه بمجلسیان رأی دادند که بدو فرقه یمین و یسار منقسم شوند ملاحظه ضعف و نقایص هموطنان خود را نفرمودند اگرچه ترتیب مزبور برای پیشرفت اصلاحات امور دولتی بهترین نقشه عملی بود ولی بارها از ایشان شنیدم که از حسادت و رقابتهای سخت پارتیهائی که در مجلس موجود بودند مذمت بسیار کرده و اصلاح منقصهٔ را یکی از اسباب عمده پیشرفت ترقی امور میدانستند ولی هرگز باین نکته ملتفت نشدند که تا چه درجه در احداث و تشکیل آن تناقص خودشان مسئول بوده اند *

در زمانیکه بخیال قبضه کردن زمام مهام نیابت سلطنت بایران مراجعت می نمودند چون بقزوین رسیدند این خیال که شکار قتل سیاسی خواهند شد بحدّی قوت گرفت که وقتیکه برای مختصر استراحتی در یکی از منازل و مهمانخانهای بین راه از کالسکه پیاده میشدند طپانچهٔ مسلسل « موزری » با خود داشته و شاید بکلی از طریقهٔ استعمالش

هم واقف نبودند *

همین که زمام اختیارات شغل خود را بدست آورده لوائح عدیده بمجلس فرستادند که اکثر آنها را خوب فکر کرده وبطرز عالمانه بیان نموده بودند در لوائح مزبوره صراحة اظهار داشته که اگر چه حکمت این فقره معلومشان نشده که از چه رو اختیارات نایب السلطنه را اینقدر محدود نموده که گویا فقط برای صرف نام میباشد ولی بحدودیکه قانون مشروطه بر ایشان معین و محدود کرده بود راضی و قانع بوده و هیچگونه اقتداری را که مخالف اختیارات مزبوره باشد بکار نمی بردند بطور اطمینان و یقین میتوانم بگویم: در تمام مدتی که ایشان نایب السلطنه بوده معاهدات خود را صادقانه و وفادارانه باختتام رسانیدند هیچ محل شك و شبهه نیست که اگر بجای ایشان شخص دیگری به آن درجه قدرت و با آن احترام نفوذیکه ایشان داشتند می بود بسهولت تمام بیشتر از یکمرتبه خود را فرمانفرمای مستقل آن مملکت میساخت درماههای اوائل قیامم در طهران ایشان چنان وا نمود کردند که ماندنشان در ایران مناسب نیست زیرا که مخالفینشان خیال ضدیت و مخالفت با ایشان را دارند و با آن حال ممکن نبود که کاریرا بتوانند انجام دهند و بهتر آن می بود که بایشان اجازه داده شود تا به « اروپا » رفته و حقیقت معاملات را بدول بفهمانند ولی پر واضح بود که آن حرکتشان اثر بسیار مضرّی بحالت آنوقت مملکت داشت اگر چه درهنگام حرکت من ایشان در طهران بودند ولی تا هشت ماه بعد متوالیاً اصرار می کردند که اجازه رفتن بایشان داده شود بعضی اوقات بحدی اصرار شان سخت می شد که چند جلسهٔ افسوسناك و مضحك بین ایشان و بعضی از اعضاء کابینه واقع شد :- عدهٔ از وکلاء را بعمارت خود طلبیده و پس از ساعتها موعظه و نطق درعدم قابلیت و قصور آنها راجع بحلّ مسائل غامضه ایران اظهار داشتند که ارادهٔ رفتن به «اروپا» دارند * نایب السلطنه در اواخر سپتامبر (اوایل شوال ۱۳۲۹) قبل از آنکه سالارالدوله از یفرم خان و بختیار یها شکست بخورد چند نفر از وکلاء را خصوصاً از حزب « دیموکرات » درعمارت ئیلاقی خود درچالهرز که واقع در خارج طهرانست طلبیده و پس از قدری مذاکرات وگفتگو های « تیاتر » نما تکمهای سینه خود را باز نموده و به آواز بلند اظهار داشتند که « چرا مرا نمی کشید من خود مرا خواهم کشت » حضار چنان پنداشتند که ایشان میخواهند از آن محل خارج شده و طپانچه بیاورند ایشان را گرفته و از آن خیال باز داشته تا آنکه آرام گرفتند در موقع دیگر درهمان ماه چند نفر از وکلاء را ساعت ده

شب در منزل خود در عمارت گلستان طهران طلبیدند پس از ورود وکلاء شروع بشکایت سختی نمودند از « آرتیکل » (لایحهٔ) که « روسکی اسلوو » روزنامه نیم رسمی روس بایشان اعتراض نموده و اشاعه داده بود والا حضرت اظهار داشتند که آن دروغها را « دیموکرات » ها بایشان نسبت داده اند سلیمان میرزا « لیدر » (نمایندهٔ) دیموکراتهای مجلس که حاضر بود نوشته از جیب خود بیرون آورده و گفت رأی دیموکراتها درباره نایب السلطنه در آن مندرج و آن « آرتیکل » مشکی عنه را آنها ننوشته اند نایب السلطنه گفتند « این نوشته کافی نیست باید علناً اعتراف کنید که آنچه در (روسکی اسلوو) نوشته شده دروغست » سلیمان میرزا جواب داد « هرگز من این تکذیب را نخواهم کرد این (تکذیب) کاری نیست دیموکراتها بکنند » نایب السلطنه از آن جواب از حال طبیعی خارج شده و با دست سینهٔ خود را کوبیده و میگفتند « شما ها می خواهید مرا بکشید پس چرا نمی کشید من امشب از اینجا خواهم رفت » پس از دو ساعت ازاینگونه پریشان گوئیها که همه نوکرها و سربازها از بیرون اطاق مشاهده بکردند نایب السلطنه منشی خود را طلبیده و مسودهٔ استعفای خود را نوشته و در آخر آن ورقه اینجمله را اضافه نمودند :— « باین جهة استعفا میکنم که دیموکراتها بر خلاف من بوده و از من تنفر دارند » پس از آن بحاضرین فرمودند که « تمام شما ضمانت و امضاء نمائید که کسی متعرض من نشده تا از این مملکت خارج شوم چون وکلاء و وزراء حاضر از آن کار انکار نمودند نایب السلطنه برخواسته که از آنمحل خارج شوند وکالسکچی خود را به آواز بلند طلبیدند ولی مردم ایشان را نگاه داشته و مراجعتشان دادند ساعت سه بعد از نصف شب یعنی پس از پنج ساعت از آنگونه حرکات و رفتار جنون آمیز مجمع مزبور منتشر شد *

بعقیده من انتخاب ناصر الملك برای نیابت سلطنت مناسب نبود حالت ملت ایران شخصی را برای نگاهداری سکان مملکت لازم داشت که تند و با قدرت و نفوذ و عادل باشد اگرچه در کمال لیاقت و قابلیت ایشان حرفی نمیرود ولی چندان قوت قلب و در بعضی موارد انصاف هم نداشتند بواسطه خود پسندی هیچ چیزی را بخاطر نمی آوردند مگر آنچه تعلق بشخص خود یا احتراماتشان داشت شکایت ایشان از مجلس و وزراء این بود که آنها میخواستند والا حضرت را شریك سیاسیات کنند و حال آنکه خیال خودشان این بود که وجود نایب السلطنه مثل پادشاه انگلستان در نزد عموم ملت مقدس و منزه و محترم میباشد نتیجه خیال مزبور این شد که ایشان بیشتر از همه چیز در فکر سلامتی

شخصی و آسایش قلب خود بوده و ابداً اعتنائی بانجام گرفتن کارهای مشکل و پیچیده که مسئولیت آن را بعهده خود گرفته نداشتند *

هیئت کابینه و مأمورین طبقهٔ اعلای قوه مجریه که در زمان توقف در ایران با آنها مصادف گردیدم باستثنای قلیلی اثر خوبی بر من ظاهر ننمودند بسیاری از ایشان مردمان تربیت یافته کامل و بسیار زیرك بودند ولی عموماً دارای عیوب خود پسندی و مغرضی و فقط در فکر جلب منافع شخصی بودند اگر باین میزان بسیاری از مأمورین دول دیگر را بسنجیم ایشانهم عاری از این نقایص نخواهند بود در طبقهٔ حکام پول ذخیره نمودن و خدمات دولتی خودرا بهانه قرار دادن بیش از اندازه معمول بوده و شیوع داشت اشخاص مزبوره بیشتر از طبقه امراء انتخاب میشدند الحق طبقه امراء ناخلف بودند نه خود شان بجلوگیری از بیدیانتی و تقلب در امور دولتی اقتدار داشتند و نه راضی میشدند که دیگری بدان امر اقدام نماید باین تصور که مبادا ضرر موهومی بخود یا بدوستانشان وارد بیاید *

اما وکلاء مجلس ایران از قسم دیگر بودند معدودی از ایشان از طبقه بزرگان و اعیان متموّل بوده ولی آنها هم بکلیهٔ وکلاء از حیث جنسیت و سنخیت نزدیك بودند بسیاری از ایشان قانون و طب خوانده و عدهٔ قلیلی از منشیان و مستخدمین طبقه ادنی وعده هم ملا بودند بهر حال و هر چه بودند علی الظاهر این امر را احساس نموده بودند که انتخاب و تعیین ایشان بوکالت برای عمومی شده نه فقط بصرف سفارش و توسط باین جهة خود را حافظ حقوق هموطنان خود میدانستند عقیده صریح و صاف ایشان این بود که در کشمکش تشکیل قسمی از دولت مشروطه خودرا مسئول خیر و شر و سعادت و شقاوت شرف و افتخار ایرانیان میدانستند *

اگر چه رائیهای مختلفه در باره مجلس و مجلسیان داده شده و نیز داده خواهد شد و دولتین روس و انگلیس اظهار می نمایند که آن هیئت بسیار بی تجربه و نا قابل میباشند ولی شك نیست که بعضی اوقات هم دلیل صحیحی راجع بشکایت خود در دست داشته که بچشم حقارت نظر بمجلس می نمودند نمایندگان پلتیکی ایشان در طهران مکرر این نکته را ملتفت شده واحساس مینمودند که چنانچه در زمان سلاطین سلف چیزی آهسته بگوش یکی از ندماء متملق و متقلب درباری گفته و بدان وسیله مقاصد خودرا اجراء نموده بدان بمثابه آسان نخواهد بود که بك هیئت هشتاد نفره نمایندگان منتخبه را تحکم یاتهدید نمایند *

عقیده شخص من این است که هیچگاه در تواریخ عالم دیده نشده که ملتی مانند ایرانیان دفعةً و بیمقدمه طریقه سلطنت استبدادی را برویه حکومت مشروطه (حکومت انتخابی) تبدیل کرده و هم باعلی درجه معیار لیاقت سیاسی و علم اجراء قوانین را ابراز نموده باشند هیچ شخص عاقلی امکان هیچ جنبشی را نمیتواند تصور نموده وچنین قابلیتی را از آنها توقع داشته باشد اعضاء مجلس اول برای بقاء خود از همانروز که «پارلمان» تشکیل گردید مجبور بدفاع شدند کشکش بی تناسب ایشان با محمد علی شاه و دول اجنبیه که بزرگترین معاون او بودند وقتی خاتمه یافت که کرنل لیاخف با قزاقهایش مجلس را بمبارد نمود ومجالی برای تصفیه و اصلاح امور معظم قانونی نیافته و هیچ امیدوار نبودند که تدابیر شان بموقع اجراء گذارده شده و نتیجه از اقداماتشان بروز نماید*

اعضاء مجلس ثانی که تمام آنها را شخصاً می شناختم بدون شبهه نسبت بی لیاقتی و ناقابلی در صورتی میتوان به آنها داد که معیار علم وتجربه آنان را با لیاقت و کفایت مبعوثان «پارلمان» انگلیس یا (کنگره) امریکا بسنجیم این امر خالی از غرابت نخواهد بود که حکومتی که بکلی جدید و بیتجربه بوده آنهم در مملکتی که مملوّ از خرابی قرنها باشد باینددرجه مقتدر شود که از اوّل کارهای خود را مانند دول دیگر که تجربه نسلها بلکه قرنهای عدیده داشتند انجام دهد رعایت فقدان علم فنی را هم باید نمود زیرا که البته یك نکته مهم همین است المجلس حقیقةً انعکاس خیالات و امیدواریهای جدید محققانه عدالتخواهانه ملت ایران بود قابلیت اعضاء آن از حیث تربیت و تحصیل از درجه وسطی بیشتر بود بعضی از ایشان لیاقت مخصوص و جرأت قابل تمجیدی ابراز نمودند تقریباً خیال و عقیده همه ایشان این بود که نجات مملکتشان موقوف بکوششهای خود شان بوده و سعی می نمودند که دولت مشروطه را بر بنیاد محکم پایداری استوار نمایند و فقط بهمین وسائل میتوانند امنیت و عمران و ترفیه عمومی را عود داده و از فروش مملکت خود بأجانب و مخصوصاً از تعدیات پلتیکی روس و انگلیس جلوگیری نمایند وکلاء مجلس ثانی باستثناء قلیلی صادقانه فریفته همین مقصد بوده و هر تدبیر و نقشه که برای محافظت وطنشان بایشان تقدیم می شد با طیب خاطر تمام آن را استقبال میکردند اگرچه علم صحیحی درباره ترتیب امور مالیاتی نداشتند ولی اهمیت موقع را بخوبی احساس کرده و مائل بودند که اعتماد کلی خود را بمستشاران بیگانه اظهار نموده و ضمناً هم از ایشان خائف بودند مگر در صورتیکه مستشاران برای دفاع (آنتریك) و تقلبات پلتیکی خودرا حاضر

نموده و بجهة سعادت و بهبودی ایران کار کنند *

هر پارلمانیرا که اهل مملکت حامی آن باشند نمیتوان نا قابل گفت بشرطیکه اهالی آن مملکتهم حدود خود را شناخته و اعضاء آن پارلمان هم برای حفظ شرافت و حقوق شاهنشاهی مجانفشانی راضی باشند *

در کارخانه دولتی اگر مانعی بر خلاف آمال ارتجاعی جمعی از امراء و صاحبمنصبان کابینه و بر ضد تقلباتیکه در اغلب مأمورین دولتی از هر طبقه دیده میشد وجود داشت فقط همانجلس بود تا زمانیکه مجلس باقی و دائر بود این مسئله بر همه کس مکشوف بود که هیئتی حاضر می باشند که اهالی ایران را از ارتجاع و تقلبات فاحش و خیانت با حقوق شخصی و پلتیکی که به آنها راه یافته محافظت نمایند مجلس حاضر بود که از اعضاء اداره که متدین و قابل ترقی باشند حمایت کنند زمانیکه هیئت مزبوره بواسطه اغماض دول اجنبیه منتشر و متفرق گردید آخرین امیدواری دولت متدین یا مشروطه ایران مفقود شد ملت ایران از آن ضرب دستی که مجلس را خاموش کردانید راضی نبودند زیرا میدانستند که حقوق و ملیت مستقبل ایشان محو خواهد شد *

مجلس در انجام دادن امور و وظائف تکلیفیهٔ خود کمال چستی و کفایت را بظهور رسانید واکر هم در بعضی مواقع در امری اظهار طرفداری مینمود چندان بی راه نبود زیرا که مجالس قانونی سابقه هم از این کونه نواقص و آلایشات مبرا و پاك نبودند *

اکر چه مجلس ایران چنانچه باید و شاید پلتیکی و سیاسی کامل نبود ولی در حقیقت بیشتر از سایر ملل بهترین امیدواریهای ایرانیان را که در هیچ زمانی در آن مملکت وجود نداشت ابراز نمود مجلس با آن موانع و اشکالاتی که ترقی و پیشرفت حکومت مشروطه را احاطه نموده بود تا درجه امکان مقاومت و دفاع نمود همین دلائل درجه بی تجربگی و ناقابلی ایشان را بطور کافی واضح می نماید دولتین روس و انگلیس پی در پی بوزیر مختار های طهران خود تعلیمات و دستور العملها میدادند که فلان امتیاز را مطالبه و درخواست کرده و از دادن فلان انحصار مانع شوید غافل از انکه زمانیکه اختیار مال و جان وفوائد دوازده ملیون نفوس بکلی در قبضه اقتدار یك نفر مستبد بود که بسهولت هر چه تمامتر مشار الیه را تهدید نموده و یا بطیب رشوت او را می قبولاندند گذشت و آن درجه سهولت قدیمه نسبت بمعاملات با وکلاء پارلمانیکه از طرف عموم ملت منتخب شده و نظارت راههای آهن و معادن و سایر امتیازات را در قبضه تصرف خود دارند در این زمان در کار

ومیسر نخواهد بود بعبارة اخری مجلس برای پیشرفت مقاصد و اغراض مخفیه آن دو دولت ولو هرچه باشد مانع حقیقی واقعشده بود وبهمینجهة بود که دولتین متوالیا اظهار شکایت می نمودند که « منافعشان » در ایران در معرض خطر است *

بیان کردن خصوصیات اهل ایران چنانچه شاید قدری مشکل است عدهء کثیری از نفوس اهل آن مملکت که مشتمل بر زرّاع ودهاقین وایلات اند بیشترشان از حلیه علم عاری میباشند ولی در مقابل هزارها از اهالی ایران در ممالك متمدنه تربیت یافته وتحصیل نموده و پس از اتمام تحصیلات در مملکت خود نیز سیاحت کامل کرده بودند ایرانیان عموماً مهربان و مهمان دوست بوده وملل اجنبیه را بسیار احترام میکنند اکثر طبقات متموّلین زبان فرانسه را تحصیل کرده و برخی از ایشان بانگلیسی نیز تکلم می نمودند عموماً یا اقلاً بعضی از انهائیکه حامی وطرفدار ملت بودند لیاقت وقابلیت خودرا در اتخاذ تمدن و خیالات مغرب زمینیان ثابت ومدلل داشتند وباوجود موانع واشکالات خارج از حدّ وحصر توانستند سلطنت استبدادی را بحکومت دیموکراسی تبدیل نمایند موانع مزبوره بدرجه تصفیه و اصلاح شده بود که هر شخص با لیاقتی از هر طبقه که باشد میتوانست اعلی ترین خدمات دولتی را اشغال نماید ایرانیان در ظرف مدت این پنجسال از حیث ملیت شوق عدیمة النظیری برای تحصیل ابراز کردند در دوره مشروطه صد ها مدرسه تشکیل کرده شد گویا مطابع وجرائد بسیار آزاد در ظرف یکشب از هر گوشه و کنار بظهور آمده و مدبران جری و مضمون نویسان بی خوف و بی باك ظاهر شدند که مظالم و بی انصافی وسرزنشهای خارجی وداخلی را از مملکت خود دور نموده و بر اندازند ایرانیان آرزو وتمنای بسیار داشتند که کلیه قوانین سیاسی واخلاقی و معاملاتی ملل ترقی یافته و تربیت شده عصر حاضر را قبول کنند شراره از همین آتش ناشکیبائی و بی تحملی که در ایرانیان مشتعل شد بهندوستان سرایت کرده وجنبش و اقدامات « ژون ترك » (عثمانیان) را بروی کار آوردهٔ و در همین اواخر بلباس جمهوریت درچین جلوه نمود مشرق زمینیان بیدار شده اند ولی افسوس که ایرانیان بدبختانه دیر بیدارشدند مجاهدات ومساعی آنانرا که بطرف نور آزادی وحریت و سعادت ابدی پیش میرفت دولتی مانع شد که قدرت خود آندولت در راه ظلمتست *

باب دهم

(۱)

میدان دیپلوماسی ۱۹۱۱ اروپا مسلك انگلیس و روس معاهده پوتسدام اتحاد سری روس و آلمان لیاقت و قابلیت ایران از حیث قوای جنگی اعتراضات سر ادوارد گری بخزانه دار معاهده انگلیس و روس *

از ابتداء تخریب و انهدام مجلس تدابیر کهنه شنرصرفی (که برای نجات و استخلاص از تعاقب سر خود را درشتن و ما سه پنهان میکنند) در ایران شکل تازه نوظهوری پیدا کرد علی الظاهر روس و انگلیس خواستند سلطنت صوری در ایران تشکیل داده تا از اتفاقاتیکه در آن مملکت بدبخت واقع میشود درانظار اهل عالم بری الذمه و بی تقصیر باشند

چنانچه بیست و یکم مارس ۱۹۱۲ (اول ربیع الثانی ۱۳۳۰) لائحهٔ ذیل از طهران بامضاء نوروز در روز نامه « نیرئیست » (مشرق اقصی) درج شده بود :— دولتین بواسطه باقی گذاردن فقط اسم سلطنتی در ایران میخواهند خودشان را ازهرگونه مسئولیتی رهائیده و بریئ الذمه گردانند ولی وقتیکه بتشکیل همچو سلطنتی نائل و کامیاب شدند آن سلطنت را مفلوج می نمایند *

عقیدهٔ شخصی من این است که دولتین (یعنی انگلیس و روس) مطمئن می باشند که از مسئولیت هر قسم وقایع و انقلابات ایران بنجات یافته بحث و تعرّضی بر ایشان نخواهد بود ولی اهل عالم زمانه درازیست که از طرح این مسلك بخوبی آگاه و مطلع شده اند به آن وقایعیکه راجع بغارت گری بین المللی است اگر بحیله و مکرهای خالص خود هر قسم لباس رسمی بپوشانند در انظار متمدّنین مخفی نمانده و مشتبه نخواهد گردید حقیقت امر اینست که دولتین انگلیس و روس در این قرون وسطی یکدست نرد دیپلوماسی باهم باختند ولی هنوز سر گذشت « لا پرنس » (Le. Prince.) (تصنیف

---

(۱) بیان آرائیکه در این باب ذکر شده متعلق بحالات سیاسی سی ام اپریل ۱۹۱۲ (دوازدهم جمادی الاولی ۱۳۳۰) می باشد *

مکیاوبلی اطالیائی (M. Mecal Vellie.) مترجم) کتاب درسی ایشان است (۱) لکن ایشان نمیتوانند کسی را فریب دهند حتی آن ایرانیهائی را که آلة دست خود قرار داده و بمنزله یهودای اسقریوطی بوده وآن سلطنت را تشکیل کرده و روبل و احکام روسی را قبول می کنند آنها را هم نمیتوانند گول بزنند (۲) *

اینمسئله محل تردید و شبهه است که عموم انگلیسان گول خورده باشند ولی چیزیکه معین و واضح میباشد این است که از سکوت حیرت انگیز سر ادوارد گری قدری خسته شده اند هر وقت یکی از وکلاء پارلمان خالی الذهن و بدون مقدمه توضیحی راجع بحرکات روس یا مسلك انگلیس در ایران میخواست همیشه جواب ایشان منحصر بهمین چند کلمه بود « موقع دقیق و خطرناك » یا « اقدامات جاری است » خواه معترض و سائل از حزب « لیبرال » (آزادی خواه) باشد یا از فرقه « یونی ینست » (اتحادیون) سر ادوارد گری در این پنج سال اخیر این لباس را بقدری استعمال نموده که تار و پودش نمایان گردیده است (۳) معلوم نیست ملت انگلیس تا کی اجازه داده و راضی میشوند که امور خارجه آنها باینددرجه درهم و برهم باشد واگر مسائل مشکله داخلی با تقدیر و توقعات کابینه « لیبرال » حالیه پیچیده نشده بود شاید جواب آن سئوالات تا بحال بسهولت تمام داده میشد اگر درباره استقلال و اقتدار وزارت خارجه سر ادوارد گری یا فتوحات دیپلومائیش که از دو سال قبل در ظل حمایت مسلك خارجی حکومت « لیبرال » نائل شده رأی عمومی گرفته شود نتیجه بسیار مطلوب و پسندیده بدست

---

(۱) ذکر سرگذشت لا پرنس در این جا کنایه از این است که هنوز بمسلکهای فریب دهنده پوسیده و مندرس متوسل می باشند — مترجم *

(۲) یهودای اسقریوطی یکی از حواریین حضرت عیسی بود که خودرا خالصانه از پیروان و ایمان آورندگان به آن حضرت جلوه داده و از همه بیشتر اظهار خلوص و عقیده نسبت بمسیح می نمود ولی چون ورق کار برگشته و بنی اسرائیلیان درصدد ایذاء وقتل انحضرت برامدند اول کسیکه تبرا و اعراض نمود همان یهودا بود — مترجم *

(۳) یعنی تا حدی این مسالك خود را دنبال نموده و استمرار داد که فساد آن برهمه کس واضح و روشن گردید — مترجم *

خواهد آمد (۱) چقدر مناسب خواهد بود که نتیجه آن رأی عمومی از خود حزب «لیبرال» سئوال شود *

در تابستان گذشته روس سرنوشت و مقدرات آتیه ایران را بکلی خاتمه داد بحران اروپائی را که از دیر زمانی اهل عالم منتظرش بودند گویا آنموقع رسیده و ان خرس اقتدار کاملی در آسیا حاصل نمود آیا کدام امر بود که آن کشمکش «اروپا» ترا بدرجه سرعت داده که بکلی «آسیا» از خاطرشان محو گردید ؟ *

باید این سئوالرا از «آدمرال» (امیر البحر) ی نمود که فرمانده دستجات جهازات المانی در دریای شمال اطراف سواحل «اسکاتلند» بود در موقعیکه یکروز صبح درماه سپتامبر کشتی میراند که جهاز «کروزر» (کشتی قراول) انگلیسی «دریدنات» های المانیرا غفلةً کشف نمود در هنگامی که جهازات مزبوره موافق قوائد و فنون نظامی صف ارائی نموده و «تریپل» های (کشتی های کوچك جهاز شکن) پیش قراول پیشا پیش حرکت و سیر نموده و مستعد مقابله با خصم بودند *

یا از آندو نفر صاحب‌منصب طبقه اعلای بحری انگلیس باید سئوال شود که بواسطه گم نمودن چند ساعت رد و خط سیر جهازات المانیرا از خدمت خود منفصل شده و بکلی دستشان از کار کوتاه گردید *

از امپراطور روس باید سئوال شود که ایا در «پوتسدام» وعده نکرد که معاهده بین خود و انگلیس را توجیه و تفسیر نموده و در صورت وقوع جنگی بین المان و انگلیس ملتزم خواهد بود که هیچگونه اقدامی بر خلاف المان ننماید ؟ *

سئوالات مزبوره اگر مطابق صدق و عدالت جواب داده شود علت غائی حمله ناگهانی که کابینه روس در پائیز گذشته بایران نمود واضح و معلوم خواهد شد ان اقوال و معاذیر بیگانه که ایران نسبت بصاحب‌منصبان قونسلخانه روس توهین نموده یا استخدام یکنفر رعیت انگلیس را که اهم از طرف خزانه دار ایران مأمور وصول مالیه تبریز شده بود مستمسك و بهانه بجهة پیش کشیدن مسالك ظالمانه و وحشیانه روس در ایران

---

(۱) مراد از رأی عمومی این است که هروقت مسئله متنازع فیهو در پارلمان با کثریت تصفیه و تنقیح نشود یعنی هر دو فریق متنازعین از حیث عدد مساوی با هم باشند بتوسط اوراق از طرفداران و پیروان آن دو حزب رای گرفته و قانون تابع همان اکثریت رای عمومی خواهد بود ـــ مترجم *

گردید ظاهر واشکار است بیان واقع وحقیقت اقدامات جابرانه ومحیلانه که مأمورین روس برخلاف استقلال سلطنت شاهنشاهی ودولت مشروطه‌ایران از زمان خلع محمد علی درسال ۱۹۰۹ مرتکب شده اند در چندین مجلد کتاب کما هو حقه نخواهد گنجید*

فقدان تدبیر صاحب منصب کدام دولتی از کدام زمان باو حق و اجازه داده است که هیجده هزار نفر قشون در مملکت دوستی وارد نموده ورعایای صلح جوی ان مملکت را زجرو قتل عام کرده واشخاص بی طوف غیر جنگی را چه بدار کشیده وگلوله ریز نموده وچه بتوپ بسته و بظلم وجور اصول واساسه منظم سلطنت شاهنشاهی ملت دوست خود را منهدم ونابود گرداند ؟ مجلس صلح عمومی «لاهه» که خود اعلیحضرت امپر اطور تمام روسیه علی الظاهر آن را ایجاد وتکمیل نموده وتقویت داده آیا تصدیق خواهد نمود که آنمسلك ووضع رفتار مطابق قوانین بین المللی یا موافق حقیقت عدل وانسانیت است ؟ آیا دیگر هیچ دولتی که فی الجمله شرف خود را دوست داشته باشد با دولتی مثل دولت روس طرف معاهده ومعامله واقع شده ویا بشرکت در مجلس دعوت همچو دولتی راضی خواهد شد ؟ *

زحمات واشکالاتی که در این پنجسال اخیر بسیاسیات انگلیس مصادف شده بواسطه اینست که مدبر سیاسی دانی برای اصلاحات دران مملکت موجود نبود سر ادوارد گری شخصاً از خانواده خوب ومتواضع تربیت یافته وعالم میباشد مشار الیه وزیر خارجه لایق ومناسبیست لکن برای مملکت سویس یا بلجیك شاید هم برای مملکت (روری تانیای آنتونی هوپ) (**Anthoniy hopes ruritania**) مناسب باشد ولی وزارت مملکت انگلستان که منافع واغراضش از ارو پا تجاوز نموده امر دیگری ما فوق آنست واز حدود قوهٔ شخصی ایالتی یعنی کسیکه تربیت یافته ایالات انگلستان باشد خارج است انهم درصورتیکه بزرگترین مسافرت بحریش تا منتهی الیه ابنای (تنگه دریائی) انگلیس بوده وبهترین افعال واقداماتش در ان مدت دراز خدمات عمویش صید ماهی انهم از خشکی وکناره می باشد درصورتیکه نصف بیشتر سلطنت ومستملکات انگلیس در «اسیا» واقع است هیچیك ازحامیان عالی ایشان هرگز تهمت وافترای خیالات وتصورات مشرقی را بمشار الیه نزده است *

از زمانیکه اتحاد انگلیس وفرانسه بسعی وکوشش لردلنزدان(**Lord Lansdowne**) در سنه ۱۹۰۵ تکمیل یافت در مسلك خارجه دولت انگلیس تغییرات بسیار راه یافت

حقیقت عقیدهٔ ان مدبر معروف ان بود که انگلستان باید از ان حالت انفراد مشعشع خود خارج شده و در جرگهٔ سیاسیات سائر دول اروپا داخل شود پروگرام حیرت انگیز المان هم در تعمیر جهازات و تکمیل قوای بحری شاید بهمین نقطه نظر داشته باشد *

از زمانیکه حکومت لیبرالی در انگلستان اکثریت پیدا نمود دولت انگلیس دوچار مواقع دیپلوماتی پیچیدهٔ خارجی در « اروپا » و (اسیا) گردید در موقعیکه جنگ روس وژاپون دولت روس را بدون شبهه ضعیف نموده و برای ساختن جهازات جنگی و ترقی دادن صنایع و تعمیر راههای اهن خود پول لازم داشت و فرانسه هم در پیشقدمی (باستقراض) قدری سستی و تردید داشت مدبر روشن ضمیری پیدا شده و رأی داد که اگر دولت انگلیس از روس تقویت نموده و سرمایه های لندن را در پطر سبرگ بریزد مسالك خوبی خواهد بود چرا باین جهة که قواء دولت المان رو به تزاید گذارده و اتحاد انگلیس و فرانسه هم مانع کافی برای جلوگیری از طمع و مخالفت المان تصور نمیشد قواء روس که بواسطه جنگ ضعیف شده و اتحاد با اندولت برای انگلستان در شمال المان همان نتیجه را می بخشید که از اتحاد با فرانسه در جنوب متصوّر بود این بود نقشه کار و طرح خیالات مدبر مشار الیه و بعضیها گفته اند که اتحاد مزبور برای محدود و محصور ساختن آلمان بوده است ولی شاید خود المان هم این نکته را ملتفت شده و احساس نموده باشد *

موقع بهانهٔ برای اجراء آن نقشه رسیده و در آسیا هم معاملات انگلیس و روس تصفیه لازم داشت نتیجه همان معاهده انگلیس و روس شد که در سپتمبر ۱۹۰۷ انعقاد یافت سرادوارد گری امیدوار بود که بوسیله انعقاد معاهده مزبوره ناموری و افتخار جانشینی لانزدان را برای خود بر قرار بدارد چنانچه رایج و معمول است از بودن اغراض مخفیه در مواد ان معاهده انکار نمود شاید هم حقیقةً غرضی در بین نبوده است *

آیا معاهده مزبوره مسائل مختلف فیهی را که در آنقسمت اسیا بین انگلیس و روس محل بحث بود تصفیه نمود ؟ بلی ! ولی نه از برای مدت مدیدی *

زمانیکه آن اتفاق مثلث (اتحاد ثلاثه) در شرف تشکیل بود آلمانها بکلی خواب نبوده و احساس نمودند که آن هیجان و جوش و خروش حیرت انگیز سیاسی انگلیسها خاصه در « اروپا » ارتباط و مناسبت تامی با ایشان داشته یعنی مرکوز خاطر انها المان بوده است المانها میل مفرط و دلچسپی تامی بقسمت اسیای عثمانی دارند در سنوات

ماضیه یك نفر « دیپلومات » المانی بسیار با هوش و زیرکی در قسطنطنیه بود که اسمش بارون مارشال فان بی‌برستین (Baron Marschall Von Bieberstein) بود مشارالیه کوشش بسیاری برای تحصیل امتیاز راه اهن بغداد بجهة المان نمود (۱) اهل عالم عنقریب ملتفت خواهند شد که قصد او تعلق تامی داشته است با تغییراتیکه حتماً در « دار دانلز » واقع خواهد شد ادمیرال شستر (Admiral Chester) و شرکائش ساعی بودند که امتیاز راه اهنی در مملکت عثمانی برای امریکا تحصیل کنند و شاید هم با فان بیبرستین مصادف شده باشند نفوذ انگلیس تا چند سال قبل در قسطنطنیه بر سایرین غلبه داشت ولی اکنون چندان قابل اعتنا نمیباشد و نفوذ المان تمام ممالك عثمانی را احاطه نموده است عقیده خود عثمانیها اینست که المانها نه در حالت انحطاط و تنزل بوده و نه از دولتی واهمه دارند *

بهر حال المان در مشرق وسطی شروع باقدامات وعملیات نموده بود که در پائیز ۱۹۱۰ امپراطور روس در « پوتسدام » با امپراطور المان ملاقات کرده و معاهده « پوتسدام » نتیجهٔ آنملاقات گردید معاهده مزبوره بکلی معاهده بی ضرری بود چنانچه از نوشتجاتی که بعناوین و عبارات مختلفه رسماً برای اشاعه بجرائد داده شده بود همه کس میتواند بخوبی نتیجه ان معاهده را ملتفت شده و استنباط نماید آیانکات و اغراض سری در ضمن معاهده مزبوره یا بعضی مواد ان مستور است ؟ خیر ! ماميدانيم غرض مخفی درکارنیست زیرا که وزارتهای خارجه روس و آلمان بعموم مردم همین قسم وا نمود کرده و سرادوارد گری نیز بهمین مضمون بپارلمان انگلیس اطلاع داده است *

اگرچه از ابتداء استتار کلی در مواد ان عهد نامه بکار برده شده ولی چنین احتمال میرود که حقیقت آن قبل از وقت بر همه کس واضح و مکشوف شده باشد *

چهاردهم ژانویه ۱۹۱۱ (دوازدهم محرم ۱۳۲۹) بارون مارشال فان بیبرستین بدولت عثمانی اظهار داشت که معاهده و معاملات روس و المان فقط راجع بکشیدن راه آهن ایران و اتصال ان براه اهنهای خود می باشد *

موادیکه روی همرفته و متفق العموم از معاهدهٔ مذکوره استنباط میشود بر حسب ذیل است :-

(۱) در بعضی از جرائد غیر رسمی شهرت نموده بود که ان دیپلومات معروف در زمانی وزیر مختار (سفیر کبیر) المان در لندن بوده است *

اولاً هر یك از دولتین آلمان و روس متعهد میشوند که از اتحاد با هر دولتیکه اراده پیشقدمی و حمله نسبت بدیگری داشته باشد اجتناب نمایند (۱) *

ثانیاً آلمان اعتراف نموده و تسلیم دارد که ایالات شمالی ایران داخل در منطقه نفوذ روس است و تصدیق میکند که دولت روس حق دارد جمیع امتیازات راه اهنهائی که دولت ایران در ان حدود بمشار الیه وعده داده مطالبه نماید *

ثالثاً سرمایه المانی در شمال ایران بعنوان حمایت از مسلك روس بمصرف خواهد رسید برای کشیدن خط راه آهن از طهران تا خانقین سر حد ایران و عثمانی سهمی از سرمایه آلمان و قسمتی از سرمایه روس بکار برده خواهد شد ولی درتحت نظارت صاحب امتیاز روسی *

رابعاً روس اعتراف و تسلیم می نماید فوائد تجارتی المان را در شمال ایران و ضمانت میکند باقی و برقرار داشتن مسلك « بلا مانع بیطرفانه » در منطقه نفوذ خود *

خامساً روس تسلیم دارد الحقوق و فوائد آلمان را که در امتیاز راه اهن بغداد بمشار الیه داده شده است و ملتزم میشود معاونت سیاسی خودرا بدولت المان در ان قبیل کارها *

سادساً آلمان به تنهائی یك خط راه آهن از بغداد تا خانقین سر حد ایران احداث خواهد نمود که خط بغداد را بخط خانقین و طهران روس و المان و بخطوط دیگر در شمال ایران که اتباع روس کشیده باشند اتصال خواهد داد *

و انتظام بعضی مسائل دیگر راجع بتعرفهٔ حمل و نقل مال التجاره از خط راه آهن بغداد و خطوطیکه در شمال ایران بین دولتین متعاهدتین نقشه کشیده شده وخیال نموده‌اند آنمعاهده را تکمیل می نماند و نیز کشیدن خطوط مزبوره بانضمام تعیین نرخ کرایه وتعرفه حمل و نقل صادرات المانی در شمال ایران سهل و آسان خواهد گشت و از آن طرف هم راهی برای حمل و نقل امتعهٔ روسی به آسیای صغیر و « مدیترانه » باز خواهد شد وضمانت برقرار داشتن (استاتسمتیك) حالت حاضره مشرق قریب برای رفع بدگمانی عثمانیها از نتیجهٔ آخری و حقیقت معاهدهٔ مزبوره در ان معاهده نیز مندرج است *

غیر از سر ادوارد گری هیچکس باور نخواهد نمود که نکاتیکه در آن عهدنامه مسئله است فقط منحصر بدین شروط باشد *

---

(۱) ایهامی که از کلمه پیشقدمی مستفاد میشود موافق مسلك و سلیقه پسندیده دیپلوماسی است *

بهر حال بسیاری از مواد آنعهد نامه دلالت واضح و آشکار دارد براینکه روس نمیتواند جزو اعضاء هئیت اتفاق مثلث بشود اگرچه هم بعضی اوقات شده باشد همان اتفاق مثلثی که در انگلستان سبب اصلی برائت ذمه انگلیسها از معاهدهٔ ۱۹۰۷ روس و انگلیس شده بود *

همه میدانند مملکت روسیه خطهٔ بسیار وسیعی است که یك بندرگاه ندارد که در زمستان باز باشد (یعنی تمام طرق بنادرش در زمستان بواسطهٔ یخ مسدود میشود) از یکطرف تمام بنادر « بالتیك » وی منجمد است واز طرف دیگر « ولادیوستاك » که در ساحل دریای ژاپون واقعست بوجوه مذکوره بیحاصل و مسلوب المنفعه می باشد در وسط مملکت هم بنادریکه در سواحل دریای سیاه واقعست بموجب معاهدهٔ راجعه بمنع عبور جهازات جنگی از « داردانلز » محدود و بسته است در موقعیکه روسها « پرت آرتور » را گرفته بودند از این حیث فی الجمله سهولتی در امور شان واقع شده بود ولی بعد از آنکه ژاپونیها بندر مزبور را تسخیر نمودند روسها برای جبران اینکه نمیتوانند کشتیهای خود شان را در دریا های گرم سیر داده و برای مدت مدیدی در سال کشتیهایشان بواسطهٔ یخ محدود و محصور است دوباره مجبور شدند که بهر وسیله باشد یك یا چند بندر درجاهای دیگر برای خود دست و پا کنند تا در تمام سال بتوانند جهازات جنگی خود را در هر نقطه که بخواهند حرکت داده یا لنگر بیندازند *

در خلیج فارس بنادر خوب و متعدد میباشد و بعضی از آنهاهم درمنطقه نفوذ بیطرف واقع شده است و خود خلیج هم هیچگاه یخ نخواهد بست *

چندین سال است که دولت المان محرمانه روسها را تحریك و اغوا نموده که درمشرق وسطی پیشقدمی نمایند چنانچه اطریشرا به پیشقدمی در مشرق ادنی.و فرانسه را هم در ساحل دریای « مدیترانه » به « افریقا » جری ساخت غرض المان همیشه این بوده که انها را در نقاط مختلفه مشغول و سر گرم نماید یعنی هم افواج و قوای نظامی و هم مالیه شان را در حالتیکه خودش بلا مانع و بلا رقیب ترقی نموده و بزرگترین دول « اروپا » گردید *

عقیدهٔ بعضیها این است که هنوز نقشه و مسلك سیاسی بیزمارك با کمال قوت جاری و درکار است و درهر پیشقدمی که روسها در « اسیا » نموده المان حمایت سری به انها کرده و خواهد کرد *

اگر فرض شود که در « کانفرانس » (.Conference) (مجلس مشورت) «پوتسدام» اتفاق دوستانهٔ مختصری مطابق مواد ذیل واقع شده باشد نتیجه چه خواهد بود ؟ :—

اولاً روس با وجود اثر میلان عام معنوی معاهدهٔ ۱۹۰۷ روس و انگلیس تعهد کرده باشد که در صورتیکه آلمان دوچار جنگ انگلیس شود هیچگاه اقدامیکه باعث پریشانی آلمان شود ننماید *

ثانیاً آلمان هم نفوذ و غلبه روس را در ایران (نه تنها در شمال ایران) تسلیم نموده معناً و حقیقةً و بطرق دیگر دولت روس را در اقداماتیکه بجهة پیشرفت و ازدیاد اقتدار خود می نماید حمایت کند *

ثالثاً دولتین متعاهدتین تعهد و اتفاق نموده باشند در امتداد خط راه آهن بغداد تا خانقین سرحد ایران و عثمانی واتصال آن خط را بخط دیگری که المان ازخانقین تاهمدان (در ایران) خواهد کشید و از انجا بطرف جنوب تا خرّم آباد رفته و از وادی کارون گذشته تا اهواز و محمره که معناً خلیج فارس باشد برسد *

رابعاً روس تعهد کرده باشد که امتیازات لازمه فوق را از ایران بگیرد (۱) *

در صورتیکه مواد مزبورهٔ فوق جزو فصول قرار داد و معاهدهٔ سرّی « پوتسدام » باشد ایا برای دولت انگلیس مقرون بصرفه خواهد بود در ملاقات بسیار مطبوعی که برحسب خواهش سرادوارد گری در فوریه گذشته در لندن با مشار الیه نمودم همین سئوال را ازاو کرده ولی بدیهی است که نمیتوانم جواب انرا در اینجا ذکر نمایم بخاطر میرسد مسافرت لرد هالدین (**Lord Holdene**) به « برلن » چند روز پس از تلاقی « پوتسدام » شاید راجع بهمین مذاکرات باشد *

اکنون مناسب است نتایج مشعشعی که از معاهده روس و انکلیس ناشی شده بسنجیم امضاء معاهده مزبوره بلا فاصلا پس از اتحاد انکلیس و فرانسه آلمان را بیدار و هوشیار کردانده وسبب معاهدهٔ « پوتسدام » شد آنقسمت از معاهدهٔ « پوتسدام » که راجع به انکلیس است جمیع فوائد معنوی را که سر ادواد کری از معاهدهٔ با روس در نظر داشت معدوم کردانید و فوائد غیر متساویه و بی تناسب تقسیم ایران را بمنطقه های نفوذ برای روس باقی کذارد روس فی الحقیقه قسمت و حصهٔ شیری « یعنی حصه

(۱) پس از خرابی وانفصال مجلس در بیست و چهارم دسمبر ۱۹۱۱ کسی حق پرسش و سئوال از اقتدار و نفوذ روس نداشته و این مسئله محل شك و تردید نخواهد بود *

پیشتر و پسر وار» را برد و از همه بدتر این است که روس اتحاد تازه تری با آلمان « که همین یکدولت در اروپا باقی بود که روسها از او ملاحظه داشتند» کرده است در عوض المان هم به آن مناسبت همراهی و مساعدت مخصوص دیکری را با روسها متعهد و متقبل شده است که حمایت از مسلك « پیشقدمی روس در آسیا نماید» آیا در این حمایت مانعی برای دولت المان خواهد بود؟ دولت انگلیس از این اتحاد نه فقط پریشان شده بلکه بیمناك هم خواهد شد معنیش اینست که خلیج فارس که لرد کرزن در سنه ۱۹۰۳ برای تحدید ان زحمات زیاد متحمل شد ازین بعد منحصر ومحدود نخواهد بود یعنی از انحصار و اختصاص اولیه خارج میشود لرد معزی الیه در بیانات خودچنین میگوید :— موقع ما « انکلیس » در خلیج فارس علاوه بر معاهداتی که کرده ایم مربوط بامور بسیاری است موقع استقرار نفوذ و بقاء اقتدار و نتیجهٔ زحمات صد ساله گذشته و سرمایه که در انجا صرف نموده ایم مقتضی بنای تجارت مسلمه و ساخلو داشتن فوج بحري در خلیج فارس و نیز نگاهداشتن غلبه سیاسی در انجا لازم است علاوه بر همه اینها جون خلیج مزبور یکی از سر حدات بحری هندوستان بشمار است محافظت استقلال امنیت هندوستان میباشد*

معنی معاهدهٔ «پوتسدام» باین جرأت این است که تکمیل راه اهن بغداد و امتدادش بداخلهٔ ایران راه اهن کوتاه یا راه مختصری خواهد بود از مشرق بالمان از این اقدامات واضح میشود که چکونه آدمیزاد «یعنی خرسی که مثل ادم راه میرود» هنوز هم بکشیدن دائرهٔ اطراف هند و بالاخره بکشیدن ریسمان و حرکت دادن فنر اندام متوسل است *

یکی از نتائج نسج پیچیده و درهم ان « انتریك » این شد که روس دولتیرا برای اتحاد با خود انتخاب نمود که انکلیس نتواند جلوگیری از باز شدن راه خلیج فارس نموده و یا اینکه در این معامله اقدام بجنکی کند اگر تنها روس بجهة تحصیل بندر گاهی در این خلیج (باین منطقه بحری انکلیس) حمله کرده بود شاید منجر بجنکی میشد ولی نقشه شرکت المان به بهانهٔ امتیاز راه اهن ایران انکلیس را بی پشت و پناه گذارده و او را عاجز نمود مکر اینکه انکلیس بتواند در یك زمان با روس و « این خطر طیوطانی » (**Tutanie**) یعنی المان امادهٔ جنك شود همین خیال است که عموم انکلستان را بمرض حمله وارتعاش اعصاب مبتلا نموده در این صورت « جان بول » (**Gohn Bull**) یعنی انکلیس جا دارد که از ناچاری زاله و فریاد کند : که ای برادر بی شرف !! *

بواسطه دلچسبی و پسندیدکی عامه فقرات ذیل را از تحریرات دولت هند که بوزیر

هند در بیست و یکم سپتامبر ۱۸۹۹ « پانزدهم جمادی الاولی ۱۳۱۷ » راجع بمسلك انگلیس در ایران نوشته منتخب کرده و درج می نمایم *

« شمله » : بیست و یکم سپتامبر ۱۸۹۹ خواهشمندم که جنابعالی را مخاطب ساخته و بتوسط جنابعالی دولت ملکه معظمه را از میزان روابط دولت بریتانیه با ایران . . . .

فقرهٔ پنجم : اغراض اقدامات نظامی بریتانیهٔ اعظم در ایران بواسطه روابط مناسباتیست که ایران با هندوستان دارد چندی قبل از انکه حدود و ثغور هندوستان بدرجه حالیه توسعه یابد یا قبل از انکه دولت روس در اسیای وسطی دولت بزرگ مقتدری شده وبنقاط عدیده سرحدی هندوستان نزدیك یامتصل گردد قسمتی از ایران « اگرچه درآنوقت ایران بهندوستان متصل نبود » باعث اشکال بزرگی برای دولت انگلیس در هند شده بود اوایل قرن حالیه « یعنی قرن نوزدهم » در زمانیکه طمع مملکت گیری فرانسه سبب اصلی خوف شده و میخواست بتوسط ایران رخنه باقتدار انگلیس پیدا کند طرح تسخیر هند را ریخته بود این خیال از انوقت متدرجاً و مکرراً بظهور پیوسته اکنون که دولت بریتانیه اعظم حدود افغانستان تا صدها میل با حدود ایران پهلو به پهلو میرود و باین ملاحظه که مملکت ایران تا صدها میل به بلوچستان که در تحت محافظت انگلیس و تا درجه وسیعی نظم اموراتش بدست صاحب منصبان دولت هند است متصل می باشد وباین جهة که دریائیکه سواحل جنوبی ایران را می شوید دریائی است که هم بسبب نزدیکیش بدریای هند و هم بواسطهٔ نتیجهٔ کوششهای قرن گذشته اغراض و اثرات هند اهمیت و عظمت حاصل نموده است ظاهر میشود که ایران بملاحظه هند اهمیت نظامی حاصل کرده است این اهمیت در صورتی خطرناك نخواهد بود که فقط تصور منافع ان ملك رابکنیم * لکن بدون شبهه هرگاه بخاطر می اوریم که ایران و افغانستان متصل می باشند به فشار روزافزون دولتیکه همیشه اغراضش در اسیا مخالف با اغراض ما بوده مخاطرهٔ سخت و بزرگی در پیش خواهد بود و بهمین ملاحظه خلیج فارس دارد توجه ملل دیگر و باعتبار دیگر ملل همچشم و رقیب را جلب میکنند *

آن فاتحین و ماهرین جنك هندوستان که اکنون رسماً « یعنی عقیده و پیش بینها شان » مرده اند این پیش بینی و پیش گوئی را کرده و دولت خود را باین درجه متنبه ساخته اند ای کاش درقبر های خود شان از تعبیراتیکه سرادوارد گری در ماه اوت گذشته بحسن خلقی تام از مقاصد معاهده روس و انگلیس کرده متزلزل نشوند در زمانیکه

مقدمهٔ مراکش پیش آمده و اولین مرتبهٔ بود که مذاکره استخدام ماژور استوکس بمیان آمده ومطرح مذاکره شده بود وزارت خارجهٔ انگلیس متأسفانه ملتفت شد که نمی تواند در آن واحد بیشتر از یك خیال را بخاطر بگذارند ان خیال سروش غیبی یا حکم رسمی قطعی لاریبی بود که بموقع اجرا گذارده شد که « از ایران منصرف شوید واو را بحال خود گذارده و قوای خود را بطرف دریای آلمان معطوف ومصروف دارید » روس اهمیت موقع را بزودی ملتفت شده و روز نامهای نیمرسمی پطرسبرگ به لاف و گزاف شروع و آن آلهٔ حساسه دیپلوماسی مرام و مقصود خودرا در لندن بموقع تحصیل نمود *

یکی از نتایج آن مقصود این شد که از این ببعد مملکت حاجزی میان قفقازیه وجنوب غربی هندوستان باقی نماند و دیگر انکه بعد از این مانع و مخالفی در راه خشکی روس بهندوستان باقی نخواهد ماند و همچنین نظارت انگلیس در خلیج فارس در معرض خطر بسیار واقع خواهد شد *

نتیجهٔ دیگر این شد که هفتاد و دو ملیون مسلمانان هندوستان که همیشه بین دولت هند انگلیس و هندوها بیطرف بوده بواسطه حمله های روس و سایر ملل عیسوی اروپا بسلطنتهای اسلامی مراکش و طرابلس « عثمانی » و ایران و سکوت انگلیس که موجب رضایش دانسته اند در جوشش صادقانه و وفاداری ایشان نسبت بحکومت هند انگلیس نقصان فاحشی راه یافت یکی از علماء بزرگ هند در مراسله که بیکی از صاحب منصبان محترم ومأمورین سابق انگلیس در هندوستان نوشته اظهار میدارد که بعد از معامله ایران مسلمانان هند مستعد شده اند که نمایندگان خود را در کنگره هنود بفرستند و این اقدامی بود که تاکنون انکار از ان نموده بودند ولی امور پلتیکی انگلیس در هندوستان از نتیجهٔ مغلوبیت ایران ابداً تخفیفی نیافته است (۱) *

در تمام عالم بشرف دولت انگلیس نقصان زیادی راه یافته وملت انگلیس علناً اظهار بی اطمینانی می نمایند زیرا که بعد از این دولت انگلیس نمیتواند خود را حامی وطرفدار

(۱) کنگره هنود : کانفرنس یاانجمنی است که سالی یکمرتبه در یکی از شهرهای بزرگ ومعروف هندوستان که بالنسبه مرکزیت داشته باشد تشکیل می نمود نمایندگان و « لیدر » های هنود یا هزارها نفوس دیگر جمع شده افعال و اقدامات دولت انگلیس که برخلاف مصالح عامه مسلمه نموده تنقید و بمظالم دولت مشار الیها پروتست می کنند تا اینکه بموافقت و ملایمت مجبور شود … مترجم *

ضعفا بخواند *

در ترکی « عثمانی » هم نقصان اثرات اقدامات انکلیس ظاهر و واضع شده است و بواسطه اقداماتیکه در این اواخر در معامله ایران کرده بمعاملات و تجارتش که عملاً بازار های ایران را تا اصفهان فرا گرفته بود نیز خسارت فاحشی وارد آمد *

اثرات این خسارات و نقصانات باصول جنگی دولت انگلیس بیشتر و بدتر خواهد بود اکنون خصم موروثی انگلیس (یعنی کسیکه خصومت انکلیس ارثاً باو رسیده) با اطمینان تمام بطرف خلیج فارس پیش میرود و تا چند سال دیگر به انجا خواهد رسید دولت هند انکلیس برای اثبات لیاقت خود در محافظت خطهٔ که جز و منطقهٔ نفوذ انکلیس است موقع وفرصت خواهد داشت همان قسمتی که لردکچنر (Lord Kitchener) تمام قطعات و حدودش را معین کرده بود و میتوان با قوای نظامی هندوستان بمحافظت آن خطه کامیاب و نائل شد محافظت دولت هند جنوب ایران را از حمله قزاقها بسیار صعب و مشکل خواهد بود وشاید برای این کار مجبور بساخلو داشتن حقیقةً نیم ملیون (پانصد هزار) قشون انکلیسی در هند باشد بعوض خمس آن که الان موجود است و بعبارت دیگر که چندان وقع و اهمیتی «بنظر امور بین المللی» ندارد این است که معاونت و امداد دولت انکلیس از روس برای پیشرفت مقاصد ناجایز و غیر قانونیش نسبت بازادی و استقلال ایران کاریست که از حیث اخلاق و انسانیت دور و بکلی خارج از تمدن می باشد دولت انکلیس بکلی ترك کرده است عادات و مسلکهائی را که تاریخ باهل عالم نشانداده و همه از او متوقع بودند اگر چه عموم ملت انکلیس از خطایا و بی پروائی های دولت خود شان بری الذمه میباشند ولی این لکه تا ابد الدهر بتمدن ایشان باقی خواهد ماند *

شاید خودسر ادوارد گری هم اکنون معترف باشد که در سیاسیات مسلك مخصوص اختیار کرده که نه بالذات پسندیده و ممدوح است و نه از حیث نتیجه اگر فرضاً حالت حالیه آلمان را بسنجیم خواهیم دید که اگر یکسال قبل شك در خوف دولت انکلیس از خود داشت اکنون آن شك بکلی رفع شده « یعنی شکش مبدل بیقین شده است» اگر چه باعث سیاه بختی سر ادوارد گری آلمان بوده ولی با وجود اثرات و نتائج خطرناك مسلك مضر دیپلوماسیش همین خصومت هم باعث دوام و استقرار مشارالیه شده است *

آیا ممکن است سئوال شود که دولت انکلیس بچه تدبیر می توانست دست روس را

از ایران کوتاه کرده باشدم چون بریتانیه اعظم دولت بحری است جهازات جنگی او برخلاف روس چه میتوانند کرد و درکجا میتوانند باو حمله نمایند؟ مگروقتیکه روس بخلیج فارس برسد انگلیس نمیتواند مقابلهٔ مظفرانهٔ کامیابانه، با قشون روس در شمالی ایران بکند دولت انگلیس به آن اعتباریکه اکثر دول بزرگ اروپا. نظامی می باشند نظامی نیست تمام قشون انکلیس نمیتوانند دفاع یا حمله بقشون زیادیکه روس میتواند از قفقازیه بفرستد بنمایند *

بهر حال از ما نحن فیه بر دور و خارج نشویم دولت انگلیس با اینکه هنوز هم یکی از دول درجهٔ اول دنیا «چنانچه همین قسم معروف و دولت روس همچنین پنداشته است» بشمار است درموقعیکه در ژویه گذشته آشکار شد که روس بواسطه مداخلهٔ در ازادی ایران که « انگلیس و روس هر دو متفقاً و منفرداً تعهد احترام آنرا نموده اند » علناً نقض عهد و مخالفت آشکار با معاهدهٔ ذات البین میکند حق بین و تکلیف فرضی انکلیس این بود که برخلاف آن اقدامات اعتراض و پروتست کرده و روس را متنبه نماید که معنی حقیقی آن اقدامات ناسخ معاهدهٔ انکلیس و روس شناخته میشود نتیجهٔ آن اعتراض این میشد که اقلا وفاداری انکلیس را نسبت بایران بتمام اهل عالم ثابت و برقرار میداشت وشاید هم مانع از پیشروی بیشتر ازاین روس میشد ملتی که بخوشی خود و طیب خاطر معاهدهٔ را امضاء میکند لازم است که احترام آن معاهده را رعایت نماید ودر صورت ضرورت و لزوم با هر دولتیکه عناً در صدد مخالفت و نقض آن عهد می باشد مخالفت ودفاع نماید انصاف و مصلحت وقت در این بود که دولت انگلیس فی الجمله اظهار شرف و احساسات ملی خود را نموده باشد سر ادوارد گری برای رفع مسئولیت صریح و سادهٔ خود در معاملهٔ استوکس و چندی بعد در قضیه شعاع السلطنه علناً افعال و اقدامات روس را مداهنه کرده وعقیدهٔ خود را اظهار نمود که بشاهنشاهی و استقلال ایران هیچ نقصی نرسیده است چندی بعد مسلك عجیب تری اختیار کرد که انگلستان آزادی و استقلال ایران را ضمانت ننموده است بهر حال مناسبست مضمون مسلم ذیل را که یکی از اهالی با اطلاع انکلستان که از مسائل و سیاسیات « آسیا » اطلاع کامل دارد « یعنی لرد کرزن » (Lord Curzon) در بیست و دوم مارس ۱۹۱۱ (بیستم ربیع الاول ۱۳۲۹) درمجلس اعیان در مباحثهٔ راجعهٔ بایران اظهار داشت درج نمایم :— من یقین دارم که استقلال و آزادی ایران که دولت علیحضرت در مقدمهٔ معاهدهٔ ۱۹۰۷ انگلیس

و روس ضمانت کرده است هیچ حامی محکم و ثابتی غیر از دولت اعلیحضرت نخواهد داشت *

لرد مارلی (Lord Morley) نماینده حزب « لیبرال » در انجا حاضر بوده و هیچ ایراد و اعتراضی بصحت بیان مشار الیه نکرد اعتذار و تعبیراتی که سر ادوارد گری در تابستان گذشته از افعال و اقدامات روس نموده بحدی سخیف و بی معنی بود که باعث خجلت و شرمندگی ملت انگلیس گردیده و بروس و تمام اهل عالم ظاهر و مدلل گشت که حکومت « لیبرال » تا چه درجه از آلمان خائف می باشد المسلك عجیبی که دولت انگلیس اختیار نموده سبب می شود که بتوان سئوال ذیل را نمود که ملتیکه تا چند روز قبل ادعای حکمیت مسلمه در اکثر امور سیاسی « اسیا » و « اروپا » مینمود ایا بواسطه چه امری تغییر عالی در عقیده و وضع سلوکش راه یافت ؟ ایا میتوان گفت جهازات و سر بازهای چالاك بحری انگلیس قدرت و دل خود را باخته اند ؟ ایا نواقص قشون انگلیس بعد از فاش شدن اسرار هولناك جنك «افریقا»ی جنوبی ثانیاً اصلاح و حقیقة منظم شده ؟ *

هنوز هم در بسیاری از نقاط طاعونی کرهٔ عرض « مکروب » و تخمهای انحطاط زمانهٔ وسطی و فور دارد وظیفه حکومت حالیه است که آنها را در امکنهٔ خود شان معدوم سازد و بر انگلستان لازم است که حقوق انسانیت و تمدن عالم را رعایت نموده و فرائض ذمهٔ خود را اداء کند *

بدلائل فوق ظاهر و ثابت میشود که علت آن مآل بدبختانهٔ ایران نه از حیث استقلال و آزادیش بوده و نه نتیجه اقدام بامر نا مناسبی یا ترك امر لازمی تاریخ عالم علت اصلی انعدام آزادی ایران را در سنه ۱۹۱۱ در « پوتسدام » ثبت و ضبط نموده است روس هم در صورتیکه از حمایت آلمان مطلع و مطمئن بود میتوانست قدری صبر نموده و آهسته تر پیشرفته منتظر موقع و وقت مناسبی باشد معاهدهٔ انگلیس و روس تا جائیکه تعلق بتکالیف و وظائف روس داشت معنی و حقیقةً باطل شده و لاشهٔ سند کهنهٔ بیکاری گردید روس مصمم بود که مسلك و مقاصد خود را که کراراً اظهار نموده یعنی نظارت و فرمانفرمائیش را در ایران و در « آبهائیکه سواحل ایران را می شوید » بموقع اجرا گذارد فقط منتظر موقع مناسبی بود که اقدامات عملی و جدّی خود را بکار برد کشمکشی که در ژوییه گذشته راجع بمعامله مراکش در اروپا واقع شد او را فرصتی داد که اقدامات و مقاصد (دیرینه) خود را بموقع اجرا گذارد دولت روس کامل

نبود که از آن انقلابات فایده نکیرد از اینرو سرادوارد کری مضطرب شده وعلی الظاهر دفعةً همه چیز را فراموش کرد مگر چیزیکه بخاطر داشت فقط « دریث ناث » های امپر اطور المان بود چون روس از حقیقت امر (یعنی خوف انکلیس از آلمان) مطلع شد بازی « ورق » را بر کردانید وبلایی که بعد از آن بین روس و ایران پیش امد و منجر بخرابی دولت مشروطه در بیست و چهارم دسمبر ۱۹۱۱ « دوم محرم ۱۳۳۰ » شد فقط بهانه بود که خود روس خلق و ایجاد کرده بود و شاید هم حکمت جعل ان بهانه ها برای «رفع خجلت سر ادوارد کری از عموم اهالی انکلستان بود » *

روس اکنون (یعنی از سی ام اپریل ۱۹۱۱ سلخ ربیع الاخر ۱۳۲۹ در ایران دولت وحکمران مقتدر و متنفذی است امروز ایران بمنزله یك امارتی است بهردرجه وحشیکری که باهل ایران سلوك کرده شود ذریعه تعرض و وسیله پرسشی نیست بیم روزانه حبس و حلق آویز و شکنجه شدن قوهٔ است که روس بوسیله ان در ایران حکومت میکند از حوادثی که بمملکت کسری دوچار و مصادف شده سکوت و بهت غم افزائی رخداد، و وجود مستشاران و مستخدمین مالیه امریکائی درطهران قضیهٔ تصادفی و اتفاقی بوده خرس قسمت دیگر حلوای لذیذ آسیا را بلعید *

در اوقات مختلفه سر ادوارد گری قصور و الزامات چندی بمن نسبت داد مثل عدم حسن انتظام و تدبرّ کوشش در تبدیل استخدام ایرانی به « انکلیسی » عدم تمکین از شناختن (استعمال لفظ) دوایر نفوذ روس و انکلیس *

اگرچه مضامین مراسلات نیمرسمی که فی مابین من و وزیر مختار های روس و انکلیس در بارهٔ قضیه اسنوکس و استقراض چهار ملیون لیره و تادیهٔ قیمت اسلحه که روس بایران فروخته بود و مواجب و حقوق بریکاد قزاق رد و بدل شده مایل بافشاء آن نبودم ولی بهترین جوابها از ایراد اولی همین فقره است « در ضمیمه به ردیف (د) رجوع شود » *

جواب فقرهٔ دوم مبنی است بذکر تفصیل ذیل :— در ازمنه مختلفه سه نفر از رعایای دولت انکلیس را درخزانه دولت ایران درطهران و اصفهان و شیراز مستخدم کردانیده بودم این نکته مسلم است که من درصدد جلب و تحصیل مستخدمینی بودم که از طرق محاسبه جدید و از زبان و رسوم ایران مسبوق و مطلع باشند سه نفر از اتباع انکلیس را پیدا کردم که میتوانستم ایشانرا برای مستخدمی خزانه قبول نمایم و بهمین ملاحظه دو نفر

بلجیکی را هم مستخدم نمودم اگر از رعایای روس هم کسانیکه دارای صفات و اطلاعات لازمه بوده پیش می‌آمدند آنها را هم بخوبی نیز قبول میکردم اتهام بی‌بنیاد سرادوارد گری که فقط برای مراعات نکات پلتیکی بود مرا مجبور کرد که بملاحظه صرفه وصلاح وقت ایران آن دو سه نفر رعایای انگلیس را بانضمام مسیو لکفر از خدمت خزانه ایران منفصل نموده و فقط مستر جارجنیو (M. Georgenew) را که برحسب معاهده مصوّبه مجلس مستخدم شده بود باقی گذاردم *

فقره سوم هم از همه مهمل تر و ناجایز و بیجا تر میباشد دولت ایران بعد از اعلان معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس بدولتین اطلاع داد که معاهده مزبوره را بهیچ سمتی نخواهد شناخت وخود را پای بند آن نمیداند مجلس از ابتداء اصرار داشت که نباید کاری بکنم که صراحةً یا کنایةً « منطقهای » نفوذ را بقسمی که مشهور است در باره ایران بشناسم *

من هم از همان ابتداء تعهد نموده بودم که این امر را تسلیم نکنم ارتکاب همچو امری (قبول نمودن استعمال لفظ منطقهاي نفود) نقض عهد با دولتی میشد که مرا مستخدم نموده وخیانت و بیوفائی بود نسبت باطمینانی که بمن اظهار کرده بودند سبب اصلی خصومت و مخالفت روس در پیشرفت مشاغل من همین انکار از آن کار بود درصورتیکه در ترغیب بلجیکیها به آن امر کامیاب شده بود *

با وجود همه آن مخالفتها بطرق ممکنه کوشش مینمودم که احترام جمیع حقوق حقه و منافع جایز اتباع اجانب را در ایران رعایت نمایم سعی نمودم که از آندو سفارت تحقیق کرده و بدانم که « فوائد و اغراض مخصوصه ایشان » در ایران که خود شان خیال میکردند چه می باشد یعنی معنی عبارت معاهدهٔ انگلیس و روس را چه قسم استنباط کرده و فهمیده اند *

چنانچه آن مضمون نگار نکته چین و نقاد معروف پلتیکی یعنی دکتر ویلسن (Doctor Wilson) بعبارت لطیفی در یکی از « ارتیکل » ها بخود در باره معاهده « پونسدام » مضمون ذیل را می نویسد :—

آگر کسی بخواهد عقیده‌اش نسبت بحکومتهای اجنبیه ثابت و برقرار بماند باید همیشه دربارهٔ ایشان بدگمان باشد زیرا که زبان سیاسی که آنها استعمال میکنند برای این ایجاد نشده که خیالات مستعملین را کشف نماید وهیچ گیاهی هم در فهمیدن معانی عبارات

آن یا کمک نخواهد نمود *

گویا این تأویل نا پسندیکه سر ادوارد گری بر حسب خواهش روس در تابستان ۱۹۱۱ از عبارت بسیار ساده و مواد واضحه معاهده انگلیس و روس نمود قبل از وقت در خاطر آن چیز نویس خطور کرده بود *

و اما حصه راجعه بخودم : درموقعیکه معاهده مزبوره بین انگلیس و روس مرتب و امضاء شده بود من هیچ یك از وسائل ممکنه را ترك و فرو گذار نکردم که حقیقت « معنی و مقصود ایشان را بفهمم که چه بوده است » *

در نطقی که در بیست و نهم ژانویه ۱۹۱۲ (هشتم صفر ۱۳۳۰) در تحت حمایت « کمیتی » (انجمن) ایرانیان در لندن نمودم فقرات ذیل را بیان کردم :- اگر چه در این موقع قصد نداشتم که در این موضوع بحث و گفتگو نمایم لکن برای دفاع از اتهام بقصوریکه نسبت بمن داده شده میگویم اعم از اینکه نسبتهای مزبوره بجا یا صرف اتهام بوده و یا اینکه در مباحثات راجعه بایران من بحق یا بباطل بوده ام از همهٔ اینها گذشته این مسلم است که از آن زیرکی مخصوصیکه ملتفت بشوم که مقصود از عبارات آن معاهده بر خلاف معانی است که از آنها استنباط میشود من عاری بوده و نمیدانستم که معاهدات دپلوماتی بعضی اوقات دستور العملهای سرّی (مفتاح رمز) دارد که باید بدان وسیله کشف و معلوم شود پس اگر این فرض صحیح باشد باید در این معامله به بیعلمی خود اعتراف کنم دولی که توقع داشتند که از معاهدات موثقه آنان معانیٔ استنباط کنم که از عبارات مستعمله آن مستفاد نمیشد پس بر آنها لازم بود که از رموز معهوده بین خود شان و از طرز تعبیراتیکه کرده اند مرا مطلع نمایند ولی چنین نکردند پس از زمان کمی مابین من و وزیر مختاران انگلیس و روس طرح دوستی واقع شد و بملاحظه اینکه مردمان باشرف و وجدان و دارای خیالات عالیه عدالت خواهی بودند رعایت احترام ایشان را مینمودم در این معامله چیزی بیش از این نمیتوانم بگویم که از زمان ورود بایران تا وقتیکه از انجا خارج شدم یك کلمه نا مناسب یا مباحثه نا مطبوعی بین من و ایشان واقع نشده و هیچگاه مخالفت سختی هم بمیان پیش نیامده غیر از ین هیچ امری بین ما واقع نشد ایشان در طهران وزراء مختار بودند در مباحثه با وزیر مختارها و اخذ نتیجه اگر اقدام بامری خارج از مآل اندیشی کرده بودم باید خود را مقصر بدانم واگر در پیش آمد اموریکه در آنزمان در ایران شده و یا واقع شدنی بود از طرف من بی

احتیاطی سر زده بود تمام اهل عالم یا اقلاً اتباع همان دولی که در آن پیش آمدها شریك بودند مطلع شده و در اینصورت هم خودرا مقصر بدانم پس از آنکه بانمایندگان منتخبه ایران مشورت نمودم که کشته شدن خودرا در معبر تنك تاریکی بر وقوع آن امر در ملاء عام ترجیح میدهند؟ و ایشان هم شق ثانی را پسندیده و اختیار نمودند کردم آنچه را که کردم *

آن روز نامهٔ مشهور که زبان و آلة معروف اجراء مقاصد وزارت خارجه انگلیس است یعنی تمس لندن در لوائح متعدّده از من تنقید نمود مخصوصاً در یکی از آن لوائح که دو روز بعد از آن نطق درج کرده و نوشته بود که من متوقع بوده ام تدابیریکه برای نظم و ترتیب مالیه ایران وضع و مجرا داشته بودم انگلیس و روس بطور یقین و اطمینان قبول کرده و به پزیرند «بدون ملاحظهٔ صرفه و رعایت فوائد خود» *

معنی سادهٔ این تنقید اینست که در تدابیر وقانون مالیه که وضع نموده واجراء داشته بودم چیزی بوده که ضرری بمنافع انگلیس یا باغراض روس در ایران داشته و یا خواهد داشت یکی دو روز بعد از آن روز نامه نامی توانستم خواهش نمایم که توضیح دهد که کدام یکی از تدابیر مالیه که تقدیم نموده بودم بکدام صرفه و اغراض انگلیس و روس ضرر رسانیده و یا خواهد رسانید؟ تا عموم مردم از روی تحقیق بدانند ولی تاکنون هیچیك از آن اغراض را معین نکرده است از سکوت تمس یکی از دو شق را میتوان تصور نمود: یکی آنکه هیچ اغراض و منافعی در بین نبوده که از قانون وتدابیر من متضرر شده باشد دیگر آنکه اگر بالفرض اغراضیهم در بین بوده از ان قبیل است که افشایش ممکن نیست حقیقت واقع اینست که هیچ عبارت یا کلمه در قانون سیزدهم ژون ۱۹۱۱ مالیه ایران نبوده که ضرر ونقصانی باغراض جائزه وحقه هیچ یك از دول اجنبیه رسانیده و یا برساند بلکه بالعکس از وضع و اجراء آن قانون بدون شبهه فوائد و اغراض حقه دولتین انگلیس و روس یا دولت خارجه دیگر که با سلطنت ایران رابطه داشتند محفوظ شده و بصرفه و صلاح حال آنان منوط و مربوط بود *

بهر حال روز نامه مزبور فقط پرتو و انعکاس خیالات مدیر آنست چنانچه اثبات اینمسئله از جملهٔ مندرجه ذیل که از «آرتیکل» های ان روز نامه است بخوبی ثابت و واضح میشود :— «این امر هرگز بخاطر او (یعنی من) خطور نکرد تا وقتیکه ملتفت شد که نظارت دلبخواه سختش در امور مالیه شاید نا پسند وغیر مطلوب دولی باشد که در

ایران اغراض مخصوصه دارند » مکرر این مسئله در پیش چشم من مجسم شده و بنظر من جلوه نمود که ایا ان اغراض مخصوصه که مکرر ذکر شده و هرگز مشخص نخواهد شد کدام است ؟ وادرغیر از عبارت معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس درکجا توضیح شده است ؟ این (ابهام وعدم وضوح وسکوت تمس) مارا به نکته اصلی که محل بحث میباشد موصل است وان این است که ایا حقیقة مفاد قانونیکه از طرف من مجرا شده بود و یا شرایط وجزئیاتش با معاهده مزبوره منافاتی داشته و یا باصطلاح طبقه مخصوصی از دیپلوماتها منشاء اصلی عهدنامه را نقض کرده است ؟ واگرهم مسلم بداریم که هیچ مقاصد واغراضی از معنی صریح وعبارت ساده ان عهد نامه مستنبط میشود پس دولت ایران ویا هر یك از صاحب منصبان و مامورینش چه یومی وچه بیگانه بهدایت کدام روشنائی میتوانستند انرا استنباط نمایند ولی تا حدیکه خودم میتوانم تصور نمایم همین قدر میتوانم بگویم که پس از چندین مرتبه که ان عهد نامه را باحتیاط ودقت تمام خوانده و کتابهای آبی عصرحاضرآنزمان وزارت خارجه را راجع باین مبحث مطالعه نمودم فقط یك مأخذ اطلاعی راجع بمعنی حقیقی آن عهد نامه بدست آوردم که برای آتیهٔ ملت ایران خیلی اهمیت دارد وآن سواد مراسله است که پروفسر برون در صفحه ۱۹۰ کتاب با شکوه خود که در شرح وقایع «رولسیون» ایران از سنه ۱۹۰۵ تا سنه ۱۹۰۹ نوشته درج است سواد مزبور سواد مراسله است که سرسی سیل اسپرینك ریس وزیر مختار انگلیس مقیم طهران پنجم سپتامبر ۱۹۰۷ (بیست و ششم رجب ۱۳۲۵) بوزارتخارجه ایران نوشته بود *

تادرجه که من فهمیدم این مراسله مراسلهء بسیار مهم معظم ومطلوبی است که در ان زمان نوشته شده وتا کنون هم یگانه توضیح رسمی مشروحی از غرض ومقصد اصلی معاهده انگلیس وروس میباشد (ترجمه مراسله مزبوره درمقدمه گذشت) چون انمراسله در کتاب معتبری مثل کتاب پروفسر برون درج شده عموم مردم انرا محل اعتماد دانسته وشاید هم فرض بکنند که مقصود حقیقی دولتین از انعقاد انمعاهده راجعه بایران که چند روز قبل از ان امضاء شده بود همان « اغراضی » است که از ظاهر ان مستفاد میشود ولی چیزیکه صحیح است این است که سواد آنمراسله را در کتاب آبی وزارت خارجه انگلیس نیافتم و چیزیکه محل شبهه وتردید نیست این است که پس از انکه مراسلهٔ سرسی سیل اسپرنیك ریس را بدقت واحتیاط تمام ملاحظه نمودم حقیقة تاحدی

وشبهی بمن اطمینان و ایقان داد که اغراض حقیقی آندو دولت در ایران همان مفادیست که طبعاً و بالصراحه از عبارات خود آن معاهده ظاهرمیشود نه اغراض بعیده غیر مکشوفه (نیش غولی) دیگر *

در ژانویه ۱۹۱۱ یعنی قبل از انکه از ممالك متحده امریکا بایران مسافرت نمایم همین قدر بدرجهٔ لیاقت خود توانستم بواسطه آن توضیح مفصل رسانه از مقصد و غرض اصلی عهد نامه ۱۹۰۷ انگلیس و روس و متعاهدین مشهور آن اطلاع حاصل نمایم با وجود سعی و کوششهائیکه با نیت وقلب صاف خود نمودم که از کلیه اوضاع پلتیکی ایران مطلع شوم چندین مرتبه مرا ملزم و مقصر نمودند که بواسطه خطای در عجله خود را دو چار موقع نازك و مشکلات گردانیده و سعی نکردم که کما هی اهمیت موقع را بشناسم وبا اینکه از مقصد اصلی معاهده انگلیس و روس مطلع نبوده و عمداً تجاهل نموده ام باری باین نمونه و از این قبیل بیانات بسیار معتبر درمجلس عمومی انگلستان بمن نسبت داده بودند *

با وجود همه این اعتراضات چهاردهم دسمبر ۱۹۱۱ (بیست و دوم ذیحجه ۱۳۲۹) وزیر خارجه انگلستان در جواب سئوالیکه یکی از وکلاء پارلمت نموده بود اظهار داشت که از مراسله مذکوره که سر سیسل اسپرنك ریس بدولت ایران نوشته بکلی بی اطلاع بوده وابداً ندیده است ؛ در صورتیکه چند دقیقهٔ قبلش همان وکیل قسمتی از عبارت آن را خوانده بود روز بعد یکی از وکلاء «پارلمنت» مکتوبی بوزیر خارجه فرستاد بانضمام یکقطعه عکس اصل آن مراسله که سر سیسل اسپرنك ریس بفارسی نوشته و در پنجم سپتامبر ۱۹۰۷ (بیست و ششم رجب ۱۳۲۵) بوزارت خارجه ایران فرستاده بود وزارت خارجه تقریباً بدین مضمون جواب داد که وزارت خارجه انگلیس ابداً از این مراسله اطلاع نداشته و ندارد شش هفته بعد از آن تاریخ یعنی اول فوریه ۱۹۱۲ (یازدهم صفر ۱۳۳۰) همان وزارتخارجه بهمان وکیل نوشته و اظهار داشت که مضمون انگلیسی مراسلهٔ سر سیسل اسپرنك ریس اکنون بوزارت خارجه رسیده و ترجمه ان را که پروفسر برون بانگلیسی نوشته و در کتابش درج است بکلی صحیح و مطابق با اصل میباشد (۱) ؛ *

وقتیکه اعضاء وزارتخارجه انگلیس مشغول بترتیب اتهام من بودند که از مقصداصلی

(۱) نظیر این بی پروائی و بی احتیاطی آشکار یا غفلت عمدی رسانه وزارت خارجه انگلیس در معامله استوکس هم واقع شد *

معاهده ۱۹۰۷ انکلیس و روس بی خبر می باشم از چند ماه قبلش از خیال آن اظهار رسیاله مهم دولتین انکلیس وروس که وزیر مختار دولت انکلیس مشغول بترتیب مقدماتش بود مسبوق و مطلع بودم در موقعیکه صاحب منصبان وزارت خارجه انکلیس مرا به بی عاطی و غفلت متهم نموده بودند درهمانوقت خود شان از وجود همچو مراسله معتبریکه حال بنظر شان رسیده غافل بودند اعضاء اداره دولتیکه درامور مهم وسیاسیات دقیق خود بدین قسم سهو وخطا نسبت بخود روا دانسته وباین نوع اقدام بامور معظم نمایند آیا ممکنست که بهمینقدرجه از حقیقت وقایعیکه در زمان اشتغال من بنظم و ترتیب امور مالیه ایران اتفاق افتاد بی اطلاع باشند؟ حقیقةً این اداره دولت انگلیس درمساعدت واتفاق فوری با خواهشهای دولتروس در عزل وانفصال من از شغل خزانه داری کل هیچ نکته را پس و پیش ننموده و از خود تصرّفی نکرد *

انگلیس و روس راضي نبوده وتا کنون هم راضی نمیباشند که مقصد واغراض متناسبه خود را در ایران معین نمایند آیا ان اغراض چه میباشد که بایشان حق و اجازه داده است که نظم دولت ایران یا یکی از مامورینش را در امور داخلی حقیقی مملکتشان تصویب ویا بقوّه جبریه از امری که مخالف با خیالاتشان باشد منع نمایند؟ هرگز ممکن نخواهد بود که اینگونه تصرفات ومداخلات را بغیر ازحکومت و فرمانفرمائی ایشان یا امارت فرض کردن سلطنت ایران بچیز دیگر تعبیر و حمل نمود والاّ این اقدامات چگونه با مقدمه عهد نامه انکلیس و روس یا توضیح رسمیکه سر سپنسل اسپرنك رییس از آنعهد نامه نموده است موافقت خواهد داشت *

در بیان اقدامات وطن پرستانه مامورین دولت انکلیس راجع بامور جدید ایران همین قدر کافی است که هیچ خیالی واضح تر و بیشتر از چند آرتیکل روز نامه « نشن » (Nation) ملی دیده نشد این روز نامه اگرچه تمام عظمت و اعتبار نیمرسمی تمس را دارا نیست ولی بملاحظه اینکه روز نامه « لیبرال » است از حیث عبارت دارای مقام رفیعی است (دو فقره از آن آرتیکل ها در ضمیمه ردیف حرف (و) مندرج است) *

باب یازدهم

طریقه وصول مالیات در ایران نقشه خود برای اصلاح و نظم امور مالیه ترقیات ممکنه و تکمیل راه آهن ثروت طبیعی و منبع اصلی ثروت *

امروزه طریقه وصول مالیات در ایران بهمان سبك و تیره از منه سالفه انجیلی میباشد اصل مأخذ و بنیاد مالیات اراضی مزروعی عشر حاصل آن میباشد تمام مالیات نقدی نیست بلکه قسمت عمده آن جنسی است یعنی دولت درعوض عشر مالیاتی خود از رعایا و ملاکین اجناس را از قبیل گندم و جو و کاه و پنبه و برنج وسایر محصولات زراعتی قبول میکند از این طریقه مندرسه اشکال بزرگی در ضبط محاسبات مالیات باوکات و قصبات و دهات تولید گردیده و دولت بکلی از ماخذ کل صحیح مالیات هر محل که در عرض سال چه باید وصول شود ؟ بی اطلاع صرف میشود علاوه بر این وقتیکه دولت مالیات جنسی محلی را بتوسط صد ها پیشکاران مالیه و محصلین دیوانی وصول نمود رسم است که باید خود دولت وسائل حمل و نقل آن اجناس را به انبارهای مراکز مخصوصه فراهم بیاورد و بعد از انکه آن اجناس را ذخیره نمود تبدیل بنقد کرده (یعنی میفروشد) و یا بمصرف مخارج جنسی دولتی میرساند *

در ایران هیچگاه دفتر محاسبات مالیاتی وجود نداشت که بشود اطلاع کاملی و لو غیر صحیح هم باشد از ماخذ کل عایدات داخلی حاصل نموده و دولت بتواند برآن اعتماد نماید ایران برای سهولت وصول مالیات بهفده یا هیجده ولایت و ایالت منقسم است و در هر یکی از آن حصص شهر یا قصبهٔ بزرگیست که مرکز حکومتی آنولایت بشمار است مثلا ایالت آذربایجان که خطه بسیار معظم و زرخیزترین قطعات ان مملکت است معروف بود که مالیات نقدی و جنسی سالانه ان صفحه که بحکومت مرکزی یعنی باداره مالیه طهران می پردازد موازی یك ملیون تومان که معادل پانصد هزار « دالر » است میباشد در زمان استخدام در ایرانم در ان ایالت یعنی در شهر تبریز که مقر حکومت ایالت مزبور و دوم شهر معظم مملکت بشمار است یکنفر پیشکار مالیه بود ان ایالت بقسمت و قطعات کوچکی منقسم میشود که در هر یك از انها یك نایب پیشکار (مامور مالیه جزء) میباشد

و هر یکی از آن قطعات هم نسبت بوسعتش بقسمتهای کوچکتر منقسم و در هر یکنفر مأمور مالیه میباشد مالیات آن حصص و قطعات کوچك صنف سوم بتوسط کدخدایان محلی از قصبات و دهات وصول میشد مثلاً وظیفه پیشکار یا رئیس مالیه تبریز منحصر باین بود که همه ساله مبلغ معینی نقد و مقدار مشخصی جنس از قبیل گندم و جو و کاه و سایر اجناس مالیاتی جمع کرده و بطور امانت برای ریاست مالیه طهران نگاهدارد ریاست مرکزی از مأخذ و محلهائیکه باید مالیات وصول شود اطلاع کاملی نداشت بجز تصوّر موهومیکه در اذهان مستوفیان یعنی محاسبین دولتی طهران بود ایشان مسبوق بودند که مثلاً چه مبلغ از کدام حصه از فلان ایالت باید وصول شود روابط رئیس مرکزی در طهران با مالیات دهندگان آذربایجان بتوسط همان پیشکار مالیه تبریز بود و پیشکار میدانست که از مأمور مالیهٔ هر قسمتی چه قدر نقد و جنس باید وصول شود ولی خود آن پیشکار هم از مأخذ و محلهائیکه مامورین جزء مالیات وصول میکردند اطلاع کامل تحقیقی نداشت مثلا پیشکار مالیه تبریز دفتری برای خود داشت که آن را کتابچه یا دستور العمل می نامیدند و هر مامور جزئی هم تا وقتیکه مامور بود کتابچه مخصوصی راجع بمیزان مالیات ابواب جمعی خود داشت ان کتابچها بوضع مخصوص ایران بر پارچهای کاغذ کوچك و بدون جلد نوشته شده بود که بسهولت آنها را میتوان در جیب حمل نمود ان کتابچه (فرد) ها را بشکل مخصوصی نوشته که مشکل بلکه محال بود که هر ایرانی هم آن را بفهمد *

از نسلها و ازمنهٔ سالفه مردمانی در ایران میباشند که انها را مستوفی میخوانند پیشه و شغل اکثر انها ارثی است که از پدر به پسر رسیده است انها از وضع این کتابچها مسبوق و از طریقه پیچیده و درهمی که مالیات هر محل بوسیلهٔ ان حساب یا وصول میشد مطلع بودند هر یکی از پیشکاران یا مامورین جزء کتابچهای مالیاتی نقاط ابوابجمعی خود شان را ملك طلق خود میدانست نه متعلق بدولت اگر کسی میخواست از تفصیل ان کتابچها مسبوق شود یا بداند که مالیات هر محل چقدر وصول شده وچقدر ان را برای خود ذخیره و پس نهاد نموده اند مستوفیان مزبور متغیر و غضبناك میشدند وقتیکه وارد طهران شدم در وزارت مالیه شعبه دیدم موسوم بدفتر استیفای بزرگ (محاسبی کل) در انجا هفت یا هشت نفر مستخدمین محترم بودند که بهر یکی از ایشان محاسبات مالیه یك یا دو ولایت و ایالت سپرده شده بود شغل ایشان منحصر بود باینکه مواظب پیشکاران و

مامورین مالیه قسمت ابوابجمعی خود شان باشند که ایشان از فرائض خود غفلت نورزیده و نقودیرا که ریاست مرکزی منتظر ومتوقع وصولش بود وصول نموده و بحساب ریاست کل بیاورند انصاحبمنصبان محترم بواسطه اطلاع مخصوصیکه از طریقه پیچیده مالیات مملکت دارا بودند بالنسبه بسایرین درخدمت مرجوعه شان دوامی داشتند از اوّل وهله ورود مارا که راههای مداخل بیغل وغششانرا تهدید میکرد مخل با تقلبات وحیله های خودمی پنداشتند مواجب ایشان بالنسبه بهمسئولیتشان بسیار کم بود مستوفی که در طهران بیشتر از همه مواجب داشت ماهی یکصد و سی و پنج «دالر» (صد وبنجاه تومان) میگرفت اگر بگوییم ثروت و دولتیکه هر یك از ایشان در ظرف چند سال جمع و ذخیره کرده بودند پس انداز مواجبشان نبوده از حقیقت پر دور نخواهیم بود سلوکشان با من گستاخانه و جسورانه بوده و از دادن هر قسم اطلاعی از خدمات خود بکلی تحاشی و امتناع داشتند از همانروزیکه قانون سیزدهم ژون امضاء و تصویب شد ایشانرا از آن نظارت اسمی که در افعال و اعمال پیشکاران مالیه تمام مملکت داشتند خلع و منفصل نمودم و به پیشکاران ولایات بتوسط تلگرافهای متحد المآل که بامضاء رئیس الوزراء و کابینه بود عزل ان مدیرها را اطلاع داده و مستقیماً بر ایشان دستور العمل فرستادم که کلیه پیشکاران باید طرف راپورت و محاسبه و مسئولیت خود را اداره خزانه تازه تشکیل شده شناخته و از مرکز کسب تکلیف نمایند المستوفی و مدیران محترم را باین قسم بحال خودشان وا گذاردم که با کتابچه و فرد های خویش بازی کرده و در خطایای خود دقت و تأمل نمایند اگرچه بسیاری از شعب و دوائر مالیه بواسطه خلع ایشان معطل و بیکار شده بود ولی مدیران مشارالیهم را بکلی از مالیه خارج ننموده و به انها اجازه داده بودم که در همانجا بمانند تا براه راست مایل شده و از خیالات کج و معوج خود منصرف شوند نقشه عمومی برای تجدید و ترتیب عاجل مالیات حصص و قطعات در نظر داشتم که ماخذ یعنی بدست آورده و قانون ساده مالیاتی داخلی ترتیب داده بمجلس تقدیم نمایم هنوز در این رشته اقدام صحیحی ننموده بودم که ورود شاه مخلوع و تدارکات نظامی چهار ماهه و پریشانی اموریکه از نتیجه ان مسلسلاً بظهور پیوست و وقوع وقایع سیاسی که منتهی براجعتم از ایران شد بمعرض وقوع امد *

مسلم است که ریاست مرکزی مالیه ایران از مالیاتی که باید وصول شود و مقدار متناسبه و تقسیم معتدلانه بین رعایا اطلاع درستی نداشت برای پیشکاران مالیه هیچ

چیز اسانتر از این نبود که بگویند (چنانچه پیشکار مالیه تبریز در تمام مدت اقامتم در طهران همیشه میگفت) که بسبب اغتشاش و اضطراب حالت ولایات و ایالات غیر ممکن است که مالیات وصول شود و بواسطه این عذر از تادیه مبلغ مالیات تسامح میورزیدند ریاست مرکزیهم با اینکه بی حقیقتی ان بهانه ها را بخوبی ملتفت شده و میدانست که قسمتی از مالیات اقلاً وصول شده چاره بغیر از این نداشت که ایشان را عزل یا حبس نموده و یا معاذیر شان را بپذیرد *

خیال من این بود که بتدریج از ولایات معظم شروع نموده و در مرکز هر یك خزانه جزئی در تحت ریاست یکنفر مامور امریکائی یا اروپائی تشکیل نمایم و در هر ولایتی یکنفر ناظر (مفتش) سیار اروپائی بمصاحبت چند نفر اجزاء ایرانی و یك صاحب منصب اروپائی بسر کردگی عدهٔ ژاندارمه خزانه معین کنم که خزانه دار جزء انولایت را در وصول مالیات امداد و معاونت نمایند و خزانه داران جزء علاوه بر وصول مالیات از محل و تادیهٔ ان بخزانه دار کل از ماخذ و ممرهای مختلفه مالیات ولایات ونقاط ابوابجمعیشان وتخمین کلیهٔ نفوس و محصولات و صنایع بالفعل و بالقوهٔ ان محل اطلاع کامل حاصل نمایند و در صورت امکان کتابچه و دستور العملهائیکه در ضبط و تصرّف مامور ین جزء بوده برای پایه و بنیاد نظم عمومی کلی بجهة تعیین میزان لازمه مالیه بدست بیاورند شاید برای این کار یکی دو سال وقت لازم بود ولی تا درجه که متعلق بایران بود هیچ مانع مشکلی در تکمیل این نقشه بخاطرم نمیرسید *

یکی از نواقص بزرگی که در طریقهٔ وصول مالیات بود این بود که غالب ان کتابچها کهنه و قدیمی و از یك نسل قبل مرتب شده بود (یعنی مناسبتی با حالت حاضره نداشت) ونمیشد انها را ماخذ و بنیاد صحیحی برای وصول مالیات قرار داد در زمان ترتیب کتابچهای مربوره بسیاری از قراء ودهات بوده که معمور ودارای عدّه نفوس بسیاری بوده اند ولی اکنون بکلی ویران و رعایای ان بحصص و قطعات دیگر متفرق و پراگنده شده اند *

وهمچنین از بعضی از دهات که سابقا هزار نفر یا بیشتر عدّه نفوس داشته ولی حالیه دویست یا سیصد نفر رعیت بیشتر ندارد همان مالیات رعایای سابقرا که سه چهار برابر جمعیت حالیه بوده میگرفتند و بالعکس ابادی که در زمان ترتیب کتابچها دارای قلیل نفوسی سکنه بوده و اکنون ترقی و وسعت فوق العاده یافته همان مالیات سابق را بخزانه

مرکزی می پرداختند بملاحظه اینکه در کتابچهٔ ریاست مرکزی همان قدر ثبت و منظور شده بود و حال انکه مامورین جزء از فرد فرد رعایا مالیات لازمه کامل را وصول مینمودند ولی با این حال کتابچها بهمان حال سابق مانده و تغییری نیافته بود *

یکی از قوانین اولیه که در زمان تشکیل خزانه مجرا داشتم این بود که قرار دادم تمام معاملات نقدی مالیه و قبض و اقباض آن بتوسط بانك شاهنشاهی ایران یا بانك معتبر دیگر انجام گیرد وچون بانك شاهنشاهی در هر یکی از شهرهای بزرگ شعبه داشت با رئیس کل آن قرار دادم که پیشکاران کلیه مالیات نقدی که وصول میکنند تحویل بانك محلی داده و بتوسط همان شعب تلگرافاً برات بمرکز نموده و بجمع حساب خزانه‌دار کل آورده شود و همچنین جمیع مخارج دولتی بهر عنوان که باشد بتوسط چك حواله بانك پرداخته شود معاملات نقدی با خزانه چه دادن و چه گرفتن بکلی ممنوع و متروك شود و بدین طریق محاسبات تصفیه و واضح و جمع و خرج خزانه ایران در خارج مرتب و برقرار گردد ادارات دیگر مانند وزارت پست و تلگراف و اداره تذکره وزارتخارجه و گمرکات هم با اینکه در تحت نظارت مطلقهٔ خزانه دار بودند مقرر داشتم که عایدات خود شان را مستقیماً تحویل بانك نموده و قبض رسید آنرا عوض نقدی بخرج خزانه بیاورند *

ولی بزودی ملتفت شدم که غالب پیشکاران مالیه ایالات با اینکه اظهار کمال اتفاق و مساعدت با قوانین خزانه دار می کردند مالیات ابوابجمعی خودشان را بطوریکه مقرر داشته بودم بیانکها نمیفرستادند بملاحظه همان مثل عمومی که (پول را نباید از دست داد) یا (هرچه باداباد) نقود موجوده خود شانرا تا مجبور بتأدیه نمیشدند نمی پرداختند معزول کردن یکی دو نفر مشهور و متنفذ از متمردین و اطلاع سایرین از عزل و نتیجه تخلف ایشان اثر بسیار مطلوبی بخشید با وجود بی نظمی و اغتشاشیکه بواسطه شهرت خبر مراجعت شاه مخلوع تمام مملکترا فرا گرفته و اضطرابهای محلی که از یکسال قبل از ورود ما در غالب نقاط ایران خاصه در ایالات بزرگ فارس که واقع در جنوبست شیوع داشت مالیات شروع به امدن گذارد در تمام مدتی که من خزانه دار بودم ایالت اذربایجان بواسطه ورود پی در پی قشون روس و بسبب طغیان و یاغی گری شاهسونها نظر باطمینان و پشت گرمی رئیسشان بروسها دوچار همین انقلابات بوده بقدر یك «دالر» (معادل با یازده قران و کسری پول ایران) از مالیات المحل عاید خزانه طهران نشد بلکه بعکس خزانه مرکزی برای عود امنیت مبلغ گزافی برای افواج

نظامی و پلیس آن محل داد *

پس از تشکیل خزانه ملتفت شدم که باکثر مأمورین وصول مالیات مبلغ نا قابلی مواجب میدهند آنهم برای اسم راضی بودن مامورین بچنین حقوق غیر معتنا بهی در مقابل همچو مسئولیت بزرگی دلیل قاطع و واضحی بود بر اینکه از طرق دیگر معاوضه کافی زحماتشان بایشان میرسید برای هر یك از آنها مواجب و حقوق کافی بتناسب عظمت و اهمیت محلهای ابواب جمعیشان معین نموده و صراحةً انها را آگاهانیدم که باقی بودن برخدمت و رسیدن باضافه مواجب آینده موقوف بصحت عملشان میباشد که در وصول و ایصال مالیات بعرض ظهور رسانند اگرچه بواسطه علل و اسباب خارجی نتیجهٔ مطلوبه بدست نیامد ولی با اینکه تمام مملکت گرفتار خانه جنگی بود خزانه در ظرف پنج ماه بیشتر از سال پیشش یعنی قبل از ورود ما مالیات وصول نمود *

مسئله وصول و نگاهداری اجناس مالیاتی مثل گندم و جو و کاه و پنبه و محصولات زراعتی دیگر که دولت وصول میکرد اشکالش بیشتر بود سابق اینگونه مالیات از قصبات کوچك و نقاطیکه از مراکز ولایتی یا ایالتی کما بیش دور دست واقع شده بودند اصلاً وصول نشده و از قیمتش چیزی عاید خزانه نمیگردید بواسطه اینکه محصولات مزبوره بچند دست میگشت تا بخزانهٔ مرکزی یا ولایتی و ایالتی برسد در صورتیکه در چنین حالت اغتشاشی پیشرفت کار (حمل و نقل و فروختن آن اجناس) محال بود مگر در همان امکنه که صدها میل با طهران فاصله داشت واگر هم چند « تن » گندم یا کاه وغیر آن بالاخره بمرکز ولایتی میرسید حمل و نقل عینش مثل پول بتوسط تلگراف بطهران ممکن نبود (۱) . و اگر هم بطور مزایده (حراج) فروخته میشد یکجزء از قیمت اصلیش عاید نمیگشت بدون شبهه یکی از تقلبات حکام یا مأمورین مالیه در ازمنهٔ سالفه وصول و مبادلهٔ این قبیل اجناس بلوکات بوده نظائر این امر را بمن نشان داده بودند که مامورین مالیه از فروش متقلبانه مالیات جنسی در یکروز یا یك معامله بیشتر از چند هزار « دالر » منتفع شده بودند *

وقتیکه در اواخر پائیز ۱۹۱۱ (تقریباً برج عقرب و قوس ۱۸۳۳ شمسی ۱۳۲۹ قمری) شروع بجمع آوری غلات و تحویل گرفتن سایر اجناس مالیاتی نمودم که در زمستان نرخ نان را تا درجه منظم نگاهدارم ملتفت شدم که دست زدن به انکار چقدر مشکل میباشد

(۱) «تن» معادل با سیصد و هیجده من و سه چارك بوزن تبریز است — مترجم *

فقط بتدابیر عملی فوق العاده توانستم پنج شش هزار «تن» (معادل با پانزده هزار و نهصد و سی هفت خروار و پنجاه من یا نوزده هزار و یکصد و بیست و پنج خروار) گندم وجو جمع کنم *

تمام عایدات داخلی مثل مالیات اراضی وعوارض بلدیه محلی وعایدات اراضی خالصه دولتی و صنایع و معادن و حرف وغیره جزء مالیات محسوب میشد این قسم مالیه شبیه بمالیات «نولتاکس» (سر شماری) بود علاوه بر این عوارضی از عمل آوردن و فروختن تریاك و پوست بره و روده گوسفند میگرفتند وخراج بسیاری از مشروبات و مسکرات عاید دولت ایران میگردید اگرچه بدون شبهه استعمال مسکرات در مذهب اسلام حرام وممنوع بوده وتعیین آن از طرف دولت مستقیماً و یا بامضاء رسمی آن نبود. ولی واقع و حقیقت امر اینست که اداره مرکزی این قبیل عوارض را نظر بدو حکمت تعیین و وصول مینمود یکی محدود نمودن استعمال ان و دیگر ایصال عایدات غیرمستقیمه بدولت*

علاوه بر مالیاتهای مذکوره فوق یك انتفاع دیگر دولت ایران از مجرای عایدات گمرکی بود و مقدار قابلی از ادارهٔ پست و تلگراف و مبلغ مختصری هم از ادارهٔ تذکره وزارت خارجه عاید خزانه دولت میگردید *

ادارت گمرکی ایران در تحت ریاست تقریباً بیست و هفت نفر صاحب منصبان بلجیکی است که رئیس کل آنها مسیو مورنارد بود و در طهران اقامت داشت بانضمام معاونین متعدد دیگرش این اداره قسمتی از عایدات تذکره را بتوسط اجزاء خود در سرحدات نیز وصول مینمود عایدات گمرکی در سنه ایت ایل ترکی که تقریباً مطابق سنه ۱۹۱۰ بود قریب سه ملیون وچهار صد هزار تومان بود (قیمت تومان اگرچه بواسطه نرخهای مختلفهٔ بازار تغییر پذیر ولی غالباً مساوی با نود سانت یعنی نه عشر «دالر» امریکا بود) و در دو سال قبل یعنی سنه ۱۹۰۹ و ۱۹۰۸ (تقریباً دو سال ۱۳۳٦ و ۱۳۳۷) سه ملیون و یکصد و هشتاد و پنجهزار و سال دیگرش دو ملیون و هفتصد و سی و سه هزار تومان بود بهر حال تمام محل عایدات مزبوره بموجب قرار داد استقراض از دولتین پیش آنها بسمت وثیقه گرو بود تا بعد از اختتام وتأدیه اقساط استهلاك انقرضه (یك ملیون و دویست و پنجاه هزار لیره بانك شاهنشاهی) کمترین وجهی که لازم بود سالانه بمصرف تأدیهٔ سود و قسط استهلاك طلب دولتین برسد معادل دو ملیون و هشتصد و سی و دو هزار تومان بود *

چون اقساط استهلاك قرض بانك شاهنشاهی تا پنج سال شروع نشد در عرض این مدت سالی سی و یکهزار تومان از سود و اقساط استهلاك قرض دولتین کمتر پرداخته شد اگر بزرگترین عایدات گمرکات را که در این سنوات اخیره وصول میشده بنیاد و مأخذ عایدات سنوات بعد قرار دهیم دولت ایران از این ممرّ مهم و مجرای معظم باید سالانه متوقع بیشتر از پانصد و شصت و هشت هزار تومان عایدی نباشد و بر حسب شروط استقراضیکه در سنهٔ ۱۹۱۰ از دولت روس نموده بودند این مبلغ فاضل تا مدت ششماه باید در بانك « دیسکونت » استقراضی که شعبهٔ بانك دولتی روس در طهرانست بماند بانك مزبور فقط سالی دو مرتبه برای تادیهٔ مطالبات دولت ایران حاضر بود *

علاوه بر این باید تادیه سود و قسط استهلاك قرض روس هم بمنات بشود واختیار تعیین نرخ منات هم برای تنزیل هر ماه با بانك بود که هر ماهه نرخ تبدیل تومانهای ایران را که از محل گمرکات وصول نموده بمنات تعیین نماید (۱) اگر بگوئیم بانك روس بموجب استحقاقیکه بموجب قرار داد آن استقراض برای خود معین نموده سعی و کوشش میکرد که از آن تبدیل ومحاسبه تنزیل ضرر ونقصان نبرده باشد شاید غلط نگفته باشیم*

یکی از مصارف و مخارج معینهٔ دیگر که باید از محل فوق یعنی از عایدات گمرکی در ایران پرداخته شود مخارج بر قرار داشتن بریگاد و مواجب قزاقها بود زمانیکه در طهران بودم کلیه مخارج قزاق خانه معادل با سی هزار تومان ماهانه میشد علاوه بر مبلغ غیر معینی که کرنل آن بریگاد یا سفارت روس باسم مخارج فوق العاده یا برای تجهیز قشون ولشکر کشی از دولت ایران مطالبه مینمودند مطالبات فوق العادهٔ مزبوره درظرف یکسال بیشتر از هفتاد هزار تومان شده بود آن هیئت نظامی مشهور از سنه ۱۸۸۲ (تقریباً از سنه ۱۲۹۹ هجری) در عهد سلطنت ناصرالدین شاه در تحت مشاقی کرنل چارکوسکی روسی تشکیل شده بود کرنل مزبور را ادارهٔ نظامی قفقاز باین خدمت مأمور ومعین کرده و چند نفر صاحبمنصب « کمیشن » و «نان کمیشن» روسی هم بمعاونت کرنل موصوف معین شده بودند غرض ناصرالدین شاه یا مستشاران و مصلحت بینان روسیش از تشکیل اینطرز قشون خارجه بدون شبهه این بود که او را از حرکات و اقدامات متنفرانه و محقاً نهٔ رعایای بسیار مظلومش که حتماً واقع شدنی بود حفظ نماید بریگادیکه

(۱) «منات» روسی یا «روبل» باختلاف نرخ اوقات مختلفه بین بنجقران و نیم تا تقریباً شش قران ایران و معادل بایکروپیه ونه الی دوازده آنه کورنمنت می باشد--مترجم *

باین نیت و قصد مشوم تشکیل شده بود چند مرتبه لیاقت خود را بهمین معیار بعرض ظهور رسانید و همیشه بزرگترین « آنتریك » کننده و مجری مظالم روسها در ایران بوده چنانچه اکنون هم میباشد معروف بود که « بریگاد » مزبور مشتمل بر هزار و ششصد یا هفتصد نفر میباشد و مبالغی هم که برای بقاء این « بریگاد » بمصرف میرسید بهترین دلیلی بر کثرت عددشان بود ولی تا زمانیکه من در ایران بودم با مبلغ گزافیکه از خزانهٔ مفلس دولت ایران مطالبه و وصول مینمودند و مبالغ بسیاریکه پی در پی بکرنل و صاحب منصبان دیگر داده میشد حقیقةً عدد کاملش کمتر از چند صد نفر بود هیچ حساب یا صورت خرجی در کار نبود در زمان لشکر کشی و تجهیز قشون برای جلوگیری از محمدعلی واتباعش صمصام السلطنهٔ رئیس الوزراء از من خواهش نمود که بعض از پولهائیکه کرنل بریگاد مزبور بعنوان مصارف فوق العاده مطالبه مینماید بپردازم من هم قبول کرده و پرداختم و کاغذی هم بکرنل نوشته واز او خواهش نمودم که صورت حسابی برای مدت مزبوره بفرستد تا مطمئن شوم که پولیکه داده‌ام برای مصرفی نباشد که دولت سابقاً آن وجه را پرداخته باشد ولی کرنل از دادن هیچ توضیحیکه مبلغ مزبور چه گونه و بچه محل و بچه عنوان صرف شده امتناع نموده و پروتستهای پی در پی در باب اداء نشدن مطالبه اش بسفارت روس فرستاد و مرا متهم نمود که از تأدیهٔ پول انکار نموده ام *

یکی از موانع بزرگی که در وصول مالیات دوچار شده بودیم نبودن هیچگونه قانون جنایات که عبارت از خدعه و تقلب وخیانت و مانند این جرائم میباشد بود مأمورین مالیه با سایر صاحبمنصبان دولتی که نقد و جنس یا سایر متعلقات دولت در تصرف آنان بود بکمال سهولت وآسانی و بدون تصوّر اینکه شاید وقتی از ایشان تحقیق یا مؤاخذه شود مالیه ومتعلقات دولتی را برای خود جابجا و تصرف می‌نمودند فقدان وسائل مجازات هر گونه جنایتی بیشبهه باعث وسعت آنگونه تقلبات و خیانتهای عمومی شده وکم کم بادارات دولتی هم سرایت کرده بود نظیر حالت حاضرهٔ ایران حالت ممالك متمدنه خواهد بود اگر قوانین جنایات یا مجازات خیانت در امور دولتی از آن ممالك برداشته شود ادارات عدلیه بالنسبه بسایر ادارات در هر نقطه ایران که بود عوض اینکه در مقابل کسانیکه مایل بارتکاب جرائم بودند مانعی باشد بیشتر درکمال بینظمی بود درصورتیکه دوائر مزبورهٔ عدلیه جزء عمدهٔ نظم عمومی بود برای جلوگیری از تقلبات صاحب منصبان و

مأمورین دولتی که از نتیجه دسترنج ملیون ها رعایا و اہلات بی علم بهره مند و بسیار فربه (متمول) شده بودند آن ادارات ادارات مختصری بود برای سیاست وتنبیه مأمورین غیر متدین و خائن مانند تدابیر پلیس در صورتیکه حالت سیاسی محلی مقتضی میشد یا رأی عمومی تصویب مینمود دولت امر بحبس مأمورین خائن نموده و استنطاق ظاهری (سرسری) نیز از آنها میکرد محبس عدلیه عموماً در مرکز اداره‌ٔ پلیس بود این فقط حالت طهران است که بیان میکنم ولی در سایر ولایات حکومتهای محلی عدالت را بقوّه جبریه بکار می بردند نتیجهٔ صحیح همچو حبس واستنطاق کسیکه مرتکب جرم و یا نسبت جنایتی باو داده شده بود این میشد که شخص جانی ومجرم یا کسان و دوستان او مجبور میشدند که مبلغ معتد بهی که کفایت خواهش وچشمداشت حکومت را بکند فراهم نمایند زیرا که حکومت مزبور گو یا هم ناظر و مفتّش عدلیه وهم حکم ومجری احکام آن بود ٭

این وضع حالت مملکت و ضرورت بکار بردن اثرات معنوی (قوّهٔ جبریه) نسبت بمستخدمین دوائر دولتی و مالیات بده های متمرّد سرکش که میتوانستند از عهدهٔ تادیه مالیات املاك خود بر آمده و تعلل و تسامح میورزیدند مرا مجبور نمود که محبس مخصوصی در طهران ترتیب دهم که پس از تحقیق و استنطاق در حضور مأمورین محترم خزانه و ثبوت تمرّد و مخالفتشان با قوانین مالیه موقتاً در آن محبس توقیف شوند ٭

پس از شروع باصلاح امور خزانه بوزراء مختلفه اطلاع دادم که هیچ وجهی از خزانه پرداخته نخواهد شد مگر بعد از اظهار کتبی که بر اوراق چاپی مخصوص خزانه (که خودم ترتیب داده بودم) نوشته شود اوراق مزبوره بفرانسه و فارسی باسم وعنوان خزانه دار کل طبع شده ولازم بود که توضیح مفصلی از بابت و تاریخ و مبلغ مطالبه وغیره با امضای دریافت کنندگان در آن اوراق درج شود غالب صاحب منصبان کابینه طریقه مزبوره را بطیب خاطر استقبال نمودند زیرا که علی الظاهر همچو تصور نموده بودند که بمجرد اینکه خانهای آن اوراق را پر کرده (خانه بندی نموده) وتوضیح هر فقره را درستون مخصوصش نوشتند دیگر کارشان با تمام ومقصودشان بانجام رسیده‌است و برای خزانه‌دار عذری غیر تأدیهٔ وجه مطالبه باقی نخواهد ماند بهمین ملاحظه از طرف تمام ادارات و دوائر دولتی برای گرفتن نمونهای چاپی باداره‌ٔ خزانه حمله نموده و در ظرف چند هفته دفتر مرا بباراد (غارت) کردند بجهت مطالبهٔ مبالغیکه مبنی بود بر دعاوی و دلایل

بسیار عجیب لازم نیست بیان نمایم که در ظرف مدت قلیلی بر مطالبه کنندگان معلوم و مکشوف شد که بصرف اینکه وزیری مطالبهٔ خود را بتوسط اوراق سادهٔ خزانه (که هیچ مدخلیتی در ثبوت دعاویشان نداشت) اظهار نماید سبب یقین خزانه‌دار نخواهد شد که تمام مطالباتش صحیح و واجب التأدیه می باشد بعضی از آن مطالبات بحدی تعجب‌انگیز و مضحك بود که ذکرش بی مناسبت نمی باشد مثلاً دو نفر سیاح فرانسوی که در اثنای سیاحتشان بطهران رسیده و با والا حضرت نایب السلطنه هم ملاقات نموده بودند روز دوم ورودشان ورقهٔ مطالبهٔ از وزیر خارجه رسید که بسیار مورث تعجب گردید خواهش نموده بود که حسب الامر والا حضرت مبلغ صد تومان به آن دو نفر سیاح محترم بعنوان عنایت شاهانه و مراحم خسروانه داده شود چون در آن موقع مناسب نمیدانستم که با دولت جمهوری فرانسه بحث ومذاکره مسئله بین المللی پیش بیاید وجه مزبور را پرداختم ولی وزیر مذکور را متنبه نموده که بر حسب قوانین جدید خزانه عنوان موجه قانونی برای تأدیهٔ وجوه دولتی لازم است در موقع دیگر مستوفی متین و موقر وزیر داخله بدیدن من آمده و بعد از اداء تعارفات بسیار صورت مطالبه ارائه نمود که بامضاء جناب وزیر مذکور بود ترجمه‌اش بر حسب ذیل است :— « مطالبهٔ صد تومان باید به سید فتح الله داده شود چرا که از الاغ (دراز گوش) خود افتاده و پایش شکسته است» شخص بدبخت خزانه دار مزبور که به آن صدمهٔ افسوسناك دوچار شده بود پس از دانستن اینکه اجنبی نمیتواند مطالبه اش را تسلیم نموده و به پردازد بسیار متعجب و دلگیر شد *

در موقع دیگر وزیر دربار با دو فقره مطالبه پیش من آمد یك فقره مطالبه بعنوان « قیمهٔ روغن جهة شتر های شاهی » و دیگر برای فراهم نمودن « گاه بجهة «اتوموبیل» اعلیحضرت » آن خواهش باندازه ثقیل و بدرجه بی معنی بود که مرتبه و شئونات رسمی من تاب تحمل آن را نداشت این رسم فقط در ایران معمول است که روغن برای شتر و کاه برای « اتوموبیل » باید فراهم شود این دو فقره مطالبه جدی و حقیقی بود زیرا که یك قسم روغن مخصوصیست که ببدن شتر می مالند که جلد او نرم (یا از مرض خارش و ریختن پشم محفوظ) بماند و باجزاء و مستخدمین « گراژ » کالسکه خانهٔ شاهی هم مقداری کاه بعنوان علیق داده می شد من ان هر دو فقره را تسلیم نموده و پرداختم *

در اواخر سپتامبر که معلوم شد محمد علی میرزا نمیتواند خود را بطهران برساند نقشه (مسودّه) که برای اصلاحات امور مالیه بسیار لازم و مهم بود بکابینه تقدیم نمودم *

در آنوقت که تمام هم وکلاء مصروف باصلاحات مالیه و سرگرم به آنکار بودند اگر به تحصیل تصویب مجلس نائل نمیشدیم بی شبهه احتمال دوچار شدن بخطر عدم تصویب آن نقشه میرفت در آن موقع باختیار یکی از دو شق مجبور بودیم یا صبر کردن تا شش ماه و یك سال برای تحقیق حالت اصلی و تفصیلی مالیه ایران تا قوانین مفصله که حاوی طریقه تحصیل عوارض و ایجاد مالیات جدید و جمع و خرج پولهای عمومی ملتی باشد بنویسیم و یا اینکه قانون عام کلی ساده نوشته و پس از تصویب مجلس فوراً بموقع اجرا بگذاریم قوانینی که اختیارات تامه در تحویل گرفتن مالیات ایران بخزانه دار بدهد اختیارات شق ثانی طبعاً مشکل تر بود زیرا که در قبول همچو مسئولیتی و دو پائی جستن در وسط ادارات عدیده غیر منظم بی دیانت خوف این بود که یکمرتبه غرق بشویم ولی چون از اوّل یکی دو فقره تجربه راجع باین گونه امور ذخیره داشتم اختیار شق اخیر را مطابق حزم و مآل اندیشی دانستم *

بعبارت اخری رملهای حیات مالیه ایران بسرعتی خارج میشد که اگر تدابیر عملی فوری برای جلوگیری آن کرده نمیشد یأس و ورشکستگی و پریشانی و غارت گری سریعی هم در طهران و هم در سایر ولایات واقع میگردید (۱) *

لهذا لازم و مناسب بود که در اولین وهله نظارت متدینانه مرکزیه نقود را تحصیل کرده و آن نظارت را رکن و بنیاد اصلاحات آتیه قرار دهم وسپس شروع باصلاح ادارات و دفاتر دیگر نموده و برای منع از تقلب و غفلت سعی نمایم و میزان دخل و خرج متدینانه مقرون بصرفه و عقلی بجهت مالیات موجوده معین کنم و بهمین رویه موقتاً کار بکنیم تا قانون و طریقه جدیدی برای تصفیه و تنقیح کلیه محاسبات مالیه وضع شود *

پس از آنیکه قانون سیزدهم ژون بتصویب مجلس رسید سعی و کوشش بسیاری

---

(۱) در ازمنه سالفه که هنوز اختراع این ساعت حالیه نشده بود مقیاس الوقت یا آلت وقت شناسی ترتیب داده بودند که وقت بتوسط آن معلوم میشد و آن عبارت بود از دو کوی میان تهی متصل بهم که در نقطه اتصالشان سوراخ بسیار کوچکی قرار داده و در یکی از آن دو مقدار معینی «شن» بسیار نرمی «رمل» ریخته که هر وقت کوی شندار را بسمت بالا قرار دادندی در امتداد زمان معینی آن شن ها در کوی دیگر میریخت چنانچه هنوز هم در بعضی از صنایع زمان حال دیده میشود مقصود مصنف از رمل همان شن‌های «سند واچ» (Sand Watch) مالیه و کنایه از گذشتن وقت است – مترجم *

نمودم که « احترام » آن را بین اهالی داخله و اجانب عوض احترام معتد بهی که از پول و اقتدار و نفوذ و مراتب جرئت درکار بود معمول دارم هیچ وقع و اهمیتی نسبت به قانون که حقیقةً مجسمهٔ حقوق عمومی بود وجود نداشت در ایران قوانین خصوصاً قوانین مالیه هیچ قابل اعتنا نبود بعد از مدتی مطلع شدم که چند ماه قبل از آنیکه اصلاح امور خزانه بما محول شود مجلس قانون « کنتابلیته » (**Contabilite**) مقتضی ومناسب وقتی اجراء داشته که مأخذ اصلیش از چند فقره قانون مالیه فرانسه گرفته شده بود اگرچه قانون مزبور اسماً از چند ماه قبل جاری بود ولی یکنفر صاحب منصب را نتوانستم پیدا کنم که معنی آن قانون را دانسته یا اقلاً مختصر کوششی در اجراء آن کرده باشد در صورتیکه بوجود آن قانون فخریه و مباهات کرده و با کمال متانت و آرامی خاطر بغارت گری خود مشغول بودند *

برای تعلیم و تلقین احترام قانون همین که در تابستان گذشته پریشانی و انقلابات خانه جنگی (جنك های داخلی) شروع به تسکین گذارد مشغول مالیات املاك اعیان دولت و بزرگان بسیار خائن معروف مثل علاء الدوله وشاهزاده فرمانفرما وسپهدار گردیدم*

قارئین از معامله علاء الدوله مسبوق می باشند شاهزاده فرمانفرما هم چون آخر کار دید در باره وصول مالیات املاکش مجدّ ومصرّ می باشم نزد هیئت وزراء رفته وخدمات دلیرانه خود را که هم از حیث جنرالی (سرداری) قشون و هم از حیث وزارت جنك نسبت بدولت مشروطه مبذول داشته تذکار نمود و پس از اختتام اظهارات خود بگریستن برشانهٔ رئیس الوزراء شروع کرد هیئت وزراء بطوری متألم و متأثر شدند که فوراً مراسلهٔ متواضعانه بمن نوشته وایما نمودند که شاهزاده فرمانفرما از تادیهٔ مالیات خود معذور خواهد بود تا از طرف هیئت وزراء تحقیق کاملی در این معامله بعمل آید خود فرمانفرما مراسله مزبور را آورد جواب گفتم یکی از دو شق را باید قبول کنید یا خدمات دلیرانه خود تان را بدولت مشروطه بتادیه بقایای مالیاتی املاك خود تان در روز بعد ثابت و مجرا بدارید و یا اینکه مرا بضبط غله انبار های خود مجبور نموده که شمارا از زحمت حفظ آن آسوده نمایم بهیئت وزراء جواب نوشتم که اگر التفات فرموده توجه وهم خود تان را بتصفیه واصلاح امور سایر ادارات مصروف دارید من خود سعی در جمع آوری و وصول مالیات خواهم نمود شاهزاده قسمت عمده مالیات بدهی خودرا در روز بعد پرداخت اگرچه بضبط مقداری گندم در یکی از املاکش مجبور شدم

مشار الیه از زمان حکومت و سرداری قشون و عضویت کابینه اش چندین ملیون (دالر) ذخیره و اندوخته نموده بود *

مطلع شدم که سپهدار یك فقره هفتاد و دو هزار تومان از بابت مالیات سال گذشته اش بخزانه دادنی میباشد و در مقابل آن ادعای یك ملیون تومان اظهار مینمود که برای خدمات وطن پرستانه و مصارف تجهیز « مجاهدین رشت » که یك قسمت از افواج ملی بوده که در سنه ۱۹۰۹ (بیست و هفتم جمادی الاخر ۱۳۲۷) طهران را از محمد علی انتزاع نمودند بمصرف رسانیده گفته بود که باید دولت از خدمات او ممنون بوده مشار الیه و اولاد و احفادش را تا ده نسل (پشت) بعد از تادیهٔ هر قسم مالیاتی معاف بدارد که شاید بتواند املاك وسیعه خود را که در شمال ایران واقع است و همچنین خانواده و منتسبین و بستگانش را از پراکندگی حفظ نموده تا آن سلسلهٔ قدیمه باقی و پایدار بماند در این صورت ممکن بود تا دویست و پنجاه سال بعد اولاد سپهدار مالك بیشتر املاك مالیات بده ایران بشوند عاقبة الامر راضی شد که بقایای مالیاتی خود را به پردازد یکی از فرزندان خود را هم حقیقةً فرستاده بود که غلهٔ املاکش را برای تادیه مالیات حمل و نقل نموده و یا بفروشد که اولتیماتومهای روس شروع شده و تقویت تازه در مدافعه از خزانه دار بسپهدار بخشید *

در صورتیکه اختیار و اقتدارات قانون سیزدهم ژون بکلی مسلوب و معدوم شده بود هیچ کاری پیشرفت نمیکرد اگر بگویم بوسیله نتایج همین قانون بود که دولت در تابستان گذشته توانست برای سواران بختیاری و افواج دیگر بجهت جلوگیری از محمد علی و سالار الدوله پول فراهم نماید بی جا نخواهد بود و بواسطه نتیجه همین قانون بود که تا درجه قادر بممانعت از حملات بخزانه شدم والّا در ظرف دو هفته تمام مالیه بغارت میرفت (تمام میشد) نایب السلطنه کراراً گفتند که جنك و کشمکش های من با مسالك بی باکانه کابینه و طریقه خائنانه خوانین بختیاری بود که در ماههای تابستان بیشتر از دو ملیون تومان خزانه دولت را از دست برد و غارت محفوظ داشت علاوه بر معاونت رائی که بدولت نموده بودم در باقی داشتن افواج در میدان جنك تا زمانیکه باغیان متمردین مغلوب شوند *

در مراجعت از ایران در فوریه گذشته که وارد لندن شدم تمس لندن دقیقه از تنقید اعمال و افعال من فرو گذار نکرده و اعتراضات خودرا باین ایراد ختم نمود :— که نبایستی

متوقع بوده باشم که دول نظارت مالیه مرا در تحت قانون سیزدهم ژون تسلیم نموده باشند زیرا که ممکن بود قانون مزبور منافی با «اغراض و منافع مخصوصه» ایشان بوده باشد این احتمال در صورتی متصوّر است که در قانون مزبور نکته یا ابهامی بوده باشد که مضرّ باغراض مالیاتی یا غیر مالیاتی دول اجنبیه بوده و یا بتواند بود آن تنقید بکلی برخلاف واقع بود زیرا که قروض دولت ایران بدول اجنبیه بواسطه معاهدات و قراردادهای رسمی که فیمابین قرض دهندگان منعقد شده کاملاً محفوظ بود وهیچ قانونی بهیچ طریقه و عنوانی نمیتوانست اعتبارات آنقروض را ضعیف نموده و یا نقصانی برساند *

مقصود اصلی از تعیین نظارت فوق‌العاده مالیه در ایران این نبود که تغییری در ضمانت یا وثیقه های استقراضات اجانب بدهد بلکه برای قدرت وتقویت دادن خزانه داری بود که بتواند تقلبات عمومی را که ما بین خود صاحب منصبان ایرانی بود جلوگیری نموده و قلع و قمع نماید تا بتواند عایدات داخلی دولت را وصول کند فی الحقیقه قانون مزبور بهترین وسیله بود برای ازدیاد اعتبارات آن استقراضات که اگر وقتی اعتبار وضمانت انقروض کافی نباشد از مالیات عمومی و منابع عایدات دولتی تأدیه شود *

بعبارت اخری تعیین نظارت متنفذمالیه راجع بامور مخصوص داخلی بود وهیچ علاقه و ارتباطی باستقراضات خارجه نداشت مگر اینکه اعتبارات و محافظت مراتب آن قروض را زیادتر میگردانید اگر همچو قانوني وضع و مجرا نمیشد بدون شبهه هیچ قسم اصلاح و ترقی در امور مالیه ممکن نبود و همچنین خزانه‌دار کل و معاونین امریکائیش نمیتوانستند دفاع بی نتیجه از خیانتهای «پارتي» صاحب‌منصبان دولتی بکنند همان صاحب‌منصبانیکه بجز استمرار هرج و مرج و پریشانی امور سابقه مالیه غرض دیگر مرکوز خاطرشان نبود *

در اقتدار نظارت مالیه ایران ولو بهر درجه هم که کامل بود راهی نبود که بدان وسیله بتوان اثر یا نفوذی در قروض خارجه نمود مگر اینکه سبب زیادتی اعتبار عموم مطالباتشان میگردید *

از تجربه هائیکه صاحب‌منصبان و اعضاء اجنبیهٔ مالیه سابقاً تحصیل نموده بودند بخوبی واضح و آشکار بود که در صورت فقدان قدرت و سلب اختیارات و واقع شدن در تحت نظارت یکی از صاحب منصبان طبقه اعلائی که پی در پی بعنوان عضویت کابینه با ادارات دیگر خود را مالك خزانه دانسته و بسرعت تغییر می یافتند چقدر غیر ممکن خواهد بود که بتوانند نقشه و تدابیر عملی خود را ترقي دهند *

اگرچه هیچگاه بودجه به ترتیب جدید در ایران معمول نبود ولی پس از اندك زمانی از شروع بکار ملتفت شدم که درصورتیکه تمام عوارض و مالیات داخلی وصول شود خزانه سالانه شش ملیون تومان کسر خرج خواهد داشت چون از سال قبل چیزی (صورت حسابی) موجود نبود که از او معلوم شود که بیشتر از خمس مالیات که روی هم رفته نقداً و جنساً سالانه پنج ملیون تومان میشد بحکومت (ریاست) مرکزی نرسیده پس بزودی میزان کسر خرج سالانه از شش به یازده ملیون میرسید (یعنی اعضاء خائن مالیه چون صورت حساب صحیحی در بین نبود این پنج ملیون عایدی خزانه را هم جزء کسر خرج قرار داده و بمصارف دیگر میرسانیدند ویا اینکه بی ترتیبی امور و اهمال کاریها شان کار را بجائی میرسانید که این مبلغ قلیل وصولی خزانه هم جزء لا وصول و در ردیف کسر خرج بشمار می آمد در این صورت کسر خرجهای سابق ولاحق جمعاً به یازده ملیون میرسید . مترجم) مگر اینکه بتوانیم قسمت عمده مالیات را وصول نمائیم *

از طرف دیگر مبلغهائیکه (حقوق و مواجب ماهانه) وزارتخانهای مختلفه پیشنهاد و مطالبه میکردند مبالغ بزرگ و تأدیه اش فوق الطاقه بود یعنی نه اینکه برای ریاست مقتدری زیاد بود بلکه از این حیث که از اکثر شعب ادارات موهومی فرضی که فقط اسمی از آنها باقی بود فایدهٔ برای ملت متصور نبود پس تدابیر متقنی لازم بود برای مسدود کردن و التیام دادن آن شکاف وسیعی که مابین مالیات حقیقی که از هر مأخذ بدولت عاید میگشت و مخارج عمومی واقع شده بود (یعنی تناسب صحیحی بین جمع و خرج رعایت شود . مترجم) *

بهمین ملاحظه از اول «پروگرام» موءکد مقرون بصرفه برای جمیع شعب مرکز و ولایات پیشنهاد بمجلس نمودم که متناسب با خدمات موءثره باشد چندین ماه زحمت کشیده و سعی نمودم که وزراء مختلفه را مجبور نمایم تا بودجه ساده برای ضروریات خودشان ترتیب دهند که در ردّ و قبول مطالباتیکه بخزانه اظهار مینمودند بمنزله دلیل و راهنما (ماخذی) برای من باشد ولی عموماً به بهانه های چندی متمسك شده و اهمال میورزیدند تا اینکه من عاجز و متنفر شده و از این خیال منصرف گردیدم و در اداره خود میزان مخارج ماهانه فرضی بجهة احتیاجات و ضرورتهای لازمه هر یکی از وزارت خانهای مختلفه معین نمودم و بدون هیچ اعتنائی بوقع و عظمت شکایات یا فشار هائیکه برای مطالبه وجه داده میشد از میزان مفروضه تجاوز نمی نمودم آخر کار نمونه بودجه

برای وزارت جنگ که بیشتر از همه شکایت و تهدید بشورش نموده و مقصر بود ترتیب دادم و ثابت نمودم که ممکن است با دو ملیون تومان سالانه قشون و افواج کامل منظمی که عبارت از پانزده هزار نفر باشد مرکب از پیاده و سواره و توپخانه ترتیب داده در صورتیکه مواجب و حقوق تابین وصاحب منصبان آن بیش از آنچه که حالیه به آنها میرسد بوده باشد ولی میزان سالانه که وزارتجنگ مطالبه مینمود هفت ملیون تومان بود آنهم درحالتیکه در تمام مملکت نمیتوانست پنجهزار نفر افواج غیر منظم گرسنه و برهنه را نگاهدارد ادله وشواهدیکه در اثبات افراط و تفریط و تقلب وزارت جنگ اقامه نموده بودم بحدی کافی و مسکت بود که هیئت وزراء مجبور شدند میزان بودجه تخمینیه مرا تصویب نمایند صمصام السلطنه که در آن زمان بمسند جلیل وزارت جنگ متمکن و کراراً وعده مجرا داشتن بودجه مرا نموده بود چون در انظار ایل و طایفه پول دوست خود و همچنین پیش دوست قدیم ما امیر اعظم که معاونت وزارت مزبوره را داشت متاثر و خجل بود از صدور احکام لازمه بجهت اجراء و معمول داشتن آن بودجه ابا و امتناع ورزید نتیجه آن حرکات این شد که من هم از تأدیه وجوه بروات ادارهٔ مرکزی وزارت جنگ تحاشی نموده وقرار دادم افواجی که در سربازخانهای طهران حاضر بودند مواجب خودشان را بدون مداخله وزارت جنگ مستقیماً از مستوفی خزانه دریافت دارند در فهرست حقوق اداره نظام اسامی هیئت پست فطرتانیرا دیدم که تقریباً بقدر صد نفر میشدند بعناوین مختلفه مثل «جنرال آجودان صاحب منصبان طبقه اعلی مستشاران مشاقان ماهر مدعی العموم معلمین پروفیسرهای نظامی» ایشان نه فقط کوشش وجدو جهد مینمودند که ماهانه معادل چندین ده هزار «دالر» بعنوان مواجب بگیرند بلکه بزرگترین موجد تقلب بودند تمام آنها در اداره نظام قسم خوردة بودند که مرا تلف نمایند و افواج را ترغیب بشورش مینمودند ولی چون این اولین مرتبه بود که افواج مواجب تمام وکمال خود شان را بدون اینکه دیناری از آن کسر شود از خزانه میگرفتند شورشی واقع نشد *

طریقهٔ ثانویه که برای تناسب بین مداخل و مخارج لازمه سالانه بهیئت وزراء تقدیم نمودم مالیات و عوارض در تعیین واخذ اختیار قوانین جدیده ذیل بود *

اولاً اضافه مالیاتی بر تریاك بود اگرچه وضع و اجراء این قانون در ایران علی الظاهر تحمیل و بسیار سنگین مینمود ولی در معنی و حقیقت ابداً شاق نبود و از اجراء این

قانون مقدار زیادی بر مالیه دولت افزوده میشد و تا حد وسیعی هم جایز و بسزا بود و بدون هیچ گونه مخارجی بتوسط همان اداره گران خرجی که برای نظارت تجارت تریاك (اداره جدید) تشکیل شده بود مبلغ خطیری وصول میشد *

ثانیاً اضافه مالیاتی بجهت مسکرات بود که در تحت نظارت اداره بعنوان وظایف پلیس وصول شود زیرا که تعیین هیچ مالیاتی علناً و رسماً ازطرف مجلس (۱) ممکن نبود*

ثالثاً مالیات جدیدی بدخانیات قرار داده شود یعنی از هر یك من (۲) تبریز تنبا کوئی (۳) که در داخل مملکت بعمل آید یك قران (معادل بانه سانت امریکا) خراج گرفته شود بعلاوه اضافه مالیاتی بر تمام سیگار و سیگارتها و اقسام مختلفه توتون افزوده شود *

رابعاً نسخ قانون عوارض روده و گرفتن یك قران باج از لاشه ذبیحه های کوچك مثل گوسفند و بره وغیره (٤) و باج بیشتری برای ذبایح بزرگتر مثل گاو *

خامساً ترمیم قانون عدلیه راجع به تمر های اسناد بقسمی که مشتمل وجامع جمیع اسناد و بروات تجارتی و معاهدات و قرار داد ها و قبوض وغیره باشد *

سادساً تحصیل رضایت دول خارجه برای ترمیم تعرفه گمرکات بزیاد کردن آن و تغییر دادن قانون گمرکی را راجع بمنع گرفتن گمرك در داخله *

سابعاً نقشه و تدبیری برای خریدن و قطع نمودن وظایف و مستمری هائیکه تقریباً سالی سه ملیون دولت بطبقات مختلفه میداد یعنی دولت وظایف مزبوره را بوسیله اسناد خزانه بموعد چهل سال بخرد ومنافع سالانه آن سهام را به نرخ صدی پنج قرار دهد و سهام بتوسط چك باسم حامل باشد ومقدار ربع قیمت اسناد درهرصد تومانی باید به نسبت پیمانه متحرکی (۵) یعنی میزان مختلفی باختلاف مقادیر اصل وظایف هرصاحب وظیفه باشد*

---

(۱) چون مذهب رسمی ایران اسلام و بموجب آن استعمال هرقسم مشروبات حرام و ممنوع بود مجلس بوسیله هیچ قانونی نمیتوانست عوارضی برای استعمال مسکرات تسلیم نماید

(۲) من تبریز معادل با شش پوند انگلیسی و یك خمس پوند می باشد * مترجم

(۳) از این تاکس «خراج» جدید ممکن بود سالانه معادل یك ملیون و دویست هزار تومان عاید خزانه شود *

(٤) عوارض روده بعد از تحمل مخارج و خسارات و زحمات فوق العاده جنساً عاید دولت میگردید *

(۵) توضیح این جمله در چند صفحه بعد ذکر خواهد شد — مترجم *

ثانیاً یك استقراض چهار ملیون لیره برای دولت لازم بود که قسمتی از آن باید بمصرف تأدیه طلب بانك روس «که تقریباً معادل یك ملیون و یك صدهزار لیره است» برسد و باقی آن برای بناء و اصلاح امور عام النفع مالیات افزا بمصرف برسد و هیچ مقداری از آن وجه نباید بمصرف مخارج جاریه (۱) دولت بکار برده شود *

بمعاونت وجهٔ استقراض فوق اصلاحات عمومی مالیات آور «مولد مالیه» ذیل انجام میگرفت «کدستر» (Cadastre) مساحت اراضی سرشماری سرسرانه «تقریبی» از نفوس ولایات و ایالات برای تعیین میزان متناسبی بجهة مأخذ مالیات تعیین مساحتی از جنگلها و معادن و اراضی و خالصه وتعمیر سرباز خانه و خریدن اسلحه برای ژاندارمری خزانه ترمیم و اصلاح جاده های موجوده احداث بعضی شوارع و طرق مهمهٔ جدید ترتیب و سائل آب رسانیدن بنقاط مختلفه ولی ضمناً این نکته را هم بایدرنظر داشت که معمول داشتن تدابیر سابق الذکر باعث ایراد و اعتراض مردم میشد که دولت مشروطه خدمت عام المنفعهٔ مفیدی بملت نکرده است *

---

(۱) اگر دولت ایران اسناد این استقراض چهار ملیون لیره را بنرخ هشتاد و هفت و نیم در هر صدی تحصیل مینمود چنانچه استقراض یك ملیون و دویست و پنجاه هزار تومان هم بهمین نرخ بود معادل سه ملیون و پانصد هزار لیره عاید دولت میگردید در صورتیکه قیمت هر لیره را پنج تومان و خمس تومان دو «قران» فرض کنیم هیجده ملیون و دویست هزار تومان میشود پنج ملیون و شش صد و هفتاد هزار تومان برای تبدیل «تأدیه» استقراض بانك روس لازم بود و دوازده ملیون و پانصدوسی هزار تومان باقی می ماند من قصد کرده بودم که مبلغ باقی را بمصارف ذیل برسانم *

برای «کدستر» مساحت اراضی زراعتی بانضمام سرشماری سرسری و تعیین مساحت اراضی جنگلات و معادن و اراضی خالصه سه ملیون و پانصد هزار تومان برای تدابیر آبرسانی و آب یاری اراضی لم یزرع دو ملیون تومان بجهة تعمیر و ترمیم شوارع و جاده های شوسه چهار ملیون تومان مصارف تعمیر سرباز خانه و اسلحه بجهة ژاندارمری خزانه یك ملیون و پانصد هزار تومان که جمعاً معادل با یازده ملیون تومان میشود و یك ملیون و پانصد و سی هزار تومان هم برای مخارج متفرقه باقی می ماند در عرض مدت سه سال از اجرای تدابیر مزبوره مستقیماً یا مع الواسطه بین شش و هشت ملیون تومان سالانه عاید دولت میگشت *

و نیز این فقره را هم سفارش نمودم که دولت باید قانونی برای تسهیل کشیدن راه آهنهای ذیل در اوقات مقتضیه « و یا دادن امتیازات مناسبه برای کشیدن آن خطوط » ترتیب دهد که بتدریج یا یکمرتبه شروع شود *

اوّل خطی از محمره به خرم آباد واز انجا تا همدان دوّم خطی از خانقین بکرمانشاهان واز انجا نیز تا همدان سوم خطی از همدان بقزوین چهارم خطی از بندر عباس بکرمان و یزد و از انجا تا طهران و شعبهٔ از آن به اصفهان خط پنجم از بوشهر تا شیراز و اصفهان خط ششم از جلفا و تبریز تا زنجان و قزوین و طهران و شعبه از قزوین به بنا در بحر خزر هفتم خطی از زنجان بهمدان خط هشتم از بندر عباس تا شیراز *

و همچنین تاکید نمودم بجهت وضع « واجرای » قانونی برای منع و جلوگیری عمومی از احتکار غله و سایر ما یحتاج معاشیه مردم *

بطور تخمین معین کرده بودم که از اجراء قوانین مالیات و عوارض فوق ممکن بود سالانه مستقماً و حتماً پنج ملیون تومان اضافه مالیات بدولت برسد در صورتیکه هیچ گونه تحمیل و تکلیف شاقی هم بملت وارد نمیشد *

علاوه بر این سالی دو ملیون تومان هم بواسطه خریداری وقطع وظایف منفعت و پس انداز دولت میگشت *

سی ام سپتامبر « ششم شوال ۱۳۲۹ » هیئت وزراء جمیع تدابیر و نقشهٔ اصلاحات مرا تصویب نموده و خودم هم مشغول بترتیب دادن مواد قانونی لازمی بجهة تقدیم بمجلس بودم که اولتیماتوم های دولت روس شروع شد *

مسئله وظایف یکی از ادلهٔ غریبه بر بی نظمی مالیه ایران می باشد که دولت بموجب دفاتر غیر منظم از منه مختلفه وزارت مالیه مسئول و مجبور بود هر ساله تقریباً بصد هزار نفر اشخاص مختلف الحال نقداً و جنساً معادل سه ملیون تومان بدهد *

قسمت عمدهٔ آن وظایف بسیار غریب از ازمنه سلاطین سالفه ارثاً بدولت مشروطه منتقل شده بود و بعضی وظائف را هم مجلس بعلماء و سائرین اعطاء نموده بود یعنی بکسانیکه نسبت به تحریکات ملی خدمت نموده و یا بورثه کسانیکه در راه پیشرفت مشروطه جنگیده و کشته شدهٔ بودند *

در ازمنه سابقه اگر کسی سلطانرا در موقع مقتضی بواسطه اشعار یا لطیفه های نغز خود مسرور میساخت و یا یکی از درباریان ستایش و تمجیدی از پادشاه مینمود فوراً

مالیات یك یا یك (درچن ده) در باره مادح بعنوان عطیات خسروانه اعطاء و مبذول میشد و یا اینکه اسم اشخص را درفهرست اسامی درباریان داخل نموده و فلان قدر صد یا هزار تومان یا فلان مقدار خروار گندم یا جو یا کاه بعنوان وظیفه سالانه در حق او برقرار میگشت و بعض اوقات هم کسانیکه مصدر خدمات حقیقی عمومی بوده وظیفه می یافتند تمام پیشخدمتان شاه دارای وظایف موروثی بودند که از آباء و اجدادشان بارث به آنها رسیده بود تمام اعیان و ارکان دولت موظف بودند هیچ ولایت یا ایالتی نبود که فهرست و دفتر مخصوص وظایفی از خود نداشته باشد بی شبهه طهران از همه ولایات بیشتر وظیفه خور داشت و نه عشر (نه دهم) کامل وظایف مزبوره تقلب خالص بود *

دولت مشروطه بهیچ قسم نمی توانست همه یا قسمت عمده از آن وظایف را امضاء و مسلم بدارد ولی وزراء مالیه ازمنه مختلفه برای جلب خاطر مردم وحصول مقبولیت عامه یا بملاحظه منافع شخصی خود آن وظایف را فوراً امضاء و قبول مینمودند چون بروات وظایف سالانه باحتیاط و دقت تمام صدور می یافت و بعد از تحمل زحمت و مشقت بسیار ممکن میشد که در خزانه تبدیل به نقد (یعنی وجه آن وصول شود) صاحبان وظیفه برایگان همیشه برای کسر و تخفیف وظیفه خود حاضر و راضی بودند اکثر اتفاق افتاده است که مقدار اصلی وظیفه خود شان را از قرار صدی پانزده (تومانی سی شاهی) میفروختند عدهٔ از صرافان جزء و بعضی اوقات هم تجار معتبر بودند که بروات وظایف را تقریباً بهیچ خریده و برای وصول و محصلین « وصول کنندگان » کار آزموده وظایف می سپردند محاصلین موصوف پس از آنکه مقدار معتد بهی از آن برواترا جمع میکردند عدهٔ از زنان و مردان پریشان بسیار فقیر بینوا را اجیر می نمودند که اطراف تحویلخانه خزانه ایستاده و آه و ناله و فریاد بکنند و بسینه های خود کوبیده و موهای شانرا کنده و بر خاك بغلطند مثل اینکه (از گرسنگی) ضعف نموده اند در آن حال قبوض و بروات را بجانب آسمان بلند نموده دعا و التماس میکردند که خداوند خود و اطفالشان را از فاقه نجات بخشد بعضی از زنها هم اطفال کوچك را باخود آورده مادر طفل خود را بر زمین می انداختند مثل اینکه از شدت فاقه و گرسنگی در شرف موت اند در صورتیکه آن « آکترها و آکتریسها » روزی چند پول اجیر شده بودند که آن منظره را نمایش دهند *

ولی وزراء مالیه بی پروا بتماشای آن گونه مناظر عادی شده وابداً اعتناء و توجهی به ایشان نمی نمودند مگر در صورتیکه احتمال (شلوقی) شورش سختی میرفت *

تأدیه آن بروات وظایف و مستمریات بابت همان سنهٔ جاریه و سنوات ماضیه از جمله وظایف و تکالیف مخصوصه و اقتدارات لطیفی بود که از حیث خزانه‌داری کل قسمت و نصیبهٔ من شده بود *

چند نفر وزیر مالیهٔ ازمنهٔ مختلفه بودند که با کمال سهولت بروات مزبوره را بقیمت هر « دالری » بیست سانت (تومانی دو قران) خریده و منتظر موقع مناسب بودند که هر وقت از حسن اتفاق چند هزار تومانی در خزانه جمع شود مقدار اصلی آن بروات را محسوب و دریافت دارند ارتکاب آنگونه قبایح و تقلبات سبب بدنامیشان شده بود حتی در خود ایران (که آن قسم کارها را باعث بدنامی نمیدانستند) اسباب بصدا آمدن سایر وزراء و صاحب منصبان دیگر که در آن کار شریك نبودند میشد *

هیچ امیدی نبود که آنقدر پول فراهم شود که بتوان آن وظایف را پرداخت بقدری ما بین مردم اغراض و مخالفت با نسخ وظایف بود که مجلس نتوانست اقدامی نماید *

چون نسخ و قطع وظایف یکمرتبه ممکن نبود من ان نقشهٔ استخلاص وظایف و مسوده قانونی که حاوی خیالاتم بود مرتب نموده و بدولت تقدیم داشتم ولی هیئت وزراء نقشه مزبوره را ملتوی و موقتاً اجراء ان را بتأخیر انداختند درحالتیکه جزء جزء ان نقشه را بنظر وکلاء رسانیده و مشغول مذاکرات موافقانه بودیم که طوفان سیاسی شروع بحرکت نمود « استاتستیك » کاملی لازم بود که پایهٔ ان نقشه را بر بنیاد صحیحی بگذارد *

مختصر اینست که باید دولت وظایف را پس از امتحان صحت باسناد خزانه بخرد معادل مبلغی که منفعت سالانه اش از قرار صدی پنج معادل با نصف مبلغ وظیفه اصلی باشد در صورتیکه مقدار وظیفه جزئی باشد که پس از انقضای چهل سال اصل آنمبلغ پرداخته شود ولی در صورتی که مقدار وظیفه زیاد باشد باید بمقداری خریده شود که سود سالانه آن باختلاف موارد (یعنی نسبت بکم و زیادی مقدار وظایف) تا با ربع میزان اصلی مطابق شود « مثلاً کسیکه سالانه صد تومان وظیفه یا مستمری داشته باشد دولت وظیفه او را بمقداری از اسناد خزانه بخرد که منفعت سالانه اش از قرار صدی پنج نصف مبلغ اصلی باشد یعنی معادل وظیفه ده سالش که هزار تومان باشد بخرد که سودش بنرخ صدی پنج پنجاه تومان که نصف اصل وظیفه میباشد و وظایف پانصد تومانی را بنرخ صدی چهار بخرد که سود سالانه اش دویست تومان و معادل با دو خمس وظیفه اصلی میشود مقرریهای هزار تومانیرا بده هزار تومان خریداری نماید که ربح صدی سه سالانه اش سیصد تومان

و معادل با کمتر از ثلث وظیفه اصلی باشد و مستمری های دو هزار تومانیرا به بیستهزار تومان بخرد که سود سالانه اش از قرار صدی دو و نیم پانصد تومان که معادل با ربع وظیفه اصلی شود و در صورت زیاده و نقیصه مقدار وظایف از مقادیر مفروضهٔ فوق بهمین نسبت مقدار نرخ و مبلغ تغییر پذیر خواهد بود از یگانه شهید راه حریت مرحوم صنیع الدوله رئیس دورهٔ اولیهٔ دار الشورای ملی که روانش شاد باد کراراً همین خیالات عالیه و نقشه های استخلاص دولت از نکبت و حصول امنیت و آسایش عمومی و ازدیاد ثروت و رواج تجارت و تکمیل زراعت و توسعهٔ صناعت و اشاعهٔ معارف شنیده شد و در مجالس عدیده بادّلهٔ محسوسه نتایج و صحت بنیاد فقرات مزبوره را هم مدّلل و ثابت داشته پایه هوش و ذکاوت و علم و فضل و دیانت و اخلاق و وطن پرستی آن رادمرد مسلّم خودی و بیگانه و برتر از حد بیان و تحریر است نهایت انکه ایشان مستر شوستر ایرانی بودند بعضی از مواد فوق را هم برای مزید اطلاع عموم طبع و مجاناً اشاعه دادند ولی !!! «گوش اگر گوش من و ناله اگر ناله . . . » — مترجم *

لازم بود دولت معادل بیست و یکملیون و پانصد هزار تومان اسناد خزانه شایع نماید که ربح سالانه اش (به نرخ صدی پنج) یك ملیون و هفتاد و پنجهزار تومان میشد در عوض سه ملیوني که باید سالانه بموظفین بدهد دولت بکمال سهولت میتوانست مسئولیت این ترتیب جدید را بعهده گرفته اهمیت و قیمتی باسناد خزانه بدهد که هیچ گونه بی انصافی و ظلمی هم در حق صاحبان وظایف نشده باشد زیرا که به استثنای اشخاص متنفذ مقتدر و کسانیکه قمار مجهول النتیجه (که پول نقد خود را به امید نفع موهوم صرف مینمودند) در تحصیل و وصول وظایف به هیچ وظیفه خواری بیشتر از ثلث یا ربع وظیفه اش نمیرسید و باقي بجیب اشخاص واسطه و محصلین میرفت *

یك فایدهٔ دیگر که در اجراء نقشه فوق متصور بودی این بود که مقدار کثیری اسناد دولتی در معاملات ایران رواج می یافت چه که اسکناس (نوت های بانك) و مسکوکات نقره کلیةً برای معاملات و احتیاجات داد و ستد کافی نبود *

و در بعضی صور خرج حمل و نقل پول های ایراني از طهران بشهرها و مراکز ایالات و ولایات داخله از صدی هشت تا صدی یك کمتر نمیشد و علاوه بر این دولت مجبور بود که خسارت (تاوان) ضرر اسکناس هائیکه با پست حمل و نقل و مفقود می شد تحمل نماید و « همچنین پولهائیکه بانکها از جای بجای حمل و نقل می نمودند در صورت مفقود

شدن دولت مسئول تادیه خسارتش بود * مترجم»

رواج آزادانهٔ آن قسم اسناد خزانه باعث اعتماد و اطمینان مردم وجاری شدن اسناد دیگر میشد و به بعضی اعتبارات در مواقع پلتیکی هم کما بیش در بازار های خارجه بفروش می رسید *

تعرفهٔ موجودهٔ گمرکات یادگار پسندیده ایست از صداقت و خلوص همسایه شمالی ایران چون نرخ و مقادیر گمرکی آن بین دولت ایران و دول اروپا معین شده بود بدون رضایت ایشان تغییر پذیر نبود فهرست های تعرفه مزبوره در زمان مسیو نوز صاحب منصب ورئیس بلجیکی گمرك ترتیب یافت مسیو نوز با اینکه مستخدم ایران بود در تحت حمایت دولت روس بلکه یکی از مأمورین و کاشتگان ان دولت بشمار میرفت چنانچه سایر هموطنانش مستخدم در ایران هم دارای همین شرافت می باشند یك شاهد میلان روس دوستی مسیو نوز اینست که تعرفه جاریه را بقسمی ترتیب داده بود که بکلی برخلاف صرفه و صلاح و مضر بفواید ایران است وبحدی بمنافع و اغراض روس مفید می باشد که در نظر کسانیکه « ایرانیان » برای آنها ترتیب داده شده بود از منحوس ترین وبی حاصل ترین تعرفه های عالم بشمار میرفت *

نقص بزرگ آن تعرفه «وحال انکه حاوی منافع روس و ضرر و خسارت ایران بود» این است که بحدی از اندازه اعتدال خارج است که مخارجی که برای محافظت از قاچاق سرحدات باداره گمرك تحمیل شده خیلی بیشتر است از گمرکی که از ان امکنه بدولت واصل میشد (۱) در صورتیکه نرخ گمرکات بالمضاعف شود موافق و اعتدال انصاف

(۱) وقتیکه استاتستیك واردات وصادرات سنه ۱۹۰۹ مراجعه شود میزان اعتدال تعرفه بخوبی مکشوف خواهد شد کلیه واردات وصادرات در ان دو سال با هشتاد و یك ملیون و سیصد و نود و پنجهزار و چهار صد و هفتاد تومان « ۸۱۳۹۵۴۷۰ » ...
وگمرکی که از ان عاید دولت گردیده بود سه ملیون و شش صد و سی و چهار هزار و سی و دو تومان « ۳۶۳۴۰۳۲ » بود که کمتر از صدی چهار و نیم باشد * صادرات و واردات امتعه روسی و ایرانی « یعنی امتعه که از ایران بروسیه و از روسیه به ایران حمل ونقل میشد» دران دو سال موازی چهل و هشت ملیون ونهصد و ده هزار وچهار تومان «۴۸۹۱۰۴۰۴» بود که بیشتر از نصف کل است * نرخ گمرکی امتعه و مال التجاره روسی بسیار کم و نا قابل است * « بزرگترین امتعه روس که بایران وارد میشود شکر است که گمرکش صدی سه می باشد و همچنین « نفت تصفیه شده » که گمرکش صدی نیم می باشد » *

کامل و صرفهٔ حفظ تجارت چه داخله و چه خارجه بوده و بکمال سهولت عایدات منظم ثابتی بدولت تواند رسید بلی این تعرفه که مانند آوار بسر ملت بی تجربه و خوش باور ایران فرود آمد نتیجه مشورت بامستشاران اجنبیهٔ مالیه بود اغراض شخصی آن مستشاران عوض اینکه صرفه و صلاح ملتیکه انها رامستخدم کرده بود بکار برده شود توجه ملت را بطرف دیگر معطوف داشت (کردند هر چه را که خواستند) ترتیب تعرفه مزبوره در تحت ریاست مسیو نوز شاهد خوب و دلیل متقنی است برای اثبات «جوهر خدعه وصیت و روح حقیقت » دوستی که حکومت پطرسبرگ از پانزده سال قبل به این طرف بچالاکی بعنوان موجبات ازدیاد تعلقات و روابط با ضعیف ترین خواهر خود ایران اظهار مینمود ان تعرفه که فقط برای ازدیاد منافع و صرفهٔ دولت روس ترتیب داده شد گویا دولت انگلیس را با اینکه چشمهایش برای جلب فواید تجارتی باز و کشاده بود و از هر طرف مواظب حفظ صرفه و صلاح خود بود بغفلت انداخت یعنی چشمهایش را بست چون انگلیس ها مسیو نوزی ازخود شان نداشته و یا بمرض کمی اقتدار و نفوذ مبتلا بودند مجبور شدند که آن قدح دوای جوشانیده تعرفه را که روسها مرتب و بدست آنها داده تا درد و قطرهٔ آخر سر کشیده و نوش جان فرمایند نتیجه این شد با اینکه همه اعتراف و تسلیم دارند که تمام اقسام امتعه ومال التجاره روسی باستثنای خاویار «تخم ماهی» پست تر و ناقابل ترین امتعه ها است با این حال تجار روسی کلیةً تجارت نصف تمام نقاط شمالی ایران را به تصرف خود در آورند این تفوق و غلبهٔ تجارت روس بر تجارت سایر ملل بواسطهٔ پیروی نمودن ازآن مسلك پوسیده و طریقهٔ مندرسهٔ قدیمی روس است که امتعه که از اروپا به ایران حمل ونقل میشود سر بسته «بدون گمرك» اجازه عبور ندهد *

تقریباً هیچ یك از دول متمدنه همچو مسلکی را درباب عبور مال التجاره از مملکت خود منصفانه رعایت ننموده اند وجود چنین مسلك در روسیه مستلزم این شده که مال التجاره را از راههای دور و دراز و طرق صعب العبور و خطرناك کاروانی از بنادر خلیج فارس حمل و نقل نمایند تجار امتعهٔ انکلیسی و اتباع خارجه اگر بخواهند مال التجاره خود را از روسیه عبور داده بشمال ایران وارد نمایند چارهٔ برای ایشان جز این نیست که بار گران گمرك روس و تأخیر و تعللات مأمورین گمرکی روس را تحمل نمایند *

بسیار جای تعجب است که دولت روس از اختیار همچو مسلك ظالمانه جابرانه و خود

خواهانه خطای خود را ملتفت نشده است یکسال یا چندی قبل دولت روس دفعة ملتفت شد که یکی از امضاء کنندکان معاهدهٔ پست بین المللی خود او می باشد بموجب معاهدهٔ مزبوره بسته های پستی « کلی پستال » که از روسیه « یا سایر ممالك چنانچه همه جا معمول است » عبور می نماید باید سر بسته کذشته و از حقوق کمرکی معاف باشد نتیجهٔ این سهو نظر و خطائیکه از روسها سر زد اینشد که امروز مقدار عمدهٔ مال التجارهٔ « اروپ » بصورت « کلی پستال » از روسیه عبور نموده و روز افزون وارد ایران میشود این مسئله بیشتر اسباب تغییر و شرمندکی مأمورین و تجار روسی شده است *

از سی سال قبل باین طرف بقدری خسارت و نقصان بتوسط اجانب به ایران وارد آمده که امروز در های معاهدات و اختیار تعیین شروط آن و استقراض یا حق اعطای امتیازات و اتحاد بکلی بر ویشان مسدود واختیاراتشان مسلوب کردیده است همه آن حقوق به امضاء سلاطین و وزرای منقلب خود خواه از ایشان ساقط شده است برای اینکه در ضرر و نقصان ملت بهر زکاریهای خود شان نائل شده باشند روسها همیشه دلال هر زکیهای سلاطین ایران بوده و همیشه به آن سیاه مستان « بد مستها » مدهوش شرابهای « رم » می پیموده تا حقوق موروثی خود شان را برایکان بفروشند اثرات از دیاد نفوذ اجانب از این رو شد که امتیازات پی در پی از دولت کرفته تا حدیکه تمام منابع و سرچشمه های منافع و عایدات دولتی را به قسمی بروی ایرانیان بستند که امروز دولت ایران قدرت بجلب منفعت قلیلی هم از ملك خود ندارد *

شروع مملکت فروشی از زمان انحصار معروف دخانیات در سنه ۱۸۹۱ میلادی « مطابق ۱۳۰۸ هجری » شد از آن به بعد امتیازات راههای اهن و معادن و نفت وغیره و استقراضات متوالی بود که واقع میشد اکر ایران بخواهد یکی از ابواب ترقی را بروی خود مفتوح سازد فوراً فرامین سلاطین سالفه را بیرون آورده و دولت را از مداخله در حقوق حقهٔ خود محروم و ممنوع ساخته و دعاوی ملیونها که از حد احصاء خارج باشد برخلاف اقدامات دولتی اظهار می نمایند رعایا و اتباع دولت روس هرگونه ادعائی بکنند حق خواهند داشت زیرا که دولت روس حمایت آشکار و کمك های رسانه از دعاوی اتباع خود میکند یکی از معاذیر و شروطیکه دولت روس برای منع از وقوع استقراض چهار ملیون « لیره » اظهار نمود و من راضی نشدم این بود که بانك استقراضی روس در

طهران که شعبه بانك دولتی روس است باید حق نظارت در مصارف آن وجه استقراض داشته باشد تصویب نمودن دولت ایران ان رای را مثل این بود که روس را به سلطنت وحکمرانی ایران دعوت کرده باشد *

وقتیکه شروع باصلاح امور مالیه نمودم علاوه بر چهار صد و چهل هزار تومانیکه خودشان بعنوان مساعده استقراض پیشگی کرفته بودند مامورین ادارات بزرگ مرکزي وولایتیهم چند ماه بود که حقوق نگرفته بودند ونمایندگان (۱) «دیپلوماتی» ایران هم که در ممالك خارجه بودند سالها بود که مواجب به انها نرسیده بود و از ایشان متوالیاً مکتوبات جانگداز و اظهارات دلخراش میرسید که در «اروپا» کرفتار پریشانی شده وکیر کرده بواسطه الودگیهایشان نمیتوانند خود را به ایران برسانند وفقط جنبه وحیثیت «دیپلوماتی» شان انها را از حبس و توقیف شدن محفوظ میداشت *

اکرچه برای معاودت دادن اعتبار از دست رفته ایران بین اجانب سالها لازم بود ولی با این حال نهایت کوشش و اهتمام را نمودم که در تمام مدتي که رتق وفتق امور مالیه

(۱) وقتی که شروع بکار نمودم یك دینار نقد در خزانه دولتي موجود نبود و مبالغ غیرمعینی هم برای تادیه چکها وحواله‌جات دولتی و بروات خزانه وغیره که وزرای سابق ولاحق صادر کرده بودند لازم بود * با وجود جنك داخلی که از ابتداي سنه ۱۹۱۱ میلادی «مطابق سنه ۱۳۲۹ هجری» درکار بود در صورتیکه فقط براي مصارف لوازم جنك یك ملیون ونیم تومان لازم بود و با وجودیکه مالیات هم بواسطه اغتشاشات از ولایات بسیار کم وصول شد مبلغ چهار صد وچهل هزار تومان که پیشگی از بانك کرفته «وتفریط نموده بودند» داده شد * ووجوه لازمه که برای کردانیدن دوایر دولتی اهمیت داشت فراهم شد و حقوق سفرای ایران تماماً پرداخته شد وجمیع مسئولیت های خارجی «یعنی تادیه اقساط قروض ومنافع ان که برای رفع مسئولیت ایران لازم بود» اداشد و فقط منفعتی که عاید دولت کشت این بود که پس از تادیه قروض متبدله «یعنی قروضی که از عناوین واسامی مختلفه باستقراض اخیر تبدیل شده بود» وپیشگی هائیکه به اعتبار ان قرضه کرفته شده بود بانضمام تادیه اصل طلب بانك شاهنشاهی بعد از همه این مصارف تقریباً دو ملیون تومان از ان قرضه باقی بود وقتی که در ژانویه ۱۹۱۲ تمام امور خزانه ومحاسبات را تحویل و رد نمودم بیشتر از شش صد هزار تومان جزء جمع نقدی دولت امد بعلاوه فاضل عایدات کمرکی تاسیزدهم ژانویه ۱۹۱۲ (بیست ودوم محرم ۱۳۳۰)*

را در دست دارم یك حواله یا چك یا براتی را امضاء نکنیم مگر آنکه اول محل تادیه‌اش را معین و یا برجا نموده که در راس موعد به پردازم هیچوقت هیچ چکی که خزانه دار امضا وقبول نموده بود نکول نشد وقتی که اهالی استحکام اعتبار امضاء وقبولی خزانه دار را ملتفت شدند بدرجهٔ اطمینان نمودند که اسناد وچکهای خزانه را بجای اسکناس قبول و ضبط مینمودند و حال انکه حواله جات و بروات سابقهٔ مالیه را آني نگاه نداشته و فوراً بقیمت نازل می فروختند در خزانه که درتحت نظارت ما بود فقط معدودی دفاتر بود که دولت در تمام مدت عمر خود آنها را ترتیب داده بود میزان دفاتر مزبوره با صورت حساب بانك هاي مختلف که با خزانه طرف حساب بودند مطابق بود یك دفتري هم مرتب و معین شده بود که کلیهٔ عایدات ومخارج دولتی را بنماید ولی دولت هیچ گاه هیچ صورت کل یا میزان دخل وخرجي نداشته ومایل بداشتن آن هم نبود *

زمان کمی پس از شروع بکار دایرهٔ تفتیش سرّي تشکیل داده بودم مرکب از اعضاء ایراني که مکر وحیله وخیالات تقلب آمیز مستخدمین خزانه را تفتیش نماید دایره مزبوره همیشه از نقشه خیالات محرمانه اعضاء ادارات مختلفه دولتی مرا می آگاهانید *

طریقه مسکوکات ایران بسیار ساده است مسکوکات طلا چندان در معاملات رایج نبوده و مسکوك شایع عمومی همان قران است که موازی بانه « سانت » امریکا یا چیزی کمتر است هر ده قران یك تومان است ولی سکه تومانی رایج نیست بزرگترین سکه رایجه دوقرانی (و پنج قرانی نقره) است *

بانك شاهنشاهی ایران که مرکب از هیئت کمپانی انگلیس است بموجب امتیاز ترویج واشاعهٔ اسکناس را بخود انحصار داده و یا قران مبادله میکرد *

تا چندی قبل حکام ولایات ایران یك قسم قران بسیار بد صورتی سکه میزده اند که مثل گلوله پهن شده ونقره ر باری بود « سیستم » (ساخت) ماشین و کارخانه ضراب خانه دولتی واقع در « خارج » طهران بسیار کهنه و فرسوده گردیده و مقرون بصرفه نبود کارخانه مذکور وقتیکه اسبابش از همه حیث کاملاً جمع و مهیا بوده و منظم کار می نمود ماهی هفتصد هزار تومان میتوانست سکه بکند *

مسئله امتداد و پیشرفت خط آهن در ایران مسئله بسیار غامض و پیچیده ایست روس وانگلیس خطوطی را طالب می باشند که مناسب با صرفه جنگی واغراض نظامی شان بوده و یا باعث تسهیل تجارت مخصوص خود شان باشد بدون تصور ترقی منافع

اقتصادی ایران با توجه بهیئت جامعه آن عقیده اشخاص بی طرف در باره ایجاد خطوط ابتدائیه مهمه این است که باید خطی تقریباً از جلفای (۱) روسیه شروع شده و از تبریز و زنجان و قزوین و همدان وخرم آباد گذشته به محمره که در ساحل خلیج فارس است منتهی شود. این بزرگترین راهی خواهد بود از شمال بجنوب که از نقاط پر حاصل و زرخیز مملکت عبور می نماید وباعث ازدیاد منافع اقتصادی فوری تواند شد و ممکنست شعبه های کوچك مثل از قزوین به طهران وغیره به آن اتصال داد. من مصمم بودم که از دولت ایران استدعا نمایم که قصد خود را برای کشیدن قطعات کوچك خط آهن اعلان نماید واجازه استقراضی بدهد به سندیکئی (Syndicate) یعنی هیئت شرکائی که سرمایه آنها شخصی باشد هیچ خطی بدون شبهه وتردید بسیار نافع بود درصورتیکه خود دولت مباشر تعمیر آن باشد خطوط دیگر که ذکرش سابق گذشت بتدریج در مواقع مناسبه ساخته می شد واهمیت فوری نداشت *
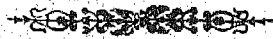
باب دوازدهم
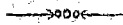
خاتمه (وقایعی که پس از حرکت مستر شوستر

(ومعاونینش از ایران بظهور پیوست بانضمام بعضی وقایع متفرقهٔ دیگر)

وقایعی که پس از حرکت خود و معاونین امریکائیم از طهران بوقوع پیوست طوری افسوسناك است که نمیشد غیر از آن را از دولتی که مرکب از هیئت اشخاص وطن فروش

---

(۱) ناحیه که موسوم به جلفا است از توابع آذربایجان هنوز جزء مملکت ایران بشمار است مگر اینکه گفته شود جلفای روسیه قسمتی از توابع جلفای ایران بوده که دولت روس جزو مملکت خود گردانیده است * مترجم

باشد متوقع بود مسیو مورنارد (۱) صاحب منصب بلجیکی گمرك که بر حسب خواهش سفارتین روس وانگلیس از طرف کابینه مأمور به تحویل گرفتن محاسبات ودفاتر خزانه شده بود روز بعد از حرکت من از پای تخت نزد مستر کرنر معاون خزانه دار آمده و حکمی از هیئت کابینه ارائه نمود که بقیة السیف صاحب منصبان امریکائی را تهدید به عزل وجرمانه می نموده در صورتیکه دفاتر را فوراً تحویل ندهند وحال آنکه خودم از

(۱) میسو مورنارد در تمام آن معاملات برای اظهار خصومت و بد نفسی خود و برای نیل بمسئولیت امور خزانه نکته را فرو گذار نکرده وموقع را از دست نداده تا عاقبت بسمت خزانه دار موقتی معین شد * اگرچه خود او به الحاق کلمه اخیرهٔ این منصب راضی نبوده وتن نمیداد ولی عاقبت الامر راضی شد که برای رسیدن باسم خزانه داری بگیرد هرچه را که برسد و بهر عنوان که باشد * مسیو مورنارد پس از تحویل گرفتن خزانه ظاهراً برای تملق وخوشامد حکومت سن پطرسبرگ مکتوبی به بلجیك فرستاد که در یکی از جرایله درج شود * درمکتوب مزبور نکته چینی و تنقید نموده بود از وضع اداره کردن امریکائی ها امور مالیه ایران را وایمائی «ریزه خوانی» هم کرده بود که دوملیون فرانك درمحاسبات جاریه خزانه با بانك های مختلفه طهران مفقودشده ومحل خرجش غیر معین است * نظیر همین اظهارات را هم بوقایع نگاران روزنامه های پای تخت روسیه نموده و بایشان نوشته بود که امریکائی هائی را که در ایران باقی مانده اند توقیف خواهد نمود تا توضیح ان مسئله داده شود * وقتیکه خبر آن اتهام درلندن بمن رسید فوراً بیانات او را تردید نموده و این جزء را هم بر آن افزودم که مشار الیه فقط آلت دست روسها است و هیچ ربط واطلاعی از طریقه اداره نمودن مالیه ندارد *

روزیکه از طهران حرکت نمودم از حقیقت محاسبات جاریه خزانه با بانك ها کاملا مطلع بودم * نمی توانم تصور کنم که چه چیز مسیومورنارد را وا داشت که مرا بچنین تهمتی متهم نماید نه اینکه فقط مهمل و دروغ بلکه خلاف اخلاق هم بود * چندی بعد ملتفت شدم کهسبب اصلی ان خطای مضحك مشارالیه لکه گذاردن و بدنام کردن امریکائی ها در ایران و جلوه دادن درست کاری خود در انظار روسها و جرايد پطرسبرگ بوده است

وقتی که مسیومورنارد وکابینه ایران امریکائی ها را از مسئولیت امور خزانه سبکدوش گردانیدند از محاسبات جاریه دولت ایران با بانك شاهنشاهی معادل چندین هزار تومان که بانك مزبور بعنوان مساعده بموجب صورت حساب جداگانه داده باقی مانده بود * مقابل

چندین هفته قبل از حرکتم کوشش و جد و جهد کرده بودم که کابینه را مجبور نمایم تا طریقه و دستوری برای تحویل دفاتر و محاسبات خزانه معین کنند و چند روز قبل از حرکتم هم انتقال مشاغل خود را بمستر کرنز رسماً به کابینه اطلاع داده بودم و مشارالیه هم بحاضر و مستعد شده بود که تحویل بدهد دیگر در همچو صورتی استعمال آن تهدید غیر متوقعی که امریکائیها اظهار تنفر و عدم رضایت از آن میکردند بسیار بی موقع بود وقتیکه مراسله مزکوره در حضور مسیومورنارد خوانده شد تمام مأمورین امریکائی بهیئت اجتماع از دفتر خزانه خارج شده واظهار نمودند که دیگر هیچ گونه کاری با مسیو مورنارد یا کابینه نخواهند داشت مستر کرنز بعد از آن واقعه پروتست کتبی بهر دو سفارت و وزراء ایران که آن طریقه جسورانه را اختیار نموده بودند فرستاد وقتیکه سفراء ملتفت شدند که رفتار وزراء از حد تجاوز نموده فوراً به کابینه اطلاع دادند که آن گونه حرکت صحیح نبوده هیئت اخیرة الذکر یعنی کابینه بوضع معمول بایران فوراً مراسله مثل همان مراسلهٔ اولیه جعل کرده و برای مستر کرنز فرستادند اظهار داشته بودند که اصل مراسله که بتوسط مسیو مورنارد فرستاده شده آن بوده است در عبارات مراسله ثانویه نه تهدیدی و نه عبارت خشن نا ملایمی بود *

باری مستر کرنز بملاحظه آن مسلك صلح جویانهٔ وزراء مسئله پروتست را مسکوت عنه گذارده وبا سفارتین روس وانگلیس که امور کابینه ایران را علانیه وآشکار در تحت نظارت خود در آورده بودند مذاکرهٔ حرکت و مراجعت بقیهٔ مأمورین مالیه امریکائی

این مبلغ اسمی « که صرف اسم وحقیقت آن معلوم نبود » سیصد هزار تومان طلب خزانه از بانك استقراضی روس بود آن مبلغ ازبابت فاضل عایدات شش ماهه گمرك بود که برحسب شرایط استقراض روس بوعد شش ماهه یعنی تا اخر سال روسی مطابق سیزدهم ژانویه ۱۹۱۲ ختم میشد * مبلغ مزبور معناً وحقیقتاً تا دو روز بعد از حرکت من از طهران بجمع دولت نیامده بود وابن مبلغ حاصل عایدات گمرکی بود از شش ماه قبل از حرکتم * ودر مقابل آن بانك شاهنشاهی هم آن وجه مساعده و پیشگی مذکور را داده بود مسیومورنارد پس از اندك زمانی از تحویل گرفتن خزانه صورت حسابی که مابین خزانه دار وآن بانك شاهنشاهی هم بعضی مطالبات غیر موءدی راکه از زمانه درازی مطالبه میکرد و معادل سیصد و پنجاه هزار تومان میشد مطالبه « وجزو صورت حساب » نمود ودعاوی مطالبات سابق الذکر از چندی قبل از شروع من بشغل خزانه جاری بوده و چندین مرتبه

را در میان آورد بر حسب خواهش وزیر مختار روس امریکائیها راضی شده که توقف نموده و بلجیکی ها را در تحویل گرفتن و تفویض امور خزانه معاونت نمایند ولی بشرطیکه رعایت کاملی از مواد معاهده که بین دولت ایران و امریکائی ها شده بود بعمل آید چون هیئت وزراء سر گرم و تمام همشان مصروف بترضیه سفارتین بود مرتکب آن اشتباه نشده بودند از آن به بعد سعی نمودند که از نقشه و طرح سلوکی که وزیر مختار روس برایشان

هم رئیس کل بانك مقدار مزبور را مطالبه نموده ولی وقتی که حالت حاضره آن زمان خزانه را برای او شرح داده و ملتفتش گردانیدم که خزانه در این موقع نمی تواند این گونه مطالبات را ادا نماید راضی شد که چندی مطالبه نکرده و معامله را مسکوت عنه گذارد ولی بمجردیکه امریکائی ها از مسئولیت امور خزانه خارج شده و مسیو مورنارد اختیارات را بدست گرفت چون بانك شاهنشاهی اطمینانی باو و به طریقه اداره مالیاتیش نداشت تمام دعاوی مطالبات مذکوره را در جزو محاسبات دولت ایران محسوب و بخرج دولت آورد *

اگر چه در ممالك دیگر این گونه رفتار بی قاعده بشمار است ولی از طرف دیگر بانك هم برای وصول دعاوی خود چاره جز آن نداشت وقتی که مسیو مورنارد صورت حساب خزانه را از بانك خواست بانك در جزو صورتیکه فرستاده بود مبلغ سیصد و پنجاه هزار تومان مساعده و پیشگی راهم محسوب داشت تصوّر این امر چندان مشکل نیست که وقتیکه مسیو مورنارد و شرکاء بلجیکیش صورت حساب بانك را با دفاتر خزانه موازنه و مقابله نمودند ملتفت شدند که اختلاف حساب بیش از چند هزار تومان نبوده (همان چند هزار تومانیکه بانك از سابق ادعا می نمود) صرف نظر از اشخاصی که کاردان و در امور مالیه با بصیرت می باشند اشخاص معامله دان متعارفی هم می توانند باندك تاملی ملتفت شوند که ایا ممکن است برای این تفاوت عمل توضیح وتوجیهی قرار داد ولی برخلاف این مسیو مورنارد بمجرد اینکه علی الظاهر اختلافی در صورت حساب دید برای پیشرفت اغراض کافی یافته فوراً مصمم شد اعلان نماید که صاحبمنصبان امریکائی خزانه دو ملیون فرانك را ازمیان برده اند شاید دیری نگذشت که برخود او هم مکشوف شد که اشتباه جاهلانه بی‌هوده نموده است از آن تاریخ به بعد دیگر چیزی علی الظاهر راجع بان مسئله از مسیو مورنارد تراوش ننمود پس از چندی که بتوسط جراید اروپا صورت حساب اصلی اشاعه یافت وزیر مالیه بلجیك در موقع ملاقات با وقایع نگاران جراید اظهار نموده بود که همچو مراسله که نسبت بمسیو مورنارد می دهند که به بلجیك فرستاده بکلی بی اصل و خلاف واقع است *

معین نموده بقدر سر سوزنی تخطی نه نمایند چند روز بعد مستر کرنز وعدهٔ از معاونین امریکائی خزانه از طهران حرکت نمودند مستر مکاسکی که معاون دوم من و رئیس شعبه محاسبات و معاملات نقدی خزانه بود عقب مانده و همه نسم معاونت در تحویل دفاتر و محاسبات تحویل خانهٔ خزانه بصاحب منصبان بلجیکی نمود مستر دکی هم بامور ضراب خانه دولتی مشغول بود تا وقتیکه عوض وجانشینش از بلجیك وارد شد خلاصه تا ماه مارس تمام امریکائی‌ها از ایران خارج شدند بجز کرنل مریل که برحسب خواهش سفارتها راضی شد که بسمت و عنوان مشاقی ژاندارمری در ایران بماند *

روز بعد از حرکتم از طهران در موقعیکه ماژور پرایس مشاق امریکائی ژاندارمه سواره از معسکر وارد و گاه « باغ شاه » به پارگ اتابك میرفت از دریچهٔ یکی از خانه‌ها گلوله باو زدند از سابق هم شهرت داشت که باید یکی از صاحب منصبان امریکائی کشته شود پس از تحقیق معلوم شد مرتکب آن حرکت و تهدید از اعضاء انجمن «تروریست» سری ارامنهٔ روسی بوده که میخواستند به آن وسیله فواید و اغراض پلتیکی خود شان را حاصل نمایند حمله کنندگان که چهار نفر بودند فوراً از طهران فرار نمودند بعد ازچندی معلوم شد سر کرده و رئیس آنها یکی از صاحب منصبان سابق ژاندارمری بوده است یك هفته پس از این واقعه آن صاحب منصب به طهران مراجعت نموده و خود را تسلیم کرد و اظهار مفصلی از نقشه آن سازش نموده و گفت که خود من در حمله برماژور پرایس شرکت نداشته ولی آن چهار نفر ارکان این کار که بر حسب قرعه انتخاب شده اند می شناسم و آن خانه خالی را هم که از انجا تفنك خالی شده بود نشان داد و گفت که پا های هرچهار نفر مرتکبین را خصوصاً شخصی که حقیقةً به ماژور گلوله زده بود بسته بودند که فرار نکنند (یعنی فرار وطفره از اجراء وظایفشان) و اگر تعاقبی از آنان می شد نمیتوانستند فرار بکنند و این فقره موثر و دلچسپ را هم بیان نمود که هیچ یك از آنها خصومت و عداوتی با ماژور موصوف یا سایر امرایکائیان نداشتند بلکه مصمم شده بودند بای نحوکان یکی از امریکائی ها را کشته تا نقشه پلتیکی تازه بروی کار آید (۱) یعنی دولت امریکا را

(۱) نظر به شهرتی که دراین باب نمودحرك مرتکبین غرضش قلع ریشه امریکائیها ازایران بود ولی پس از وقوع ان جنایت از ترس اینکه مبادا اغراض میشومه شان از قراین مکشوف شود ان لباس پلتیکی مجعول را بران حرکت پوشانیدند * رعیت روس بودن مرتکبین و استخلاص محرمانه صاحب منصب محبوس و تبعیدش دلیل ثابتی باین امر است * مترجم

مجبور بمداخله درامور ایران نموده شاید مفید بحال مملکت شود کابینه آنصاحب منصب را فوراً حبس نموده و عاقبت کار و سر انجامش معلوم نشد حقیقةً در آن قضیه که بعد از حرکت امریکائی ها برای ماژور اتفاق افتاد از خوش بختی و خوش نصیبی مشار الیه بود که آن گلوله کارگر و موءثر نیامد *

چندی بعد از واقعه انفصال و انهدام مجلس روسها مسئلهٔ تعمیر راه آهن (ترابس پرشیا) سر تا سر ایران را که از چندی قبل محل بحث و مذاکره بود دوباره پیش کشیدند این خیال و اقدام از طرف روس هاچندان محل تعجب نبوده ولی همراهی دولت انگلیس با آن نقشه اگرچه بقدر یك طرفة العین هم باشد بسیار مورد تعجب است با این حال جمعی از متمولین انگلستان شخصاً به پطرسبرگ رفته که در ضمن مذاکرات منافع و اغراض دیگر خود مسئله راه آهن و طریقه سرمایه فراهم نمودن و چگونگي خطوط ان را مذاکره نمایند وزارت خارجهٔ انگلستان هم به حمایتهای پسندیدهٔ خود از ایشان تقویت و نقشهٔ ان خط را برای آنها کشید از شمال غربی ایران تا جنوب شرقي یعني از یکطرف بخطوط آهن روس در جلفا متصل شود و از طرف دیگر بسرحد هندوستان الحق برای دولت انگلیس نقشهٔ بسیار منحوس خطرناکی بود در صورتیکه افواج روس و انگلیس سر تا سر مملکت ایرانرا فرا گرفته و بیرقهای روسی در بزرگترین و زرخیز ترین ایالات ایران در حرکت واهتزاز بوده و زمانیکه شمشیر و رشته های ابریشمی و زه حلق آویز روسی در شهر ستم دیده و بلا کشیدهٔ تبریز در کار بود دولت هند هم مسلك قدیمي خود را برای محافظت هندوستان از تعیین لرد هاردینك (۱) بسمت فرمانفرمائی هندوستان تغییر داده و معتدل نمود دولت انگلیس اقلاً باقتضای مناسبات ظاهری و ملاحظات متعارفي باید « از گفتگوی تعمیر همچو خطی در ایران » ممانعت نموده باشد از امور مذکوره معلوم میشود که دولت انگلیس از هر تدبیر واقدام بکلي مأیوس گشته و تن در داده است که همچو خط آهنی از اردوگاه وسرباز خانه و مخزن و قورخانه «استیون» های روسی یکسره و مستقیماً به سرحد مملکت هندوستان امتداد یافته و متصل شود دولت هند برای امضاء و تصویب نقشه این خط اظهار رائی که نمود فقط این بود که با کمال متانت و مال اندیشي خواهش نمود که مقدارعرض این خط در سرحد ایران با راه اهنهای هندوستان اختلاف داشته باشد

(۱) لرد هاردینك در موقعیکه نماینده دیپلوماسی و سفیر پلتیکي انگلیس در پطرسبرك بود بخدی نواقص خود را تکمیل نمود که (رسو فیل) روس دوست محکم ثابتي گردید *

ولی غافل از این که فنون جنگی و قواعد نظامی امروزه بدرجه تکمیل یافته که ممکن است قشون و قورخانه و سایر لوازم عسکری را بکمال سهولت و اسانی به سرعت هرچه تمامتر از قطاری به قطار دیگر حمل و نقل نمود و همین که افواج روسی بخیال جنگ یکمرتبه به سرحد هند برسند شاید اختلاف عرض راه باعث جلو گیری از پیشرفتشان نشود *

یکی از اغراض دولتین روس و انگلیس که علی الظاهر از این نقشه مستنبط میشود مفلوج ساختن ابدی ایران و به گرو رفتن تمام منابع مالیاتی آن بود مسیو مورنارد در آنوقت رای داده بود (ولی نه از طرف خود) که ضامن یعنی مسئول نفع و ضرر و خیر و شرّ این خط باید دولت ایران شناخته شود این رأی باندازه بی شرمانه و جسورانه بوده که نظیر آن دیده نشده و دولت ایران هم هیچگاه همچو راه آهنی لازم نداشته چه فقط همچو خطی حاوی اغراض نظامی است و ابداً نظری بصرفه و صلاح تجارت ندارد اگر دولت ایران مجبور بضمانت اسناد تعمیر همچو خطی شود تمام مجاری و منابع مالیاتیش اقلاً تا صد سال بمصرف مخارج این ضمانت خواهد رسید علاوه بر این اگر مضار دیگر این معامله ملاحظه شود دیده خواهد شد که ملزومات روسی قسمتی از این راه که بین جلفاء و اصفهان واقع است بچه قیمتهای گزاف فوق الطاقه (مثل تفنگهای ریفل) بر ایرانیان بیچاره تحمیل خواهد شد بهر حال اگر خط مزبور فقط تا نقطهٔ آخری یعنی اصفهان منتهی و ختم شود فواید صرف نفوذی و اغراض دل بخواهانه بسیاری برای روس حاصل خواهد شد و چنانچه تا سرحد هندوستان امتداد یابد فواید نظامی و نتایج جنگیش نیز برای دولت روس از حد حصر خارج خواهد بود در همچو راه آهن سر تا سر ایران تا چند نسل بعد فواید تجارتی متصوّر نمیباشد بلکه فقط نقطه نظرش بمنافع پلتیکی و اغراض سیاسی خواهد بود و هیچگونه صرفه اقتصادي که تناسب باخرج باشد برای دولت ایران نخواهد داشت*

(پروگرام) تعمیر «راه آهن بزرگی» هم که تا سه ماه قبل دولت انگلیس بدان اشاره مینمود که باید در ظل حمایت دوستانه دولتین بموقع اجراء گذارده شود از همین قبیل بود سرادوارد گری این مسلك جدیدرا برای فریب دادن عموم ساده لوحان انگلیس اختیار کرد چنانچه آزمایش شود مکشوف خواهد شد که نتیجهٔ آن تدبیر سیاسی فقط این شد که معادل دویست هزار لیره سفارتین روس و انگلیس در طهران به آن « عروسك » بازیچهائیکه « دولت شاهنشاهی ایران » را تشکیل نموده بدهند آن هم بسود فیلضانه و حاتم بخشانهٔ صدي هفت در واقع کوه

را (۱) از هم پاشیده و از مابین شگاف هایش موش کوچکی بیرون آورند شروط منحوس پلتیکی که بعبارات موهومه در ضمن آن بکابینه قبولانیدند نمونه اغراض بی حقیقت و بی اصلی بود از مراسلهٔ متفقهٔ که سفارتین در هیجدهم مارس (۲۸ ربیع الاول ۱۳۳۰) بدولت ایران نوشتند بی مناسبت نیست که در اینجا درج شود تا نتایجی که از معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس در آزادي و ترقی و آبادي مملکت ایران بروز و ظهور نموده بخوبی واضح شود *

مراسلهٔ سفارتین :-- نظر به استحکام روابط دوستی و عوالم یکجهتی بین دولت انگلیس و دولت امپراطوري روس و دولت شاهنشاهی ایران و استقرار آن بر اساس و بنیاد رزین اطمینان بخش و تا درجه که ممکن باشد معاونت دولت ایران در اعاده دادن سر بلندي و نظم و امنیت مملکت خود سفارتین روس و انگلیس بر حسب ایماء دولتین متبوعتین خود شرف اظهار دارند که اراء ذیل را بدولت ایران پیش نهاد نمایند *

اوّل اینکه دولتین متفقاً حاضر می باشند که براي مصارف لازمه دولت ایران هر یك صد هزار لیره (بعنوان مساعده بیشکي) کارسازي دارند در صورتیکه جواب مطلوب و مناسب این مراسله بسفارتین داده شود بانك شاهنشاهی و بانك استقراضی حاضر می باشند که هر یك سلسلهٔ حساب جاری برای دولت ایران افتتاح نمایند این مسئله مسلم است وجوهی که بانك استقراضی از بابت این حساب جاری بدولت ایران می پردازد به «روبل» (منات) خواهد بود که معادل نهصد و چهل و پنجهزار و هفتصد و پنجاه «روبل» باشد *

(۲) مبلغ مذکور بنرخ سود صدی هفت سالانه داده خواهد شد محل تأدیه اش از وجه استقراض آیندهٔ دولت ایران خواهد بود وتمام اضافه عایدات گمرك شمالی وجنوبی که تا حال در این دو بانك امانت دولت بوده به تناسب سهام روس و انگلیس (یعنی بالمناصفه) بمصرف تأدیه اقساط استهلاك و سود این مساعده خواهد رسید *

(۳) وجه این استقراض مساعده بموجب «پروگرامی» که بین کابینه و سفارتین ترتیب یافته در تحت نظارت خزانه دار کل بمصرف خواهد رسید واین هم مسلم است که قسمت عمده اینوجه بمصرف انتظامات ژاندارمری دولت بمعاونت صاحبمنصبان سویدی

---

(۱) این جمله ضرب المثل و کنایة از ویران نمودن مملکت ایران است براي منفعت کم خود نظیر این مثل که (براي یك دستمال قیصریه را آتش میزنند) * مترجم

باید برسد سفارتین در تقدیم این پیش نهاد بجهة حصول و از دیاد میانه که سابقاً اشاره بدان شده امیدوار اند دولت ایران خود را ملتزم بشناسد که اولاً مسلك خود را ازین تاریخ به بعد مطابق اصول معاهدهٔ ۱۹۰۷ انگلیس و روس قرار دهد (یعنی منطقه‌های نفوذرا اعتراف وتسلیم نماید * مترجم) ثانیاً بمجردیکه محمد علی شاه و سالارالدوله از ایران خارج شوند افواج غیر منظم فدائی را مرخص نماید ثالثاً سفارتین نقشه‌ء برای تشکیل و نظم مختصر فوج منظم با اثری مرتب خواهند نمود * رابعاً معاهده در باب خارج شدن محمد علی شاه از ایران (۱) و تعیین وظیفه و تأمین عموم اتباعش بر قرار خواهد شد امید واریم جواب مطلوب مناسبی بما برسد * ج *

«سر جارج بارکلی» «پاکلیوسکی کزیل»

آخر کار امید و آرزو های سفارتین بعمل آمده و در بیستم مارس ۱۹۱۲ (۳۰ ربیع الاول ۱۳۳۰) یعنی دو روز بعد از وصول مراسلهٔ متفقه مزبوره بکابینه وزیر خارجه مجرب پاکباز یعنی دوست قدیمی ما وثوق الدوله «چون مقاصد پسندیده دولتین مجاورتین را با کمال شعف معترف بوده مواد آن مراسله را قبول نمود و امضاء کرد» قبول شروط مزبوره حلقه زنجیر دیگری که ساخته شده بود برای اینکه مملکت ایران را تا ابدالدهر به یکی از دو همسایه مهربان الحاق نماید (یا رسن تازه تری بود که ایران را تا ابد اسیر دام

(۱) در ماه اوت ۱۹۱۰ مطابق شعبان ۱۳۲۹ همین دو دولت بدولت ایران اظهار نموده بودند که چون محمد علیشاه مخلوع بقصد استرداد تاج وتخت داخل مملکت شده مطابق مواد قرار دادی که در سپتامبر ۱۹۰۹ (۲ رمضان ۱۳۲۸) بین دولتین و دولت ایران به امضا رسیده تمام حقوق و وظیفه صد هزار تومانی مشار الیه ساقط شده است * با وجود ان اظهاریکه در ماه اوت شده بود دیده میشود که همین دو دولت در هیجدهم فوریه ۱۹۱۲ (۲۹ صفر ۱۳۳۰) دولت ایران را ملزم و مجبور می نمایند که دوباره وظیفه محمدعلی را بر قرار نموده و تأمین کامل بهمراهان و اتباع غارت گرش عطا نماید. از پرتو نور این اقدامات تا حقانه حقیقت پروتستهای مکرره روس و صدق اظهارات عدیده سر ادوارد گری در مجلس وکلای عمومی که دولت روس همدردی با شاه مخلوع نداشته ودر اراده مضمحل نمودن دولت مشروطه وبجنك اوردن سلطنت ایران با او شرکتی ندارد بخوبی واضح و روشن میگردد حقیقت واقع این است که منشاء اصلی و علت العلل کامل فراهم شدن پول برای ان حمله چپاولانه و غارت گرانه بواسطه اغماض کابینه پطرسبرگ بوده است *

یکی از ان دولتین متحابتین دارد *)

اگرچه به نظر تاریخی مجوّیت و اضمحلال ملیت ایران بتوسط روس و انگلیس چندان تازگی و غرابت ندارد ولی باعث رفع تألم و تحسر این واقعه هم نتواند شد وقتی هم که آزادی ملتی محو و بکلی روفته شده باشد ممکن بود برای ارتکاب آن افعال شنیعشان اقلاً محمل و معاذیر نیم موجهی قرار دهند مثل ترقی ثروت و تجارت یا تشکیل ادارات پلتیکی بهتر و منظم تری ولی درحال دولت ایران هیچ یك از ین معاذیر و نواقص وجود نداشت وجداً هیچ جای این هم نبود که ادعا یا اطمینان کرده شود که روس تمدّن و ترقی ایران را تأیید خواهد نمود *

دولتین در تمام اقدامات و مذاکراتشان با دولت ایران هیچگاه متعذّر و متمسك بعذر و بهانه مختصریهم نشدند که مثلاً این اقدامات برای بهبودی حال ملت یا آسایش عمومی است افعال و اقوالشان که حس انصاف تمام اهل عالم را مشمئز و متنفر می نماید مبنی بر اغراض جابرانه و جلب منافع خود شان بود که فقط بعنوان محافظت منافع روس یا تجارت انگلیس ملت بی گناه مظلوم را قتل عام می نمودند هیچگاه کلمهٔ هم گفته نشد که مناسبت ظاهری داشته باشد با حقوق ملیونها ملتی که حیاتشان در معرض خطر و مهلکه و حقوق شان پایمال اغراض اجانب شده است *

جدیدترین مطبوعات راجعه بمعاملات ایران (۱) دو کتاب آبی انگلیس است که با وجود اداری نمودن عنوانات آن و خارج و القاء کردن مطالبی که باعث سوء ظن نسبت بدولتین می شد بعموم مردم آشکار تواند کرد که چه گونه حمله های خون خوارانه بدولت شاهنشاهی ایران نموده اند * در آن مکاتیب و مراسلات یك سطر هم نوشته نشده بودکه از او استنباط شود که ایران ملت دوستانه بود که همین دو دولت آزادی شاهنشاهیش را اعلان و ضمانت کرده و با این حال در (۲) دسمبر ۱۹۱۱ همان آزادی و شاهنشاهی را محو و نابود ساختند *

---

(۱) « مطبوعات دیگر راجع بامور ایران » مراسلات نمرهٔ ۳ و ٤ است که در مارس ۱۹۱۲ به پارلمان تقدیم شده است *

(۲) از مراسله متفقه یازدهم سپتامبر ۱۹۰۷ سفارتین بدولت ایران برای اثبات المسئله فقره رسمی ذیل (درتحت عنوان ایران نمره ۱ – ۱۹۱۲) قابل توجه است نظر باینکه دولتین روس و انگلیس خواستار اجتناب از موجبات تصادم بین اغراض متناسبه (علی السویه)

اکنون دیده می شود حکومت توام انگلیس و روس در ایران بر خلاف معمول تمام ادوار و ازمنه این اولین دفعه است که سلطنت دو پادشاه در یك اقلیم دیده می شود ولی حقیقت امر این است که آثار و شخصانیت روسی این سلطنت بیشتر از انگلیسیتش می باشد و این امر از ضعف دولت انگلیس است از اثرات همین ضعف است که ایرانیان در حالت اعدام سیاسی و عبودیت اقتصادی افتاده و هیچ کس اعتنائی بناله و تظلمات

خود در نقاط و حصص از ایران میباشند که از یکطرف متصل یا در قرب و جوار حدود افغانستان و بلوچستان ؛ و از طرف دیگر بسرحد روس وصل می باشد باین جهت معاهده دوستانه مطابق مواد ذیل ما بین شان بامضا رسیده است :— *

« بموجب این معاهده دولتین متفق و متعهد می باشند که استقلال و آزادی ایران را کاملا تصدیق نموده و باقی و برقرار دارند و صادقانه طالب ترقی سلامت روانه آن مملکت و حافظ فوائد متساویه تجارت و صناعت هر یك از ملل دیگر می باشند و نیز تعهد می نمایند در صورتیکه دولت ایران امتیازی بدول اجنبیه عطا نماید دولتین در نقاط متصله یا در قرب و جوار سرحد مملکت خواهش تحصیل امتیازی دیگر ننمایند * و بجهت رفع هر گونه اختلاف و سوء نفا هم آینده و احتراز از پیش آمد اموری که باعث تولید اشکال و پریشانی امور داخله ایران شود خط های مزبوره در این قرار داد تحدید شده است * اثر و فائده هم که از عایدات دولتی ایران باستقراض آن دو دولت بتوسط بانك شاهنشاهی و بانك استقراضی مترتب می شد کما فی السابق به همان حال باقی خواهد بود * و نیز دولتین تعهد می نمایند در صورت وقوع بی نظمی (تأخیر) در تادیه اقساط استهلاك و سود آنقرضه دوستانه با هم تبادل افکار نمایند * و برای محافظت فواید و منافع طالب کران و منع از هر گونه مداخلات که مطابق اصول این قرار داد نباشد باتفاق یك دیگر تدابیری نمایند که موافق قوانین بین المللی باشد *

دولتین بموجب این معاهدهٔ امضا شده بقدر طرفة العینی هم اصول و مبانی رعایت و احترام استقلال و آزادی ایران را از نظر خود فراموش و محو نخواهند نمود * از انعقاد این معاهده هیچ مقصودی ملحوظ خاطر دولتین متعاهدتین نیست بجز اجتناب و احتراز از سوء تفاهم هر یك در امور راجعهٔ به ایران دولت شاهنشاهی ایران می تواند بکمال خوبی مطمئن شود که استقرار این معاهده بین دولتین بطریق موثری موید امنیت و آبادی و ترقی ایران خواهد بود *

اخلاقي آنها نمی نماید باین جهت که ضعیف و از اهل آسیا و در ظل قفقاز می باشند در ظرف مدت یکسال مراکو وطرابلس و ایران یعنی سه دولت اسلامیرا همسایگان مسیحی متمدن خراب وویران نمودند در هر صورت منظره خوشنمائی بنظر نمی آید آیا کسی خواهد توانست که صد ها ملیون مسلمانان غضبناك را ملزم نموده و نسبت تقصیر به آنان دهد؟ آیا مسلمانان عالم میتوانند جز این تصور نمایند که واقعات سنه ۱۹۱۱ امری غیر از نتیجه اتفاق دول مسیحیه اروپا می باشد که بنیاد اسلام را از صفحه عالم بر انداخته و یکنفر مسلمان را هم باقي نگذارند؟ *

مابین مسلمانان اهل ایران تازه احترام زیادی از مذهب نصرانیت و علوم آن شروع نموده ومتداول گشته و کسب و اتخاذ قوانین اخلاقي مغرب زمینیان مایل و تازه تقلید و پیروی از روّیه و مسلکهای تجارتی و فنون سیاسی آنان نموده و از مفاد احکام عشره دین مسیح مطلع شده بودند با این حال اگر از مسیحیت سئوال نمایند که چه قدر ومرتبه برای ان احکام عشره باقي خواهد ماند؟ در صورتیکه حکم « تو نباید دزدی بکنی » را بحالت مراکو وطرابلس و ایران مقایسه نمایند ایا جواب چه خواهد بود؟ *

مصنف دربارهٔ ایثار نفس در معاملات بین المللی فریب نخورده وبهانهٔ هم برای گول خوردنش موجود نیست ولی از مغلوب شدن ایران می توان سرمشقی حاصل نمود که دنیای متمدّن لازم است مدت مدیدی مسافرت نماید تا بتواند قامت مردانگی را علم نموده وخود را بختیار به بیند اهالی ایران که در عوض بندگی حکام ظالم متقلب برای حیات واستقلال خود می جنگیدند مستوجب تمجید و سزاوار تحسین و سرنوشتی بهتر ازین بودند ولی اکنون متأسفانه بنده وار اسیر شده و بعنوان دزد ارتجاعی و پستترین یاغی کشته میشوند شاید مدبرین و کار پردازان روس و انگلیس باین اقدامات خود در ایران تفخر ومباهات نمایند ولی بسیار مشکل است که دیگر آن ارتکاب این قبایح و شنایع را مایهٔ شرافت خود شناسد *

کپلنك (Kipling) گفته است که مشرق زمینیان را ممکن نیست بعجله و سرعت بزور راند واین کار مستلزم وقت وتأمل است اهالی مغرب زمین وخیالاتشان می توانند مشرق زمینیانرا بطرف مقاصد خود جلب نموده وایشان را مطیع خود سازند در صورتیکه اهالی مشرق مطمئن شوند که آنان را بطریقهٔ سوق میدهند که نافع بحالشان باشد حقیقت واقع این است که دعاوی اخلاقي ومفاخر وشئونات ملی وحب وطنی بهمان درجه که

مابین مغربیان شایع و ضایع است بهمان پایه مابین مشرقیان جاری و ساری می باشد نهایت باندازهٔ خیالات مغربی سطحی (آشکار) نیست و طبعاً متنفر می باشند از تمکین و اطاعت اجانب خصوصاً درصورتیکه تصوّر نفع خود را ننمایند *

امیدواری نجات ایران فقط منحصر بودی باصلاحات مالیه که درحالت پریشانی و بی نظمی بود در ازمنهٔ سالفه شاید ممکن می شد که با نبودن ترتیبات صحیحهٔ مالیاتی حکومت مقتدرهٔ مرکزیه تشکیل و متنفذ شود اکثر سلاطین سابقه در برقرار نمودن حکومت مستقلهٔ با اقتداری درتمام ممالکت کامیاب و نایل میشدند ولی دراین زمان ممکن نیست زیرا که آن اساس سابقه که بتوان بدان وسیله امور را منظم نمود بر چیده شده است مگر درصورتیکه اصول موثرهٔ مالیاتی و امور متعلقهٔ به آن را کاملاً اداره نمایند ایرانیان هم خود شان این نکته را بخوبی ملتفت شده اند باستثنای امراء و اعیان متقلب و مستخدمین خائن دولتی سائر طبقات نهایت میل و آرزو را بنایل شدن ما داشتند روسها این احساسات ملیه را ملتفت شده و هیچگاه راضی باقتدار ما نبودند و همین خوف شان این بود که مبادا ما موفّق باصلاح مالیه بشویم بهترین دلیلی است بر تحسین و تمجید اعمال ما زیاده بر این بحث و تطویل لا طایل است *

ضمیمه

قانون اساسی که در زمان سلطنت مظفرالدین شاه وضع و در سی و یکم دسمبر ۱۹۰۶ (مطابق چهاردهم ذیقعده ۱۳۲۴) تمضا و مجرا گردید *

متمم قانون اساسی که در هشتم اکتوبر ۱۹۰۷ (مطابق بیست و نهم شعبان ۱۳۲۵) بامضاء ولیعهد و جانشین شاهنشاه سعید رسید *

قانون مصوّبه سی ام مه ۱۹۱۱ (مطابق غره جمادی الثانیه ۱۳۲۹) مجلس راجع به تفویض نظارت و تفتیش به خزانه دار کل در باب استقراضیکه در سنه ۱۹۱۱ از بانك شاهنشاهی شده بود *

قانون سیزدهم ژون که مجلس در دوازدهم ژون ۱۹۱۱ (مطابق چهاردهم جمادی الثانیه ۱۳۲۹) بجهت نظم و تنقیح امور مالیه ایران تصویب نموده بود *

مکتوب (سرباز) با امضاء مستر مورگان شوستر بروزنامهٔ تمس لندن مؤرخه بیست و یکم اکتوبر ۱۹۱۱ (مطابق بیست و هفتم شوال ۱۳۲۹) *

مراسلات مابین سرجارج بارکلی وزیر مختار انگلیس و پاکلیوسکی کزیل وزیر مختار روس در طهران و مستر مورگان شوستر *

معاهده بین مستر مورگان شوستر و ماژوراستوکس صاحبمنصب فوج هند انگلیس درباب استخدام سه ساله بعنوان ریاست ژاندارمری خزانه مورخه بیست و چهارم ژویه ۱۹۱۱ (مطابق بیست و هفتم رجب ۱۳۲۹) *

سواد معاهدهٔ ۱۹۰۷ انگلیس و روس *

نطق مستر لنچ در «سوای هوتل» لندن بتاریخ بیست و نهم ژانویه ۱۹۱۲ (هشتم صفر ۱۳۳۰) *

سواد دو «آرتیکل» روزنامه «نیشن» ملی مطبوعه لندن که مصنف از مدیر جریدهٔ مزبوره اظهار تشکر مینماید برای مجاز شدن در درج آن (۱) آزادی مفقودشده ایران «۲» ایران در حالت انتجا است *

قانون اساسی

※ مورخهٔ ١٤ ذیقعده ١٣٢٤ و ٢٩ رمضان ١٣٢٥ ※

—«※ بسم الله الرحمن الرحیم ※»—

آنکه مطابق فرمان معدلت بنیان همایونی مورخه ٥ اوت ١٩٠٦ « مطابق ١٤ جمادی الاخری ١٣٢٤ » از برای ترقی و سعادت ملك و ملت و تشیید مبانی دولت و اجرای قوانین شرع حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه وآله امر بتأسیس شورای ملی فرمودیم و نظر بدان اصل اصیل که هریك از افراد اهالی مملکت در تصویب و نظارت امور عموم علی قدر مراتبهم محق و سهیمند تشخیص و تعیین اجزاء مجلس را بانتخاب ملت محول داشتیم اینك که مجلس شورای ملی بر طبق نیات مقدسه ما افتتاح شده است اصول و مواد نظامنامهٔ اساسی شورای ملی را که مشتمل بوظایف و تکالیف مجلس مزبور و حدود روابط آن نسبت بادارات دولت است از قرار اصول ذیل مقرر میفرمائیم *

—«※ در تشکیل مجلس ※»—

※ اصل اول ※

مجلس شورای ملی بموجب فرمان معدلت بنیان مورخهٔ چهاردهم جمادی الاخری ١٣٢٤ موسس و مقرر است *

※ اصل دویم ※

مجلس شورای ملی نمایندهٔ قاطبهٔ اهالی مملکت ایرانست که در امور معاشی و سیاسی وطن خود مشارکت دارند *

※ اصل سیم ※

مجلس شورای ملی مرکب است از اعضائی که در طهران و ایالات انتخاب میشوند و

محل انعقاد آن در طهران است *

❋ اصل چهارم ❋

عدهٔ انتخاب شوندگان بموجب انتخاب نامه علیحده از برای طهران و ایالات فعلاً یکصد و شصت و دو نفر معین شده است و بر حسب ضرورت عده مزبوره تزاید تواند یافت الی دویست نفر *

❋ اصل پنجم ❋

منتخبین از برای دو سال تمام انتخاب میشوند و ابتداء این مدت از روزی است که منتخبین ولایات تماماً در طهران حاضر خواهند شد پس از انقضاء مدت دو سال باید نمایندگان مجدداً انتخاب شوند و مردم مختارند هر یك از منتخبین سابق را که بخواهند و از آنها راضی باشند دوباره انتخاب کنند *

❋ اصل ششم ❋

منتخبین طهران لدی الحضور حق انعقاد مجلس را داشته مشغول مباحثه و مذاکره میشوند رأی ایشان در مدت غیبت منتخبین ولایات باکثریت مناط اعتبار واجراء است *

❋ اصل هفتم ❋

در موقع شروع بمذاکرات باید اقلاً دو ثلث از اعضاء مجلس حاضر باشند و هنگام تحصیل رأی سه ربع از اعضاء باید حاضر بوده و اکثریت اراء وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حضار مجلس رأی بدهند *

❋ اصل هشتم ❋

مدت تعطیل و زمان اشتغال مجلس شورای ملی برطبق نظامنامه داخلی مجلس بتشخیص خود مجلس است و پس از تعطیل تابستان باید مجلس از چهاردهم میزان که مطابق جشن افتتاح اول مجلس است مفتوح و مشغول کار شود *

❋ اصل نهم ❋

مجلس شورای ملی در مواقع تعطیل فوق العاده منعقد تواند شد *

❋ اصل دهم ❋

در موقع افتتاح مجلس خطابهٔ بحضور همایونی عرض کرده بجواب خطابهٔ از طرف قرین الشرف ملوکانه سرافراز و مباهی میشود *

❋ اصل یازدهم ❋

اعضاء مجلس بدواً که داخل مجلس میشوند باید بترتیب ذیل قسم خورده و قسم نامه را امضاء نمایند *

❋ صورت قسم نامه ❋

ما اشخاصی که در ذیل امضاء کرده ایم خداوند را بشهادت میطلبیم و بقرآن قسم یاد میکنیم ما دام که حقوق مجلس و مجلسیان مطابق این نظامنامه محفوظ ومجری است تکالیفی را که بما رجوع شده است مهما امکن با کمال راستی و درستی و جد وجهد انجام بدهیم و نسبت باعلیحضرت شاهنشاه متبوع عادل مفخم خودمان صدیق و راستگو باشیم و باساس سلطنت و حقوق ملت خیانت ننمائیم و هیچ منظوری نداشته باشیم جز فوائد و مصالح دولت و ملت ایران *

❋ اصل دوازدهم ❋

بهیچ عنوان و بهیچ دست آویز کسی بدون اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی حق ندارد متعرّض اعضاء آن بشود اگر احیاناً یکی از اعضاء علناً مرتکب جنحه و جنایتی شود و درحین ارتکاب جنایت دستگیر گردد باز باید اجراء سیاست در باره او باستحضار مجلس باشد

❋ اصل سیزدهم ❋

مذاکرات مجلس شورای ملی از برای اینکه نتیجه آنها بموقع اجراء گذارده تواند شد باید علنی باشد روزنامه نویس و تماشاچی مطابق نظامنامه داخلی مجلس حق حضور و استماع دارند بدون اینکه حق نطق داشته باشند تمام مذاکرات مجلس را روزنامجات میتوانند بطبع برسانند بدون تحریف و تغییر معنی تا عامه ناس از مباحث مذاکره و تفصیل گذارشات مطلع شوند هرکس صلاح اندیشی در نظر داشته باشد در روزنامه عمومی برنگارد تا هیچ امری از امور در پرده و بر هیچ کس مستور نماند لهذا عموم روزنامجات مادامیکه مندرجات آنها مخل اصلی از اصول اساسیه دولت و ملت نباشد مجاز و مختارند که مطالب مفیده عام المنفعه را همچنان مذاکرات مجلس و صلاح اندیشی خلق را بر آن مذاکرات بطبع رسانیده منتشر نمایند و اگر کسی در روزنامجات و مطبوعات برخلاف آنچه ذکر شد و باغراض شخصی چیزی طبع نماید یا تهمت و افتراء بزند قانوناً مورد استنطاق ومحاکمه و مجازات خواهد شد *

❋ اصل چهاردهم ❋

مجلس شورای ملی بموجب نظامنامه علیحده موسوم بنظامنامه داخلی امور شخصی خودرا

ازقبیل انتخاب رئیس و منشیان و سایر اجزاء و ترتیب مذاکرات و شعب وغیره منظم و مرتب خواهد کرد *

—«* در وظایف مجلس و حدود و حقوق آن *»—

* اصل پانزدهم *

مجلس شورای ملی حق دارد در عموم مسائل آنچه را صلاح ملك و ملت میداند پس از مذاکره و مداقه از روی راستی و درستی عنوان کرده با رعایت اکثریت آراء در کمال امنیت و اطمینان با تصویب مجلس سنا بتوسط شخص اوّل دولت بعرض برساند که بصحهٔ همایونی موشّح و بموقع اجراء گذارده شود *

* اصل شانزدهم *

کلیهٔ قوانینی که برای تشیید مبانی دولت و سلطنت و انتظام امور مملکتی و اساس وزارتخانها لازم است باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد *

* اصل هفدهم *

لوائح لازمه را در ایجاد قانونی یا تغییر و تکمیل و نسخ قوانین موجوده مجلس شورای ملی در موقع لزوم حاضر مینماید که با تصویب مجلس سنا بصحه همایونی رسانده بموقع اجراء گذارده شود *

* اصل هیجدهم *

تسویه امور مالیه جرح و تعدیل بودجه تغییر در وضع مالیاتها و ردّ و قبول درعوض و فروعات همچنان ممیزیهای جدیده که از طرف دولت اقدام خواهد شد بتصویب مجلس خواهند بود *

* اصل نوزدهم *

مجلس حق دارد برای اصلاح امور مالیاتی و تسهیل روابط حکومتی در تقسیم ایالات و ممالك ایران و تجدید حکومتها پس از تصویب مجلس سنا اجری آرای مصوبه را از اولیای دولت بخواهد *

* اصل بیستم *

بودجهٔ هر یك از وزارتخانها باید در نیمه آخر هر سال از برای سال دیگر تمام شده پانزده روز قبل از عید نوروز حاضر باشد *

* اصل بیست و یکم *

هرگاه در قوانین اساسی وزارتخانها قانونی جدید یا تغییر و نسخ قوانین مقرره لازم شود با تصویب مجلس شورای ملی صورت خواهد گرفت اعم از این که لزوم آن امور از مجلس عنوان یا از طرف وزراء مسؤل اظهار شده باشد *

❋ اصل بیست و دوم ❋

مواردی که قسمتی از عایدات یا دارائی دولت و مملکت منتقل یا فروخته میشود یا تغییری در حدود و ثغور مملکت لزوم پیدا میکند بتصویب مجلس شورای ملی خواهد بود *

❋ اصل بیست و سیم ❋

بدون تصویب شورای ملی امتیاز تشکیل کمپانی و شرکتهای عمومی از هر قبیل و بهر عنوان از طرف دولت داده نخواهد شد *

❋ اصل بیست و چهارم ❋

بستن عهد نامه ها و مقاوله نامها اعطای امتیازات « انحصار » تجار تجارتی و صنعتی و فلاحتی وغیره اعم از این که طرف داخله باشد یا خارجه باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد باستثنای عهد نامهائی که استتار آنها صلاح دولت و ملت باشد *

❋ اصل بیست و پنجم ❋

استقراض دولتی بهر عنوان که باشد خواه از داخله خواه ازخارجه با اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی خواهد شد *

❋ اصل بیست و ششم ❋

ساختن راههای آهن یا شوسه خواه بخرج دولت خواه بخرج شرکت و کمپانی اعم از داخله وخارجه منوط بتصویب مجلس شورای ملی است *

❋ اصل بیست و هفتم ❋

مجلس درهر جا نقضی در قوانین و یا مسامحه در اجرای آن ملاحظه کند بوزیر مسئول در آن کار اخطار خواهد کرد وزیر مزبور باید توضیحات لازمه را بدهد *

❋ اصل بیست و هشتم ❋

هرگاه وزیری بر خلاف یکی از قوانین موضوعه که بصحهٔ همایونی رسیده اند باشتباهکاری احکام کتبی یا شفاهی از پیشگاه مقدس ملوکانه صادر نماید ومستمسک مساهله وعدم مواظبت خود قرار دهد بحکم قانون مسئول ذات مقدس همایون خواهد بود *

❋ اصل بیست و نهم ❋

هر وزیری که در امری از امور مطابق قوانینی که بصحه همایونی رسیده است از عهدهٔ جواب بر نیاید و معلوم شود که نقض قانون و تخلف از حدود مقرره کرده است مجلس عزل او را از پیشگاه همایونی مستدعی خواهد شد و بعد از وضوح خیانت در محکمه عدلیه دیگر بخدمت دولتی منصوب نخواهد شد *

✵ اصل سی ام ✵

مجلس شورای ملی حق دارد مستقیماً هر وقت لازم بداند عریضه بتوسط هیئتی که مرکب از رئیس و شش نفر از اعضاء که طبقات شش گانه انتخاب کنند بعرض پیشگاه مقدس ملوکانه برساند وقت شرفیابی را باید بتوسط وزیر دربار از حضور مبارک استیذان نمود *

✵ اصل سی و یکم ✵

وزراء حق دارند در اجلاسات مجلس شورای ملی حاضر شده و در جائی که برای انها مقرر است نشسته مذاکرات مجلس را بشنوند و اگر لازم دانستند از رئیس مجلس اجازهٔ نطق خواسته توضیحات لازمه را از برای مذاکره و مداقهٔ امور بدهند *

—«✵ در اظهار مطالب بمجلس شورای ملی ✵»—

✵ اصل سی و دویم ✵

هر کس از افراد ناس میتواند عرض حال یا ایرادات یا شکایات خود را کتباً بدفتر خانه عرایض مجلس عرضه بدارد اگر مطلب راجع بخود مجلس باشد جواب کافی باو خواهد داد و چنانکه مطلب راجع بیکی از وزارت خانها است بدان وزارتخانه خواهد فرستاد که رسیدگی نماید و جواب مکفی بدهند *

✵ اصل سی و سیم ✵

قوانین جدیده که محل حاجت باشد در وزارتخانه های مسئول انشاء و تنقیح یافته بتوسط وزراء مسئول یا از طرف صدر اعظم بمجلس شورای ملی اظهار خواهد شد و پس از تصویب مجلس بصحه همایونی موشح گشته بموقع اجراء گذاشته میشود *

✵ اصل سی و چهارم ✵

رئیس مجلس میتواند بر حسب لزوم شخصاً یا بخواهش ده نفر از اعضاء مجلس یا وزیر اجلاسی محرمانه بدون حضور روز نامه نویس و تماشاچی یا انجمن محرمانه مرکب از عدهٔ منتخبین از اعضاء مجلس تشکیل بدهد که سایر اعضاء مجلس حق حضور در آن نداشته باشند لکن نتیجه مذاکرات انجمن محرمانه وقتی مجری تواند شد که در مجلس

محرمانه با حضور سه ربع از منتخبین مطرح مذاکره شده با کثرت آراء قبول شود اگر مطلب در مذاکرات انجمن محرمانه قبول نشد در مجلس عنوان نخواهد شد و مسکوت عنه خواهد ماند *

اصل سی و پنجم

اگر مجلس محرمانه بتقاضای رئیس مجلس بوده است حق دارد هر مقدار از مذاکرات را که صلاح بداند باطلاع عموم برساند لکن اگر مجلس محرمانه بتقاضای وزیری بوده است افشای مذاکرات موقوف باجازه آن وزیر است *

اصل سی و ششم

هر یك از وزراء میتواند مطلبی را که بمجلس اظهار کرده در هر درجهٔ از مباحثه که باشد استرداد کند مگر اینکه اظهار ایشان بتقاضای مجلس بوده باشد در اینصورت استرداد مطلب موقوف بموافقت مجلس است *

اصل سی و هفتم

هرگاه لایحهٔ وزیری در مجلس موقع قبول نیافت منضم بملاحظات مجلس عودت داده میشود وزیر مسئول پس از ردّ یا قبول ایرادات مجلس میتواند لایحه مزبوره را در ثانی بمجلس اظهار بدارد *

اصل سی و هشتم

اعضای مجلس شورای ملی باید ردّ یا قبول مطلب را صریح و واضح اظهار بدارند و احدی حق ندارد ایشان را تحریص یا تهدیدی در دادن رأی خود نماید اظهار ردّ و قبول اعضای مجلس باید بقسمی باشد که روزنامه نویس و تماشاچی هم بتوانند ادراك کنند یعنی باید آن اظهار بعلامات ظاهری باشد از قبیل اوراق کبود وسفید وامثال آن *

عنوان مطالب از طرف مجلس

اصل سی و نهم

هر وقت مطلبی از طرف یکی از اعضای مجلس عنوان شود فقط وقتی مطرح مذاکره خواهد شد که اقلاً پانزده نفر از اعضای مجلس آن مذاکره مطلب را تصویب نمایند در این صورت آن عنوان کتباً برئیس مجلس تقدیم میشود رئیس مجلس حق دارد که ان لایحه را بدواً در انجمن تحقیق مطرح مداقه قرار بدهد *

اصل چهلم

در موقع مذاکره و مداقه لایحه مذکوره در اصل سی و نهم چه در مجلس و چه در انجمن تحقیق اگر لایحهٔ مزبوره راجع بیکی از وزراء مسئول باشد مجلس باید بوزیر مسئول اطلاع داده که اگر بشود شخصاً والا معاون او بمجلس حاضر شده مذاکرات در حضور وزیر یا معاون او بشود *

سواد لایحه و منضمات آن را باید قبل از وقت از ده روز الی یکماه باستثناء مطالب فوری از برای وزیر مسئول فرستاده باشند همچنان روز مذاکره باید قبل از وقت معلوم باشد پس از مداقه مطلب با حضور وزیر مسئول در صورت تصویب مجلس باکثریت اراء رسماً لایحه نگاشته بوزیر مسئول داده خواهد شد که اقدامات مقتضیه را معمول دارد *

اصل چهل و یکم

هرگاه وزیر مسئول در مطلب معنون از طرف مجلس بمصلحتی همراه نشد باید معاذیر خود را توجیه و مجلس را متقاعد کند *

اصل چهل و دوم

در هر امری که مجلس شورای ملی از وزیر مسئولی توضیح بخواهد ان وزیر ناگزیر از جواب است و این جواب نباید بدون عذر موجه بیرون از اندازهٔ اقتضاء بعهدهٔ تأخیر بیفتد مگر مطالب محرمانه که مستور بودن آن در مدّت معینی صلاح دولت و ملت باشد ولی بعد از انقضاء مدت معین وزیر مسئول مکلف است که همان مطلب را در مجلس ابراز نماید *

—« در شرایط تشکیل مجلس سنا »—

اصل چهل و سوم

مجلس دیگری بعنوان «سنا» مرکب از شصت نفر اعضاء تشکیل می یابد که اجلاسات آن بعد از تشکیل مقارن اجلاسات مجلس شورای ملی خواهد بود *

اصل چهل و چهارم

نظامنامهای مجلس سنا باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد *

اصل چهل و پنجم

اعضاء این مجلس از اشخاص خبیر و بصیر و متدین و محترم مملکت منتخب میشوند سی نفر از طرف قرین الشرف اعلیحضرت همایونی استقرار می یابند پانزده نفر از اهالی ولایات وسی نفر از طرف ملت پانزده نفر بانتخاب اهالی طهران و پانزده نفر بانتخاب اهالی ولایات *

اصل چهل و ششم

پس از انعقاد «سنا» امور باید بتصویب هر دو مجلس باشد اگر آن امور در سنا یا از طرف هیئت وزراء عنوان شده باشد باید اوّل در مجلس سنا تنقیح و تصحیح شده باکثریت آراء قبول و بعد بتصویب مجلس شورای ملی برسند ولی اموریکه در مجلس شورای ملی عنوان میشود برعکس از این مجلس بمجلس سنا خواهد رفت مگر امور مالیه که مخصوص بمجلس شورای ملی خواهد بود و قرارداد مجلس در امور مذکوره باطلاع مجلس سنا خواهد رسید که مجلس مزبوره ملاحظات را بمجلس ملی اظهار نماید و لیکن مجلس ملی مختار است که ملاحظات مجلس سنا را بعد از مداقهٔ لازمه قبول یا ردّ نماید *

اصل چهل و هفتم

ما دام که مجلس سنا منعقد نشده فقط امور بعد از تصویب مجلس شورای ملی بصحهٔ همایونی موشح و بموقع اجراء گذارده خواهد شد *

اصل چهل هشتم

هر گاه مطلبی که از طرف وزیری پس از تنقیح و تصحیح در مجلس «سنا» بمجلس شورای ملی رجوع میشود قبول نیافت در صورت اهمیت مجلس ثالثی مرکب از اعضای مجلس سنا و مجلس شورای ملی بحکم انتخاب اعضای دو مجلس بالسویّه تشکیل یافته درماده متنازع فیها رسیدگی میکنند رأی این مجلس را در شورای ملی قرائت میکنند اگر موافقت دست داد فبها والاشرح مطلبرا بعرض حضور ملوکانه میرسانند هر گاه رأی مجلس شورای ملی را تصدیق فرمودند مجری میشود و اگر تصدیق نفرمودند امر بتجدید مذاکره و مداقه خواهند فرمود و اگر باز اتفاق آراء حاصل نشد و مجلس سنا با اکثریت دو ثلث آراء انفصال مجلس شورای ملی را تصویب نمودند و هیئت وزراء هم جداگانه انفصال مجلس شورای ملی را تصویب نمودند فرمان همایونی بانفصال مجلس شورای ملی صادر میشود و اعلیحضرت همایونی در همان فرمان حکم بتجدید انتخاب میفرمایند و مردم حق خواهند داشت منتخبین سابق را مجدداً انتخاب کنند *

اصل چهل و نهم

منتخبین جدید طهران باید بفاصله یکماه و منتخبین ولایات بفاصله سه ماه حاضر شوند و چون منتخبین دارالخلافه حاضر شدند مجلس افتتاح و مشغول کار خواهند شد لیکن در مادهٔ متنازع فیها گفتگو نمیکنند تا منتخبین ولایات برسند هر گاه مجلس جدید پس

از حضور تمام اعضاء اکثریّت تام همان رأی سابق را امضا کرد ذات مقدّس همایونی آن رای مجلس شورای ملی را تصویب فرموده امر باجرا میفرمایند *

❊ اصل پنجاهم ❊

در هر دوره انتخابیه که عبارت از دوسال است یك نوبت بیشتر امر بتجدید منتخبین نخواهد شد *

❊ اصل پنجاه ویکم ❊

مقرر آنکه سلاطین اعقاب و اخلاف ما حفظ این حدود و اصول را که برای تشیید مبانی دولت و تاکید اساس سلطنت ونگهبانی دستگاه معدلت وآسایش ملت برقرار ومجری فرمودیم وظیفه سلطنت خود دانسته درعهده شناسند فی شهر ذی القعدة الحرام سنه ۱۳۲٤ *

این قوانین اساسی مجلس شورای ملی و مجلس سنا که حاوی پنجاه و یک اصل است صحیح است

فی چهاردهم شهر ذی قعده ۱۳۲۴

محل صحهٔ مبارکهٔ همایونی

روحنا فداه

در ظهر همین ورقه امضاء ولیعهد و امضاء مشیرالدوله

« ترجمه پروفیسر برون »

متمم قانون اساسی

—«﷼ مورخهٔ ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ ﷼»—

—«﷼ بسم الله الرحمن الرحیم ﷼»—

اصولیکه برای تکمیل قوانین اساسیه مشروطیت دولت علیه ایران بر قانون اساسی که در تاریخ چهار دهم شهر ذی القعدة الحرام ۱۳۲۴ بصحهٔ مرحوم مغفور شاهنشاه سعید مظفرالدین شاه قاجار نوّرالله مضجعه موشح شده اضافه میشود از قرار ذیل است *

—«﷼ کلیات ﷼»—

﷼ اصل اوّل ﷼

مذهب رسمی ایران اسلام و طریقهٔ حقهٔ جعفریهٔ اثنی عشریه است باید پادشاه ایران دارا و مروج این مذهب باشد *

﷼ اصل دوم ﷼

مجلس مقدس شورای ملی که به توجه و تایید حضرت امام عصر عجل الله فرجه و مرحمت اعلیحضرت شاهنشاه اسلام خلدالله سلطانه و مراقبت حجج اسلامیه کثرالله امثالهم و عامه ملت ایران تاسیس شده است باید در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مخالفت با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیرالانام صلی الله علیه و آله وسلم نداشته باشد ومعین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامیه بر عهده علمای اعلام ادام الله برکات وجودهم بوده و هست لهذا رسماً مقرر است در هرعصری ازاعصار هیئتی که کمتر از پنج نفر نباشند از مجتهدین و فقهای متدینین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند باینطریق که علمای اعلام و حجج اسلام مرجع تقلید شیعه اسامی بیست نفر از علماء که دارای صفات مذکوره باشند معرفی بمجلس شورای ملی بنمایند پنج نفر از آنها را یا بیشتر بمقتضای عصر اعضای مجلس شورای ملی بالاتفاق یا بحکم قرعه تعیین نموده بسمت عضویت بشناسند تا موادیکه در مجلس عنوان میشود بدقت مذاکره و غور رسی نموده هریك از آن مواد معنونه که مخالفت با قواعد مقدسه اسلام داشته باشد طرح و رد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رای این هیئت علماء در این باب مطاع و متبع خواهد بود و

این ماده تا زمان ظهور حضرت حجة عصر عجل الله فرجه تغییر پذیر نخواهد بود *

اصل سیم

حدود مملکت ایران وایالات وولایات و بلوکات آن تغییر پذیر نیست مگر بموجب قانون *

اصل چهارم

پای تخت ایران طهران است *

اصل پنجم

الوان رسمی بیرق ایران سبز و سفید و سرخ و علامت شیر و خورشید است *

اصل ششم

جان و مال اتباع خارجه مقیمین خاك ایران مأمون و محفوظ است مگر در مواديكه قوانين مملكتي استثنا میکند *

اصل هفتم

اساس مشروطیت جزء وکلاء تعطیل بر دار نیست *

حقوق ملت ایران

اصل هشتم

اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوي الحقوق خواهند بود *

اصل نهم

افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرّض هستند و متعرّض احدي نميتوان شد مگر بحكم و ترتیبیکه قوانین مملکت معین می نماید *

اصل دهم

غیر از مواقع ارتکاب جنحه و جنایات وتقصیرات عمده هیچکس را نمیتوان فوراً دستگیر نمود مگر بحکم کتبی رئیس محکمه عدلیه بر طبق قانون ودر آنصورت نیز باید گناه مقصر فوراً یا منتهی در ظرف بیست وچهار ساعت باو اعلام و اشعار شود *

اصل یازدهم

هیچکس را نمیتوان از محکمه که باید در بارهٔ او حکم کند منصرف کرده مجبوراً بمحکمهٔ دیگر رجوع دهند *

اصل دوازدهم

حکم و اجرای هیچ مجازاتی نمیشود مگر بموجب قانون *

✼ اصل سیزدهم ✼

منزل و خانه هر کس در حفظ و امان است در هیچ سکنی قهرًا نمیتوان داخل شد مگر بحکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده *

✼ اصل چهاردهم ✼

هیچیك از ایرانیان را نمیتوان نفی بلد یا منع از اقامت در محلی یا مجبور با قامت محل معین نمود مگر در مواردیکه قانون تصریح میکند *

✼ اصل پانزدهم ✼

هیچ ملکی را از تصرّف صاحب ملك نمیتوان بیرون کرد مگر با مجوّزهٔ شرعی و آن نیز پس از تعیین و تأدیه قیمت عادله است *

✼ اصل شانزدهم ✼

ضبط املاك و اموال مردم بعنوان مجازات و سیاست ممنوع است مگر بحکم قانون *

✼ اصل هفدهم ✼

سلب تسلط مالکین و متصرّفین از املاك و اموال متصرفه ایشان بهر عنوان که باشد ممنوع است مگر بحکم قانون *

✼ اصل هیجدهم ✼

تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع آزاد است مگر آنکه شرعًا ممنوع باشد *

✼ اصل نوزدهم ✼

تأسیس مدارس بمخارج دولتی و ملتی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید در تحت ریاست عالیه و مراقبت وزارت علوم و معارف باشد *

✼ اصل بیستم ✼

عامهٔ مطبوعات غیر از کتب ضلال مواد مضرّه بدین مبین آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است ولی هر گاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده بشود نشر دهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات میشود اگر نویسنده معروف ومقیم ایران باشد ناشر و طابع و موزع از تعرّض مصون هستند *

✼ اصل بیست ویکم ✼

انجمنها و اجتماعاتیکه مولد فتنه دینی و دنیوی و مخل بنظم نباشند در تمام مملکت آزاد

است ولی مجتمعین با خود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در آنخصوص مقرر میکند باید متابعت نمایند اجتماعات در شوارع و میدانهای عمومی هم باید تابع قوانین نظمیه باشد *

اصل بیست و دوم

مراسلات پستی کلیه محفوظ و از ضبط و کشف مصون است مگر در مواردیکه قانون استثنا میکند *

اصل بیست و سیم

افشاء یا توقیف مخابرات تلگرافی بدون اجازه صاحب تلگراف ممنوع است مگر در مواردیکه قانون معین میکند *

اصل بیست و چهارم

اتباع خارجه میتوانند قبول تبعیت ایران را بنمایند قبول و بقای آنها بر تبعیت و خلع آنها از تبعیت بموجب قانون جداگانه است *

اصل بیست و پنجم

تعرض بمأمورین دیوانی در تقصیرات راجعهٔ بمشاغل آنها محتاج بتحصیل اجازه نیست مگر درحق وزراء که رعایت قوانین مخصوصه در این باب باید بشود *

قوای مملکت

اصل بیست و ششم

قوای مملکت ناشی از ملت است طریقه استعمال ان قواء را قانون اساسی معین می نماید *

اصل بیست و هفتم

قوای مملکت بسه شعبه تجزیه میشود *

اوّل — قوهٔ مقننه که مخصوص است بوضع و تهذیب قوانین و این قوه ناشی میشود از اعلیحضرت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و مجلس سنا وهریك از این سه منشاء حق انشاء قانون را دارد ولی استقرار آن موقوف است بعدم مخالفت با موازین شرعیه و تصویب مجلسین و توشیح بصحه همایونی لیکن وضع و تصویب قوانین راجعه بدخل و خرج مملکت از مختصات مجلس شورای ملی است شرح و تفسیر قوانین از وظایف مختصه مجلس شورای ملی است *

دویم — قوهٔ قضائیه و حکمیه که عبارات است از تمیز حقوق و این قوه مخصوص است

بمحاکم شرعیه در شرعیات و بمحاکم عدلیه در عرفیات *

سیم — قوهٔ اجرائیه که مخصوص پادشاه است یعنی قوانین و احکام بتوسط وزراء و مامورین دولت بنام نامی اعلیحضرت همایونی اجراء میشود بترتیبی که قانون معین می کند*

اصل بیست و هشتم

قوای ثلثه مزبوره همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهد بود *

اصل بیست و نهم

منافع مخصوصهٔ هر ایالت و ولایت و بلوك بتصویب انجمنهای ایالتی و ولایتی بموجب قوانین مخصوصه آن مرتب و تصویه میشود *

—« حقوق اعضای مجلس »—

اصل سی ام

وکلای مجلس شورای ملی و مجلس سنا از طرف تمام ملت وکالت دارند نه فقط از طرف طبقات مردم یا ایالات و ولایات و بلوکاتیکه آنها را انتخاب نموده اند *

اصل سی و یکم

یکنفر نمیتواند در زمان واحد عضویت هر دو مجلس را دارا باشد *

اصل سی ودویم

چنانچه یکي از وکلاء در ادارات دولتي موظفاً مستخدم بشود از عضویت مجلس منفصل میشود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف باستعفای از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهد بود *

اصل سی و سیم

هر یك از مجلسین حق تحقیق و تفحص در هر امری از امور مملکتی دارند *

اصل سی وچهارم

مذاکرات مجلس سنا در مدت انفصال مجلس شورای ملي بی نتیجه است *

—« حقوق سلطنت ایران »—

اصل سی و پنجم

سلطنت ودیعهٔ هست که (بموهبت الهی) از طرف ملت بشخص پادشاه مفوض شده*

اصل سی وششم

سلطنت مشروطه ایران در شخص اعلیحضرت شاهنشاهی السلطان محمد علی شاه قاجار

ادام الله سلطنته و اعقاب ایشان نسلاً بعد نسل بر قرار خواهد بود *

اصل سی و هفتم

ولایت عهد در صورت تعدد اولاد به پسر اکبر پادشاه که مادرش ایرانی الاصل و شاهزاده باشد میرسد و در صورتیکه برای پادشاه اولاد ذکور نباشد اکبر خاندان سلطنت با رعایت الاقرب فالاقرب برتبه ولایت عهد نائل میشود و هر گاه در صورت مفروضه فوق اولاد ذکوری برای پادشاه بوجود آید حقاً ولایت عهد باو خواهد رسید *

اصل سی و هشتم

در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی میتواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شود که سن او بهیجده سال بالغ باشد چنانچه باین سن نرسیده باشد با تصویب هیئت مجتمعه مجلس شورای ملی و مجلس سنا نایب السلطنه برای او انتخاب خواهد شد تا هیجده سالگی را بالغ شود *

اصل سی و نهم

هیچ پادشاهی برتخت سلطنت نمی تواند جلوس کند مگر اینکه قبل از تاجگذاری در مجلس شورای ملی حاضر شود با حضور اعضاء مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هیئت وزراء بقرار ذیل قسم یاد نماید *

من خداوند قادر متعال را گواه گرفته بکلام الله مجید و به انچه نزد خدا محترم است قسم یاد میکنم که تمام همّ خود را مصروف حفظ به استقلال ایران نموده حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارم قانون اساسی مشروطیت ایرانرا نگهبان و بر طبق آن و قوانین مقرره سلطنت نمایم و در ترویج مذهب جعفری اثنی عشری سعی و کوشش نمایم و در تمام اعمال و افعال خداوند عز شانه را حاضر و ناظر دانسته منظوری جز سعادت و عظمت دولت و ملت ایران نداشته باشم و از خداوند مستعان در خدمت بترقی ایران توفیق میطلبم و از ارواح طیبهٔ اولیای اسلام استمداد میکنم *

اصل چهلم

همین طور شخصی که بنیابت سلطنت منتخب میشود نمی تواند متصدی این امر شود مگر اینکه قسم مزبور فوق را یاد نموده باشد *

اصل چهل و یکم

در موقع رحلت پادشاه مجلس شورای ملی و مجلس سنا لزوماً منعقد خواهد شد و

انعقاد مجلسین زیاده از ده روز بعد از فوت پادشاه نباید بتعویق بیفتد *

✻ اصل چهل و دوم ✻

هرگاه دورهٔ وکالت وکلای هر دو یا یکی از مجلسین در زمان حیات پادشاه منقضی شده باشد و وکلای جدید در موقع رحلت پادشاه هنوز معین نشده باشند وکلای سابق حاضر و مجلسین منعقد می شود *

✻ اصل چهل و سیم ✻

شخص پادشاه نمیتواند بدون تصویب و رضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا متصدی امور مملکت دیگر شود *

✻ اصل چهل و چهارم ✻

شخص پادشاه از مسئولیت مبری است وزراء دولت در هر گونه امور مسئول مجلس هستند *

✻ اصل چهل و پنجم ✻

کلیهٔ قوانین و دستخطهای پادشاه در امور مملکتی وقتی اجراء میشود که بامضای وزیر مسئول رسیده باشد و مسئول صحت مدلول آن فرمان دستخط همان وزیر است *

✻ اصل چهل و ششم ✻

عزل و نصب وزراء بموجب فرمان همایون پادشاه است *

✻ اصل چهل و هفتم ✻

اعطای درجات نظامی و نشان امتیازات افتخاری با مراعات قانون مخلص شخص پادشاه است *

✻ اصل چهل و هشتم ✻

انتخاب مأمورین رئیسه دوائر دولتی از داخله و خارجه با تصویب وزیر مسئول از حقوق پادشاه است مگر در مواقعیکه قانون استثنا نموده باشد ولی تعیین سایر مأمورین راجع بپادشاه نیست مگر در مواردیکه قانون تصریح میکند *

✻ اصل چهل و نهم ✻

صدور فرامین و احکام برای اجرای قوانین از حقوق پادشاه است بدون اینکه هرگز اجرای آن قوانین را تعویق یا توقیف نماید *

✻ اصل پنجاهم ✻

فرمانفرمائی کل قشون بری و بحری با شخص پادشاه است *

اصل پنجاه و یکم

اعلان جنگ و عقد صلح با پادشاه است *

اصل پنجاه و دوم

عهد نامه هائیکه مطابق با اصل ۲٤ قانون اساسی مورخهٔ چهاردهم ذی القعده ۱۳۲٤ استتار آنها لازم باشد بعد از رفع محظور همینکه منافع و امنیت مملکتی اقتضا نمود با توضیحات لازمه باید از طرف پادشاه بمجلس شورای ملی و سنا اظهار شود *

اصل پنجاه و سیم

فصول مخفیهٔ هیچ عهد نامهٔ مبطل فصول آشکار آن عهد نامه نخواهد بود *

اصل پنجاه و چهارم

پادشاه میتواند مجلس شورای ملی و مجلس سنا را بطور فوق العاده امر بانعقاد فرمایند *

اصل پنجاه و پنجم

ضرب سکه با موافقت قانون بنام پادشاه است *

اصل پنجاه و ششم

مخارج و مصارف دستگاه سلطنتی باید قانوناً معین باشد *

اصل پنجاه و هفتم

اختیارات و اقتدارات سلطنتی فقط همان است که در قوانین مشروطیت حاضره تصریح شده *

راجع بوزراء

اصل پنجاه و هشتم

هیچکس نمیتواند بمقام وزارت برسد مگر آنکه مسلمان و ایرانی الاصل و تبعهٔ ایران باشد *

اصل پنجاه و نهم

شاهزادگان طبقهٔ اولی یعنی پسر و برادر و عموی پادشاه عصر نمیتوانند بوزارت منتخب شوند *

اصل شصتم

وزراء مسئول مجلسین هستند و در هر موردیکه از طرف یکی از مجلسین احضار شوند باید حاضر گردند و نسبت باموریکه محول به آنها است حدود مسئولیت خودرا منظور دارند

﴿ اصل شصت ویکم ﴾

وزراء علاوه بر اینکه بتنهائی مسئول مشاغل مختصه‌ٔ وزارت خود هستند بهیئت اتفاق نیز در کلیات امور درمقابل مجلسین مسئول و ضامن اعمال یکدیگرند *

﴿ اصل شصت و دویم ﴾

عدّهٔ وزراء را برحسب اقتضاء قانون معین خواهد کرد *

﴿ اصل شصت وسیم ﴾

لقب وزارت افتخاری بکلی موقوف است *

﴿ اصل شصت و چهارم ﴾

وزراء نمیتوانند احکام شفاهی یا کتبی پادشاه را مستمسک قرار داده سلب مسئولیت از خود شان بنمایند *

﴿ اصل شصت و پنجم ﴾

مجلس شورای ملی یا سنا می توانند وزراء را درتحت مؤاخذه و محاکمه در آورند *

﴿ اصل شصت وششم ﴾

مسئولیت وزراء وسیاستی را که راجع به آنها میشود قانون معین خواهد نمود *

﴿ اصل شصت وهفتم ﴾

در صورتیکه مجلس شورای ملی یا مجلس سنا با کثریت تامه عدم رضایت خود را از هیئت وزراء یا وزیری اظهار نمایند آن هیئت یا آن وزیر از مقام وزارت منعزل میشود *

﴿ اصل شصت وهشتم ﴾

وزراء موظفاً نمیتوانند خدمت دیگر غیر از شغل خود شان درعهده گیرند *

﴿ اصل شصت ونهم ﴾

مجلس شورای ملی یا مجلس سنا تقصیر وزراء را در محضر دیوانخانهٔ تمیز عنوان خواهند نمود و دیوانخانهٔ مزبوره با حضور تمام اعضاء مجلس محاکمات دائرهٔ خود محاکمه خواهد کرد مگر وقتیکه بموجب قانون اتهام و اقامهٔ دعوی از دائره ادارات دولتی مرجوعه بشخص وزیر خارج و راجع بخود وزیر باشد *

﴿ تنبیه ﴾

مادامیکه محکمهٔ تمیز تشکیل نیافته است هیئتی منتخب از اعضاء مجلسین بعدّه متساوی نائب مناب محکمهٔ تمیز خواهند شد *

اصل هفتادم

تعیین تقصیر و مجازات وارده بوزراء در موقعیکه مورد اتهام مجلس شورای ملی یا مجلس سنا شوند و یا در امور اداره خود دوچار اتهامات شخصی مدعیان کردند منوط بقانون مخصوص خواهد بود *

اقتدارات محاکمات

اصل هفتاد و یکم

دیوان عدالت عظمی و محاکم عدلیه مرجع رسمی تظلمات عمومی هستند و قضاوت در امور شرعیه با عدول مجتهدین جامع الشرایط است *

اصل هفتاد و دویم

منازعات راجعه بحقوق سیاسیه مربوط بمحاکم عدلیه است مگر در مواقعیکه قانون استثنا نماید *

اصل هفتاد و سیم

تعیین محاکم عرفیه منوط بحکم قانون است وکسی نمیتواند بهیچ اسم و رسم محکمه بر خلاف مقررات قانون تشکیل نماید *

اصل هفتاد و چهارم

هیچ محکمه ممکن نیست منعقد کردد مگر بحکم قانون *

اصل هفتاد و پنجم

در تمام مملکت فقط یك دیوانخانه تمیز برای امور عرفیه دایر خواهد بود و آن هم در شهر پایتخت و این دیوانخانه تمیز در هیچ محاکمه ابتداء رسیدکي نمیکند مگر در محاکماتیکه راجع بوزراء باشد *

اصل هفتاد و ششم

انعقاد کلیه محاکمات علنی است مگر آنکه علني بودن آن مخل نظم یا منافی عصمت باشد در اینصورت لزوم اخفا را محکمه اعلام می نماید *

اصل هفتاد و هفتم

در مادهٔ تقصیرات سیاسیه و مطبوعات چنانچه محرمانه بودن محاکمه صلاح باشد باید باتفاق جمیع اعضاء محکمه بشود *

اصل هفتاد و هشتم

احکام صادره از محاکم باید مدلل و موجه و محتوی فصول قانونیه که بر طبق آنها حکم صادر شده است بوده و علناً قرائت شود *

اصل هفتاد و نهم

در مواد تقصیرات سیاسیه و مطبوعات هیئت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود *

اصل هشتادم

رؤساء و اعضای محاکم عدلیه بترتیبی که قانون عدلیه معین میکند منتخب و بموجب فرمان همایونی منصوب میشوند *

اصل هشتاد و یکم

هیچ حاکم محکمهٔ عدلیه را نمی توان از شغل خود موقتاً یا دائماً بدون محاکمه و ثبوت تقصیر تغییر داد مگر اینکه خودش استعفا نماید *

اصل هشتاد و دویم

تبدیل ماموریت حاکم محکمه عدلیه نمیشود مگر برضای خود او *

اصل هشتاد و سیم

تعیین شخص مدعی العموم با تصویب حاکم شرع در عهدهٔ پادشاه است *

اصل هشتاد و چهارم

مقرری اعضای محاکم عدلیه بموجب قانون معین خواهد شد *

اصل هشتاد و پنجم

رؤسای محاکم عدلیه نمیتوانند قبول خدمات موظفهٔ دولتیرا نمایند مگر اینکه آن خدمت را مجاناً بر عهده گیرند و مخالف قانون هم نباشد *

اصل هشتاد و ششم

در هر کرسی ایالتی یك محکمه استیناف برای امور عدلیه مقرر خواهد شد بترتیبی که در قوانین عدلیه مصرح است *

اصل هشتاد و هفتم

محاکم نظامی موافق قوانین مخصوصه در تمام مملکت تاسیس خواهد شد *

اصل هشتاد و هشتم

حکمیت منازعه در حدود ادارات و مشاغل دولتی بموجب مقررات قانون بمحکمه تمیز راجع است *

✻ اصل هشتاد و نهم ✻

دیوان خانه عدلیه و محکمه ها وقتی احکام و نظامنامه های عمومی و ایالتی و ولایتی و بلدیرا مجری خواهند داشت که آنها مطابق با قانون باشند *

—«✻ در خصوص انجمنهای ایالتی و ولایتی ✻»—

✻ اصل نودم ✻

در تمام ممالك محروسه انجمنهای ایالتی و ولایتی بموجب نظامنامه مخصوص مرتب میشود و قوانین اساسیه آن انجمنها از این قرار است *

✻ اصل نود و یکم ✻

اعضاء انجمنهای ایالتی و ولایتی بلا واسطه از طرف اهالی انتخاب میشوند مطابق نظامنامه انجمنهای ایالتی و ولایتی *

✻ اصل نود و دوم ✻

انجمنهاي ایالتی و ولایتی اختیار نظارت تامه در اصلاحات راجعه بمنافع عامه دارند با رعایت حدود قوانین مقرره *

✻ اصل نود و سیم ✻

صورت خرج و دخل ایالات و ولایات از هر قبیل بتوسط انجمنهای ایالتی و ولایتی طبع و نشر میشود *

—«✻ در خصوص مالیه ✻»—

✻ اصل نود و چهارم ✻

هیچ قسم مالیات برقرار نمیشود مگر بحکم قانون *

✻ اصل نود و پنجم ✻

مواردیرا که از دادن مالیات معاف توانند شد قانون مشخص خواهد نمود *

✻ اصل نود و ششم ✻

میزان مالیات را همه ساله مجلس شورای ملی باکثریت تصویب و معین خواهد نمود *

✻ اصل نود و هفتم ✻

در مواد مالیاتی هیچ تفاوت و امتیازی فیما بین افراد ملت گذارده نخواهد شد *

✻ اصل نود و هشتم ✻

تخفیف و معافیت از مالیات منوط بقانون مخصوص است *

❋ اصل نود و نهم ❋

غیر از مواقعیکه قانون صراحتاً مستثنی میدارد بهیچ عنوان از اهالی چیزی مطالبه نمیشود مگر باسم مالیات مملکتی و ایالتی و ولایتی و بلدی *

❋ اصل صدم ❋

هیچ مرسوم و انعامی بخزینهٔ دولت حواله نمیشود مگر بموجب قانون *

❋ اصل صد و یکم ❋

اعضای دیوان محاسبات را مجلس شورای ملی برای مدّتیکه بموجب قانون مقرر میشود تعیین خواهد نمود *

❋ اصل صد و دویم ❋

دیوان محاسبات مأمور به معاینه و تفکیک محاسبات ادارهٔ مالیه وتفریغ حساب کلیه محاسبین خزانه است و مخصوصاً مواظب است که هیچ یك از فقرات مخارج معینه در بودجه از میزان مقرر تجاوز ننموده تغییر و تبدیل نپذیرد و هر وجهی در محل خود بصرف برسد و همچنین معاینه و تفکیك محاسبهٔ مختلفه کلیهٔ ادارات دولتی را نموده اوراق سند خرج محاسبات را جمع آوری خواهد کرد و صورت کلیه محاسبات مملکتی را باید بانضمام ملاحظات خود تسلیم مجلس شورای ملی نماید *

❋ اصل صد و سیم ❋

ترتیب و تنظیم ادارهٔ این دیوان بموجب قانون است *

—«❋ قشون ❋»—

❋ اصل صد و چهارم ❋

ترتیب گرفتن قشون را قانون معین مینماید تکالیف وحقوق اهل نظام و ترقی در مناصب بموجب قانون است *

❋ اصل صد و پنجم ❋

مخارج نظامی هر ساله از طرف مجلس شورای ملی تصویب میشود *

❋ اصل صد وششم ❋

هیچ قشون نظامی خارجه بخدمت دولت قبول نمیشود و در نقطه از نقاط مملکت نمیتواند اقامت و یا عبور کند مگر بموجب قانون *

❋ اصل صد و هفتم ❋

حقوق و مناصب وشئونات اهل نظام سلب نمیشود مگر بموجب قانون *

—«※ سواد دستخط مبارك همایون ※»—

(بسمه تبارك وتعالی)

متمم نظامنامه اساسی ملاحظه شد تماماً صحیح است وشخص همایون ما انشاءالله حافظ و ناظر کلیه آن خواهیم بود اعقاب و اولاد ما هم انشاءالله مقوی این اصول و اساس مقدس خواهند بود ۲۹ شعبان قوی ئیل ۱۳۲۵

(در قصر سلطنتی طهران)

(با)

—:o:—

(۱) قانون مصوبه سیم مه ۱۹۱۱

مطابق چهار شنبه غره جمادی الثانیه ۱۳۲۹

مجلس راجع به تفتیش قرضهٔ که از بانك

(شاهنشاهی شده بود)

(مادهٔ اول) تفتیش عالی و واقعی یك ملیون و دویست و پنجاه هزار لیرهٔ استقراضی که از بانك شاهنشاهی موافق قانون پنجم ربیع الثانی ۱۳۲۹ شده و تفتیش مخارجیکه برای این کار مطابق مواد اول و دوم و سوم و پنجم قانون نوزدهم جمادی الاولی ۱۳۲۹ تخصیص شده در تحت نظارت خزانه دار کل بوزارت مالیه سپرده میشود *

(مادهٔ دوم) تا موقعیکه تشکیلات جدیدهٔ وزارت مالیه ایجاد نشود تفتیش اعمال و مخارج فوق الذکر موقتاً به یك شعبه که مخصوصاً تشکیل میشود سپرده خواهد شد شعبه مذکوره در تحت نظارت خزانه دار کل خواهد بود *

(مادهٔ سوم) در آخر هر ماه وزارت مالیه صورت اوضاع مالیاتی راجعه به استقراض را در ضمن راپورت تقدیم دولت مینماید *

(مادهٔ چهارم) شعبه که در ماده دوم این قانون ذکر شده قایم مقام کمیسیونی خواهد بود که در قانون جمادی الاولی ۱۳۲۹ مندرج است *

(۲) قانون سیزدهم ژون ۱۹۱۱

پانزدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۹

روز شنبه دهم و یك شنبه یازدهم با حضور وزیر مالیه و وزیر عدلیه و معاون وزیر مالیه و دوشنبه دوازدهم با حضور معاون وزیر مالیه و مستر شوستر خزانه دار کل راپورتیکه کمیسیون قوانین راجع بنظم و ترتیب امور مالیه پیشنهاد نموده بود مورد بحث و مطابق دوازده ماده ذیل ترمیم و جرح و تعدیل و بمجلس شورای ملی پیشنهاد گردید*

(مادهٔ اول) خزانه دار کل ممالك محروسه ایران مأمور نظارت مستقیم و واقعی

تمام معاملات مالیاتی و پولی دولت ایران است و این معاملات شامل اخذ تمام عایدات از هر قبیل و تفتیش محاسبات و مخارج دولتی میباشد *

(مادهٔ دوم) خزانه دار کل (هر قدر که زودتر ممکن باشد) تشکیلات ذیل را در وزارت مالیه بر قرار خواهد نمود *

(۱) دفتر عالی برای دریافت و وصول مالیات و عوارض و عایدات دولتی از هر قبیل اعم از مالیاتها و عوارض موجوده یا مالیاتهائیکه من بعد بر قرار خواهد شد *

(۲) دفتر عالی تفتیش و نظارت محاسبات کلیه عایدات و مخارج مصوّبه و نگاهداری دفاتر راجعه به آنها *

(۳) دفتر عالی معاملات نقدی که معاملات دولتی با بانك و اعمال راجعه بضرب سکه و صرافی و استقراض و مرابحه و استهلاك و استحاله و امتیازات و قرار داد های مالیاتی و قرار نامه ها و اختیاراتیکه عایدات برای دولت حاصل مینماید و تعهدات پولیکه برای دولت متضمن باشد راجع به آن اداره خواهد بود *

(مادهٔ سوم) خزانه دار در هر یکی از دفاتر سه گانه مذکوره در ماده دوم دوایر و شعبی را که برای جریان امور آنها لازم بداند دایر خواهد نمود *

(مادهٔ چهارم) بعد از دایر نمودن تشکیلات مرکزی بمجرّد اینکه وضع مملکت اجازه بدهد خزانه دار کل تشکیلاتی را که برای اداره کردن مالیات در هر یکی از ولایات لازم بداند بر قرار خواهد نمود *

(ماده پنجم) خزانه دار کل مامور نگاهداری محاسبات خزانه مملکت است و هیچ یك از مخارج دولتی بدون امضا یا حواله اعتباری پرداخته نخواهد شد *

(ماده ششم) خزانه دار کل نظام نامه هیئتی را که برای اجرای اصلاحات مالیاتی مواد مذکوره در مواد فوق لازم است تدارك نموده پس از آنکه بامضای وزیر مالیه رسیده (و حیثیت قانونی پیدا کرد) لازم الاجراء خواهد بود *

(مادهٔ هفتم) برای تشکیل هیئت تفتیشیه و نظارت مخصوص اعم از مستخدمین جدید در صورتیکه مستخدمین جدیدی لازم و قرار داد ایشان بر حسب معمول به تصویب مجلس شوری برسد و یا مستخدمینیکه فعلاً در خدمت دولت ایران میباشند (ایرانی باشند یا خارجه) مبلغ شصت هزار تومان بخزانه دار کل اعتبار داده میشود *

(ماده هشتم) خزانه دار کل (به فوریت ممکنه بودجه دولت علیه را برای پیشنهاد

مجلس شورای ملی باید تهیه نماید و تمام وزارتخانه‌ها و مستخدمین دولتی مکلفند که بدون تاخیر با مشار الیه مساعدت نمایند *

(مادهٔ نهم) خزانه دار کل مکلف است هر نوع صرفه جوئی که مقتضی باشد در (مصارف دولتی) و ادارات رسمی بعمل آورد و این یکی از تکالیف حتمیه مشارالیه است

(مادهٔ دهم) خزانه دار کل مکلف استکه هر سه ماه یکمرتبه راپورت مفصلی در خصوص وضع مالیاتی مملکت تهیه و بدولت پیشنهاد نماید *

(مادهٔ یازدهم) خزانه دار کل تفتیش و تحقیقات لازمه در اصلاح قوانین موجوده مالیه و ایجاد منابع جدیدهٔ عایدات که مقتضی و صلاح و مناسب دولت باشد خواهد نمود که بتوسط هیئت دولت بمجلس شورای ملی پیشنهاد شود *

(مادهٔ دوازدهم) اختیار اجزای اداراتی که بموجب مواد فوق در تحت ریاست خزانه دار کل دایر میشود با خود مشار الیه است *

معزز الملك رئیس افتخاری کمیسیون

لایحه قانونی فوق (در جلسهٔ ۲۴۷ مجلس شورا یکشنبه ۱۵ جمادی الثانیه ۱۳۲۹) سیزدهم ژون ۱۹۱۱ به اکثریت ٦١ رأی تصویب شد *

(جیم)

مکتوب مستر شوستر

—«﷽ خزانه دار کل ایران ﷽»—

✻ بعنوان روز نامه « تمس » راجع بمناسبات دولت ایران ✻

(با دولتین روس و انگلیس)

(طهران)

✻ ۲۱ اکتوبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۷ شوال ۱۳۲۹ ✻

———:o:———

✻ آقای مدیر روز نامه تمس ✻

بموجب تلگراف روتر لندن مورخه ۱۷ اکتوبر (۲٤ شوال ۱۳۲۹) ✻

روز نامهٔ تمس در یك مقاله اساسی اظهار میدارد که اظهارات اخیره این جانب راجع بضدیت دولت روس در موضوع اصلاحات مالیه ایران و موافقت دولت انگلیس با روس در این مسلك خارج از انصاف و عاری از صحت است ✻

اگرچه مایل نیستم در این منازعات داخل شوم ولی اهمیت موضوع و اعتقادیکه بانصاف ملت انگلیس و تمایلات حق خواهانه روز نامه «تمس» و مختصر نظریکه بهنیکنامی خود دارم مرا تشویق بنگارش این مکتوب داشته تقاضا مینمایم در ستونهای روز نامه خود درج نمایند در واقع این مکتوب حکایتی است از شمهٔ از وقایع وحقایق که در این پنجماهه اقامت من در طهران چه مستقیماً در تحت نظر خودم آمده وچه در سائر دوائر دولتی بوقوع پیوسته است ✻

پس از مدافه بیطرفانه در این حقایق و گذشته از اثراتیکه در بسیاری از معاملات که شخصاً طرف بوده درخاطر من نقش بسته ولی در محکمه ثبوت پذیر نیست درعقیده مذکورهٔ فوق راسخ اگر دیده ام و بدیهی است حقیقت امر را به تشخیص مردمان با فکر حواله کرده مطیع فتوای آنان خواهم بود ✻

در دوازدهم ماه مه (۱۳ جمادی الاولی) بمصاحبت سه نفر معاون امریکائی به یك

منظور واحد که ایجاد اساس متینی جهة مالیه ایران باشد وارد طهران شدم در سیزدهم ژون (۱۵ جمادی الاخری) مجلس لایحهٔ قانونی را که خودم مسوده کرده بودم از آراء گذرانیده بموجب آن اختیارات تامه در امور مالیه بخزانه دار کل داده شد مقصود از این قانون مملکتی که پس از مذاکرات جامعه از آراء نمایندگان مات گذشت در واقع این بود که حالت اسفناك مغشوش مالیه ایران را در تحت نظم و ترتیب درآورد هیئت وزراء و مجلس شورای ملی تقریباً باتفاق آراء آنرا تصویب نمودند جای این بود دولی که دارای مصالح در ایران هستند با میل به آنها یأسی نمایند متأسفانه قضیه برعکس شد اگرچه بدیهی است دلایل محکمه پذیری در دست نیست معهذا جداً اظهار میدارم که براهین کتبی کافی موجود که روی همرفته مینمایاند که مابین عده از سفارتخانهای خارجه در اینجا بریاست سفارت روس بند و بستی مخصوص بوده که مرا از اجراء قانون مزبور باز داشته و نگذارند ترتیبات عمومی جمع وخرج و محاسبات مندرجه درقانون مزبور مرکزیت حاصل نماید بهانه های مضرهٔ آنان بر عایه این ترتیبات بسیار سست و بی اساس بوده صریحاً مقصود آنها این بود که جلوگیری از هرگونه تغییر عمده در اوضاع قدیم مالیه ایران بنمایند این تهاجم تهدیدات و مزاحمات و کلیه مخالفتهای آنان که حتی بمقام رزالت و حملات شخصی نسبت بمن و کوششهای خام در تخویف دولت ایران تنزل نمود اگرچه اسباب تأخیر کار و اغتشاش بعضی اصلاحات مقدماتی مالیه گردید ولی بکلی بی اثر ماند از جمله تهدیدات آنها یکی این بود که سفارتخانه مخصوص گمرکات شمالی را ضبط و برای وصول عایدات گمرکی مأمورین از جانب خود بگمارند *

درماه ژویه گذشته درنقض مادهٔ ۱۱ مقاوله نامه « پروتکال » ۷ سپتمبر ۱۹۰۷ روس و انگلیس و خصوصاً روس محمد علی پادشاه مخلوع را مجاز داشت که از خاك روس فرار نماید بدین معنی که روس از (تهیه ترتیبات وافیه) برای منع محمد علی از تحریکات سیاسی بر ضدّ ایران کاملاً مضایقه نمود بدرجه که بموجب اظهارات ارشد الدوله که قبل از قتل داشته است محمد علی با همراهان خود با ریش مصنوعی و صندوقهای تفنك و توپ باسم بار آب معدن از خاك روسیه عبور نمود از یکی از بنادر روسیه در یکی از جهازات روسی موسوم به « کریستفو رس » با همراهان حرکت نموده و تقریباً مقارن ۱۸ ژویه (۲۱ رجب) بحالت یك تاراجکر مکمل مسلحی (در گمش تپه) خاك ایران ورود نمود گوئیم که این فرار از روسیه حادثه غیر مترقبه بود و مأمورین تذکره روس در مدت

مأموریت خود یکبار بحالت غفلت بوده اند باید دید که روس واقعاً از این حادثه متأسف گردید یا خیر ؟ برخلاف آن همه در اینجا میدانند که نمایندگان رسمی روس در ایران خبر ورود او را بخاک ایران با یک مسرت علنی تلقی نمودند در ضمن این مکتوب مدلل خواهم داشت که نمایندگان مزبور حتی درطی مراسلات رسمی خود بمأمورین ایران این مسرّت را مستور نداشتند *

در تاریخ ۲۳ ژوییه (۲٦ رجب) دولت ایران مراسلهٔ مشعر باعلان قانون نظامی بعموم سفارتخانها ارسال داشت اغلبی از سفارتخانها بترتیب معمول جواب نوشته وفقط خاطر اولیاء دولت را ببعضی از مواد عهد نامه ترکمانچای جلب نمودند ولی سفارت روس از همان اوّل یک مسلک دیگر مخاصمت آمیزرا ابراز و در ضمن بعضی ایرادات دعوی نمود که دولت‌روس حق دارد درهر وقت که بخواهد بعضی (از رعایای غیر قانونی خود را در حوادثی که فعلاً درشرف وقوع است شرکت نمایند) مستقیماً دستگیر نماید و در مراسله مزبوره معلوم بود چه اشخاصی را در نظر دارند مقصود اصلی دعوی مزبور در این موقع این بود که دست آویزی بسفارت روس وقونسلهایشان در تمام ایران بدهند که بمحض نسبت تبعیت روس هر ایرانی جنگجوی مشهوری را که بمساعدت دولت بر ضدّ محمد علی قیام نماید دستگیر نمایند هرگاه این تهدید دستگیری به تمام تبعه روس (که در این حوادث شرکت کنند) کاملاً مراعات میشد لازم می آمد بطوریکه در این مکتوب مشاهده خواهد شد اغلبی از خود قونسلهای روس و مستخدمین قونسلگریها را دستگیر کنند *

قونسول روس در رشت از این هم تجاوز کرده و بدولت ایران اعلام نمود که عازم است هر کس را که تصوّر تبعیت روس در حق او برود دستگیر و در سر فرصت تحقیق کرده و تا آخر مدّت این اغتشاشات نگاه بدارد *

در ۳۱ ژوییه (٥ شعبان) که از تاریخ ورود او بخاک ایران زمانی نگذشته و هنوز پیشرفت محسوسی در تسخیر مملکت ننموده بود روس و انگلیس مراسله متحد المال ذیل را که حاکی تصدیق حق مبارزت شاه مخلوع میباشد بدولت ایران ارسال داشتند *:—

« چون شاه سابق بر خلاف نصیحتی که کراراً دولتین انگلیس و روس بایشان کرده اند که از هرگونه فساد در ایران احتراز نمایند مراجعت بایران نموده اند لهذا دولت انگلیس و روس تصدیق دارند که شاه سابق حق خود را از بابت مستمرّی که موافق « پروتکل » معین شده بود باطل نموده اند لکن از طرف دیگر دولت انگلیس و روس

چنین تصوّر مینمایند که چون شاه سابق در خاك ایران میباشند دولت انکلیس و روس نمیتوانند دخالت کنند بنا براین دولت انکلیس و روس اظهار میدارند که در منازعه که بدبختانه در ایران روی داده هیچگونه دخالتی نخواهند نمود * »

این مراسله از طرف دوستان یکدولتی که بواسطه غفلت یا چیز های دیگر ناشی از آنان دچار جنك داخلی شده در حالتیکه خود آنها صریحًا تعهد منع این کونه حوادث را باو نموده بودند تسلیت و دلداری غریبی بنظر می آید ولی اکر باز همین اعلان بیطرفی را رعایت کرده بودند حرفی نبود در اینجا به بینیم بموجب اظهارات قبل از قتل ارشدالدوله نصیحتی که دولت روس بتوسط سفیر کبیر خود مقیم « وینه » بشاه مخلوع داده بچه مضمون بوده است ؟ عین مضمون شرحیکه مخبر روز نامهٔ « تیمس » مقیم طهران که زبان فارسی را میداند و از زبان خود ارشدالدوله چند ساعت قبل از قتل شنیده او در روز نامهٔ « تمس » مورخه ۱۱ اکتوبر درج است از قرار ذیل است :—

آنوقت محمد علی شاه و من در « وینه » ملاقات کردیم سفیر کبیر روس بملاقات ما آمد از او مساعدت خواستیم بما کفت که روس نمیتواند مساعدت نماید روس و انکلیس قرار دادی راجع بایران بسته اند که نمیتوانند از آن تخلف نمایند ومصمم اند در امور داخله ایران بهیچوجه دخالت نکنند ولی از طرف دیگر میدان شما باز است اکر برای شما کاری نمیتوانیم بکنیم بر علیه شما هم کاری نخواهیم کرد خود شما باید بدانید که چه از پیشتان میرود اکر میدانید به تخت و تاج ایران میتوانید خود تان را برسانید اقدام کنید ولی بدانید که نمیتوانیم شما را کمك کنیم و اکر ازعهده برنیائید ما مسئول نخواهیم بود آنوقت ما بسفیر کبیر کفتیم چیزی که میتوانید بکنید اینست که قرضی بما بدهید جواب داد خیر ممکن نیست هر چه کردیم و مجددًا اورا ملاقات نمودیم تکلیف مارا نپذیرفت همینقدر بما راهنمائی کرد که اکر شما سندی از بابت جواهراتی که در بانك استقراضی در طهران موجود است در دست دارید از آن بابت میتوانید پول دریافت دارید ولی ما چون سندی نداشتیم کاری از پیش نرفت » *

ممکن است (نصیحت دادن بشاه مخلوع که از تحریکات بر ضدّ ایران پرهیز نماید) بدین رویّه باشد و ممکن است رویه دیگری داشته باشد وممکن است سفیر کبیر روس که تا کنون منکر این ملاقات با محمد علی نشده است از عزم پادشاه مخلوع که باسم خلیل قصد عبور از روسیه را داشته و نیز ازنیات او بدولت خود خبر نداده باشد اما عموم مردمان

بیطرف هر عقیده که در این موضوع دارند تغییر نخواهند داد *

حال به بینیم مأمورین رسمی روس در ایران مورد جدال داخلی که باین ترتیب فراهم گردیده چگونه مراعات بیطرفی را نموده اند در روز ۲۹ ژوئیه (۳ شعبان) قونسول موقتی روس در اصفهان بطوریکه معنی (عدم مداخله) م. را فهمیده بود صریحاً در صدد جلوگیری بروز حسیات ملت راجع بحفظ مشروطیت بر آمده بکار گذار مهام خارجه ایران در آنجا اینطور مینویسد *:—

موافق اطلاعی که بقونسلگری رسیده است حکومت جلیله اصفهان میخواهد مجمعی از علماء و اعیان و کسبه تشکیل دهند که بسفراء معظم دول خارجه در نخواستن محمد علی شاه تلگراف نمایند و آمدن او را بایران پروتست نمایند دوستدار قبلاً زحمت اظهار میدارد بهر جا و بهر که لازم است مقرر فرمایند اعلام شود چون عمل ایران و ایرانیان است بدون جهت زحمت بسفارت سنیه و قونسولهای دولت بهیه روسیه ندهند *

و بعد از آنهم مجدداً مینویسند *:—

« بدون جهت در مسئله محمدعلی شاه سفارت سنیه دولت روسیه را تصدیع و قونسلها را زحمت ندهید تکلیف کارگذاری در اخطار و تکلیف حکومت در جلوگیری و امتناع از این قبیل اتفاقات است و باید بمقام منع بر آیند » اظهارات فوق حاجت بتفسیر ندارد *

رشید الملك تبعهٔ ایران حاکم سابق اردبیل در موقعیکه بریاست اردوی دولتی مأمور بود خائنانه از جلو عدهٔ قلیلی از شاهسون که همیشه طرفدار شاه مخلوع بوده اند فرار مینماید و برای این خیانت دستگیر و در تبریز محبوس گردید در ۲۷ ژوئیه (غرهٔ شعبان) قونسول ژنرال روس در تبریز از نایب الایاله خلاصی او را مطالبه نموده و بعد از آنکه باو جواب داده می شود که رشید الملك بر حسب حکم دولت محبوس است سیصد نفر سوار و سرباز مسلح روسیرا بدار الایاله فرستاده مستحفظین ایرانی را زده و بنائب الایاله هتاکی کرده رشید الملك را از محبس کشیده با خود بردند و چندی نگذشت که همین رشید الملك بیاغیان شجاع الدوله که تبریز را تهدید می نمودند ملحق گردیده در جواب اعتراض رسمی دولت ایران راجع باین مسئله سفارت روس رسماً بمسئولیت خود در صدور حکم بقونسول ژنرال تبریز اذعان نموده که برای جلوگیری از سیاست که میگفتند نسبت برشید الملك بعمل خواهد آمد اقدامات لازمه بنماید دیدیم چه اقدامی قونسول ژنرال مشار الیه بعمل آورده اقدامی که در مورد دو دولت متساوی القوه قطعاً منجر بجنگ

میگردید فقط عذری که سفارت روس در مقابل این تخطی آورده این بود که نمایندگان دولت یکنوع حمایتی برشید الملك اعطاء نموده اند حقیقت واقعه این است که اصلاً حکما سیاستی درباره رشید الملك صادر نشده بود و حال آنکه اگر هم صادر شده بود روسها حق این تخطی را بهیچوجه نداشتند پس از مداقه تامه باسناد راجعه باین حادثه بدون هیچ تردیدی میگویم که کثر رفتار استقلال شکنانه باین صراحت ممکن است بتصور درآید*

درموقعی که شجاع الدوله برای حمله به تبریز تدارکات می دید و ساخلویان تبریز حاضر برای دفاع میشدند قونسول ژنرال روس مراسله بحکومت محلی نوشته مشعر براینکه ابداً نباید هیچ قسم تدارکات دفاعیه نمایند در هیچ صورت در شهر نباید مبادرت بجنك شود در صورتیکه در همان موقع یکنفر از تبعه روس بریاست پیش قراولان اردوی شجاع الدوله منسوب بود *

شجاع نظام حکومت مرند نیز بواسطه خیانت که دولت دستگیر کرده بود مامورین روس او را از حبس بیرون بردند شجاع نظام بعد از آن خود را در مرند برقرار داشته حاکم را دستگیر نمود مأمورین روس بعد از آنکه مشارالیه در کمپانی راه جلفای تبریز مستخدم است در حمایت او مداومت دارند *

اهالی تبریز تلفات زیادی باشرار شجاع الدوله یاغی رساندند فرمانده عساکر روس در تبریز دسته از قزاق روس را بمیدان جنك فرستاده و درآنجا بعذر اینکه زخم جزئی به پیشانی رئیس یکی از منازل خط راه وارد آمده (در حالیکه خود این شخص بمیل خود بحوالی جنك رفته بود) هفت نفر از ژاندارمهای ایرانی را دستگیر نموده بسر باز خانهٔ روس باسیری بردند *

وقتیکه معلل السلطان سردست اشرار میخواست وارد شهر اردبیل بشود اهالی در صدد ممانعت بر آمدند ویسقونسول روس فوراً مأمور خود را موسوم باسماعیل بك نزد نایب الحکومه و رئیس نظمیه آنجا فرستاده که این خبر دروغ را به آنها بدهد که محمد علی با دوازده هزار قشون بیك منزلی طهران رسیده و اعلان عفو عمومی داده است و پایتخت را بحضرت اشرف سپهدار سپرده و معزی الیه هم قبول نموده است و اینکه نظمیهٔ اردبیل منع کرده است که کسی اسم محمد علی میرزا را نبرد غلط است دوستانه بشما پیغام دادم که مسبوق باشید بخود قونسولگری هم تعلیمات داده اند که مواظب نظم شهر باشند *

از همین قبیل اعلانات هم بتوسط جارچی در شهر انتشار دادند و باهالی آنجا اخطار

کردند که شهر را برای فتح محمد علی چراغان کرده و تدارك پذیرائی برای حاکم که از طرف او معین شده است بنمایند بعد از این مقدمات مجلل السلطان در تحت حفاظت فاتحانه وارد ردبیل شده مرتکب اعمال وحشیانه گردید پس از مختصر اقامتی در اردبیل مجلل السلطان بشجاع الدوله ملحق گردیده و قوام السلطان را بسمت حکومت درانجا گذارد ئیل (قمشلو) که از اطاعت محمد علی استنکاف نمودند و یسقونسول روس برای سر کوبی انها قزاق فرستاد *

فرمانده یکي از جهازات جنگی روس که مدتی در بندرگاه انزلی لنگر انداخته بود باتفاق وکیل قونسولگری روس تمام جهازات تجارتی را که وارد بندرگاه میشد تجسس کرده مسافرین را تفتیش و بعضی را دستگیر و بروسیه معاودت میداد *

وقتیکه محمد علی شکست خورده متفرق شدند عدهٔ کثیری از رؤساء آنها از قونسلگری روس در استرآباد پناه خواستند قونسول هم آنها را پذیرفته وجداً از استرداد آنها بحکومت ایران برای سیاست استنکاف نمود *

رئیس کمسیون روس در گنبد قابوس به (قمش تپه) رفته با محمد علی کنگاش نمود و پس از آن بمحل مأموریت خود عودت نموده ترکمانهای تبعهٔ ایران را با تهدیدات مجبور بمساعدت با محمد علی مینمود رئیس کمسیون مزبور بعد به استرآباد آمده و خود را حاکم معنوی آنجا نموده است درحالیکه قشون محمد علی بیرون شهر اقامت دارند در بندر (جز) وکیل قونسولگری روس با عدهٔ قزاق روس مأمور سرحدی ایران را دستگیر کرده محبوساً او را باسترآباد فرستاد و به انواع وحشیگری با او رفتار کردند *

دورشت یکعده از رعایای روس مسلح و بسردستگی پسر یکی از مستخدمین قونسلگری روس در آنجا یك نفر تبعهٔ ایران را دستگیر کرده و او را تا شرف بموت زدند و اعلام داشتند که هر کس بکمك یکنفر از صاحبمنصبان معین ایرانی که در انجا بود بیاید گلوله خواهند زد *

یکی از مستخدمین قونسولگری روس در رشت در این اواخر عدهٔ زیادی از اتباع روس را در خانه خود دعوت نموده و از عدم امنیت شهر صحبت بمیان آورد چون این اقدام اثری نبخشید و مقصود او علنی شد فراریهای روس را بمعابر فرستاده اغتشاش برپا کنند * تمام برای اینکه اغتشاش پیدا کرده بعذر دفع اغتشاش قشون روس وارد کنند *

پس از حرکت محمد علی از سواد کوه یکنفر صاحبمنصب روسی بعزم دیدن اردوی او به بار فروش آمده شش ساعت در اردو مانده با ششهزار تومان (بساری) مراجعت نمود *

در موقعیکه دولت ایران در طهران یکی از مشاهیر ارتجاعیون مجدالدوله را در ۲۳ ژوییه گرفت سفرای انگلیس و روس فوراً بحمایت او دخالت کرده استخلاص اورا حاصل و فوراً مشار الیه را در سفارت متحصن کردند اثر یکه این اقدام در این موقع در قلب پرهیجان ایرانیان بخشید این بود که تصور نمودند که دولتین روس و انگلیس از محمدعلی و ارتجاعیون حمایت دارند و بنا بر این بپشرفت دولت مشروطه را مشکلتر نمودند *

تقریباً در ۳۱ ژوییه (٥ شعبان) وکیل قونسولگری روس در انزلی چند نفر را بعذر فراری دستگیر کرده و در همان زمان قونسول روس در رشت قزاق روس باداره نظمیه فرستاده یکنفر از اتباع ایران را که توقیف بود بعذر اینکه چراغچی قراتخانه است مستخلص نماید

بموجب قرار داد ۱۹۰۷ بین روس و انگلیس که مفاد آنرا دولتین غالباً پیش چشم ایرانیان می آورند استقلال و آزادی ایران حاجت باین اعتراف ندارد معهذا با وجود این قرار داد روس غریب ترین عقیده را در تناسبات بین المللی باسم (حق حمایت) در ایران تعقیب کرده و مینماید سفارت و قونسولگری های روس نه فقط دعوی حق مطلق نسبت بتمام رعایای (قانونی و غیر قانوني) روس در تمام ایران میکنند بلکه نسبت بیک طبقهٔ دیگری از مردم خصوصاً ارتجاعیون و خائنین معروف که تبعهٔ مسلمهٔ ایرانند دعوی حق حمایت داشته نمیگذارد خفیفترین اقدامی از طرف دولت ایران نسبت به آنها بی این که غضب وحس انتقام روس بجنبش آید بشود این حمایت روس نیز آنها را از ادای مالیات بدولت ایران محفوظ میدارد و چون اغلبی از آنها بوسیلهٔ ترتیبات معلومهٔ حکومت سابقه کسب تموّل نموده اند نه فقط باعث خسارت عمده مالیهٔ ایران میشود بلکه اسباب ضعف دولت شده وموجب تشویق سایرین در استنکاف از اداء مالیات حقه میگردد در بسیاری از موارد کار گذاران روس اشخاصی را که حمایت میکنند خود اقرار دارند که تبعهٔ ایران هستند در موارد دیگر بهانه که در مورد تبعیت آنها می آورند بقدری غریب است که بتصور نمی آید مثلاً اگر کسی از سفارت روس بپرسد جداً توضیح نمائید که چرا بانوی عظمی شاهزاده خانم اصفهانی هزارها تومان مالیاتی را که چندین سال بدولت مقروض است نمی پردازد؟ همچنین در مورد کامران میرزای معروف عموی شاه مخلوع و همچنین سئوال نماید در موقعی که در این اواخر تحصیلدار مالیات طهران اسب شاهزاده عزالدوله را برای نپرداختن مالیات توقیف کرد چرا سفارت روس دخالت نمود؟ از جوابی که میشنود شخص سائل نمیتواند از خنده خود داری نماید گذشته از همهٔ اینها حرف دن

این است که حتی رعایای خارجه هم در ایران از اداء مالیات محلی مستثنی نیستند اگرچه بعضی دعاوی بی اصل در تفسیر مادهٔ چهارم قرار داد گمرکی میانهٔ ایران و روس عنوان شده است تغییر تابعیت بموجب قانون ایران موکول باجازهٔ پادشاه است که بایستی از مجرای رسمی بترتیبات معینه صادر شود معهذا دعاوی غریبی روسها بمیان آورده تعقیب می نمایند فرضاً فلان تبعهٔ ایران که یکوقتی در قونسولگری روس متحصن بوده حالا اورا برعیتی روس میشناسند یا اینکه فلان شخص بموجب حکم امپراطور روس که هیچوقت ابراز نداشته دعوی تبعیت روس میکند قواعد و قوانین تابعیت معمولاً از طریق مذاکرات و قرار داد های دوستانه ما بین دول متحابه صورت میگیرد نه اینکه این موضوع را دولت قوی آلت دست کرده شدیداً تضییع حقوق دولت ضعیف تری را فراهم آورده است *

بهترین نمونه از خصومت علنی روس نسبت بدولت ایران اقدامی است که اخیراً (پخ ای تاقف) قونسول جنرال روس در طهران کرده که خود من از جزئیات آن کاملاً مسبوقم حقایق آن هنوز در خاطر های مردم تازه است باید دانست که گرفتن و وحشیانه رفتار نمودن عدهٔ کثیری از قزاقان روس بسر کردگی دونفر صاحبمنصب قونسولگری روس با لباس تمام رسمی نسبت بچند نفر ژاندارم مالیه ایران و حبس آنها در جنرال قونسولگری روس نمونه ساده است از رفتار واقعی روس نسبت بایران وقتی که ملاحظه میکنیم علی رغم قرار داد ۱۹۰۷ که بموجب آن انگلیس و روس متفقاً تمامیت و استقلال ایران را متعهد شده اند دولت روس مرتکب این عمل شده باعتراض دولت ایران در این باب هیچ وقعی نگذاشته و دولت انگلیس هم که یکی از امضاء کنندگان قرار داد بوده در حال سکوت باین رفتار نظاره نموده است قدر و قیمت این قرار داد مشهور برای ایران فوراً معلوم می شود در مورد اعتراض دولت ایران و مطالبه عزل این سه نفر صاحبمنصب قونسولگری سفارت روس این جواب مضحك را داده که در بعضی موارد در مازندران و ورامین بدولت روس توهین شده باین معنی که بعضی از اشرار مسلح در جنگ که بیرق روس بالای سر خود افراشته بودند نبایستی متعرض شده باشند گویا از این اظهار مقصود آنست که بایستی آنها را گذارده باشند که آمناً بطرف عساکر دولت حمله برند *

پیش از اینها میتوانم بشمارم از قبیل اقدامات روس در جلوگیری هر قسم ترتیباتی که ایران بتواند خود را از قید اسارت روسیه از حیث مالیه برهاند و دعاوی انگلیس در

باب اینکه بموجب دستخط سنه ۱۸۸۸ ناصرالدین شاه دولت ایران خود حق ندارد که راه آهن در جنوب احداث نماید و این حق منحصر بدولت انگلیس است ولی اگر بخواهم شرح این مطالب را بنویسم مطلب بطول می انجامد *

خوب است مخصوصاً ذکری هم از مسئله « استوکس » بشود نه از حیث اینکه این مسئله فی حد ذاته اهمیت فوق العاده را دارا است بلکه بواسطه اصول مضرهٔ که انگلیس وروس با زحمت و بموافقت ایران بر قرار داشته اند وزیر مختار انگلیس در اینجا در تاریخ ۲۲ ژویه ۲۵ رجب رقعه بمن نوشت مبنی براین که دولت انگلیس بایشان اجازه داده است که بمن اظهار دارد که « قبل از آنکه ماژور استوکس قبول فرماندهی ژندارمری خزانه را بنماید باید از منصب خود در قشون هند استعفاء بدهد » چون در پیشنهادی که ابتداء بماژر استوکس کرده بودم ذکری از لزوم استعفاء او از خدمت انگلیس نشده بود حالا هم که این مطلب مصرح شده برای دولت ایران در مساعدت سه ساله با ماژور استوکس تفاوتی نمیکند لهذا طبعاً خیال کردم همین که استعفاء بدهد قبول خواهند نمود و او هم تلگرافاً استعفا داد با کمال تعجب معلوم شد که اقدام انگلیس در این موقع ارسال یك یاد داشتی مورخهٔ ۸ اوت « ۱۳ شعبان » بوزارت خارجه ایران بود باین مضمون :ـ

« دولت ایران را آگاهی داده میشود که در استخدام ماژور استوکس نباید اصرار نمایند مگر آنکه اورا در شمال ایران بکار نگمارند و اگر دولت ایران اصرار نماید دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان حق دولت روس را در هر اقدامی که در حفظ منافع خود در شمال ایران لازم بداند تصدیق خواهد نمود » عجب تهدید مختصری است مابین دوستان !!

این یاد داشت را در ۱۹ اوت « ۲۴ شعبان » تجدید کرده باین مضمون اظهار داشتند :ـ « اخطاری را که در تاریخ ۸ اوت « مطابق ۱۳ شعبان » نموده است باین مضمون که بجز انیکه استخدام ماژور استوکس برای شمال ایران نباشد دولت ایران نمیبایست در استخدام مشار الیه اصرار نمایند و اگر در این مسئله جد نمایند دولت پادشاه انگلستان حق دولت امپراطوری روس را تصدیق خواهند نمود که هر اقدامی را که برای محافظت مصالح خود شان در شمال ایران لازم بدانند بنمایند » اگر جسارت نباشد خوب است بپرسیم که این منافع نا محدود در شمال ایران چیست که اینهمه اهمیت به آن میدهند ؟ مسلماً در قرار داد ۱۹۰۷ تصریحی از آن نشده است و دولت ایرانهم که از آنها خبری ندارد دولت انگلیس هم تا تاریخ ۲۲ ژویهٔ « ۲۵ رجب » معلوم میشود بی اطلاع بوده است

والا چطور میشد در فکر قبول استعفاء ماژور استوکس از خدمت قشون هند بوده باشند تا مشار الیه «کنترات» با دولت ایران را امضاء نماید از برای تکمیل این حکایت باید ذکر نمود که سفارت روس در ۱۹ اوت ۲۴ شعبان یاد داشتی بوزارتخارجه ایران بدین مضمون نوشت :- «دولت امپراطوری بنابر ملاحظاتیکه در مواقع خود بدولت علیه ایران بیان داشته است استخدام دولت علیه ماژور استوکس را بسمت ریاست قوای مسلحه بعنوان ژاندارمری جهة وصول مالیات مخالف منافع خود میداند و بدوستدار امر شده است که این استخدام را پروتست نماید واگر امر این طور باشد دولت امپراطوری برای خود اخذ حق خواهد نمود که اقداماتیکه جهة حفظ منافع خود در شمال ایران لازم بداند بعمل آورد * »

پس از اطلاع از یاد داشت اولی سفارت انگلیس بدولت ایران عقاید ذیل را بوزیر مختار دولت انگلیس اظهار داشتم :-

با کمال توقیر من غیر رسم در خصوص مسئله بسیار مهمی راجع بکار خودم این شرح را مینگارم :- * با کمال تعجب امشب شنیدم که دولت شما یك یاد داشتی مبنی بر تعرض و تنبیه بر علیه پیشنهاد من برای استخدام ماژور استوکس در ژاندارمری مالیه بوزیر امور خارجه ایران فرستاده است بدون شك از جریان این مسئله تا بحال اطلاع دارید ضرور نیست اظهار دارم که نظر بمفاد مکتوبیکه برحسب دستور العمل دولت خود در تاریخ ۲۲ ژوئیه «۲۵ رجب» بمن نوشتید مبنی بر اینکه ماژور استوکس میتواند بعد از استعفاء از خدمت قشون هند قبول خدمت نماید این تغییر رأی که در یاد داشت امروز ایراد داشتند از دائرهٔ تفکر خارجست آیا دولت انگلیس ملتفت هست مرا در نزد اهل این مملکت و دولت ایران بچه حالتی دچار میکنند که غفلتاً بایك دولت دیگری متفق میشوند که نگذارند ایران را در مختصر مسئله راجع بحق استقلال خود اقدامی نماید در صورتیکه مراعات استقلال و تمامیت او را دولتین متحداً و منفرداً تعهد نموده‌اند حسیات شخصی من اهمیتی ندارد ولی موفقیت مأموریت من در این مملکت یا عدم آن برای ایران که امور مالیهٔ خود را بمن تفویض داشته و برای هموطنان من که طبعاً مایل موفقیت من در این کار مهم هستند اهمیت زیادی را دار است قبل از تقبل من باین خدمت صراحتاً فهمانیدند بمن که هیچیك از این دو دولت عمده که دارای منافع در ایران هستند ایرادی در کار من نخواهند داشت و یقین است این اظهار پیش از یك تعهد بیمغزی قدر

داد هیچکس بهتر از شما نمیداند که در انتخاب ماژور استوکس ابداً مقصود سیاسی منظور نبوده و هیچ عاقلی نسبت بمن سوء ظن نمینماید که بخواهم داخل تقلبات سیاسی که یقیناً مورث تمسخر خود من و خرابی کار من خواهد بود بشوم باید چه تصور کنم که می بینم اوّل قدم مهمی که برای رفع هرج و مرج بر میدارم همان دو مملکتی که کراراً آرزوی صمیمی خود را در ترقی وسعادت این مملکت بیچاره که میخواهم خدمت کنم اظهار داشته بیرحمانه جلوگیری مینمایند آیا وزارتخارجه انگلیس درست ملتفت است که از اتخاذ مسلك اخیره در این موضوع مسلماً ایرانیان چنین خیال خواهند کرد که انگلیس حقیقةً مانع موفقیت کار من است گذشته از اینکه مجبوراً خود من هم تصوّر خواهم کرد که نباید هیچگونه مساعدت دوستانه اخلاقی از دولت انگلیس در یك چنین مسئله خطیری مترصد بود اگر اینجا یك مملکت متعارفی بود واشخاص مجرّب کافی نسبتاً زیاد بودند نتیجه این ممانعت اگر چه اساساً غلط است اهمیتی نداشت ولکن چنانچه میدانید آدمهای کافی در اینجا خیلی کم است اتخاذ این مسلك در حقیقت مانع کوشش و ناسخ موفقیت محتمله من است رجاء واثق دارم بیکطوری دولت انگلیس متوجه این نکته بشود صرف نظر از اینکه بعقیدهٔ من این مداخله در جریان کار خصوصی اداری و امور داخلی تنظیمات مالیه که در دست دارم بدون پرده پوشی بیموقع است شخصاً بقدری این مسئله حسیات مرا برانگیخته است که عنقاً بفکر این افتاده ام که لااقل بوسیلهٔ یك لایحهٔ رسمی عمومی متضمن کلیه تجربیات در این موضوع از زمان ورود بطهران افکار هموطنان خودم را تصحیح نمایم بدیهی است اقدام باین کار از روی نهایت تأسف خواهد بود ولی در مراودات بین دول و اشخاص هم اقلاً یك مراعات انصافی لازم است و در این موضوع بخصوص تصوّر می کنم که اعمال من بطوری صاف و بی عیب است که ذره بین تجسس در آن غل و غش نخواهد یافت ٭

—«٭ انتهای مکتوب ٭»—

از مطالعه جزئیات این واقعه معلوم خواهد شد که قرار داد ۱۹۰۷ بهیچوجه بموضوع استخدام ماژور استوکس بسمت معاونی مالیه خزانه دار کل ارتباطی ندارد مگر اینکه قرار داد مزبور را یك نمایشی از مکر وحیله تصوّر کنیم زیرا که اولاً در مقدمه این قرار داد چنانچه طبع و در تمام عالم منتشر شده است مصرّح است که انگلیس و روس متفقاً متعهدند که تمامیت و استقلال ایران را در عهده شناسند و هر دو امضاء کنندگان آن

قرارداد در همان مقدمه آرزوی صمیمی خود را برای حفظ نظم و رفاهیت و آبادی ایران اعلام داشته اند یکی از مواد اوّلیهٔ استقلال که اقل حدود قانون بین الملل است حق فیصله امور داخلی است و مسلماً تعیین مأمورین هرمملکتی از این حق خارج نیست*

ثانیاً مقصود واضح قرار داد مزبور این بوده است که هیچیك از این دو دولت امتیازات سیاسی یا تجارتی، از قبیل راه آهن و بانك و تلگراف و راه حمل و نقل و بیمه وغیره بقول خود شان در منطقهٔ نفوذ یکدیگر از برای خود درخواست نکرده واز رعایای خود نیز در این موضوع مساعدت ننمایند ولی مسئله ماژور استوکس مسئله امتیاز نیست ماژور استوکس نه راه آهن است ونه امتیاز سیاسی و یا تجارتی از هیچ قبیل و بدون هیچ ملاحظه خارجی تکلیف نمودن شغلی را باو نمیتوان بدرخواست و یا مساعدت تحصیل امتیازی از طرف دولت انگلیس از روی هیچ اصول تعبیر نمود خطای دیگری که در نظر این دو دولت میتوان گرفت این است که تا دولت روس این ایراد را بمیان نیاورده بود وزارت امور خارجه انگلیس هیچ وقت مسئله استخدام ماژور استوکس را مخالف روح آن قرار داد که برای خود شان سرمشق قرار داده اند نمیدانست کاغذ خود وزیر مختار انگلیس بمن که در این مشروحه درج شده دلیل صحت این اظهار است *:-

دولت ایران بی آنکه صحت و مرجعیت این قرارداد را نسبت بخود تصدیق نماید میتواند اظهار دارد چون مضامین یك سندی واضح و روشن باشد روح آن تعبیر پذیر نیست اکنون که قشون محمد علی و سالارالدوله قلع و قمع و متفرق گردیده اند وقبل از آنکه دولت ایران بتواند بعد از آنهمه اضطراب و مخارج و زحمات که درصورت رعایت مقاوله نامه « بر و تکیل » و فراهم آوردن وسایل کافیه در جلوگیری از دسائس محمد علی لازم میگردید نفسی تازه نماید اعلام میشود که دولت انگلیس برای تقویت مستحفظین قونسول خانهای مختلفهٔ خود خیال دارد دو فوج سوارهٔ هندی بجنوب ایران اعزام دارد دلیلی که برای اعزام قشون می آورند نا امنی طرق جنوب و اغتشاش شیراز است در باب اغتشاش شیراز باید گفت پناه طولانی که تا همین اواخر بقوام الملك دشمن صلبی قشقائی در قونسول خانهٔ انگلیس در شیراز دادند اشکال حکومت مرکزی ایران را در استرداد امنیت آنجا بسر حد کمال رسانید خصوصاً اینکه پسر قوام در این مدت در بر انگیختن ایل عرب بر ضد حکمران سابق نظام السلطنه کوششهای پیاپی مینمود نتیجهٔ منتظرهٔ عمومی این تخطی قشون هندی انگلیس در این موقع بجنوب ایران اسباب این

خواهد شد که عدهٔ زیادتری از قشون اجنبی به بهانه های کوچکتری بشمال ایران وارد شوند *

تا به اینجا اظهارات خود را بوقایعی که در مدت توقف پنجماههٔ خودم در طهران اتفاق افتاده محدود داشته ام و لکن این وقایع بهیچوجه رفتار غیر دوستانه روس و انگلیس را در ایران تکمیل نمینماید مثلاً نمایشی که زمستان گذشته به تمام عالم داده شد در موقعیکه سفارت انگلیس و روس خود را بتوهینات شخصی تنزل داده و بعذر تأخیر تأدیه مستمری شاه مخلوع نوکرهای ملبس بلباس رسمی خود را بعقب سر وزیر امور خارجه انداختند دلیلی است کافی برای مسلك این دو دولت و نمایندگان آنها در طهران نسبت بدولت ایران در تمام این مواقع وزیر امور خارجهٔ ایران در مورد نقض صریح استقلال و هتك شئونات ایران اعتراضات رسمی نموده و کمتر وقتی بلکه هیچ وقت اقلاً بر سبیل ظاهرسازی هم جبران یا استرضائی بعمل نیامده است شاید بسیاری از این وقایع دلیل کافی برای اعلان محاربه نباشد و شاید بعضی از آنها را بگویند بدون اجازه ناشی از مأمورین جزء بوده است و حال آنکه در کمتر موقعی دولت مقصر تکذیب عمل آنها را کرده است و اگر هم اتفاقاً کرده باشد گمان نمیکنم هیچ آدم با فکری آنرا دلیل دوستی حقیقی روس و انگلیس نسبت بایران بشمارد *

شاید کسی سؤال کند که این فقرات چه مدخلیتی بمالیه و اصلاحات آن در ایران دارد جواب اینست که هر کس در ایران یك هفته توقف کرده میداندکه کلیهٔ احتمالات اصلاح مالیه ایران کاملاً منوط به اعادهٔ فوری نظم در تمام مملکت و ایجاد و حفظ یك حکومت قوی مرکزی است که بتواند قوای خود را در اقصی نقاط مملکت محسوس داشته احکام خود را اجراء دارد مادامیکه مسلك متحدهٔ حالیه در جلوگیری ایجاد چنین حکومتی مداومت دارد مادامیکه رفتار صریح دول در تخریب کوششهای جدی بمعاذیر مختلفهٔ خود خواهانه در جریان است تا اینکه عظم دولت را در نظر خود ایرانیان برده و ضمناً مملکت را بیك حالت ورشکستگی نگاه بدارند همیشه کوششهای مصروفه در اصلاح مالیه مانند نقشی است بر آب یا وعده بیطرفی است که هیچوقت رعایت نشود اشکالات داخل ایران تا آخرین درجه استطاعت موجود است این اشکالات بخودی خود تا چندین سال ترقیات آن را عقب خواهد انداخت اگر باین اشکالات زورگوئیهای فاحش خارجه و مسلك ترسانیدن و لال و خموش گردانیدن ایران را که پیوسته تعقیب می

نمایند بیفزائیم کار ایران خیلی خرابست اگر پولی برای اصلاحات مدامی لازم باشد باید با شرایط غیر ممکنه سیاسی تحصیل شود واگر راه آهن بسازند بایستی برفقاء قدیمی ما «یعنی منطقه های نفوذ» متصل شود اگر خرید اسلحه بمیان آید باید از یك دولت دوست متمول خارجه بسه برابر قیمت خریداری نمود اگر صاحبمنصبان مجرب جهة خدمت دولت ایران برای تسریع ترقی بخواهند باید از یك دولت کوچك و با از آن قبیل اشخاصی که بیغرضگی و بیرکی خود را به ثبوت رسانیده برای آلت شدن دست خارجی حاضر باشند واگر هم از یکدولت کوچکی باشند باید عدهٔ آنها بقدری نباشد که علامت یك اقدام جدی طرف اصلاح ظاهر گردد در این ایام نوع پرستی واستحباب بین المللی باید ملك کیخسرو دچار اینگونه بدبختیها باشد هرچند مسکین مفلوك تسلیم تقدیرات خود باشد هرچند گدا در فقر و فلاکت و تن بقضاء در داده باشد مارا نرسد که عامداً اورا لگدکوب کنیم ✲

حقایق و دقایقی که در این مشروحه مندرج است یك ثلث از آنچه اطلاع دارم نیست آنچه ذکر شد فقط نمونه ایست که هر کس در صحت آن شکی داشته باشد اسناد کتبی آن حاضر است که صحت آنها و خیلی از امثال آنها را ثابت نماید ✲

لهذا امیدوارم که روز نامهٔ تمس با کسب اطلاعات فوق و حس عدالتخواهی که بدان معروفست اظهارات مندرجه در مقالهٔ اساسی ۱۷ اکتوبر «۲٤ شوال» خود را در اینکه بیانات من راجع برفتار بعضی از دول نسبت بایران خارج از انصاف وعاری از صحت است تکذیب خواهد نمود ✲

«امضاء — مارگن شوستر خزانه دار کل ایران»

دال ·

—«※ مراسلات ما بین مستر شوستر و سر جارج بارکلی ※»—
※ و پاکلیوسکی کزیل و ماژور استوکس ※

———:O:———

(اول)

سواد مراسلات بین مستر مورگان شوستر خزانه دار کل ایران و سر جارج بارکلی وزیر مختار انکلیس (و ماژور استوکس مأمور نظامی سفارت انکلیس) مقیم طهران مشتمل برسی فقره *

—«※ (۱) مراسله مستر شوستر به ماژور استوکس ※»—

———:O:———

طهران خزانه داری کل مملکت ایران
ششم ژویه ۱۹۱۱ (مطابق نهم رجب ۱۳۲۹)

ماژور س ب استوکس « میلری آتشه » مأمور نظامی سفارت انگلیس مقیم طهران

آقای من : از قرار مسموع دورهٔ مأموریت و خدمت سفارت شما خاتمه یافته و عنقریب از طهران رفتنی میباشید اطلاع کامل شما از امور ایران و عموم اوضاع آن بعلاوه اطلاعات نظامی شما و همچنین اطلاعیکه از زبان فارسی دارید قدر و اهمیت شما را در نظر دولت (امپراطوری) شهنشاهی ایران بسیار خواهد افزود برای دخول و شرکت در یکی از شعب مهمهٔ مالیه که نظم و تمشیتش این اوقات بمن محول شده است مقصود از تصویب و تشکیل ژاندارمری خزانه تأسیس مختصر هیئت نظامی با نفوذی است که وظیفه اش امداد ومعاونت مامورین مالیه است که مباشر وصول مالیه و تحدید تریاك و « بویوز » ومالیاتهای مستقیمه دیگر میباشند خصوصاً در ولایات جنوبی *

نظر به اجازه و اختیاریکه ازطرف مجلس درباره قرار داد با شخص مناسبی داده شده که بعنوان معاونت در این شعبه مخصوصه مالیه مستخدم کردانم بسیار خوش وقت میشوم که قرار داد سه ساله مطابق مواد جوف (۱) در این باب بشما اظهار نمایم *

بسیار ممنون خواهم بود که بفوریت ممکنه بدانم چنانچه در قبول خدمات مزبوره حاضر و راضی میباشید اقدامات فوری کرده و رسماً در این باب بسفارت انکلیس اظهار نمایم با ادای مراسم دوستی *

دوست صادق شما و مورکان شوستر خزانه دار کل ایران * (تنبیه) :- مکتوب فوق اولین اظهار درباره استخدام ماژور استوکس بود و مراسلات ما بعدی از همین بنا شروع شد *)

—«(۲) مراسله سر جارج بارکلی به مستر شوستر»—

طهران : سفارت انکلیس *

چهاردهم ژویه ۱۹۱۱ (هفدهم رجب ۱۳۲۹)

دوست عزیزم مستر شوستر : مسئله تصویب استخدام ماژور استوکس را بعنوان ریاست ژاندارمری خزانه بدولت متبوعه خود اطلاع داده ام چون علی الظاهر همچو تصور می شود که این انتخاب باعث تولید رقابت بین المللی خواهد شد استفسار نموده اند که انتخاب و تعیین یك نفر صاحب منصب سویدی یا یکی از اتباع دول دیکر بجای ماژور استوکس آیا باعث رفع این محذور نخواهد شد ؟

بسیار مایلم قبل از انکه بدولت متبوعه خود جواب بدهم از رای دولت ایران مطلع شوم که بدان مبادله راضی خواهد بود *

عزیزم مستر شوستر : دوست صادق شما ج . بارکلی *

—«(۳) مراسله مستر شوستر به سر جارج بارکلی»—

طهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

چهاردهم ژویه ۱۹۱۱ (مطابق هفدهم رجب ۱۳۲۹)

سر جارج عزیزم : مکتوب امروزه شما رسید در باب رقابت بین المللی که ازدولت متبوعه شما تقرر ماژور استوکس تصور نموده و استفسار فرموده اند که « از تعیین یکنفر صاحب منصب سویدی یا یکی از اتباع دول دیکر بریاست ژاندارمری خزانه

---

(۱) سواد معاهده مزبوره و مواد آن در آخر همین ضمیمه ذکر خواهد شد *

آیا رفع این اشکال و محذور نخواهد شد »

جواباً عرض میکنم که چون به تازگی از طرف مجلس اجازه و اختیار بمن داده شده است در تعیین و انتخاب اشخاص مناسبی بجهت نظم و ترتیب فوج ژاندارمری خزانه در تحت نظارت و حکم خودم اظهار این خدمت بماژور استوکس فقط باین ملاحظه میباشد که مشار الیه را در انجام امریکه در نظر دارم بهتر و مناسب تر از سائر اشخاص میدانم و اطلاعات شخصی از لیاقت و قابلیت مشار الیه دارم از قبیل اطلاعات نظامی و توقف چهار ساله اش در ایران و استحضارش از امور داخلی مملکت و دانستن زبان فارسی و فرانسه (که عموماً در این مملکت به آن تکلم میکنند) و روی هم رفته بواسطه اهمیت و احترامیکه عموماً بملاحظهٔ صاحب منصبی و جنبهٔ شخصیش میکنند *

هیچ تردیدی در دادن اطمینان بشما ندارم در اینکه در انتخاب معاون مقتدری برای این شعبهٔ از کار خود ملاحظه ملیت و رعایت رعیتی دولت مخصوصی در رأی من راه نیافته و نخواهد یافت اگر چنین می بود طبیعی است که نظر باختیارات تامه که در اینباب بانجانب تفویض شده بخوبی میتوانستم همچو معاونیرا از وطن و مملکت خود جلب نمایم *

در این موقع تکراراً تذکار و اعادهٔ مطالب مینمایم که در اصلاح امورمالیه که مسئولیت آنرا به عهده گرفته و نیك نامی خود را در انجام این امر صعب بمعرض امتحان گذارده ام ابداً رعایت حیثیت پلتیکی در کار نیست و ملاحظات پلتیکی و شخصی یا عمومی و بین المللی در افعال من راه نیافته بالطبع احساس میکنم که در اظهار صاف دلانه و بیغرضانهٔ این شغل به ماژور استوکس بهیچ قسم رعایت و طرف داری پلتیکی در خاطر من بر توانگیزنده است *

با کمال احترام نسبت برعایای دول کوچك و بدون بی احترامی نسبت به هموطنان خود که ایشان را در خدمت فوج ژاندارمری بهمراهی ماژور استوکس مأمور گردانیده عرض میکنم عقیدهٔ شخصی من اینستکه ماژور موصوف قابل ترین شخصی است برای انجام خدمات نافذهٔ موثرهٔ مفیدهٔ به این دولت در امور راجعه بمالیه در هیچ صورت راضی نخواهم بود یکی از اتباع هر دولتی را در این شعبه یا شعب دیگر کار خود مأمور و منتخب گردانم تا اینکه اطلاع واحراز اطمینان شخصی از لیاقتهای مخصوصه اش نکرده باشم *

همه میدانند یکی از علل بسیار مشکله که در این مملکت اجانب را چنانکه از حال خود استنباط نموده ام معطل داشته ندانستن زبان وعدم اطلاع از عادات و رسوم و

(عقاید) خیالات ایرانیان است . این نقایص صعب تر و بزرگ تر خواهد بود برای کسیکه سر و کارش با عدهٔ کثیری بیفتد برای تشکیل فوج مسلحی صاحب منصب سویدی هر قدر هم که با لیاقت و کفایت باشد . شاید پس از یکسال یا بیشتر بتواند معاونت صحیحی به این شعبه بکند و حال آنکه اهمیت تشکیل و لزوم بکار انداختن قوای نظامی ژاندارمری بی نهایت فوری میباشد *

آخر کار اجازه می طلبم در عرض و اظهار این مطلب که چون عموماً از مسئله اظهار این خدمت به ماژور استوکس مطلع گردیده اند پس گرفتن این اظهار نامه از طرف من شاید حمل بر رعایت نکات پلتیکی صرف بشود و حال آنکه هیچگاه راضی باین اتهام نخواهم شد *

امید وارم که این عرایضم برای مطمئن ساختن دولت متبوعه شما کافی بوده و بتوانم از طرف دولت شما رعایت مناسب فوری جلب نمایم برای قبول ماژور استوکس این خدمت را *

سر جارج عزیزم : دوست صمیمی شما *
" و . مورگان شوستر

---

(٤) مراسله مستر شوستر به سر جارج بار کلی

طهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

شانزدهم ژویه ۱۹۱۱ (مطابق نوزدهم رجب ۱۳۲۹)

سر جارج عزیزم : دو طغرا قبض ملفوفهٔ جوف را وزیر خارجه نزد من فرستاده است تصور میکنم از بابت دوازده هزار و پانصد فرانگی است که دولت امپراطوری برحسب معمول از بابت قرار داد تعمیر خط تلگراف هند و اروپای بلوچستان از سفارت شما وصول مینموده وزیر معزی الیه خواهش نموده که مبلغ مزبور را درصورتیکه سفارت شما بکلی صلاح بداند خود وصول نموده و قبضی به امضای خود بدهم اگرچه رأی داده بودم که خود شانهم این تغییر را بشما اطلاع بدهند ولی این اطلاع را هم بخود این جانب محول داشته اند چنانچه مانعی از طرف شما نباشد اکنون مبلغ مزبور را (و در آینده نیز) وصول نموده و قبض رسید آنرا به امضای خزانه دار کل ارسال دارم در این صورت خواهشمند است قبوض جوفی وزارت خارجه را مسترد فرمایند *

با احترامات دوستانه سر جارج عزیزم : دوست صادق شما *

و * مورگان شوستر خزانه دار کل *

(دو طغرا قبض ملفوف)

قلهك جناب سر جارج بار کلی * * *

—«(۵) مراسلهٔ جوابیه سر جارج بار کلی به مستر شوستر»—

طهران . قلهك . سفارت خانه انگلیس *

هیجدهم ژویه ۱۹۱۱ (مطابق بیست و یکم رجب ۱۳۲۹)

مستر شوستر عزیزم : بسیار متأسفم از اینکه در جواب مکتوب شانزدهم شما بنویسم که چون قبض « براتها » دوازده هزار و پانصد فرانك برای تادیهٔ قسط ششماهه برحسب معمول باسم وزیر خارجه خرید شده است دو قبض جوفی وزارت خارجه لفاً ایفاد داشتم که پس از امضای قانونی یعنی امضاء کسیکه رسماً از طرف وزارتخارجه نمایندگی داشته باشد معاودت دهد پس از تأدیهٔ مبلغ فوق و قبض و اقباض در مواقع آتیه در وجه خزانه دار کل پرداخته خواهد شد *

چون مامورم که با همان اداره رسماً مراسله و معامله نمایم از این تغییر اجتناب نموده بروات را بوزارت خارجه فرستادم وقبض رسید را هم ازهمان مجرا دریافت خواهم نمود*

امیدوارم این ترتیب باعث تسهیل امور شما و مناسب باشد

(دوست صادق شما جارج بارکلی)

خدمت آقای مورگان شوستر : . مجدداً توجه خواطر شما را بدین مسئله معطوف میدارم که مبلغ بیست و پنجهزار فرانك از بابت اجارهٔ خط مرکزی ایران برای تأدیه به دولت شما نزد من جمع و موجود است بمجرد ایمای قبولشان برای تعمیر خط مزبور پرداخته خواهد شد * (به مکتوب بیستم مارس و اول ژویه ۱۹۱۱ سفارت رجوع فرمایند *) (ج * ب)

—«(۶) مراسله مستر شوستر به سر جارج بارکلی»—

طهران . خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

بیستم ژویه ۱۹۱۱ (مطابق بیست و سوم رجب ۱۳۲۹)

سر جارج عزیزم : ممکنست زحمت استفسار بدهم در این مسئله که آیا میتوانید

رائی بدهید که بدان وسیله امضای معاهده ماژور استوکس با دولت ایران بزودی تکمیل یابد ؟ *

حقیقت امر اینستکه تمام امور ژاندارمری خزانه ملتوی مانده و موقوف بانجام این امر است بدون شبهه و تردید میتوانم بگویم اهمیت و لزوم تشکیل این فوج برای نظم مالیه ایران در نهایت درجه می باشد بواسطه نبودن فوج مزبور حقیقةً بیدست و پا شده متحیرم که با نبودن ماژور معزی الیه بکدام کس رجوع نمایم که دارای لیاقتهای مشارالیه باشد لذا ملتمس و خواهشمند است که حتی المقدور در انجام این مسئله سعی و کوشش بفرمایند ه با احترامات بسیار دوستانه ه

(سر جارج عزیزم ه و ه مورگان شوستر)

خزانه دار کل ایران *

(قلهك ه ك ه س « م « ج ه ه ه سر جارج بارکلی *)

—«(۷) مراسله جوابیه سر جارج بارکلی به مستر شوستر »—

طهران . سفارت خانه انگلیس *

بیست و یکم ژوییه ۱۹۱۱ « مطابق بیست و چهارم رجب ۱۳۲۹ »

مستر شوستر عزیزم : روز گذشته بدون رسمیت تلگرافی نمودم بوزارتخارجهء دولت خود مبنی بر خواهش فوریت در تصفیه معامله استوکس و اینك هم که مرقومه شما زیارت ثانیاً و رسماً تلگراف کردم *

(دوست صادق شما ه جارج بارکلی) *

—«(۸) مراسله سر جارج بارکلی به مستر شوستر »—

طهران ه سفارت خانهء انگلیس *

بیست و دوم ژوییه ۱۹۱۱ « مطابق بیست و پنجم رجب ۱۳۲۹)

مستر شوستر عزیزم : از طرف دولت متبوعه خود در اطلاع بشما مأمورم که ماژور استوکس قبل از قبول ریاست ژاندارمری باید از خدمت (۱) نظامی قوج هندش استعفا نماید مستر شوستر عزیزم « ج » بارکلی *

(۱) بموجب شرطیکه خود دولت انگلیس اظهار نموده بود ماژور استوکس فوراً از خدمت نظامی در فوج هندوستانش مستعفی گشت *

—«(۹) مراسله جوابیه مستر شوستر به سر جارج بارکلی»—

طهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

بیست و دوم ژویه ۱۹۱۱ «مطابق بیست و پنجم رجب ۱۳۲۹»

سر جارج عزیزم : اکنون مراسله امروزه شما که حاوی اظهار دولت متبوعه تان بود رسید که ماژور استوکس باید قبل از قبول ریاست ژاندارمری از خدمت نظامی هندش مستعفی شود *

هنوز به همان عقیده باقی می باشم که دولت شاهنشاهی ایران باید خدمات ماژور استوکس را بهر قدر و قیمتی که باشد برای خود تحصیل نماید امید وارم بفوریت ممکنه این معامله تصفیه یافته و انجام پزیرد *

اجازه می خواهم که از مساعی جمیله و اهتمامات دوستانه که در پیشرفت این امر مبذول داشته اند تشکرات خودرا تقدیم نمایم بعلاوه اظهار این عقیده خود که در اصلاح امور مالیه این ملت سلوك مهربانانه فرموده اند که مطبوع خیر خواهان ایران میباشد با احترامات صادقانه *

سر جارج محترم من . و . مورگان شوستر *

(ك . س . م . ج . سر جارج بارکلی .)

—«(۱۰) مراسله مستر شوستر به سر جارج بارکلی»—

طهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

هشتم اوت ۱۹۱۱ «مطابق دوازدهم شعبان ۱۳۲۹»

سر جارج محترم من : اجازه میخواهم که من غیر رسم شما را مخاطب ساخته از امریکه اهمیت و ارتباط تامی با شغل من دارد استفسار نمایم «امشب» شب گذشته با کمال تعجب شنیدم که دولت متبوعه شما (۱) انتباه نامه بوزارتخارجه ایران اظهار داشته است برخلاف استخدام ماژور استوکس در اداره ژاندارمری خزانه بدون شبهه تا بحال از جریان این امر بخوبی مطلع و مسبوق میباشند آیا میتوانم عرض بکنم : نظر بمفاد مکتوب بیست و دوم ژویه شما که حسب الامر دولت متبوعه خود اطلاع داده بودند که «ماژور

(۱) ماژور استوکس در فاصله بین این مکتوب و مکتوب سابق تلگرافاً مستعفی شد دولتین انگلیس و روس فقط عذر بسیار مختصری در این باب بدولت ایران اظهار داشتند *

استوکس بمجرد استعفای از خدمت قشونی هند میتواند این خدمت را قبول نماید » علت این تبدیل رخ و انحراف مسلکی که از مراسله امروزه شما دیده میشود بتصور نمی آید*

این قدر میدانم که حق ندارم اینگونه مطالب را در مراسلات رسمی اظهار نمایم و قصد توهین هیچ کس از مخیله منهم عبور ننموده از شرکت آنی و بی مقدمهٔ با دولت خود تان با دولت دیگر برای منع دولت ایران از حقوق مسلمهٔ خود آیا میتوان بخوبی تصور و مقایسه نمود موقعی را که در انظار عموم اهالی ایران برای این جانب حاصل شده؟ در صورتیکه خود آن دو دولت محافظت آزادی و استقلال دولت ایران را با کمال احترام متفقاً و منفرداً اعتراف و تصدیق (ضمانت) نموده اند !

خیالات و احساسات شخصی خودم چندان قابل اهمیت نیست ولی موفق شدن یا ناکامیابیم در این شغل مهم برای خود ایرانیان که امور مالیاتی خود را بدست من سپرده اند و همچنین در انظار هموطنانم بسیار اهمیت خواهد داشت که طبعاً دلچسپی و میل مفرطی بموفق شدنم دارند *

قبل از آنکه این شغل را قبول نمایم یقین قطعی داشتم که هیچ یك از دولتین معظمتین که منافع و اغراض مخصوصه در این مملکت دارند اعتراضی به قبول من نخواهند داشت و بی شبهه اگر هم همچو اعتراضی میکردند بکلی بی اصل نبود *

با کمال اطمینان عرض میکنم هیچکس بهتر از خود شما حقیقت این امر مطلع نخواهد بود که انتخاب ماژور استوکس ابداً تعلق بمقاصد پلتیکی نداشته و هیچ گونه غرضی هم در بین نمیباشد هیچ شخص عاقل مآل اندیشی نسبت به من گمان نخواهد نمود که بوسایل پلتیکی ارادهٔ نفوذ در این مملکت داشته باشم زیرا که همچو اراده در انظار مردم مرا تمسخر نموده و خلل کلی در امور و مشاغلم راه خواهد یافت *

در این صورت این را حمل به چه میتوان نمود که وقتیکه اولین قدمی که در این امر مهم برای نظم و اصلاح این پریشانی و بی نظمیها بر میدارم می بینم همان دو دولتی که کراراً اظهار خواهشهای صادقانه میکردند برای ترقی و ترفیه حال این مملکت و اهالی ستم دیده اش که میخواهم خدمتی بدیشان نمایم همان دو دولت ممانعت و تخلف از وعده های خود مینمایند *

آیا وزارت خارجه شما میتواند بخوبی احساس نماید درجه و میزان مخالفتی را که « نسبت بمن » در این معامله اختیار نموده و از این مسلك و سبك بسیار جدیدیکه فقط

برای منع از نیل بمقصودم اختیار شده در اذهان ایرانیان چه می نشیند؟ علاوه بر این مجبور میباشم که در این امر مهم از هر گونه معاونت اخلاقی دولت شما مأیوس شده متوقع هیچگونه همراهی نباشم *

اگر در این مملکت هم مثل سایر ممالك متمدنه مردمان عالم تربیت شدهٔ تجربه آموخته بسیار میبود نتیجهٔ اعتراض شما اگرچه اصولش صحیح نیست چندان بد نبود ولی چنانچه خود شما میدانید در این مملکت که اشخاص کاردان کمیاب و نادر است اختیار این مسلك ماحی مساعی و مواقع کامیابی من میباشد *

امیدوارم دولت متبوعهٔ شما بوضعی در این امر رفتار خواهد نمود که « ما نحن فیه » را باین نظر ملاحظه و رعایت نماید قطع نظر از اینکه صراحتاً بگویم که این گونه مداخلات در معاملات داخلی ایران و امور معمولی مالیه که برای نظم و اصلاحش کوشش میکنم بکلی مداخله غیر مطلوب و نا پسندیست *

احساس میکنم مجبوریت در این امر را که بتوسط مکاتبات عمومی و توضیحات رسمی راجع به این معاملات از بدو ورودم بطهران هموطنان عزیز خود را کاملاً مطلع گردانم اگرچه اظهار تأسف از اینگونه اقدامات مناسب نیست ولی مابین دول و افراد مردم معاملات منصفانه هم وجود خارجی داشته و معمول به میباشد احساس میکنم که بی شبهه تجربیاتم در این معامله بدرجهٔ کافی و ظاهر استکه بهیچ قسم محتاج به تجربه و آزمایش نخواهد بود *

مستدعی است التفات فرموده از این طرز و رویهٔ آزادانهٔ که عرایض خود را اظهار مینمایم عفو فرمایند *

با احترامات دوستانه و انتظار و استدعای اقدامیکه هنوز هم ممکنست

سرجارج محترمم * دوست صادق شما . و "

مورگان شوستر . خزانه دار کل ایران

(ك . س . م . ج ... سرجارج بارکلی)

—«(۱۱) مراسله جوابیهٔ سرجارج بارکلی به مستر شوستر»—

طهران . قلهك . سفارتخانه انگلیس *

دوازدهم اوت ۱۹۱۱ « مطابق شانزدهم شعبان ۱۳۲۹ »

مستر شوستر محترمم : در اطلاع و انعطاف توجه دولت متبوعهٔ خود بحقیقت و ماده یک بمضمون مراسلهٔ هیجدهم اوت از طرف من قصوری ناشی نشده *

دولت اعلیحضرت اجازه داده است که جواباً اطمینان بشما بدهم که درجهٔ خلوص نیت شما و میزانه کار را بخوبی ملتفت شده و اظهار تأسف می نمایند از عدم امکان قبول خواهشی که اظهار نموده بودید دولت اعلیحضرت اظهار میدارد که شاید در تقرر مثلاً صاحب منصب روسی بریاست این اداره در سرحد هند برای ما نیز مجال اعتراض می بود منتقل شدن به این نکته لازم است درصورتیکه دولت روس به استخدام ماژور استوکس تعرض بکند برای دولت اعلیحضرت تحقیر و عدم اعتنا به آن اعتراض ممکن نخواهد بود ولازم است دولت ایرانرا از مشکلاتی که از این انتخاب تولید میشود مطلع ومتنبه سازند*

از چندی قبل مقاوله (۱) با دولت ایران درمیان بود که باید فقط از اتباع دول کوچک در خدماتش انتخاب نماید فقط استثنائیکه شده بود در بارهٔ رعایای دولت اتازونی بود نتیجه رأی دادن دولت اعلیحضرت بود که دولت روس در این استثنا اتفاق کرده و نتوانست هیچگونه اعتراضی بدولت ایران نسبت به استخدام رعایای « اتازونی » ممالك متحده امریکا نماید دولت متبوعهٔ من اظهار تأسف مینماید ازاینکه دولت ایران درانحراف از مقاوله مزبوره از اول رأی و رضا دولت روس را « در این انتخاب » جلب ننمود *

به عقیدهٔ سر ادوارد گری در باب خلاصی از این اشکال چاره منحصر خواهد بود به انتخاب یکی از اتباع دول کوچك بجای ماژور استوکس *

در ابلاغ این پیغام غیر رسمی اجازه میخواهم که احترامات خود را نسبت بشخص شما بپذیرایم یقیناً این جانب را دوست صادق خود بشناسید * « بارکلی ۰ ج »

عالیجناب ۰ و ۰ مورگان شوستر خزانه دار کل دولت امپراطوری ایران

—«« ۱۲ » مراسله سر جارج بارکلی به مستر شوستر »—

(۱) دولت ایران ابدا از همچه مقاوله اطلاع نداشت * چندی بعد هم یکی از رعایای دولت انگلیس بر طبق معاهده برای استخدام در وزارت پست و تلگراف با تصویب رسمی دولت انگلیس انتخاب و معین نمودم * « چون رعایت تصویب دولت انگلیس بملاحظه استخدام در تلگراف خانه هند واروپای هند لازم بود » و از طرف دولت روس هیچ اعتراضی رسماً یا غیر رسم در آن انتخاب اظهار نشد *

طهران : سفارت خانه انکلیس *

بیست و یکم اوت ۱۹۱۱ « مطابق بیست و پنجم شعبان ۱۳۲۹ »

مستر شوستر عزیزم . چنانچه اسباب زحمت نباشد روز جمعه ساعت پنج عصر برای ملاقات شما بیایم والا لطف فرموده ساعت دیگر را در همان روز یا روز دیگر بغیر از روز چهار شنبه معین بفرمائید با تعیین اینکه باید بخزانه داری بیایم یا بمنزل شخصی شما

دوست صادق شما * جارج بارکلی *

مجدداً تصدیع میدهد مخصوصاً میخواهم در باره راه آهن باشما گفتگو نمایم بسیار مایلم که چیزی در باب قرارداد « باهارت » قبل از انکه دولت ایران خودرا گرفتار پارتیش کند بشنوم

—«« ۱۳ » مراسله مستر شوستر به سر جارج بارکلی »—

طهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

سیزدهم سپتمبر ۱۹۱۱ « نوزدهم رمضان ۱۳۲۹ »

جناب ک . س . م . ج ... سر جارج بارکلی وزیر مختار دولت انکلیس مقیم طهران جناب وزیر محترمم بسیار خوش وقتم که بشما اطلاع دهم خواهشی را که « کتباً » در پانزدهم ماه کذشته از کرال بدوز نماینده کمپانی « مسرز » سایمن و برادران لندن نموده ام در باب استقراض چهار ملیون لیره انکلیسی سواد مراسله مزبوره در جوف است *

اکنون از دولت متبوعه و نفوذ شخصی جناب عالی امید معاونت در انجام این معامله دارم تا به خوشی و اطمینان تصفیه پذیرد * بانضمام تقدیم احترامات کامله جناب وزیر مختار محترمم . و . مورکان شوستر خزانه دار کل ایران *

—«« ۱٤ » مراسلهٔ مستر شوستر به سر جارج بارکلی »—

طهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

هیجدهم سپتمبر ۱۹۱۱ « مطابق بیست و چهارم رمضان ۱۳۲۹ »

سر جارج محترمم : تعویق در تحصیل اطلاع از وضع سلوک دولت متبوعهٔ جناب عالی و دولت روس در باره معامله مصوبه استقراض از کمپانی سایمن و برادران لندن قدری باعث پریشانی کار کردیده است و بی شبهه بعد از اینکه این معامله بکلی انجام کیرد تعویقات چند دیکری در کار خواهد بود اکر اشکال و مخالفی در این امر بروز

کردنی است بهتر است که بفوریت ممکنه از آن مطلع شوم تا به تدابیر دیگر مثل آن که اظهار نموده ام مشغول شوم *

بسیار مایلم که بدون تعویق و تأخیر پیش از این بدانم که رأی دولت شما در معامله مزبوره چیست وهر اقدامی هم که در تحصیل اطلاع از رأی دولت روس در باب این معامله بفرمایند از صمیم *

صداقت و صاف دلی که در طریقه این استقراضی بسیار با اهمیت قلب راضی ومتشکر خواهم بود *

در اظهار به سفارتین اتحاد شده یقیناً در تحصیل توضیح رأی سریع و صریح دولتین بما اجازت خواهد داد با تقدیم احترامات صمیمانه سر جارج محترمم : دوست بسیار صادق شما . و " مورگان شوستر خزانه دار کل ایران *

طهران سفارتخانهٔ اعلیحضرت پادشاه انگلیس ك . س . م . سر جارج بارکلی

—«(۱۵) مراسلهٔ سر جارج بارکلی به مستر شوستر»—

طهران : سفارت انگلیس *

بیست و سوم سپتمبر ۱۹۱۱ (مطابق بیست و نهم رمضان ۱۳۲۹)

شوستر عزیزم : کوشش خواهم نمود که رائی در بابت معامله کمپانی سلیمن تحصیل نمایم دوست صادق شما جارج بار کلی

طهران سفارتخانهٔ اعلیحضرت پادشاه انگلیس * جناب

ك . س . م . ج . سر جارج بار کلی

—«(۱٦) مراسله سر جارج بار کلی به مستر شوستر»—

طهران : سفارت خانهٔ انگلیس *

سوم اکتوبر ۱۹۱۱ « مطابق نهم شوال ۱۳۲۹ »

مستر شوستر عزیزم : از قرار یکه خبر رسیده درخصوص تشکیل و نظم ژاندارمری اگر بتوسط صاحب منصبان سویدی ممکن نباشد ممکن است ماژور استوکس به ریاست هیئت نظامی در اصفهان یا قریب به آن ولایت معین شود بدیهی است که یك شرط عمده اش این خواهد بود که قسمتی از آن هیئت که بحدود شمالی مأمور میشوند باید در تحت ریاست افسران ایرانی یا یکی از رعایای دولت کوچکی باشند *

آیا ممکن است رأی خود تان را در این باب اطلاع دهند *

دوست صادق شما * جارج بار کلی *

—«* (۱۷) مراسلهٔ جوابیهٔ مستر شوستر به سر جارج بار کلی *»—

طهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

پنجم اکتوبر ۱۹۱۱ (مطابق یازدهم شوال ۱۳۲۹)

سر جارج محترمم : در جواب مرقومهٔ سیزدهم اکتوبر شما میخواهم عرض نمایم که مسئلهٔ تخصیص محل ماموریت استوکس به اصفهان هم از حیث اصول معموله و هم بموجب قوانین معاملاتی خارج از بحث و موضوع است *

امید وارم وزرای خارجهٔ روس و انگلیس در موقعی متقاعد شده و باور خواهند نمود که وقتیکه بگویم استوکس را بجهت مشورت و معلومات خاصهٔ که دارد میخواهم در تشکیل ژاندارمری خزانه در اینجا یعنی در طهران مرا معاونت نماید غرض منهم مخفی یا حیلات نظامی و «آنتریکی» در بین نبوده است *

بعضی اوقات بیان وقایع آشکار و مقاصد ظاهرهٔ شخصیه بطوری مشکل بلکه غیر ممکن می شود که نمیتوان حقیقت امر را باور نمود ولی این مطلب کلیةً صدق و مطابق واقع است که نه از ظاهر و نه از فحوای عرایض من هیچ مطلب مهمی مستفاد نمیگشت که ماموریت استوکس را به اصفهان یا جای دیگر اختصاص داده او را پای بند نمایم که از آن محل رای داده در این جا مرا معاونت نماید *

سر جارج محترم من : آیا موقع نرسیده که دو دولت بزرگ بازیهای خود شان را در این موضوع ترک کرده! واضح و آشکار بگویند که در خصوص استخدام استوکس بقسمیکه عرض کرده بودم هنوز هم مایل بجاری داشتن مخالفت خود بوده و تا این درجه کافی نیست؟ با احترامات مهربانانه سر جارج محترمم " و "

مورگان شوستر . خزانه دار کل ایران *

(ك . س . م . ج سر جارج بار کلی)

—«* (۱۸) مراسله سر جارج بار کلی به مستر شوستر *»—

طهران : سفارت انگلیس *

(پنجم اکتوبر ۱۹۱۱ یازدهم شوال ۱۳۲۹)

شوستر عزیزم : چون رأی اختصاص محل ماموریت استوکس به اصفهان رسماً یعنی بتوسط وزارت خارجه اظهار شده باید امروز جواب آنرا بنویسم *

اگرچه بخواطرم میرسد سابقاً هم در بارهٔ عدم تخصیص محل ماموریت مشار الیه اظهاری نموده بودند ولی نخواستیم بدون توضیح این نکته جواب وزارت خارجه را داده باشم که اختصاص محل ماموریت استوکس به اصفهان منطقهٔ نفوذ منفوره (۱) را بدرجه تخصیص بشیراز ثابت نخواهد گردانید * دوست صادق شما ، جارج بارکلی

—«(۱۹) مراسله جوابیهٔ سر جارج بارکلی به مستر شوستر»—

طهران سفارت انگلیس *

دهم اکتوبر ۱۹۱۱ (مطابق شانزدهم شوال)

شوستر محترم من : پس از تقدیم منتها درجه تشکرات خود از مراسله شما عرض مینمایم که بعد از ظهر امروز منتظر ملاقات شما خواهم بود *

گمان نمیکنم دیگر در مسئله پارك شعاع السلطنه مشکلی در پیش باشد ولی یقین دارم بفرستادگان خود سفارش و غدقن اکید در اجتناب از ارتکاب امور غیر مهمه خواهند نمود زیرا که در صورت معارضه به نتیجه بسیار وخیمی مصادف خواهند شد *

دوست صادق شما * جارج بارکلی

—«(۲۰) مراسلهٔ جوابیهٔ مستر شوستر به سر جارج بارکلی»—

طهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

دوم نوبمبر ۱۹۱۱ (مطابق دهم ذیقعده ۱۳۲۹) شخصی است

سر جارج محترمم : رقعهٔ دعوت محبت آمیزانه و مهربانانهٔ شما و «لیدی» خانم بارکلی را (۲) « مسز » خانم شوستر و بنده زیارت نمودیم میزان فرح و انبساطیکه از دعوت شام

(۱) یعنی منطقه نفوذ منفوره در صورتی تصدیق و اعتراف میشد که اختصاص محل ماموریت ماژور استوکس به شیراز شده باشد ولی تعینش در اصفهان از این تصورات خارج است * مترجم

(۲) لیدی به خانمهائی خطاب میکنند که شوهر شان دارای لقبی باشد * مثل جارج بارکلی که به لقب « سر » مفتخر بود ولی مسز به زن هائی میگویند که شوهر شان دارای این مقام نباشد * مترجم

روز سیزدهم ماه جاری به همراهی شما حاصل شد به تقریر درمی آید ولی تصور میکنم روی هم رفته قبول این دعوت سفارت انگلیس بدون اینکه شما را از قضیه ذیل مطلع گردانم مناسب نباشد زیرا که مکتوب سرباز با امضائی به «تمس» لندن نوشته و بعبارات صریح از سبك سلوکی که دولت متبوعه شما نسبت بامور راجعه بمن و ملتی که مشغول خدمت گردنشان میباشم تنقید نموده ام اگرچه در آن بیانات اظهاریه مطالب شخصی راه نیافته و خودشما مسبوقید که همیشه نسبت بشخص جنابعالی اعزازات و احترامات کامله منظور نموده ام ولی تصور میکنم عدم حضور مسز شوستر و من در این مهمانی رسمی سفارت باعث رهائی شما از پریشانیهای محتمله گشته و خاطرتان از بعضی ملاحظات راحت بشود فقط برای رعایت همین نکته این کاغذ را مینویسم *

یقین دارم بخوبی ملتفت میباشید که بغیر از این ملاحظه هیچ امری مرا از درك شرافت میزبانی شما مانع نخواهد بود *

برای رفع هر قسم توهمات نا موافقی ممکن است عرض کنم که در صورتیکه صلاح بدانید مسز شوستر و من با نهایت خوشوقتی حاضریم که با شما و لیدی بارکلی من غیر رسم شام یا چیزی مثل میوه صرف نمائیم *

اگرچه عقیدهٔ شخصی خودم این است معاملات شخصی را با امور ارتباطی و تباینات پلتیکی را با روابط دوستانه نباید آمیخت ولی شاید دیگری در این عقیده با من شریك نباشد و شاید هم در موقعی تحدید این دو حالت و افتراقشان از یکدیگر ممکن بشود *

با این حال اگر بحضورمان مایل باشید حاضریم ولی بعد از رسید جواب این مکتوب از طرف شما آن هم در صورتیکه احتمال تنقید و نکته چینی از طرف هم قطاران شما در طهران نسبت بشما نرود

دوست صمیمی شما « و . مورگان شوستر

طهران سفارت انگلیس . خدمت . ك . س . م . ج

سر . جارج بارکلی

---

(۳۱) مراسلهٔ جوابیه سر جارج بارکلی به مستر شوستر

طهران سفارت انگلیس *

دوم نومبر ۱۹۱۱ (مطابق دهم ذیقعده ۱۳۲۹)

شوستر عزیزم : نهایت تشکر فوق العاده از مرقومهٔ دوستانه امروز شما حاصل و احترامات لایقه نسبت به مبداش تقدیم مینمایم در هر صورت اگر ما هم دعوت خود را ملتوی داشته و تأخیر انداخته تا در جریان امور بهبودی حاصل شود مناسبتر باشد این طرز سلوکی را که با کمال صداقت و یکرنگی نسبت بمن مبذول داشته اند حاکی از فرط مراحم و الطاف شما نسبت بخود میداند *

التفات فرموده سلام و احترامات فایقه مرا به مسز شوستر ابلاغ کنید و بطور یقین این جانب را دوست صادق خود بدانید *

جارج بارکلي

—«(۲۲) مراسله سر جارج بار کلی به مستر شوستر»—

طهران سفارت انکلیس *

هفتم نومبر ۱۹۱۱ (مطابق پانزدهم ذیقعده ۱۳۲۹)

شوستر عزیزم : آیا میتوانم فردا بقدر چند دقیقه شما را ملاقات بکنم ؟ *

میخواهم تلکرافیکه از طرف دولت متبوعه ام در باب استخدام مستر لکفر رسیده بشما ارائه نمایم و نیز مأمورم بعض ملاحظاتی را که البته خود شما هم ملتفت میباشید توضیح دهم *

اگرچه تا درجهٔ میتوانم بکویم هر وقت فردا را که میل داشته باشند حاضر خواهم بود ولی چون از نایب السلطنه نیز خواهش ملاقات نموده ام نمیدانم چه وقت را ایشان معین خواهند فرمود *

دوست بسیار صادق شما جارج بارکلی

—«(۲۳) مراسلهٔ سر جارج بار کلی به مستر شوستر»—

طهران سفارت انکلیس *

دهم نومبر ۱۹۱۱ « مطابق هیجدهم ذیقعده ۱۳۲۹ »

شوستر عزیزم : اگرچه یقین دارم تا کنون مکتوب سر باز شما اشاعه یافته ولی بسیار مایل و ممنون خواهم بود اگر ممکن باشد سواد آن مراسله را به بینم *

دوست بسیار صادق شما ۰ جارج بارکلی *

—«(۲٤) ایضاً مراسلهٔ سر جارج بار کلی به مستر شوستر»—

طهران ۰ سفارت انکلیس *

چهار دهم نوامبر ۱۹۱۱ « مطابق بیست و دوم ذیقعده ۱۳۲۹ »

شوستر عزیزم : سابقاً وعده کرده بودند که معاهده و قرار داد خود را یك مرتبه ارائه خواهند فرمود آیا بهمان وعده خود باقی میباشند , بنابر این فرض آیا ممکن خواهد بود معاهده مزبوره را به بینم ؟ سواد مکتوب شما را با نهایت شوق و دلچسپی تمام دیده ولی تصور میکنم نسبت بهر دو دولت قدری سختی نموده اید *

دوست صادق شما . جارج بار کلی *
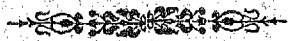
—«※ «۲۵» ایضاً مراسلهٔ سر جارج بار کلی به مستر شوستر ※»—

طهران . سفارت انگلیس *

پانزدهم نوامبر ۱۹۱۱ « بیست و سوم ذیقعده ۱۳۲۹ »

شوستر عزیزم . آیا برای شما ممکن است از صحت رأی که بدولت متبوعه خود داده ام مرا مطلع گردانید ؟ که رئیس الوزراء خواهش برداشتن ژاندارم و مستحفظین پارك شعاع السلطنه را از شما نموده وشما در جواب آن اظهار نموده اید که چون حکم ضبط و توقیف ملك مزبور به امضای هیئت کابینه و تمام وزراء بوده برداشتن ژاندارم موقوف به حکمی مثل حکم اولی خواهد بود *

دوست بسیار صادق شما * جارج بار کلی *

—«※ «۲۶» مراسلهٔ جوابیه مستر شوستر به سر جارج بار کلی ※»—

طهران . خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

پانزدهم نوامبر ۱۹۱۱ « مطابق بیست و سوم ذیقعده ۱۳۲۹ »

سر جارج محترمم : مراسلهٔ شما که راجع به استفسار از صحت حکم مشهور صمصام السلطنه و جوابیکه داده ام بود واصل گردید اگر چه خود بالطبع مایل و خوشوقتم که جمیع وقایع را شخصاً بشما اطلاع بدهم ولی چون علی الظاهر میخواهید که وقایع مزبوره را بدولت خود اطلاع بدهید نظر بموقع دقیق حالیه قدری مردد میباشم *

اجازت میطلبم نظیری برای این امر ذکر نمایم مثلاً اگر کسی از حقیقت قضیه استوکس وقبول حکومت هند استعفایش را از شما سوءال و خواهش اطلاع نماید آیا در انجام همچه خواهش مختار و آزاد خواهید بود ؟ آن هم در صورتیکه نتیجه صحیح آخری آن قضیه را ندانسته باشید چنانچه مایل باطلاع از این مسئله باشید با کمال خوشی و طیب

خواطر حاضرم بعنوان دوستانه آنجا آمده حقیقت قضیه شعاع السلطنه را شفاهاً بشما بگویم *
این فقره را عرض نمایم تا جائیکه خودم اطلاع دارم دو روز است که رئیس الوزراء و کابینه وجود ندارد *

با احترامات دوستانه ۰ دوست صادق شما ۰ و ۰ مورگان شوستر

« خدمت ك ۰ س ۰ م ۰ ج ۰ سر جارج بار کلی

—«« ۲۷ » مراسلهٔ جوابیه سر جارج بار کلی به مستر شوستر »—

طهران : سفارت انگلیس *

پانزدهم نومبر ۱۹۱۱ « مطابق بیست و سوم ذیقعده ۱۳۲۹ »

شوستر عزیزم : نقطه نظر و مقصود را کما هو حقه ملتفت شده و تلگراف نخواهم کرد *
در مکتوبیکه دیروز نوشته و ارسال آن را تا امروز فراموش نموده بودم اشاره بدین امر کرده بودم که مقصودم چیزی دیگر بوده است البته در ردّ مسئول من مختار و بکلی آزاد میباشید زیرا دیده می شود مطالبی را که تا چند هفته قبل مستعد اطلاع بودید شاید اکنون ممکن نباشد *

دوست بسیار صادق شما ۰ جارج بار کلی *

—«« ۲۸ » مراسله جوابیه مستر شوستر به سر جارج بار کلی »—

طهران ۰ خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

هفدهم نومبر ۱۹۱۱ « مطابق بیست و پنجم ذیقعده ۱۳۲۹ »

سر جارج محترم من : دو مراسله مورخه چهاردهم شما و اصل و از نقطه نظریکه دوستانه نسبت بمفاد کاغذ این جانب مبذول فرموده اند کمال تشکر حاصل کردید *
در ارائه نمودن سواد معاهده خود به شما ابداً عذری نداشته و هم چنین از اطلاع دولت شما نیز مضایقه نخواهم داشت در صورتیکه مطمئن بشوم از آنجا بجای دیگر « سفارت روس » نخواهد رفت ولی چون قرار داد معهود مطالبی نیست که بجز من و دوستانم و بغیر از دولت ایران بدیگری مربوط باشد اگر دولتی خواهش آن را بکند نتیجه نیکی تصور نمیتوان نمود با این حال اگر مایل بدیدنش باشید بطیب خواطر حاضرم که سواد آن را برای شما بفرستم *

با تقدیم احترامات دوستانه سر جارج محترم *

دوست صادق شما . و . مورکان شوستر

خدمت . ك . ج . سر جارج بار کلی *

—«(۲۹) مراسله مستر شوستر به سر جارج بار کلی»—

طهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

نوزدهم نومبر ۱۹۱۱ « مطابق بیست و هفتم ذیقعده ۱۳۲۹ »

سر جارج محترم من : کرنل بدوز فردا از راه پطرسبرگ عازم انکلستان است *

تصور میکنم اکر مشار الیه بتواند ملاقات شخصی با مسیو کوکوستف بکند از نقطه نظر دولتین انکلیس و روس بحال ایران نافع خواهد بود خیالات شخصی خود را راجع به امور مالیه و همچنین نقشه هائیکه میتوان بتدابیر عملی نظم صحیحی بروی کار آورد که باعث اطمینان دولت ایران و انکلیس و روس بشود کاملا بایشان توضیح داده و فهمانیده‌ام اکر شما هم این رأی را به پسندید بسیار ممنون خواهم شد اکر بتوانید معرفی کتبی از کرنل مزبور به سفیر انکلیس مقیم پطرسبرگ بفرمائید و در مکتوب خود از سفیر خواهش بفرمائید مشار الیه را با رئیس الوزرای روس ملاقات بدهد و اکر هم در مراسلهٔ خود اظهار بفرمائید که خواهش مزبور را بر حسب خواهش این جانب اظهار فرموده اند ضرری نخواهد داشت *

با تقدیم احترامات مهربانه * سر جارج محترمم *

دوست صمیم شما . و . مورگان شوستر *

خدمت جناب . ك . س . م . ج . سر جارج بار کلی وزیر مختار انکلیس *

—«(۳۰) مراسله شخصی سر جارج بار کلی به مستر شوستر»—

طهران : سفارت انکلیس *

دهم ژویه ۱۹۱۲ (مطابق نوزدهم محرم ۱۳۳۰)

مستر شوستر عزیزم : از یاد آوری و عبارات محبت آمیز شما نهایت درجه متشکر می باشم *

و بسیار متأسفم از اینکه چرا پیش از این از ملاقات شما محظوظ نشدم امیدوارم روزی با هم ملاقات نمائیم که وضع جریان امور بهتر و مسئولیت و مجبوریت در آن کمتر باشد راحتی و آرامی مسافرت شما را طالب و تفرجهای مطبوع پاریس را اکر در آنجا توقف بفرمائید برای شما آرزو مندم * دوست بسیار صادق شما . جارج بار کلی *

(دوم)

—«※ سواد مراسلات بین مستر مورگان شوستر خزانه دار ※»—

※ کل دولت امپراطوری ایران و عالی جناب ※

※ س پاکلیوسکی کزیل وزیر مختار روس مقیم طهران ※

—«※ (۱) مراسله مستر شوستر بمسیو پاکلیوسکی کزیل وزیر مختار روس ※»—

طهران خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

دهم اوت ۱۹۱۱ (مطابق چهاردهم شعبان ۱۳۲۹)

توسط وزیر امور خارجهٔ ایران خدمت عالی جناب · س · پاکلیوسکی کزیل وزیر مختار روس در طهران جنابعالی برحسب حکم نمبر ۲۰۵ وزارت جنك دولت امپراطوری شرف اظهار دارم که یك طغرا حوالهٔ سیصد و شصت هزار و سیصد و نود و پنج روبل بانك شاهنشاهی ایران را که برای تأدیهٔ قیمت هفت هزار قبضهٔ تفنك رپفل و سه ملیون و پانصد هزار عدد فشنگی میباشد که سابقاً بر حسب تصویب مجلس خرید شده تقدیم نمایم *

امیدوارم رسید مبلغ مزبور را که درجوف است امضا فرموده در موقع فرصت مسترد دارند * با تقدیم احترامات صمیمانه *

دوست صادق جناب عالی * · و · مورگان شوستر خزانه دار کل ایران *

(طهران * سفارت روس)

—«※ (۲) مراسلهٔ جوابیهٔ موسیو پاکلیوسکی کزیل بمستر شوستر ※»—

طهران : سفارت روس *

توسط وزیر امور خارجه ایران * خدمت جناب · و · مورگان شوستر خزانه دار کل ایران طهران دوازدهم اوت ۱۹۱۱ (مطابق شانزدهم شعبان ۱۳۲۹)

مستر مورگان شوستر محترم : بسیار متشکرم از مراسله دهم اوت شما و حواله سیصد و شصت هزار و سیصد و نود و پنج « روبل » منات به بانك شاهنشاهی ایران از بابت قیمت تفنگهای رپفل و فشنگهائیکه بجهة ایران از روسیه خرید شده است *

رسید مبلغ مزبور در جوف است دریافت فرمائید *

مستر مورگان شوستر عزیزم : دوست صادق شما . س . پاکلیوسکی کزیل *

—«※ (۳) مراسله مستر شوستر به مسیو پاکلیوسکی ※»—

※ کزیل وزیر مختار روس ※

طهران . خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

نوزدهم اوت ۱۹۱۱ (مطابق بیست و سوم شعبان ۱۳۲۹)

وزیر محترم من : اکنون بتوسط وزارت خارجه مطلع شده ام که تأدیه حقوق و مواجب بریگاد قزاق قدری تعویق افتاده است چون از اینجانب خواهش شده است که معجلاً این امر را با جنابعالی انجام دهم لهذا برای تصفیه آن حاضر میباشم *

تاکنون مطمئن بودم که بانك استقراضی در مواقع لازم تأدیه مواجب بریگاد قزاق را اطلاع خواهد داد چنانکه در فقرهٔ شانزده هزار و سیصد و چهار تومان و نه قران بابت بعضی مخارج که در هیجدهم ژوییه ۱۹۱۱ « بیست و یکم رجب ۱۳۲۹ » بانك مزبور اطلاع داد فوراً حوالهٔ آنرا فرستادم اینك معلوم شده که بدون اطلاع من تأخیری در مواجب بریگاد واقع شده است اگرچه از وقوع این تعویق بسیار متأسفم ولی این نکته را هم عرض مینمایم که در این باب خود را مقصر و مسئول نخواهم دانست با این حال در هر موقع و در هر وقت ساعی و مستعد در تأدیهٔ حقوق بریگاد بوده تا احترام ضمانت دولت ایران را در قرارداد دسمبر ۱۹۱۰ « ذیحجه ۱۳۲۸ » برقرار دارم *

پس بعقیده این جانب برای جلوگیری از وقوع تعویق در آتیه مناسب است که در صورت وقوع تأخیر بانك استقراضی یا کرنل بریگاد فوراً مقدار وجه پرداختنی را اطلاع دهند تا منهم بتوانم مقدار آن وجه را به دفتر بانك حواله داده و باسم کرنل یا صاحب منصبی که برای قبض و اقباض آن مبلغ معین میشود تبدیل نمایم به همان ترتیب که انتقال قروض سالانه بعمل می آید تصور میکنم این ترتیب از حیث عبارت و مفاد و موافق با قرارداد مذکور و باعث تأمین کامل برای تأدیهٔ این گونه مخارج از گمرکات شمالی خواهد بود *

تصور میکنم در این معامله و برای منع از وقوع تعویق در آینده چنانچه مرضی جنابعالی باشد مبلغی که باقی است فوراً پرداخته شود بشرط اینکه در آتیه نظیر این

واقعه دیده نشود فقط بلاحظه ضیق وقت این ترتیب رعایت شده است *

این را هم عرض کنم چون فردا که یکشنبه است ناهار در قلهك خواهم خورد امیدوارم بعد از ظهر خدمت شما رسیده شاید چند دقیقه بتوانیم در این موضوع باهم گفتگو نمائیم *

با تقدیم احترامات دوستانه . وزیر محترم من :

دوست بسیار صادق شما . و . مورگان شوستر .

(زرگنده خدمت جناب . س . پاکلیوسکی کزیل وزیر مختار روس)

—«(٤) مراسلهٔ جوابیه مسیو پاکلیوسکی کزیل به مستر شوستر »—

طهران . زرگنده . سفارت روس *

بیستم اوت ۱۹۱۱ (مطابق بیست و چهارم شعبان ۱۳۲۱)

مستر مورگان شوستر محترمم : بسیار متشکرم از مراسله و خواهش شما در باب تصفیه وجه پرداختنی به بریگاد قزاق *

بهر حال متاءسفم از دستور العملهای موکدیکه از طرف دولت متبوعه ام در این باب رسیده و تخطی از آن برای من ممکن نیست دولت متبوعه ام همیشه ساعی است که دول مشرقیه را قویاً مجبور و مقید به تعمیل و اجرای ظاهر عبارات معاهداتشان نماید زیرا وقوع هر گونه تخلف درمعاهدات بسهولت تمام باعث نقض احترام آنها میشود معاهده دهم دسمبر ۱۹۱۰ « مطابق هفتم ذیحجة الحرام ۱۳۲۸ » متعلق به این شرط است که باید بعضی مخارج دولت ایران بتوسط بانك خودمان با مداخله و تصویب فقط ادارهٔ گمرك پرداخته شود از طرف دولت متبوعه ام تاکید شده است که مواظبت نمایم تا انقضاء مدت معاهده تغییری در مواد آن بظهور نرسد باین جهت امیدوارم تفویض اختیارات را بجهت همیشه یا برای چند سال به مسیو مورنارد مناسب خواهید دانست که احکام خودرا برای تاءدیهٔ هر مبلغیکه در معاهده فوق الذکر مندرج است به بانك ما بفرستد *

چون مصارف بریگاد در هیجدهم ژوبهٔ گذشته فوق العاده و خارج از بودجه سالانه و مفاد معاهده مزبوره بود تادیه اش بدون تصویب صریح شما ممکن نبود *

از ملاقات امروز عصر با شما بسیار خوشوقت و امیدوارم این ملاقات دوستانه سوء تفهمات را درآینده ممتنع الوقوع ساخته یك جهتی قلبی را که همیشه خواستار آن بوده ام تسهیل بخشد با احترامات مهربانانه مستر مورکان شوستر عزیزم *

دوست صادق شما . س . پاکلیوسکی کز یل *

—«(۵) مراسله . س . پاکلیوسکی کزیل به مستر شوستر»—

طهران . سفارت روس *

دوم سپتمبر ۱۹۱۱ (مطابق هشتم رمضان ۱۳۲۹)

مستر مورگان شوستر عزیزم : اکنون تلگرافی از طرف دولت متبوعه ام رسیده که سه روز قبل مخابره شده بود *

قبل از آنکه جوابی از مذاکرات شفاهی دو هفته قبل بدهم عرض میکنم که دولت متبوعه ام استفسار مشروحی از تشکیل و تعداد و محل اقامت و مأموریت ژاندارمری خزانه نموده و هم چگونگی وظایف و مشاغل هیئت مزبوره واینکه آیا ژاندارمری دیگری هم بجهت اصلاح سایر امور لازم خواهد شد یا فقط منحصر بهمین دسته ژاندارمری خزانه می باشد که امور متعارفی ژاندارمری را بانضمام جمع آوری مالیات انجام دهد ؛

نکته دیگر که توضیحش نیز لازم است اینستکه در صورتیکه مأموریت ماژور استوکس پس از ششماه بجنوب ایران تبدیل شود ریاست ژاندارمری نقاط شمالی هم با مشار الیه خواهد بود آیا این امر ممکن است که پس از انقضای ششماه یکی از افسران سویدی رئیس کل ژاندارمری معین بشود وماژور استوکس فقط بصرف اسم در تحت ریاست افسر سویدی آنهم خارج از منطقه نفوذ روس خدمت نماید ؟ و آیا ممکن است که این دو شرط جزء قرار داد مشار الیه ذکر شود ؟

اختیار این شق آیا از سایر شقوق انسب نخواهد بود که از اول یکنفر صاحب منصب درجه اعلای سویدی بریاست ژاندارمری خزانه مأمور شده وماژور استوکس برای ششماه در طهران بماند تا افسر سویدی را معاونت نماید بانضمام این شرط که پس از انقضاء مدت مزبوره محل مأموریتش بمنطقه نفوذ انگلیس یا بی طرف تبدیل شود ؟ بدون شبهه دولت ایران لازم است توضیح و اطمینانات کامله درچگونگی و « حدود اراضی » محل مأموریت و فعالیتهای ماژور استوکس بدهد بنظر شما آیا دولت ایران در این کار مستعد میباشد ؟

بسیار ممنون و متشکر خواهم بود اگر در توضیح روشن و جامع فقرات مذکوره مرا معاونت نمایند تا بتوانم بدولت متبوعه خود اطلاع دهم یقین دارم اصلاح و تصفیه

امور تا درجه و سابقی منوط به نوعیت جواب شما خواهد بود *

مستر شوستر عزیزم مرا دوست صادق خود بدانید · س · پاکلیوسکی کزیل *
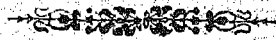
—«※ (٦) مراسلهٔ جوابیه مستر شوستر به ※»—

※ س · پاکلیوسکی کزیل وزیر مختار روس ※

طهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

سوم سپتمبر ۱۹۱۱ (مطابق نهم رمضان ۱۳۲۹)

وزیر محترم من : مکتوب دوم ماه جاری شما راجع به بعضی سئوالات دولت متبوعه تان متعلق به اقدامات و ترتیبات ژاندارمری خزانه قبل از آنکه جواب مذاکرات دوستانه تقریباً دو هفته قبل مارا بدهد واصل گردید *

جواباً عرض میشود با نهایت خوشوقتی تمام اطلاعات خود را راجع به امور مذکوره تا درجه که بنظرم میرسد اظهار میکنم *

اما در فقرهٔ تشکیل و تعداد و وظایف ژاندارمری خزانه غرض عمده ازاین تشکیل چنانکه از ظاهر اسمش مستفاد میشود جمع آوری مالیات است با مداخلات صریحه ولی در تحت احکام نمایندکان خزانه دار کل وهم برای برقرار داشتن امنیت عمومی که از فقدانش اقلاً وصول مالیات در این مملکت ممتنع میگردد تشکیل این هیئت‌را هم ایرانیان خواهند داد به استثناء چند نفر صاحب منصب مفتش اروپائی و امریکائی واز حیث عدد هم تصور میکنم از هر جهت تخمیناً از دوازده تا پانزده هزار نفر لازم خواهد شد که با کمال درستی و صداقت وظایف خود شان را در تمام مملکت انجام دهند اگرچه یقین دارم تا هیجده ماه دیگر یا بیشتر به تشکیل عدد کامل محتاج و نائل نخواهیم شد *

واما دراین فقره که تشکیل ژاندارمری دیگری هم محل احتیاج واقع خواهد شد رائی مستقیم خودم اینستکه با وجود این هیئت نظامی دو فوج دیگر هم لازم و مقرون بصرفه نخواهد بود عقیدهٔ خودم اینستکه در اکثر مواقع فقط یك هیئت نظامی «بادسیپلین» منظمی برای برقرار داشتن امنیت و نظم عمومی کافی خواهد بود وبرای اسکات جنبش شورشیان هر محل فوجی که دارای اقتدارات پولیس باشد نیز کافی‌است مگر در صورتیکه شورش بدرجه سخت شود که توجه قوای نظامی را بطرف خود منعطف سازد *

اما در فقرهٔ سئوال شخصی خودشما در باب ماموریت ماژور استوکس عرض‌میکنم

که چون مشار الیه را برای ریاست کل ژاندارمری در تمام مملکت انتخاب نموده و قرار داد سه ساله هم با او بسته ام قصد مقرر داشتن هیچ صاحب منصبی را فوق ماژور موصوف ندارم تا اینکه بتواند با کمال اطمینان خدمات خود را انجام دهد امور و مناسباتیکه باعث انتخاب او شده همان مناسبات باعث برقراریش به این خدمت میباشد تا آنکه خدماتش را با کمال اطمینان انجام دهد *

محدود نمودن محل استخدام ماژور استوکس هم به خارج از منطقه نفوذ روس چه در قرار دادش و چه بعنوان دیگر نظر بدلائی که سابقاً اظهار نموده و یقین دارم دولت شما هم بخوبی آن را ملتفت است قابل تأمل و مذاکره نیست *

قصد ندارم دیگری را بجای ماژور استوکس برای معاونت اول در انتظامات ژاندارمری خزانه انتخاب نمایم زیرا که لیاقتهای مشار الیه با دلایل متقنه بقسمی مشهور است که محتاج به تکرار نیست ماژور موصوف در تحت او امر شخصی من بوده هیچ مسلک و طریقهٔ را بجز اجرای دستور العملهای شخصی من پیروی نخواهد نمود *

اما در بابت فقره ما قبل آخر مکتوب شما عقیده صاف و صریح من در این باب اینست که دولت ایران هیچگاه حاضر نمیباشد اطمینانی در تحدید حدود ارضی و تعیین محل عملیات ماژور استوکس بدهد در این صورت منهم در این باب حاضر نخواهم بود قصد خودم اینست که خدمات مشار الیه را در تمام مملکت بقسمی جاری و ساری بدارم که در زمان مسئولیتم برای اصلاحات مالیه بهترین طرق اصلاح باشد *

وزیر محترم من : همیشه ساعی میباشم که تمام خیالات خود را راجع به این معامله با کمال صداقت و پاك دلی اظهار نمایم و امید وارم از بیان فوق دولت شما ملاحظه خواهد نمود که غرض اصلی و منظور حقیقی در این امر فقط تشکیل هیئت موثره صحیحی است برای تکمیل شغل مشکلی که با ست گرفته ام لازم نیست عرض بکنم که از اصلاح جدید مالیه و عایدات داخلی ایران چه منفعت کلی به تمام فواید و اغراض رعایای داخله و خارجه هائیکه با دولت ایران مربوطند خواهد رسید *

با تقدیم احترامات دوستانه وزیر محترمم . و . مورگان شوستر خزانه دار کل ایران *

(نزد کننده . خدمت . مسیو پاکلیوسکی کزیل وزیر مختار روس)

—((۷) مراسله مستر شوستر به مسیو پاکلیوسکی)—

کزیل وزیر مختار روس

طهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

پنجم سپتمبر ۱۹۱۱ (مطابق یازدهم رمضان ۱۳۲۹)

وزیر محترم من : از قراریکه مطلع شده ام مفاد مکتوب دو روز قبل مرا بوضع غریبی تأویل فرموده وآنرا اختتام عمدی بحث در معامله ماژور استوکس تصور نموده‌اند اگر این قسم است اجازت می طلبم عرض کنم که هیچوخیالی ابداً در متخیله منهم خطور ننموده و از مراسله دوم ماه جاری شما هیچگاه استنباط بحث در معامله مذکوره ننموده ام بلکه همان قسمیکه از ظاهر عبارتش مستفاد میشد تصور نمودم که فقط خواهش توضیح مفصل جامعی است که شما و دولت شما مایل به اطلاع از آن بوده تابتوانند عملیات آینده خود را بر طبق آن منظم گردانند وبهمین جهت بود که سعی کردم در جواب مراسله شما بیان جامع وواضح مسایل مصوبه دولت ایران را تشریح نمایم بسیار متأسف خواهم بود اگر در مضمون مکتوب جوابیه این جانب تصور ضرری فرموده یا آنکه نسبت بمن بدگمان شوید از ابتدای مذاکرات اصلیه در این باب ملتفت بودم که شاید بتوانم دولت شما را از مشکلات امور این دولت و همچنین مشکلات امور خودم خصوصاً در همین فقره مطلع گردانم تا آنکه مایل بسلوك مهربانانه ورفتار دوستانه شده اعتراضاتی را که در باب معاهده ماژور استوکس تا بحال جاري داشته ترك نماید اگرچه مقصود اصلی از ملاقات دیروز با شما این بود که رأی جدید دولتتان را در این معامله استنباط نمایم ولی بعد چنانکه از مضمون مراسلهٔ شما ظاهر شد تصور می نمایم شاید قبل از آنکه اطلاعات صحیحه و مفصله بیش از آنکه اظهار شده و امیدوار بودم از جواب این جانب استنباط کرده تحصیل نمائید راضی به اظهار و مسلك حاضر در تشریح مقاصد آتیه دولت خود نباشید*

بسیار مایلم که بزودی شما را ملاقات کنم خصوصاً در صورتیکه از مضمون کاغذ من شبهه و تردیدی در خیال شما راه یافته باشد کوشش میکنم که فردا ساعت سه بعد از ظهر چنانچه برای شما زحمت نباشد بزرگنده بیایم خواهش مندم مناسبت و مساعدت وقت مزبور را التفات فرموده به کرنل بدوز اطلاع دهید مشار الیه هر قسم و بهر وسیله که باشد به اینجانب اطلاع خواهد داد با تقدیم احترامات دوستانه وزیر محترم من *

دوست بسیار صادق شما « و » مورگان شوستر « خزانه دار کل ایران *

(زرگنده « خدمت عالیجناب س » پاکلیوسکی کزیل وزیر مختار روس) *

—«(۸) مراسله جوابیه مستر شوستر به • س • پاکلیوسکی کزیل»—

طهران • خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

سوم سپتمبر ۱۹۱۱ (نهم رمضان ۱۳۲۹)

وزیر محترمم : (۱) مکتوب دوم ماه جاری شما راجع به بعضی سئوالات دولت متبوعه تان متعلق به اقدامات و ترتیبات ژاندارمری خزانه قبل از آنکه جواب مذاکرات دوستانه تقریباً دو هفته قبل مارا بدهید واصل گردید *

جواباً عرض می شود با نهایت خوشوقتی تمام اطلاعات خود را راجع بامور مذکوره تا درجه که بنظرم میرسد اظهار میکنم *

اما در فقرهٔ تشکیل و تعداد و وظایف ژاندارمری خزانه غرض عمده از این تشکیل چنانکه از ظاهر اسمش مستفاد میشود جمع آوری مالیات است با مداخلات صریحه ولی در تحت احکام نمایندکان خزانه دار کل وهم برای بر قرار داشتن امنیت عمومی که از فقدانش اقلاً وصول مالیات دراین مملکت ممتنع میگردد تشکیل این هیئت را هم ایرانیان خواهند داد به استثناء چند نفر صاحبمنصب مفتش اروپائی و امریکائی و از حیث عدد هم تصور میکنم از هر جهة تخمیناً از دوازده تا پانزده هزار لازم خواهد شد که با کمال درستی و صداقت وظایف خود شان را در تمام مملکت انجام دهند اگرچه یقین دارم تا هیجده ماه دیگر یا بیشتر به تشکیل عدد کامل محتاج و نایل نخواهیم شد *

و اما در این فقره که تشکیل ژاندارمری دیگری هم محل احتیاج واقع خواهد شد رأی مستقیم خودم اینست که با وجود این هیئت نظامی دو فوج دیگرهم لازم ومقرون بصرفه نخواهد بود عقیده خودم این است که در اکثر مواقع فقط یك هیئت نظامی با «دسیپلین» منظمی برای بر قرار داشتن امنیت و نظم عمومی کافی خواهد بود و برای اسکات جنبش شورشیان هرمحل فوجی که دارای اقتدارات پلیس باشد نیز کافی است مگر درصورتیکه شورش بدرجه سخت شود که توجه قوای نظامی را بطرف خود منعطف سازد *

و در خصوص سئوالات شخص خود تان همین قدر عرض میکنم که امیدوارم بزودی شمارا ملاقات نموده وسعی خواهم کرد در آن ملاقات تا اندازه که مطلع میباشم توضیح دهم *

وزیر محترم من : همیشه ساعی میباشم که تمام خیالات خود را راجع به این معامله

---

(۱) این کاغذ عوض کاغذ سوم سپتمبر فرستاده شد تا بجای آن بگذارند * یعنی در دفتر رسمی سفارت ثبت و ضبط نمایند *

باکمال صداقت و پاک دلی اظهار نمایم و امیدوارم از بیان فوق دولت شما ملاحظه خواهد نمود که غرض اصلی و منظور حقیقی در این امر فقط تشکیل هیئت موثره صحیحی است برای تکمیل شغل مشکلی که بدست گرفته ام لازم نیست عرض کنم که از اصلاح جدید مالیه و عایدات داخلی ایران چه منفعت کلی به تمام فواید و اغراض رعایای داخله و خارجه هائیکه با دولت ایران مربوطند خواهد رسید *

با تقدیم احترامات دوستانه وزیر محترم من

و . م . مورگان شوستر . خزانه دار کل ایران *

زرکننده . خدمت جناب س . پاکلیوسکی کزیل وزیر مختار روس *

—«(۹) مراسلهٔ مستر شوستر به س . پاکلیوسکی کزیل
وزیر مختار روس»—

طهران . خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

سیزدهم سپتمبر ۱۹۱۱ (مطابق نوزدهم رمضان ۱۳۲۹)

وزیر مختار بسیار محترم من : با کمال مسرت و خوشوقتی اطلاع میدهم که در پانزدهم ماه قبل از کرنل بدوز نمایندهٔ (کمپانی) مسرز سایمن و برادران درخواست قرضهٔ چهار ملیون لیرهٔ انگلیسی نموده ام سواد آن درجوف است اکنون محبت و همراهی دولت متبوعه و نفوذ شخصی خود شما را امیدوار و طالبم تا باطمینان تمام تصفیه پذیرد *

با تقدیم احترامات کامله دوست صادق شما

و . م . مورگان شوستر خزانه دار کل ایران *

(خدمت جناب س . پاکلیوسکی کزیل وزیر مختار)

—«(۱۰) مراسله مستر شوستر به وزیر مختار روس»—

طهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

سیزدهم سپتمبر ۱۹۱۱ «نوزدهم رمضان ۱۳۲۹»

وزیر محترم من : ممکنست استفسار نمایم که آیا از طرف دولت خود مختار میباشید در دادن اطلاع نتیجهٔ مذاکرات سابقه راجع به استخدام ماژور استوکس؟ چون از تعویق هر روز در امر بار سنگینی بر یکی از شعب کارم افزوده می شود زحمت دادم *

با تقدیم احترامات دوستانه وزیر محترمم : دوست بسیار صادق شما .

و . مورگان شوستر خزانه دار کل ایران *

(طهران . خدمت جناب س . پاکلیوسکی کزیل وزیر مختار روس)

—«(۱۱) مراسله جوابیهٔ سفارت روس به مستر شوستر»—

طهران . سفارت خانه روس *

شانزدهم سپتمبر ۱۹۱۱ (بیست و دوم رمضان ۱۳۲۹)

مستر مورگان شوستر محترم من : هنوز از دولت متبوعه خود چیزی در فقره استخدام ماژور استوکس نشنیده و منتظر جواب آن میباشم شاید علت تأخیر جواب خارج شدن امپراطور از پطرسبرگ بوده باشد *

بمجرد اینکه تلگراف برسد دقیقه در اطلاع بشما تأخیر و تضییع وقت نخواهم نمود *

با تقدیم احترامات دوستانه . دوست صادق شما

س . پاکلیوسکی کزیل *
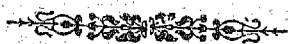
—«(۱۲) مراسله سفارت روس به مستر شوستر»—

طهران . سفارتخانه روس *

پانزدهم اکتوبر ۱۹۱۱ « مطابق بیست و یکم شوال ۱۳۲۹ »

مستر شوستر عزیزم : ترتیب جدیدیکه در مسئله استخدام ماژور استوکس در مذاکرات سابقهٔ اظهار نموده بودید بدولت متبوعه خود پیشنهاد نمودم اکنون جواب آن بمضمون (۱) ذیل رسیده است که چون متأسفانه از سوء اتفاق معلوم میشود که تحدید محل شغل ماژور استوکس بجنوب ممکن نیست لذا دولت من مجبور است که برخلاف مأموریت صاحب‌منصب مذکور بریاست ژاندارمری مالیه ایران «پروتست» تعرض نماید *

مرا دوست صادق خود بدانید س . پاکلیوسکی کزیل *

—«(۱۳) مراسلهٔ وزیر مختار روس بمستر شوستر»—

(۱) این آخرین انکار روس بود از بس گرفتن اعتراض خود درباره استخدام ماژور استوکس * تا آن زمان با سفارتین روس و انگلیس مشغول مراسله بودم که بشروط مخصوصه آنها را بخدمات بسیار مهم ماژور استوکس بقسمیکه منافی با شناختن منطقه های نفوذ هم نباشد راضی نمایم *

دهم ژانویه ۱۹۱۲ (مطابق نوزدهم محرم ۱۳۳۰) شخصی است مستر شوستر عزیزم : از مراسله مهربانانه که خیلی موثر واقع شد کمال تشکر حاصل گشت . . . . همواره از تجدید یاد ملاقات شخصی بسیار پسندیده و دلنشین شما درآینده مسرور خواهم بود . . . . .

با تقدیم بهترین آرزوی خوشی سفر شما مستر شوستر عزیزم :

دوست بسیار صادق شما . س . پاکلیوسکی کزیل *

(سوم)

—«* سواد قرار داد بین خزانه دار کل ایران *»—

* و ماژور س . ب . استوکس * *

بیست و چهارم ژوییه ۱۹۱۱ (مطابق بیست و هفتم رجب ۱۳۲۹) .

ما بین . و . مورگان شوستر نماینده با اقتدار و خزانه دار کل دولت ایران و ماژور س . ب . استوکس رعیت انگلیس و مستخدم سابق فوج هند ساکن شهر طهران قرار دادی مطابق فصول ذیل منعقد و بامضاء رسید *

« ۱ » بموجب اختیاراتیکه از طرف دولت شاهنشاهی ایران بموجب قانون مصوبه بیست و سوم جوزای ۱۳۲۹ مجلس به خزانه دار کل ایران تفویض شده مجاز و مختار میباشد در تشکیل هیئت نظامی مخصوصی برای نظارت «و امداد در وصول» مالیه و همچنین در بستن معاهدات با معاونین مالیه که جز و هیئت مخصوصه ناظره باشند با تصویب مجلس و نیز بموجب اختیاریکه بر حسب قوانین بعد از طرف مجلس بخزانه دار کل داده شده مجاز خواهد بود در قرار داد با شخص اروپائی که مقیم ایرانست بجهت استخدام مشار الیه بعنوان معاونت خزانه دار کل در شعبهٔ تنظیم ژاندارمری خزانه شروط این قرارداد کلیهٔ مطابق شروط قرار داد های با سایر معاونین مالیه و خزانه دار کل میباشد *

«۲» دولت امپراطوری ایران بموجب این قرارداد ماژور س . ب . استوکس را مأمور و مستخدم میکرداند بشغل معاونت خزانه دار کل خصوصاً در نظم و ترتیب اداره ژاندارمری خزانه بمدت سه سال کامل از ابتدای تاریخ این قرار داد *

«۳» دولت شاهنشاهی ایران بموجب این قرار داد متعهد و متقبل می شود تأدیه مبلغ پنجهزار «دالر» سکه رایجه ممالک متحده امریکا یا معادل قیمت آن را به لیره انگلیسی که سالانه بدوازده قسط در آخر هرماه بعنوان معاونت مالیه بماژور استوکس موصوف بدهد

«۴» ماژور استوکس تمام فصول این قرار داد را که ذکر شده و میشود متقبل و متعهد است که در تمام امتداد مدت این قرارداد عموم فرایض خود را بعنوان معاونت مالیه خزانه دارکل با کمال صداقت و درستی و داشتن اقتدارات بمواجب مزبور انجام دهد*

«۵» ماژور مزبور در انجام فرایض مستخدمیش از احکام و قوانین خزانه دارکل ایران تمکین و اطاعت خواهد نمود *

«۶» در صورتیکه از ماژور مشارالیه در ادای تکالیف و وظایفش راجع به تمکین و انقیاد از دستور العمل و قوانین مزبوره تعلل و مسامحه بروز نماید دولت شاهنشاهی ایران حق خواهد داشت پس از اظهار خزانه دار کل مشار الیه را از خدمتش منفصل و این قرار داد را بدون تأدیه حقوق شش ماه فسخ نماید *

«۷» در صورتیکه ماژور استوکس قبل از انقضای مدت این قرار داد بطیب خاطر مستعفی شود حقوق و اجرتش بقدر ایام خدمتش خواهد بود *

«۸» بموجب این قرار داد ماژور استوکس متعهد است که درامور مذهبی و سیاسی سلطنتی ایران بهیچ وجه مداخله نکند مگر تا درجه که اجرای وظایف حقه اش اورا مجاز بدارد *

«۹» بر حسب این قرار داد ماژور استوکس متعهد میشود که در تمام مدت استخدامش بهترین مساعی و مجدترین کوششهای خود را در تعمیر مالیات و از دیاد عایدات دولت شاهنشاهی ایران بکار برده آبادی و ترقی مملکت و بهبودی و ترفیه حال ملت و شرف و احترام دولت ایران را در دایرهٔ فعالیت خود مطابق قانون کاملاً پیشنهاد و وجههٔ همت خود سازد *

هاء

——:O:——

—«※ نطق مستر ه . ف . ب لینچ عضو کمیته ※»—

※ (انجمن) ایرانیان لندن ※

در دعوت شامیکه از طرف اعضاء انجمن مزبور به اعزاز . و . مورگان شوستر در «سوای هوتل» لندن بتاریخ بیست ونهم ژانویه ۱۹۱۲ (مطابق هشتم صفر ۱۳۳۰) داده شد

※ معاهدهٔ ۱۹۰۷ انگلیس و روس قابل توجه دولت انگلیس است ※

رئیس مجلس (مستر لینچ مزبور) خانم ها آقایان اکنون جام سلامتی مهمان امشب خود مستر مورگان شوستر را بهمه تکلیف میکنم کمیتهٔ ایران در استقبال مستر شوستر و دعوت از این هیئت محترمه برای ملاقات ایشان مسلکی اختیار کرده که بکلی مطابق عقاید سابقه اش میباشد از همان ابتدا که این کار دقیق بسیار مشکل بمستر مورگان شوستر سپرده شد نظر بموانعیکه در راه پیشرفت مأموریت و انجام وظایفش انداخته میشد مشار الیه همواره طرف حمایت و توجه ما بوده است همچو تصور مینمایم در تابستان گذشته بود که خدمت وزیر خارجه رفته و ماهیت موانع مزبوره را به ایشان اظهار و حقیقتشرا تشریح و توضیح نمودیم و از جناب ایشان رفع آن موانع را تا درجهٔ که ممکن است استدعا کردیم بسیار مایلم رائی را که در هفتم نومبر گذشته در مجلس وکلای عمومی در موقعیکه عدد نمایندگان کامل بود متفقاً امضاء نموده خدمت وزیر خارجه فرستادیم برای شما بخوانم زیرا رأی مزبور تشریح و مدلل میکند نقطه نظر و مسلك مطابق قانون و معمولی اعضای کمیتهٔ ایران را که در نظر داشتیم . . . . (نظر باهمیت و فواید این مملکت) باید مالیات ایران بر بنیاد صحیحی گذارده شود تا بدان وسیله بتواند قادر بر اصلاحات لازمه ادارات به انضام تسهیل وسایل و تأمین عبور و مرور در آن مملکت بشود*

« نظر به اینکه مستر مورگان شوستر از حیث خزانه دار کل با کفایت و با تجربه بودن خود را در نظم و اصلاح امور مالیه ثابت گردانیده این «میتینك» (مجمع) اعضاء کمیته توجه کامل دولت اعلیحضرت (انگلیس) را بطرف مشکلاتی که دولت روس در راه پیشرفت مساعی مستر شوستر در اصلاح امور مالیه ایران افگنده است معطوف ساخته حمایت خود را از مشار الیه در هر اقدامیکه دولت اعلیحضرت به نام یکی از امضاء

کنندگان معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس مناسب بدانند تقدیم مینمائیم » *

این بود رأی مزبور و من بسیار متأسفم از پذیرائی بسیار خنکی که در ماه نوامبر از آن رأی کرده شد البته کسانیکه مواظب جریان امور ایران بوده خواهند دانست که پس از پیشنهاد این رأی به اندك فاصله روس اولتیماتومهای خود را به ایران فرستاده و در اولتیماتوم دوم عزل مستر شوستر را خواستگار شد تا کنون هنوز نتوانسته ام از مأخذ صحیحیکه دولت روس بموجب آن انفصال مشار الیه را خواست مطلع شوم تصور میکنم باید در پارلمان « انگلیس » بر این نکته پسندیده پرتو کاملی «نظر عمیقی» افکنده شود از همه گذشته چیزیکه بسیار نا ملایم و نا پسند است همان مسلکی است که دولت ما نسبت به مستر شوستر اختیار کرده است « بشنوید ! بشنوید » سر ادوارد گری ماهیت و حقیقت آن مسلك را در مذاکراتیکه در جلسه چهار دهم دسمبر مجلس وکلای عمومی واقع شده بود در ضمن مذاکره حالات جدیدهٔ ایران اظهار داشت خیلی مایلم اظهار مذکور را برای حضار تذکار نمایم ایشان میفرمایند « تقاضای اول دولت روس انفصال مستر شوستر است از مستشاری مالیه ایران ما تعرضی به این تقاضا نمیتوانیم نمود علت آن را هم به پارلمان توضیح خواهم داد چندی قبل تلگرافاً مطلع شدم که مستر شوستر سه نفر از رعایای دولت انگلیس را بعنوان صاحبمنصبی خزانه به خدمات بزرگی مأمور گردانید اگرچه لیاقت و حسن نیت مستر شوستر محل شبهه نیست ولی این نکته را هم باید در نظر داشت که مقصد و مفاد معاهدهٔ ۱۹۰۷ انگلیس و روس را بواسطه افعال یك نفر نمیتوان فاسد و درهم و برهم نمود ولو مبنای آن افعال بر صحت و حسن نیت هم باشد اگرچه هر نصیحت و خیر خواهی که در اجتناب از این امر توانستم به اسرع وسایل نمودم ولی در صورتیکه آن آراء مفید واقع نشد البته به حمایت مستر شوستر قادر نبودم اگر از مشار الیه حمایت کرده بودم (توجه خواطر عموم را به این استدلال منعطف میسازم) اگر از مشار الیه حمایت کرده بودم گویا از منصوب نمودن مستر شوستر افسران انگلیسی را در منطقهٔ نفوذ روس تقویت نموده و در این صورت مفاد و مقصد معاهدهٔ ۱۹۰۷ انگلیس و روس را نقض کرده بودم » *

خانم ها آقایان : اکنون باید این نکته را بخاطر داشت که اجتماع این هیئت نه برای حملهٔ بر وزیر خارجه است بلکه بسیاری از ما ایشان را محترم میداریم با کمال اطمینان میگوئیم که درهیچ صورت هیچ ایهامی (حمله بر وزیر مزبور) هم نه در اظهارات

خود و نه در بیانات سایر ناطقین نخواهد بود *

ابتداء میخواهم قسمتی از آن بیانات اطمینان بخش (جناب سر ادورد گری) را ذکر کنم وزیر خارجهٔ ما از طرف دولت اعلیحضرت بکفایت و حسن نیت مستر شوستر اعتراف مینمایند پس ملاحظه بفرمائید که کار دانی و شخصانیت مستر شوستر هیچ محل تأمل نیست مسئلهٔ را که باید امشب بسنجیم یعنی نکتهٔ را که سزاوار هست مجامع بزرگتر در خارج از این محوطه بسنجند اینستکه آیا مستر شوستر حقیقةً مفاد و منشاء معاهده انگلیس و روس را نقض کرده است ؟ زیرا که از نقض ظاهر عبارات آن عهد نامه گفتگوئی در بین نیست *

در هر صورت تاریخی را که وزیر خارجه ما نسبت نقض مفاد و مفهوم این معاهده را به مستر شوستر داده اند درست بخواطر ندارم اگر هم بغلط رفته باشم ایشان میتوانند اصلاح کنند که وقتیکه مستر شوستر شروع به اصلاحات ادارهٔ خزانه ایران نمود بوزیر مختار مقیم طهران ما متوسل گشت و از وزیر خارجه ما استفسار نمود که آیا در ماموریت ماژور استوکس بریاست ژاندارمری خزانه اعتراضی خواهند داشت ؟ *

بی شبهه ماژور استوکس رعیت انگلیس است و بنا بود در شمال ایرانهم باجرای وظایف خود به پردازد و آن مسئله چیزی هم نبود که بر کسی پوشیده و پنهان باشد *

جوابی که به مستر شوستر داده شده بدین مضمون بود که وزارت خارجهٔ ما در مأموریت مشار الیه ابدا عذری تصور نمیکند پس آن تغییر از چه وقت و به کدام سبب در مسالك وزیر خارجهٔ ما راه یافت و کی به این نتیجه آخری منتقل شدند که رعیت بودن انگلیس مانع از استخدام در ادارات کشوری شمالی ایران میباشد ؟ در این موقع سئوال دیگری هست که باید قدری بدان توجه نمود اگر این سئوال از خود من بشود که «مستر شوستر آیا در تعیین مامورین بشمال ایران مخالفتی با مفاد معاهده انگلیس و روس نموده ؟» نظر باطلاع کاملیکه از معاهده مزبوره دارم و چون اظهار آن مسالك از طرف دولت اعلیحضرت بوده با کمال جرئت جواب خواهم گفت که در مفاد عهد نامه چیزی نیست که تائید و حمایتی از این اعتراض نماید (نعره) چند روز قبل بیان بسیار مطبوع و پسندیدهٔ از مفاد و مفهوم همین معاهده آنهم از شخص مثل سر جارج بوکانن (Bachanan Sir George) سفیر کبیر انگلیس در پطرسبرگ شنیده شد که در اثنای نطق بلیغ خود در موضوع اتفاق انگلیس و روس همچو اظهار نمود که «قلبا امید وارم این اتحاد

انگلیس و روس در اعماق قلوب هر دو ملت ریشه خواهد دوانید اتحادات معنویه بین ملل مربوط به امور پلتیکی نیست بلکه ناشی از احساسات دوستانه و اعتماد و همدردی ایستکه ملل مختلفه را بطرف یکدیگر جذب و متمایل میسازد پس باید اتحاد خودمان را بر این بنیاد استوار بداریم تا هیچ امری باعث تزلزل آن نشود» بعقیده خودم همه می توانیم با ظاهر عبارت سفیر کبیر خود اتفاق نمائیم (بشنوید ، بشنوید) و آن را مانند سند معمولی به پنداریم که ممد اجراء و نفوذ معاهدهٔ انگلیس و روس باشد پس از خودمان سئوال میکنیم وقتیکه مستر شوستر آن سه نفر رعیت انگلیس را (بخدمات خزانه ایران) مامور نمود آیا مفهوم و مفاد آن معاهده را که سفیر کبیر انگلیس تمجید و وزیر اعلیحضرت در پارلمان توضیح و حمایت از آن کرده بود نقض کرده است یعنی مفاد همان اتفاق و اتحادی را که بین بریطانیای کبری و روسیه جانشین رقابت و سوء ظن سابق گردیده بود

مستر شوستر واقعاً چه کرد ، سه نفر رعایای انگلیس را به شغل مختصر ادارهٔ خزانه ایران در سه شهر مأمور گردانید یعنی در تبریز و اصفهان و شیراز اما تبریز که با سرحد روس از نزدیك ترین نقاط و شصت میل فاصله دارد و محل نزول تجارت بزرگ انگلیس است به نقاط شمالی ایران واصفهان که چند صد میل از سرحد روس دور است نیز در منتها الیه دو شاه راه معتبر تجارتی انگلیس به خلیج فارس واقع است وشیراز هم در نقطه واقع است که عموماً جزء خطهٔ خلیج بشمار است پس در موقعیکه مستر شوستر آن سه نفر را بسه نقطه مختلفه بخدمات مختصر مأمور گردانید چه گونه میتوانست بداند که بامنشاء و مفاد معاهده انگلیس و روس مخالفت نموده است ؟ (نعره) خانمها آقایان باید قدری در این معامله بدقت ملاحظه نمود منطقهٔ روس چنانکه در معاهده انگلیس و روس معین ورسم شده منطقهٔ است برای جلب منافع واغراض تجارتی و هیچ ارتباطی (منافاتی) با تعیین مامورین در ادارات کشوری ندارد تصور بفرمائید اگر این قاعده را جاری و مسلم بداریم که دولت ایران حق ندارد هیچك از اتباع انگلیس را در منطقهٔ نفوذ روس مأمور گرداند معنیش چه خواهد بود ، معنیش اینستکه در تمام خطه که وسعتش ازفرانسه بیشتر میباشد وپای تخت وتمام شهر های بزرگ معروف ایران در آن واقع است اگر اتفاقاً در تمام آن خطه وسیعه یکی از رعایای انگلیس باشد فقط حیثیت رعیتی انگلیس مانع کاملی بجهت استخدامش در ادارات کشوری دولت ایران خواهد بود (شرم !) خانمها آقایان فرض بفرمائید یکی از ماها به ایران رفته بخواهد در یکی از خدمات کشوری دولت

ایران داخل شود و جواب بشنود که « محلی نیست و خواهش شما را نمیتوان پذیرفت » در صورتیکه اصرار بکنند جواب بشنود « با کمال میل که به استخدام شما داریم متأسفانه موانع چندی در پیش است » چنانچه بیش از آن مبالغه کند آیا دولت ایران میتواند همچو جوابی بدهد که « بسیار خوب شمارا بسفارت روس رجوع خواهیم کرد » !! (خنده) در صورتی هم که بسفارت روس برویم جواب معلوم نیست چه خواهد بود ! یقین دارم بطرز خوشی جواب خواهند گفت که چون دو دولت بزرگ یعنی دولتین انگلیس و روس برای اتفاق و اتحاد باهم معاهده را امضا نموده اند به این جهت شما که یکی از رعایای دولت انگلیس میباشید در هیچیك از نقاطیکه به سرحدات روس نزدیك است نمیتوانید مستخدم شوید آنهم در خطهٔ که وسعتش بیشتر از تمام مملکت فرانسه است !! (خنده) و لازم است که امید استخدام خود را به روس و آلمان و ایطالیا و بلجیك و سوید وا بگذاریم همهٔ ایشان یعنی رعایای هر دولتی بخوشی و طیب خواطر پذیرفته میشوند ولی در این عهد میمون جدید بواسطه اطمینانیکه انگلیس و روس نسبت به یکدیگر دارند باید رعایای انگلیس از این حق هم محروم و بی بهره شوند (نعره خنده) *

اکنون میخواهم قلوب شما را بطرف نکتهٔ دیگر متوجه سازم که چه علل و وسایل باعث جلب مستر شوستر به ایران گردید زیرا که از اصل قضیه بخوبی مطلع و مستحضرم از استعمال این کلمات مختصره که « چه علل و وسایلی باعث جلب مستر شوستر به ایران گردید » معذرت میخواهم اوایل سنه ۱۹۰۹ (میلادی) اهالی ایران چون دیدند حکومت در دست سلاطینی که از خانواده ترکانان بوده به پریشانی بدی دوچار و بحالت سختی افتاده و برحسب گفتهٔ خود شان بواسطه استقراضهای بسیار سنگین مملکت شانرا به اجانب میفروختند مصمم شدند که آن پریشانیهارا خاتمه داده و خیالات مغرب زمینیان را پیشرو مقاصد خود ساخته روح تازهٔ در قالب مملکتشان بدمند در ژوییه ۱۹۰۹ جمادی الثانیه ۱۳۲۷ بدون خونریزی آن انقلابات خاتمه یافت نتیجه اش این شد که محمد علی شاه آن زمان مجبور به تحصن در سفارت روس و یك سلطنت مشروطه منظمی بجایش حکم فرما گردید یا بعبارت اخری حکومت مشروطه که درسابق بود معاودت نمود *

ولی دولت جدید مصادف بابلیات و پریشانیهای چندی گردید ملت ایران از چند صد سال قبل در تحت فشار استبداد مطلق زندگانی کرده بود همان استبدادیکه عناصر حیات ملی را درهم شکسته و جوانان ایرانی را از مسافرت به « اروپا » منع میکرد و اگر

کسی دم از قابلیت و استقلال یا آزادی میزد اورا معدوم یا تبعیدش میکردند آن مملکت سر زمینی بود که مدت های متمادیه جثه اش زیر پاشنه ظلم مستبدین پامال و نرم شده بود همان مستبدینیکه در هر مرز و بوم قدم کذاردند تخم زندکانی ملی بسیار دیر روئیده و بارور میشود در همچو مملکتی بود که ملت ایران میخواست طرز رفتار جدید و منظم مطابق قانونی برای خود اختیار کنند چون این نکته را هم ملتفت شده بودند که آنها نمیتوانند نظم کامل و قانون را در مملکت خود جاری و ساری بدارند با یکدیکر میکفتند (منهم بصحت کفتار شان معترفم) « باید به ممالک مغربی رفته دروس ابتدائیه خود را در نظم و اصلاح ادارات کشوری تکمیل نموده و باید مردمانی را بدست آورد که اداراتمان را منظم و طبقه جدیدی از صاحبمنصبان ایرانی را تربیت نمایند » *

خانمها آقایان ایرانیان در خیالات و جلب منافع خود فقط متابعت از ژاپونیها مینمودند چنانکه ژاپونیان مستشاران اجنبیه یعنی مغرب زمینی را جلب نمودند تادروس مغرب زمینیان را به ایشان بیاموزند در این مجمع آیا کسی هست که بطرف ژاپونیان سنك بیندازد (یعنی ایشان را ملامت نماید ؟) *

بهر حال اولین امر مهمی که اصلاح آن را در نظر داشتند اصلاح همین مالیه بود تصور می کنم اول وهله بجهة اصلاح این امر بزرگ به فرانسه رجوع نمودند درآن زمان مسیو پیشون (M. Pichon) وزیر خارجه فرانسه بود مشار الیه بسیار مایل بود که هیئتی را برای اصلاح مالیه ایران اعزام نماید ولی از طرف « دیپلوماسی » روس مقیم پاریس بقدری اشکال تراشی شد که کلیهء اصل خیال را فاسد نمود بعد ازان بجهت نظم ژاندارمری خود شان از ایطالیا خواهش نمودند آن خواهششان نیز بی نتیجه ماند سپس مدبرین ایرانی بدین امید که شاید اشکال تراشیهای مزبوره نسبت به ممالك متحده امریکا مؤثر نشود از رئیس جمهوری آنجا خواهش معاونت نمودند مشار الیه هم مستر مورکان شوستر را انتخاب نمود « نعره » این بود علت اصلیه مأموریت مستر شوستر بایران لیکن چند کلمهء هم باید راجع بشخصانیتشان بیان کنم میکویند مستر شوستر در نقض معاهده انکلیس و روس و خنثی نمودن آن کوشش نموده است ولی تصور میکنم این نسبت بکلی بر خلاف حقیقت و واقع است تا بستان کذشته را با اینکه همه میدانند که چه تا بستان کرمی بود بدبختانه مجبور به اقامت در لندن شده تمام دو ماه اوت و سپتمبر را همین جا ماندم و پیوسته بتوسط تلکراف درباره تعمیر خط آهن ایران با مستر شوستر مشغول

مذاکره و مخابره بودم مشار الیه همواره ساعی بود که امتداد راه آهن دولت ایران را با مواد معاهدهٔ انگلیس و روس تطبیق نماید بلکه از این درجه هم پیشتر رفته مصمم بود نفوذ خود را نسبت بمجلس و مجلسیان بکار برده تا بتواند ایشان را بقبول شرکت انگلیس و روس در تعمیر راه آهن در منطقه های تجارتی که در معاهده معین شده راغب گرداند مستر شوستر تا حدیکه متداول آن عهد نامه واضح و مسلم عند العموم بود خود را دوست و حامی بزرگ آن ثابت گردانید *

پس در این صورت علت اصلی انفصال ایشان چه بوده ؟ میتوان علت اصلی عزل را به یك جمله مختصر اداء نمود ولی این جمله از منشآت خودم نیست بلکه از مکتوب یکی از هموطنانم که در ایران اقامت دارد و چند روز قبل رسیده اخذ نموده ام مشار الیه در صورتیکه نه طرف دار حزب ملی است و نه حامی فرقه دیموکرات علت عزل مستر شوستر را چنین اطلاع داد *

« شغل مستر شوستر از همان ابتدا خراب شدنی بود زیرا معنی ترقیه و آسایش ایرانیان ضعف حکومت و نگرانی روس است در آن مملکت » *

خاتمها آقایان در خاتمه نطق خود سئوال میکنم که غرض از این دعوت چه ، و آنچه ما را از حضور در این مجامع منع نماید چیست ؟ این مطلب محتاج باظهار ندارد که محرك ادبی این اجتماع هیچگونه مخالفتی با روس نیست و غالب ما ها بعقیدهٔ خودم ملت روس را دوست میداریم اگر ممکن بود ارواح جلیلهٔ تصورات و خیالات ادبیه روسی مانند « تولستای ها » (Tolstays) « و تورگنیف ها » (Tourgenieffs) و دیگران (۱) را کنار این میز حاضر نمائیم همه را حامی و طرفدار خود می یافتم (نعره) جراید « لیبرال » روسی در همین زمان حاضر « ارتیکل » هائی راجع بمعاملات ایران مینویسند که اگر ترجمه شود مثل ملاقاتی است که در ستونهای روز نامه های (دیلی نیوز) و « مانچستر گاردن » درج شده نمایندگان حزب رنج بر روس در تقریراتشان در « دومای » روس راجع بطلوع قوای سیاسی (نه فقط در مملکت روسیه بلکه در تمام اقطار عالم) بحدی مبالغه کرده که از اتفاق با مهمانان انگلیسی از این حیث که در محویت و اضمحلال ملت قدیمهٔ ایران با دولت روس شرکت نموده انکار ورزیده اند *

---

(۱) تولستای فیلسوف معروف روسیه بود که دارای مسلك دیموکراسی و حامی رنج بران بوده و تورگنیف نیز یکی از ادبای نامی قدیمه ان مملکت بشمار ست * مترجم

بعضی اوقات شنیده میشود اعضای کمیته ایران مصمم نقض نمودن معاهده انکلیس و روس شده اند این دروغ عمده است که حاکی از بد نفسی گویندگان آن میباشد. ما تخریب و نقض معاهدهٔ مزبوره را طالب و خواستار نمیباشیم بلکه عکس آن با کمال صداقت در تکمیل و تقویتش حاضریم (نمره) در صورتیکه مقصود ما هیچگاه مخالفت با روس و نقض مواد آن عهد نامه نبوده چگونه میتوانیم مفاد و مدلول مسلمشرا محدود نمائیم حضور ما در اینجا اولاً برای اینستکه از خود مستر شوستر تجربیات و بیان واقع اشکالاتیکه راجع به ایران است شنیده و بدانیم که بعقیده ایشان ایرانیان تا چه درجه قابل تکمیل موجبات حیات ملی خود میباشند در صورتیکه دو همسایه قوی مجال حرکت دادن دست وکشیدن نفس به ایشان بدهند ولی مقصود دوم ما شاید قدری شخصی باشد و آن اظهار مطلوبیت عزم محکم و پسندیدگی همت عالی مستر شوستر است که خدماتش را در ایران ممتاز ساخت و نیز اظهار همدردی با خود ایشان است در پیش آمد های ناگواریکه خدماتش را قبل از انجام یافتن خاتمه داد امیدواریم بوسیله این اظهار همدردی پسندیده ترددانیکه در دل هموطنان ساکن ماوراء دریای « اتلانتیکیم » راه یافته دور نمائیم نظر بحسن عقاید و خیالات ملت انکلیس نسبت به آن شخص محترم اتازونی و بمناسبت مقاصدیکه در دل داریم خواهشمندم همگی جامهای خود را بلند نموده سلامتی مستر مورگان شوستر را طلب نمائید ٭

واو

—«❊ سواد دو « آرتیکل » روز نامه « نیشن » مطبوعهٔ لندن که در ❊»—

❊ نهم دسمبر ۱۹۱۱ (مطابق هفدهم ذیحجه ۱۳۲۹) اشاعه یافت ❊

(اول)

—:o:—

—«❊ آزادی مفقود شدهٔ ایران ❊»—

—:o:—

دو هفتهٔ قبل شعاع امیدواری مختصری بقدر یکدقیقه بحالات ایران پرتو افکنده بود ایران في الواقع تحت تهدید محاصرهٔ روس واقع شده از طرف « لرد کرزن » برای

تبدیل مسلك انگلستان عذری پیشنهاد شد که علاوه بر وزین و ناهموار بودنش غیر متوقع هر کس بوده ایرانیان خود را برحم و مروت ما حواله نمودند خدمات مستحسنه و مساعدتهای پسندیده سیاسی از طرف ما نظر به مال اندیشی یا اظهار همدردی نسبت با ایشان تقدیم شد اگر وزارت خارجه ما مایل بود که در معاملات خود باشریك لغزنده و بداندیشش به جوانمردی رفتار کند و اگر دلهای مدبرین روس مختصر اعتنا و توجهی به ممنون گردانیدن شریك بسیار حلیم شان راه یافته بود این حمله بر ان مملکت فوراً منع میشد و اقلاً ایرانیان خاضع و خاشع مملکت خود را سالم نگاه میداشتند ما میترسیم که این امیدوار یها بخاتمه بیاید روسها خود را بسیار موذی و بی رحم ثابت نمودند و بعذرتهای ایران و خواهش و توسطهای ما ابداً گوش نمیدهند افواج ایشان پی در پی بطرف طهران پیش میرود دیپلوماسی ایشان آخرکار اعتراف می نماید فاسد گردانیدن تا ابدالدهر این ادعا را که ایران دولت شاهنشاهی مستقلی بود اگرچه قطعی شدن این امر بی اشکال نخواهد بود ولی سر ادوارد گری در نطق روز دو شنبه مسلك خود را واضح و مشروح تر از سابق بیان نمود یك جمله مختصری هم در عبارات ایشان دیده نمیشود که بعنوان توهین خفیفی نسبت به حرکات و اقدامات روس تعبیر نمود و نه یك کلمهٔ که مداخلات کامله روس را محدود سازد و نه اشارهٔ بغیر مطبوع بودن رد کردن روس آرائی را که علی الظاهر معتدلانه داده شده بود و نه یك فقره که ایرانیان را معاونت نماید درمحفوظ داشتن مقدار قلیلی از ثروت ملی خود بلکه از همه بدتر اینست که سر ادوارد گری نه فقط در حمایت مجانی از حرکات جاریه روس از مسلك خود خارج شده بلکه عامداً اختیار کرده است توسیع سر فنهای معاهده انگلیس و روس را که بنیاد تمام مظالم روس میباشد مفهومی که از صریح عبارات آن معاهده مترشح است اینستکه ایران را تقسیم میکند به منطقه های اقتصادی (تجارتی ؟) که هر یك از آن دو دولت متعهدند ترك مخالفت یا جلب امتیازات دولت دیگر را در حدود و منطقه آن دولت ما هیچگاه این قرار داد را با استقلال و ازادی ایران مناسب نخواهیم پنداشت و همیشه در مباحث خود گفته ایم که ان تقسیم را بواسطه جهالت یا بی اعتنائی به فصول عهد نامه به تقسیم پلتیکی توسعه داده و یا خواهند داد . . . . . .

اخر کار سر ادوارد گری رای اظهار حقیقت اغراض مخصوصهٔ که هر یکی از ان دو دولت در منطقه خود بخود انحصار داده با نهایت چالاکی کلمهٔ پلتیکی را در ان عهد نامه

داخل نمود مثل اینکه گویا از پس پشت انداختن شروط آن اطلاع ندارد همینکه یك
مرتبه کلمهٔ مزبوره استعمال شد باید استقلال ایران را رفته و تقسیمش را تکمیل انگاریم

مناقشه بین مستر شوستر و دولت روس را که منجر بمداخلات دولت مشارالیها گردید
اگر بعبارات مختصری بیان کنیم شاید مناسب باشد مناقشه مزبوره از زمان ورود مستر
شوستر به آن مملکت جاری شده و بصور و اقسام مختلفه تغییر نمود شروعش از طرف
روس شد یعنی از همان وقتیکه خواهش مستر شوستر را در تأدیه عایدات گمرکی به
مشار الیه که مستشار و مدیر مالیه بود رد نمود لباس دیگریکه بر این مناقشه پوشانیده
شد سعی ثابت کاملی بود در پناه دادن و حمایت نمودن دولت روس از ارکان و اعیان
مملکت که تا بحال به تأدیه مالیات املاك خود تن در نداده بودند تا از این راه توسعه
و ازدیاد مالیات را مانع آمده باشد سپس مخالفت روسیان در فقره استخدام رعایای
انگلیس بود که از زبان و رسوم ایرانیان کاملاً واقف و محل اطمینان اهالی بودند بخدمات
مختصر خزانه در شمال ایران اگرچه نمیتوان اعتراف نمود که اصرار مستر شوستر در این
استخدام با نداشتن اطمینان از طرف مستر تفت و سر ادوارد گری کلیةً مطابق صحت و
تدبیر بوده ولی از حیثیت ادای وظیفه اش مسلماً حق و درست بوده است این مقدمه
راه نما و موصل ما خواهد بود به تعبیریکه از مفاد معاهده مزبوره شده اگر ایران واقعاً
دارای حکومت مستقلی است پس حق خواهد داشت هر کس را که بخواهد به نظارت
مالیات خود مأمور گرداند اگر انگلیس و روس حقیقةً غرضشان از آن معاهده فقط
مقید بودن به احترام از امتیاز و انحصارات اقتصادی یکدیگر میباشد آنهم در منطقه های
متناسبه خود شان پس مسلم استکه دراستخدام در شعب مالیه مسئله تبعیت و رعیتی امری
نیستکه منافات با مقاصد ایشان داشته باشد (به هنرشان بر بخورد) ولی در صورتیکه
غرضشان رقابت یا تفوق پلتیکی استکه در دو خطه مفروضه شمال و جنوب ادعا می نمایند
پس ارسال و تعیین صاحب منصب انگلیسی را در منطقه نفوذ روس باید مخالف با مفهوم
و بلکه با ظاهر مواد آن عهد نامه دانست چنانکه متعاهدین همین قسم تصور نموده اند
از این بیان حیثیت پلتیکی آن تقسیم بخوبی ثابت و محقق میشود ٭

سپس واقعه شعاع السلطنه پیش آمد و سر ادوارد گری هم بطوری بسهولت از ان
اغماض کرد که گویا (تمس) اراده حمایت هم از حرکات روس ننموده بود اگر مثلاً دولت
ایران نتواند ژاندارم ایرانی را برای تنفیذ احکام خود بر رعایای ایرانی که مدیون او شد

مأمور گرداند پس شاهنشاهیش در مملکت خود خاتمه پذیرفته است این مسئله سبب اصلی لشکر کشی روس بدان مملکت گردید اما بهانهٔ جاری داشتن روس پیش قدمی خودرا پس از انکه دولت ایران مطابق رأی وصلاح دید دولت انگلیس معذرت خواست و برای قبول مطالب جدیدهٔ روس که یقیناً سر ادوارد کری در قبول آن نیز رأی داده بود حاضر شد مستر شوستر در همان اثنا ترجمه مکتوب خود را به (تمس) لندن اشاعه داد ودر آن دفاع نموده بود از تهدیدات روسها ومخالفتهای موثره مهلکه را نسبت به گماشتگان روس ثابت نموده بود بجهة مساعدتهائیکه بشاه مخلوع نموده بودند در این مورد احتمال شبهه و تردید میرود که خود مستر شوستر مسئول اشاعه آن مکتوب بوده ؟ اگر دولت بزرگی بتواند بر مملکت کوچکی فقط بدین بهانه قشون و حمله نماید که یك نفر صاحب منصب خارجی آن دولت کوچك جرأت کرده است که در رد حملات جراید نیم رسمی انگلیس و روس مکتوب معتدل با استدلالی به (تمس) بنویسد پس باید تمام روابط متصورهٔ بین المللی را تغییر داد مثلاً اگر یك نفر صاحب منصب آلمانی حملات (مکنا) (Mokanna) را در تسریع صرمت جهازات در (تمس) رد نموده بود آیا ما میتوانستیم آن تحریر را علت جنك قرار دهیم ؟ حقیقةً این قضیه همان قصهٔ کرگ و بزه و بحدی ظاهر است که هیچکس تحمل تشریح بیش از اینش را نتواند نمود *

بیان واقع اینست که دولت روس از اول مصمم بمخالفت با مستر شوستر بود زیرا که مشار الیه قدرت و بی باکی امریکائیشرا از اول ابراز نموده و ایران را بزودی قابل نظم و تأدیه قروضش ساخت اگرچه مشارالیه شخصی نبود که بدون جد و جهد مغلوب کسی واقع شود ولی عاقبت شمشیر روس بر قلم او ظفر یافت وقایع مزبوره را یك فقره مطالبه رسمی دولت روس که بسر نیزه تفنك خود نصب نموده بود خاتمه داد سر ادوارد کری در تقریر سه شنبهٔ خود حقانیت آن مطالبه را ثابت نمود که دولت روس در مخالفت با استخدام رعایای اجانب در ایران محق میباشد حقیقةً دولتین انگلیس و روس بتوسط این ادعا ضمانت نامه خود شان را در بارهٔ ازادی و استقلال ایران چاك کردند (یعنی نسخ و باطل نمودند) و استقراض متعارفی دولت ایران برای تأدیه میزان متعارفی خسارت ان لشکر کشی روس دوم قدم بود تعیین مفتش رسمی اجنبی در تحت نفوذ روس حکمرانی او را در طهران مسلم خواهد گردانید در ان صورت ماتاکی تحمل خواهیم نمود که جنوب ایران را در تحت حکومت طهرانی به بینیم که مرکز مسلك روسها شده است ؟ عاقبت

چار و ناچار باید منطق و استدلال تقسیم را پیروی نموده تمشیت سیاسی جداگانه برای نظم جنوب فراهم نمائیم زیرا اداره کردن منطقه نفوذ انگلیس تا مادامیکه تحت حکومت شهری باشد که کلیة در تحت نفوذ قزاقهای روس و دیپلوماتهای روسی و مأمورین مالیه روس و مفتشین اجنبی تحت اقتدار رأی مخالف روس است کار مشکلی بنظر می آید اگرچه سخت گیری و وحشی گری و عجولی سلوک ما بالنسبه خیلی ملایمتر است از وضع سلوک شریکمان ولی چون در هر اقدامیکه نموده سکوت کرده ایم ما هم دیر یا زود از تأسی باو نا چاریم و پس از چند سال ما هم منطقه جنوب را قابض خواهیم شد چنانکه الآن روس در شمال است کابوسی که خواب چندین صاحب افسران نظامی هند انگلیس را پریشان بلکه حرام نموده بود آخر کار بسعایت و طیب خواطر خودمان بحقیقت خواهد پیوست و افواج روس و انگلیس در محل غیر معینی باهم مقابله نموده و ما باید در معنی یك دولت نظامی بزرگ قارهٔ اسیا بشویم و روس و عثمانی را با افواج قرعه بی شمار شان همسایهٔ بی آرام خود خواهیم یافت *

اگر ممکن بود مسائل متعلقهٔ به ایران را موافق استحقاقش بیان کنیم پس در تاریخ سنوات جدیده تغییرات سترگ مشاهده میشد با داشتن و نداشتن این معاهده میتوانستیم درهر دو صورت روس را پای بند به اجتناب از مداخلهٔ امور ایران سازیم خلاصه اینست که ما حس جوانمردی و اصول آزادی و احترام ملی و هر گونه دور اندیشی راجع بمنافع مشرقی خود را از دست دادیم اگرچه این مسلك را خطرناك و احمقانه می پنداریم ولی ممتنع الوقوع و دور از فهم نمیدانیم این امر یکی از نتایج مسلك بسیار وخیم اروپائی سر ادوارد گری میباشد یك وسوسهٔ سادهٔ سطحی از اول حکم فرما بوده که مبادا این دولت روس با دول دیگر بطرف آنچه دایرهٔ دیپلوماسی آلمان میدانند جلب شود در هر سال مظلمه و وبال بی نهایت دیگران را بذمه خود میگیریم برای تحصیل اطمینان در باز داشتن بعضی از دول بمصالحهٔ کامله با آلمان چنانکه از صورت محاسبه فرانسه در معامله مراکش و نتایج آن وتسلیم کردن حصهٔ بزرکتر ایران را با کمال آزادی و اطمینان خواطر بروس بخوبی ظاهر میشود آیا این قسمت گزاف مناسبی بود برای وصول به این مقصد ؟ و باوجود سطح پست این معاملات منفعت دیپلوماتی که تما رسیده چه بوده است؟ اگرچه دولت روس در ابتدای آن معاملات شریك قابل اطمینان فرانسه شناخته شد ولی امروز در متخیله هیچکس هم خطور نمیکند که دولت مشار الیها مداخله مسلحه بکنند

درصورتیکه جنگی از واقعه (آکادیر) بروز نماید و ما هم نمیتوانیم در این کار او را ملامت نمائیم حقیقت واقع اینست که تا کنون بنگاهداری دولت مشار الیها در محل اصلیش موفق نگردیده ایم یعنی در داخل دایره فرانسه و انکلیس دولت روس با آلمان شرایط و معاهداتی در (پوتسدام) کرده که نه اقدامات دلبخواهانه اش در ایران و نه مجاهدات و باران طلای انکلیس که درمعاملات نقدی براو باریده برای خریداری صداقتش کافی خواهد بود علتش بسیار واضح است زیرا در مشکلات لشکریکه مسالک ما او را هر روز دوچار مسازد و نمیتوانیم او را امداد نمائیم کوتاهی ما برای بکار بردن عبارات خشن خود در بحران (بوسینا) برای ابدالدهر آن امیدواری را خاتمه داد ما در (اروپا) بازی های در می آوریم (تحریکاتی میکنیم) که استعداد آن را خودمان نداریم و بواسطه حرص وطمع زیادی که ناشی از امور بی تناسبی است آخرکار یا باید بعجز و تسلیم حاضر و یا به خطر مغلوبیت تن دردهیم درصورتیکه مجبور شویم که همچو قیمت سنگینی مثل ایران را برای بیطرفی روس باو به پردازیم ظاهر است که ستاره ما در عروج نخواهد بود *

(دوم)

ایران در حالت التجا است

درازمنه سالفه که خصائل غارتگری انسان با قصص و حکایات جوانمردیش مخلوط بهم بود اشخاص مقتدر و متنفذ بحمایت و احترام حقوق کسانیکه بایشان ملتجی شده بودند فخریه و مباهات مینمودند مثلاً درزمانه هومر (۱) (**Homer**) اگر شخص بیچاره به یکی از رؤسای آن زمان متوسل میگشت فوراً جان و مالش در حفظ و حمایت آن رئیس در امان بود واگر شخص فراری به یکی از طوایف آبادانی پناه هنده میشد یقین داشت که دارائی و صرفه و منافعش مانند منافع خود آن طایفه محفوظ خواهد بود این بود عادات پسندیده ملل که درظلمت وحشی گری و بربریت مستور بودند ولی دیپلوماسی جدید قوانین تازه برای بقاء شرف و عزت خود ایجاد نموده است دوهفته قبل دولت ایران

(۱) هومر یکی از شعرای معروف یونان بود که درعصر او استبداد و بربریت در تمام آن مرز و بوم حکم فرما بود *

بواسطه تهدیدیکه از لشکر کشی و حملهٔ روس بر او شده بود رسوم معینه را عمل نموده به ما ملتجی گردید و به زانوهای سنگی (دونینك استریت) (۲) (Donaning Street) آویخت ما آن حالت قلق آمیز را پذیرفته و مسئولیت این امر را قبول کردیم که اگر دولت ایران به این رأی خرد مندانه ما و حال آنکه بهیچ وجه شائبه فتوت در آن نبود عمل نماید یعنی مطالبات روسرا (اگرچه که خود دیپلوماتهای ما هم آن رأی را مطابق وجدان خود نمی پنداشتند) با کسوت مسکنت و فروتنی به پذیرد و معذرتی هم از روسها برای توهینیکه بر حسب ظاهر به آنها وارد شده بود بخواهد و حال آنکه حق باخود ایرانیان بود ایرانیان خوش باور پیروی رای مزبور را نموده گمان کردند که اثر نفوذ ما در منع از پیشقدمی روس مفید واقع خواهد شد ممکن بود تصور شود که اگر جنبه ترحم ما جنبشی نکند شاید عرق غیرت و حمیت ما محرك امداد به ایشان شود در هر حال ایشان متابعت از رای ما نموده عوض کاملی بروس دادند اگر نتیجهٔ آن متابعتها سیادت ما را ملزم بهمراهی با ایشان نمینمود اقلاً رعایت اثر و نفوذ مان مقتضی بود که ایشان را از تصادف با مطالبات و مظالم بیشتر از آن محافظت نمائیم این قضیه ایرانیان را فهماند که هیچ کس نباید بی درنك تصور کند که مسلك وزیر خارجه این عصر متمدن مطابقه خواهد نمود با مسلك ارواح مصادر امور زمانه «هومر» یا قطاع الطریقان «البانی» «عجب در اینست» که با اینکه ما در امداد و محافظت ایرانیان هیچ جنبشی هم ننمودیم هیچ کس نمیتواند تهمت سستی و بی اعتنائی هم بما بزند همچو معلوم میشود که مطالبات فوق العاده شریك خود را تصویب نموده ایم دولت روس سه امر را درخواست نموده عزل مستر شوستر پذیرفتن ایران رای انگلیس و روس را در مخالفت با حق استخدام دولت ایران مستخدمین اجنبیه را از هر مذهب و ملتی که باشند تادیهٔ خسارتی برای معاوضه مصارف لشکر کشی روس که برای قبولاندن مطالب خود به ایرانیان تحمل زحمت نموده اگرچه در فقرهٔ اول آن شروط به رضایت و علی الظاهر به تصویب ما بوده ولی شرط دوم ثابت میکند حقانیت ما را در امریکه با روس در آن شرکت نموده ایم بر حوصلگی ما در سکوت از مطالبات نقدی روس منسوب بظفرمندی است در هنگامیکه با چشمهای خود مان میدیدیم که جیب های آن ملتجی را خالی میکند صورت خود را بر گردانیده

(۲) دونینك استریت اسم یکی از کوچه های شهر لندن میباشد که وزارت خارجه در آن واقع است *

و اورا بعنف و جبرًا از خود دور ساخته و در تضییع حقوقش بامید حفظ شرافت و سیادت خود شرکت نمودیم *

آراء عمومی اعضای حکومتی را که باسم او کار میکنند اجازه نمیدهد که مسلکی اختیار نمایند که هم بسیار پست و سخیف و هم مثل این اقداماتشان ضعیف میباشد سر ادوارد کری ابدًا اعتنائی بخواهش و اظهارات هموطنان خود ندارد اکنون هم مسلک اورا میتوان تغییر داده احساس خطر هر یکی از افراد قاعده دان ملت انگلیس را از عروج بر این مسلك میتوان حمل بر احساسات خردمندانه نمود این مطالب بدرجه مسلم است که محتاج شرح و بیان نیست که اینگونه مطالبات انگلیس و روس مستلزم نقض شاهنشاهی ایران و با یکدیگر آمیخته است شرط عزل مستر شوستر باین مناسبت که در «تمس» از حملات جسورانه جراید روسی فقط دماغ شخصی نموده امری نیست که هر ملت شرف دوستی آن را حمل بر اراده مداخله نماید و آخر کار در جواب آن احتمال جنك برود شرط اول چندان دارای اهمیت نیست و میتوان قومی را بلشکر کشی یا تهدید لشکر کشی ظالمانه بقبول خواهشهای دولت مقتدر تری مجبور نمود و ایشانهم استقلال خود شان را حفظ نمایند منتهی باز احتمال تجدید آن مظالم میرود ولی شرط دوم مداخله اجانب را معمول و تا ابدالدهر جاری میگرداند حالت ایران بدبختانه طوری واقع شده است که باید اجانب را برای نظم افواج مسلحه و وصول مالیات خود مستخدم گرداند وغیر از این صورت نمیتواند امیدوار به اصلاحات سریعه موثره خود باشد و بهیچ شرطی ممکن نخواهد بود که بتواند از صرافان بازار های اجانب استقراض نماید استقلال رأی و قوت آزادی مستر شوستر ضمانت کافی بود برای اطمینان صرافان در صورتیکه ایران مستقل و خود مختار بود میتوانست از دول بیطرف و بیغرض معاونت خواسته آزادیش را تا ابدالدهر برقرار بدارد *

این شرط نوظهور که از طرف سر ادوارد کری و روسها بدولت ایران تحمیل شده نتیجه اش اینستکه ماهرین خارجهٔ ایران را مجبورًا مأمورین خود شان ساختند انتخاب ملازمین انگلیسی یا روسی برای ایشان فرقی نخواهد کرد بلکه مقصود شان اینست اشخاصی را برای استخدام در ایران نامزد نمایند که آلت اجرای مسلك خودشان باشد و از کسانی حمایت و استظهار نمایند که ایران مجبور بقبول خواهش هایشان بشود چنانکه مسلك حکومت ما در مصر نیز بهمین طریق است اگرچه مأمورین ما فقط رأی داده و نه

امور داخلی بهیچ قسم مداخله نمیکنند ولی دولت مصر در اجراء آن مجبور است اگر این شرط هیچ اثری نکند اقلاً نقض کاملی از شاهنشاهی ایران کرده و حقیقةً منجر بحکمرانی رأی دو حکومتی می شود که بمراتب سخت تر و شدید تر از حکومت یگانه ما در مصر خواهد بود *

از سنه ۱۹۰۷ پلتیك خود را باین درجه رسانیده و نفوذ دادیم ماخود داری نمیتوانیم نمود از ذکر شمهٔ از مضمون مراسله که وزیر مختار ما به آن دولت خوف زده نوشته و از مقصد و مفاد عهد نامه انگلیس و روس توضیح نموده بود غرض آن مراسله مطمئن ساختن ایرانیان بود از نتایج آن معاهده که نه منجر بمداخله خواهد شد ونه منتهی به تقسیم مملکت مفاد مراسله مزبوره این بود که سر ادوارد گری و مسیو ایسوالسکی متفقند بر اینکه «هیچ یك از دولتین متعاهدتین درامور ایران مداخله نخواهند نمود مگر در صورتیکه خطر و نقصانی بمال و جان رعایایشان برسد .» اگر چه اصول مسالك هیچ دولتی واضح از این نمیشود ولی از اول تا به آخر ایمائی هم بطرف این مطلب ننمودند که چنین موقع و بهانهٔ بجهة مداخله شان رسیده باشد ما ابداً رعایتی از این مطلب نمی نمائیم که مستر شوستر در انتخاب مأمور و معاونین انگلیسی یا در ادارهٔ وصول مالیات از اعیان و اکابر مملکت یا در نوشتن مکتوب به « تمس » بحق رفته باشد یا بغلط ولی این مسئله را نمیتوان انکار نمود که مشار الیه اقدام بامری نکرد که نتیجه ان خسارت جانی و مالی رعایای روس باشد اگر چه نمیتوان گفت که ما نگهبان برادر خود نیستیم و در حقیقت مداخلات روس را تصویب نموده ایم ولی اگر تمکین از مطالبات او هم بنمائیم گویا مسئولیتی که در آن معاهده بر حسب تعبیر خود به ذمه گرفته نقض نموده ایم مراسله مزبوره به اینجا منتهی میشود که دولتین می خواهند « آزادی و استقلال آن مملکت را ضمانت نمایند » بعد از آن چنین مندرج است که « نه برای اینستکه در صدد بهانه جوئی بجهة مداخله باشند بلکه مقصود شان از این معاملات دوستانه است که ازمداخلات یکدیگر که به بهانه محافظت حقوق و منافع خود میکنند جلوگیری نمایند » اگر این جمله مفادی داشته باشد جز این معنی نمیتوان تصور نمود که مقصود فهمانیدن بایرانیان است که غرض اصلی از این معاهده حقیقةً اتحادیست بجهت محافظت ایران که هر یکی از متعاهدتین مانع از مداخلات بیجای دیگری بشود امروز ما عهد خود را شکسته و پامال مرتکب ظلم خواهیم شد و روسهم برخلاف عهد و میثاق خود از هرگونه مداخله

مضایقه ندارد ما مشارالیه را نه فقط اجازت میدهیم در ان اقدامات بلکه افعال ناپسند او را تصویب مینمائیم ابتداء تعهد نمودیم که « ایران برای ابدالدهر از خطر مداخلات اجنبیه محفوظ و آزاد باشد . » و نیز برای اینکه « بتواند امور داخلی خود را موافق دلخواه خود منظم گرداند . » ولی چهار سال بعد اصرار میکنیم در استخدام و نامزد کردانیدن اجانب در آن مملکت تا امور آن کشور را بر وفق میل و مرضی ما منظم کردانند غلبهٔ سرادوارد کری بر آراء عمومی در این مدت مدید میشوم خدمتش بعقیده خودمان بواسطه شخصانیت مشار الیه است نه برای لیاقت و کفافیتش هیچکس تهمت زیرکی و خردمندی و مهارت و فوق العاده عالم بودن هم بمشار الیه نزده است بلکه ملت انگلیس به استقلال رای و مآل اندیشی و احترام شخصی او اعتماد نموده این بیوفائی (مکر) آخری نسبت بایران هرکز نمیتواند مظهر همچو شخصانیتی واقع شود *

هیچگاه نمیتوان تصور نمود که ان حرکات شنیع چاره پذیر نیست از جوابات پریشان و مختصر وزارت خارجه میتوان استنباط نمود که خیالاتش راحت نیست و همچنین از جواب لرد موزلی به لرد کرزن با تغییر لهجهٔ که هنوز هم اوازش از تمس شنیده میشود امیدواریم در تاریکی (سرا) مشغول اصلاح باشد اکر این امر (یعنی تقسیم ایران) صورت پذیرد نتایجش کشف و بدترین صدمه اش نقصان به اخلاق و شرف ما در مشرق خواهد بود تاکنون هیچکس تصور نکرده است که ما عمداً به بی شرفی خود تن در داده باشیم علی الظاهر مثل ما مثل شریك ضعیفی است که نتواند از اقدامات نا پسند شریك قوی و بدنیت خود جلوکیری نماید معنی این حرکات بار سنکین فوق الطاقه است که سربار کرفتاریهای ما شده و از این رو باعث خوشنودی سری دولیکه طالب قرعه لشکری میباشد خواهد شد و حدود هندوستان را تبدیل و امتداد به ریکستانها بر وسط ایران داده و تصادف سواران هندی را با قزاقان روس حتمی الوقوع خواهد کردانید انهم در سرحدی موهوم غیر محفوظی در این معاهده مناقشات محتمله سختی با روس مستتر است که دیباچه جنونی ما خواهد بود ثلث ایران منطقهٔ بیطرف بشمار است و قسمت بزرکی از بنا در خلیج در ان واقع است با این حال اکر روس در طهران حکمران شود حکومت این حصهٔ بلا مالك باکی خواهد بود از تمام نتایج خطرناکی که در این کار پوشیده است شاید سخت تر این باشد که المان نیز خواهش معاوضهٔ معمولی بنماید روس در « پوتسدام » ازادی و اختیارات کاملهٔ برای خود خریداری نموده است *

ولی ما تاکنون باج معمولی خود را اداء ننموده‌ایم مناقشهٔ «آسیای» بعید نشاید در هر آن مبدل بمناقشه اروپا گردد دراین صورت عثمانی را که همسایهٔ مجاور ایرانست همچنین مصر را در شرکت و مداخلات بسیار راغب خواهیم یافت ایرانیان فی الواقع ناچارند واز اظهار تنفر از شرکت ما در این امر که باعث خفه گردانیدن حیات ملی شان هنگام تولدش شده است چنانچه دولت دیگر هم اگر با ما اینگونه رفتار وما را پریشان کرده بود اقدامات اورا حمل بر غیرت و حمیت نمی نمودیم نظر باینکه هر سلطنتی مجبور به تأدیهٔ تاوان است در عوض توهین بملت دیگر ممکنست مداهنت با روس ما را نیز مصادف با چندین روزی بنماید سر ادوارد گری هنوز هم میتواند از این مخاطرات مساسات خود را نجات دهد مثلاً میتواند پروتست سختی بر خلاف التیماتوم روس بکند و میتواند خواهش اخراج (نه فقط قشون تازه) بلکه تمام افواج ساخلوی روس را از تبریز و سایر نقاط ایران بنماید آنهم در تاریخ معینی ایشان میتوانند اظهار نمایند که این لشکر کشی مخالف با روح تمام مواد آن معاهده است بله فقط حرف اظهار همچو اراده ولو یکی از وسایل مخفیهٔ دیپلوماتی هم باشد ظن غالب اینستکه بی نتیجه نخواهد ماند اگر این تدبیر هم مؤثر واقع نشود پس وقت آنستکه از فرانسه چیزی درعوض هدیه که در سلطنت شمالی افریقا بدیشان تقدیم نموده مطالبه نمائیم روس از خوف برودت بازار صرافان پاریس و لندن که مبادا درهای خزاینشان را بروی وی به بندند طالب زندگی نخواهد داشت و سایل رهائی از این منظرهٔ خطرناك باقی وکلیدش در دست سر ادوارد گری میباشد بشرط اینکه اقلاً بقدر نصف این سستی سخت گیر باشد نسبت بشریك منقلب خود چنانکه آن شریك با حریف ساده دل و متدین خود رفتار نموده است از درج یك مقاله در «تمس» لندن و مقاله دیگر به تائید آن در «تامپس» پاریس شاید بخوبی بتواند از پیش قدمی روس جلوگیری نماید ما که اینگونه تدابیر را همیشه برای بدام آوردن و گرفتار کردن مورها (یعنی دول ضعیف) بکار میبریم

پس چه ضرر دارد بجهت آزادی

ایرانیان بکار بیاندازیم

❋———❋

❋ ❋

❋
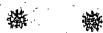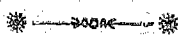
بسعی و اهتمام

جناب مستطاب مجد الاجلة و التجار
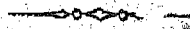
اقای حاجی شیخ محمد حسین صاحب

تاجر شیرازی دام اقباله العالی

در بمبئی در مطبع شرافت

زینت طبع یافت

فی شهر صفر المظفر ۱۳٤۰ ہجری